

ژورنال

شماره ۶۰۱

سر دبیر این شماره: سوسن صابری

۱۳ دسامبر ۲۰۲۳ – ۲۲ آذر ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

“حقیقت را نمی‌توان خاموش کرد”

سیامک بهاری

افزایش حقوق کارگر تورم‌زا است!

اصغر کریمی

فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان

شهلا دانشفر

کساد مساجد یک معضل جدی حکومت

کاظم نیکخواه

“حقیقت را نمی‌توان خاموش کرد”

سیامک بهاری

جایزه ساخاروف به مهسا ژینا امینی، به اسم رمز خیزشی عظیم تعلق گرفته است. این جلوهای پر غرور از تداوم انقلاب زن زندگی آزادی است که همچنان جهان را خطاب قرار می‌دهد و شناعت و بی‌رحمی یک حکومت خون‌ریز را پیش چشم جهانیان می‌گیرد.

مژگان افتخاری و امجد امینی، مادر و پدر ژینا توسط وزارت اطلاعات از سفر برای دریافت این جایزه بازماندند و اجازه خروج نیافتند. صالح نیک‌بخت وکیل مدافع خانواده که به نیابت از آنها برای دریافت جایزه و قرائت پیام خانواده

آمده است، قبلاً به جرم دفاع از حقیقت و موکل خود به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس محکوم شده بود. افسون نجفی، خواهر حدیث نجفی دختر ۲۲ ساله‌ای که به ضرب شلیک شش گلوله به سر و سینه‌اش جان باخت و مرسته شاهین‌کار که یک چشم خود را در اثر اصابت گلوله ساچمه‌ای از دست داده است، در پیشگاه وجدان جامعه جهانی، با قامتی استوار نمادی گویا، فریادی از بطن انقلابی به خون کشیده شده‌اند! سند زنده‌ای از بازماندگان و جان به در بردگان جنایتی مکرر توسط حکومتی خون‌ریز که مذبوحانه مادر و پدری داغ‌دیده را به گروگان گرفته تا به خیال خام خود، جهان صدای اعتراضاتشان را نشنود. اینجا در این مراسم استقامت، شجاعت و جسارتی بی‌مانند در مصافی نابرابر، مانند تابلویی

گویا مقابل چشم جهانیان گرفته شده است.
در مراسم اهدای عالی‌ترین جایزه پارلمان
اتحادیه اروپا، دخترکی ۱۱ ساله به مادرش، به
مرسده شاهین‌کار با تحسین چشم دوخته است
که چگونه از او تقدیر می‌شود که همچنان دارد
فریاد انقلاب را به گوش جهانیان می‌رساند.

صالح نیک‌بخت، پیام مادر ژینا را قرائت
می‌کند: ”او تجلی زندگانی و زندگی است. هم
او که نامش رمز رهایی شد و رؤیای آزادی را
به تمام ایران و خاورمیانه و جهان گسترانید.
مظلومانه جانش را ستاندند و در خیال خود
چنین پنداشتند که با ستاندن جان از کالبد،
از بودن باز خواهد ایستاد. آنان نمی‌دانستند از
خاکستر ژینا روحی تسخیرناپذیر و الهام‌بخش
متولد خواهد شد.“ این سخنان سنجیده و آتشین

سیلی محکمی به گوش حکومت اسلامی است که مذبوحانه مادر و پدری را که به عزای فرزند دل‌بندشان نشانده بود حتی از سفر بازداشته است.

پارلمان اروپا سال گذشته با اکثریت آرا به تروریست بودن سپاه پاسداران جمهوری اسلامی رأی داد و امسال با اهدای عالی‌ترین جایزه خود به ژینا یک‌بار دیگر جمهوری اسلامی را محکوم کرد. اقدامی که باید توسط دولت‌های اروپایی برای بایکوت جمهوری اسلامی در دستور قرار گیرد.

چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۲

۱۳ دسامبر ۲۰۲۳

افزایش حقوق کارگر تورم‌زا است!

اصغر کریمی

وزیر کار رئیسی گفته است که افزایش دستمزد کارگران به زیان آنها است؛ چون تورم را افزایش می‌دهد!

این در حالی است که گفته می‌شود حقوق وزرای رئیسی دو و نیم برابر شده است. ظاهراً تنها چیزی که تورم را افزایش می‌دهد حقوق کارگر است. حقوق‌های نجومی مدیران و مقامات حکومتی، دزدی‌های سه چهار میلیارد دلاری تأثیری در تورم ندارد. افزایش قیمت‌ها که هر روز سودهای کلان به جیب قشر مفت‌خور سرمایه‌دار و آقا‌زاده سرازیر می‌کند تأثیری در تورم ندارد. هزینه‌های

دم‌ودستگاه مذهب و گله آخوند، حجاب‌بان‌ها و لباس‌شخصی‌ها و انواع نیروهای سرکوب که نقشی نه در خدمات دارند نه در تولید نیز تأثیری روی تورم ندارد! نوبت به تولیدکنندگان و خدمات‌دهندگان اصلی جامعه که می‌رسد، افزایش چندرغاز حقوق پنج بار زیر خط فقر آنها موجب تورم می‌شود! شیادی این‌ها حد و حدودی ندارد.

یکی از اصول‌گراهای دلسوز حکومت گفته است: ”حقوق ۵۰ میلیون تومانی را وزرای رئیسی می‌گیرند، دادگاهش را من باید بروم؟! حقوق وزرا دو برابر نشده، دو و نیم برابر شده است.“ باید اضافه کرد که حقوق وزرا و مقامات حکومتی در مقایسه با سایر درآمدهای آنان واقعاً رقمی نیست.

پاسخ این خزعبلات حضرات را مردم با انقلابشان

و با شعار "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی"
در خیابان می‌دهند. کارگران نفت و پرستاران
و بازنشستگان و سایر مردم به‌جان آمده نیز در
تجمعات هر روزه‌شان و با شعارهای رادیکالشان
دارند پاسخ می‌دهند: "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد"،
"با این حقوق ناچیز، جان‌ها به لب رسیده"، "اعتراض
تشکل حق مسلم ماست"، "کارگر و بازنشسته اتحاد
اتحاد"، "درمان رایگان تحصیل رایگان حق مسلم ما
است"، "رئیزی قالیباف این آخرین پیام است ارتش
بازنشسته آماده قیام است" و سرود زیر بار ستم
نمی‌کنیم زندگی و ده‌ها شعار دیگر علیه مقامات
و ارگان‌های حکومتی. "باتوم و گارد ویژه دیگر اثر
ندارد" شعار دیگری است که کارگران ذوب آهن در
تجمع و اعتصاب اخیرشان علیه سرکوبگران دادند.

کل جامعه می‌داند که تحقق هر خواست

کوچک و بزرگی در گرو پایان دادن به این نظام است. خیزش‌های انقلابی پشت سرهم، ناشی از درک عمیق مردم به یک ضرورت تاریخی است. پایان دادن به دستمزدهای شرم آور اکثریت زحمت کش جامعه، پایان دادن به حاکمیت عقب مانده ترین خرافات، بی حقوقی عموم مردم، بی حقوقی زنان و فساد و سایر مصائب این جامعه، متشکل شدن بخش های مختلف مردم، متحد شدن، اعتصابات سراسری و حضور در خیابان است. مردم هیچ حرفی با شما ندارند الا یک کلمه: نه.

چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۲

۱۳ دسامبر ۲۰۲۳

فراخوان شورای هماهنگی

تشکل‌های صنفی فرهنگیان

شهلا دانشفر

۲۱ آذر بیست و هشتمین هفته تجمعات اعتراضی
بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته
بود. این بازنشستگان هر سه‌شنبه در اعتراض به فقر
و بی‌تامینی و علیه بساط تبعیض و چپاول حاکم و
سرکوبگری‌های حکومت، سراسری تجمع می‌کنند
و پیگیر مطالباتشان می‌شوند. اتفاق مهم در این هفته
اعلام روزهای سه‌شنبه به‌عنوان روز اعتراض مشترک
معلمان شاغل و بازنشسته از سوی شورای هماهنگی
تشکل‌های صنفی فرهنگیان است. این شورا طی
بیانیه‌ای حمایتی با اعلام خواست‌های فوری معلمان
شاغل و بازنشسته بر تجمعات اعتراضی مشترک آنان

برای پیگیری مطالباتشان تأکید کرد. این فراخوان گام عملی دیگری در جهت تحقق بخشیدن به شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" از سوی معلمان است. یک اتفاق مبارزاتی مهم در جنبش معلمان که برداشتن قدم‌های عملی در راستای آن تأثیر مستقیمی بر قدرت‌گیری دوباره این جنبش دارد. از جمله تأثیر این فراخوان را در تجمعات همین هفته بازنشستگان کشوری و حضور برخی از معلمان شاغل شاهد بودیم. بکوشیم تا این حضور را حداکثری کنیم.

"شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" شعار اتحاد طبقاتی کارگری در سطح جامعه است که بخش‌های مختلف بازنشستگان پیش‌تاز آن بوده و خود عملاً در جهت آن گام برداشته‌اند. شعاری که پژواکش به نفت، این مرکز کلیدی کارگری هم رسیده است و در اعتراضات علیه چپاول صندوق بازنشستگی نفت،

شاهد تجمعات مشترک کارگران رسمی شاغل و بازنشسته و فریاد این شعار بوده‌ایم و اکنون پژواکش به معلمان که اعتراضات قدرتمندشان در سال‌های اخیر حماسی بوده رسیده است.

همسان‌سازی حداقل ۹۰ درصدی با شاغلان برای معلمان بازنشسته ظرف حداکثر دو سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ و اجرای کامل طرح رتبه‌بندی معلمان شاغل، بیمه کارآمد و رایگان، آموزش غیرایده‌ولوژیک و رایگان، پایان‌دادن به امنیتی‌کردن مبارزات و بسته‌شدن پرونده‌های امنیتی برای همه معلمان فعالین اجتماعی و آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی از جمله مطالبات اعلام شده معلمان در طول مبارزاتشان است. همچنین یک تأکید آنها همواره بر افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیون بوده است. اینها همه

مطالباتی هستند که در شعارها و بنرهای اعتراضی
معلمان بازتاب داشته و در سه‌شنبه‌های اعتراضی
نیز از سوی بازنشستگان کشوری فریاد زده شده
است. از سه‌شنبه‌های اعتراضی وسیعاً حمایت کنیم.
تأکید من بر حمایت از فراخوان شورای هماهنگی،
پیوستن وسیع‌معلمان شاغل به سه‌شنبه‌های اعتراضی
و حمایت اجتماعی مردمی از این مبارزات است.

چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۲

۱۳ دسامبر ۲۰۲۳

کسادى مساجد يك معضل جدى حكومت

كاظم نيكخواه

يکى از معضلات بسيار جدى حکومت اسلامى خالى ماندن فزاينده مساجد است که روى گردانى مردم از حکومت را آشکارا جلوى چشم قرار مى دهد. اسماعيلى وزير فرهنگ و ارشاد اسلامى وظيفه اصلى وزارتخانه اش را "باز گرداندن مردم به مساجد" عنوان کرد. او همين موقع ها در سال گذشته گفت "نهضت بازگشت به مساجد از اولويت هاى کارى وزارت ارشاد است. در دوره دولت جديد يکى از شعارهاى اصلى ما شعار نهضت بازگشت به مساجد است".

اما امسال شکست اين سياستش را بسيار محتاطانه اين گونه اعتراف کرد: "امروز عدد و رقم هاى

که درباره مساجد فعال گفته می‌شود، به‌شدت نگران‌کننده است. مساجد فعال، مساجدی نیستند که فقط در آن سه وعده نماز جماعت برگزار شود... تعداد قابل‌توجهی از مساجد ما این کاربرد حداقلی را هم ندارند.“ به زبان ساده یعنی این جناب و وزارتخانه‌اش در سیاست خود شکست خورده‌اند.

مدتی پیش یکی از روزنامه‌های حکومتی صریح‌تر مشکل را این‌گونه بیان کرد ”یکی از شرایط گزینش و استخدام در برخی از ارگان‌های دولتی و نهادها شرط حضور در مسجد و نماز خواندن... است که بایستی اصلاح شود و این مکان مقدس را با این حاشیه‌های ریاکارانه تخریب ننمود. اینکه این تصور به وجود آید که مثلاً جوانی برای استخدام به مسجد می‌رود و اقدام به اقامه

نماز می‌کند، یکی از اصلی‌ترین دلایل بدبین شدن مردم به مساجد است که آسیب فراوانی به چهره این مکان مذهبی مقدس وارد کرده.“

به عبارت دیگر با وجود اینکه سال‌هاست حکومت حتی برای استخدام در بسیاری از مشاغل دولتی شرط استخدام را مسجد رفتن تعیین کرده و حتی بنا به نوشته همین روزنامه از اهالی محل در مورد شخص تحقیق می‌کنند، اما مساجد هر روز خالی‌تر می‌شود.

مذهب اساساً وسیله‌ای برای توجیه و حواله‌دادن تمام شکاف‌های طبقاتی و فقر و فلاکت عمومی، به مشیت الهی است. در جمهوری اسلامی بیش از هر جای دیگری کارکرد مذهب در خدمت مفت‌خوران را می‌شود واضح و آشکار دید که در

یک طرف آیت‌الله‌های میلیاردی و حقوق‌بگیران
نجومی و صاحبان ثروت‌های عظیم قرار دارند،
و در طرف دیگر اکثریت مردم کارکن و به
فقر و به محرومیت کشیده شده. به همین دلیل
یک رنسانس مذهبی برای جاروکردن مذهب
از جامعه در این کشور در حال انجام است. به
جناب وزیر ارشاد باید گفت مشکل شما فقط
خالی ماندن مساجد نیست؛ بلکه نفرت عمومی
از آخوند و مسجد و حکومت اسلام است.

چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۲

۱۳ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۰۲

۱۴ دسامبر ۲۰۲۳ - ۲۳ آذر ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

رئیزی جرات نکرد پا به سوئیس بگذارد

سیاوش آذری

سمیرا سبزیان فرد قربانی نظام آپارتاید جنسی

حسن صالحی

لایحه سرگردان حجاب و عفاف

جلیل جلیلی

قتل آخوند میلیاردر و اعدام ضارب

کیوان جاوید

رئیی جرات نكرد پا به سوئیس بگذار د

سیاوش آذری

در پی شکایت رسمی سه تن از زندانیان سیاسی دهه شصت شمسی از ابراهیم رئیسی به اتهام ”نقش داشتن در نسل کشی، شکنجه، اعدام های غیر قانونی و جنایت علیه بشریت“ به دادستانی کل سوئیس، رئیسی جرات نكرد در مجمع جهانی پناهندگان در ژنو شرکت کند و برنامه سفر خود بعنوان رئیس هیات اعزامی رژیم اسلامی به این نشست را لغو نمود. شکایت مذکور بازتابی گسترده داشته و مورد حمایت بیش از ۳۰۰ شخصیت از جمله فیلیپ ناترمود از اعضای پارلمان این کشور نیز قرار گرفته است.

این عقب نشینی رژیم از چند نظر حائز اهمیت است. یکم، ثبت رسمی این شکایت به یمن نیروی مبارزات بی وقفه انسان های آزاده و انقلاب جاری صورت پذیرفته است. دولت های غربی برای حفظ و گسترش منافع سیاسی و اقتصادی خویش و به بهانه عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشور ها معمولا از چنین جنایاتی چشم پوشی کرده، به روابط خود با رژیم های دیکتاتوری و فاشیستی نظیر جمهوری اسلامی ادامه داده و تحت لوای ”دیالوگ انتقادی“ و تشویق ”اصلاحات“ از درون، به مداخلات با آنها می پردازند. اما انقلاب زن زندگی آزادی که رژیم را در سرایشی سقوط قرار داده آنان را نیز وادار به بازبینی در سیاست های خویش نموده است.

دوم، تحرک ایرانیان خارج از کشور در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی که خود تابعی از پیشروی انقلاب جاری است پیوستگی جنبش سرنگونی انقلابی در داخل و خارج کشور را نمایان می سازد. مبارزه علیه جمهوری اسلامی در خارج و داخل متمم یکدیگرند.

لغو سفر رئیسی از ترس دستگیری و محاکمه به جرم جنایت علیه بشریت نشاندهنده اهمیت سیاسی مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم در خارج کشور است. هر پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی در خارج کشور در مقابل رژیم به گسترش جنبش انقلابی در داخل کشور و اعتلای انقلاب می انجامد. خارج کشور پشت جبهه نیست بلکه از خطوط مقدم جبهه است.

سوم، این پیروزی نشانگر اهمیت سیاسی و تحقق پذیر بودن خواست بایکوت جهانی سیاسی جمهوری اسلامی و اخراج رژیم از مجامع بین المللی است. بر افزایش پرچم این مطالبه همراه با خواست دستگیری و محاکمه سران و دست اندرکاران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت، به شهادت لغو سفر رئیسی به سوئیس، تحقق عملی این مطالبه است و دولتها را به تن دادن به آن وادار خواهد ساخت. در فردای پیروزی انقلاب، جانیان اسلامی حاکم جایی برای فرار نخواهند داشت اما فردا همین امروز شکل می گیرد.

پنجشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۲

۱۴ دسامبر ۲۰۲۳

سمیرا سبزیان فرد

قربانی نظام آپارتاید جنسی

حسن صالحی

سمیرا سبزیان فرد بطور موقت از مرگ نجات یافت ولی او همچنان در معرض خطر اعدام قرار دارد و فرصت کمی داریم که او را از اعدام نجات دهیم. سمیرا در پانزده سالگی، یعنی وقتی کودک بود، به ازدواج مردی در آمد و متهم است که در سن نوزده سالگی زمانی که او دو فرزند داشت با کمک خواهر چهارده ساله اش، همسر خود را به قتل رسانده است. گزارش یکی از دادگاههای سمیرا را پایگاه خبری رکنا در آبان سال ۱۳۹۵ منتشر کرده است. در این گزارش نوشته شده است: "وقتی که مرد

بی نوا در دام شیطانی همسر و خواهر زنش افتاد!!

من علی العموم رای هیچ دادگاه جمهوری اسلامی را قبول ندارم چرا که اینها دادگاه نیستند، بیدادگاه هستند و نه فقط بر موازین و قوانین کیفری انسانی و عادلانه استوار نیستند بلکه بر ضد این موازین و قوانین انسانی هستند. و بطور قطع احکامی که چنین دادگاههایی در مورد زنان صادر می کنند را باید بنا به ماهیت زن ستیز ایدئولوژی اسلام و جمهوری اسلامی مستقیماً به زباله دان انداخت. وقتی که در اسلام زن مترادف "شیطان" محسوب می شود و "مرد را فریب می دهد" آنوقت معلوم است که برای توجیه کشتن زنان در جمهوری اسلامی آنها متهم به گذاشتن "تله شیطانی" برای مردان می

شوند.

دادگاه‌های کذایی جمهوری اسلامی نمی توانند
درد زنانی مثل سمیراها را بفهمند چونکه خود این
نظام ارتجاعی، مولد مشکلات آنها بوده است. در
مملکتی که در آن عروس با عروسک به خانه "بخت"
برده می شود و دختر بچه هایی که به جای بازی
و تفریح و مدرسه به خانه شوهر رانده می شوند
تا آنجا بطور سیستماتیک مورد تجاوز جنسی قرار
گیرند آنوقت چه انتظاری بجز یک زندگی محنت
بار و پر از درد می توان داشت؟ آیا کسی پای
صحبت سمیراها نشسته است؟ آیا کسی به تحقیر
و تو سری خوردنهای هر روزه سمیراها رسیدگی
کرده است؟ آیا کسی به کمک آنها شتافته است؟

بطور قطع خیر.

ما زنان و مردانی که می دانیم مشکل واقعی کجاست و درمان چیست نمی توانیم و نباید اجازه دهیم سمیرا سبزیان فرد اعدام شود. نه فقط به این دلیل که مخالف اعدام هستیم بلکه به این دلیل که علیه هر گونه ظلم و ستم بر زنان و کودکان هستیم. سمیرا باید زنده بماند. تلاش برای نجات سمیرا سبزیان فرد به کیفرخواست ما علیه نظام آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی گرده خورده است.

پنجشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۲

۱۴ دسامبر ۲۰۲۳

لایحه سرگردان حجاب و عفاف

جلیل جلیلی

گفته میشود لایحه معروف به حجاب و عفاف، مورد تایید هیات نظارت "مجمع تشخیص مصلحت نظام" قرار گرفت و قدمی به اجرایی شدن نزدیک شد.

از این که این لایحه میتواند اجرایی بشود یا نه بگذریم، در سیر و سیاحت ۹ ماهه بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و در جریان پاس داده شدنش از این مجمع به آن مجمع و از این شورا به آن شورا، "لایحه عفاف و حجاب"، که با توافق و همکاری سه قوه به میان کشیده شده بود به اختلافاتی هم بین این قوا دامن زده است. سخنگوی

دولت، قوه قضائیه را به ناتوانی در اجرای قانون متهم کرده و قوه قضائیه نیز اظهارات این سخنگو را “ناقص و غیر دقیق” توصیف کرده است.

مردم ایران میدانند که جریان چیست. اینکه دستگاه های سه گانه یک حکومت لایحه خودشان را چنین مورد “بی لطفی” قرار میدهند و آنرا از این مجمع به آن مجمع پاس میدهند، نه بخاطر “ایرادات املائی، انشائی و قانونی” بلکه دقیقا به این خاطر است که آنها به امکان ناپذیر بودن اجرای بی کم و کاست چنین لایحه ای واقف هستند و میدانند که اجرای آن، جامعه را با بحرانها و تلاطمات باز هم بیشتری مواجه میکند و این را هم میبینند که این لایحه از طرف جامعه مُهر باطل خورده است.

نمونه هایی مثل از سر برداشتن حجاب بوسیله فاطمه رجایی راد، جراح فک و صورت، در مراسم تقدیر، ماجرای بی‌حجابی دانشجویان دختر در جشن فارغ‌التحصیلی پردیس دانشگاه شریف، ماجرای فدراسیون ناشنوایان، ماجرای فیلم “کاباره” که منجر به بازداشت مژگان خالقی شد، صدور بیانیه از طرف کانون کارگردانان سینمای ایران و شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما علیه وزارت ارشاد، زیر پا گذاشته شدن قوانین دادگاه‌های اسلامی از طرف زنان شجاع زندانی و حضور بدون حجاب شان در دادگاه‌ها و مراکز درمانی، ناکامی پروژه “حجاب بانان” و بعهدہ نگرفتن مسئولیت ارسال این گله به خیابانها از طرف حکومت، اهدای جوایز

بین المللی در چند ماه گذاشته به چند زن ایرانی که در صفوف اول اعتراض علیه حجاب اجباری و علیه همین لایحه مورد بحث هستند، و بالاخره گسترش موج رقص و پایکوبی زنان بی حجاب در کنار مردان، جامعه ای را به تصویر میکشد که در مقابل این لایحه ضد زن و مافوق ارتجاعی خروشیده است و میخواهد آنها همراه با حکومت مربوطه اش به زباله دان تاریخ بریزد.

پنجشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۲

۱۴ دسامبر ۲۰۲۳

قتل آخوند میلیاردر و اعدام ضارب

کیوان جاوید

روز چهارشنبه ۲۱ آذر، خبرگزاری رسمی قوه قضائیه جمهوری اسلامی از اجرای حکم اعدام محمدرضا حبیبیان، ضارب عباسعلی سلیمانی، نماینده پیشین مجلس خبرگان رهبری خبر داد که اردیبهشت‌ماه امسال با شلیک گلوله از پا درآمده بود.

آنچه در شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده‌ای یافته بود حکایت از این داشت که در روز حادثه عباسعلی سلیمانی برای دریافت سه میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان وجه نقد به بانک ملی بابلسر مراجعه کرده و رئیس بانک اعلام می‌کند این میزان وجه در بانک موجود

نیست. طبق روایات، عباسعلی سلیمانی با عصبانیت اعلام می‌کند که ۴۲۰ میلیارد تومان در این شعبه پول دارد.

فیلمی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد نشان می‌دهد محمدرضا حبیبیان به سوی این آخوند میلیاردی می‌رود و با شلیک گلوله او را به قتل می‌رساند. می‌گویند ضارب محتاج پولی بود که یک شانه تخم مرغ برای خانواده‌اش بخرد.

ضارب وجود فقر خود و خانواده‌اش را در وجود این آخوند میلیاردی می‌بیند که چنین ثروت بادآورده‌ای دارد و از روی انزجار و خشم به او شلیک می‌کند. این تنها یک خشم فردی نیست بلکه نمونه‌ای از خشم

مردمی است که شیره جانشان توسط این حکومت مکیده شده است و انگیزه کسانی که مرتکب چنین قتل‌هایی می‌شوند قابل درک است. اتفاقاتی نظیر این، خصوصاً در شرایطی که کنترل حکومت بر جامعه کمتر شود به مراتب و در دفعات بیشتر تکرار خواهد شد. این خشم عمومی مردم را کسی و نیرویی نمی‌تواند در شرایط خلاء قدرت کنترل کند. برای هر چه کمتر کردن قتل در جامعه باید زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، روانی و فرهنگی این معضل اجتماعی را ریشه کن کرد.

در پاسخ به هلاکت این آخوند، حکومت محمدرضا حبیبیان را به دار کشید تا از نظام دزدسالار خود محافظت کند. این تنها راه رژیم در تقابل با جامعه در حال انفجار و انقلاب است. همینجا در مخالفت با اعدام،

این قتل عمد دولتی تاکید کنم که حزب کمونیست
کارگری در برنامه‌اش به صراحت اعلام کرده است که
مخالف اعدام است و در هیچ شرایطی و با هیچ توجیه
و بهانه‌ای اعدام را مجاز نمی‌داند و هیچ حکومتی حق
ندارد جواب قتل را با اعدام بدهد. جامعه‌ای که باید با
سرنگونی این حکومت ساخته شود، برابری بزرگترین
شاخص آن است و زندگی مردم با آن سنجیده خواهد
شد. در این جامعه قتل و خشونت به حداقل می‌رسد
و مجازات اعدام لغو می‌شود. حرکت و هدف انقلاب
زن زندگی آزادی در این مسیر است.

پنجشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۲

۱۴ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۰۳

۱۶ دسامبر ۲۰۲۳ - ۲۵ آذر ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

چرا حملات مسلحانه جیش العدل باید افشا شود؟

سینا پDRAM

امیرحسین کوهکن و کراخت رژیم

سیاوش آذری

پایان اسلام در ایران به اعتراف حکومت

کیوان جاوید

دستمزدها نباید از حقوق وزرا کمتر باشد

اصغر کریمی

چرا حملات مسلحانه جیش العدل

باید افشا شود؟

سینا پدرام

به گزارش خبرگزاریها از ایران، دیروز، جمعه ۲۴ آذر، طی درگیریهای مسلحانه در شهرستان راسک در استان سیستان و بلوچستان. حداقل ۱۲ نفر از نیروهای رژیم اسلامی کشته و تعدادی هم زخمی شده اند. گروه "جیش العدل" مسئولیت این حمله را که چند ساعت به طول انجامیده به عهده گرفته است.

حملات نیروهای ارتجاعی مانند جیش العدل و غیره بدون هیچ تردیدی به فضای پلیسی و میلیتاریزه شده

استان سیستان و بلوچستان خواهد افزود و بهانه خوبی بدست رژیم میدهد که سرکوبگریهای خود را در این استان تحت نام ”ایجاد امنیت عمومی“ افزایش و ادامه دهد.

از این منظر، نیروهای سیاسی و اجتماعی مترقی این نوع ”حرکات نظامی“ را که مانعی در مقابل حرکتهای مردمی این استان ایجاد میکنند، باید افشا کنند. آنچه در طی سال گذشته روشن تر شد این بود که انقلاب زن زندگی آزادی بیرق مطالبات تک تک جنبشهای گوناگون کارگری، زنان، جوانان و غیره را بدوش میکشد و در واقعیت این تنها گزینه انقلاب است که میتواند این مطالبات را به ثمر رساند.

با یک مشاهده آماری کوچک میتوان دید که رژیم

هر روزه در مقابل چالشهای اجتماعی مختلف قرار میگیرد. حجاب برگیران در مقابل قانون عفاف و حجاب، رقص و آواز کوچه ای در مقابل فرهنگ غم و ذلالت اسلامی، جنبش کارگری و بازنشستگان در مقابل فقر و شکاف طبقاتی که رژیم سرمایه داری اسلامی بانی و حافظ آن است، جنبش جوانان و حرکات آوانگارد فرهنگی در مقابل فرهنگ ارتجاعی و قرون وسطایی آیت الله ها نمونه هایی از استمرار و پیشرفت انقلاب زن زندگی آزادی هستند.

در مقابل، حملات مسلحانه جریانات اسلامی و مافیایی هیچ چیزی را در جامعه متحول ایران نمایندگی نمیکنند. بر عکس مانند مانعی در مقابل جنبشهای اجتماعی قرار میگیرند و کار را برای حرکتهای مردمی سخت تر میکنند.

در انقلاب جاری مانند هر انقلابی، روزی فراخواهد رسید که نیروهای اجتماعی در یک تناسب قوای بهتر به نیروهای مسلح رژیم حمله خواهند کرد و قیام به یک واقعیت مسجل تبدیل خواهد شد. در ادامه انقلاب جاری هنگامی که جنبشهای اجتماعی با "سلاح نقد" و چالشهای روزمره پایه های رژیم را به اندازه کافی لرزاندند، نوبت به "نقد سلاح" و قیام خواهد رسید. آینده رژیم با یک قیام رقم خواهد خورد.

شنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۲

۱۶ دسامبر ۲۰۲۳

امیرحسین کوهکن و کراهِت رژیم

سیاوش آذری

امیرحسین کوهکن وکیل دادگستری که به اتهام “تبلیغ علیه نظام” و “تشکیل گروه به قصد برهم زدن امنیت کشور” بازداشت شده بود به صورت موقت از زندان کچوئی کرج آزاد شد. آقای کوهکن وکیل خانواده محمدمهدی کرمی، جوانی که در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ اعدام شد، است. ماشاالله کرمی، پدر محمدمهدی، نیز که یک هفته پیشتر از وی با اتهامی مشابه بازداشت شده بود همچنان در زندان بسر می برد.

بر همگان آشکار است که جرم آقای کوهکن دفاع

از خانواده های دادخواه در بیدادگاه رژیم اسلامی است. زیر پا گذاشتن مصونیت حقوقی وکیل دادگستری نشانه عمق کراحت و از ویژه گی های منحصر بفرد دستگاه قضایی و کلیت نظام اسلامی است. بازداشت امیر حسین کوهکن و دیگر وکلای مدافع زندانیان سیاسی و خانواده های دادخواه تبلور ذهنیت حکومت اسلامی است که در دهه شصت مخالفان خود را ”مفسد فی الارض“ و ”محارب“ می نامید و وکالت برای آنان را ”دفاع از شیطان“ میشمرد. و اما آزادی هر چند موقت آقای کوهکن از اسارت نشانه تغییر توازن قوا علیه رژیم و به نفع مردم به یمن انقلاب جاریست.

رژیم با تشدید سیاست تهدید و بازداشت و زندانی

کردن وکلا و خانواده های دادخواه به اتهام تبلیغ علیه نظام، تهدید امنیت کشور، تبانی و اجتماع علیه نظام، جاسوسی و غیره قصد مرعوب کردن جامعه و فرو نشاندن و به شکست کشاندن انقلاب ما را دارد، اما تیرش به سنگ خورده است. لحظه ای درنگ کنید: مراسم تشییع و تدفین تبلیغ و تهدید علیه نظام محسوب میشود، مراسم سالگرد عزیزان جان باختة تشکیل گروه به قصد سرنگونی رژیم قلمداد می گردد، دفاع از خانواده دادخواه و عهده دار شدن وکالت آنان تبانی و اجتماع علیه رژیم نام میگیرد.

این نه نشانه قدرت رژیم که بیان ضعف و زبونی حکومتی است که خود را از هر سو در محاصره

”دشمن“، محاصره مردمی که عزم جزم کرده اند تا با سرنگونی انقلابی رژیم نقطه پایانی بر عمر یکی از تاریکترین و خونخوارترین رژیم های تاریخ معاصر بشر بگذارند و جامعه ای آزاد و انسانی بنا کنند، میبیند. بنا بر ماهیت ضد انسانی رژیم اسلامی هر گونه اجتماع، یادبود و اعلام همدردی، و هر آنچه رنگ و بوی انسانیت و آزادی دارد اقدامی علیه موجودیت آن است. از همین روست که برای در هم شکستن تمامیت دستگاه حکومت اسلامی، ”زن زندگی آزادی“ بر پرچم انقلاب نقش بسته است.

شنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۲

۱۶ دسامبر ۲۰۲۳

پایان اسلام در ایران به اعتراف حکومت

کیوان جاوید

یک مقام آموزش و پرورش در ایران از ناموفق بودن طرحی برای "وصل کردن دانش‌آموزان به مسجد" خبر داد. حمید نیکزاد، مشاور وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، در یک سخنرانی از ناموفق بودن یک طرحی با عنوان "مسجد، مدرسه و منزل" خبر داد.

خبرهای داغ تری در ادامه همین تعرض مردم به پایه‌ای‌ترین ستون‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی هست که شنیدنش برای مردم مفرح است و در عوض موبر تن سران حکومت اسلامی سیخ می‌کند.

از جمله در یک ویدئو کلیپ خانم بی حجابی در همراهی با سگش در خیابان در مواجهه با مزدوران جیره خوار حکومتی می گوید: "ری دم دراون روسپی خونه های امام رضاتون" ری دم تو اسلامتون از صدر اسلام محمدی تا این اسلامتون".

رضامراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش، گفته بود که بیش از ۳ هزار نفر از طلاب حوزه های علمیه در ایران در جریان آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش به استخدام این سازمان درآمدند. همچنین پارسال وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد حدود ۴۷ هزار روحانی برای جذب دانش آموزان به نماز به مدارس ایران اعزام شدند. به گفته همین شخص آموزش و پرورش نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر کمبود معلم دارد.

تکلیف اسلام در ایران مشخص شد و این علیرغم آن دوزخی که با حاکمیت اسلام در ایران بر زندگی مردم حاکم شد یکی از شادی بخش ترین اتفاقات تاریخ معاصر نه تنها در ایران که در جهان است. اسلام این طاعون، این بلای زمینی، این غم و بدبختی و سیه روزی عمومی برای مردم ایران و خاورمیانه و شمال آفریقا دارد نفس های آخرش را می کشد. اسلام این حکومت سازمانده چوبه های دار و گسترش عظیم تن فروشی و فقر اجتماعی دارد به پایان عمر ننگین خود می رسد.

زدن "سر مار" اسلام در ایران با روشنگری فکری - فلسفی و توسط ادبا و شعرا و روشنفکران و فلاسفه اتفاق نیفتاده است، که همه این اقشار اجتماعی خود

بخش از حرکتی بودند که به دنبال مردم عادی که
جانشان از وجود اسلام در حاکمیت به لب رسیده است
روان شدند تا حکومت مذهبی و اسلام "تاب محمدی
تا اسلام جمهوری اسلامی" را یکجا به فاضلاب تاریخ
روانه کنند.

با پایان یافتن اساس اسلام در ایران جامعه از شر
یکی از خطرناکترین ویروس های تاریخ بشری راحت
می شود و برای ساختن دنیایی عاری از جهل و فقر و
نابرابری آماده تر می شود.

شنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۲

۱۶ دسامبر ۲۰۲۳

دستمزدها نباید از حقوق وزرا کمتر باشد

اصغر کریمی

چرا حقوق کارگران باید کمتر از وزرا، نمایندگان مجلس و مقامات حکومت باشد؟ چه کسی اینرا تعیین کرده است؟ مگر کارشان ساده‌تر از کار مقامات است؟ مگر شرایط کار بهتری دارند؟ مگر کار کارکران مهم نیست و کار مقامات واقعا مهم است؟ جواب این سوالات روشن است. مشتی مفتخور که شغلشان قانونگذاری علیه مردم، سازمان دادن سرکوب مردم، رواج خرافات و کارهایی از این قماش است و با نظام سرکوب و مافیای اقتصادی که درست کرده‌اند، برای خود پنجاه میلیون حقوق رسمی و کلی مزایا تعیین کرده‌اند و هر کدام درآمدهای هنگفت

دیگری دارند. خود آنها هم تصمیم گرفته‌اند که به کارگران و سایر مزدبگیران شریف این جامعه حقوقی چندبار زیر خط فقر پرداخت شود. حق تشکل و اعتصاب و اعتراض را هم از مردم گرفته‌اند تا جلو اعتراض علیه این شرایط را بگیرند.

گفته میشود که این خواست "عملی نیست". چرا عملی نیست؟ اگر برای مقامات عملی است پس برای همه میتواند عملی باشد. از هزینه مذهب و سرکوب و تروریسم در منطقه و دزدی‌ها کم کنند و صرف حقوق کارگران و زحمتکشانشان جامعه بکنند. یک شعار سراسری تجمعات "یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه" است. یعنی فقط از بابت اختلاس‌ها میتوان این خواست را عملی کرد.

”عملی نیست“ را همان قشر طفیلی و بیکاره حاکم به ذهنیت بخشی از جامعه تبدیل کرده‌اند. بنابراین اولین مساله این است که این ذهنیت را کنار بگذاریم و گفتمان خودمان را شکل بدهیم. آیا حق کارگر یا معلم و بازنشسته و پرستار و کارمندان کمتر از مفتخوران بی‌خاصیت حاکم است؟ که حقوق چند ده میلیونی‌شان بخش کوچکی از درآمدهای آنها است؟ حقوق و درآمدهایی که حاصل استثمار کارگران است؟ پس چرا این گفتمان را راه نیندازیم که ما هم حداقل به اندازه مقامات حقوق می‌خواهیم؟ ما هم مثل آنها حق زندگی داریم؟ نفس این گفتمان بسیار مهم است. گفتمانی که باید به قانون جامعه آینده تبدیل شود.

حقوق هیچ مقام اداری و دولتی نباید بیشتر از دستمزد متوسط یک کارگر باشد. این بندی از برنامه حزب کمونیست کارگری است که میگوید داشتن یک موقعیت حکومتی به معنی امتیازات اقتصادی نیست. این قانون طبقه حاکم سرمایه دار و اخلاقیاتی است که آنها رواج داده اند که گویا مقامات از ”ژن برتر“ هستند و حقشان است که حقوق بیشتری بگیرند. بیایید قانون خودمان را رواج بدهیم. حقوق هیچ کارگر و زحمتکشی نباید کمتر از حقوق وزرا و هیچ مقام دیگری باشد.

شنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۲

۱۶ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۰۴

سردبیر این شماره: سیاوش آذری

۱۷ دسامبر ۲۰۲۳ – ۲۶ آذر ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

می‌جنگیم تا زندگی کنیم

سیما بهاری

اعتراض استادان دانشگاه اراک به مازوت‌سوزی

کاظم نیکخواه

جان سه میلیون دانش‌آموز در خطر

جلیل جلیلی

وضعیت قرمز آلودگی هوا

حسن صالحی

می‌جنگیم تا زندگی کنیم

سیما بهاری

”مهسا یزدانی، مادر محمدجواد زاهدی، نوجوان کشته شده در اعتراضات سراسری زن زندگی آزادی، از احضار خود برای اجرای حکم زندان خبر داده است.“

او مادری است که از فرزندش جوانه می‌زند. به قول خودش او سیاسی نبوده. مرگ عزیزش او را به سیاست سوق داده است. او زنی است که زندگی و سرزندگی را در چشمان زیبایش و سیمای مغرورش می‌شود دید. او آزادی را فریاد می‌زند. او سیاسی شده و می‌داند که منشأ و باعث نابودی و

مرگ فرزندش رژیم می است که تحت حاکمیتش
خندیدن سیاسی است، انتخاب رنگ سیاسی
است، جوان بودن جرم است، عاشق زندگی بودن
هم جرم است. مهسا و همه انسان های عزیزی
که دارند راه انقلاب را هموار می کنند می دانند
که برای خوشبختی یک راه موجود است، به زیر
کشیدن این رژیم. مهسا یزدانی از نسلی هست
که با فرزند ازدست رفته اش، ریشه هایی قدرتمند
می گیرد تا راه فرزند دلبندهش را پی بگیرد. این
انقلاب سرباز ایستادن ندارد. فرزندان راه مادرانشان
و مادران و پدران راه فرزندانشان را ادامه می دهند.

نسل محمدجواد زاهدی حکومت را عاجز و
درمانده کرده. رژیم هر شگردی که بکار می بندد

نتیجه‌اش آوار ویران شده بر سرشان است.
صادق بوقی تکثیر می‌شود. از هر گوشه‌ای
دسته‌ای "صادق" در کمین است تا با رقص و
شادی روزگارشان را سیاه کند. حجاب که روزی
نه‌چندان دور خاکریز اولشان بود با هیچ مصوبه
و تذکری به نسل محمدجواد تحمیل نشد. هیچ
لایحه و مصوبه و حجاب بانای حریفشان نیست.
امروز وزارت کشور و شهرداری و نماینده مجلس
هیچ‌کدام تمایلی ندارند مسئولیتی در قبال
حفظ و یا ریزش این خاکریز عهده‌دار شوند. هر
چه حکومت می‌گوید محمدجوادها عکسش را
انجام می‌دهند و حکومت وحشت‌زده است که
حالا دیگر با مادرانی چون مهسا یزدانی و گوهر
عشقی و مادران خاوران و مادران دادخواه و مادران

آبان و آنها که در شعارهایشان تأکید کرده‌اند که
به دنبال سرنگونی حکومت هستند روبروست.

نسل جوان، نسل میان سالان و حتی نسل مسن ترها
این حکومت را نمی‌خواهند. ما همه با هم هستیم
تا ریشه این جانیان را بکنیم. ریشه آنها را می‌کنیم؛
زیرا عاشق زندگی هستیم. عاشق فرزندان جسورمان
هستیم. عاشق مادران و پدران شجاع هستیم و به
مادرانی همچون مهسا یزدانی افتخار می‌کنیم.

یک‌شنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۲

۱۷ دسامبر ۲۰۲۳

اعتراض استادان دانشگاه اراک به

مازوت سوزی

کاظم نیکخواه

حکومت اسلامی نه فقط قاتل مردم؛ بلکه قاتل فضای زیست مردم نیز هست. جمعی از اعضای هیئت علمی و استادان و اعضای دانشگاه صنعتی اراک با صدور بیانیه‌ای بر لزوم توقف مازوت سوزی در نیروگاه شازند تأکید کردند. در این بیانیه که در پایگاه اطلاع رسانی دانشگاه صنعتی اراک منتشر شده، خطاب به مردم شهرستان‌های اراک و شازند آمده است: «در روزهای اخیر مازوت سوزی در نیروگاه شازند دوباره آغاز شده است و این موضوع سلامت بیش از یک میلیون شهروند مظلوم ساکن شهرهای اراک و شازند را با خطر جدی مواجه می‌کند.»

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان مرکزی در رابطه با همین خبر گفته است که استفاده از سوخت مازوت در نیروگاه حرارتی شازند از ۲۰ آذرماه آغاز شده و هم‌اکنون در هر شبانه‌روز چهار میلیون لیتر مازوت در این واحد مصرف می‌شود.

سختگوی صنعت برق ایران خبر داد که هشت نیروگاه شامل نیروگاه حرارتی سهند بناب، نیروگاه رجایی قزوین، نیروگاه شازند اراک، نیروگاه سلیمی نکا، نیروگاه حرارتی طوس مشهد، نیروگاه بیستون کرمانشاه، نیروگاه رامین اهواز و نیروگاه حرارتی بندرعباس مجاز به سوزاندن مازوت هستند.

مازوت‌سوزی تنها یکی از اقداماتی است که این حکومت در نیروگاه‌های مختلف علیه محیط‌زیست بکار می‌گیرد. از بین بردن جنگل‌ها و پوشش گیاهی،

خشکاندن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، سرازیر کردن
پس‌مانده‌های شیمیائی به رودخانه‌ها و دریاها،
عدم به‌کارگیری سیاست جانشینی سوخت‌های
فسیلی برای اتومبیل‌ها، استفاده بی‌رویه از سموم
در کشاورزی، و بسیاری از اقدامات مخرب دیگر
باعث تخریب سریع محیط‌زیست و نابودی
حیات‌وحش در جمهوری اسلامی شده و این
حکومت نه فقط تلاشی برای نجات محیط‌زیست
انجام نمی‌دهد؛ بلکه آخوندها و سران میلیاردرش
با تخریب محیط‌زیست ثروت‌های نجومی
به جیب می‌زنند و کسی جلودارشان نیست.
حکومت حتی برای اینکه افسار سرانش برای
تخریب بی‌رویه محیط‌زیست باز باشد، شمار
بسیاری از فعالان محیط‌زیست را دستگیر و
چندین نفر را وحشیانه سربه‌نیست کرده است.
به همه این دلایل جنبش دفاع از محیط‌زیست

در ایران یک جنبش سیاسی است و با جنبش سرنگونی پیوند دارد. ما مردم باید دفاع از محیط زیستمان را نیز خود به عهده بگیریم و متحدانه از آن در برابر نابودکنندگان محیط زیست دفاع کنیم. دفاع از محیط زیست یعنی دفاع از خود زیست. دشمن آشکار هر دوی اینها در ایران حکومت ضدانسانی اسلامی است و باید همچون عرصه های دیگر این حکومت را در این عرصه نیز عقب راند و به شکست کشاند.

یکشنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۲

۱۷ دسامبر ۲۰۲۳

جان سه میلیون دانش آموز در خطر

جلیل جلیلی

در یکی از آخرین اظهارنظرها، قاسم احمدی لاشکی، معاون حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش، از تحصیل بیش از سه میلیون دانش آموز در فضاهای آموزشی پرخطر سخن به میان آورد و گفت در صورت وقوع اتفاقی مانند زلزله، جان این دانش آموزان به خطر می افتد.

این اعترافی است از طرف مقامات دولتی مبنی بر اینکه آنچه که برای آنها مهم نیست تأمین محیطی امن برای آموزش کودکان است. واداشتن سه میلیون کودک برای حضور هرروزه در ساختمانها

و محیط‌های پرخطر جنایتی است که باید، در کنار ده‌ها جنایت دیگر، در پرونده مقامات جمهوری اسلامی ثبت شود. می‌توان تصور کرد که چنین فضاهاى ناامنى، علاوه بر صدمات جانی ناشی از ریزش احتمالی ساختمان‌های کم‌دوام، تا چه اندازه می‌تواند موجب ایجاد نگرانی‌های مدام در میان دانش‌آموزان شود و چه لطمات روانی بر آنها وارد کند.

حتی نگاهی گذرا به میزان بودجه‌ای که حکومت اسلامی در همین سال جاری به وزارت آموزش و پرورش اختصاص داده است، می‌تواند اثباتی باشد بر ادعای فوق. سهم وزارت آموزش و پرورش که بزرگ‌ترین دستگاه اجرایی کشور است و در همین سال جاری، ۹۷۱ هزار پرسنل شاغل و ۳۸

هزار بازنشسته مشغول به خدمت داشته و امر تربیت ۱۶ میلیون و ۲۰۰ هزار دانش آموز را برعهده دارد، از بودجه کشور، تنها ۲۴۲ هزار میلیارد تومان، یعنی حدود ۱۱ درصد بودجه عمومی دولت، بوده است. این نکته را هم به این آمار اضافه کنید که بخش زیادی از همین بودجه حقیر وزارت آموزش و پرورش صرف استخدام سه هزار طلبه برای ترویج عقاید ضد علمی در مدارس شده است و اگر این میزان ناچیز بودجه آموزش و پرورش با بودجه‌های کلانی که به آیت‌الله‌های مرده و زنده و طلبه‌های زیر دست آنها، به شورای نگهبان و شورای مصلحت نظام، و به ده‌ها و صدها نهاد مذهبی دیگر که کارشان ترویج خرافات و چپاول درآمد ناچیز مردم است اختصاص داده شده و می‌شود مقایسه شود، به روشنی متوجه می‌شوید که

آموزش کودکان و تأمین محیط امن برای تحصیل
آنها در اولویت درجه چندم این حکومت هم نیست.

این وضعیت آموزش و پرورش در ایران حکایت از این
دارد که سیستمی که این جامعه را اداره می کند، یا بهتر
است بگوییم می چابد، باید زیرورو شود و سیستمی
جایگزینش شود که تأمین محیط های امن، طبق
استانداردهای بین المللی، یکی از اولویت هایش باشد.

یکشنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۲

۱۷ دسامبر ۲۰۲۳

وضعیت قرمز آلودگی هوا

حسن صالحی

در روزهای اخیر اخبار حاکی از وخامت آلودگی هوا در اهواز، اصفهان، شادگان و دشت آزادگان و چند شهر دیگر بوده است. بنا به یک گزارش دیگر از ابتدای سال جاری تا به امروز تهران ۹ روز هوای پاک داشته است.

هوای آلوده تا کنون منجر به مرگ بسیاری از شهروندان شده است و این سوای انواع و اقسام بیماری‌های تنفسی، پوستی، قلبی و غیره است که شهروندان بدان دچار می‌شوند و بر سلامت و زندگی آنها تأثیر پایدار خواهد گذاشت. بسته به جا و مکان

آلودگی هوای می‌تواند دلایل متفاوتی داشته باشد. هم دلایل آلودگی هوا و هم راه‌های مقابله با آن برای انسان شناخته شده است. مسئله این است که آیا اراده‌ای برای مقابله با این بلیه وجود دارد و یا نه؟ یک مسئله اصلی در باره ایران وجود حاکمیت جمهوری اسلامی است که در آن نه جان انسان ارزش دارد و نه محیط‌زیست. در جمهوری اسلامی نه تنها ابتدائی‌ترین استانداردها برای جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست رعایت نمی‌شود؛ بلکه حکومت خود عامل مستقیم تخریب و آلودگی محیط‌زیست در همه جوانب و به طرق مختلف است. به عنوان نمونه در ایران آلودگی هوا که در همه جای دنیا یک عارضه استفاده از سوخت‌های فسیلی است، اساساً به خاطر استفاده از بنزین با

درصد سرب بالا و عدم هر نوع کنترل و نظارتی
بر کارکرد خودروها و ماشین‌های صنعتی ابعاد
خطرناک و مهلکی پیدا کرده است و یا باید به
استفاده از مازوت به عنوان منبع سوخت نیروگاه‌های
تولید برق اشاره کنیم که به نوبه خود باعث آلودگی
هوا در ابعاد خطرناک می‌شود. اگر مسمومیت هوا
در بسیاری از شهرهای ایران به مرز غیر قابل
تحملی رسیده و مرگ‌ومیر و بیماری‌های ریوی
به این دلیل وسیعاً شیوع پیدا کرده است عامل
و مسئول مستقیم این فاجعه خود حکومت است.

مشکل اصلی ما در ایران فقط استفاده از
سوخت‌های فسیلی نیست؛ بلکه فسیل‌الله‌هایی
هستند که بر مسند قدرت تکیه زده‌اند و حتی

حاضر نیستند کوچک‌ترین موازین و مقررات
استاندارد زیست‌محیطی را رعایت کنند. اولین گام
در سالم‌سازی هوا و خنثی کردن ابعاد فاجعه‌بار و
مهلکی که این مسئله در ایران پیدا کرده است
مقابله و مبارزه فعال با سیاست‌های مخرب جمهوری
اسلامی و مجبور و ملزم کردن آن به رعایت موازین
و استانداردهای جهانی است. ما حق داریم که هوای
سالم و نه سم تنفس کنیم و باید این حق را بگیریم.

یک‌شنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۲

۱۷ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۰۵

۱۸ دسامبر ۲۰۲۳ – ۲۷ آذر ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

جایزه صلح نوبل و زهراخانم منتظرالسلطنه!

محسن ابراهیمی

مافیای حکومتی یا حکومت مافیایی

اصغر کریمی

جراح نمونه آملی برفراز هیمالیا

منظر دریاکناری

هیتلریسم نتانیا هو، آتش‌بیار تروریسم اسلامی

کیوان جاوید

جایزه صلح نوبل و زهرا خانم منتظرالسلطنه!

محسن ابراهیمی

جایزه صلح نوبل همیشه سیاسی بوده است. واکنش به آن هم همچنین. جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی هم از این قاعده مستثنی نیست. مهم این است که این جایزه در شرایط سیاسی جمهوری اسلامی، به زنی مخالف در زندانهای این حکومت تعلق گرفته است. انقلاب زن زندگی آزادی آنچنان قدرتمند بود که حتی امروز پس از فروکش جلوه‌های خیابانیش، نهادهای شناخته شده بین‌المللی همچون نهاد صلح نوبل نمیتوانند جایگاهش را نادیده بگیرند. این جایزه تحت تاثیر آن انقلاب و در ادامه همبستگی‌های گسترده جهانی است. خاری در چشم سران حکومت اسلامی

است و میتواند و باید به یک فرصت مهم سیاسی برای
هل دادن حکومت به سمت سرنگونی تبدیل شود.

بی‌دلیل نیست که سران حکومت اسلامی بشدت
نگران شده اند. اما واکنش جریان دست راستی
سلطنت‌طلب به جایزه نشان داد که به اندازه حکومت
اسلامی نگرانند. در میانشان ولوله است. عصبی هستند
و به سبک همیشگیشان با ادبیات لمپنی به زمین و
زمان چنگ می‌زنند. این بار هم یاسمین پهلوی نقش
فعال دارد! در این مدت، از برنده جایزه تا مدعوین
به مراسم و حتی برندگان سابق جایزه مثل نلسون
ماندلا هم از لمپنیسم سلطنتی بهره‌مند شده اند و
البته گناه کبیره هم مربوط به گلشیفته است که در
پیشگاه پادشاه نروژ آواز خوانده و پروتوکل شکنی

کرده است.

از این رفتار سطنت‌طلبان نباید تعجب کرد که شبیه رفتارشان نسبت به خود انقلاب‌زن زندگی آزادی است. اینها کسانی هستند که در مقابل شعار ”زن زندگی آزادی“ عربده ”شاه میهن آزادی“ کشیدند؛ در مقابل تظاهرات باشکوه مردم علیه حکومت اعدام و شکنجه، از سر شکنجه‌گر دوران سطنت پرده‌برداری کردند؛ و چماقدار بسیج کردند که در تجمعات اعتراضی شعار دهند ”رهبر ما پهلویه، هر کی نگه اجنبیه“! خب، نگرانی و نرفتشان قابل درک است وقتی شاهزاده‌شان به چنین مراسمی آنهم با حضور یک پادشاه دعوت هم نمیشود!

در جریان انقلاب ۵۷، عکسی از زهرا خانم مشهور

هنگام صحبت در گوشی با صادق قطب‌زاده منتشر شد. او در راس دسته‌های چماقدار فریاد می‌زد "خمینی عزیزم بگو تا خون بریزم" و به دفاتر روزنامه‌های منتقد و تظاهرات‌های جریانات سیاسی چپ حمله می‌کرد.

بار دیگر در ایران انقلابی رخ داده است. شاهزاده سرگردان است؛ از جرج تاون آبی گرم نشد؛ وکالت کذایی نگرفت؛ به مراسم نوبل هم که دعوت نشد؛ همه اینها باعث شده است لمپنیسم سلطنتی افسار پاره کند. این بار نقش زهرا خانم به عهده یاسمین پهلوی افتاده است!

دوشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۲

۱۸ دسامبر ۲۰۲۳

مافیای حکومتی یا حکومت مافیایی

اصغر کریمی

روزنامه جمهوری اسلامی نوشته است: ”مافیا، قوی‌تر از مسئولین است و به همین دلیل دولت‌های ما نمی‌توانند با فساد مبارزه کنند. چون مافیا از دولت‌ها و مسئولین قوی‌تر است، دولت‌ها در مبارزه با مافیا همیشه شکست می‌خورند و سپر می‌اندازند.“

این روزنامه در توضیح ویژگی‌های یک سیستم مافیایی به فساد، اخاذی، رشوه، سرکوب، خشونت، ترور، آدم‌ربایی، ارباب، سرقت، پولشویی، نفوذ در نهادهای کلیدی مثل قوه قضاییه و قوه اجرایی، تقلب در انتخابات، تبلیغات رسانه‌ای و سرکوب مخالفان

اشاره کرده و نتیجه‌گیری کرده است که: ”جمهوری اسلامی تمامی این ویژگی‌ها را دارد. ما از داشتن یک دولت ملی محرومیم و باید خودمان برای نجات مملکت فکری کنیم. اگر بتوانیم خودمان را سازماندهی کرده و با سازمان‌های جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل همکاری کنیم، میتوان با تکیه بر اصول جنبش جهانی حساب‌رسی اجتماعی گامی رو به جلو برداشت. می‌توان از عملکرد مافیا حساب‌رسی کرد و نتایج را با مردم در میان گذاشت تا با مقاومت علیه فساد و دروغ، حق ملت را گرفت.“

این روزنامه رژیمی، دست روی برخی از حقایق گذاشته تا مساله اصلی را کتمان کند. از یکطرف میگوید ”جمهوری اسلامی تمام این ویژگی‌ها را دارد“ و از طرف دیگر میخواهد از مافیا حساب‌رسی

کند! تا حکومت اصلاح شود. نمیخواهد اذعان کند که مافیا همان حکومت است نه قدرتی مافوق آن و کلیدی‌ترین عناصر مافیا نیز شخص خامنه‌ای و مقامات و سرداران و مدیران ارشد منتخب حکومتند. این خود حکومت است که با قوانین و ارگان‌های سرکوب، نقد و اعتراض را حتی توسط منتقدان حکومتی با زندان و سرکوب پاسخ می‌دهد، ارباب و ترور و آدم‌ربایی میکند، کلیدی‌ترین مقامات قضایی را خامنه‌ای تعیین میکند، ارز چند نرخی راه می‌اندازد، صندوق بازنشستگان را خالی میکند، هزار جور نهاد تحمیق و سرکوب سازمان می‌دهد و به آنها بودجه می‌دهد، خصوصی‌سازی میکند، جلو هر گونه شفاف‌سازی را می‌گیرد، روزنامه‌نگاران را زندانی میکند و همه اینها رویهم یعنی حکومت اسلامی.

مردم با این اراجیف آشنا هستند و حق ملت را هم قرار نیست شما رژی می‌ها بگیرید. مردم جواب همگی‌تان را با شعار اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا و انقلاب زن زندگی آزادی داده‌اند. تنها نکته جالب در این میان این است که شکاف‌های حکومتی به جایی رسیده که یک روزنامه رژی می‌اذعان میکند که مملکت را مافیا اداره میکند. مردم به شدت به این شکاف‌ها برای پیشروی خود نیاز دارند و با پیشروی‌شان این شکاف‌ها را گام به گام عمیق‌تر میکنند. شما به افشاگری‌هایتان ادامه دهید، راه حل را خود مردم بلدند.

دوشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۲

۱۸ دسامبر ۲۰۲۳

جراح نمونه آملی بر فراز هیمالیا

منظر دریاکناری

دکتر فاطمه رجایی‌راد، جراح نمونه‌ای که به دلیل حضور بدون حجاب اسلامی و اجباری در مراسم تجلیل از پزشکان آمل از دانشگاه اخراج شده است، با صعود به قله کالاپاتار در هیمالیا، این صعود را به کشته‌شدگان اعتراضات سراسری در ایران تقدیم کرد. خانم رجایی‌راد با انتشار ویدئویی از صعود خود به این قله ۵۵۵۰ متری که در نیپال واقع شده، گفت که این صعود را به "شهدای راه آزادی" و "تمام افرادی که برای احقاق حق خود تلاش می‌کنند تقدیم می‌کند.

این زن مبارز را بخاطر به چالش کشیدن جمهوری

اسلامی و حجاب ضد زن اسلامی از کار اخراج کردند
تا شاید به خیال خودشان زهر چشمی باشد برای
دیگرانی که با پیکار بی امان خود این حکومت را
به سوی سرنگونی سوق میدهند. نان و معیشت این
پزشک، این زن مبارز و جسور را به گروگان گرفتند
تا این پیام همیشگی ضد مردمی را به جامعه مخابره
کنند که درافتادن با جمهوری اسلامی و قوانین فوق
ارتجاعی این حکومت بی‌عقوبت نمی‌ماند. اینها را
گفتند اما پاداشی که مردم مبارز به این چهره خوشنام
و شجاع دادند، مهر و محبت و احترام بی پایان بود.
دکتر فاطمه رجایی راد با حرکت سیاسی و آکسیون
یک نفره خود تیری به قلب دشمن زد و نشان داد که
هیچ چیز مانع از آن نمی‌شود که جمهوری اسلامی
بتواند مردم تشنه آزادی و رفاه را به عقب براند.

جامعه در حال تعرض بی وقفه با بنیادهای جمهوری اسلامی است. اخراج رجایی راد باعث برداشتن قدمی بعدی در مقابله با این حکومت شده است. اینبار او بر کوههای هیمالیا سرود زیبای آزادی سر داده و آن را به همه "شهدای راه آزادی" و "تمام افرادی که برای احقاق حق خود تلاش می کنند" تقدیم کرده است. باشد که این پیام نیروی هرچه بیشتری از مردم را به میدان بکشانند تا بی حجابی از این نیز گسترده تر شود. حجاب این سنگر حکومت اسلامی باید تماما در هم کوبیده شود. با فرو ریختن این سنگر، جمهوری اسلامی یک قدم بسیار تعیین کننده تر به سرنگونی نزدیک تر می شود.

دوشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۲

۱۸ دسامبر ۲۰۲۳

هیتلر یسم نتانیا هو، آتش بیار تروریسم اسلامی

کیوان جاوید

حجم عظیم جنایت دولت فاشیست اسرائیل به رهبری حزب دست راستی لیکود و به زعامت جنایتکار خالی از عاطفه انسانی، نتانیا هو، دنیا را در بهت و اندوه فرو برده است. با جنایت سازمان یافته حماس تروریست در هفتم اکتبر این سال و قتل عام ۱۲۰۰ نفر در اسرائیل یک بار دیگر شعله های جنگی ضد انسانی علیه مردم بی دفاع و محروم غزه شده است.

در این وحشیگری دولت اسرائیل سنگ تمام گذاشته است و تا همین امروز نزدیک به ۱۹ هزار نفر را به خاک و خون کشیده است. به گفته سازمان ملل در

بیمارستانهای غزه حمام خون راه افتاده است و بسیاری از کشته شدگان کودکان و غیرنظامیان هستند.

سازمان ملل در این راستا نشان داده است کارهای نیست و توان بازدارندگی برای مهار این خونریزی خوفناک را ندارد. در این میان نقش دولت آمریکا در باز گذاشتن دست دولت نتانياهو برای تداوم جنایت بیش از همیشه آشکار است. در رای گیری ۸ دسامبر (۱۸ آذر)، در شورای امنیت، این دولت آمریکا بود که با وتوی قطعنامه مانع تصویب آن علیه دولت اسرائیل شد.

جنایت و آدمکشی در غزه طبعاً باب میل جنبش تروریستی اسلامی سیاسی و در راس آن جمهوری اسلامی است. هر چه بر دامنه کشتارهای مردم

بی‌دفاع در غزه افزوده شود، تروریسم اسلامی از آن
”پیراهن عثمان“ می‌سازد و مظلوم‌نمایی می‌کند و از
خشم عمومی مردم مستاصل در کشورهای اسلام‌زده
برای اسلام سیاسی نیرو می‌گیرد.

این جنایت عظیم علیه بشریت باید با یک آتش‌بس
پایدار و با پایان این جنگ کثیف خاتمه یابد. ادامه
دهندگان این جنایت عظیم، در یکسو اسلام سیاسی
و تروریست‌های حماس و حزب‌الله و در راس آنها
جمهوری اسلامی هستند و در آن سوی این حمام خون
دولت‌های فاشیست و دست راستی در اسرائیل قرار
دارند که با شلیک هر گلوله به همدیگر مشروعیت
میدهند تا منافع ضد بشری خود را پاسداری کنند و
تداوم بخشند. ساده‌ترین و سراسر است‌ترین راه پایان
یافتن این دور تسلسل جنگ و کشتار تشکیل دو

کشور متساوی‌الحقوق فلسطینی و اسرائیلی است. راه
حلی که البته هم دولت‌های دست‌راستی در اسرائیل
هم نیروهای تروریست اسلامی سیاسی با آن مخالف
اند.

اعتراضات جهانی اهرم بازدارنده و موثر علیه این
کشتار کم سابقه است. این تنها قدرتی است که
می‌تواند بر پوزه تشنگان خون لگام بزند. بشریت
متمدن سازندگان این کشتار مردم غزه را فراموش
نمی‌کند. جای تروریست‌های اسلامی و دولت‌های
فاشیست در اسرائیل در قعر باتلاق تاریخ است.

دوشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۲

۱۸ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۰۶

سر دبیر این شماره: محسن ابراهیمی

۱۹ دسامبر ۲۰۲۳ - ۲۸ آذر ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

کارگری در خطر حکم اعدام

محسن ابراهیمی

مهسا و آرمیتا مستحق پناهندگی نبودند

کیوان جاوید

ناخن‌های زنان، هراس عمومه‌داران!

عطیه نیک‌نفس

حجاب، از تناقض تا واقع‌بینی

سینا پدرام

کارگری در خطر حکم اعدام

محسن ابراهیمی

باز هم یک خبر خشم برانگیز. بازهم توطئه قتل یک شهروند، این بار توطئه قتل علیه کارگر به دست میلیاردرهای اسلامی حاکم.

کارگری به نام حسن خلخال‌زرد، توسط نیروهای اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهر زادگاهش، گالیکش در استان گلستان در مهرماه ۱۴۰۲ بازداشت شد. او با اتهامات شناخته شده و سنگینی همچون "سب‌النبی"، "توهین به مقدسات اسلام" و "توهین به رهبر جمهوری اسلامی" مواجه است.

حسن خلخال‌زرد، کارگر جوانی است که در میان

محرومیت متولد شده؛ برای آوردن لقمه نانی بر سفره خانواده محرومش در سفره‌خانه‌های تهران دور از خانه و زادگاهش کارگری کرده؛ و ظاهراً در فضای مجازی درد دل و رنج و محرومیت و خشمش علیه میلیاردرهای حاکم و قوانین اسلامی‌شان را بیان کرده است و امروز در زندان همان‌ها شب‌ها طناب دار بالای سرش می‌چرخد!

داستان این کارگر محروم و معترض علیه سرمایه‌داران اسلامی و قوانین و مقدساتشان، گوشه‌ای و نمونه‌ای دیگر از جنگ میان کارگران و میلیاردهای اسلامی حاکم است. حکامی که فقط یک چیز برایشان مقدس است: ثروت‌های نجومی که چپاول می‌کنند. قرآن و پیامبر و امامان معصوم قرار است در امر دزدی و چپاولشان خدمت کنند. البته که دستشان رو شده و مقدساتشان

به اندازه خودشان برای مردم نفرت‌انگیز است.

امروز حسن خلخال‌زرد در چنگال دزدان سفره کارگران اسیر است. یکی از نزدیکان او در پیامی گفته است که ”نگذارید در سکوت جنایتشان را انجام بدهند. مردم ایران باید بدانند برای چه جرایم خیالی جان جوانان مردم را می‌گیرند.“

مردم با ”جرایم خیالی“ خوب آشنا هستند. خوب می‌دانند مجرمین واقعی چه کسانی هستند. خوب می‌دانند که نبردی بزرگ میان کارگران معترض و لاش‌خواران حاکم در جریان است. خوب می‌دانند در یک‌سوی این نبرد آیت‌الله‌های میلیاردر، سرداران سپاه، امامان جمعه، سران سه قوه، سارقین میلیاردری از جمله غارتگران چای دیش و شرکت چهارده‌معصوم و

بیت خامنه‌ای صف کشیده‌اند و در سوی مقابل اکثریتی عظیم کمین کرده‌اند و آماده یورش. زندگی حسن خلخال‌زرد، شهروندی رنج‌دیده و معترض از میان طبقه کارگر، نمونه‌ای از زندگی میلیون‌ها کارگر و میلیون‌ها مردم محروم است که علیه حکومت اسلامی به پا خاسته‌اند. نجات او از چنگال‌های خونین دستگاه قضایی حاکم بسیار مهم است. هم به خاطر نجات جان یک انسان و یک کارگر و هم به خاطر شکست دادن حکومت و قضاتش در سنگر خونین اعدام، به خاطر پیشروی در مقابل حکومت اعدام، همه‌جا باید صدای حسن خلخال‌زرد باشیم.

سه‌شنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۲

۱۹ دسامبر ۲۰۲۳

مهسا و آرمیتا مستحق پناهندگی نبودند

کیوان جاوید

دولت آلمان در کمال وقاحت اعلام کرده است بی‌حجابی دلیلی بر پناهنده شدن نیست. یک زن ایرانی به دلیل اینکه نمی‌خواسته در ایران حجاب داشته باشد و می‌خواسته منطبق بر "ارزش‌های غربی" زندگی کند، در آلمان تقاضای پناهندگی داده بود؛ اما دادگاه تشخیص داد که امتناع از داشتن حجاب دلیل کافی برای پناهندگی نیست.

فقط یک لحظه فکرش را بکنید که مهسا امینی عزیز از هفت‌خان موانعی که در راه رسیدن به اروپا وجود دارد به آلمان رسیده و به خود گفته

است بالاخره تمام شد و من می‌توانم به‌خاطر وجود یک حکومت ضد زن که هویت، کرامت و انسانیت مرا لگدمال کرده است در آلمان اقامت بگیرم؛ اما در بهت و ناباوری از قاضی جواب منفی دریافت می‌کند. یک لحظه تصور کنید آرمیتا در دادگاهی در آلمان دلیل تقاضای پناهندگی‌اش را برای قاضی توضیح می‌دهد و می‌گوید به دلیل رعایت نکردن حجاب اسلامی - اجباری جانم در خطر بوده و هر لحظه ممکن بود توسط یکی از این اوباش اسلامی به قتل برسیم و ناباورانه جواب می‌گیرد بی‌حجابی دلیل برخورداری از حق پناهندگی نیست. باید گفت کجایند آن نمایندگان مجلس در آلمان که برای مهسا اشک ریختند و موهایشان را قیچی کردند؟ کجایند آن خیل سیاستمداران سالوس که برای همدردی

با مردم ایران در برابر دوربین صف می کشیدند
و بیانیه‌های پُرطمطراق می دادند تا مقبول مردم
ایران واقع شوند. ریاکاری به راستی مرز نمی شناسد.

عصبانیت کافی نیست و دردی را درمان نمی کند.
علیه این قوانین ضدانسانی متحد شوید و دست
در دست هم علیه این قسی‌القلب‌هایی که
لباس فاخر انسانیت بر تن کرده‌اند مبارزه کنید.
متشکل شوید و به نام انسانیت حق خود را از
این دولت‌ها بگیرید. انسان‌دوستان شریف آلمانی
در صف شما قرار دارند. انقلاب زن زندگی آزادی
بزرگ‌ترین دلیل این واقعیت است که زنان پیش‌تاز
مبارزه برای به چنگ آوردن آزادی، از جان خود
مایه گذاشتند و به بند کشیده شده، مورد تجاوز
قرار گرفته، احکام بسیار سنگین دریافت کرده و

بعضاً بعد از آزادی از زندان به خاطر شکنجه‌هایی که دیده بودند دست به خودکشی زدند.

با فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در آلمان تماس بگیرید تا از تجربه غنی این سازمان‌دهندگان دفاع از حق پناهندگی بهره‌مند شوید. به دولت‌های اروپایی نشان دهید حق گرفتنی است و برای تحقق این حقوق از پا نمی‌نشینید.

سه‌شنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۲

۱۹ دسامبر ۲۰۲۳

ناخن‌های زنان، هراس عمامه‌داران!

عطیه نیک‌نفس

”حوزه علمیه زنان مرکزی، نشست علمی برای بررسی ابعاد فقهی ”کاشت ناخن“ برگزار کرد. به همین منظور مدارس علمیه تخصصی اراک کرسی ”علمی - ترویجی“ را با عنوان ”تحلیل فقهی کاشت ناخن با نگاهی به موانع بودن آن برای طهارت“ برگزار کردند. سمیه حسینی، استاد حوزه، کاشت ناخن را نوعی ”هجمه فرهنگی“ خواند و گفت: تعجیز عملی مکلف در وقت عبادت حرام است.“

شتر شتر شونوباد برده، لنگ پشه کوره‌ها رو چسبیدن!

رژیم اسلامی مستأصل و درمانده از پس زدن قوانین
قرون وسطایی و غیر انسانی اسلامی توسط مردم ایران
کارش به جایی رسیده که کار گروه برای ”کاشت
ناخن“ می گذارد. آن هم توسط زنان مزدور رژیم که
خود قربانی زن ستیزی همین قوانین اسلامی هستند.

بله باید به این رژیم سر تا پا شکست خورده و عقب مانده
گفت: شتر شترتان که عمامه و حجاب بود و از ارکان
اسلام و نظام اسلامی، پرانده و سوزانده شد. داشتن
ناخن کاشت برای زنانی که جسورانه فریاد زدند: بدن
من، انتخاب من، دقیقاً حکم لنگ پشه کوره را دارد!

شرم آور است برای رژیم فساد و جنایت اسلامی که

در حالی این موضوعات را بیان می کند که مردم برای معیشت روزانه خود به شدت در تنگنا قرار دارند؛ بازنشستگان با وجود سن بالا و مشکلات جسمانی هر هفته باید در همین هوای آلوده‌ای که مسبب آن رژیم است، دست به اعتراض بزنند؛ اختلاس‌های میلیاردی، کودکان کار، تورم نفیس گیر، بی آبی، نبود داروهای ضروری و هزاران بحران دیگر که مردم هر لحظه در ایران با آنها دست به گریبان‌اند اصلاً موضوعیتی برای رژیم ندارد. ضمن اینکه باعث‌وبانی تمام این مشکلات دقیقاً و مستقیماً رژیم اسلامی است.

از آنجا که این رژیم باید راهی برای سرکوب انسان‌ها پیدا کند، با توجه به اینکه حجابش بر باد رفته

و قرآنش سوزانده شده، حالا می‌خواهد حداقل
کاشت ناخن را کنترل کند! غافل از اینکه مردم با
شروع انقلاب ”زن، زندگی، آزادی“ با رژیم اسلامی
و تمامی احکام و قوانین سرکوبگرانه‌اش تعیین
تکلیف کرده‌اند و تا نابودی این رژیم و رسیدن
به حقوق انسانی‌شان راهشان را ادامه خواهند داد.

سه‌شنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۲

۱۹ دسامبر ۲۰۲۳

حجاب، از تناقض تا واقع‌بینی

سینا پدرام

علی مطهری، نایب‌رئیس پیشین مجلس، با استقبال از لایحه "حجاب و عفاف" گفت: "نمی‌شود حجاب بدون نظارت باشد؛ چون تجربه نشان داده که عده‌ای پرده‌داری می‌کنند." او افزود: "می‌گفتند روسری سخت است، نظام هم با آن‌ها راه آمد؛ اما به همین راضی نیستند. می‌بینید که الان ساق پا و شکم بیرون است."

مشکل رژیم و اعوان و انصارش با حجاب و قوانین مربوطه این است که قادر به بازگرداندن

جامعه به موقعیت قبل از انقلاب "زن زندگی آزادی" نیستند. حجاب بر گیران گام‌های بزرگی برداشته است و حاضر به عقب‌نشینی نیست. سیاست در ایران امروز یعنی حرکت از یک بالانس به بالانس دیگر. آنچه در این معادله تغییر می‌کند توازن قوا به ضرر رژیم اسلامی است.

این حضرات همچنین می‌دانند که با دادن هر آوانسی به جامعه مجبور هستند که چندین گام عقب‌نشینی کنند. چنین سیاستی، فقط تا مدتی می‌تواند کارساز باشد. قدرت مانور و تحرک رژیم چه در قانون‌گذاری و چه در سرکوب عریان تابع این توازن قوای مشروط است.

سه ماه پیش در تاریخ ۱۲ شهریور، علی مطهری در گفت‌وگویی با خبرگزاری فارس مواضع خود درباره حجاب را این‌گونه تشریح و اعلام کرد: ”خیلی از بی‌حجاب‌ها و بدحجاب‌ها طرف‌دار بدن‌نمایی و عریانی نیست.“

مشاهده ۳ ماه پیش ایشان، یک آرزوی واهی بود. این همان چیزی است که به ”خواسته اندیشی“ مشهور است. در مقابل، مشاهده امروز آقای مطهری را با اغمازی به بزرگی کوه دماوند می‌توان ”واقع‌بینانه“ ارزیابی کرد. این ”واقع‌بینی“ تحمیلی را مدیون حرکت اعتلایی جنبش زنانه هستیم.

تناقض در سخنان سران رژیم، قطعاً به محدودیت

فکری و ذهنی این حضرات مربوط است. اما
آچمز سیاسی و سردرگمی هیئت حاکمه به
دینامیسم و پویایی انقلاب جاری بستگی دارد.
سردرگمی سیاست گزاران رژیم در مورد مسئله
حجاب فقط نقطه آغاز سردرگمی‌های بزرگ
در آینده حیات سیاسی رژیم اسلامی است.

سه‌شنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۲

۱۹ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۰۷

سردبیر این شماره: سوسن صابری

۲۰ دسامبر ۲۰۲۳ – ۲۹ آذر ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

حمید نوری، یکی از ویرانگران انسانیت است

سیامک بهاری

دادخواه سمیراها باشیم

سوسن صابری

درد مشترک، فریاد مشترک می‌طلبد

شهلا دانشفر

کولبران و جمهوری اسلامی

جلیل جلیلی

حمید نوری، یکی از ویرانگران انسانیت است

سیامک بهاری

مقابل دادگاه استیناف در شهر استکهلم
غوغایی برپاست. از هر طرف صدایی بلند است
و جنایات بی‌شمار حکومت اسلامی فریاد زده
می‌شود. تصاویر جان‌باختگانی که جمهوری
اسلامی در پرسش‌های چند دقیقه‌ای حکم قتل
آنها را صادر کرد و با بی‌رحمی و قساوت در
خفا به دار آویخت، در دست بازماندگان و
دادخواهان است. برخی از خانواده‌های خاوران‌ها،
شکنجه‌شدگان قبرها و تابوت‌ها، سرکوب‌شدگان
سلول‌های خونبار شکنجه، شاکیان و شاهدان
پرونده چندین هزار صفحه‌ای یک قاتل
سریالی که به دست عدالت سپرده شده است

مقابل دادگاه با عزمی راسخ صف بسته‌اند.

سه‌شنبه ۲۸ آذر، دادگاه استیناف سوئد با رد درخواست تجدیدنظر حمید نوری دادیار سابق زندان گوهردشت، دو اتهام اصلی جنایت جنگی از نوع بین‌المللی و قتل عمد را مجدداً اعلام و حکم حبس ابد او را تأیید کرد. قاضی پرونده به‌صراحت اعلام کرد: ”ارزیابی ما این است که پرونده ارائه شده از سوی دادستان قوی و قانع‌کننده است. دادگاه منطقه‌ای درست تشخیص داد که اتهامات دادستان تا حد زیادی مستند است.“ این حکم نه‌تنها یک پیروزی بزرگ برای ادامه راه جنبش عظیم دادخواهی بلکه پیامی روشن به همه جانیان، به برپاکنندگان زندان‌های سیاسی و سرکوبگران عدالت و برابری است. پرونده‌ای برای کل حکومت گشوده شده است که تاریخ انقضا ندارد.

حمید نوری، یکی از ویرانگران انسانیت، دستیار آمران و عاملان کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ که همه از کار به دستان درجه اول حکومت هستند، از خمینی و خامنه‌ای و موسوی تا ابراهیم رئیسی و هیئت مرگ، به‌عنوان جنایت‌کاران علیه بشریت بخشی از این پرونده‌اند. این محاکمه‌ای تاریخی در زمان بر سرکار بودن حکومت اسلامی است! رسیدگی به پرونده حمید نوری تأکید بر این است که جنایت مشمول مرور زمان نمی‌شود. اصل صلاحیت قضایی بین‌المللی جانیان علیه بشریت را به محاکمه می‌کشاند.

بیش از ۴۵۰ دادخواه، هنرمند و فعال سیاسی‌اجتماعی در تأیید حکم دادگاه تجدیدنظر سوئد، در بیانیه‌ای اعلام کردند این دادگاه "پرونده‌ای را گشوده که در آن آمران و عاملان اصلی این کشتار معرفی شده‌اند. عاملان کشتار

سال ۶۷ هنوز زمام امور کشور را در دست دارند.

هم‌زمان با اعلام حکم نوری، قطعنامه مصوب کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل سرکوب بی‌رحمانه معترضین، اجرای حکم اعدام بر اساس اعترافات اجباری و دادگاه‌های فرمایشی را محکوم کرد.

احتمال مبادله نوری و مماشات دولت سوئد به قیمت پشت‌کردن به عدالت قضایی، یک نگرانی مطرح است. اما تغییری در پیروزی جنبش دادخواهی ایران نخواهد داد.

چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۲

۲۰ دسامبر ۲۰۲۳

دادخواه سمیراها باشیم

سوسن صابری

سمیرا را امروز جمهوری اسلامی کشت. ۲۹ آذر را به خاطر بسپاریم. روز قتل عمد سمیرا سبزیان توسط حکومت اسلام. روز قتل را ۲۲ آذر تعیین کرده بودند که به دلیل اعتراضات داخلی و بین‌المللی موقتاً به تعویق افتاد تا به قول خودشان حساسیت‌ها کم شود. اما ماشین قتل و کشتار رژیم قربانی می‌خواهد و امروز سمیرا یکی از قربانیان آن بود.

زندگی سمیرا نمونه دردناکی است از هزاران هزار زندگی بریادرفته و مرگ تدریجی؛ آنگاه که

کودکی‌اش را از او گرفتند، آنگاه که در میان نقل و شیرینی و هلهله در ۱۵ سالگی قانوناً به او تجاوز شد، آنگاه که زیر مشّت و لگد و خشونت خانگی درد می‌کشید. در ۱۹ سالگی به اتهام قتل شوهرش به زندان افتاد و در این ده سال گذشته به امید نجات زندگی‌اش او را با فریب گذشت از قصاص، این حکم ضدبشری اسلامی، از دیدن دو فرزندش محروم کردند. ده سال از ۱۳۹۳ تا به امروز با ترس و کابوس مرگ "زندگی" کرد.

متأسفانه، این بار نتوانستیم قربانی نظام را از چنگش نجات دهیم. سمیرا رفت. در عنفوان جوانی رفت. دادخواهش باشیم. دادخواه کودکی ازدست‌رفته و

عمر نکرده‌اش. دادخواه کودکان محروم از آغوش مادرش. دادخواه هزاران هزار زندگی بدتر از مرگ باشیم. این یک جنگ است. جنگ ما و جمهوری اسلامی. جبهه ما اکثریت مردم، جبهه انسانیت و عدالت و برابری است. انقلاب زن زندگی آزادی توازن قوا در جبهه‌های این جنگ را به نفع مردم به هم زده است. با تقویت بیشتر جبهه مقابل رژیم، این قاتل انسانیت، علیه مجازات ضدانسانی اعدام بپا خیزیم.

چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۲

۲۰ دسامبر ۲۰۲۳

درد مشترک، فریاد مشترک می‌طلبد

شهلا دانشفر

بازنشستگان برای ساعت ده صبح چهارم دی‌ماه به تجمع بزرگ سراسری در مقابل سازمان برنامه‌وبودجه در تهران فراخوان داده‌اند. اعتراض آنان به فقر و بی‌تامینی، به تبعیض‌ها و چپاولگری‌های حاکم، به تعرضات معیشتی حکومت از جمله به برنامه هفتم توسعه و طرح افزایش صددرصدی مالیات‌ها و نیز به پاسخ‌نگرفتن خواست‌هایشان است. بازنشستگان صدای رسای اعتراض همه مردم هستند و مبارزات‌شان تأثیر مستقیمی بر فضای سیاسی جامعه دارد. بازنشستگان با شعار “درد ما درد شماست،

مردم به ما ملحق شوید، کل جامعه را به اعتراض و همبستگی فرامی خوانند و این فریادی است که با شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" به انقلاب زن زندگی آزادی وصل است. انقلابی که "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" یک شعار مهمش بود.

فعالان از اعتراضات بازنشستگان و فراخوان چهارم دی ماه حمایت کنیم. فراخوان بازنشستگان، بخش های مختلفی همچون کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی، نفت و فولاد را در بر می گیرد. در متن فراخوان چهارم دی ماه آمده است: "درد مشترک، فریاد مشترک می طلبد. فرق ندارد بازنشسته کدام سازمان و ارگان هستید برای رسیدن به اهداف مشترک صنفی ۴ دی ماه با هم در مقابل برنامه و بودجه تهران حضور

خواهیم یافت“. علاوه بر فراخوان چهارم دی‌ماه، بازنشستگان فولاد که نیروی مهمی از آن هستند، برای سوم دی‌ماه فراخوان به تجمع سراسری مقابل وزارت تعاون داده‌اند. در کرمانشاه بازنشستگان در سوم دی‌ماه هم تجمع خواهند کرد. ضمن اینکه در تجمع ۲۷ آذرماه آنان، یک موضوع سخنرانی‌هایشان تأکید بر همبستگی تمامی بخش‌های بازنشستگان و شرکت وسیع در تجمع بزرگ و سراسری چهارم دی‌ماه بود که با فریاد محکم اتحاد اتحاد از سوی جمعیت قابل‌توجه شرکت‌کنندگان همراهی شد.

فراخوان چهارم دی‌ماه بازنشستگان، تجمعات مشترک بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی در برخی از شهرها، تجمعات مشترک متعدد کارگران

شاغل رسمی و بازنشستگان در صنعت کلیدی نفت و فراخوان‌های اعتراضی متعدد از سوی بازنشستگان فضای پر تلاطم اعتراضی در میان صف ۲۵ میلیونی بازنشستگان را به نمایش می‌گذارد. فضایی که در شعارهای کوبنده آنان در تجمعاتشان و بلند شدن فریاد ”مرگ بر رئیسی“، ”مرگ بر دولت“ از سوی آنان به روشنی بازتابش رامی‌بینیم. اینها همه نقطه عطفی در جنبش بازنشستگان، این بخش رزمنده جامعه است. جنبشی که یک رکن مهم اعتراضات مردمی در دفاع از زندگی و معیشت و برای پایان دادن به کل بساط توحش و بردگی حاکم است. زنده باد بازنشستگان.

چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۲

۲۰ دسامبر ۲۰۲۳

کولبران و جمهوری اسلامی

جلیل جلیلی

روزی نیست که خبر کشته شدن یک یا چند نفر از انسان‌هایی که در مرزهای کشور از طریق حمل و جابه‌جایی کالا امرارمعاش می‌کنند بگوش نرسد. یکی از متأخرترین این فجایع که با شلیک نیروهای مسلح حکومت اسلامی مستقر در نواحی مرزی کردستان انجام گرفته است، کشته شدن یک کولبر به اسم علی قادری است. علی قادری در مملکتی که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است متولد شده، بزرگ شده، با همسرش دارای سه فرزند شده و مثل هر پدری آرزوی

آینده‌ای بهتر از وضع خود برای آنها را داشته است. او برای سیر کردن شکم فرزندان و تأمین زندگی فقیرانه خانواده‌اش مجبور به کولبری شده بود. علی قادری اولین قربانی این شرایط غیرانسانی زندگی در ایران تحت حاکمیت اسلامی سرمایه‌داران نیست و تا زمانی هم که این حکومت بر سر کار است، احتمالاً آخرین نفر هم نخواهد بود. روزانه ده‌ها انسان در این مملکت تحت شرایط سخت تلاش فردی برای تأمین زندگی خود و خانواده‌شان، جان خود را از دست می‌دهند و یا ناقص‌العضو می‌شوند. چرا که در ذهن علیل سرمایه‌داران، این بخش جامعه که اکثریت جامعه را نیز شامل می‌شوند، نه شهروندانی که باید از حقوق کامل

انسانی برخوردار باشند؛ بلکه موجوداتی هستند تنها برای کار، تا آنجا که جان در بدن دارند، و تولید ثروت و آسایش برای طبقه سرمایه‌دار؛ طبقه‌ای که با تملک، کنترل و به انحصار درآوردن تمام وسایل و امکانات تولید ثروت از یکطرف، و سازمان‌دادن شبکه‌ای از نیروهای مسلح، نیروهای مبلغ خرافات و نابرابری، نیروهای شکنجه‌گر و زندان و زندانبان از طرف دیگر، کل جامعه را به بند می‌کشد.

به این وضعیت فلاکت‌بار باید نقطه پایانی گذاشته شود. اعتراضات متشکل و متحدانه خود کولبران و انسان‌هایی که برای تأمین معاش مجبور به کار کردن در چنین شرایط سخت و مشقت‌بار و پرخطر هستند،

می‌تواند راه مؤثری باشد. ولی پایان‌دادن قطعی به این وضعیت تنها با سرنگون کردن حکومت بانی و حافظ این شرایط، بیرون کشیدن مالکیت وسایل تولید از انحصار سرمایه‌داران و اداره جامعه به شکلی که همه شهروندان بتوانند در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلانش شرکت کنند، ممکن است.

سه‌شنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۲

۱۹ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۰۸

۲۱ دسامبر ۲۰۲۳ – ۳۰ آذر ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

هزار خورشید یلدا در نبرد با تاریکی

کیوان جاوید

زنان، مبارزان بی‌بدیل رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

ما هم در قتل سمیرا مقصریم!

کاظم نیکخواه

سیاست‌های “جدید” ضد پناهندگی اروپا

سینا پدرام

هزار خورشید یلدا در نبرد با تاریکی

کیوان جاوید

انگار حافظ همین حالا در کنار ما ایستاده است و می‌گوید: "شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل، کجا دانند حال ما سبک‌باران ساحل‌ها". یا شاید ما هنوز در زندان آن تاریخ ۷۰۰ سال پیش هستیم که حافظ در آن روزگار می‌زیسته است. این ماشین زمان است که از حال به گذشته رفته است یا فقط تکرار بی توقف زندگی ما است که از یلدا فقط تیرگی و سیاهی اجتماعی آن نصیب ما شده است؟

یک خط مشترک، امروز ما را به زمانه حافظ وصل می‌کند و آن هم وجود یک دین، و یک مذهب تاریک‌اندیش به نام اسلام

است که اسم و تاریخ و فلسفه وجودی‌اش
با اسارت و عزا و کشتار گره‌خورده است.

این اما قسمت تاریک ماه‌گرفتگی است که مانع
رسیدن آفتاب زندگی به ما می‌شود. آن‌سوی دیگر
تکاپوی بی‌وقفه برای زندگی است. آن‌سوی ماتم
و رخت سیاهی که بر تن ما کرده‌اند، روپیدن از
دل انجماد و سرمای کشنده است که شگفتی‌ساز
می‌شود. این امید و باور به سر برآوردن نهال سبز
زندگی است که با تکاپو و تلاش ما به بار می‌نشیند
و جهان را غرق زیبایی و طراوت و نور می‌کند.

در یلدای امسال جای هزاران عزیز جان‌باخته ما
خالی است. بر فراز این درازترین شب سال یاد عزیز
جان‌باخته ما یلدا آقا فضلی را گرامی می‌داریم
که شب یلدای ۱۴۰۱ شب چهل‌م او شد و یاد عزیز

آرمیتای جوان که شور بود و جسارت بود و زندگی
گرامی می‌داریم که گفت: ”تاریک‌ترین شب نیز
پایان خواهد یافت و خورشید خواهد درخشید“.

در امتداد انقلابمان، این ناخدای آزادی است که
با سلاح شادی و رقص و آرمان‌های انسانی در
نبرد با خدای مرگ و تاریکی پرچم زندگی را
برافراشته‌تر می‌کند و اعلام می‌کند این دنیای ما
است و به دستش می‌گیریم و یلدهای زندگی را
برای همیشه پاس می‌داریم. در یلدای امسال یاد
عزیز جان‌باختگان انقلابمان را گرامی بداریم و در
راه سرنگونی حکومت تباهی‌ها متحدتر شویم.

پنج‌شنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۲

۲۱ دسامبر ۲۰۲۳

زنان، مبارزان بی‌بدیل رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

”محمد مهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد رژیم اسلامی با بیان اینکه بی‌حجابی در ایران بحران نیست؛ بلکه یک مسئله است، گفت که تعداد زنان بی‌حجاب در تهران بیشتر از ۱۳ تا ۱۵ درصد نیست و وضعیت حجاب در سایر استان‌ها از تهران بهتر است و البته همین مقدار بی‌حجابی نیز نباید باشد.“

چه غرورآمیز است که هر روز شاهد دست‌آوردهای باشکوهی از مبارزات زنان در ایران هستیم که علیه قوانین زن‌ستیزانه اسلامی بادست‌خالی ایستاده‌اند؛

تا جایی که مزدوران رژیم نه تنها مجبور به اقرار ناتوانی در کنترل جامعه شدند؛ بلکه مثل همیشه با پروراندن توهمات ذهنی‌شان و بیان آمار و ارقام بی‌پایه‌و‌اساس و دروغ می‌خواهند عمق شکستشان در برابر زنان را کاهش دهند. این در حالی است که ماه‌ها برای تصویب لایحه عفاف و حجاب بر سر یکدیگر زدند، قاتلانی به نام حجاب‌بان در اماکن عمومی مستقر کردند و دوربین‌هایی برای جرم‌انگاری بی‌حجابی در سطح شهر گذاشتند.

استیصال و مخمصه رژیم در مقابل مبارزات درخشان زنان تا آنجاست که فاطمه رحمانی، عضو فراکسیون زنان مجلس، کورسوی امیدی

به قانون محرومیت‌های اجتماعی برای زنان بی‌حجاب دارد و می‌گوید: "حتماً باید در برابر کسانی که حجاب را رعایت نمی‌کنند ایستاد!" غافل از اینکه حجاب را در ایران باد نبرد؛ بلکه طوفان حق‌طلبی زنان آن را برای همیشه نابود کرد.

وحشت و ناتوانی رژیم سراسر ضدزن اسلامی به جا و درست است. با وجود زنان آزادی‌خواهی که حتی در شکنجه گاهایش زیر بار قوانینش نمی‌روند، از همان جا بیانیه‌های کوبنده صادر می‌کنند، برنده جایزه صلح نوبل می‌شوند، و تلاش می‌کنند به هر شکل ممکن و با کمترین امکانات صدای اعتراضاتشان را بگوش

جهانیان برسانند. در مقابل این همه ایستادگی
باید رجزخوانی کرد و به دنبال راه چاره‌ای بود.

در کنار زنان، این مبارزان بی‌بدیل علیه رژیم
اسلامی که اصل نظام را نشانه گرفته‌اند تا
رسیدن به جامعه‌ای سکولار و بدون مذهب
رسمی، متشکل و با قدرت می‌جنگیم.

پنج‌شنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۲

۲۱ دسامبر ۲۰۲۳

ما هم در قتل سمیرا مقصریم!

کاظم نیکخواه

به عکس سمیرا سبزیان که ۲۹ آذر اعدام شد بادقت نگاه کنید! ما مردم، ما آدم‌های بالغ، ما انسان‌هایی که در گوشه و کنار دنیا شاهد کشتار هر روزه زنان و کودکان توسط یک مشت خونخوار اسلامی هستیم، نشستیم و نظاره گر شدیم که این دختر جوان "سمیرا سبزیان فرد" را که در سن ۱۵ سالگی به ازدواج داده شد، به بالای دار بکشند. مثل همه موارد دیگر او ابتدا زیر شکنجه به قتل اعتراف کرده و بعد انکار کرده است. طبعاً قربانی شدن یک فرد به هر شکلی جنایت است. اما آیا ده سال زندان برای مجازات

این قتل کافی نبود؟ آیا آن شرایطی که این دختر را مجبور کرد در کودکی با مردی که نمی‌دانم چند برابر او سن داشته هم خواب شود مقصر نیست؟

در کشورهای متمدن مجازات اعدام وجود ندارد و حبس ابد در خیلی موارد بعد از حدود ده سال به پایان می‌رسد. بعلاوه کودکان حتی اگر جنایتی کرده باشند مجازات نمی‌شوند؛ بلکه به مراکز بازآموزی منتقل می‌گردند. سمیرا هنگام قتل کودک بود.

گزارش‌ها در مورد سمیرا تکان‌دهنده است. او ده سال در زندان زجر کشید. مادر دو کودک بود. هنگام اعدام زبانش بند آمده بود. قدرت حرکت را از دست داده بود. او را روی برانکارد گذاشتند و به پای

چوبه دار بردند. تف بر این نظام و این سیستم! ما مردم اگر تکان خورده بودیم، اگر به اشکال مختلف اعتراض کرده بودیم، اگر صدای او شده بودیم، شاید می توانستیم مثل موارد دیگر کاری کنیم این دختر جوان که در زندان زیر شکنجه خرد شده بود، اعدام نشود؟ شاید... در موارد متعددی با کمپین و اعتراض انسان‌هایی رانجات داده‌ایم. به هر حال شخصاً به‌ویژه از قربانی شدن کودکانی که قربانی شرایط غیر انسانی حاکم می‌شوند، عمیقاً احساس شرمندگی می‌کنم.

می‌دانم که نجات او ساده نبود. یک باند آدمکش با ایدئولوژی توحش عصر بربریت بر این جامعه و زندگی مردم سوار شده و هر روز دارد جان تعدادی را می‌گیرد. شعارش هم این است:

بکش تا بمانی. حکومت اسلامی حکومت مرگ
و نیستی است. حکومت چپاول است. حکومت
تجاوز است. حکومت نابود کردن تعقل و تمدن
است. حکومت به صلابه کشیدن انسانیت است.

هر روزی که ما مردم زودتر دست در دست هم
دهیم و این ماشین جنایت را در هم بکوبیم، جان
دها انسان دیگر را که در آستانه قتل و اعدام هستند
نجات داده‌ایم. به سمیرا و سمیراهای دیگر فکر کنیم

پنج‌شنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۲

۲۱ دسامبر ۲۰۲۳

سیاست‌های “جدید” ضد پناهندگی اروپا

سینا پدram

به گزارش خبرگزاری‌ها “دولت‌های اروپایی روز چهارشنبه، ۲۹ آذر، با بازنگری در سیاست‌های پناهندگی خود، مقرر کردند برای کنترل بیشتر پدیده مهاجرت غیرقانونی، تعداد مراکز بازداشت در مرز را بیشتر کرده و پناهندگان ردشده را سریع‌تر از مرزهای خود اخراج کنند.”

سازمان‌های مردمی و پناهندگی در اروپا به‌درستی این تغییر سیاست را محکوم و آن را ظالمانه خواندند. باز هم معضل مهاجرت و

پناهندگی به کشورهای اروپایی به طرز غریبی
به موضوع "اساسی و بحرانی" این کشورها
تبدیل شده است و حوزه‌های مختلف "اقتصادی
و سیاسی" را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد!

دولت‌های حاکم بودجه‌های خدمات
رفاهی را قطع می‌کنند و تقصیر آن بر
گردن ورود "بی‌رویه" مهاجرین می‌اندازند.
تبلیغات احزاب راست و فاشیست کشورهای
میزبان به "معضل" مهاجرت از این هم مضحک‌تر
است. گویی پناهندگان افرادی هستند که "زیر
دلشان خوشی" زده است و به طرز مرموزی
هوس "سو استفاده" از امکانات کشورهای
میزبان و پیشرفته را در مخیله خود پرورانده‌اند.

واقعیت "مهاجرت" چیزی فراتر از این فرافکنی‌ها و توجیهات پوپولیستی برای دورکردن افکار شهروندان اروپایی از دلایل واقعی پایین آمدن سطح زندگی آنان است. دلایل مهاجرت پیچیده و در ارتباط مستقیم با فقر، جنگ‌های خانمان‌سوز، بیکاری وسیع، تغییرات اقلیمی که خود حاصل اقتصاد سرمایه‌داری است و دلایل محلی و جهانی دیگر است.

اما انکار این دلایل و دیدن فقط خود پدیده مهاجرت شعبده‌بازی سیاسی احزاب و دولت‌های "پناهنده خیز" و کشورهای مهاجرپذیر است.

اول اینکه بیشتر مهاجرت‌ها از کشورهای صورت می‌گیرد که اکثریت مردمانشان "دست‌برقضا"

به خاطر سیاست‌های استعماری کشورهای میزبان در ۲۰۰ یا ۳۰۰ سال گذشته و سیاست‌های اقتصادی سرمایه‌دارانه و حشیانه سرمایه‌داران "بومی و خارجی" به ورطه فقر و فلاکت کشانده شده‌اند. پدیده مهاجرت به این اعتبار نقطه صفر و شروع تاریخ نیست؛ بلکه تاریخی به قدمت نسل‌های گذشته دارد.

دوم اینکه مسئله مهاجرت برای دول میزبان، آن‌چنان که ادعا می‌کنند، هزینه‌بردار نیست. کیست که نداند حجم زیادی از نیروی کار ارزان، کار آزموده و جوان بی‌هیچ هزینه به واسطه مهاجرت وارد بازار کار کشورهای "پیشرفته" می‌شود که برای سرمایه‌داری این کشورها سود بادآورده محسوب می‌شود. اورزولا فون در لاین، رئیس

کمیسیون اروپا، از این توافق با استفاده از عبارت
«رویکرد منصفانه و عمل‌گرایانه برای مدیریت
مهاجرت» استقبال کرد. اما کلمات سخت‌گیرانه،
تبعیض‌گرایانه و فاشیستی صفات دقیق‌تری برای
توضیح سیاست‌های جدید کشورهای اروپایی است.

سه‌شنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۲

۱۹ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۰۹

۲۳ دسامبر ۲۰۲۳ - ۲ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

حجاب و ماشین ترمز بریده حکومت

کیوان جاوید

روابط عمومی مقدس

پتی دبونیتاس

مبارزه علیه مجازات اعدام

سؤال از حسن صالحی

نقشه ترور سیما ثابت و فرداد فرحزاد را محکوم میکنیم

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

کشتار در غزه و قطعنامه ای توخالی

محسن ابراهیمی

حجاب و ماشین ترمز بریده حکومت

کیوان جاوید

روز جمعه اول دی ماه خبر رسید که: ”مأموران پلیس اماکن تهران شهر کتاب مرکزی این شهر را به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری مشتریان آن پلمب کردند.“

جمهوری اسلامی فقط از بی حجابی زنان نیست که جانش به لب رسیده، از وجود زنان هم هست که به مرز جنون رسیده است. زنانی که پا از خانه بیرون می گذارند و در زندگی اجتماعی با چنگ و دندان موانع را یکی پس از دیگری کنار می زنند و به پیش می روند، بلای جان این ریش درازان بی ریشه

شده‌اند. نبرد نابرابری است اما در این نبرد اجتماعی زنان تنها نیستند. مردان مدرن و آزادیخواه که با فرهنگ برابری‌طلبی بارآمده‌اند در کنار زنان ایستاده و برای رسیدن به همه آزادی و گذر از سد جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی باز نمی‌ایستند.

سیر قدم به قدم پیشروی زنان در این چند دهه، که در این یک سال و اندی گذشته نیز به اوج رسیده است را می‌شود به خوبی دید و به این باور رسید که مردم در تسخیر سنگرهای بیشتر سازمان یافته‌تر عمل می‌کنند. نمونه اعتراف وزیر ارشاد حکومت که گفت: ”تعداد زنان بی‌حجاب در تهران بیشتر از ۱۳ تا ۱۵ درصد نیست“، گویای این واقعیت است این حکومت که استاد اعظم دروغ‌گویی است تا

همینجا مجبور شده است به چنین آماری از زنان بی حجاب یعنی بیش از نیم میلیون بی حجاب در تهران اعتراف کند. همین اعتراف به ما می گوید که پلمب "شهر کتاب مرکزی" و هزار طرح و برنامه ریز و درشت دیگر راه به جایی نمی برد و درد بی درمان رژیم را درمان نمی کند. وضعیت جمهوری اسلامی شبیه به موقعیت آن راننده مستی است که با ماشین قراضه و بی ترمز در مسیری پُر از برف و بوران با دره هایی عمیق در دو سوی جاده در حرکت است. پیش بینی سقوط به ته دره فنا در چنین موقعیتی امری است محتمل.

شاید آن آینه تمام نمایی که آینده جمهوری اسلامی در آن به روشنی و شفافیت تمام نمایان باشد زیر

حجاب سرکوب و کشتار و زندان آنچنان که باید
به خوبی بر همگان آشکار نباشد. اما همه تحلیل‌ها
و تمام شواهد موجود نشان می‌دهد که این رژیم
درمانده‌تر و بی‌آینده‌تر از آن است که بتواند در
برابر عظمت آنچه مردم می‌خواهند یارای مقاومت
داشته باشد. هر سنگری که بدست ما فتح می‌شود
رژیم اسلامی را یک قدم دیگر به دره سرنگونی
نزدیکتر می‌کند پس به پیش برای پیشروی‌های
بیشتر.

شنبه ۲ دی ۱۴۰۲

۲۳ دسامبر ۲۰۲۳

روابط عمومی مقدس

پتی دبونیتاس

کلیسای کاتولیک اسپانیا آمار بدست آمده از تحقیقاتی در رابطه با کودکانی که توسط کشیش ها مورد سو استفاده قرار گرفته بودند را منتشر کرد. در این مدارک ۲۰۵۶ قربانی شناسایی شده اند. بیانیه کلیسا افزوده است که "کلیسا متعهد به شناسایی تمامی موارد است."

به نظر می‌آید که در نظر می‌رود و واقعی به نظر می‌رسد، اینطور نیست؟ البته فقط تا وقتی که به یاد بیاورید که سه ماه پیش، بازرس ملی اسپانیا ارقامی را از نظرسنجی که سفارش داده بود منتشر

کرد. از میان بیش از ۸۰۰۰ مصاحبه شونده ۶,۰ درصد اظهار داشتند که توسط یکی از روحانیون مورد آزار جنسی قرار گرفته اند. این معادل بیش از ۲۰۰۰۰۰ بزرگسال است که از سال ۱۹۴۰ در کودکی مورد آزار قرار گرفته اند.

آنچه که سکوت در مورد تعداد وحشتناک قربانیان را شکست این اعداد و ارقام صریح بود. کلیسا برای مقابله با این چیزی در چنته نداشت و هیچ یک از مُسکن های مقدسش قادر به بی حس کردن جامعه در مقابل این درد نبود. و دست آخر با پوشیدن یک ردای ظاهرا متمدنانه آمار و ارقام خود را تولید کرد؛ آجی مَجی، لا تَرَجی!

اینک کلیسا است که آنچه در آن مهارت دارد را به نمایش می گذارد: به کار انداختن دستگاه روابط عمومی خود با تمام قوا. کلیسا نیازی به تبرئه شدن احساس نمیکند. واکنشش از سر غریزه اصلی بقا است. به اینصورت متوجه میشویم که درجه متمدن بودن کلیسا چیزی فراتر از متوسط درجه تمدن غارنشینان نیست. تفاوت تنها در اینجاست که کلیسا در مدیریت تصویر سازی عمومی خود بسیار کار کشته تر و ابزار و نفوذ آن بسیار فراتر از آن چیزی است که انسان غارنشین می توانست حتی در خواب ببیند.

این یک ترفند برای فرار از پاسخگویی در مورد میزان واقعی سوء استفاده های به وقوع پیوسته و

تلاشی مداوم برای سرپوش گذاشتن بر آنها است.
اگر احساسات مردم علیه کلیسا به قلیان نیامده
بود و خشم عمومی دامن این مردان متجاوز خدا را
نگرفته بود نه کلیسا در مورد این وقایع تحقیقاتی
انجام میداد و نه دولت اسپانیا.

شنبه ۲ دی ۱۴۰۲

۲۳ دسامبر ۲۰۲۳

مبارزه علیه مجازات اعدام

سؤال از حسن صالحی

یکی از مخوف ترین ابزارهای تداوم نابرابری و استمرار خفقان و سرکوب علیه مردم متوسل شدن به حربه اعدام است. حزب کمونیست کارگری نه تنها در برنامه خود، ”یک دنیای بهتر“ به صراحت و قاطعیت علیه این قتل عمد دولتی نظر اثباتی خود را بیان داشته است، همچنین در عرصه نبرد سیاسی و در میدان مبارزه روزمره بی مهابا با بسیج نیرو و تلاش کرده است در برابر جمهوری اسلامی تا جای ممکن از اعدامها جلوگیری کند. در این مصاحبه حسن صالحی از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران و سخنگوی ”کمیته بین المللی علیه اعدام“ به چند سؤال نشریه ژورنال

پاسخ می دهد.

کیوان جاوید: چرا حزب کمونیست کارگری علیه اعدام است؟

حسن صالحی: ما با اعدام مخالفیم چونکه طرفدار زندگی هستیم. ما با اعدام مخالفیم چرا که از حق حیات دفاع می کنیم. از نظر ما حق حیات یکی از بنیادی ترین حقوق انسانی است و هیچ دولتی حق ندارد درباره مرگ و یا زنده ماندن شهروندان تصمیم بگیرد. ما مخالف هر گونه شکنجه جسمی و روحی انسان ها هستیم و اعدام شکلی از شکنجه است. کابوس مرگ برای یک محکوم به اعدام شکنجه روحی است و خود اعدام، شکنجه دردآوری است که به مرگ و گرفتن جان می انجامد. از نظر ما جان و جسم و روان انسان

باید از هر گونه تعرضی مصون باشد.

اعدام در طول تاریخ و در هر جا که هنوز وجود دارد، در کنار شکنجه و زندان از ابزارهای طبقات دارا برای کنترل شهروندان بوده است تا با ایجاد ترس از طغیان آنها علیه ظلم و ستمگری حاکمین جلوگیری کنند. در ایران اعدام ابزار جنایت رژیم اسلامی برای مرعوب و مختنق کردن جامعه است که به فجیع ترین شکل ممکن یعنی نسل کشی، پاکسازی عقیدتی و حذف مخالفین سیاسی در ابعادی گسترده بوسیله جمهوری اسلامی صورت می گیرد. در ایران بی گناهان یعنی مخالفین سیاسی، بی خدایان، همجنسگرایان، منتقدین دین و غیره اعدام می شوند. نه فقط اعدام زندانیان سیاسی و عقیدتی بلکه اعدام مجرمین عادی نیز جنایتکارانه است چرا که افزون بر ضد انسانی بودن

این مجازات، روند بازجویی و محاکمه و احکام اعدام آنان با ابتدایی ترین موازین حقوقی و قانونی مدرن ضدیت کامل دارد.

اینکه دولتی در کمال خونسردی تصمیم می گیرد جان کسی را بگیرد نشان دهنده بی ارزش کردن جان و حرمت انسان است. در جامعه ای که جان و حرمت انسان بی ارزش می شود، لگدکوب کردن دیگر حقوق انسانی نیز آسانتر می شود. زمانی که دولت می تواند آدم بکشد طبعاً قتل غیردولتی و هر نوع قتلی نیز عملاً مجاز می شود.

کیوان جاوید: تا کنون چه اقدامات مشخصی در مقابله با اعدام صورت داده اید؟

حسن صالحی: حزب کمونیست کارگری ایران از دیرباز با قاطعیت تمام پرچم مخالفت با مجازات شنیع و ضد انسانی اعدام را در دست داشته و اعلام کرده است: "اعدام قتل عمد دولتی است!" خوشبختانه این شعار اکنون فراگیر شده است. فعالین حزب در کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار مبتکر بزرگترین کمپین های جهانی برای نجات محکومین به اعدام و سنگسار بوده اند که در نتیجه این فعالیتها، سنگسار در ایران متوقف شد و بسیاری از محکومین به اعدام نظیر کبری رحمانپور، افسانه نوروزی، سینا دهقان نجات یافتند. جنبش علیه اعدام اکنون یکی از قویترین جنبش های توده ای و اجتماعی در ایران است که تحسین جهانیان را نیز برانگیخته است. هدف ما این است که با قوی کردن هر چه بیشتر جنبش علیه اعدام، ماشین اعدام و جنایت جمهوری اسلامی را متوقف کنیم.

کیوان جاوید: بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی
مجازات اعدام چه سرنوشتی باید پیدا کند؟

حسن صالحی: ما برای ساختن جامعه ای مبارزه می
کنیم که مجازات ضد انسانی اعدام در آن جایی نداشته
و از قوانین کیفری حذف شده باشد. مجازات اعدام
باید طبق قانون ممنوع شود. گرفتن جان انسانها باید
جای خود را به فراهم آوردن شرایط خوشبختی انسانها
و مبارزه پیشگیرانه برای جلوگیری از جرم و بزهکاری
بدهد.

شنبه ۲ دی ۱۴۰۲

۲۳ دسامبر ۲۰۲۳

نقشه ترور سیما ثابت و فرداد فرحزاد را محکوم میکنیم

حزب کمونیست کارگری ایران

طبق گزارش شبکه تلویزیونی آی تی وی بریتانیا، عوامل جمهوری اسلامی قصد داشته‌اند سیما ثابت و فرداد فرحزاد از مجریان ایران اینترنشنال را ترور کنند. طبق این گزارش که شب ۲۹ آذر توسط آی تی وی منتشر شده، طرح این ترور در پاییز سال قبل توسط پلیس انگلیس خنثی شده است. در این گزارش گفته شده که این توطئه را سپاه پاسداران از داخل سوریه هدایت می کرده و شخصی به نام محمدرضا انصاری از فرماندهان سپاه پاسداران طراح آن بوده است.

حزب کمونیست کارگری طرح ترور سیما ثابت و فرداد
فرحزاد را شدیداً محکوم میکند و بار دیگر تأکید میکند
که سپاه پاسداران باید بعنوان یک نیروی تروریست
که جنایات بیشماری در داخل ایران انجام داده و در
خارج کشور مرتکب ترورهای زیادی شده و نقشه‌های
زیادی برای ترور یا ربودن مخالفین جمهوری اسلامی
داشته و همچنان به این اقدامات ادامه میدهد، بعنوان
یک نیروی تروریست شناخته شود و جمهوری اسلامی
بدلیل جنایات سیستماتیک و گسترده علیه بشریت
بایکوت شود و از مجامع جهانی بیرون انداخته شود.

شنبه ۲ دی ۱۴۰۲

۲۳ دسامبر ۲۰۲۳

کشتار در غزه و قطعنامه ای توخالی

محسن ابراهیمی

روز جمعه ۲۲ دسامبر، اول دی ماه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در رابطه با غزه با ۱۳ رای مثبت و دو رای ممتنع آمریکا و روسیه تصویب شد. هم متن قطعنامه و هم تلاش دو طرف برای بازنویسی مکرر متن بوضوح نشان میدهد که دغدغه و مساله هیچکدام از طرفین جان و زندگی انسانها و پایان دادن به کشتار نیست. مساله شان حتی به طور جدی کمک غذایی و دارویی به مردم بی پناه و گرسنه غزه که در معرض کشنده ترین بیماریها هستند هم نیست.

پس از چند روز "کشمکش دیپلماتیک" که ضرورق مودبانه برای اخاذی متقابل دو طرف این تروریسم عنان گسسته است، قطعنامه ای تصویب شده که خواهان امداد رسانی به ساکنان نوار غزه میشود. آتش بس پایدار سهل است، حتی آتش بس موقت موضوع قطعنامه نیست. فقط "ایجاد شرایط لازم" برای رسیدن به آتش بس، یعنی عملاً یک وعده توخالی، تمام حرف این قطعنامه است!

حماس در ابعاد کوچکتري اما همچنان راکت پرتاب میکند؛ همچنان با جان گروگانها بازی می کند و دنبال راهی است که هر چه زودتر روی تل جنازه های لت و پار شده زن و مرد و کودک در ویرانه های غزه برای صف عملیات انتحاری بعدی در راه خدا و زندگی لاکچری

رهبرانش در ترکیه و قطر سربازگیری کند. اسرائیل هم فقط روی آزادی همه گروگانها تاکید میکند چون بعد از قتل عام بیست هزار انسان، اسرائیل نه توانسته حماس را نابود کند و نه توانسته همه گروگانها را آزاد کند و همین الان مساله گروگانها به یک بحران بزرگ سیاسی و حیاتی برای نتانیا هو و جریان دست راستی حاکم تبدیل شده است.

هر قطعنامه ای حتی اگر دریچه کوچکی برای امداد رسانی باز کند بسیار مهم است. اما نمیتوان به قطعنامه شورای امنیت که زیر باران بمب و آتش وعده غذا و دارو برای بیش از دو میلیون انسان بی پناه میدهد امید بست. تازه اگر چنین قطعنامه ای به طور کامل اجرا شود، چنین انتظاری از نیروهایی که مرتکب جنایات

هولناکی شده اند یک توهم است.

آوارگی و درد و رنج مردم فلسطین و نا امنی مردم اسرائیل پایان نخواهد یافت تا زمانی که دستان دو نیروی اصلی مسبب این وضعیت، دولت راست نژاد پرست اسرائیل و حماس و حکومت اسلامی حامیش در تهران از زندگی مردم کوتاه شود و مسیر برای تحقق راه حل دو دولت مستقل و متساوی الحقوق در کنار هم فراهم شود. اعتراضات گسترده و قدرتمند جهانی موثرترین نقش را برای حل انسانی مساله فلسطین میتواند ایفا کند.

شنبه ۲ دی ۱۴۰۲

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۲۳-۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۴۳۶۸۸۹۸۸۷۷۴۴۰۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۱۰

۲۴ دسامبر ۲۰۲۳ - ۳ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

”انتخابات“، ناامیدی، ریزش و وحشت رژیم

اصغر کریمی

احمد رضا جلالی و شکستی بزرگ برای رژیم

کیوان جاوید

معلم بازنشسته و نماز جمعه!

جلیل جلیلی

کودکان کار قربانیان معصوم رژیم اسلامی

سینا پدرام

”انتخابات“، ناامیدی،

ریزش و وحشت رژیم

اصفر کریمی

علی خامنه‌ای با انتقاد از کسانی که خواستار تحریم انتخابات پیش رو در ایران شده‌اند، گفت: ”برگزاری انتخابات جلوی دیکتاتوری و هرج و مرج و ناامنی در کشور را گرفته است. بعضی‌ها برای اینکه مردم را از انتخابات دلسرد کنند مشکلات را جلوی چشم می‌آورند. اگر مشکلات وجود دارد، راه حل آن انتخابات است؛ اتفاقاً برای آنکه مشکلات برطرف شود باید در انتخابات شرکت کرد.“

طرف حساب خامنه‌ای حکومتی‌ها است. می‌داند که راه حل مردم برای حل مشکلاتشان خیابان و اعتصاب و اعتراض است. اما نه تنها اصلاح طلبان

بزدل بلکه بخش قابل توجهی از اصول گرایان هم به بیهوده بودن مناسک "انتخاباتی" حکومت برای سهم خواهی خود پی برده اند. تیغ "انتخابات" ها و به ویژه انتخابات اسفند روی گردن بسیاری از آنها هم قرار گرفته است از جمله ۲۵ نماینده مجلس اسلامی به دلیل "عدم التزام به نظام جمهوری اسلامی" رد صلاحیت شده اند. حتی احمدی نژاد و علی لاریجانی گفته اند هیچ فعالیت انتخاباتی نخواهند داشت و روحانی به زبان بی زبانی فراخوان عدم شرکت در انتخابات داده است. او گفته است که "تلاشش برای ترغیب چهره های سیاسی برای نامزدی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان شکست خورده است". می خواهد بگوید تلاشش را کرده؛ اما فایده ای ندارد. معنی این حرف را خامنه ای بهتر از همه می فهمد. اینها سه چهره اصول گرا هستند.

خامنه‌ای به آمار شرکت‌کنندگان نیاز دارد تا به صفوف کوچک وفادار خود روحیه بدهد. همین. این هدف حداکثری رهبر درمانده حکومت است.

خامنه‌ای گفته است: ”میدان باید برای حضور جناح‌های سیاسی و گرایش‌های گوناگون سیاسی - اقتصادی - فرهنگی در مسابقه بزرگ انتخابات باز باشد تا همه دیدگاه‌ها و نگاه‌ها در این میدان فعال باشند.“ نه مسابقه‌ای در کار است نه این مسابقه بزرگ است. حتی امکان بروز دیدگاه‌های متفاوت در صفوف خود حکومت را هم نه ”انتخابات“های حکومتی بلکه جنبش سرنگونی برای آنها فراهم کرده است! فراهم کرده تا شکاف‌هایشان را تشدید کند.

خامنه‌ای ریزش گسترده در صفوف حکومت از ”مراجع تقلید“ تا مقامات قبلی و کنونی و

پشت کردن به حکومت و شخص خودش را می بیند و می داند که فراخوان هایش دیگر باروتی ندارد. خیزش های سال های اخیر و به ویژه انقلاب زن زندگی آزادی، ناامیدی به بقای حکومت و فاصله گرفتن از خامنه ای را در نزدیک ترین حلقه یاران او بسیار گسترش داده است. "انتخابات" اسفند این شکاف ها و ریزش ها و وحشتشان را باز هم بیشتر می کند.

طبق آمارهای حکومتی در "انتخابات" سال ۱۴۰۰ سی میلیون نفر از مردم شرکت نکردند. مردم "دیدگاه ها و نگاه ها"ی متفاوت خود را در خیابان نشان می دهند.

یکشنبه ۳ دی ۱۴۰۲

۲۴ دسامبر ۲۰۲۳

احمد رضا جلالی و شکستی بزرگ برای رژیم

کیوان جاوید

عفو بین‌الملل با اشاره به تأیید محکومیت حمید نوری در دادگاه سوئد، اعلام کرد احمد رضا جلالی، پژوهشگر ایرانی - سوئدی، در معرض خطر اعدام تلافی‌جویانه قرار دارد.

حلقه داستان جنایی تکمیل می‌شود. حمید نوری، یکی از عوامل قتل عام زندانیان سیاسی در ایران بعد از دستگیری در سوئد به جرم جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت در کمال انصاف به حبس ابد محکوم شد. تیمی از مجرب‌ترین

وکلاي مدافع طی چند سال از او دفاع کردند؛ اما همه شواهد نشان داد که پشت چهره ظاهراً آرام این فرد چه هیولایی پنهان است. حمید نوری تنها یکی از جانیان شناخته شده رژیم است؛ لیست قاتلان زنجیره‌ای حکومت اسلامی بسیار طولانی‌تر است و در روز خودش صحنه مشابه محاکمه نوری برای همه آنها تکرار خواهد شد.

در تقابل با این حکم انسانی علیه حمید نوری فوراً ماشین تهدید و باج‌گیری جمهوری اسلامی به کار افتاد و احمد رضا جلالی، پزشک و پژوهشگر ایرانی - سوئدی که از اردیبهشت سال ۱۳۹۵ در اسارت رژیم اسلامی است یک‌بار دیگر تهدید به اعدام شد.

این خبر درست در حالی رسانه‌ای می‌شود که مردم

ایران و خصوصاً خانواده‌های جان‌باختگان کشتار تابستان ۶۷ به یک پیروزی بزرگ دست یافته‌اند. پیروزی‌ای که نه فقط حمید نوری را در دست عدالت قضایی گرفتار کرد؛ بلکه ثابت کرد رئیسی نیز یکی دیگر از آن قاتلان زنجیره‌ای است. رئیسی و دیگر دست‌اندرکاران هیئت مرگ باید هزار بار بیشتر از گذشته مواظب سایه خود باشند تا در یکی از این سفرهای خارج کشوری خود اسیر عدالت نشوند.

حالا رژیم می‌خواهد این شکست بزرگ را روتوش کند و بگوید ما کم نمی‌آوریم. هر چند همه شواهد نشان می‌دهد که رژیم اسلامی توان آن را ندارد که احمد رضا را اعدام کند، اما همین تهدید به اعدام را باید همچون پتکی بر سر رژیم کوبید. دولت‌های اروپایی اهرم‌های مهمی برای فشار سیاسی روی

حکومت دارند. از بستن سفارت و بایکوت سیاسی
تاشناسایی جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت
تروریست تا این رژیم نه جرئت گروگان گیری
به خود بدهد و نه بتواند این اسرا را تهدید به
اعدام کند. برای رسیدن به این هدف، این ما مردم
ایران و اپوزیسیون سرنگونی طلب هستیم که باید
چنان فشاری به دول غربی وارد کنیم تا بالاخره
این قدم را بردارند تا نه تنها گروگان گیری ها پایان
یابد؛ بلکه مبارزه مردم برای سرنگونی زودتر به
سرانجام برسد و دنیا از شر این حکومت رها شود.

یکشنبه ۳ دی ۱۴۰۲

۲۴ دسامبر ۲۰۲۳

معلم بازنشسته و نماز جمعه!

جلیل جلیلی

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، با انتشار عکسی از محمد صفوی که نشان‌دهنده حضور این معلم بازنشسته در محل نماز جمعه است، نوشته است که محکومیت ایشان برای شرکت در نماز جمعه شهرستان بوئین‌زهرا به پایان رسیده است.

این خبر اگر برای مردمان دیگر کشورهای جهان خنده‌دار و تعجب‌انگیز باشد، برای مردم ایران روشن است که جریان از چه قرار است؛ این معلم بازنشسته به خاطر شرکت در اعتراضات و فعالیت‌های صنفی به

شش ماه شرکت در نماز جمعه محکوم شده بود. بله، برای هر انسانی که به خرافات مذهبی باور نداشته باشد و نخواهد اراده خود را تسلیم این گونه باورها بکند، مخصوصاً برای مردم ایران که حداقل ۴۵ سال است نقش مذهب را به عنوان ابزار سرکوب به طور آشکار تجربه کرده‌اند، شرکت اجباری در فعالیت‌های مذهبی از جمله در نماز جمعه‌ها یک نوع شکنجه روانی محسوب می‌شود. مبلغین خرافات مذهبی خود بر این امر واقف‌اند و به همین دلیل دادگاه جمهوری اسلامی شرکت در نماز جمعه به مدت شش ماه را به عنوان مجازات این معلم بازنشسته صادر کرده بود. جمهوری اسلامی در زندان‌هایش هم از مجبور کردن زندانیان سیاسی برای شرکت در نماز جمعه‌ها

به عنوان یک راه شکنجه آنها استفاده کرده است.

حکومت اسلامی سرمایه داران خود می داند که چه بذری کاشته و چه نفرت عمیق و گسترده ای را علیه مذهب و دخالت مذهب در زندگی مردم ایجاد کرده است. این حکومت با هیچ نوع ترفند و اعمال هیچ شیوه سرکوب و شکنجه نخواهد توانست جامعه را ساکت کند. به هم پیوستن اعتراضات معلمان، بازنشستگان، پرستاران، کارگران نفت و فولاد و دیگر بخش های جامعه و راه افتادن مجدد سیل خروشان انقلاب برای کردن بنیان این بنای پوسیده در چشم انداز است. سرنگونی جمهوری اسلامی راه را برای جاری کردن مترقی ترین

قوانین مدنی در ایران هموار خواهد کرد. آزادی
بی‌قید و شرط اعتراض، تجمع و تظاهرات، تشکل و
تحزب، جدایی کامل مذهب از دولت، آزادی داشتن
یا نداشتن مذهب و آزادی نقد هر گونه باور و عقیده
از جمله آزادی‌های جاری در مملکت خواهند بود.

یک‌شنبه ۳ دی ۱۴۰۲

۲۴ دسامبر ۲۰۲۳

کودکان کار قربانیان معصوم رژیم اسلامی

سینا پدرام

علیرضا زاکانی، شهردار تهران، حضور "معتادان متجاهر" و کودکان کار را "آسیب‌های ظاهری" در شهر خواند و گفت که این افراد تا پایان سال جاری "جمع‌آوری" خواهند شد. وی از کودکان کار به عنوان "منبع اصلی آسیب و خسارت به روح جامعه" یاد کرد.

چه کسی حتی با ذره‌ای وجدان می‌تواند به وضعیت کودکان و به‌ویژه کودکان کار و خیابان در ایران نگاه کند و مقصر اصلی و بزه‌کار واقعی در این معضل پیچیده را در خود سیستم

سرمایه‌دارانه و دزدسالار رژیم اسلامی پیدا نکند؟ جامعه‌شناسان و فعالین حوزه کودکان عوامل متعددی را در ارتباط با مشکل کودکان کار و خیابان مدنظر می‌گیرند که بر تک‌تک این عوامل در رژیم اسلامی می‌توان انگشت گذاشت.

فقر، بیکاری گسترده، تغییرات ناگهانی اقتصادی مانند تورم، گرانی و جنگ که باعث فروپاشی ساختارهای خانوادگی و اجتماعی می‌شوند، افزایش هزینه‌های زندگی و از جمله بالارفتن هزینه‌های تحصیلی و غیره از جمله فاکتورهای اصلی رانده‌شدن کودکان به ورطه خیابان و کارهای جسمی طاقت‌فرسا هستند. کیست که نداند عامل

وبانی اصلی تمام این فاکتورها رژیم اسلامی است؟

زندگی کودک کار و خیابان کابوس بی‌انتهایی است که از زمانی که شیرخوارهای بیش نیست به دامن مافیایی تکی‌گری در خیابان‌ها پرتاب می‌شود و از سن و سالی که بتواند کار یدی و جسمی انجام دهد، سخت‌ترین و کثیف‌ترین کارها بر شانه‌های نحیفش گذارده می‌شود. گیرافتادن در دام جریانات بزهکاری، مافیای مواد مخدر، سارقین حرفه‌ای، باندهای فحشا و پورنوگرافی کودک و غیره فقط بخشی از واقعیت زندگی کابوس‌وار این کودکان را تشکیل می‌دهد. در اغلب موارد این خود دم‌ودستگاه دولتی است که سردسته

و سازمانده اصلی تمامی این تبهکاری‌هاست.

حال خود شما بگویید کیست که به ”روح و روان جامعه“ آسیب می‌رساند؟ آقای ذاکری ”شهردار“ و شرکای ایشان از خامنه‌ای تا رئیسی یا کودکان معصومی که برای اداره معاش خانواده به این ورطه هولناک افتاده‌اند؟

با ادامه حیات رژیم اسلامی، هیچ‌امیدی به بهبود اوضاع رفاهی و اجتماعی کودکان کار نمی‌توان داشت. با این وجود و هنوز باید از تمامی فعالین این حوزه تقاضا کرد که در مقابل این سیاست جنایت‌کارانه رژیم اسلامی دست به اعتراض و اقدامات عملی

و پیشگیرانه بزنند. اگر بشود از وجدان بیدار و آگاه هر جامعه صحبتی به میان آورد، قطعاً رفاه کودکان بهترین محک و معیار آن باید شمرده شود.

یکشنبه ۳ دی ۱۴۰۲

۲۴ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۱۱

۲۵ دسامبر ۲۰۲۳ - ۴ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

مقابله دانش آموزان با جذام دین

منظر دریاکناری

توطئه اعدام مجاهد کورکور

میلاد رابعی

نقش امید فردی و اجتماعی در تقابل با خودکشی

سیاوش آذری

درخشش جنبش کارگری

کیوان جاوید

مقابله دانش آموزان با جذام دین

منظر دریاکناری

همزمان با تشدید تلاش جمهوری اسلامی برای افزایش آموزش‌های ایدئولوژیک دینی و سیاسی در مراکز آموزشی، گزارش منابع خبری از مدارس ایران، حاکی از بی‌علاقه بودن دانش‌آموزان به ”درس‌هایی مانند دینی“ است. رضا مراد صحرایی، وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اعلام کرد: ”زنگ نماز“ در همه مدارس و در تمامی مقاطع تحصیلی الزامی است.

نرگس ملک‌زاده، از معلمان مدارس تهران می‌گوید: اکنون برخلاف سال‌های قبل ”دانش‌آموزان حرف‌های خودشان را می‌زنند و دیگر آن ترس و اضطراب گذشته

را ندارند.“

درست در همین زمانه ای که ما زندگی می کنیم،
مذهب با صرف تریلیون ها دلار چون طاعون به جان
بشریت افتاده است؛ درست در این زمانه که در یک
گوشه از جهان یک حکومت از نان شب مردم می
زند تا صرف دستگاه مافیایی مذهب کند؛ درست در
همین روزها که با کمبود ۲۰۰ هزار معلم در مدارس
ایران روبرو هستیم ۳۰۰۰ آخوند روانه مدارس کرده
اند. آری در این اوضاع جمهوری اسلامی به بزرگترین
شکست سیاسی ایدئولوژیک خود در برابر دانش
آموزان مدارس اعتراف می کند. این البته یک شکست
معمولی و زودگذر نیست. مختص به طرح و گوشه ای
از یک سیاست معمولی هم نیست که حکومت بگوید

برای رسیدن به آن اهداف بزرگ مسیر را تغییر می‌دهیم
تا به نتیجه مطلوب برسیم.

این شکست مذهب در ایران یک رنسانس عظیم و بیاد
ماندنی ضد دینی است که برای همه اعصار و فراتر
از ایران بازتاب جهانی پیدا می‌کند. این شکست کل
روبنای فکری متفکرین و جنبش‌های سیاسی است که
از دیکتاتوری و مذهب بعنوان دورکن لازم و ملزوم هم
برای انقیاد جامعه استفاده کرده‌اند. آنجا که سرنیزه
به تنهایی نتواند مردم را مرعوب کند، مذهب وارد
عمل می‌شود تا تمامی مصیبت‌ها و بلایا به تقدیر
الهی نسبت داده شود تا روزگار خوش آن طبقه‌ای که
بر فقر مردم در اقیانوس خوشبختی می‌راند تامین و
تضمین گردد.

این ورق به یمن افشا شدن ماهیت مافیای مذهب در ایران و به دلیل آشنایی بیشتر و وسیع تر مردم در ایران با آنچه در جهان معاصر می گذرد، برگشته است و نه تنهایی دینی را به یک نُرْم در زندگی مردم تبدیل کرده که مبارزه با دین به منظور در هم کوبیدن و از صحنه روزگار محو کردن آنرا در دستور کار خود قرار داده است. در این نبرد سهمگین جای حزب کمونیست کارگری نمونه و برجسته است. با سیاست دین زدایی این حزب آشنا شوید.

دوشنبه ۴ دی ۱۴۰۲

۲۵ دسامبر ۲۰۲۳

توطئه اعدام مجاهد کورکور

میلاذ رابعی

نگار کورکوری، خواهر مجاهد (عباس) کورکور، از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری، اعلام کرد که: ”حکم اعدام برادرش در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور تأیید شده است.“

نیروهای سرکوب ”روز ۲۹ آذر پارسال با حمله مسلحانه به روستای ”پرسوراخ“ در اطراف ایذه دو تن از جوانان معترض به نام‌های محمود احمدی و حسین سعیدی را کشتند و مجاهد کورکور را بازداشت کردند“ و وی را متهم به ”تیراندازی با سلاح جنگی، اخلاص در نظم عمومی و ایراد خسارت

عمده به تمامیت جسمانی منتج به جان باختن هفت نفر از جمله کیان پیرفلک“ کردند. این در حالی است که پدر کیان پیرفلک که از مجروحین همان روز بود به صراحت اعلام کرده که قاتلین فرزندش نیروهای لباس شخصی رژیم هستند و همه اتهاماتی را که متوجه مجاهد کورکور است را رد کرده است.

حکومت اسلامی که خود قاتل کیان پیرفلک و شش نفر مذکور است ناشیانه تلاش می کند تا به خیال خود جنایتش را لاپوشانی کند و درعین حال برای ماشین آدم کشی خود قربانی دیگری دست و پا کند. این درجه از بی شرمی و وقاحت را فقط نزد این حکومت می توان یافت. رژیم به سیاق همه جانیان و آدم کشان تاریخ می خواهد جنایتی را با جنایتی

دیگر از سر خود باز کند. از تضاد این حکم با قوانین وحشیانه خودشان در مورد قصاص نفس و حق اولیای دم بگذریم. می‌خواهد با ادامه اعدام‌ها فضای رعب و وحشت و خفقان ایجاد کند، کاری که علی‌رغم توحش رژیم نه تنها عملی نشده، بلکه نتیجه‌ای کاملاً معکوس به بار آورده است.

این رذالت پیشگی حکومت را باید محکوم کرد و جلوی اجرای حکم اعدام مجاهد کور کور را گرفت. نباید گذاشت حکومت برای سرپوش گذاشتن بر جنایت هولناکی که با قتل کیان ۹ ساله مرتکب شده است، شخص بی‌گناه دیگری را هم به لیست قربانیانش اضافه کند. باید قاطعانه و از هر راه ممکن جلوی این جنایت در جنایت را گرفت. مثل

سایر موارد این بار نیز وظایف مشخصی باید در دستور کار مردم در داخل و خارج از کشور قرار گیرد. باید کمپینی وسیع برای نجات جان مجاهد کور کور سازمان داد. خواست مردم ایران آزادی او و درعین حال محاکمه آمرین و عاملین واقعی قتل کیان و همه کشته شدگان انقلاب زن، زندگی، آزادی است.

دوشنبه ۴ دی ۱۴۰۲

۲۵ دسامبر ۲۰۲۳

نقش امید فردی و اجتماعی

در تقابل با خودکشی

سیاوش آذری

از اوایل آذر ماه امسال حداقل شش دانش آموز در شهر آبدانان استان ایلام دست به خودکشی زده و جان خود را از دست داده اند. این اولین "خودکشی سریالی" میان قشری مشخص در جامعه نیست چنانچه در سال ۹۹ در رامهرمز در استان خوزستان نیز مورد مشابهی از "اپیدمی خودکشی" میان نوجوانان به ثبت رسیده است.

مطالعات کارشناسانه در حوزه های جامعه شناسی و روان شناسی نشان از آن دارد که پدیده خودکشی

به عوامل فردی و اجتماعی متعددی از جمله موقعیت اجتماعی و شرایط اقتصادی و معیشتی وابسته است. آنچه مسلم است تاثیر مستقیم روابط اجتماعی تولید سرمایه دارانه بر رفتار افراد و تشدید گرایش به خاتمه دادن به زندگی خود در واکنش به افزایش فشار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.

در سطحی تجریدی و عمومی روابط تولید سرمایه دارانه جاده ای منتهی به خودکشی است زیرا تحت سیطره سرمایه هدف نه زندگی و انسان و آسایش و رفاه او که سود آوری است. سرمایه در ذات خود رابطه ای انسان زدایانه و موجب از خود بیگانگی انسان در تقابل با روابط بلافصل انسانی میان آحاد جامعه، بعنوان یک منبع عظیم زندگی شاد و امید به زندگی، است.

در سطحی مشخص تر، در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی این خصوصیت ضد اجتماعی سیستم سرمایه داری به شکلی لجام گسیخته تر بر زندگی آحاد جامعه تسلط می یابد. تبعیض و استثمار ذاتی سرمایه در جمهوری اسلامی در سطوح مختلف و در اشکالی متنوع و با شدتی بیشتر باز تولید می گردد: زن و یا دگرباش بودن، باوری متفاوت و یا گرایش سیاسی مغایر رژیم داشتن، انتساب به "اقلیت های" قومی و یا مذهبی، تکلم زبانی متفاوت از زبان رسمی، شکل پوشش و طرز زندگی، حتی خورد و خوراک و سلیقه هنری و هر چیز مرتبط با انسان بعنوان مبانی تشدید تبعیض و استثمار عمل کرده و ماهیت انسان زدایانه روابط سرمایه دارانه را بسط می دهد.

نقطه اشتراک سطوح فوق الذکر از میان بردن امید به

تغییر شرایط موجود است. فرد مد نظر جامعه سرمایه داری اتمی است سرگردان در میان خیل اتم های دیگر. فرد حقیقی مد نظر حکومت اسلامی، اما، حتی فاقد ارزش همین اتم سرگردان بشمار می آید. بنا بر این، چاره "اپیدمی خودکشی" احیای امید به تغییر شرایط موجود و "باز گرداندن اختیار انسان به انسان است". این امید در نتیجه پیوستن به موج عظیم انقلابی خواهد روید که بر پرچمش شعار "زن، زندگی، آزادی" نقش بسته است.

دوشنبه ۴ دی ۱۴۰۲

۲۵ دسامبر ۲۰۲۳

درخشش جنبش کارگری

کیوان جاوید

دوشنبه ۴ دی ماه مصادف با سومین روز اعتصاب و راهپیمایی باشکوه کارگران گروه ملی فولاد ایران در اهواز است.

خواسته‌های فوری این کارگران: رفع ممنوعیت ورود به شرکت کارگران تعلیق شده و بازگشت به کار ۳۸ همکار اخراج شده، همسان‌سازی دستمزد ها برابر دریافتی کارگران شرکت های فولاد همجوار، اجرای کامل و فوری طبقه‌بندی مشاغل، برکناری مدیرعامل فاسد و خلع مالکیت از بانک ملی و مشارکت کارگران در امر مدیریت شرکتی که متعلق به خود کارگران

است. این کارگران در یک قدرت نمایی بزرگ اعلام کرده اند: تازه در آغاز راهیم.

همزمان با اعتصاب قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد ایران در اهواز شاهد تجمع بزرگ متحدانه بازنشستگان در تهران، کرمانشاه، قزوین و ایلام هستیم. بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده در مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران تجمع بزرگی برپا کردند. اعتراض بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی و تعرضات معیشتی هر روزه حکومت به زندگی همه بازنشستگان است. این اعتراضات بزرگ می‌تواند سرآغاز حرکت‌های عظیم ۲۵ میلیون بازنشسته در سراسر ایران باشد. اعتراضاتی که می‌تواند ضربات بسیار سهمگینی بر

حکومت سرمایه داران وارد کند.

در ادامه این قدرت نمایی جنبش کارگری و دیگر مزدبگیران شاهد اعتراضات بازنشستگان مخابرات در شهرهای کرمانشاه، سنندج، شیراز، شهرکرد، تبریز، اراک، خرم آباد، اردبیل و اصفهان هستیم. از جمله اعتراض بازنشستگان مخابرات به فقر و بی‌تامینی، تعرضات معیشتی حکومت، اختلاسها و دزدی‌ها و پاسخ نگرفتن خواسته‌هایشان است. اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیون تومانی و درمان رایگان دو خواست فوری همه بخش‌های بازنشستگان است.

این صدای قدم‌های طبقه کارگر است که به گوش

می‌رسد. صدایی که برای مردم ایران گوشنواز و مبشر حرکت عمومی جامعه به سوی سرنگونی جمهوری اسلامی و برای حکومت از راه رسیدن شعله‌های آتش سهمگینی است که می‌آید تا تر و خشک حکومت غارتگر اسلامی را با هم بسوزاند و به خاکستر تبدیل کند. این نوید دهنده سیلی است که چپاولگران اسلامی را می‌روید و می‌برد و با خود رهایی و رفاه و آسایش اجتماعی به ارمغان می‌آورد. با همه توان همراه طبقه کارگر ایران شویم. اعتراضات کارگران در خدمت انقلابی است که زن زندگی آزادی پرچم زیبای آن است.

دوشنبه ۴ دی ۱۴۰۲

۲۵ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۱۲

۲۶ دسامبر ۲۰۲۳ - ۵ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

سه جزیره و جمهوری اسلامی

جلیل جلیلی

طالبان و "عصر بزرگ‌ترین تناقض‌ها"

سینا پدرام

تروریسم اسلامی در اروپا

میلااد رسایی‌منش

از تنگنای حکومت اسلامی تا تنگه باب‌المندب

محسن ابراهیمی

سه جزیره و جمهوری اسلامی

جلیل جلیلی

این روزها بار دیگر مناقشه بر سر حاکمیت بر جزایر تنب کوچک و تنب بزرگ و ابوموسی بین حاکمین اسلامی ایران و امارات متحده بالا گرفته و یک سری مناقشات بین‌المللی را هم دامن زده است. در جریان نشست مشترک روسیه و کشورهای عربی که در روز چهارشنبه ۲۹ آذر در مراکش برگزار شد، بیانیه‌ای صادر شد که در بخشی از آن ارجاع موضوع این جزایر به دیوان بین‌المللی لاهه مطرح شده است.

مستقل از اینکه تاریخ این دعاوها از کی شروع

شده و آینده این جزایر به کجا خواهد انجامید، امروز جمهوری اسلامی مطرح‌شدن مجدد این مسئله را غنیمت می‌شمارد و تلاش می‌کند از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای تحریک ناسیونالیسم ایرانی استفاده کند و فرصتی بخرد برای سروسامان دادن به صفوف ازهم‌پاشیده خود. علی‌اکبر ولایتی مشاور رهبر و حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه حکومت اسلامی به حمایت دوباره روسیه از امارات در قبال مناقشه جزایر سه‌گانه واکنش نشان می‌دهند و ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، جزایر سه‌گانه را به طور “ابدی” متعلق به ایران قلمداد و ادعاهای مندرج در بیانییه مراکش را به منزله “اقدام علیه تمامیت ارضی ایران” اعلام می‌کند.

این موضع‌گیری‌های مقامات جمهوری اسلامی دهان ناسیونالیسم ایرانی را هم آب می‌اندازد.

ولی مسائل امروز جامعه ایران را و مسائل مورد مناقشه بین دولت‌های منطقه در جهان امروز را نه با مراجعه به قرن‌های گذشته و تاریخ کهن و ارزش‌های پوسیده، بلکه تنها با در نظر گرفتن اوضاع و شرایط امروز و معیارها و ارزش‌های امروز می‌توان حل و فصل کرد. تا آنجا که به مناقشه بر سر جزایر نامبرده برمی‌گردد، منطقی‌ترین راه همانا می‌تواند ارجاع این مسئله به دیوان بین‌المللی لاهه باشد. ولی تا آنجا که به رابطه جمهوری اسلامی با ۸۵ میلیون مردم ساکن ایران مربوط است، مردم ایران این حکومت را نماینده

خود نمی‌دانند. این حکومت زندگی مردم را به تباهی کشیده، آرزو بر دل‌ها گذاشته، هر جا که توانسته دزدیده و منابع طبیعی را به توبره کشیده، جنگل‌ها و مراتع را نابود کرده و رودخانه‌ها و دریاچه‌ها را خشک کرده و حتی از فروش همین جزایر صحبت به میان آورده است. این حکومت با هیچ ترفندی امکان و شانس بقا ندارد. امروز مردم ایران برخاسته‌اند تا به عمر این حکومت پایان دهند. آنها سرنگونی جمهوری اسلامی را به مناقشات و بده‌بستان‌های این حکومت با دولت‌های منطقه و جهان گره نخواهند زد.

سه‌شنبه ۵ دی ۱۴۰۲

۲۶ دسامبر ۲۰۲۳

طالبان و "عصر بزرگ‌ترین تناقض‌ها"

سینا پدram

امیرخان متقی، وزیر خارجه رژیم طالبان که به‌منظور شرکت در کنفرانسی در حمایت از فلسطین، به تهران سفر کرده است، اظهار داشت: "ما در عصر بزرگ‌ترین تناقض‌ها به سر می‌بریم. در جهانی که کشورها (اشاره به افغانستان) به دلیل نقض جزئی حقوق بشر تحریم می‌شوند، هم‌زمان، به نسل‌کشی بی‌وقفه یک ملت در جنگ کوچک‌ترین ایرادی نمی‌گیرند."

جنگ غزه یکی از بزرگ‌ترین فجایع تاریخ معاصر است که در مقابل چشمان جهانیان در حال

وقوع است. جنگی که برای تمامی مرتجعین و جنایت‌کاران منطقه و جهان محملی شده است که چهره چرکین خود را "بزرگ" کنند.

جهان پرتناقضی است و از این رو طالبان در افغانستان، رژیم اسلامی در ایران، حماس در غزه و اسلاميون در خاورمیانه جولان می‌دهند و حکومت می‌کنند. جهان پرتناقضی است چرا که جنایت‌کاران دیگری از جنس نتانیاهو با همکاری "دوستان" خود در غرب، جنایت جنگی و انتقام از مردم بی‌گناه غزه را به اسم "دفاع" در اذهان عمومی حقه می‌کنند.

قلمداد کردن هزاران قتل، اعدام، شکنجه و زندانی کردن شهروندان افغانستانی فقط در عرض

چند سال گذشته به‌عنوان ”نقض جزئی حقوق بشر“ نشان‌دهنده ذهن جنایت‌کارانه موجوداتی هست که در افغانستان، توسط دولت‌های غربی و با سیاست شکست‌خورده هیئت حاکمه آمریکا در اریکه قدرت جای گرفته‌اند.

زنان افغانستان از کمترین حقوق شهروندی برخوردار نیستند، کودکان حق تحصیل ندارند، قوانین قرون‌وسطایی را بر تمامی وجوه زندگی شهروندان حاکم کرده‌اند و نهایتاً اسم چنین جنایات و بی‌حقوقی را ”نقض جزئی حقوق بشر“ می‌گذارند. شرم هم چیز خوبی هست.

کلمه ”تناقض“ شاید بیان ناقصی از وضعیت ”حقوق

بشر“ در ژئوپلیتیک کنونی باشد. کلمه “وارونه“
دقیق‌ترین کلمه موجود برای به‌تصویرکشیدن
جهانی است که توسط طالبان‌ها، خامنه‌ای‌ها،
نتانیاهوها و شرکا اداره می‌شود. تنها با اعتراضات
جهانی، تنها با ورود نیروی سوم، تنها با قدرت
مردم آزاده جهان می‌توان این جنایت‌کاران
را متوقف کرد. امید به آینده‌ای بهتر محرکی
است که این نیروی سوم را به جلو می‌راند.

سه‌شنبه ۵ دی ۱۴۰۲

۲۶ دسامبر ۲۰۲۳

تروریسم اسلامی در اروپا

میلاد رسایی منش

در گزارش‌ها آمده است که دولت‌های اروپایی در آستانه جشن کریسمس، مجبور به افزایش تدابیر امنیتی و عملیات ضدتروریستی در کشورهای خود شده‌اند. در تازه‌ترین موارد تعدادی از مظنونان در کشورهای اتریش، آلمان و فرانسه به ظن مشارکت در اقدامات تروریستی گروه‌های اسلام‌گرای، بازداشت شده‌اند.

تروریسم اسلامی بخصوص در غرب و علیه شهروندان اروپایی پدیده‌ای تازه و ناشناخته نیست.

ترس از حمله تروریست‌های اسلامی و اتخاذ سیاست‌هایی برای مهار این خطر بالقوه، و در برخی موارد، خودسانسوری و چشم‌پوشی از برگزاری برنامه‌ها و یا انتشار آثاری که به مزاج اسلامیت‌ها خوش نمی‌آید، به وجهی تکراری از زندگی مردم در غرب، در حداقل چهار دهه گذشته تبدیل شده است. امسال اما با بروز جنگ در غزه و فعال شدن شبکه‌های تروریستی اسلامی و استفاده از فرصت جنگ و سیاست‌های جنایت‌کارانه دولت اسرائیل برای تحکیم موقعیت خود در غرب، خطر تروریسم اسلامی شاید بیشتر از سال‌های گذشته حس می‌شود.

نکته حائز اهمیت اما آن است که بروز تروریسم اسلامی در غرب، به‌عنوان بخشی لاینفک از جنبش

اسلام سیاسی، دلیلش نه در دشمنی مردم خاورمیانه با غربی‌ها و یا تنفر مردم در کشورهای اسلام زده از مدرنیسم و مبانی فکری مدرن و انسان‌گرا در غرب که نتیجه مستقیم سیاست مماشات دول غربی با رژیم‌های اسلامی و مشخصاً جمهوری اسلامی می‌باشد. مادامی که حقوق انسانی شهروندها مورد معامله‌های پشت پرده قرار می‌گیرد، و مثلاً در یک مورد اخیر، اسدالله اسدی، تروریستی که در بلژیک به جرم تلاش برای سازماندهی عملیات تروریستی در داخل حوزه شنگن، محکوم شده بود، در معامله‌ای پشت پرده به ایران برگردانده شد، می‌توان متصور بود تروریست‌های اسلامی غرب را مکانی امن برای انجام اقدامات جنایت‌کارانه خود بیابند.

واقعیت این است که دولت‌های غربی باید سیاستی
نوین را بر پایه به رسمیت شناختن جنبش‌های
انسان‌گرا، مترقی و انقلابی در خاورمیانه و شمال
آفریقا اتخاذ کنند و به جای مداخلات با دولت‌های
حامی تروریسم و در رأسشان جمهوری اسلامی،
با بایکوت تمام‌عیار و انزوای آن دولت‌ها عملاً
به مردم کمک کنند که ضمن کوتاه کردن
دست مذهب و حکومت‌های مذهبی و سکولار
کردن جوامعشان، غرب را هم از شر تروریسم
اسلامی یک‌بار و برای همیشه خلاص کنند.

سه‌شنبه ۵ دی ۱۴۰۲

۲۶ دسامبر ۲۰۲۳

از تنگنای حکومت اسلامی

تا تنگه باب‌المندب

محسن ابراهیمی

گزارش اخیر نیویورک‌تایمز در باره همکاری تجسسی جمهوری اسلامی با حوثی‌های یمن در عملیات ایزدایی‌اش در تنگه باب‌المندب نشان داد که جمهوری اسلامی در اخلاص کشتیرانی در دریای سرخ مستقیماً نقش دارد. با توجه به اینکه به خطر انداختن عبور کشتی‌ها از این تنگه می‌تواند زمینه را برای نزدیک شدن بیشتر دول غرب به همدیگر و انزوای بیشتر جمهوری اسلامی فراهم کند، سؤال این است که چرا حکومت اسلامی به چنین اقدامی دست زده است؟

سه فاکتور در این رابطه باید مورد توجه قرار گیرند: موقعیت استراتژیک تنگه باب‌المندب، جنگ غزه و وضعیت سیاسی جمهوری اسلامی.

تنگه باب‌المندب در کنار کانال سوئز از یک موقعیت استراتژیک منحصر به فرد برخوردار است. مهم‌ترین گذرگاهی است که اقیانوس هند را به دریای سرخ و از طریق کانال سوئز به دریای مدیترانه و بالاخره از طریق تنگه جبل‌الطارق به اقیانوس آتلانتیک شمالی وصل می‌کند. با توجه با اینکه از طریق تنگه هر روز ۹ میلیون بشکه نفت جابه‌جا می‌شود و قریب ۱۲ درصد اقتصاد جهان وابسته به امنیت کشتی‌رانی در این تنگه است، واضح است که اقتصاد کشورهای زیادی از جمله ژاپن و چین و هندوستان و کشورهای خاورمیانه و آفریقای

شمالی و اروپا از امنیت در این تنگه متأثر هستند.

می‌دانیم که هم حوثی‌ها در جنگ قدرت در داخل یمن به حمایت مالی و موشکی جمهوری اسلامی نیاز داشته و دارند و هم جمهوری اسلامی در رقابت تروریستی با عربستان سعودی به حوثی‌ها نیاز داشته و دارد. نیاز متقابلی که اهمیت عضویت حوثی‌ها در “محور مقاومت” تروریستی را بیشتر می‌کند. با توجه به اینکه حوثی‌ها بیخ گوش تنگه استراتژیک باب‌المندب مستقر هستند، جایگاهشان در محاسبات استراتژیک جمهوری اسلامی حتی بیشتر می‌شود.

اما جنگ غزه این نیاز متقابل را مخصوصاً برای جمهوری اسلامی بیشتر کرده است. اعترافات مقامات حکومت اسلامی جای تردید باقی

نگذاشته است که حکومت اسلامی در جنگ غزه که حماس در ۷ اکتبر جرقه‌اش را زد و اسرائیل با قتل‌عام مردم غزه ادامه می‌دهد، باخت‌ه است. جمهوری اسلامی در جنگ غزه شکست خورده است؛ اما جنگ مردم با این حکومت در ایران ادامه دارد. عملیات ایزدایی در دریای سرخ قرار است شکست در غزه را جبران کند. قرار است به داد تنگنای سیاسی این حکومت در منطقه و مخصوصاً در داخل ایران برسد. اما تنگنای سیاسی حکومت اسلامی در ایران حادث‌تر از آن است که موش‌دوانی در تنگه باب‌المندب فرجی حاصل کند!

یک‌شنبه ۳ دی ۱۴۰۲

۲۴ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۱۳

۲۷ دسامبر ۲۰۲۳ - ۶ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

۲۰ سال پس از زلزله بم: قاتل مردم کیست؟

سیاوش آذری

حکومت فاسد، هوای آلوده

محسن ابراهیمی

محاكمه ۱۱ فعال سیاسی

سهیلا دالوند

به سلطه مذهب پایان خواهیم داد

اصغر کریمی

۲۰ سال پس از زلزله بم:

قاتل مردم کیست؟

سیاوش آذری

۲۰ سال از زلزله بم که در آن ده‌ها هزار تن جان خود را از دست دادند و شهر بم تقریباً با خاک یکسان شد می‌گذرد. حوادث طبیعی مانند زلزله، توفان و سیل پدیده‌های تازه‌ای نیستند و مسلماً در آینده نیز تکرار خواهند شد. نیروهای طبیعی قدرت تخریب بسیار بالایی دارند؛ اما لزوماً "مرگبار" و فاجعه‌آمیز نیستند. پیشرفت در علوم و مهندسی انسان را قادر به ساخت بناهای مقاوم در مقابل این "آفات" طبیعی نموده است. آنچه این پدیده‌های طبیعی را به فجایعی مخرب

و مرگبار بدل می‌سازد عدم توجه و پایبندی به
بدیهیات علمی و تکنیکی روز است. پرسش
اینجاست: مسئول این عدم توجه کیست؟

اینکه ایران کشوری زلزله‌خیز است جزئی از
دانش عمومی محسوب می‌گردد. اما ۲۰ سال
پس از زلزله بم هنوز فرایند بازسازی منطقه به
سرانجام نرسیده است. بعلاوه در این مدت که
۲۰ میلیون نفر به جمعیت ایران اضافه شده
است، نه فقط در کانون حادثه بلکه در کل
کشور ساختمان‌های بسیاری با استاندارد پایین
و بدون توجه به نکات ایمنی ساخته شده است
که خود این امر این "بلایای" طبیعی در آینده
را بسیار مخرب‌تر و مرگبارتر خواهد ساخت.

یکی از مهم‌ترین علل چنین روندی عدم تخصیص بودجه کافی از طرف دولت برای ایجاد زیرساخت‌های مناسب و بناهای مقاوم در مقابل حوادثی از این دست است. این در حالی است که سردمداران و دست‌اندرکاران ریزودرشت رژیم و خودی‌ها و آقازاده‌ها مشغول به چپاول و بالاکشیدن و به جیب‌زدن میلیاردها دلار ثروت کشور هستند. نمونه اخیر افتضاح ۳ میلیارد دلاری “چای دبش” تنها گوشه‌ای کوچک از نوک کوه یخ اختلاس، دزدی و رشوه‌خواری مسئولین رژیم است.

بعلاوه، تخریب محیط‌زیست، خشک‌شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها، ازمیان‌رفتن سفره‌های آب زیرزمینی، سدسازی بی‌رویه و بدون حساب و

کتاب، تخریب جنگل‌ها و فضاهاى سبز و غيره بر
تناوب و شدت اين "حوادث طبيعى" مي‌فزاييد. موارد
مذكور اما خود حاصل اقتصاد مافيايى و دزدسالار
اسلامى مبتنى بر رانت‌خوارى، زمين‌خوارى،
جنگل‌خوارى و درياخوارى است. آنچه در نظر
دست‌اندرکاران رژيم فاقد کمترین اهميت است
جان و زندگى انسان‌ها و حق زيستن در شرايط در
شان انسان و بهره‌بردن از يك زندگى شاد، ايمن،
مرفه و سالم است. قاتل مردم نه اين رويداهاى
طبيعى كه رژيم تا بيخوبن فاسد اسلامى است.

چهارشنبه ۶ دى ۱۴۰۲

۲۷ دسامبر ۲۰۲۳

حکومت فاسد، هوای آلوده

محسن ابراهیمی

دیروز پنجم دی جمعیت پرشماری از مردم خشمگین اردکان در استان یزد به خیابان‌ها سرازیر شدند و در اعتراض به آلودگی بیش از حد هوا فریاد زدند: "وعده وعید زیاد دادند، همه ما رو فریب دادند!" "استاندار حیا کن، اردکان رو رها کن، ننگت باد، ننگت باد!" همین چند شعار به خوبی نشان می‌دهد که مردم معترض خوب می‌دانند مسبب اصلی محروم شدنشان از هوای پاک، فریبکاران حاکم و استانداری است که می‌خواهند از شرش رها شوند.

آلودگی خطرناک هوا در اردکان آینه‌ای از آلودگی هوا در کل ایران است که مدت‌هاست

در وضعیتی بحرانی قرار گرفته است. سازمان هواشناسی روز دوشنبه درباره افزایش آلودگی هوا در ۱۰ کلان‌شهر کشور هشدار داد. هر سال ۴۳ هزار انسان جان خود را به‌خاطر آلودگی هوا از دست می‌دهند. غلظت آلودگی هوا در تهران شش برابر حد مجاز است. همین هفته مدارس ابتدایی در تهران برای دومین روز پیاپی تعطیل شدند.

کارشناسان محیط‌زیست در رابطه با علت این وضعیت به عوامل متعددی اشاره می‌کنند از جمله سوخت آلوده نیروگاه‌ها و صنایع، بنزین با استاندارد پایین، خودروهای فرسوده و آلاینده غیراستاندارد، مازوت‌سوزی در ابعاد وسیع و خشک‌شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و ریزگردهای حاصل از آن. در همه موارد بالا مسبب اصلی حکومتی است که مشغول ویران کردن

زندگی و طبیعت است. همین مورد مازوت‌سوزی بسیار گویاست. در کشوری با رتبه دوم از نظر ذخایر اثبات شده گازی در جهان، در صنایع و نیروگاه‌های برقی در مقیاس وسیع مازوت مصرف می‌شود که آلاینده‌ترین سوخت فسیلی است.

دولتی می‌تواند نقش مؤثر در مقابله با آلودگی هوا ایفا کند که برایش بودجه اختصاص دهد و برای به‌کارگرفتن دانش و تخصص و تکنولوژی برنامه داشته باشد. بخش اعظم بودجه امسال که ۴۰ درصد افزایش داشت، به حلقوم نیروهای سرکوب و انواع نهادهای مذهبی تولید آخوند و خرافه ریخته شد درحالی‌که بودجه مقابله با آلودگی هوا به نصف کاهش پیدا کرد.

حکومتی که شبانه‌روز مشغول امر به معروف

و نهی‌ازمنکر است، نمی‌تواند فکری برای مقابله با آلودگی هوا بکند. حکومتی که مشغول پاک‌سازی معلمان و دانشجویان است، وقتی برای پاک‌سازی هوا ندارد. حکومتی که کروکرور ثروت جامعه را به حلقوم باندهای اسلامی می‌ریزد، پولی برای رفع خطر آلودگی هوا نمی‌تواند اختصاص دهد. حکومتی که شبانه‌روز مشغول گرفتن جان انسان‌هاست، نمی‌تواند در فکر هوای پاکیزه برای همین انسان‌ها باشد! برای دسترسی به هوای پاکیزه، باید از حکومت آلوده و فاسد رها شد.

چهارشنبه ۶ دی ۱۴۰۲

۲۷ دسامبر ۲۰۲۳

محاكمه ۱۱ فعال سياسي

سهيلا دالوند

دادگاه يازده فعال سياسي؛ فاطمه حق پرست،
محمدرضا كامراني نژاد، وحيد سرخ گل، كاظم
علي نژاد برانلو، آرشام رضايي، ميثم غلامي، وحيد
قديرزاده، علي اصغر حسني راد، سامان رضايي، پيام
باستاني پاريزي و حجت الله رافعي، روز دوشنبه چهارم
دي ماه، در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به رياست
قاضي ايمان افشاري برگزار شد. اتهام اين زندانيان
سياسي مواردی از قبيل ”تبليغ عليه نظام“، ”اجتماع
و تبانی عليه امنيت ملی“ و توهين به روح الله خميني
و علي خامنه‌اي عنوان شده است. مقام‌هاي قضايي

جمهوری اسلامی درباره جزئیات این محاکمه و اتهامات این یازده نفر تا به حال اظهارنظری نکرده‌اند.

ابعاد فشار، احضار و بازداشت فعالین، پرونده‌سازی‌ها، اعدام‌های نمایشی، تماماً از ترس و استیصال رژیم‌ی نشان دارد که سیاست بازداشت و دادن احکام زندان وسیع برای فعالین را با خیال خاموش کردن اعتراضات مردم و جلوگیری از پیشرفت آن انتخاب کرده است. اما امروز زندانی که سابقه زندان و شکنجه دارد، نه تنها یک قدم عقب نمی‌نشیند، بلکه استوارتر و پیگیرتر به میدان می‌آید. در مقابل حکومت وحشت و قاتل مردم سینه سپر می‌کند و با صدای رسا اعلام می‌کند: آمده‌ام تا حقم را بگیرم.

جمهوری اسلامی باید بدانند علی رغم ۴۴ سال سرکوب، شکنجه و اعدام و ایجاد فضای ترس و وحشت در جامعه نتوانسته است مردمی که از هر نظر تحت فشار و تبعیض و فقر و بیکاری و فقدان آزادی بوده‌اند را به سکوت بکشاند. حتی زندانی از سیاه‌چال‌های رژیم اسلامی اعلام می‌کند که برگزاری دادگاه حمید نوری نماد عدالت برای ایران است. این اعتراضات و به‌ویژه انقلاب زن زندگی آزادی تأثیرات جهانی هم داشته است. گرچه یکی از مهره‌های "هیئت مرگ" دهه شصت شمسی، ابراهیم رئیسی، در مسند ریاست جمهوری نشسته است، اما دادگاه حمید نوری پیامی روشن به مستبدان حکومت دینی در ایران و سراسر جهان دارد که صدای "عدالت" را برای

همیشه نمی‌توان خاموش و این "امید" بشریت است.

امروز بیش از هر زمانی حمایت از زندانیان
سیاسی ضروری است و لازم است که هر
روز به جمهوری اسلامی نشان دهیم که تا
سرنگونی و به محاکمه کشاندن تک‌تک
سران آن دست از مبارزه بر نمی‌داریم.

چهارشنبه ۶ دی ۱۴۰۲

۲۷ دسامبر ۲۰۲۳

به سلطه مذهب پایان خواهیم داد

اصغر کریمی

با سرنگونی جمهوری اسلامی باید به طور کلی دست مذهب از دخالت در زندگی مردم قطع شود. قوانین مذهبی باید فوراً ملغی شوند. مذهب رسمی باید لغو شود. هر گونه محرومیت به خاطر نداشتن هر مذهبی و یا اعتقاد به هر مذهبی و تفتیش عقاید باید ممنوع شود.

هر نوع تقویت مالی و معنوی مذهب و فعالیت‌ها و نهادها و فرقه‌های مذهبی توسط دولت باید ممنوع شود و کلیه اموال و دارایی‌هایی که در طول حکومت اسلامی توسط نهادهای مذهبی بالا کشیده است، باید بازپس گرفته شود و به استفاده‌های عام‌المنفعه برسد.

حجاب اسلامی اجباری و کلیه قوانین مذهبی در زمینه ازدواج، طلاق، حضانت کودکان وارث باید لغو شود.

مذهب باید کاملاً از آموزش و پرورش جدا شود و تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و مؤسسات آموزشی ممنوع گردد.

کودکان و افراد زیر شانزده سال باید از هر نوع دست اندازی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون نگه داشته شوند. حجاب اسلامی افراد زیر شانزده سال و جلب آنها به فرقه‌های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی باید ممنوع شود.

نقد و انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و

اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه باید بدون هیچ
قید و شرطی آزاد اعلام شود و هر نوع اجبار
فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب و هر نوع
تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره
علیه بیان آزادانه نظرات افراد ممنوع گردد.

مراسم مذهبی خشونت آمیز و غیرانسانی و هر نوع
فعالیت، مراسم و ابراز وجود مذهبی که با آزادی‌ها
و حقوق مدنی مردم و با اصل برابری همه مغایر
باشد، هر نوع ابراز وجود مذهبی که مخل آرامش و
احساس امنیت مردم باشد، هر نوع مراسم و رفتار
مذهبی که با قوانین و مقررات مربوط به بهداشت
و سلامت افراد و محیط زیست و قوانین مربوط به
حمایت از حیوانات مغایر باشد، باید ممنوع شود.

این موارد همراه با بندهای دیگری در مورد آزادی بی‌قید و شرط بیان و عقیده از جمله آزادی بی‌قید و شرط به هر باور مذهبی و غیرمذهبی، گوشه‌ای از برنامه حزب کمونیست کارگری در زمینه مذهب است. جنبش ضد مذهبی عمیق و گسترده‌ای که در تاروپود جامعه ریشه دوانده است، با سرنگونی جمهوری اسلامی همه این مقررات را به قانون اساسی جامعه تبدیل خواهد کرد. جامعه ایران به هیچ مماشاتی با مذهب تن نخواهد داد. جریانات سیاسی که همچنان در حال مماشات با اسلام هستند، جایی در انقلاب مردم ایران و آینده جامعه ایران نخواهند داشت.

چهارشنبه ۶ دی ۱۴۰۲

۲۷ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۱۴

۲۸ دسامبر ۲۰۲۳ - ۷ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

رضا رسایی و مجاهد کورکور باید زنده بمانند!

حسن صالحی

خامنه‌ای و کابوس انتخابات

جلیل جلیلی

انقلاب زن زندگی آزادی و دستاوردهایش

آذر پویا

قسمت‌هایی از اطلاعیه انقلاب زنانه!

رضا رسایی و مجاهد کورکور

باید زنده بمانند!

حسن صالحی

بسیاری از ما نه آشنایی از نزدیک با رضا رسایی و مجاهد کورکور داریم و نه از قبل آنها را می‌شناختیم. ولی چرا خیلی‌ها از ما با آنها که الان در سلول‌های مرگ جمهوری اسلامی در انتظار اعدام هستند احساس همبستگی می‌کنیم؟ چون سرنوشت و زندگی آنها شبیه ماست. ما همه گرفتار رژیم هستیم که مرگ و نیستی برایمان به ارمغان آورده است و وقتی هم علیه این وضعیت اعتراض می‌کنیم دستگیرمان می‌کنند و هر بار شماری از ما را با هزار و

یک اتهام ساختگی و دروغین می‌خواهند به بالای چوبه دار ببرند. به چه جرمی؟ به جرم حق‌خواهی؟ به جرم اینکه آزادی می‌خواهیم و نمی‌خواهیم در بدبختی و فقر زندگی کنیم.

مادر رضا رسایی در ویدئویی گفته که بچه‌اش را با بدبختی و خون‌دل بزرگ کرده و نان‌آورش بوده است. مادر مجاهد کورکور هم می‌گوید فرزندش بی‌گناه است. یعنی شما رذل‌تر از جمهوری اسلامی در این دنیا نمی‌توانید پیدا کنید که قاتلان حرفه‌ای خودشان ماشین حامل کیان پیرفلک و خانواده‌اش را به گلوله ببندند و کیان ما را بکشند و آن‌وقت بگویند که قاتل مجاهد کورکور است! ما در چهره مجاهد و رضا

زندگی خودمان را می‌بینیم. انسان‌های شریفی
که نمی‌خواستند و نمی‌خواهند زیر بار خفقان
و بی‌حقوقی له شوند و حقشان را فریاد زدند.

همین حس همدردی و همین احساس همبستگی
است که می‌تواند و باید به یک نیروی قدرتمند
تبدیل شود و رضا رسایی و مجاهد کورکور را از
مرگ قطعی نجات دهد. این یعنی چه؟ یعنی
اینکه در کوچه و خیابان، در مدرسه و دانشگاه،
در اداره و کارخانه و در محل کار و محلات و
شبکه‌های اجتماعی ما صدای این دو جوان شویم
و با اعدام آنها مخالفت کنیم. یعنی اینکه اکثریت
مردم باید به میدان بیایند و به اعدام نه بگویند و
خواهان لغو فوری احکام اعدام رضا و مجاهد شوند.

سونامی اعتراض تنها راهی است که می‌تواند
سلاح مرگبار اعدام رژیم اسلامی را خنثی کند. تا
اینجا محکومیت به اعدام رضا و مجاهد با موجی از
اعتراض روبرو بوده است. ولی این هنوز کافی نیست.
صدای ما باید بلندتر شود. آن قدر بلند که بگوش
رضا و مجاهد در زندان برسد و رژیم اعدام را از
عاقبت کاری که می‌خواهد بکند به وحشت بیندازد.

پنج‌شنبه ۷ دی ۱۴۰۲

۲۸ دسامبر ۲۰۲۳

خامنه‌ای و کابوس انتخابات

جلیل جلیلی

خامنه‌ای روز چهارشنبه در دیدار با شماری از زنان طرف‌دار حکومت گفت: «شما بانوان عزیز می‌توانید نقش ایفا کنید. مهم‌ترین نقش شما هم در داخل خانه است. مادران می‌توانند فرزند را و همسر را وادار کنند برای اینکه در زمینه انتخابات فعال باشند.»

کفگیر حکومت در رابطه با انتخابات از هر جهت به ته دیگ خورده است. خامنه‌ای نگران شده است. نه تنها حوادث یک سال گذشته صفوف حکومتش را آشفته کرده است، بلکه حتی بیانات برخی

مقامات و دست‌اندرکاران حکومتش هم بر این نگرانی صحه می‌گذارد؛ علی ربیعی سیاستمدار اصلاح‌طلب گفته است که هرچه به انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم میزان مشارکت در حال کاهش است؛ مصطفی کواکبیان، سیاستمدار اصلاح‌طلب و دبیرکل حزب مردم‌سالاری گفته است که اصلاح‌طلبان برای ورود به انتخابات و لیست دادن کاندیدا ندارند و دانشجویان حتی نمی‌دانند قرار است انتخابات چه زمانی برگزار شود؛ سید احمد خاتمی عضو هیئت‌رئیس‌ه مجلس خبرگان رهبری نیز گفت: توطئه آینده دشمنان این است که ۱۱ اسفند را به رفراندوم علیه نظام اسلامی مبدل کنند، لذا باید هوشیار بود و با

حضور در انتخابات به میهن و وطن خدمت کرد.

تا آنجا که به مردم برمی‌گردد، آنها انتخاب خود را کرده‌اند؛ نه به جمهوری اسلامی! نه تنها درخواست خامنه‌ای از زنان که فرزندان و همسران خود را "وادار" به شرکت در انتخابات بکنند و هشدار "توطئه" احمد خاتمی کمکی به این حکومت درمانده نخواهد کرد؛ بلکه به نفرت مردم از این جانیان دامن هم خواهد زد.

زنان ایران در کنار و با یاری فرزندان و همسران خود انقلاب زن‌زندگی آزادی را شروع کرده‌اند. انقلابی که امروز در اشکال و ابعاد گوناگون جاری است. این

انقلاب نه بزرگی است به کل دم و دستگاه حکومت
اسلامی؛ به حجاب اجباری؛ به گشت ارشاد؛ به
گشت‌های امریه معروف؛ به حجاب بانان و همین‌طور،
به نمایشات انتخاباتی‌شان. اگر آنها به انتخابات
برسند، این مردم، نه با ”توطئه“ که در روز روشن
با سری برافراشته و مشتهای گره‌کرده مضحکه
انتخابتی‌شان را بر سرشان خراب خواهند کرد.

پنج‌شنبه ۷ دی ۱۴۰۲

۲۸ دسامبر ۲۰۲۳

انقلاب زن زندگی آزادی و دستاوردهایش

آذر پویا

خبرگزاری حکومتی خبر آنلاین گزارشی را از وضعیت اعتراضی مدارس و شکاف‌های میان حاکمیت و دانش‌آموزان منتشر کرده که حاوی نکات و اطلاعات درخور توجهی است. این گزارش محصول مصاحبه با سه معلم به نام‌های محمد داوری، نرگس ملک‌زاده و محمدرضا نیک‌نژاد است که از تجربیات تدریس خود در یک سال گذشته و چالش‌های اساسی که با آن روبرو هستند، صحبت می‌کنند. جواب‌ها نشان‌دهنده این است که دانش‌آموزان پس از شروع انقلاب زن زندگی آزادی دیگر برای جمهوری اسلامی تره هم خرد نمی‌کنند. ترسشان دیگر از حکومت ریخته و

سرتاپای محتوای آموزشی مدارس را قبول ندارند.

در بخشی از این مصاحبه آمده است:
”در خصوص موضوعاتی که در کتاب‌های درسی هست و به طریقی در حوادث سال گذشته مطرح شده بود، مثلاً واژه زن و تصویر زنان در کتاب، بحث حجاب، شخصیت‌ها و مسئولین، همچنان تداعی‌کننده حوادث سال گذشته است، دانش‌آموزان هم جسارت بالایی دارند طوری که حتی اگر معلمان بخواهند وارد این مباحث نشوند، آن‌ها تلاش می‌کنند معلم را وارد این مباحث کنند، برای نمونه در درسی مانند علوم اجتماعی وقتی به رابطه دولت و ملت، بحث تفکیک قوا، اصول قانون اساسی، انتخابات، مشارکت مردم پرداخته می‌شود دانش‌آموزان بلافاصله وارد بحث می‌شوند

و درباره آزادی‌ها یا مسئله حجاب صحبت می‌کنند.“

”وقتی به آن‌ها درباره قانون اساسی می‌گوییم بلافاصله سراغ آن را در واقعیت بیرونی کتاب می‌گیرند، می‌پرسند مگر در کتاب نگفته من باید آزادی بیان داشته باشم پس چرا در جامعه آن را نمی‌بینم.“

”دانش‌آموزان در کلاس درس کاملاً به شکل تهاجمی فکرها را نقد می‌کنند، دانش‌آموزان امسال با دانش‌آموزان سال‌های قبل خیلی فرق کرده‌اند.“

بله نه تنها دانش‌آموزان با دانش‌آموزان سال‌های قبل فرق کرده‌اند؛ بلکه در سال ۱۴۰۱ شروع انقلاب زن زندگی آزادی تمام ارکان جامعه را متحول کرد؛ زنان حجاب‌سوزان راه انداختند، جوانان با

پرتاب کردن عمامه‌ها پیام ضددینی‌شان را به دنیا
مخابره کردند، جنبش دادخواهی ابعاد وسیعی به
خود گرفت و جنبش علیه اعدام به گفتمانی عمومی
تبدیل شد. سیاستمداران اروپائی برای عقب نماندن
از قافله مو کوتاه کردند، و کالت زندانیان سیاسی را به
عهده گرفتند و هنرمندان با هنرشان پیام همبستگی
به مردم مبارز ایران دادند. این دستاوردها با خون
جوانان شجاع و مبارز رنگین شده و بر سرلوحه
جامعه نقش بسته‌اند و پس گرفتنی نیستند. این
انقلاب به اشکال مختلف و در ابعاد دیگری در جامعه
جاری است، این را می‌شود در شعارهای اعتراضات
هر روزه اقشار مختلف مردم در خیابان‌ها دید.

پنج‌شنبه ۷ دی ۱۴۰۲

۲۸ دسامبر ۲۰۲۳

قسمت‌هایی از اطلاعیه انقلاب زنانه!

ششم دی - ۲۷ دسامبر؛ روز جهانی نه به حجاب اجباری، گرامیداشت حرکت انقلابی ویدا موحد و کارزار دختران خیابان انقلاب

در حالی شش سال از حرکت انقلابی ویدا موحد می‌گذرد که "انقلاب زن‌زندگی آزادی" علیه حجاب و کلیت حکومت آپارتاید جنسیتی به وقوع پیوسته و همچنان در داخل و خارج از کشور ادامه دارد.

ویدا موحد، زنی که در ششم دی ۱۳۹۶ در تهران بالای سکویی رفت و حجاب این سند بردگی زن را سر چوب زد، اعتراض خود به حجاب اجباری و آپارتاید جنسیتی سیستماتیک را نشان داد، و حرکتی

در بستر اعتراضات درهم پیوسته کارگران، معلمان،
بازنشستگان، دانشجویان و اکثریت مردم ناراضی
و جان‌به‌لب رسیده از فقر و فلاکت و گرانی و تورم
و سرکوب‌ها، کرد که با کارزار ”دختران خیابان
انقلاب“ ادامه یافت و به معنایی، تحول کیفی عمیقی
در عرصه مبارزه علیه حجاب اجباری در جنبش
نوین‌رهای زن و جنبش سرنگونی به وجود آورد.

کارزار دختران خیابان انقلاب پیوندی بود با
”تظاهرات هشت مارس سال ۵۷“ در اعتراض
به فرمان خمینی به حجاب اجباری و همچنین
سرآغاز روند جدیدی از اعتراض به حجاب که
چهار سال بعد در ۲۱ تیر ۱۴۰۰ - در روز حجاب
و عفاف در تقویم رژیم - خود را در ”کارزار
حجاب بی‌حجاب“ در سراسر ایران نشان داد

و در تابستان ۱۴۰۲ در پی قتل حکومتی مهسا
ژینا امینی‌افتخاری، به انقلاب عظیم و تاریخی
زن زندگی آزادی منجر شد که با حجاب‌سوزان
گسترده همراه شد؛ انقلابی که در جهان از آن به
اولین ”انقلاب زنانه“ تاریخ بشریت یاد می‌شود.

اخراج این حکومت زن‌ستیز از تمامی مجامع
بین‌المللی، همچون یونسف، سازمان جهانی کار و
سازمان ملل، بستن سفارتخانه رژیم و اخراج سفرای
آن، قراردادن سپاه پاسداران در لیست سازمان‌های
تروریستی، کمک بزرگی است به مردم ایران و در
صف مقدم زنان که با ”نه“ قاطع خود اعلام کرده‌اند
این حکومت حجاب و تفکیک جنسیتی و زندان و
شکنجه و اعدام را نمی‌خواهند. اگر جهان زمانی
پای بایکوت حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی

ایستاد، باید تلاش کرد که پای بایکوت حکومت
آپارتاید جنسیتی اسلامی حاکم بر ایران نیز بیاید.

به امید آزادی تمامی زنان مبارزِ دربند و همه
زندانیان سیاسی و با یاد و خاطر تمامی زنانی که
در راه مبارزه علیه ظلم و ستم بر زن، جانشان
به دست رژیم اسلامی گرفته شد. به مبارزه تا
پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی ادامه خواهیم داد.

پنج‌شنبه ۷ دی ۱۴۰۲

۲۸ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۱۵

۳۰ دسامبر ۲۰۲۳ - ۹ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

جهت اطلاع خوانندگان-ژورنال

از خیزش ۸۸ تا انقلاب زن زندگی آزادی

اصغر کریمی

خامنه ای و معنای واقعی "خوشا به حالش!"

یاشار سهندی

به همکاری تک تک شما نیاز داریم

از طرف ژورنال

اعدام هم نجاتشان نخواهد داد!

کاظم نیکخواه

جنبش کارگری و انقلاب

پاسخ به سئوالات از شهلا دانشفر

جهت اطلاع خوانندگان

ژورنال

روز ۳۱ دسامبر و اول ژانویه ۲۰۲۴، ۱۰ و ۱۱ دی، به دلیل سال نو میلادی ژورنال منتشر نمی شود. سال نو است و نویسندگان و همکاران فنی و سردبیران نیز در کنار دوستان و خانواده در دید و بازدید بسر می برند. با تبریک سال نو، از طرف همه دست اندرکاران نشریه ژورنال. سال نو خوبی برای همه شما آرزو داریم.



از خیزش ۸۸ تا انقلاب زن زندگی آزادی

اصغر کریمی

خیزش ۸۸ و خیزش‌های انقلابی بعد از آنرا باید مانند حلقه های زنجیر از یک روند عمیق سیاسی دید که به انقلاب زن زندگی آزادی منجر شد. این خیزش‌ها بدلیل سرکوب شدید و عدم آمادگی همه جانبه مردم، عقب رانده شدند اما هر کدام از آنها مردم را در موقعیت بهتری برای خیزش بعدی قرار دادند و حکومت را در موقعیت ضعیف تر و شکننده تری.

خیزش ۸۸ که خود در ادامه خیزش ۷۸ شکل گرفت، دومین حرکت توده‌ای برای سرنوشتی

حکومت بود که به بهانه تقلب انتخابات صورت گرفت، با شعار مرگ بر دیکتاتور ادامه یافت، چوبدستی اصلاح‌طلبان را کنار گذاشت و در دیماه ۸۸ کاملاً به جنبشی سرنگونی‌طلبانه تبدیل شد. ۹۶ ادامه ۸۸ بود با شعار اصلاح‌طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا و با اشکال تعرضی و انقلابی، حمله به موسسات سرکوب و مراکز مذهبی سرکوب را در دستور گذاشت. راه حل انقلاب علیه کل حکومت را در جامعه تثبیت کرد و پوچی راه‌های هم اصلاح‌طلبان و هم اپوزیسیون دست راستی را به ذهنیت عمومی جامعه تبدیل کرد. در خیزش ۹۸ اعتراض سراسری‌تر شد و "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" شعار خصلت‌نمای مردم شد. این خیزش‌ها هر کدام پله‌ای برای خیزش بعدی بود.

انقلاب ۱۴۰۱ بر دوش خیزش‌های قبلی سر بلند کرد، بسیار عمیق‌تر، توده‌ای‌تر، با منشورهای رادیکال، مردم تعرضی‌تر و حکومت دفاعی‌تر، نیروی سرکوب ناآماده‌تر و مردم متشکل‌تر و آماده‌تر، حکومت متشتت‌تر و صفوف مردم متحد‌تر. توازن قوا را خیزش‌های قبلی عوض کرده بود و انقلاب ۱۴۰۱ ادامه‌دار شد. شعار “زن زندگی آزادی” شعار و هویت این انقلاب بود و میلیون‌ها زن بی‌حجاب یک ستون مهم آن. در همه این خیزش‌ها زنان نقش برجسته داشتند اما اینبار انقلاب کاملاً خصلت زنانه یافت. همه این خیزش‌ها خصلت ضد مذهبی داشتند اما اینبار با بی‌حجابی عمومی در شهرها و روستاها و هزار ابتکار دیگر نشان داد که جامعه می‌خواهد

بطور کلی با مذهب و فرهنگ و سنت‌های کهنه
تعیین تکلیف کند. تداوم انقلاب نیروهای بیشتری
را به درون خود کشاند، خلاقیت‌ها گل کرد، قلب
مردم جهان را تسخیر کرد، ترانه‌های زیبا به شعار
زیبای انقلاب اضافه شد، حجاب اختناق را کنار زد،
چهره‌های بیشماری را به جلو صحنه راند و بی‌ربطی
اپوزیسیون راست و شخصیت‌های آن به جامعه و
آرمان‌های مردم را در بعدی اجتماعی نمایان کرد.
به دول غربی نیز حالی کرد که این حکومت ناپایدار
است.

خیزش‌های دو دهه گذشته که به انقلاب ۱۴۰۱
فراروئید، ایران را وارد عصر تازه‌ای کرد، باور به
پیروزی را در مغز استخوان جامعه و باور به شکست

را در صفوف حکومت و نیروی سرکوبش تثبیت نمود. جامعه اکنون روی پله آخر ایستاده تا بالاخره کار را به سرانجام برساند.

شنبه ۹ دی ۱۴۰۲

۳۰ دسامبر ۲۰۲۳

خامنه ای و معنای واقعی ”خوشا به حالش!“

یاشار سهندی

در میانه قتل عام بی رحمانه مردم غزه از سوی دولت اسرائیل، یکی از فرماندهان سپاه در سوریه، رضی موسوی توسط ارتش اسرائیل با حمله هوایی کشته میشود.

تبهکاران حاکم فرصت را غنیمت شمرده و خود را ”کشتند“ تا با فضا سازی، از یک کشته خود هیاهو براه بیاورند که ما چنین و چنان میکنیم تا شاید کسی در ایران دچار رعب و هراس شود. در فکر بازسازی نعش کشی مانند نعش کشی قاسم سلیمانی بودند. سخنگوی سپاه گفت که عملیات

کشتار مردم اسرائیل در ۷ اکتبر توسط حماس گوشه ای از انتقام سخت است. اما داستان نگرفت.

حماس بلافاصله منکر این داستان شد و رژیم درمانده در خود این توان را نیافت که نمایش ۴ سال پیش نعل کشی را تکرار کند. برای همین از چپ و راست به سخنگوی سپاه حمله کردند که بی جا حرف زده است. نماینده رئیس دفتر خامنه ای، یعنی در واقع خود خامنه ای گفت: ”ماجرای غزه داستان فلسطینی‌هاست و بس و ارتباطی به ما ندارد.“ سخنگوی سپاه که کاری جز اجرای دستور نکرده بود مدعی شد من اصلا چنین حرفی نزد، بد برداشت شده! و خود خامنه ای بر جنازه رضی موسوی تنها فرمود: ”خوشا به حالش!“!! این اظهار

نظر ”رهبر فرزانه“ اما یک دنیا حرف دارد. این صرفاً برای عوام فریبی بر سر داستان ”شهادت و محشور شدن با بی بی فاطمه زهرا“ نیست.

حکومت سعی میکند با استخوان چرخانی با عنوان شهیدان گمنام، مرتب به مردم ثابت کند که هنوز هم هستیم! جنازه تازه ای بر دستش مانده که نمی داند چگونه او را به گور بسپارد. حکومتی که از ابتدا از یک سو با کشتار و از سوی دیگر با نعش کشی و استخوان چرخانی خود را سرپا نگهداشته اکنون یکی پس از دیگری ابزارهای حکومتی خود را از دست میدهد و همه اینها نتیجه فشار اعتراضات جامعه است. اعتراضاتی که هر روز به شکلی خود را نشان میدهد و در بطن انقلاب زن زندگی آزادی

معنی دیگری دارد. خامنه ای با گفتن خوشا به
حالش بهتر از هر کسی این را درک میکند. سنبه
پُر زور مبارزات مردم خامنه ای را به آنجا رسانده
که دیگر سوختن سردارانش تنور سرد حکومتش
را گرم نمی کند.

شنبه ۹ دی ۱۴۰۲

۳۰ دسامبر ۲۰۲۳

به همکاری تک تک شما نیاز داریم

از طرف ژورنال

دو سالِ متوالی است که ژورنال هفته ای شش روز منتشر می شود و هزاران نفر آن را دریافت می کنند. دریافت کنندگان این نشریه در شهرهای مختلف ایران و خوانندگان ایرانی در خارج کشور هستند.

ژورنال بعد از ارسال برای دوستداران این نشریه مجدداً توسط همین عزیزان برای دوستان و آشنایانشان ارسال می شود و این دایره خوانندگان نشریه را وسیع تر می کند.

اما این کافی نیست. ما می خواهیم و تلاش داریم

روزانه صدها هزار نفر این نشریه تحلیلی - خبری و سیاسی را بخوانند و با نظر نویسندگان این نشریه آشنا شوند. نقد همه جانبه به همه مصائبی که علیه اکثریت جامعه روا داشته می شود از ویژگی های بارز ژورنال است.

ژورنال نشریه ای علیه کل جمهوری اسلامی، علیه مذهب از همه نوع آن، "خوش خیم"، سمی، ظاهرا بی آزار و نوع تروریستی آن است. ژورنال نشریه ای است علیه همه ظلم ها و نابرابری ها، علیه همه مصائبی که جمهوری اسلامی و نظام ضد بشری اسلامی به اکثریت مردم تحمیل کرده است. ژورنال نقد همه جانبه دنیایی است که سرمایه داری برای بشر امروز ساخته است، جهنمی که در آن میلیاردها

نفر در کابوس مرگ و فقر و شکنجه و زندان دست
و پا می زنند. ژورنال یکی از ابزارهای پیشبرد انقلاب
زن زندگی آزادی در ایران است.

انتظار ما از شما این است! در شهر خود هر آنکس را
که می شناسید از آنها بخواهید شماره واتساپشان را
در اختیار ما قرار دهند و یا خودتان هر تعداد شماره
که میتوانید جمع آوری کرده و برای ما ارسال کنید
تا ما برای آنها هم نشریه را منظمًا ارسال کنیم.

کار سختی نیست و همین اقدام شما باعث میشود
جبهه نبرد دیگری در مبارزه با جمهوری اسلامی
باز شود و مردم زیاده‌تری از محتوای یک نشریه
سرنگونی طلب و رادیکال و سازش ناپذیر مطلع

شوند. ژورنال به نوبه خود تلاش دارد اتحاد سراسری
مردم را حول پرچم انسانیت و آزادی خواهی و
برابری طلبی تقویت کند. در این نبرد با ما همراه
شوید و همکاری کنید.

شنبه ۹ دی ۱۴۰۲

۳۰ دسامبر ۲۰۲۳

اعدام هم نجاتشان نخواهد داد!

کاظم نیکخواه

روز گذشته ۸ دی جمهوری اسلامی چهار نفر دیگر از جوانان را به اتهام نخ نمای جاسوسی و خرابکاری برای اسرائیل در زندان ارومیه اعدام کرد. وفا هناره، آرام عمری، رحمان پرهازو و نسیم نمازی یک سال پیش در پرونده‌ای که شش محکوم دیگر نیز دارد به اعدام محکوم شدند.

اعدام وفا هناره، آرام عمری، رحمان پرهازو و نسیم نمازی تنها یک روز پس از دفن رضی موسوی انجام گرفته است. رضی موسوی فرمانده ارشد سپاه قدس بود که کشته شدنش در سوریه به اسرائیل منتسب

شده و حکومت اعلام کرد که انتقام میگیرد. اما قدرتش از قربانی گرفتن از زندانیان بیگناه فراتر نمی‌رود و مدام در حال ضربه خوردن و منزوی تر شدن در سطح بین المللی است.

اعدام و سرکوب برای حکومت تنها ابزار سرپا ماندن است. این حکومتی است که تمام پروژه ها و سیاستهای پایه ایش در ۴۴ سال گذشته در جامعه شکست خورده و سفیهانه تصور میکند با کشتار و اعدام میتواند به حیات کثیف خود ادامه دهد. ۴۴ سال با مسجد و تکیه و حجاب و نماز جمعه و حوزه های علمیه و راهیان نور و گسیل گله آخوند به مدارس و هزار طرح و سیاست دیگر تقلا کردند مردم و بویژه بچه ها را مغز شویی کنند و به دنبال

سیاستها و اسلامشان بکشانند. اما همه اینها ایضا به همراه سرکوب و اعدام، آشکارا به تف سر بالایی برای حکومتیان تبدیل شد و اکثریت عظیم زنان و مردان و دانش آموزان و پیر و جوان، در انقلاب زن زندگی آزادی و در ادامه آن با صدای رسا اعلام کردند که از این حکومت و کل مذهب و حجاب و سنتها و سیاستهایش عمیقا متنفرند و مصممند آنرا به زباله دان پرتاب کنند.

جمهوری اسلامی در انزوای کامل و در حلقه خشم عمومی، میخواهد با کشتار خود را همچنان در قدرت نگه دارد. اما با هر زخمی که بر قلب جامعه میزند، نفرت و خشم را عمیق تر و گسترده تر در دل مردم میکارد. فوران هر روزه اعتراضات و اعتصابات و

تجمعات در سرتاسر جامعه، طغیان زنان و دختران
علیه حجاب، همبستگی‌ها و جنبش دادخواهی و کل
جنب و جوش در جامعه دارد به حکومت محکم
میگوید "ایستاده ایم تا پایان". حکومت چپاول و
اعدام و اسلام را تماما به زیر خواهیم کشید.

شنبه ۹ دی ۱۴۰۲

۳۰ دسامبر ۲۰۲۳

جنبش کارگری و انقلاب

پاسخ به سؤالات از شهلا دانشفر

معرفی: اعتصابات و اعتراضات کارگری به شکل بی سابقه‌ای در ایران گسترش می‌یابد. اعتراض کارگران ذوب آهن اصفهان و فولاد اهواز و شاخه‌های مختلف صنعت نفت تا اعتراضات بازنشستگان از جمله نمونه‌های متاخر تر مبارزه علیه حکومت سرمایه‌داران اسلامی است. در همین رابطه شهلا دانشفر به چند سؤال پاسخ می‌دهد.

کیوان جاوید: اهمیت و جایگاه اعتصابات کارگری را در شرایط فعلی چگونه می‌بینید؟

شهلا دانشفر: جنبش کارگری یک رکن مهم جنبش سرنگونی است. جنبشی تعرضی که مُهر انقلاب زن زندگی آزادی بر خود دارد و متقابلاً بر جنبش مردمی علیه جمهوری اسلامی تاثیر میگذارد. اعتراضات کارگری به فقر، تبعیض، اختلاسها و بساط سرکوب حکومت، فریاد اعتراض همه مردم است و پیوند مستقیمی با جنبش سرنگونی دارد.

به لحاظ مضمونی اعتراض طبقه کارگر به شرایط موجود، اعتراضی ریشه ای است و تاثیر تعیین کننده ای بر تعمیق و پیشروی انقلاب دارد. طبقه کارگر در اعتراضاتش علیه جمهوری اسلامی به ریشه مصایب دست برده و با شعار ”معیشت، منزلت حق مسلم ماست“ کل بساط توحش و بردگی حاکم را به چالش

میکشد. کارگران همچنین با خواستهایی چون برچیدن
بساط پیمانکاران، لغو قراردادهای موقت کاری، پایان
دادن به امنیتی کردن مبارزات مقابل کل ساختارهای
سیاسی، اقتصادی و سرکوبگریهای حکومت ایستاده
اند.

سیرپُر شتاب اعتراضات کارگری بستری برای سراسری
شدن اعتصابات و شکستن کمر اقتصادی حکومت
است. اتفاقی تحول ساز که با وجود جنبش سرنگونی
قدرتمند، میتواند جنبش های اعتراضی مردمی را صد
چندان قدرت بخشد و به داغ شدن تنور انقلاب در
کف خیابان منجر گردد. بدینگونه جنبش کارگری
مستقیماً به خیابان وصل شود. اعتراضات کارگران
نفت و مراکزی چون ذوب آهن اصفهان و فولاد اهواز

و تجمعات متوالی و متحدانه بازنشستگان نوید بخش
چنین اتفاق شورانگیزی است. از اعتراضات کارگری
با قدرت حمایت کنیم.

کیوان جاوید: در تظاهرات خیابانی از جمله در دل
انقلاب زن زندگی آزادی شاهد ابراز وجود محدودتری
از سوی جنبش کارگری و دیگر جنبش های اعتراضی
مطالباتی هستیم. چرا اینطور است؟

شهلا دانشفر: درست میگویند. ضمن اینکه جنبش
کارگری نقش مهمی در تعمیق انقلاب داشته است.
بیانیه های کارگری، بویژه منشور بیست و یک
منشوری که بطور واقعی پلاتفرم مبارزاتی مردم بود
با امضای معلمان، کارگران و دیگر نهادهای اجتماعی

نشانه های بارز آنست.

طبعاً وقتی در کف خیابان مردم شعارهای تند سرنگونی میدهند، کارگر به عنوان یک طبقه همان آغاز به خیابان نمیزند، چون توازن قوای موجود اجازه ابراز وجود آنرا نمیدهد و هزینه دارد. کارگر به عنوان یک طبقه وقتی وارد نبرد میشود که توازن قوا ایجاب میکند و حرف آخر را میزند. علیرغم آن قدرت جنبش انقلابی چنان بود که در همان هفته های آغازینش اعتراضات کارگری در سطوحی با خیابان همراه بود. از جمله کارگران پروژه ای پیمانی نفت در همبستگی با انقلاب و فریاد مرگ بر دیکتاتور پیام رسای خود را دادند. اعتراضاتی هم در ذوب آهن اصفهان، نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز، و دیگر مراکز کارگری و اعتراضات

اخطاری معلمان و تجمعات بازنشستگان را داشتیم. با فروکش اعتراضات خیابانی هم، بخشهای مختلف کارگری از جمله بازنشستگان در قامتی تعرضی تر به میدان آمدند و نقش مهمی در داغ نگاهداشتن تنور انقلاب داشتند.

کیوان جاوید: ضربه اقتصادی به حکومت یکی از اهرم های موثر برای پیشروی انقلاب است. چگونه جنبش کارگری می تواند همگام با همه جنبش های اعتراضی و تظاهرات خیابانی، سرنگونی رژیم را تسهیل کند؟

شهلا دانشفر: روند اوضاع بسوی سراسری شدن اعتصابات است که همگام با دیگر جنبشها و اعتراضات مردمی خیزشی به مراتب قدرتمندتر را در پی دارد.

خیرشی که کارگران صف مقدمش هستند و با ورود خود میخ آخر را بر تابوت جمهوری اسلامی میزنند. ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات در همه جا برای تدارک اعتصابات گسترده حول مطالبات پاسخ نگرفته، اتحاد مبارزاتی جمعیت ۲۵ میلیونی بازنشسته از نوع تجمع مشترک بخشهای مختلف بازنشستگان در چهارم دیماه، اتحاد طبقاتی کارگری با فریاد شاغل و بازنشسته اتحاد، که پرچمش در دست بازنشستگان است و اتحاد مبارزاتی بخشهای مختلف جامعه علیه سرکوبگریهای حکومت گامهایی عملی در این راستا و تسهیل سرنگونی حکومت است.

شنبه ۹ دی ۱۴۰۲

۳۰ دسامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای

ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۱۶

۲ ژانویه ۲۰۲۴ - ۱۲ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

زنده باد اعتصاب کارگران فولاد اهواز

اصغر کریمی

جنایت سازمان یافته رژیم اسلامی علیه کارگران ساختمان

سیاوش آذری

به اسم نمک، هجومی دیگر به محیط زیست ایران

یاشار سهندی

گذر و نظر در باره سال ۲۰۲۳

کیوان جاوید

با درودهای گرم به خوانندگان ژورنال

به بهانه اولین شماره ژورنال در سال ۲۰۲۴، سال نو میلادی را به همه شما عزیزان که همواره همراه ما بوده‌اید تبریک می‌گوییم.

با امید پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی و برقراری جامعه‌ای انسانی و تحقق یک‌دنیای بهتر.

تیم ژورنال

زنده‌باد اعتصاب کارگران فولاد اهواز

اصغر کریمی

کارگران فولاد اهواز (گروه ملی فولاد) از روز دوم تا نهم دی‌ماه دست به یک اعتصاب متحد و یکپارچه زدند و هم‌زمان با اعتصاب، هر روز در شهر راهپیمایی کردند و با شعار مشهور خود "ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد می‌جنگیم، می‌جنگیم" و نیز شعار "مشکل ما حل نشه اهواز قیامت میشه" و در مقابل نیروهای سرکوب با شعار "نه تهدید، نه زندان، دیگر اثر ندارد" جانانه جنگیدند و موفقیت قابل‌توجهی کسب کردند.

علاوه بر اتحاد، یکپارچگی و قاطعیت کارگران فولاد، نکته مهم دیگری نیز در موفقیت آنها نقش مؤثری داشت: "اوضاع انفجاری جامعه". اوضاعی

که برای همه کارگران از جمله پرستاران و معلمان قابل توجه است.

مبارزه کارگران فولاد اهواز الگویی است برای همه مراکز کارگری. جمع‌بندی خود کارگران فولاد از این اعتصاب بسیار جالب و تیزبینانه است:

به نقل از “صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد”

دستاوردها و چالش‌های اعتصاب کارگران فولاد
اهواز

این نوبت از اعتصاب‌های ما برای تحقق مطالبات کارگری تاکنون با دستاوردها و چالش‌هایی همراه بود که ذکر آنها خالی از لطف نیست:

چالش‌ها:

اخراج و تعلیق از کار همکاران اعتصابی
گسیل نیروهای انتظامی در تجمعات
قطع خدمات ایاب و ذهاب کارگران
عدم توزیع جیره غذایی
فرستادن خبرنگاران امنیتی
شکایت قضایی مدیریت علیه کارگران
احضار شبانه روزی به نهادهای امنیتی و اطلاعاتی
جوسازی رسانه‌ای علیه اعتصاب

آن قدر اعتصاب ما پر قدرت بود که برای شکستن
هیبت آن، تمام دستگاه‌ها نظیر هیئت مدیره،
ماfiای فولاد، بانک ملی، وزارت کار و اطلاعات،
نیروهای انتظامی و بسیج و اداره کار، فرمانداری
و استانداری و همه وارد عمل شدند.

دستاوردها:

تحقق بخش قابل توجهی از مطالبات معوق

فراری دادن مدیرعامل فاسد علی محمدی
کنترل تمام درهای ورود و خروج
هماهنگی کامل و اتحاد عمل میان همه شیفت‌ها
و همه بخش‌ها
بازگشت به کار همکاران تعلیقی
برگزاری مجامع عمومی پرشور و مؤثر
انتخاب نماینده‌های مذاکرات
تلفیق و همکاری نیروهای قراردادی و پیمانکاری
بازتاب گسترده رسانه‌ای و همراهی افکار عمومی
سازماندهی مستقل پر قدرت و متحد
فتح کارخانه و خیابان با تصمیم و خرد جمعی

و باید اضافه کرد دستاوردی دیگر در جهت اتحاد
بزرگ جنبش کارگری نیز به چشم آمد که اشاره
می‌کنیم به حمایت‌ها و پیام‌های همدلانه زیادی
به عنوان مثال از سوی:

کارگران نیشکر هفت‌تپه، لوله‌سازی فولاد

خوزستان، کارکنان راهبران مترو و خطوط راه آهن،
بازنشستگان خوزستان و کرمانشاه، تشکلهای
صنفی فرهنگیان و دانشجویان و رسانه‌ها و
گروه‌های کارگری دیگری در کشور که ما را در
برابر متحدان کارفرمایی تنها نگذاشتند و قوت
قلب ما در گروه ملی بودند.

بدون شک اعتصاب و اتحاد و کنترل شرکت و
اعلام مطالبه کف خیابان، تنها راه گرفتن حق از
چنگ فاسدان و سرمایه‌پرستان است.

سه‌شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲

۲ ژانویه ۲۰۲۴

جنايت سازمان يافته رژيم اسلامي

عليه كارگران ساختمان

سياوش آذري

بر اساس آمار هر چند غير قابل اعتماد پزشكي قانوني در سال گذشته ۱۹۰۰ كارگر در محيط كار و به دنبال "سوانح كاري" جان خود را از دست داده اند. بيش از نيمي از قربانيان جنايات كاري در ايران را كارگران حوزه ساخت و ساز تشكيل مي دهند كه اين نشانگر ابعاد جنايت عليه كارگران اين بخش است.

جنايات سازمان يافته عليه كارگران ساختماني به اينجا ختم نمي شود. بنا بر توضيحات يك مقام

صنّفی در حوزه عمران در ایران آمار مرگ کارگران در بخش ساخت و ساز بر اثر بیماری‌های استخوانی و ریوی بیش از آمار مرگ و میر ناشی از "سوانح کاری" است. عمر مفید کار در این حوزه ۱۵ سال است و معمولاً بعد از این مدت نسبتاً کوتاه فرد کارگر "از کار می‌افتد". به عبارتی دیگر کارفرمای برخوردار از هر نوع حمایت "قانونی" و فراقانونی که خود معمولاً از مقربین بارگاه رژیم اسلامی است، با بکار گماردن کارگران بدون رعایت حداقل ضوابط ایمنی و بهداشت کاری و پس از مکیدن خون و شیره جان فرد کارگر او را به حال خود رها می‌سازد تا در چنگال فقر و بیماری دست‌وپا زده و بالاخره جان خود را از دست بدهد.

اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر تولید کالایی و معطوف به سوداندوزی برای جان و سلامتی کارگران، انسان‌ها، جانداران و محیط‌زیست‌پشیزی ارزش قائل نیست. اما کارگران در بسیاری از کشورها به یمن مبارزات بی‌امان صدها ساله قادر به تحمیل برخی قوانین در حمایت از مزدبگیران و ارتقای شرایط کاری و ایمنی و بهداشت محیط کار به کارفرمایان، سرمایه‌داران و دولت‌هایشان گشته‌اند. در ایران تحت سیطره جمهوری اسلامی و سیستم اقتصادی سرمایه‌داری دزدسالار اسلامی اما کارفرمایان و سرمایه‌داران از تمکین به همین قوانین نیم‌بند و حداقلی نیز خودداری می‌ورزند.

کارگران در ایران به‌ویژه در متن شرایط انقلابی

موجود، پرچم مطالبات انسانی خود را برافراشته و در بسیاری از جبهه‌ها پیشروی‌های چشمگیری داشته‌اند. خواست وضع و اجرای قوانین برای بهبود شرایط ایمنی و بهداشت کاری، بیمه از کارافتادگی، کاهش سن بازنشستگی به‌ویژه در کارهای سخت و طاقت‌فرسا از جمله مطالباتی است که کارگران باید حول آنها بسیج شوند. اما پاسخ واقعی و انسانی به وضعیت موجود پیوستن کارگران در مقیاس میلیونی به صف انقلاب و در هم شکستن تمامیت دستگاه دولت و سرکوب جمهوری اسلامی به‌عنوان پیش شرط برقراری جامعه‌ای انسانی است.

سه‌شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲

۲ ژانویه ۲۰۲۴

به اسم نمک، هجومی دیگر به

محیط زیست ایران

یاشار سهندی

نمونه جمهوری اسلامی بیانگر گنبدیگی کامل نظام سرمایه‌داری است. در شبکه‌های اجتماعی فیلمی منتشر شده که حکایت از هجوم گسترده ماشین‌آلات سنگین به کف دریاچه خشک شده ارومیه برای بارگیری "گران‌ترین فلز روی کره زمین، لتیوم" دارد و گویا مقصد آن چین است.

به روایت خبرگزاری‌های حکومتی، این ماده "به دلیل ارزش و اهمیت بالای این فلز در تولید باتری برای صنایع مختلف الکترونیکی از جمله خودروهای برقی، لپ‌تاپ‌ها، تلفن‌های همراه، پنل‌های خورشیدی و

لوازم جانبی و همچنین برای اهداف ذخیره‌سازی انرژی به منزله جواهری در تاج است.“ شایع شده که خشک‌شدن دریاچه ارومیه برای دستیابی به این ”فلز گران‌بها“ عمدی بوده است.

کاربه‌دستان غارتگر جمهوری اسلامی تکذیب کردند و فرمودند: ”به استحضار مردم عزیز کشورمان می‌رسانم، طبق روال سال‌های گذشته از بستر دریاچه ارومیه برداشت نمک خشک با مجوز سازمان صنعت معدن و تجارت و موافقت سازمان حفاظت محیط‌زیست و با نظارت مستمر انجام می‌شود!“ تکذیبیه این غارتگران را ما مردم حق داریم اصلاً باور نکنیم. کاربه‌دستان ریزودرشت این حکومت از هر جا و هر چیزی که بشود به پول تبدیل کرد کوتاهی نمی‌کنند. نمونه‌اش خشک‌کردن تالاب هورالعظیم در خوزستان به‌خاطر استخراج نفت

است که محیط زیست جنوب ایران را دچار آشفته‌گی زیادی کرده که کمترین آن هجوم ریزگردها است.

نمونه دیگر: به بهانه تحریم، تمامی نیروگاه‌های تولید برق مازوت می‌سوزانند و سراسر ایران را آلوده ساخته‌اند. یکی از “کارشناسان هواشناسی” حکومت در یک برنامه صبحگاهی رادیو گفت: “ما اگر اسم مراکز استان‌ها را نام می‌بریم که دچار آلودگی شدید هستند تنها به‌خاطر این است که شاخص هستند و گر نه گاهی شهرهای کوچک‌تر استان‌ها شدت آلودگی‌شان بیشتر است.”

به یغما بردن محیط زیست در ایران از سوی جمهوری اسلامی مانند هر تبهکاری دیگر این حکومت حد و حصر ندارد. باید خبر به یغما بردن لتیوم از کف دریاچه ارومیه را جدی گرفت پیش از آنکه

فاجعه دیگری بر ما مردم تحمیل کنند. باید علیه این هجوم وحشیانه به محیط زیست اعتراض کرد. مانند نمونه ساخت کارخانه پتروشیمی در میان کاله مازندران که اعتراضات وسیع مانع در مقابل این پروژه تبهکارانه ایجاد کرد. در پوشش برداشت نمک خشک هجوم دیگری علیه محیط زیست سازمان داده‌اند. یکی از دلایلی که جمهوری اسلامی را باید به محاکمه کشید همین اقدامات آگاهانه و عمدی این حکومت در نابودی محیط زیست ایران و به خطر انداختن نفس زندگی برای میلیون‌ها انسان است.

سه‌شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲

۲ ژانویه ۲۰۲۴

گذر و نظر در باره سال ۲۰۲۳

کیوان جاوید

ساعت ۱۲ شب، در اولین ثانیه‌های سال ۲۰۲۴ آسمان لندن غرق آتش‌بازی شد. اتفاقی که در همین ساعت از شب در همه کشورها که تاریخ میلادی دارند به وقوع پیوست. مردمی در اوج شادی و سرمستی در حال خالی و پُر کردن جام‌های شراب و شامپاین در شروع سال نو. ظاهراً جهانی زیبا و بی‌دغدغه است این گوشه جهان. مگر نه اینکه مردم اینجا علی‌رغم گران‌شدن مایحتاج زندگی و زدن بی‌وقفه از رفاهیات اجتماعی، لاقلاً شاهد جنگ و کشتاری نبوده‌اند.

اما جهان بزرگ‌تر از این بخش کوچکی است

که مردم هنوز می‌توانند کم‌وبیش خوش باشند. جهان در ۲۰۲۳ درگیر شدیدترین رنج‌ها و جنگ‌ها و فقرها و کوچ‌های میلیونی، خصوصاً از آفریقا و خاورمیانه به‌سوی اروپا و کوچ انسان‌های زیادی به‌خاطر فقر و نداری و بیکاری از کشورهای آمریکای لاتین به‌سوی آمریکا بوده است. چهره دنیا با اعدام‌ها و زندان‌ها و سرکوب مخالفین و مردم معترض در این گوشه و آن گوشه جهان آراسته است.

متأخرترین این آشفته‌بازار جهانی جنگ دولت اسرائیل در غزه است. کارخانه آزمایش انواع سلاح‌های کشتارجمعی و بی‌خاصیتی همه‌دولت‌های جهان برای پیدا کردن ساده‌ترین راه حل نجات برای مردمی که هر روز چون برگ خزان به خاک

می‌افتند. نمونه بعدی ادامه و بی‌سرانجامی تهاجم روسیه به اوکراین است. بکُش یا کشته بشو. جهان دارد به باتلاق نظام سرمایه‌داری تبدیل می‌شود. این نظام در حال غرق کردن مردم در منجلاب زشتی‌ها است.

دولت‌های غربی، شورای امنیت و سازمان ملل مطلقاً هیچ راه‌حلی برای پایان دادن به هیچ بحرانی ندارند. دنیا دارد به شیوه گانگسترها اداره می‌شود. به شیوه لات‌هایی که بسته به زورشان منطقه‌ای را قُرُق کرده‌اند و هیچ‌چیز جهانی مورد توافق وجود ندارد.

تنها آنچه که می‌تواند قطب‌نمای رهایی از این لجنزار حاکم باشد، در برابر چشم ما مردم ایران

اتفاق افتاده است و می‌تواند نمونه‌ای از حرکت به‌سوی رهایی و خوشبختی و رسیدن به پایان جنگ‌ها و قتل‌عام‌ها و تبعیض‌ها و ستم‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی باشد. از انقلاب زن زندگی آزادی سخن می‌گوییم. این انقلاب البته هنوز به سرانجام نرسیده است و در میانه نبرد به سر می‌برد. اما پیروزی این انقلاب می‌تواند نویدبخش تغییرات بزرگی در جهان باشد؛ الگویی از رهایی برای همه مردم که سهمشان از زندگی فقر و نابرابری و ارتجاعی تمام‌عیار است. جهان انقلاب را می‌طلبد و این تنها راهی است که امید به زندگی بهتر از دریچه آن می‌گذرد.

سه‌شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲

۲ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۱۷

۳ ژانویه ۲۰۲۴ - ۱۳ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

وحشت جمهوری اسلامی از توماج و توماج‌ها!

حسن صالحی

اعدام داوود عبداللهی بعد از ۱۴ سال اسارت

کیوان جاوید

نسل‌کشی بهائیان جنایت است!

سیامک بهاری

سال ۲۰۲۳: سال پیشرفت‌ها و عقب‌گردها

کاظم نیکخواه

زنان شجاع و پیشرو به مصاف زندانبانانشان رفتند

پریسا پوینده

وحشت جمهوری اسلامی از توماج و توماج‌ها!

حسن صالحی

توماج صالحی به دلیل آنکه گفته بود در زندان مورد شکنجه قرار گرفته است دوباره به زندان و ابطال گذرنامه و شرکت در دوره مدیریت رفتار و مهارت دانش محکوم شده است. حکمی که طبعاً باید با اعتراض همه ما روبرو شود و یک صدا خواهان آزادی بی‌قید و شرط توماج صالحی شویم. اما مسئله جمهوری اسلامی فقط افشاگری از شکنجه‌های وحشیانه اعمال شده در زندان‌ها علیه زندانیان نیست. اینها قوانین جزایشان مصداق شکنجه است و چندان اعتنایی به علنی شدن این

رفتارهای وحشیانه نمی کنند، وقتی که در قانونشان شکنجه مثلاً در قالب قطع عضو بدن و به صلیب کشیدن رسماً وجود دارد.

مسئله جمهوری اسلامی این است که توماج و توماج ها وقتی که از زندان، گیرم با قید وثیقه، آزاد می شوند علی رغم شکنجه هایی که شده اند چشم در چشم جمهوری اسلامی می ایستند و اعلام می دارند که آنها درهم شکسته نشده اند؛ بلکه همچنان در مقابل زور و زورگویی این حکومت ایستاده اند. این پیام است که باعث خشم و وحشت جمهوری اسلامی می شود. عین همین رفتار را از جانب سپیده قلیان ما شاهد بودیم که وقتی از زندان آزاد شد

شعار داد "خامنه‌ای ضحاک می کشیمت زیر خاک"
و بلافاصله او را دستگیر کردند و به زندان بردند.
اخيراً ارژنگ مرتضوی دانشجوی دانشجوی معترض دانشگاه
خوارزمی نیز که به یک سال زندان و مجازات‌های
دیگر محکوم شده است در مقابل دوربین قرار
گرفت و علناً در مقابل سرکوب و خفقان ایستاد و
مردم را دعوت به اعتراض کرد.

این نشان می‌دهد که نمایش "قدر قدرتی" جمهوری
اسلامی به شکست انجامیده است. معترضین
مقهور این قدرت پوشالی نمی‌شوند و کل دستگاه
زور و سرکوب رژیم اسلامی را روزانه و به اشکال
گوناگونی به چالش می‌کشند. جمهوری جنایت‌کار

اسلامی در مقابل چنین روحیه مبارزاتی و استمرار
حق خواهی به شدت عاجز و ناتوان است و از همین
رو به اعدام های بیشتر و تشدید سرکوب پرداخته
است. این تمهیدات سرکوبگرانه نیز نخواهد
توانست جمهوری اسلامی را نجات دهد چرا که
مردم معترض بارها گفته اند که کوتاه نمی آیند و
ایستاده اند تا پایان عمر ننگین جمهوری اسلامی!

چهارشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۲

۳ ژانویه ۲۰۲۴

اعدام داوود عبداللهی

بعد از ۱۴ سال اسارت

کیوان جاوید

داوود عبداللهی، زندانی سیاسی اهل مهاباد، پس از ۱۴ سال اسارت سحرگاه روز سه‌شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲ در زندان قزل‌حصار کرج اعدام شد.

داوود عبداللهی به همراه شش نفر دیگر در سال ۱۳۸۸ دستگیر شدند و چند سال بعد برای آنها حکم اعدام صادر شد. این حکم یکبار از سوی دیوان عالی جمهوری اسلامی نقض شد؛ ولی مجدداً توسط قاضی صلواتی جلاد به اعدام محکوم شدند.

سؤال اساسی این است که چرا یک زندانی سیاسی بعد از اینکه یک بار هم حکم اعدامش در دیوان عالی این جانیان نقض شد، بعد از ۱۴ سال اسارت به قتل رسیده است؟ برای درک بهتر و فهمیدن این جنایت جنون آمیز باید نگاهی به اوضاع سیاسی در ایران انداخت و موقعیت این رژیم را در پرتو این شرایط اجتماعی اجمالاً بررسی کرد.

رژیم اسلامی درگیر شدیدترین بحران هویتی است. نه فقط بحران ساختاری و ایدئولوژیکی، بلکه همچنین درگیر بزرگترین بحران اقتصادی بوده و در انزوای بین المللی نیز هست. از دیگر سو این حکومت مردمی را رودرروی خود می بیند که به چیزی کمتر از سرنگونی اش رضایت نمی دهند. جامعه آبستن یک انقلاب اجتماعی است و نبرد

روزانه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی علیه این حکومت هر روز در ابعاد متنوع تری ظاهر می شود.

در پرتو این شرایط سیاسی، و با وجود گرایشات متنوع درون حکومتی که در شکل باندها و مافیای تشنه به خون هم علیه همدیگر صف آرای می گردانند، انسجام حکومت هر روز بیش از قبل شکننده تر می شود و دایره وفاداران به خامنه ای را محدود و محدودتر می کند. رژیم اسلامی به راستی فقط با یک حربه در برابر این مردم تشنه آزادی و رهایی، مرگش را از امروز به فردا عقب می اندازد. حربه اعدام. حتی زندان هم کسی را نمی ترساند. زندان ها در ایران مرکز مقاومت و مبارزه علیه این حکومت اند.

در این وضعیت است که برای طناب دارشان یک گردن دیگر پیدا کرده‌اند. با اعدام داوود عبداللهی فقط خشم مردم عمیق‌تر می‌شود و این جنایت فقط تبر دست این مردم را تیزتر می‌کند تا ضربه را شدیدتر برای ریشه کن کردن این جرثومه جنایت سخت‌تر وارد کنند. حجم جنایت این حکومت در تاریخ معاصر جهان کم‌نظیر است؛ اما این جامعه در حال انقلاب تا سرنگونی این حکومت نه تنها عقب نمی‌نشیند که هر روز با قدرت بیشتری با جمع‌آوری نیروی بیشتر، قبر این حکومت را عمیق‌تر می‌کند.

چهارشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۲

۳ ژانویه ۲۰۲۴

نسل کشی بهائیان جنایت است!

سیامک بهاری

فرض کنید در یک محکمه بین‌المللی نشسته‌اید و قاضی دادگاه جرائم مندرج در پرونده متهم را چنین قرائت می‌کند:

سرکوب سیستماتیک دولتی، یورش به خانه‌ها، تفتیش وحشیانه، بازداشت خشن صدها نفر از جمله کودکان کم سن و سال‌مندان، پرونده سازی و پاپوش دوزی و انتساب جاسوسی برای کشور متخاصم، اعدام ۲۰۰ نفر از جمله کودک هفده ساله مونا محمودنژاد به جرم اعتقادات مذهبی، محاکمه‌های غیرعلنی و چند دقیقه‌ای، عدم دسترسی متهمین به وکیل و امکان دفاع، صدور احکام سنگین زندان، خلع ید و مصادره دارایی، زمین و املاک، تبدیل زمین‌های

کشاورزی به منطقه نظامی، مصادره ماشین آلات و واحدهای تولیدی، قطع برق شهری و سهمیه گازوئیل در مراکز تولیدی، پلمب محل کسب و کار، محرومیت از حق اشتغال، مسدود کردن حسابهای بانکی، محرومیت از حق تحصیل، ممنوعیت ورود به دانشگاه، ممانعت از ثبت ازدواج در دفاتر رسمی، سلب حق برگزاری مراسم تدفین و انتخاب محل دفن در گذشتگان، تخریب قبرستان، نقض آشکار حقوق شهروندی و نفرت پراکنی بی وقفه و علنی در مجامع، مطبوعات و رادیو تلویزیون رسمی کشور، ایجاد عامدانه وحشت و هراس و سردرگمی مداوم، محروم کردن و به فقر کشاندن نقشه مند، تداوم سرکوب، سلب آرامش و امنیت از زندگی، قانونی کردن تحقیر و آزار و اذیت و... علی رغم اینکه این جرائم سازمان یافته دهها بار توسط نهادهای معتبر بین المللی، نهاد حقوق بشر سازمان ملل، سازمان

عفو بین الملل محکوم شده و علیه آن قطعنامه صادر شده است، اما همچنان همه این جرائم طی بیش از چهل سال توسط حکومت تداوم داشته و همچنان دارد.

بی آنکه قربانیان را بشناسید در باره متهم، آمران و عاملان این پرونده جنایی خواهید گفت: این یک نسل کشی نفرت انگیز و عامدانه توسط یک حکومت فاشیستی است!

این رفتار خشن و ضد بشری و بی رحمانه حکومت اسلامی ایران با پیروان دین بهایی است. بهائیت جرمی نابخشودنی و عقوبتی بی پایان برای پیروان آن است. سرکوب بهائیان به امر ذاتی حکومت پلید اسلامی بدل شده است.

به این رفتار ضدبشری باید خاتمه داد. مذهب امر شخصی افراد است. به اقلیت و اکثریت تقسیم کردن و محروم کردن اقلیت از زندگی، شیوه حکومت اسلامی است. حق شهروندی همگانی و متساوی در جامعه متمدنی و مدرن نه بر اساس باور یا عدم باور مذهبی که بر اساس حق همه انسان‌ها از یک زندگی برابر و متعالی ممکن می‌شود.

سرنگون کردن جمهوری اسلامی راه پایان دادن به نفرت‌پراکنی و بازگرداندن حرمت و حق شهروندی برابر برای همگان است. نابود باد حکومت اسلامی!

چهارشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۲

۳ ژانویه ۲۰۲۴

سال ۲۰۲۳: سال پیشرفت‌ها و عقب‌گردها

کاظم نیکخواه

سال ۲۰۲۳ را سال هوش مصنوعی می‌خوانند. هوش مصنوعی AI یا (Artificial Intelligence) یک پدیده نیست. یک انقلاب است که می‌تواند زندگی بشر را در تمام زمینه‌ها دگرگون کند و خواهد کرد. چشم‌انداز بی‌پایان رشد تکنولوژیک و ارتباطاتی و اطلاعاتی، بیش از هر زمان دنیای کنونی را به‌عنوان دهکده کوچک جهانی جلوی چشم می‌گذارد که تمام گوشه و زوایای آن دست‌یافتنی است. با امکانات تکنولوژیک کنونی می‌توان با گرمایش زمین، با بیماری‌های کشنده، با قحطی و خشکسالی و با تمام ناهنجاری‌ها به طور مؤثری مقابله کرد. با اینترنت یک بیگ بنگ

شروع شد. با هوش مصنوعی عرصه‌های عظیم دیگر گشوده شد. قدرت تولید و اطلاعات بشر امروز به‌راستی خیره‌کننده است. به‌هم‌پیوستگی جهانی امروز یک امر عینی و غیرقابل‌بازگشت است. مرزها و دولت‌ها و سنت‌ها و قوانین تاکنونی بی‌معنا می‌شود.

در سوی دیگر این تصویر یک واقعیت دیگر، یک تلاش کاملاً متضاد خودنمایی می‌کند. قدرت‌ها و جریان‌ات راست و طرف‌دار سرمایه وحشت‌زده پلیس و ارتش و دولت‌هایشان را بسیج کرده‌اند تا مانع به هم پیوستن مردم شوند. از تکنولوژی جدید برای محکم‌تر کردن مرزها استفاده می‌کنند. می‌خواهند همچون ترامپ میان مردم دیوار بکشند. ناسیونالیسم و فاشیسم و مذهب و تعصب‌گرایی در

کشورهای مختلف جلورانده می شود. سرمایه داران آشکارا ترجیح می دهند پناهندگان در دریاها غرق شوند و کسی جرئت نکند از حکومت های وحشی و سرکوبگر فرار کند و به جای امنی برسد.

وجود حکومت هایی نظیر جمهوری اسلامی و طالبان در ایران و افغانستان در دنیای هوش مصنوعی و مدیای اجتماعی، از عقب ماندگی مردم این کشورها نیست. بلکه آشکارا بخشی از سناریوی سرمایه داری این دوره است. گویی عصر توحش و عصر تحولات علمی مقابل هم قرار گرفته اند. جنگ و کشتار در اوکراین و غزه و اسرائیل نیز بخشی از همین سناریو است. طبقه سرمایه دار همچون برده داران و زمین داران و اشراف در دوره های قبل، از تحولات وحشت دارد و می خواهد با جنگ

و فاشیسم و مذهب و تعصبات جلوی پیشرفت
جامعه بشری را بگیرد و قدرت خود را حفظ کند.

به طور خلاصه جهان به سمت پیشرفت و تحولی
بسیار عمیق و عظیم حرکت می‌کند؛ اما باید
مقاومت جدی نیروهای واپس‌گرا را کنار بزنند
و کنار خواهد زد. انقلاب زن زندگی آزادی در
کشوری مثل ایران یک نمونه از عزم جامعه برای
عبور از نیروهای توحش است. همه‌جا با صدای
رسا باید فریاد زد زنده‌باد انقلاب!

سه‌شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲

۲ ژانویه ۲۰۲۴

زنان شجاع و پیشرو به مصاف

زندانبانانشان رفتند

پریسا پوینده

خبرها دال بر شدت افزایش محرومیت‌ها و فشارها بر زندانیان سیاسی زن زندان اوین است. در ششم دی‌ماه، هنگامی که مقامات قضایی از جمله افشاری و عموزاده، دو رئیس شعبه‌های دادگاه انقلاب، قناعت‌کار سرپرست دادسرای امنیت و القاضی مهر رئیس دادگستری کل استان تهران قصد بازدید از بند زنان زندان اوین را داشتند، تعدادی از زنان زندانی سیاسی در اعتراض به سرکوب مردم، بازداشت‌ها، شکنجه و اعدام به محض مطلع شدن از ورود این مسئولان وارد راهروی کارکنان می‌شوند. با بلند شدن صدای شعار و خواندن سرود،

درهای اتاق مسئولان و همچنین در بین راهروی کارکنان و بند قفل می‌شود. زندانیان شعارهای “مرگ بر دیکتاتور”، “مرگ بر جمهوری اسلامی” و “زن، زندگی، آزادی” سر داده و سرود “خون ارغوان‌ها”، “بلاوچاو” و “شب مهسا” را خواندند. به دلیل حضور قاضی پرونده محسن شکاری، بارها نام محسن شکاری را فریاد زدند. همچنین فریاد می‌زدند مجاهد کورکور و رضا رسایی را اعدام نکنید، اعدام قتل عمد دولتی است و باید متوقف شود.

زندانیان مقابل درها می‌گفتند؛ “حضور ما اینجا نه به‌خاطر پیگیری پرونده‌های خودمان بلکه در اعتراض به سیاست‌های سرکوبگرانه قوه قضائیه است.” خواسته زندانیان روشن بود، جمهوری اسلامی و تمام مسئولان و آمران و عاملان جنایتش

باید پاسخگوی جنایاتشان شوند که چرا سرکوب کردند، چرا کشتند و چرا شکنجه و اعدام کردند.

در مقابل این حجم از شجاعت ستودنی زنان زندانی، جمهوری اسلامی کودک‌کش، محدودیت‌ها و فشارها بر روی زندانیان سیاسی زن از جمله سروناز احمدی، گل‌رخ ایرایی، محبوبه رضایی، سپیده قلیان، نرگس محمدی و... را افزایش داده و برخی از آنان را از دسترسی به حقوق اولیه خود محروم کرده است. در پی این روند انتقام‌جویانه، ۱۶ نفر برابر با حدود یک‌چهارم زندانیان بند، در حال حاضر از تماس تلفنی محروم شده و شش نفر نیز ممنوع‌الملاقات شده‌اند.

این اعتراض‌ها شکوه، داد‌گاهی کردن حکومت قاتل مردم است که تلاش می‌کند بر سکوی قدرت

بماند. این اعتراض محاکمه کردن سران رژیم در زندان‌های خودش است. سال‌هاست گفته‌ایم ” زندانی صدای اعتراض جامعه است.“ اعتراض باشکوه و شجاعانه زنان زندانی اوین گواهی دیگر بر این نکته مهم و اساسی در جنبش سرنگونی است. سال‌هاست زندانی سیاسی پرچم اعتراض به فقر، نابرابری، سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام را در دست دارد. کیفرخواست صادر می‌کند و جامعه کیفرخواستش را به‌عنوان پرچمی در سنگر آزادی بلند می‌کند و صدای او و خانواده‌اش می‌شود. مادران، خانواده زندانی سیاسی و زندانیان سیاسی سابق خود در صف مقدم این مبارزه هستند.

سه‌شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲

۲ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۱۸

۴ ژانویه ۲۰۲۴ - ۱۴ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

فاجعه آفرینی پاسخ سختی در پی خواهد داشت

سینا پدرام

اتحاد سراسری علیه اعدام و سرکوب

شهلا دانشفر

وقتی کفگیر آیت الله به ته دیگ می خورد

اصغر کریمی

بی حجابی، بن بست هلاک کننده برای رژیم اسلامی

عطیه نیک نفس

فاجعه آفرینی پاسخ سختی

در پی خواهد داشت

سینا پدرام

متعاقب دو انفجار بزرگ در کرمان در مراسم چهارمین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی، بار دیگر مقام‌های رژیم اسلامی به ضدونقیض گویی‌های گوناگونی پرداخته و انگشت اتهام را به سوی اسرائیل گرفتند.

بار دیگر رژیم اسلامی جنایت آفرید و کیست که نداند متهم اصلی این جنایت جدید خود رژیم است. عملیات تروریستی کرمان سناریوی نخ‌نمای دیگری در کنار سناریوهای مشابه مانند حمله به

شاه‌چراغ و حملات شیمیایی به مدارس دخترانه و شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراینی و غیره حربه رژیم برای سرکوب انقلاب و جنبش اخیر ایران است. به اسم مقابله با تروریسم می‌خواهند مردم را با عملیات تروریستی مرعوب و مستأصل کنند.

انحراف اذهان عمومی حربه‌ای است که رژیم اسلامی به انحای گوناگون در برهه‌های مختلف به آن دست‌برده است. اما هر بار بیشتر از پیش استیصال خود را در مقابل حرکات مردمی نشان داده است. رژیم می‌خواهد بار دیگر، اعترافات تلویزیونی راه بیندازد. چوبه‌های دار بر پا کند و اعدام‌ها را افزایش دهد. می‌خواهد با جنایت، ارباب کند و چند روز دیگر به عمر ننگین خود بیفزاید.

مردم این بار هم بی‌هیچ درنگی دست رژیم را خواندند و تناقضاتش را رو کردند. خود رژیم را باعث‌وبانی این جنایت دانسته و جنایت‌کار اصلی را نشانه گرفته‌اند. مردم می‌دانند که رژیم برای جان هیچ‌کس حتی خودی‌هایشان ارزشی قائل نیست و به‌راحتی می‌تواند آنها را قربانی جنایت‌های از پیش سازماندهی شده‌اش بکند.

این نوع سناریوها تناقضات رژیم را بیش‌ازپیش برملا می‌کنند. رژیمی که خود را قدر قدرت منطقه می‌داند حتی قادر به برقراری امنیت یک مراسم حکومتی نیست. اینکه عامل این حمله اسرائیل و یا آمریکا و غیره معرفی می‌شود، بیشتر می‌تواند حاکی از ضعف رژیم در دفاع از خود باشد و نه قدرت حضرات جنایت‌کار. انفجار در جایی که مملو از نیروهای امنیتی رژیم است، بی‌خاصیتی این

نیروها را نشان می‌دهد. گمانه‌زنی در مورد عاملین این حمله تروریستی هر چه باشد، نتیجه عملی آن چیزی نیست جز بن‌بست سیاسی دیگری برای سران رژیم. "انتقام سخت" نام مستعاری برای تشدید اعدام‌ها در ایران است. مشکل اساسی این است که بار دیگر رژیم یک عنصر اصلی در سیاست ایران را فراموش کرده است، مردم انقلابی ایران که از هر آنچه که با رژیم تداعی می‌شود متنفرند. مردم ایران نه نظاره‌گر غیرفعال "سناریوهای حکومتی" بلکه هنرپیشه واقعی نمایشات اجتماعی هستند.

پنج‌شنبه ۱۴ دی ۱۴۰۲

۴ ژانویه ۲۰۲۴

اتحاد سراسری علیه اعدام و سرکوب

شهلا دانشفر

ده تشکل کارگری و اجتماعی طی بیانیه‌ای علیه اعدام‌ها و سرکوبگری‌های حکومت، کل جامعه را به اتحاد سراسری مبارزاتی فراخوانده‌اند. اتحاد بازنشستگان، انجمن برق و فلز کرمانشاه، سندیکای نقاشان البرز، شورای بازنشستگان ایران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، گروه بازنشستگان مستقل تهران، ندای زنان ایران و نهاد دادخواهان امضاکنندگان این بیانیه هستند. ده تشکل از کارگران و بخش‌های مختلف جامعه که خود همین امروز آفرینندگان

اعتراضات مردمی در کف خیابان هستند.

در مقدمه بیانیه آمده است: ”به دنبال اعتراضات قدرتمند ما کارگران، ما معلمان، ما بازنشستگان، ما زنان، ما دادخواهان و ما همه مردم تحت انواع ستم با شعار زن زندگی آزادی، معیشت، منزلت و داشتن زندگی انسانی را حق مسلم خود اعلام کردیم، حکومت با تشدید سرکوبگری‌هایش می‌خواهد ما مردم را عقب براند... متحد و سراسری سدی در برابر این سرکوبگری‌ها باشیم.“

سرفصل این بیانیه به اعدام‌ها اختصاص دارد. به اعدام محسن شکاری اولین اعدامی از بازداشت‌شدگان انقلاب ”زن زندگی آزادی“ و دیگر اعدام‌ها در جریان این انقلاب، به بیش از ۶۴۰ اعدام در طول سال ۲۰۲۳ و نیز به خطر فوری اعدام شماری دیگر از

زندانیان دربند اشاره داشته و قاطعانه اعلام می کند: "باید با قدرت اتحاد سراسری مبارزاتی مان جلوی حرکت این ماشین سرکوب و جنایت را بگیریم" و می نویسد: "ما امضاکنندگان این بیانیه در کنار خانواده های دادخواه اعدام شدگان و جان باختگان انقلاب زن زندگی آزادی بر توقف فوری اعدام ها تأکید داریم."

بیانیه همچنین از تشدید دیگر اشکال سرکوب و پرونده سازی های امنیتی علیه فعالین کارگری و اجتماعی و ایستادگی های مردمی سخن می گوید. یک نمونه تحسین آمیز آن، اعتراضات قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز است که موفق به عقب راندن مدیریت مافیایی شرکت و بازگرداندن ۳۸ همکار تعلیقی خود به کار شدند. نمونه دیگر اعتراض شجاعانه زندانیان سیاسی زن در اوین به

نیروهای امنیتی دادگاه‌ها و زندان‌ها با فریاد ”زن زندگی آزادی“ و دادخواهی علیه اعدام‌ها است که حماسه‌ای تاریخی آفریدند. امضاکنندگان بیانیه با فریاد ”ایستاده‌ایم تا پایان“، ”زن زندگی آزادی“ و با اشاره به زندانی بودن شماری از فعالین اجتماعی و ادامه بازداشت دستگیرشدگان انقلاب، بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط تمامی زندانیان سیاسی تأکید دارند. پیام رسای این بیانیه اتحاد مبارزاتی علیه سرکوب‌هاست، باید وسیعاً و میداناً با آن همراه شد.

پنج‌شنبه ۱۴ دی ۱۴۰۲

۴ ژانویه ۲۰۲۴

وقتی کفگیر آیت‌الله به ته دیگ می‌خورد

اصغر کریمی

خامنه‌ای گفته است: نماز خواندیم بعد من نشستم رو پله. یه صحبت گرم و گیرایی کردم (شکسته نفسی فرمایید!). قبلاً هم فکرش را نکرده بودم. خدای متعال همین‌طور حرف می‌زد در واقع. زبان من بود، حرف خدا.

حلول خدا در خامنه‌ای، البته به‌خاطر مصرف زیاد تریاک نیست! حکمت سیاسی دارد و باید اضافه کرد حکمتی احمقانه! دلیل این حلول موقعیت سیاسی او در میان حواریونش است. مدت‌ها است که حنای

رهبر در میان خیلی از آیت‌الله‌ها و مراجع تقلید! و نزدیک‌ترین‌هایش هم رنگی ندارد. او اکنون به رهبری تبدیل شده که مدام مورد انتقاد بخشی از حکومتی‌های سابق و فعلی است. در جامعه مورد نفرت است و در میان خودی‌ها اسباب دردسر. این بار خدا را کمک گرفته تا امت آب‌رفته‌اش را مسحور حرف‌های خدا! کند. اما در جامعه‌ای که برای خدا هم تره خرد نمی‌کنند، با این کار هم خودش و هم خدایش را بی‌اعتبارتر می‌کند.

اینها زبردست‌ترین شیادان تاریخ‌اند از همان جنس پیامبرشان محمد. با این تفاوت که دوره آنها به سر رسیده است. اگر زمانی این معجزات! مشتی آدم نادان را فریب می‌داد اکنون در جامعه‌ای از مذهب

گریخته و متنفر از آیات خدا بر روی زمین، با موجی از جوک و تمسخر جواب می گیرند. حتی نیروهای سرکوبش هم به ریش او می خندند. در مملکتی که هر روز دزدی های میلیارد دلاری توسط مقامات و آیت الله ها رو می شود و اکثریت مردم در فقر و سیه روزی زندگی می کنند، هر معجزه های شبیه این تعداد بیشتری را به طور بنیادی از مذهب و خرافه رها می کند. در مملکتی که شعار ”حسین حسین شعارشون دروغ و دزدی کارشون“ و یا شعار ”اسلاموپله کردین مردمو ذله کردین“ در تجمعات داده می شود، کمتر کسی است که رابطه واقعی این اراجیف را با فقر خودش و تلاش حاکمان برای توجیه فقر و محرومیت اکثریت مردم درک نکند و این پلی است که مردم را به درک ریشه های

واقعی فقر و نابرابری و نیز ریشه‌های واقعی مذهب
می‌رساند.

و نکته آخر اینکه نظامی که امثال خامنه‌ای رهبرش
باشد و به چنین خرافاتی نیاز داشته باشد تکلیفش
روشن است. مقدسات این نظام را مردم سال‌هاست
دفن کرده‌اند، خود نظام را هم به‌زودی دفن خواهند
کرد و نظامی نو و تاریخی نو را شروع خواهند کرد.

پنج‌شنبه ۱۴ دی ۱۴۰۲

۴ ژانویه ۲۰۲۴

بی‌حجابی، بن‌بستی هلاک‌کننده

برای رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

”یک عضو کمیسیون ویژه تصویب لایحه ”حجاب و عفاف“ در مجلس می‌گوید محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در نامه‌ای به ابراهیم رئیسی نوشته که دولت ”بار مالی“ ناشی از اجرای این لایحه را بپذیرد تا شورای نگهبان آن را تصویب کند.“

نه تنها همچنان دعوایها و تو سر زدن‌های مزدوران رژیم اسلامی بر سر لایحه حجاب ادامه دارد؛

بلکه از ترس اعتراضات زنان مبارز آن را فقط در مجلس دست‌به‌دست می‌چرخانند. پرواضح است که رژیم اسلامی در بحث حجاب با اینکه سال‌هاست در جنگی نابرابر با زنان آزادی‌خواه است، به بن‌بستی رسید که هلاکت و نابودی‌اش را نشانه گرفته است.

رژیم اسلامی با وجود دردست‌داشتن آموزش و پرورش، صداوسیما، و بودجه‌های کلان برای نیروهای سرکوبگرش در برابر مقاومت زنان برای یک خواسته انسانی، یعنی پوشش اختیاری، کاملاً شکست خورده و یک سال است که برای خالی نبودن عریضه، لایحه مضحک و از قبل شکست خورده را در مجلس شورای اسلامی‌شان

می‌گردانند تا شاید خدایشان معجزه‌ای کند!

شکست رژیم اسلامی و فتح خاکریز حجاب توسط زنان در ایران که حالا به یمن وجود مدیای اجتماعی تمام دنیا از آن با غرور و تحسین حرف می‌زنند، دستاوردی است که زنان مبارز و مطالبه‌گر در ایران کسب کرده و در مقابل سرکوب‌های وحشیانه رژیم، با حجاب‌بانانش، با لباس شخصی‌هایش و با مزدوران گماشته‌شده‌اش و با هیچ لایحه‌ای قابل‌برگشت نیست. رژیم این را به‌خوبی می‌داند و فقط برای راضی کردن خودشان هر روز به بهانه‌ای و این بار به بهانه تأمین "بار مالی" تصویب و اجرای این لایحه را به تعویق انداخته است.

این مبارزه همانطور که زنان بارها گفته‌اند تا
سرنگونی کامل رژیم ضدبشری اسلامی و رسیدن
به یک جامعه سکولار، ادامه خواهد داشت. ترس
و استیصال رژیم نیز تنها با نابودی‌اش و کوتاه‌شدن
دست مذهب از زندگی مردم پایان خواهد یافت.

پنج‌شنبه ۱۴ دی ۱۴۰۲

۴ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۱۹

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

۶ ژانویه ۲۰۲۴ – ۱۶ دی ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

زنان و مغز های پوسیده

سیما بهاری

حکومت مواد مخدر اسلامی

عبدل گلپریان

زینب و تارهای موی خنیاگرش

کیوان جاوید

جنایت کرمان، داعش و جمهوری اسلامی

اصغر کریمی

در حمایت از بیانیه ده تشکل کارگری و دادخواهان

علیه اعدام!

اطلاعیه

زنان و مغز های پوسیده

سیما بهاری

”غلامحسین اژه ای رئیس قوه قضائیه: کار و تحصیل نباید مانعی برای خانه داری و مادری زنان شوند.“

جسارت زنان در ایران واقعا آدم را حیرت زده میکند. برای نمونه رویا حشمتی از اجرای حکمش نوشته بود که چقدر با شهامتش مجریان حکمش را حقیر کرده است. تا جایی که برای نگه داشتن حجاب بر سرش دستهایش را از پشت دستبند زدند تا نتواند روسریش را از سر بپندازد.

انقلاب زن زندگی آزادی قهرمانی زنان را زیر ذره

بین گذاشت. مادرانی که بر گور فرزندان کشته شده خود نه تنها عجز نشان نداده اند، که با سخنرانی های با شهامت خود گلوله های خشمی شدند که دشمن را هدف قرار داده و بهمن وار در مسیر حرکتش بزرگ و بزرگتر شدند و انقلاب را به جلو راندند. زنانی که در سخنرانیهای خود در جمع بازنشسته ها، معلمان و خانواده های کارگران، حرفهای انقلاب را فریاد زدند. زنانی که از زندان پیامهای همبستگی با انقلاب دادند، آنها که در زندان هم حجاب، این سمبل بردگی، را نپذیرفتند و به زنان و مردان خیابان روحیه دادند. به راستی هر کدام از آنها قهرمانانی هستند که فردای پیروزی باید تندیشان ساخته شود.

وضع حکومت اما مضحک است. زنان هر روز در انقلاب و در حرکت‌های نمادین، رژیم را عقب میزنند و کارگزاران این رژیم سخنرانی می‌کنند و لایحه می‌دهند و قانون تصویب می‌کنند و اندر باب موقعیت خوب و برتر زنان در اسلام و قرآن داد سخن می‌دهند.

اژه ای میگوید خانه داری برای زنان یک شغل مهم است. و باید اضافه کرد ”شغلی“ که زن گروگان اقتصادی شوهر می‌شود. به این مغزه های پوسیده باید گفت زنان انقلاب زن زندگی آزادی، فاطمه زهرا نیستند، تحقیر نمی‌پذیرند و اجازه نمیدهند برایشان نسخه تمکین پیچیده شود. آنها دارند تاریخ میسازند. تاریخ رهایی، تاریخ مساوات، تاریخ

حرمت، تاریخ سرشار از انسانیت. حضرات عمامه
بسر! آب از سرتان گذشته است. دیگر راه نجاتی
برای شما باقی نمانده است. نسخه های متعلق به
دوران فاطمه زهرا و زینب را برای حجاب بانانتان
پیچید که جیره خوار شما هستند، نه برای زنان
قهرمانی که دارند انقلاب را با همه توان پیش میبرند.
به اژه ای و امثال او باید گفت مانع اصلی زندگی
زنان و همه مردم شما انگل ها هستید. شما که
گورتان گم شود همه چیز سر جای خودش قرار
میگیرد و کار در خانه تبدیل به تقسیم کار برابر و
داوطلبانه می شود.

شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۲

۶ ژانویه ۲۰۲۴

حکومت مواد مخدر اسلامی

عبدل گلپریان

روز پنج‌شنبه، ۱۴ دی، نیروی هوایی اردن به انبارها و مخفی‌گاه‌های قاچاقچیان مواد مخدر در سوریه که مورد حمایت جمهوری اسلامی هستند حمله کرد. ارتش اردن پس از درگیری‌های ماه‌های گذشته با عوامل مرتبط با شبه‌نظامیان طرفدار رژیم اسلامی، کارزار علیه قاچاقچیان مواد مخدر را تشدید کرده و محموله‌های بزرگی از مواد منفجره و همچنین سلاح را که از سوریه وارد اردن شده بود، کشف کرده است.

موضوع مربوط به باندها و شبکه‌های قاچاق مواد

مخد، اسلحه و مواد منفجره در رژیم اسلامی چیز تازه ای نیست. حکومت مواد مخدر اسلامی از همان روزهای اول به قدرت رسیدنش از طریق باندهای قاچاق مواد مخدر شبکه ای وسیع در داخل و خارج از ایران راه اندازی کرد. واژه ”برادران قاچاقچی“، عبارتی که احمدی نژاد برای باندهای مافیای حکومتی در تمامی زمینه ها استفاده کرد و کاملاً برازنده همه آنها است.

اتکای حکومت مواد مخدر اسلامی به قاچاق مواد مخدر نه تنها برای پولشویی و تامین منابع مالی جهت تهیه و تامین سلاح، مواد منفجره برای عملیات تروریستی در منطقه و جهان بلکه در راستای نابودی و تباه کردن و به اعتیاد کشاندن زندگی میلیونها

انسان در داخل و خارج از ایران هم بکار گرفته است.

این حکومت با تکیه بر سرمایه گذاری بر قاچاق مواد مخدر و محموله های سلاح و انتقال آن به سوریه و عراق، از درآمد حاصل از آن برای سرکوب حرکتهای انقلابی مردم در عراق و سوریه استفاده کرد. پرداختن به سازمان دادن قاچاق مواد مخدر توسط دستگاه مافیای اسلامی می تواند کتابی هزاران صفحه ای شود که چطور و چگونه مافیای اسلامی حاکم بر ایران طی ۴۴ سال گذشته صنعت قاچاق مواد مخدر، اسلحه، مواد منفجره و راههای توسعه آن را در راستای اهداف خود برای سرکوب حرکتهای انقلابی در دیگر کشورها و تباهی زندگی

مردم بکار گرفته است.

بدون تردید انقلابی که کلید آن در سال ۱۴۰۱ با فریاد زن زندگی آزادی در ایران زده شد و افکار جهانیان را متوجه خود کرد و ادامه آن امروز در قامت جنبش سرنگونی طلبانه مردم همچنان می درخشد، این رسالت را در خود دارد که با به زیر کشیدن بساط مافیای حکومت مواد مخدر اسلامی نقطه پایانی بر این پدیده ویرانگر بگذارد.

شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۲

۶ ژانویه ۲۰۲۴

زینب و تارهای موی خنیاگرش

کیوان جاوید

در میانه قتل عام بی رحمانه مردم غزه از سوی دادگاه کیفری بهبهان زینب خنیاب‌پور، از مخالفان حجاب اجباری، را به اتهام انتشار تصاویر بدون حجاب خود در فضای مجازی به دو سال حبس محکوم کرده است. این همه وحشت حکومت از این زن نیست. دادگاه انقلاب ماهشهر هم در پرونده‌ای دیگر این ژاندارک زمانه را به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به سه ماه و یک روز زندان محکوم کرده است.

در فیلم ماندگار **Goya's Ghosts** (روح گویا) صحنه‌ای است که اوج توحش و تبهکاری کلیسا را

علیه شهروندان به تصویر می کشد. کنترل مذهب بر زندگی شهروندان که چه می خورند و چه می گویند. شکنجه زن جوان به جرم نخوردن گوشت خوک به ظن اینکه حتما باید یهودی باشد و اعتراف زیر شکنجه به برگشتن از مسیحیت و "کافر" شدن. پایان این فیلم دوره ای را به تصویر میکشد که انقلاب فرانسه کار کلیسا را ساخته و قدرت سیاسی را از چنگش بیرون کشیده است.

ما قدرت مخوف و ویرانگر مذهب اسلام را در ایران همچون سلطه خونین کلیسا بر بخش وسیعی از جهان تجربه کرده ایم. از شکنجه ها و اسارت ها و اعدام ها می شود صدها فیلم ماندگار و تاثیر گذار تهیه کرد که نبرد مردم ایران با حکومت

مذهبی را به تصویر بکشد. نبردی که قهرمانانش از گذشته های دور جلو صحنه می آیند و تا به امروز می رسند. کاراکترهایی که واقعیت جامعه را در برابر دیدگان همه دنیا قرار میدهند و آوای خوش پایان کار مذهب در ایران را بر بام جهان با ریتمی موزون به گوش همگان می رسانند. امروز و در این لحظه از تاریخ ایران نام زینب (بهار) خنیاب پور بر پرده های زندگی نقش بسته است.

در این لحظه از تاریخ در ایران، زندانیان سیاسی و مردم از دین برگشته در برابر حکومت مذهبی سینه سپر کرده اند و جامعه ضد مذهب در برابر این حکومت فریاد زندگی سر میدهد. درست در همین لحظه مردم ایران درگیر تاریخ ساز ترین

نبرد همه جانبه برای سرنگونی جمهوری اسلامی
اند. جامعه ایران آبستن انقلاب ضد دینی است.
آنچه که مردنی و نابود شدنی است، ارتجاع مذهبی
و اسلامی است، آنچه که می روید و به درختی
تنومند و ماندگار تبدیل می شود، زیبایی و طراوت
زندگی و خوشبختی همگانی است. این فلسفه و
هدف انقلاب زن زندگی آزادی است که ارتجاع به
خاک می افکند و زندگی را پدیدار می سازد.

شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۲

۶ ژانویه ۲۰۲۴

جنایت کرمان، داعش و جمهوری اسلامی

اصغر کریمی

داعش، شاخه دیگری از جنبش اسلام سیاسی، مسئولیت جنایت در کرمان را بعهده گرفته است اما این ذره‌ای از مسئولیت جمهوری اسلامی کم نمیکند. از نظر مردم کماکان جمهوری اسلامی مسئول اصلی این جنایت است و راه‌هایی از این جنایات نیز پایان دادن به این حکومت. مردم ایران هر چه میکشند از جمهوری اسلامی است.

اولاً، جمهوری اسلامی پیشقراول داعش است. بدون جمهوری اسلامی داعشی در کار نبود. با حاکم شدن جمهوری اسلامی، زمینه برای سربر آوردن انواع تخم

و ترکه‌های جنایتکار اسلامی در خود ایران و در کشورهای همجوار فراهم شد. در مقابل جمهوری اسلامی بعنوان شاخه شیعی تروریسم اسلامی، شاخه‌های سنی تروریسم اسلامی از جمله داعش نیز پا گرفت. اگر به جای جمهوری اسلامی که به کمک دول غرب و مشخصا آمریکا سر کار آمد، حکومتی سکولار در ایران حاکم شده بود، داعشی، حتی به کمک دولت آمریکا، شکل نمیگرفت، جریانات تروریست دیگری هم در داخل کشور زمینه پیدا نمیکرد.

ثانیا، جمهوری اسلامی مسئول حفظ امنیت تجمعات و مراسم‌ها است و بارها و بارها نشان داده است که عرضه همین کار را هم ندارد. در مراسم چهار سال

قبل بخاطر این سردار مرگ نزدیک به ۶۰ نفر
به دلیل بی مسئولیتی آشکار حکومت جانشان را از
داست دادند. بنابراین غلط میکنید مراسم میگیرید
بدون اینکه توان تامین امنیت آنرا داشته باشید.

ثالثاً، نظامی ساخته‌اید که منشاء هزاران بدبختی و
ناامنی و خشونت و شکل‌گیری انواع دار و دسته‌های
آدمکش است از سپاه و بسیج و لباس شخصی‌ها و
مقامات زندانتان تا دار و دسته‌هایی که در رقابت
با شما و ایضا به کمک خود شما شکل گرفته‌اند.
شما فقط زورتان به مردم میرسد و از مردم انتقام
میگیرید.

بنابراین کماکان شما متهم درجه اول جنایت امسال

کرمان، جنایت چهار سال قبل کرمان، جنایت سرنگونی پرواز اوکراین و هزاران جنایت دیگر هستید. هر جنایتی در این مملکت اتفاق می‌افتد محصول نظام نکبت‌بار شما است. هر بلای دیگری هم، از فجایع طبیعی مانند محیط زیست و تلفات سیل و زلزله تا فجایع غیر طبیعی، در این مملکت اتفاق بیفتد تا زمانی که سرنگون نشده‌اید محصول کار شما و نظام منحوس شما است، حتی اگر مستقیماً با شلیک اوباش شما و بمب‌گذاری ایادی شما و یا طناب دارتان صورت نگرفته باشد.

اما اگر جمهوری اسلامی پیشقراول جنبش اسلامی است، مردم ایران هم پیشقراول مبارزه با این جنبش‌اند و با سرنگونی جمهوری اسلامی راه جارو

کردن بساط داعش و سایر دولتها و دستجات
فاشیست اسلامی را هم هموار خواهند کرد.

شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۲

۶ ژانویه ۲۰۲۴

در حمایت از بیانیه ده تشکل کارگری و دادخواهان علیه اعدام!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

ده تشکل فعال در بین دادخواهان، زنان، بازنشستگان، کارگران نفت، پرستاران و دیگر بخش های کارگری در ایران طی بیانیه ای که در ۱۲ دی ماه ۱۴۰۲ منتشر شده است، عزم قاطع خود در مبارزه علیه اعدام ها و سرکوبگری جمهوری اسلامی را اعلام کرده اند. در این بیانیه از جمله آمده است: ”ما امضا کنندگان این بیانیه در کنار خانواده های دادخواه اعدام شدگان و جانبازان انقلاب زن زندگی آزادی بر توقف فوری اعدام ها تاکید داریم.“

این حرکتی مهم و موثر در مقابله با ماشین آدم‌کشی و سرکوب جمهوری اسلامی در شرایط حاضر و در ارتقاء مبارزه تعطیل ناپذیر جامعه ایران علیه مجازات اعدام بطور کلی است. یادآور شویم که اغلب این تشکله‌ها در عین حال از امضاء کنندگان بیانیه "مطالبات حداقلی" ۲۰ تشکل کارگری و مدنی هستند که سال گذشته منتشر شد و از جمله خواهان "لغو فوری" اعدام شده بود.

حزب کمونیست کارگری از بیانیه ده تشکل علیه اعدام‌ها و سرکوبگری جمهوری اسلامی قویا حمایت میکند و اعلام میدارد که اکنون زمان آن است که بخش‌های هرچه وسیعتری از تشکلهای کارگری، زنان، معلمان، دادخواهان، دانشجویان و جوانان،

تشکل‌های مدنی و هنرمندان در ایران به مبارزه قاطع علیه اعدام برخیزند و در پیشاپیش جامعه سرتاپا معترض به اعدام‌ها و جنایات جمهوری اسلامی قرار گیرند. ما همینطور امیدوار هستیم که بیانیه این ده تشکل سرآغازی باشد برای اینکه اعتراض و مبارزه گسترده‌تر علیه اعدام و تهدید اعدام و خواست لغو فوری مجازات اعدام در هر تجمع و حرکت میدانی در ایران بیش از پیش مطرح و برجسته شود.

حزب از همه احزاب و نیروهای سیاسی مبارز علیه جمهوری اسلامی و همچنین از همه نهادها و تشکل‌های فعال در خارج از کشور دعوت میکند که از بیانیه ده تشکل علیه اعدام حمایت کنند و مبارزه همه جانبه علیه اعدام‌های اخیر و برای لغو

مجازات اعدام را در صدر کارهای خود قرار دهند.
ما با تمام قوا در جهت شکل دادن به جنبشی هرچه
وسیعتر و فراگیرتر علیه اعدام‌ها و برای لغو مجازات
اعدام در داخل و خارج تلاش میکنیم.

شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۲

۶ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۲۰

سردبیر این شماره: سیاوش آذری

۷ ژانویه ۲۰۲۴ - ۱۷ دی ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

سالگرد اعدام وحشیانه محمد حسینی و مهدی کرمی

کاظم نیکخواه

اعتراضات گسترده کارگری

شهلا دانشفر

دانش آموزان قربانیان دم توپ حکومت اسلامی

جلیل جلیلی

تبر بی حجابی و گردن رژیم

عطیه نیک نفس

محیط زیست و رژیم اسلامی

سینا پدرام

سالگرد اعدام وحشیانه

محمد حسینی و مهدی کرمی

کاظم نیکخواه

۱۷ دی سالگرد اعدام دو جوان نازنین محمد مهدی کرمی و محمد حسینی است. جای آنها همیشه در قلب مردم است و قاتلین آنها تنها نفرت درو خواهند کرد. اعدام این دو جوان به اتهام ساختگی قتل یک بسیجی، خشم و نفرت عمیق و گسترده‌ای را در جامعه علیه حاکمین دامن زد. محمد مهدی کرمی و محمد حسینی هر دو پس از تحمل بیش از یک ماه شکنجه‌های وحشیانه، حکم اعدام گرفتند و حکومت اسلامی که از انقلاب زن زندگی آزادی به وحشت افتاده بود، انتقامش از مردم سرنگونی طلب

را با شکنجه و قتل آنها گرفت.

اعدام محمدمهدی کرمی و محمد حسینی بازتاب بسیار وسیعی در ایران و در دنیا پیدا کرد و چهره‌ها و شخصیت‌های هنری و ورزشی و ادبی در داخل کشور و دولت‌ها و نهادها و شخصیت‌ها در رسانه‌های مختلف جهان نسبت به این جنایت ابراز انزجار کردند. جمهوری اسلامی با اعدام آنها و با اعدام محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد ماه قبل از آن، خشم عمیق و فضای آشتی‌ناپذیری را علیه خود در جامعه تشدید کرد که تا سرنگونی آن ادامه خواهد یافت.

این حکومت نمی‌فهمد و نمی‌خواهد بفهمد که مردم میلیونی خواست‌های بحقی دارند. از

فشارهای معیشتی و مذهبی و نبود آزادی و فضای سرکوب عمیقاً خسته شده‌اند و به هیچ قیمتی حاضر به تحمل بیشتر این اوضاع نیستند. روشن است که با اعدام جوانان و عزیزان مردم نه فقط زمینه بقای این حکومت فراهم نمی‌شود؛ بلکه خشم مردم سراسری‌تر و ریشه‌ای‌تر می‌گردد. اینکه امروز از بازنشسته تا دانش‌آموز ده‌پانزده ساله متحد و سرنگونی‌طلب شده‌اند و اعتراضات وسیعاً در جامعه جریان دارد نشان می‌دهد که سیاست جنایت و سرکوب نتیجه‌اش چه خواهد شد.

جمهوری اسلامی باید برود. راهی برای بقا در این کشور ندارد. محمدمهدی کرمی و محمد حسینی و محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد و دیگر عزیزان

معترض گناهی نکرده بودند. عشق به زندگی و آزادی داشتند و گناهشان از نظر حکومت همین بود. جای خالی آنها همیشه در قلب مردم زنده است و ننگ و نفرت مردم میلیونی تا ابد متوجه قاتلین و جلادان و حاکمین اسلامی خواهد بود. جایی برای ادامه حاکمیت چنین نیروی ضدانسانی و منفور و در واقع بیگانه و اشغالگری در جامعه وجود ندارد.

یکشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۲

۷ ژانویه ۲۰۲۴

اعتراضات گسترده کارگری

شهلا دانشفر

بیش از سه ماه از اعتراضات سراسری کارگران رسمی نفت به خاطر تعرضات معیشتی حکومت و عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان می‌گذرد. کارگران با تأکید بر تداوم مبارزاتشان در هر منطقه روزهای اعتراضی ویژه خود در هفته را دارند. در این هفته نیز کارگران در سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی، شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاجاری و فلات قاره در مناطق نفتی، سکوی ابودر، سیری، لاوان و بهرگان اعتراضاتی داشتند.

اعتراضات در نفت بخش‌های دیگر را نیز در بر می‌گیرد. از جمله در ۱۶ دی کارگران ارکان ثالث بخش پشتیبانی و اداری شرکت‌های پیمانکاری

پالایشگاه‌های مجتمع گاز پارس جنوبی، تجمعات اعتراضی برپا کردند. مطالبه مهم آنها حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری است. درعین حال بخش‌های مختلف کارگران شاغل در نفت به سطح نازل دستمزدها، وخیم‌تر شدن وضع معیشتی و کاری و عدم تحقق دیگر مطالباتشان اعتراض دارند.

مطالبه حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری یک مطالبه سراسری است که ساختارهای سیاسی اقتصادی حاکم بر نفت، این شاه‌رگ اقتصادی حکومت را به چالش می‌کشد و دامنه‌اش فراتر از این حوزه است. بدین گونه اعتراضات در نفت به سوی سراسری شدن می‌رود. علاوه بر نفت به میدان آمدن قدرتمند کارگران در مجتمع‌های بزرگی چون ذوب‌آهن اصفهان و گروه ملی فولاد اهواز با خواسته‌هایشان و با فریاد "نه تهدید، نه زندان دیگر اثر ندارد"، سد محکمی در برابر

سرکوبگری‌های حکومت را به نمایش گذاشت.

از سوی دیگر بازنشستگان با قدرت به جلو گام بر می‌دارند و تجمعات مشترک بخش‌های مختلف آنها روند اتحاد مبارزاتی صف ۲۵ میلیونی بازنشستگان را به نمایش می‌گذارد. بازنشستگان با شعار ”شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد“ پرچم اتحاد طبقاتی کارگری را به دست گرفته‌اند. اعتراض بازنشستگان به فقر، به تبعیض‌ها، به اختلاس‌ها و به سرکوبگری‌هاست. شعارهایی چون ”درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید“، ”اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد“، پیوند عمیق این اعتراضات را با انقلاب زن زندگی آزادی بیان می‌کند.

گسترده‌گی اعتراضات کارگری نشانگر حرکت به سوی سراسری شدن است. اعتراضاتی تعرضی و متأثر از انقلاب زن زندگی آزادی که می‌رود تا

به منشأ تحولات مهمی در اوضاع سیاسی جامعه تبدیل شود و می‌تواند نیروبخش تنور انقلاب در کف خیابان باشد. اتحاد مبارزتی بخش‌های مختلف کارگری و حمایت از مبارزات یکدیگر، اتحاد مبارزاتی از نوع همان فراخوانی که ده تشکل کارگری و اجتماعی علیه اعدام‌ها و سرکوب‌ها دادند و اتحاد شاغل و بازنشسته حلقه‌های مهمی در پیشروی جنبش کارگری و قدرت‌بخشیدن به جنبش سرنگونی است.

یک‌شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۲

۷ ژانویه ۲۰۲۴

دانش آموزان قربانیان دم توپ

حکومت اسلامی

جلیل جلیلی

گفته می‌شود که از میان ۹۱ نفر کشته‌شدگان انفجارات کرمان دستکم ۲۴ نفر دانش‌آموز بوده‌اند. همچنین گفته می‌شود که دانش‌آموزان با برنامه‌ریزی اداره کل آموزش و پرورش استان و بدون حضور اولیا به محل مراسم برده شده و یا هدایت شده بودند.

در اساطیر باستان به هیولاهایی اشاره می‌شود که حیاتشان به خوردن هر روزه مقداری از خون یک انسان گره‌خورده بود. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی

گفته است که برای استحکام حکومت اسلامی خون لازم است و این خون از ابتدای شکل‌گیری این هیولای خونریزی و خونخوار تا به امروز از طریق به نابودی کشاندن زندگی صدها هزار انسان و به‌ویژه کودکان تأمین شده است. فرستادن کودکان به میدان‌های مین در جنگ با صدام حسین، بردن اجباری دانش‌آموزان به و یا تشویق آنها برای شرکت در مراسم‌های نماز جمعه و تشییع جنازه‌های مقامات جمهوری اسلامی یک سیاست دائمی این حکومت بوده است. تنها مراسم‌های مربوط به یکی از این مقاماتش، مراسم تشییع جنازه قاسم سلیمانی ۶۲ نفر، "عملیات انتقام سخت" ۱۷۶ نفر و مراسم یادبودش ۹۱ نفر و جمعاً جان ۳۲۹ نفر را گرفته است.

آیا مردم ایران اجازه خواهند داد این هیولا بیش از این خون بریزد و زندگانی‌ها را نابود کند؟ جواب ما نه است. مردم ایران چندین بار برای به زیر کشیدن این حکومت خیز برداشته‌اند. ادامه انقلابی که جرقه‌اش با کشته‌شدن مهسا (ژینا) امینی در ۲۵ شهریور زده شد و امروز بعد از یک سال در اشکال گوناگون ولی همچنان قدرتمند جریان دارد، مسلماً این حکومت جانی را به زباله‌دان تاریخ خواهد سپرد. کافی است مردم اقداماتی متحدتر، متشکل‌تر و سراسری‌تر را زیر رهبری یک حزب انقلابی در دستور کارشان قرار دهند.

یک‌شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۲

۷ ژانویه ۲۰۲۴

تبر بی حجابی و گردن رژی

عطیه نیک نفس

احمد علی رضاییگی عضو کمیسیون امور داخلی مجلس جمهوری اسلامی درباره لایحه حجاب می گوید: "این لایحه در صورت تصویب در شورای نگهبان هم زمینه اجرایی پیدا نخواهد کرد، زیرا متناسب با مقتضیات جامعه نیست و فضای کشور را به سمت تنش های اجتماعی می برد و احتمالاً در کنار سایر قوانینی قرار گیرد که تا کنون هیچ گاه اجرا نشده اند."

مقتضیات جامعه، همان خواست جامعه است که زنان ۴۵ سال است آن را فریاد زده اند و برایش

مبارزه کرده‌اند. همان خواست پوشش اختیاری که از حقوق اولیه انسانی است و البته در رژیم اسلامی استوار بر قوانین اسلامی سراسر زن‌ستیز جایی ندارد و این مزدور رژیم واقع‌بینانه نیازهای جامعه را تفسیر می‌کند.

فقط در همین یک سال گذشته زنان آزادی‌خواه چنان جسورانه، پیگیرانه و هدفمند با ابزار سرکوب حجاب مبارزه کرده‌اند که رژیم را از نفس انداخته‌اند. وقتی رؤیا حشمتی زیر ضربات شلاق آواز "زن، زندگی، آزادی" سر می‌دهد، وقتی نرگس محمدی بدون حجاب و با پوشش اختیاری از شکنجه‌گاه‌های رژیم به بیمارستان می‌رود و وقتی سپیده قلیان و سپیده رشنو بدون حجاب در دادگاه‌های رژیم حاضر می‌شوند، یعنی خاکریز

حجاب فتح شده است، یعنی جنبش رهایی زن آن قدر پر قدرت است و در طول همین یک سال به چنان دست آوردهای ارزندهای رسیده است که رژیم اسلامی بعد از ماهها اختلافات داخلی و دعوای بی پایان می داند که هیچ لایحه و قانونی دیگر نمی تواند حجاب را برگرداند. می داند با اجرای چنین قوانینی فقط تاریخ مرگش را نزدیک تر کرده است.

زنانی که برای رسیدن به حقوقی برابر و انسانی از جان عزیزشان هزینه کرده اند، هرگز به عقب بر نمی گردند. زنان به درستی عامل بی حقوقی، سرکوب، شکنجه و تجاوز به حریمشان را تشخیص داده اند، آنها می دانند که حجاب یک مدل لباس نیست، بلکه سمبل بی حقوقی شان است و سلول

انفرادی ساخته شده توسط رژیم اسلامیست که با هدف بردگی زنان طراحی شده است.

تبر بی‌حجابی که به دست زنان است گردن رژیم اسلامی را نشانه گرفته است؛ می‌خواهد با انقلابی بی‌سابقه در دنیا، به "زن، زندگی، آزادی" تحقق ببخشد و دنیایی بدون تبعیض و بدون دخالت مذهب بسازد.

یک‌شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۲

۷ ژانویه ۲۰۲۴

محیط زیست و رژیم اسلامی

سینا پدرام

به گزارش پایگاه خبری آفتاب، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور اظهار داشت که "قانون هوای پاک" از حل مشکل آلودگی هوا عاجز است، وی همچنین افزود که "مشخص نیست پولی که باید صرف تجهیز صنایع برای کاهش آلاینده‌گی شود، صرف چه چیزی می‌شود".

این اعتراف به دو جرم است. قوانین غلط و دزدی‌های "غیر مشخص". اعتراف سومی نیز هست. هوای ایران آلوده است. سم است. دلایل زیادی برای این آلودگی شمرده می‌شود.

یک دلیل آن را از یک مدیرعامل دیگر بشنویم.
مدیرعامل نیروگاه رامین اهواز می گوید که بنا به
دستورات شورای عالی امنیت کشور، برای جلوگیری
از قطع برق از مازوت به عنوان سوخت اضطراری
استفاده می کنیم.“ حتی اعتراف به موضوع اسفناک
است. در منطقه‌ای که از هر منفذ آن گاز طبیعی
می توان استخراج کرد، مازوت می سوزانند!

بسیار خوب وضعیت آب کشور را چگونه ارزیابی
باید کرد؟ فقط یک نقل قول از یک مدیرعامل
دیگر عمق فاجعه را نشان می دهد. مدیرعامل آب
منطقه‌ای البرز گفت: ”ورودی آب سد کرج نصف
میزان خروجی است.“

اما بگذارید به سراغ رئیس سازمان هواشناسی

ایران نیز برویم. به گزارش آفتاب، رئیس سازمان هواشناسی ایران در یک برنامه تلویزیونی اظهار کرد: روند خشکی دریاچه ارومیه تقریباً از اواسط دهه ۸۰ آغاز شد و مربوط به سال‌های اخیر نیست. به گفته خانم تاج‌بخش "اما مسئله اصلی که بسیار مطرح شده، مدیریت منابع آبی است. سدسازی‌های بسیار و افزایش سطح زیر کشت، رعایت نکردن حقایق‌های زیست‌محیطی و موارد دیگر، عوامل بسیار مهم‌تری نسبت به کم‌بارشی و پیامدهای تغییر اقلیم بوده‌اند."

لیست بلندبالایی از دلایل واقعی فاجعه‌های در حال رخ‌دادن در ایران می‌توان ارائه کرد که مسئول تمامی آنها رژیم اسلامی است و بس. شوربختانه، پیش‌بینی‌های واقع‌بینانه از تغییرات اقلیمی در

ایران، همگی از فاجعه‌بار بودنشان خبر می‌دهند.
رژیم اسلامی قرار نیست که هیچ اقدامی برای
بهبود این مشکلات در دستور کار خود قرار دهد.
برای مقابله با مسائل محیط زیستی اولین اقدام
حل "مسئله رژیم اسلامی" است. "بودن یا نبودن"
پرسش این است!

یک‌شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۲

۷ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۲۱

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

۸ ژانویه ۲۰۲۴ - ۱۸ دی ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

شکست آنها و لبخند ما!

سیامک بهاری

بیانیه پزشکان برای آزادی حمید قره‌حسنلو

محسن ابراهیمی

”انتقام سخت“، اما از کاربران اینستاگرام

سیاوش آذری

سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه

منظر دریاکناری

سه برابر شدن مبلغ جریمه‌های رانندگی

کیوان جاوید

شکست آنها و لبخند ما!

سیامک بهاری

محمود علوی، وزیر پیشین اطلاعات: ”همیشه سعی می‌کردم مثل صادق‌بوقی، لبخند روی لب مردم بنشیند.“

نخندید؛ جمله بالا افاضات رقت‌بار و مضحک یک مقام مخوف امنیتی سابق جمهوری اسلامی است. واماندگی و ورشکستگی جمهوری اسلامی را باید از زبان سران درمانده‌اش شنید. از کسی که همه عمر کارش خشکاندن لبخند بر لب مردم بوده است. تا توانسته بعنوان فرمانده سربازان غیبی امام زمان، به پای رهبرش، جوان کشته، به جامعه خون پاشیده و

مادر داغدار کرده است، قلم شکسته، آدم ربوده،
سر به نیست کرده، با نیش شلاق بر بدن‌های مثله
قهقهه زده است و حالا در سرایشی سقوط و بالا
گرفتن دعوای بی پایان مافیای حکومتی سرش
بی کلاه مانده است.

تظاهر می‌کند که می‌خواسته مردم را بخنداند.
حسرت به دل، به صادق بوقی و محبوبیتش نگاه
می‌کند. به مردمی که، پشت به دشمن دست در
دست هم، هر فرصتی را برای شادی‌های کوچکی
که از آنها ربوده شده به صحنه‌ای دلپذیر علیه
حکومت بدل می‌کنند. هنجار می‌شکنند و شکست
ناپذیرند.

وزیر اطلاعات سابق می‌داند که صادق‌بوقی به فرمان وزارت متبوع خودش دستگیر شد تا همین شادی و لبخندهای کوچک را از مردم بگیرند، اما زورشان نرسید و با سرافکندگی به ناچار رهایش کردند.

اما حقیقت حسرت او برگزیده‌اش و "فعالیت هنری‌اش" بسیار بزرگتر از ظاهر عبارات خود شیرین کن مشمئزکننده‌ای است که بیان می‌کند. سابقه ذوب شدن در ولایت بمدت ۸ سال در وزارت اطلاعات، چهار دوره نمایندگی مجلس، دو دوره عضویت در مجلس خبرگان و ده سال ریاست عقیدتی سیاسی ارتش، در کارنامه‌اش سنگینی می‌کند. جنایت حکومتی نیست که او در آن نقش اول نداشته باشد. او دارد پایان رقت‌بار جمهوری

اسلامی را در سرایشی سقوط بیان می‌کند. می‌داند که این صندلی از زیر هم کشیدن باندهای حکومتی صحنه‌های آخر است و آنقدر از اطلاعات و امنیت می‌داند که بفهمد مردم از این لاشه متعفن عبور کرده‌اند.

دعوا آنقدر حاد شده که خود او که برای رد صلاحیت شدگانِ سابق، استعلام‌ها را تأیید و یا رد می‌کرد. پایش روی پوست موز رفته است. می‌داند وقتی نوبت به امثال او برسد، دیگر پایان کار است. جمهوری اسلامی علیرغم عربده کشی و شمشیر چرخانی و رجز خوانی، شکننده‌تر از هر وقت در نبرد برای بقا به حُضیض ذلت افتاده است.

فرصت برای علوی و جنایت‌کاران نظیر او آنقدر
نیست که بی مکافاتِ خشکاندنِ لب‌خند بر لبان مردم
صحنه را ترک کنند. بی تردید لب‌خند پیروزی مردم
را در شکست محتوم خود خواهند دید!

دوشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۲

۸ ژانویه ۲۰۲۴

بیانیه پزشکان برای آزادی حمید قره‌حسنلو

محسن ابراهیمی

در چهارم حدیث نجفی از دختران جانباخته در انقلاب زن زندگی آزادی، تعداد زیادی از معترضین توسط دستگاه قضایی به اتهام شرکت در قتل یک بسیجی به نام روح‌الله عجمیان احکام سنگین گرفتند. محمد حسینی و محمد مهدی کرمی به اتهام قتل این بسیجی، بدست دژخیمان حاکم اعدام شدند. دژخیمانی که شبانه روز ”دنبال گردنی برای طناب دارشان میگردند“! حمید قره‌حسنلو پزشک ۵۳ ساله هم به اتهام شرکت در قتل همین بسیجی حکم اعدام گرفت اما بعداً در حکمی جدید به ۱۵ سال حبس محکوم شد. فرزانه قره‌حسنلو همسر او نیز که در ابتدا به ۲۵

سال زندان محکوم شده بود در دادگاه تجدیدنظر به ۵ سال حبس محکوم شده است. حمید قره‌حسنلو در یک فایل صوتی اعلام کرده است که بر اساس "قسم پزشکی" برای نجات روح‌الله عجمیان به او نزدیک شده بود و هیچ دخالتی در مرگ او نداشته است.

اخیرا هم‌زمان با سالگرد اعدام محمد مهدی کرمی و محمد حسینی، ۶۰۲ پزشک طی بیانیه‌ای مشترک اعلام کرده‌اند که "با شناخت نزدیک و طولانی که خود یا به واسطه همکاران مورد وثوق، از منش نیکوکارانه و نوع‌دوستانه دکتر قره‌حسنلو داریم، انتساب اتهام مشارکت وی در خشونت‌های منتسبه را به هیچ روی موجه نمی‌دانیم". آنها ضمن اعتراض به احکام سنگین ناعادلانه، خواهان اعاده دادرسی و

بررسی پرونده این دو زندانی در ”محکمه‌ای عاری از هرگونه شائبه طرفیت“ شده اند.

این اعتراض مشترک همکاران پزشک قره حسنلو فقط یک گوشه از عزم جامعه در مقابله با حکومت اسلامی است که در حال ریشه دواندن در جامعه است. بیاد داشته باشیم ۱۲ دی ماه هم ده تشکل فعال در بین دادخواهان، زنان، بازنشستگان، کارگران نفت، پرستاران و دیگر بخش‌های کارگری در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند ”ما امضا کنندگان این بیانیه در کنار خانواده‌های دادخواه اعدام شدگان و جانباختگان انقلاب زن زندگی آزادی بر توقف فوری اعدام‌ها تاکید داریم.“

اینها فقط دو نمونه امیدوار کننده از جنبش رو به

گسترش علیه اعدام و کلیت جمهوری اسلامی هستند که نشان می‌دهند که در مقابل بیدادگاه‌های مرگ و نیستی حکومت اسلامی با قضات شرع بیرحم، انساندوستی و عدالت طلبی و مبارزه با ستم و جنایت حکومتی موج می‌زند؛ نشان می‌دهند که در جامعه ای سراپا شور زندگی و علیه مرگ و نیستی، مبارزه برای پایان دادن به عمر حکومت اسلامی گسترده تر میشود؛ نشان می‌دهند که عزم مردم برای نجات زندگی از چنگال حکومت مرگ و نیستی همچنان جزم است.

دوشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۲

۸ ژانویه ۲۰۲۴

“انتقام سخت”، اما از کاربران اینستاگرام

سیاوش آذری

نیروهای امنیتی روز یکشنبه دستکم ۳۵ فعال فضای مجازی را به اتهام واهی “نشر اکاذیب” و توهین به کشته شدگان انفجار کرمان در استان اصفهان دستگیر کردند. همچنین حسابهای کاربری فعالان مذکور در اینستاگرام مسدود گشته و پرونده آنان به دادسرا ارسال شده است.

سرکوب، دستگیری، زندان و شکنجه فعالین اجتماعی اولین مورد “انتقام سخت” رژیم در مقابل حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به پایگاه های حکومت اسلامی در نقاط مختلف دنیا و یا عملیات

نیروهای تروریستی اسلامی رقیب رژیم از جمله داعش نیست. دستگیری های اخیر نیز به دنبال حمله انتحاری به مراسم چهارمین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی که منجر به مرگ بیش از ۱۰۰ نفر گشت و مسئولیت آن را داعش به عهده گرفت صورت پذیرفت.

این دیگر به باور همه مردم ایران تبدیل شده است که رژیم از سویی با این تعرضات قصد لاپوشانی ضعف خود در مقابله با نیروهای تروریست داعشی و نفوذ دستگاه های جاسوسی خارجی در نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی را دارد که صد البته نفس ناتوانی رژیم در جلوگیری از بروز چنین حملاتی تو خالی بودن ژست قدر قدرتی آن را بر ملا میسازد؛ جدای از اینکه جامعه ایران به درست حکومت

منحط اسلامی را مسئول اصلی وقوع چنین عملیات تروریستی می‌شمارد. از سویی دیگر حکومت اسلامی به استقبال چنین حملاتی رفته و از آن برای میلیتاریزه و تروریزه کردن فضای سیاسی جامعه و تشدید فشار و سرکوب نیروهای مخالف و فعالین جنبش‌های اجتماعی مختلف استفاده می‌نماید. اما این حربه رژیم نیز در متن شرایط انقلابی موجود نه تنها قادر به مرعوب کردن جامعه نیست بلکه دامنه نفرت و انزجار عمومی از کلیت نظام اسلامی را هر چه بیشتر گسترش می‌دهد.

تعرض رژیم به فعالین اجتماعی و همه مردم که برای آزادی و رفاه خود مبارزه می‌کنند را می‌توان در هم شکست. باید یکپارچه در مقابله این تعرضات ایستاد، از حق آزادی بی‌قید و شرط عقیده

و بیان به دفاع پرداخت و حمله رژیم به آزادیهای سیاسی و مدنی را بر ضد خود تبدیل کرد. باید با تاکید بر نقش مستقیم رژیم در شکلگیری جنبشهای ارتجاعی و تروریستی اسلامی و مسئولیت آن در وقوع حملات تروریستی در داخل کشور و منطقه نقشه رژیم در عقب راندن انقلاب را نقش بر آب کرد. دفاع از حقوق پایه ای انسانی و تحقق آزادی های مدنی و سیاسی بی قید و شرط نقش موثری در پیشبرد انقلاب جاری دارد.

دوشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۲

۸ ژانویه ۲۰۲۴

سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه

منظر دریاکناری

مجلس شورای اسلامی در جلسه امروز خود کلیات طرح تاسیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه را تصویب کرد.

از جمله اهداف تاسیس این نهاد ایجاد سرویس های اطلاعاتی هوشمند "برای مقابله با فساد"، مقابله با فعالیت های جاسوسی، خرابکاری، براندازی و شناسایی "تفوذ بیگانگان در قوه قضائیه" و همچنین همکاری با دیگر نهادهای امنیتی، پلیس بین الملل و دستگاه های اجرایی ذیربط اعلام شده بود. جهت یادآوری باید گفت وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه،

سازمان حفاظت و اطلاعات نهادهای امنیتی دیگر
جمهوری اسلامی هستند.

حالا چه شده که قرار است یک نهاد حفاظت و
اطلاعات جدید به این مجموعه نهادهای امنیتی اضافه
شود؟ می خواهند از چه چیز در مقابله با چه خطری
محافظت کنند؟ دامنه دشمنان جمهوری اسلامی
از چه ابعاد داخلی و بین المللی برخوردارند و چرا
نهادهای امنیتی موجود نمی توانند پاسخگوی نیازهای
حکومت اسلامی باشند؟

کلید در دست مردم است. همه این سازمانهای امنیتی
و اطلاعاتی با یک هدف مشترک پا گرفته و گسترش
می یابند. خطر سرنگونی جمهوری اسلامی بیخ گوش
این حکومت در کمین نشسته است. موج اعتراضات

گوناگون و متنوع اجتماعی خواب سران حکومت را عمیقاً برآشفته کرده است. نفوذی های داخل این نهادهای امنیتی روز به روز وسیع تر می شوند و در همکاری با سرویس های جاسوسی و امنیتی بین المللی لحظه ای درنگ نمی کنند. جمهوری اسلامی قدرت کنترل یک جامعه ۸۰ میلیونی را ندارد. جامعه ای که حتی دانش آموزان نوجوانش متحدانه در فکر سرنگونی این حکومت هستند. جامعه ای که نیمی از جمعیتش یعنی زنان پرچم خونین حجاب اسلامی را شدیداً به چالش کشیده و بی حجابی را به یک نرم اجتماعی تبدیل کرده اند. جامعه ای که اعتصاب و اعتراض از هر منفذش بیرون می زند. یادمان باشد این مافیاهای حکومتی در ضمن دشمنان قسم خورده و تشنه به خون همدیگر هم هستند و دارند علیه همدیگر جاسوسی می کنند. حجم عظیم لو رفتن

دزدی ها و غارت اموال عمومی مردم توسط همین
باندهای رقیب صورت می گیرد.

با این حال تقویت و ایجاد هر چه بیشتر سازمانهای
امنیتی تنها ابزار باقی مانده در دست حکومت در
مقابله با مردم است. نیروی سرکوب و زندان و
نیروهای لباس شخصی و سربازان گمنام حکومت
اسلامی تنها روزنه امید این رژیم برای عقب راندن
سرنگونی است. چنین حکومتی که در دریای خروشان
خشم مردم به محاصره در آمده است امروز یا فردا
از هم می پاشد. در این شکی نیست.

دوشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۲

۸ ژانویه ۲۰۲۴

سه برابر شدن مبلغ جریمه‌های رانندگی

کیوان جاوید

رئیس پلیس راهور نیروی انتظامی جمهوری اسلامی روز یک‌شنبه ۱۷ دی از تصمیم چهار دستگاه حکومتی برای سه‌برابر شدن مبلغ جریمه رانندگی خبر داد.

با خوابی که حکومت برای مردم دیده است کم کم باید به فکر این باشیم نیزه ای تهیه کرده یا تیرکمانی بدست بیاوریم و وارد عصر شکارورزی به شیوه نیاکان دورمان به شکار بوفالو یا گراز و ... پردازیم تا بتوانیم زنده بمانیم. شاید باید فقط حسرت آن دوران را بخوریم که به اندازه کافی می

شد از طبیعت شکار کرد و در غارها آتش روشن کرد و با پوست جانوران شکار شده پوستین درست کرد و به این ترتیب مانع انقراض نسل انسان شد.

تا یادمان نرفته اضافه کنم که قرار بود از اوایل ماه دی قیمت اینترنت در ایران دست کم ۳۰ درصد گرانتر شود. چرا که نه؟ مگر نه اینکه ایران یکی از پُر قدرت ترین اینترنت های جهان را دارد؟ اگر این مالیات ها نباشد پس دولت چگونه بودجه "تقویت بنیه دفاعی" ۱۳۴ هزار میلیارد تومانی اش را تامین کند؟

اینکه سبد خرید خانوارهای ایرانی به دلیل افزایش نرخ تورم در سالهای اخیر بسیار کوچکتر شده

و با وجود بالا رفتن قیمت خدمات، کیفیت آن‌ها نامطلوب و بدون تغییر مانده است مشکل حکومت نیست. این حکومت خرج دارد و اولویت حیاتی دیگری فکرش را مشغول کرده است. اولین اولویت پُر کردن حساب های بانکی و بجیب زدن چند صد هزار میلیارد دلار دیگر است. آقازاده ها خرج دارند. دوم اینکه پروژه هسته ای را باید به سرانجام رساند؛ اورانیوم که با دعای کمیل غنی نمی شود. سوم خرج آن نیروهای نیابتی که در یمن و سوریه و عراق و لبنان و غزه دست به ترور و آدم ربایی و کشتار می زنند را باید از یک جایی تامین کرد و این هم با نپرداختن حقوق مزدبگیران و بازنشستگان و پرستاران و ... باید تامین شود. اسلام خرج دارد و شوخی بردار نیست.

اگر به حساب حکومت بگذاریم زندگی همین است
که هست. یک مشت جلاد، مسلح به انواع سلاح
های کشتار جمعی و "آباد" کردن زندانهای ایران
و کشتن جوانان و نوجوانان و شلیک به هواپیمای
مسافربری تا آنجا که می توانند شیره جان مردم
را می مکند. جواب به این حکومت علیرغم هزینه
سنگینش در متحد شدن و مبارزه جمعی و سرنگونی
این رژیم نهفته است. کاری که بی وقفه ادامه دارد.
جواب بربریت حکومت اسلامی جامعه آزاد و برابر
و یک حکومت انسانی است.

دوشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۲

۸ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۲۲

۹ ژانویه ۲۰۲۴ - ۱۹ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

بند زنان اوین، خط مقدم زن، زندگی، آزادی!

سهیلا دالوند

جنگ حکومت اسلامی با دانش و دانش آموزان

جلیل جلیلی

چهارمین سالگرد کشتار مسافران هواپیمای پی اس ۷۵۲

بابک یزدی

دزدان اسلامی که انگشت قطع می کنند!

محسن ابراهیمی

بند زنان اوین، خط مقدم زن، زندگی، آزادی!

سهیلا دالوند

سپیده رشنو، فعال مخالف حجاب اجباری که به چهار سال زندان محکوم شده است، با انتشار یک نامه صوتی خطاب به سروناز احمدی، فعال حقوق کودکان و مترجم در حوزه‌های زنان و کارگری که دوران محکومیت ۶ ساله خود را در زندان اوین می‌گذراند، از بند زنان با عنوان “زندان در زندان” و “خط مقدم زن، زندگی، آزادی” یاد کرده است. او گفته است “حالا که بند زنان اوین را زندان در زندان کرده‌اند دیگر چیزی نمی‌تواند جلوی مذاب کلماتم را بگیرد” و “برای من خط مقدم زن، زندگی، آزادی بند زنان اوین است”.

سروناز احمدی و جمعی دیگر از زنان زندانی سیاسی در اوین، حضور مقام‌های قضایی، همان‌هایی که احکام سنگین علیه این زندانیان صادر کرده‌اند را با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر دیکتاتور و قاتل برو گمشو استقبال کردند که در نتیجه‌اش با ممنوعیت‌هایی از جمله ممنوعیت تماس تلفنی و ملاقات روبرو شدند. سروناز احمدی علاوه بر ممنوعیت تماس تلفنی و حق ملاقات، با ممنوعیت ترجمه و عدم دریافت کتاب هم مواجه شده است!

سپیده رشنو، سروناز احمدی، سپیده قلیان، گل‌رخ ایرایی، نرگس محمدی، سها مرتضایی، الهه محمدی، نیلوفر حامدی، انیسا اسداللهی، بهاره هدایت و ده‌ها زن زندانی دیگر حتی در زندان‌ها هم در خط مقدم جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی،

علیه حکومت اسلامی با جسارت مبارزه می کنند.

وقتی رؤیا حشمتی که به دلیل تن ندادن به حجاب اجباری حکم شلاق گرفته بود، هنگام شلاق خوردن زیر لب سرود "به نام زن زندگی دریده شد لباس بردگی، شب سیاه ما سحر شود، تمام تازیانه‌ها تبر شود" را خواند، عملاً نه تنها دستگاه قضایی بلکه کلیت حکومت اسلامی که اساسش بر تبعیض جنسیتی بنا شده است را به سخره گرفت و درماندگی و استیصال آنها در مقابل زنان را به نمایش گذاشت.

نامه صمیمانه سپیده رشنو، جلوه‌ای زیبا از همبستگی زنان مبارز است که صف مبارزه علیه رژیم زن‌ستیز و قوانین ارتجاعی‌اش را محکم‌تر، استوارتر و پویاتر می کند. صفی که حتی علی‌رغم

زندان و شکنجه و شلاق هم دست از مبارزه
نمی‌کشد.

مبارزه زنان در طول حاکمیت اسلامی ثابت کرده
است که این حکومت با تمام قوانین ارتجاعی‌اش
علیه زنان و با تمام دستگاه عریض و طویل سرکوبش
در مقابل زنان شکست خورده است. این مبارزه تا
نابودی کامل این حکومت ادامه خواهد داشت.

سه‌شنبه ۱۹ دی ۱۴۰۲

۹ ژانویه ۲۰۲۴

جنگ حکومت اسلامی با دانش و دانش آموزان

جلیل جلیلی

درحالی که حکومت اسلامی، تا کنون، ۲۸ هزار طلبه و روحانی با عنوان "معلم پرورشی"، "آموزگار ابتدائی" و "طلبه‌های سرباز" به مدارس اعزام کرده است، رضا مراد صحرایی، وزیر آموزش و پرورش دولت ابراهیم رئیسی، از استقرار یک روحانی در هر مدرسه، اجرای "طرح محراب"، برگزاری ۶۴ هزار نماز جماعت و طرح ساخت ۹ هزار مسجد در مدارس یادکرد و گفت: "هم‌اکنون هفت هزار و ۲۸۰ نمازخانه در سطح مدارس و مراکز آموزشی در حال ساخت است." او همچنین اعلام کرد که نماز مهم‌ترین رکن در آموزش و پرورش است و

هدف حکومت آموزش ۲۰ هزار اذان گو در مدارس کشور است.

این در حالی است که همین امروز در این مملکت ۱۰۰ هزار کلاس درس بدون معلم، حدود ۴۵۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل، ۷ میلیون و ۴۰۰ هزار بی سواد مطلق وجود دارد و دست کم سه میلیون دانش آموز در مدارس فرسوده و پرخطر تحصیل می کنند؛ هفت هزار مدرسه، یعنی بالغ بر ۱۱ درصد مدارس، فاقد آب لوله کشی شهری و روستایی اند، بیش از پنج هزار مدرسه سرویس بهداشتی (توالت) ندارند و در طول پنج ماه از آغاز به کار همین وزیر آموزش و پرورش، بین ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر از معلمان و مدیران مدارس به دلایل عقیدتی و سیاسی اخراج، تعلیق و برکنار شده اند.

واضح است که شرکت گسترده دانش‌آموزان در خیزش انقلابی زن زندگی آزادی که بر رؤیاهای حکومت اسلامی خط بطلان کشید، مقامات جمهوری اسلامی را به وحشت و چاره‌جویی انداخته است. ولی نه اعزام طلبه به مدارس خواهد توانست دانش‌آموزان را به "اذان گو" تبدیل کند، نه طرح ساخت مسجد و نمازخانه، نه "طرح مدرسه، مسجد و خانواده"، نه تغییر محتوای کتاب‌های درسی، و نه حتی موج مسموم‌سازی دانش‌آموزان و حضور قلدرمنشانه فرماندهان سپاه پاسداران در مدارس. این دست‌وپازدن‌ها و اقدامات این‌چنینی، همانطور که تاکنون بوده، دانش‌آموزان را باز هم جری‌تر علیه سیاست‌های ضد علمی این حکومت به شورش‌های گسترده‌تر برخواند انگیزت. امروز نه محتوای کتاب‌های درسی حکومتی که تبلیغ و ترویج خرافات، کودک‌همسری، کار

زودهنگام، خشونت‌طلبی، حجاب و قهرمان‌سازی
از وابستگان حکومت، نابودی اسرائیل، دشمنی با
غرب و فرهنگ مدرن غربی محتوای غالب در آنها
است، بلکه اینترنت و مدیای اجتماعی است که بر
ذهن دانش‌آموزان بیشترین تأثیر را دارد که آنها
را به دنیای امروز وصل می‌کند و به شکل‌گیری
ارزش‌های رفتاری پیشرو در آنها کمک می‌نماید.
حکومت اسلامی از هر نظر وصله ناجوری بر تن
جامعه ایران است و باید برود.

سه‌شنبه ۱۹ دی ۱۴۰۲

۹ ژانویه ۲۰۲۴

چهارمین سالگرد کشتار مسافران

هواپیمای پی اس ۷۵۲

بابک یزدی

۴ سال از کشتار مسافران هواپیمای پی اس ۷۵۲ توسط سپاه پاسداران اسلامی گذشت. خانواده‌ها و دادخواهان این جنایت همچنان با عزمی راسخ برای محاکمه آمرین و عاملین این جنایت مبارزه می‌کنند.

امسال در ایران، علی‌رغم محدودیت‌های امنیتی شدید، خانواده‌ها سالگرد عزیزانشان را با الهام از و در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی اکثراً بدون حجاب برگزار کردند. مادر حامد اسماعیلیون بدون حجاب سخنرانی کرد و اعلام کرد: "ما برای سفر به کانادا و رفتن نزد پسرمان به کسی التماس نخواهیم

کرد. کسی را که چیزی برای ازدست‌دادن ندارد از مرگ و شکنجه و ممنوعیت نترسانید. شما هستید که باید از ما بترسید. من تا آخرین نفس در کنار پسر، همسر و در کنار خانواده‌های بزرگ پرواز پی اس ۷۵۲، برای احقاق حق و برای رسیدن به عدالت خواهیم جنگید. ماقاتلین و آمرین این جنایت را نه فراموش می‌کنیم و نه می‌بخشیم.“ حاضرین هم هم‌صدا شعار دادند: ”نه فراموش می‌کنیم و نه می‌بخشیم.“

در خارج کشور هم خانواده‌ها همراه با دیگر دادخواهان و معترضین مراسم گرامیداشت برگزار کردند. در تورنتو روز ۷ ژانویه خانواده‌ها همراه با جمعیت زیادی در میدان مل لسمن با شمع افروزی و خواندن سرود و سخنرانی یاد عزیزان جان‌باخته را گرامی داشتند. علی‌احساسی نماینده پارلمان و مسئول حقوق بشر پارلمان کانادا، آتنا دائمی زندانی

سیاسی سابق و فعال حقوق بشر و حامد اسماعیلیون در این برنامه سخنرانی کردند. آتنا دائمی گفت که در زندان، بازجوها و زندانبانها ادعا می‌کردند که کار آمریکا است و من گفتم ”دروغ می‌گویید، مانند دروغ‌هایی که پیش‌ازاین گفته‌اید“. حامد اسماعیلیون در صحبتش بر اهمیت و ضرورت ادامه دادخواهی تأکید کرده و اعلام کرد ما ”نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم“ که حاضرین با این شعار همراهی کردند. در جریان برنامه مردم شعارهای مختلف دادند از جمله: ”جمهوری اسلامی نابود باید گردد“، ”مرگ بر خامنه‌ای“ و ”زندانی سیاسی آزاد باید گردد“.

روز ۸ ژانویه هم برنامه سراسری خانواده‌ها در آمفی‌تئاتر ریچموند هیل برگزار شد که به‌صورت زنده پخش شد. در این برنامه، نخست‌وزیر کانادا، چندین وزیر و شهردار ریچموند هیل در سخنرانی‌شان

جنایت سپاه را محکوم و جمهوری اسلامی را مسئول
اعلام کردند. نخست‌وزیر کانادا قول داد از هیچ
تلاشی برای قراردادن سپاه در لیست تروریستی
دریغ نخواهد کرد.

جنبش دادخواهی بخش مهمی از جنبش سرنگونی
است و تا سرنگونی حکومت اسلامی ادامه خواهد
داشت.

سه‌شنبه ۱۹ دی ۱۴۰۲

۹ ژانویه ۲۰۲۴

دزدان اسلامی که انگشت قطع می کنند!

محسن ابراهیمی

خبر غم انگیز، جان گداز و نفرت انگیز جنایتی دیگر توسط حکومت اسلامی را حتماً شنیده اید: حکم قطع انگشتان دو فرد متهم به سرقت در شهر قم اجرا شد. رئیس دادگستری قم گفت که قوه قضاییه به "اجرای مجازات مرتکبان اهتمام ویژه‌ای دارد" و قطع انگشتان آنها "به دستور رئیس قوه قضاییه و با هدف برخورد با جرم سرقت" اجرا شده است!

بر مبنای گزارش سازمان ملل متحد، در فاصله زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۹، قریب ۲۳۷ نفر در ایران به قطع انگشت محکوم شده‌اند که نزدیک نیمی از این احکام اجرا شده‌اند!

هادی رستمی، یکی از زندانیان محکوم به قطع عضو، در نامه‌ای به رئیس دادگستری ارومیه نوشته بود که به دلیل ”فقر، نیاز شدید و بیماری فرزند“ دست به سرقت زده است و افشا کرده بود که ”تحت اجبار“ و ”زیر شکنجه“ به مواردی از سرقت اعتراف کرده که در آن‌ها دست نداشته است.

همین چند جمله، راز خون آلود پشت این احکام شنیع الهی را برملا می‌کند: صادرکنندگان این احکام، دزدان اسلامی حاکم هستند؛ آیت‌الله‌های میلیاردی هستند؛ ”برادران“ قاچاقچی هستند؛ اختلاسگران نجومی هستند؛ سلاطین سکه و آهن و شکر و چای و نفت و آهن هستند؛ زمین‌خواران، جنگل‌خواران، دشت‌خواران، کوه‌خواران، دریاخواران، ”ویرانگران انسانیت“ و آدم‌خواران اسلامی هستند.

دزدان حاکم، انگشتان دست نان‌آوران فقرزده را قطع می‌کنند تا امنیت برای دزدی و غارت و چپاول‌های نجومی‌شان برقرار کنند. انگشت قطع می‌کنند تا همین انسان‌ها نتوانند چنگال‌های خونینشان را در هم بشکنند.

آیت‌الله قاتل که الان رئیس‌جمهور سارقان اسلامی است، وقتی رئیس قوه قضاییه بود گفته بود که ”قطع دست سارقان بر اساس حدود الهی بوده و این حدود الهی از افتخارات بزرگ ما است.“ حتماً فریاد خشمگین بازنشستگان در گوش‌های این دلقک دستاربند طنین‌انداز است وقتی فریاد زدند ”بی‌شرف دروغگو حاصل وعده‌هاست کو“؛ وقتی فریاد زدند ”مرگ بر این دولت مردم‌فریب“ و بالاخره وقتی با فریاد ”مرگ بر رئیسی“ از عمق دل محرومینی سخن گفتند که امروز قطع انگشتانشان

برای این جانی افتخار است!

دزدان اسلامی که هنوز از کابوس انقلاب زن
زندگی آزادی، انقلابی که ساده ترین اقدامش زیر
پا انداختن عمامه هایشان بود خواب راحت ندارند،
باید بدانند که در یکی از امواج انقلاب مردم،
عمارت فساد و جنایت و دزدی شان را همراه با
حدود الهی و شریعت و اسلامشان که به خون و
لجن آغشته است ویران خواهیم نمود و تک تکشان
را محاکمه خواهیم کرد!

سه شنبه ۱۹ دی ۱۴۰۲

۹ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۲۳

سرمدیر این شماره: سوسن صابری

۱۰ ژانویه ۲۰۲۴ - ۲۰ دی ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

کارزار جهانی علیه اعدام‌ها در ایران

کاظم نیکخواه

درد جمهوری اسلامی یکی دو تا نیست!

یاشار سهندی

زنده‌باد زندگی

شهاب بهرامی

برابری جنسیتی، نابودی رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

فراخوان در حمایت از «هفته جهانی کارزار علیه اعدام»

حزب کمونیست کارگری ایران

کارزار جهانی علیه اعدام‌ها در ایران

کاظم نیکخواه

کارزار جهانی علیه اعدام‌ها در ایران، یک کارزار گسترده و مهم است که از روز ۲۳ دی‌ماه شروع می‌شود و به مدت یک هفته ادامه دارد. در بخشی از بیانیه این کارزار که با شعار “زن زندگی آزادی” شروع شده، چنین آمده است. “ما امضاکنندگان این فراخوان تصمیم گرفته‌ایم که از روز ۱۳ ژانویه تا ۲۰ ژانویه ۲۰۲۴ به مدت یک هفته در نقاط مختلف جهان اعتراضات و همچنین برنامه‌های مختلفی را اعم از تظاهرات و نمایش خیابانی تا ملاقات با دولت‌ها و احزاب و سازمان‌های بین‌المللی جهت اعمال فشار بر جمهوری اسلامی تا تماس با

اتحادیه‌ها و سازمان‌های مترقی و ابتکاراتی برای جلب افکار عمومی به اعتراضات مردم ایران علیه اعدام‌ها و دستگاه آدم‌کشی جمهوری اسلامی برگزار کنیم... ما خواهان لغو فوری و بی‌قیدوشرط همه احکام اعدام و آزادی کلیه زندانیان سیاسی - عقیدتی و همه معترضین دستگیر شده هستیم.

حکومت اسلامی حکومتی منزوی و بی‌پایه در جامعه است. همه مردم از این حکومت منزجرند. اتکای حیات این حکومت به اعدام و زندان و نیروهای منفور پاسدار و بسیج و جاسوس و شکنجه‌گر است. چنین حکومت‌هایی می‌دانند که رفتنی هستند و برای چند صباح سر پا ماندن حتی از گرفتن جان عزیزان‌ها ابایی ندارند. اما تاریخ نشان داده است که هیچ حکومتی نمی‌تواند

در درازمدت بر دریای خشم مردم و به‌ویژه با اقتصادی ورشکسته و ایدئولوژی ای کپک‌زده و خارج از زمان به حیات خود ادامه دهد.

در مقابل این حکومت باید جنبش و گفتمان ضد اعدام را در همه‌جا گسترش داد. باید نشان داد که اعدام ابزاری ضدانسانی در خدمت مفت‌خوران حاکم است. حتی آنها که جرم‌های سنگین کرده‌اند را نباید اعدام کرد. چرا که گرفتن جان انسان‌ها به هر بهانه‌ای، ارزش جان انسان را در جامعه پایین می‌آورد و همان‌گونه که شاهدیم به جنایت کاران بهانه می‌دهد که معترضین و مخالفین را به بهانه‌های مختلف به بالای دار بکشند. اعدام بدترین ابزار ناامنی و تعرض به جامعه به بهانه‌های مختلف است. از جان و زندگی همه انسان‌ها باید

قاطعانه دفاع کرد و به نیروهای آدمکش با یک جنبش و کارزار گسترده مهار زد. در کشورهایی که مجازات اعدام تماماً برچیده شده میزان جرم و جنایت بسیار کمتر از کشورهای دارای قانون اعدام است. به کارزار علیه اعدام بپیوندید و به هر شکل ممکن به گفتمان ضد اعدام در همه جا دامن بزنید.

چهارشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۲

۱۰ ژانویه ۲۰۲۴

درد جمهوری اسلامی یکی دو تا نیست!

یاشار سهندی

در پی حادثه تروریستی کرمان، تبیهکاری از تبیهکاران حاکم می گوید: "۱۶ بمب دیگر در همان روز در کرمان خنثی شده است". سپاه تکذیب می کند. دیگری از وجود ۶۵ بمب در سراسر کشور خبر می دهد. فلان نماینده مجلس می گوید نمی شود مراسم قاسم سلیمانی را به خاطر وجود بمب لغو کرد، این یعنی لغو خود جمهوری اسلامی! می خواهند با انتشار خبر "وجود وسیع بمب های قوی" در دل مردم هراس بیفکنند؛ اما همه چیز بر علیه خود حکومت بر می گردد و این خودشان اند که به هراس افتاده اند. فشار به حکومت چنان بالا گرفته که همگی به هذیان گویی افتاده اند.

درحالی که همگی دم گرفتند که کار، کار اسرائیل است و تهدید کردند که هر کس هم بگوید کار اسرائیل نیست برایش پرونده سازی می کنند، ستاد نیروی های مسلح حکومت اعلام می کند کار اسرائیل نیست، کار داعش بوده! مردم؛ اما باور دارند: ” کار خودشان است!“

از نوه خمینی تا فلان امام جمعه و هر پلشت دیگری که در این حکومت به تربیونی دسترسی دارد مدعی می شوند که کشتار به وسیله بمب موجب تحکیم نظام شده است و ”دشمنان بدانند که این ترورها اثری در حرکت ملت ما نخواهد داشت؛ بلکه آن را تسریع خواهد کرد!“ . حال چه حرکتی و کدام ”ملت“ بماند.

زنی را به خاطر نداشتن حجاب شلاق می زنند.

اما بعد از مطلع شدن همگان از اجرای حکم و اینکه آن زن شجاع اصرار داشته که حجاب را حتی زیر شلاق رعایت نکند و زیر ضربات تازیانه سرود زن زندگی آزادی را خوانده و باوجود آنکه قانون رسمی دارند که می‌توانند و باید زنانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند شلاق زد و به زندان انداخت و جریمه کرد، می‌گویند: به‌خاطر حجاب ما کسی را شلاق نزدیم و ایشان به‌خاطر چیز دیگری شلاق کش شده است!

مهدی چمران عضو یکی از نهادهای مافیایی حکومت، در آخرین اظهارنظر خود می‌گوید: درد اینجاست که دیگر مردم از پا گذاشتن روی پرچم امریکا و اسرائیل خودداری می‌کنند. این حرکت یعنی تف‌آبدار بر صورت جمهوری اسلامی. چمران از "دستگاه قضایی" می‌خواهد مردم را از "خواب

غفلت بیدار کند!

اینها تنها بخش کوچکی از اخبار این روزها است؛ علاوه بر اینها می‌توان به اعتراضات وسیع و اعتصاب بازنشستگان و کارگران و به اعتراض علیه اعدام و جنبش قوی دادخواهی اشاره داشت. همه اینها بیانگر این است که انقلاب زن زندگی آزادی به پیش می‌رود و توده مردم به درست تشخیص داده‌اند که دشمنشان همین جاست و جوابش را باید در کف خیابان بگیرد.

چهارشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۲

۱۰ ژانویه ۲۰۲۴

زنده‌باد زندگی

شهاب بهرامی

روز سه‌شنبه ۱۹ دی‌ماه، مهدی یراحی خواننده محبوب پاپ از طرف دادگاه انقلاب، به دو سال و هشت ماه حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. وی در ابتدای ویدئو کلیپ “روسریتو”، اثری که محبوبیت زیادی کسب کرد نوشته بود: “تقدیم به زنان آزاده سرزمینم که در خط اول جنبش زن، زندگی، آزادی، دلیرانه می‌جنگند.” ترانه “قفس بس” و سرود “زن، زندگی، آزادی” نیز که در پشتیبانی از اعتراضات مردم ایران در انقلاب جاری نوشته بود از دیگر اثرهای خوب و ماندگار یراحی هستند.

مگر اجرای حکم هفتاد ضربه شلاق توانست ”رؤیا حشمتی“ را ساکت کند و به تسلیم وادارد؟ مگر شکنجه‌های قرون وسطایی، ضربات خونین شلاق و زندان‌های مخوف این جانیان اسلامی توانست فرزاد کمانگرها، زینب جلالی‌ها، نوید افکاری‌ها و صدها و هزاران مبارز دلیر دیگر را به سکوت و تسلیم وادارد؟ مگر توماج و توماج‌ها را توانستند ساکت کنند؟

حکم زندان و شلاق و شکنجه و اعدام قرار است رژیم را چند صباحی از کابوس مرگش رها کند، قرار است صدای مبارزین کف خیابان را، اعتراضات سراسری کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و دانش‌آموزان، ورزشکاران و هنرمندان و در یک کلام

صدای کل جامعه را خاموش کند. خودشان می‌دانند
عبث است، خودشان می‌دانند یاوه می‌گویند و گهگاه
لب به اعتراف هم می‌کشایند.

اما جامعه ساکت نشده است، مرعوب نگشته است،
تسلیم نشده است، تمکین نکرده است برعکس، در
مقابل تمام این سرکوبگری‌ها با سری برافراشته،
استوار ایستاده تا قدم‌های بعدی‌اش را با گام‌های
بلندتری بردارد. تا همین جا حجاب، این سنگر مقدم
ارتجاع و توحش اسلامی را لگدمال کرده و برای
تسخیر سنگرهای بعدی خیز برمی‌دارد. مردم ایران
قطعاً جواب این احکام پلید زندان و شلاق را نیز
به بهترین وجه خواهند داد و این هنرمندان مبارز
و بقیه زندانیان سیاسی را تنها نخواهند گذاشت،

این جنبش عظیم انسانی در طغیان بعدی‌اش، هستی
را از تعفن این جانوران میکروبی و باکتری‌های
خونخوار، ضد عفونی و پاک خواهد کرد. روزهای
دیدنی و فراموش‌نشدنی پیش رو داریم، روزهای
”جشن زندگی“ آن روزها را در افق این انقلاب
می‌بینیم. زنده‌باد زندگی

چهارشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۲

۱۰ ژانویه ۲۰۲۴

برابری جنسیتی، نابودی رژیم اسلامی

عطیه نیک نفس

انسیه خزعلی معاون رئیس جمهور رژیم اسلامی در امور زنان و خانواده با اشاره به اینکه شاخص‌های عدالت جنسیتی را تعیین کرده‌اند، گفته: "باتک‌تک سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها جلسه برگزار کرده‌ایم... و هر شش ماه از دستگاه‌ها گزارش وضعیت اقدامات عدالت جنسیتی را می‌گیریم. وی همچنین اضافه کرده "برابری جنسیتی ظلم به زن است."

این دوگانه‌گویی و فریب و دروغ احترام به زن و حقوق زن را همیشه در گفتار و رفتارشان

داشته‌اند. برای فریب زنان بهشتشان را وعده داده و زیر پای مادران می‌گذارند. همان مادرانی که به‌خاطر نداشتن حجاب شلاق می‌خورند. همان مادرانی که اعدام شده‌اند. همان مادرانی که به دلیل مخالفت و مبارزه‌شان با رژیم و یا دادخواهی فرزندان‌شان سال‌هاست در زندان‌اند و امروزه تحت فشار مبارزات برابری طلبانه زنان، مسئول امور زنان‌شان مجبور به ظاهرسازی و دم‌زدن از ”عدالت جنسیتی“ شده است. مزدوران رژیم اسلامی از ظلم به زنان حرف می‌زنند درحالی‌که همین چند روز پیش در روز تولد فاطمه که خود نمونه‌ای از زن مورد سرکوب اسلام است، رؤیا حشمتی را به دلیل بی‌حجابی شلاق زدند. این است تمام همان ”عدالت جنسیتی“ و حقوق زنی که اسلام و رژیم اسلامی از آن دم می‌زنند و حالا انسیه خزعلی از

ضرر و زیان برابری جنسیتی برای زنان می‌گوید!
برابری جنسیتی مفهومی است که نه تنها اسلام
و رژیم‌های اسلامی هرگز آن را به رسمیت
نشناخته‌اند؛ بلکه به درستی می‌دانند روزی که
زنان به حقوق انسانی‌شان دست پیدا کنند، حتماً
روز مرگ رژیم اسلامیست. روز از قدرت افتادن
مذهب در جامعه‌ای سکولار است. برابری جنسیتی
خواست تمام زنان آزادی خواه است، زنانی که
۴۵ سال است جسورانه با قوانین سرکوبگرانه
رژیم اسلامی جنگیده‌اند و توانسته‌اند صدای "زن،
زندگی، آزادی" این انقلاب پیشرو و مترقی را به
گوش دنیا برسانند.

در جامعه‌ای که زن در آن بی حقوق است، هیچ
انسانی حقوق انسانی ندارد و نمی‌تواند در آرامش

زندگی کند. برابری جنسیتی که از حقوق اولیه و از دستاوردهای مدرنیسم است هرگز با وجود اسلام و رژیم اسلامی در قدرت که می‌خواهند زنان را با سرکوب و شکنجه‌های قرون وسطایی از جامعه حذف کنند، قابل تصور نیست. برای داشتن جامعه‌ای که در آن برابری جنسیتی وجود داشته باشد و انسان‌ها با داشتن حقوق برابر دنیایی بهتر را بسازند؛ باید مبارزه متشکل با رژیم ضدزن اسلامی را تا نابودی آن ادامه دهیم.

چهارشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۲

۱۰ ژانویه ۲۰۲۴

فراخوان حزب کمونیست کارگری

در حمایت از

«هفته جهانی کارزار علیه اعدام»

حزب کمونیست کارگری ایران

جمهوری اسلامی برای ایجاد ارباب و در هم شکستن عزم و اراده مردم به جان آمده اعدام‌ها را گسترش داده است. باید با تمام قوا سد محکمی در مقابل آن ایجاد کنیم و این حکومت وحشی را در این سنگر نیز عقب برانیم.

ما از «هفته جهانی کارزار علیه اعدام ۱۳ تا ۲۰ ژانویه - ۲۳ تا ۳۰ دی‌ماه» که توسط نهادها و

فعالین جنبش علیه اعدام اعلام شده قاطعانه حمایت می‌کنیم و از کلیه احزاب، سازمان‌ها و فعالین مبارز و مخالف رژیم در داخل و خارج کشور می‌خواهیم که با پیوستن به این کارزار هر چه بیشتر آن را تقویت کنند.

ما مردم کردستان و سراسر کشور، خانواده‌های دادخواه، کارگران و معلمان و کلیه تشکلهای دانشجویان، جوانان، زنان و همه فعالین سیاسی و اجتماعی را فرامی‌خوانیم برای نجات عزیزانی که اکنون در زندان و زیر شکنجه و با اعترافات اجباری، به اعدام محکوم شده‌اند، به این کارزار بپیوندند. عزیزان ما که بی‌رحمانه به اعدام محکوم شده‌اند برای هدف انسانی و عادلانه همه ما دست به اعتراض زده بودند و اکنون وظیفه ما است که

با تمام قوا به یاری آنان برخیزیم.
می‌توانیم جنبش قدرتمندی علیه احکام اعدام و
علیه مجازات اعدام شکل بدهیم و جنبش علیه
اعدام، این سنگر مهم انقلابمان را هر چه بیشتر
مستحکم کنیم. لغو مجازات اعدام و لغو همه احکام
ظالمانه و جنایت‌کارانه اعدام یک خواست مهم
انقلاب زن زندگی آزادی است. با پیوستن به هفته
جهانی کارزار علیه اعدام، جنبش علیه اعدام را هر
چه بیشتر گسترش کنیم.

چهارشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۲

۱۰ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۲۴

سردبیر این شماره: آذر پویا

۱۱ ژانویه ۲۰۲۴ - ۲۱ دی ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

بحران مشروعیت و کابوس انتخابات!

سیامک بهاری

بحران محیط زیست و اعتراضات عمومی

سینا پدرام

زندگی انسانی حق مسلم ماست

سیما بهاری

اوج ذلت یک دیکتاتور پیش از سرنگونی

کیوان جاوید

بحران مشروعیت و کابوس انتخابات!

سیامک بهاری

دوازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در یازدهم اسفندماه، بی رمق‌تر و سردتر از هر زمان، مثل کابوسی بر سر جمهوری اسلامی خراب شده است. از آنجا که جنس سیاسی حکومت اسلامی در اساس انتخابات بردار نیست و با حق انتخاب در تضاد است، هر نمایش انتخاباتی شکاف و دودستگی در حکومت را به مضحکه و مصیبتی جدید بدل می‌کند. جراحی جناحی و قلع و قمع نافرمان‌ها و ناراضی‌های اندرونی حاکمیت دردسر تازه‌ای می‌شود.

مهندسی صندوق رأی گرفتاری دائمی حکومت

با مردمی است که پشت به حکومت در صدد سرنگونی‌اش هستند. ریزش مداوم خودی‌ها و خالص سازی‌های ناگزیر و بی‌پایانش را قادر نیست از چشم تیزبین جامعه پنهان کند. دایره‌ای که مدام تنگتر می‌شود و دارد گلوی نظام را می‌فشارد، این بار زیر فشار اعتراضات و مبارزات گسترده جامعه، آنچنان تنگ‌تر شده که خودی‌ها را هم شگفت‌زده کرده است.

بر بستر تعادل قوای مردم و حکومت، هرآنچه که حاکمیت برای نمایش مشروعیت در داخل و خارج در ویتترین سیاسی‌اش می‌چیند به ضد خودش تبدیل می‌شود. طوفان خیزش انقلابی بساط مشروعیت ظاهری حکومت را در هم پیچید. "ویرانگران

انسانیت“ طوق لعنتی بود که جهان برای ابد، به
گردن جمهوری اسلامی آویخت!

آنچه حکومت ناچار است بعنوان آرایش سیاسی
جدید در دستور کارش بگذارد، ادامه یکدست
سازی سه قوه در حیطه و تنظیمات شخص خامنه‌ای
است. مانند دو انتخابات مجلس در سال ۹۸ تا
از صندوق درآوردن رئیسی در ۱۴۰۰ با حذف
رقبای خودی. امنیتی‌های بیت مانند مهدی طائب،
فرمانده قرارگاه عمار، برادر حسین طائب رئیس
سابق اطلاعات سپاه، بی پرده می‌گوید: ”امروز به
مرحله خالص سازی از انقلاب رسیده‌ایم و قطعاً
پیروز خواهیم شد.“

در انتخابات پیشین ادعا کردند با ۴۲ درصد آرا
همین مجلس را چیده‌اند. اما پس از طوفان خیزش
انقلابی و بهم خوردن تعادل حکومت و بالا آوردن
رازهای مگو، تا بحال از همین مجلس مهندسی شده
۲۶ نفر رد صلاحیت شده‌اند که ۴۰ درصد آنان
اهل سنت هستند. در همین مجلس دامنه رقابت
به قالیباف و جبهه پایداری رسیده است. آنچنان
مضحک‌های برپاست که خامنه‌ای عاجزانه به مردمی
که از او و جمهوری اسلامی عبور کرده‌اند و دعوای
حکومتی را به پیشیزی نمی‌گیرند، از سر استیصال
فتوا بدهد که شرکت در انتخابات واجب شرعی،
جهاد عمومی و امتحان الهی و آبروی نظام اسلامی
است.

اقتدار فروریخته نظام و عزم مردم برای به زیر کشیدن آن بیش از هر وقت دیگر بساط انتخابات مجلس را به مضحکہ دعوی درونی حکومت بدل کرده است!

پنجشنبه ۲۱ دی ۱۴۰۲

۱۱ ژانویه ۲۰۲۴

بحران محیط زیست و اعتراضات عمومی

سینا پدرام

به گزارش خیر گزاریه‌های مختلف وضعیت شاخص‌های محیط زیست در ایران به مراتب وخیم تر از سالهای گذشته است.

در یک سال گذشته، ساکنین شهرهای مختلف ایران با مشکلات مختلف محیط زیستی، از جمله آلودگی هوا، ریزگردها، خشک شدن دریاچه ارومیه و احتمال استفاده از پسمانده‌های نفتی برای مقابله با پخش نمک در استانهای اطراف این دریاچه، “خشک شدن” تالابهای مختلف از جنوب تا شمال ایران و هزاران پدیده نامطلوب اکولوژیک دست به گریبان شده

اند.

ما در نوشته های قبلی به این موضوع اشاراتی داشته ایم و بویژه سعی کردیم نشان دهیم رژیم اسلامی هیچ علاقه ای برای بهبود سلامت محیط زیست برای انسانها و حیوانات در ایران نداشته و نخواهد داشت. دزدسالاری، رانت خواری، چپاول ثروت های طبیعی به عنوان یک منبع درآمد هنگفت برای میلیاردرهای اسلامی هیچ راهی برای بهبود و سلامت محیط زیست باز نگذاشته است. به این اعتبار، بحران اکولوژیک در ایران با بحران حکومتی گره خورده است.

بارها در حوزه های مختلف می شنویم که رژیم اسلامی همه ابعاد زندگی اجتماعی ایران را "سیاسی" کرده است. به عبارت دیگر هر جنبه شخصی و اجتماعی

در ایران به موضوعی امنیتی و حکومتی تبدیل شده است و مشکلات اکولوژیک نیز مستثنی نیستند.

آنچه در این بر داشت غایب به نظر میرسد، نقش مردم در "سیاسی" شدن تمامی این جنبه ها است. نقش فعال مردم ایران و اعتراض آنان به مشکلات پدیدار شده در این عرصه هاست که موضوع راهمواره برای رژیم "امنیتی" و ضدحکومتی کرده است.

با حاد شدن مشکلات اقلیمی از جمله آلودگی هوا، افت شاخص سلامت محیط زیست، مسئله بحرانی آب تمیز شرب و کمبود آن در بسیاری از مناطق حتی شهری، سوزاندن مازوت برای تامین الکتریسیته و به تبع آن بالا رفتن بیماریهای ریوی، پوستی و سرطانی و لیست بالایی از مشکلات دیگر، پای اعتراضات

مردمی را در ورود به این عرصه گشوده و آنرا به
معضل سیاسی تبدیل کرده است .

در خاتمه باید گفت که سازمانیابی مردم در گروها
و نهادهای مختلف ”محیط زیستی“ بهترین شیوه
برای مقابله با سیاستهای تخریبی رژیم چه در سطح
محلی و چه در سطح کشوری است. در نوشته های
بعدی سعی خواهیم کرد تا بعد اقتصادی و اجتماعی
بحران اکولوژیک در ایران را بررسی کنیم و به
امکان پذیری بهبود سلامت زیستی بعد از سقوط
رژیم اسلامی بپردازیم.

پنجشنبه ۲۱ دی ۱۴۰۲

۱۱ ژانویه ۲۰۲۴

زندگی انسانی حق مسلم ماست

سیما بهاری

”خودکشی سریالی کادر درمان در ایران به نگرانی در باره امنیت شغلی و سلامت روانی این قشر از جامعه دامن زده است.“

کیهان لندن از مرگ ماهانه ۱۸۰ کارگر در محیطهای کار در ایران خبر میدهد. در دوران پاندمی کرونا خبرهای تلخی از خودکشی دانش آموزان به خاطر عدم امکان شرکت در کلاسهای آنلاین پخش شد. گوشه و کنار خبرهایی میشنویم که کارگری به خاطر فقر، پرستاری به خاطر فشار کار، دانش آموزی برای بی افقی در زندگی و یا زنی به خاطر فشارهای هر

روزه برای زن بودنش دست به خودکشی میزند. و حالا خبر تکان دهنده "خودکشی سریالی کادر درمان".

جمهوری اسلامی حکومت مرگ است. برای جان کسی ارزش قائل نیست. همین چند روز پیش بود که در مراسم "قاسم سلیمانی" این مهره تروریست حکومتی، دهها نفر و از جمله ۲۴ کودک کشته شدند در حالیکه میشد جلو این فاجعه را گرفت.

کادر درمان آن بخشی از مردم هستند که در روزهای بحرانی پاندمی جانشان را در دستشان گرفتند و با از خود گذشتگی فوق العاده حماسه نجات مردم را رقم زدند. بسیاری از آنها قهرمانانه جان با ارزششان را از دست دادند. مسئولان اما شانه بالا انداختند و توصیه کردند که مردم به دعا و امامزاده توسل کنند. به

خاطر جلوگیری از ورود واکسن دسته دسته مردم را کشتند و خودشان برای تزریق واکسن آنهم از نوع خارجی آن از یکدیگر سبقت گرفتند.

کادر درمان مثل سایر بخشهای خدماتی همیشه تحت فشار کار سنگین، با درجهٔ استرس بالا و حقوق نا کافی بوده است. خودکشی کادر درمان ننگ دیگری به سایر جنایات رژیم افزوده است.

انقلاب زن زندگی آزادی تلاش برای زندگی کردن و با حرمت زیستن را برایمان ملموس کرده است. همهٔ بخشهای جامعه دارند فریاد میزنند که به بدبختی تن نمیدهیم. حقمان زندگی انسانی است.

کادر درمان و همهٔ انسانهای شریفی که بار جامعه

را به دوش میکشند، همه ما یادمان باشد که هستیم.
ویادمان باشد حکومتیان چه کسانی هستند. آنها
قاتلان کامل انسانیت هستند و ما مدافعان بی چون و
چرای زندگی انسانی.

خشم و عصبانیت ما همراه با آگاهیمان، دستمایه
اعتراضات همبسته و متشکلمان است. مسئولین بی
کفایت و دزد و شارلاتان، آنها که امنیت شغلی ما را
به خطر می اندازند، آنها که افق زندگی را برایمان
کور کرده اند، آنها را به زیر میکشیم. فردا را زیبا
خواهیم ساخت. این کار ماست نه خودکشی!

پنجشنبه ۲۱ دی ۱۴۰۲

۱۱ ژانویه ۲۰۲۴

اوج ذلت یک دیکتاتور پیش از سرنگونی

کیوان جاوید

وقتی ارشدترین مقام های سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی که در مراسم تشییع جنازه فائزه رحیمی، عضو فعال گروه جهادی عفاف و حجاب در تهران، که در انفجار کرمان کشته شده است شرکت کردند، نمی دانستند که این سخنان پدر فائزه رحیمی است که بازتاب گسترده تری پیدا خواهد کرد.

در یک ویدئو پدر فائزه رحیمی که یک سپاهی است می گوید: "حمایت از نظام جمهوری اسلامی به قدری کاهش پیدا کرده که همکاران سپاهی اش تصایر "آقا" را از منزلشان جمع کردند." او ادامه

می دهد طی یک سال گذشته نمی دانید ما چی کشیدیم. ”همسایه های بالا و پایین علیه نظام شعار میدادند و بی حجابها به چادری داخل آسانسور می خندیدند و در ۱۴۵ واحد آپارتمان فقط ۵ چادری وجود داشت که سه نفر از خانواده من بودند.“

ما از صحبت های پشت پرده نظام، آنجا که سپاهی ها و رهبران نظامی و اطلاعاتی دور هم جمع می شوند، صحبت نمی کنیم. هر چند وقتی از همان جلسات سری نیز اخباری به بیرون درز می کند ما با یک پدیده عظیم رویگردانی از حکومت اسلامی مطلع می شویم. روحیه باختگی و ناامیدی از اینکه این نظام در حال از هم پاشیدن است و سپاهی ها و نظامی ها و مدافعان حکومت بخاطر اینکه گلیم

خود را از آب بیرون بکشند، در قدم اول عکس
های خامنه ای را از در و دیوار خانه خود جمع می
کنند.

تنهایی و بی کسی دیکتاتورها را بعد از سرنگونی
آنها بسیار دیده و شنیده ایم. این جای تعجب ندارد
که حتی وفادارترین همراهان مزدبگیر دیکتاتورها
بعد از سرنگونی خود را دشمن ارباب خود معرفی
کنند. اما انزوای دیکتاتور در قدرت پدیده روحیه
بخش و قابل توجهی است. وضعیت داخلی نظام فقط
به این مربوط نیست که از درون در حال فروپاشی
است. هیچ نظامی مادام مردم علیه آن دست به
طغیان نزده باشند از دورن از هم نمی پاشد.

اعتراف سپاهیان و نظامیان جمهوری اسلامی از تنها ماندن خامنه ای آینه ای است که آن روی واقعیت در جامعه را منعکس می کند. حکومت اسلامی عمرش به شماره افتاده است. درست مثل لحظاتی که نوار قلب بیماری در حال مرگ که به نقطه صفر نزدیک می شود. قاتلان مزدبگیر این حکومت هم این حقیقت که کار دیکتاتور رو به پایان است را به خوبی درک کرده اند. درست مثل موشها که از کشتی در حال غرق شدن به آب می جهند.

پنجشنبه ۲۱ دی ۱۴۰۲

۱۱ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای

ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۲۵

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

۱۳ ژانویه ۲۰۲۴ – ۲۳ دی ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

از ونکوور تا تهران علیه اعدام!

مصطفی صابر

حقوق بشر در "بلاد کفر" و جوامع اسلام زده

حسن صالحی

افسردگی میلیونی، دستاورد رژیم اسلامی

سینا پدرام

دشمن بدخیم ترانه و ترانه خوانان

یاشار سهندی

از ونکوور تا تهران علیه اعدام!

مصطفی صابر

گزارشی کوتاه از تلاشی بزرگ.
جمهوری اسلامی بر چوبه های دار استوار است.
اینرا همه میدانند؛ و مبارزه علیه اعدام در ایران
سال به سال - و این روزها حتی باید گفت روز به
روز، گسترده تر میشود.

دو سه هفته پیش در گروه ”شنبه های اعتراضی“
ونکوور، که من هم افتخار فعالیت در آن را داشته و
دارم، این فکر مطرح شد که یک حرکت مشترک
علیه اعدام در سطح کانادا برگزار کنیم. با بابک
یزدی در تورنتو تماس گرفتیم. او استقبال کرد و

سراغ دوستانی نظیر بیژن جلالی از مونترال رفت. آنها هم استقبال کردند. همین شور و شوق اولیه ما را تشویق کرد با فعالین "کمیته علیه اعدام" در سوئد تماس بگیریم. حسن صالحی از مالمو آمد و هرمز رها از استکهلم با این پیشنهاد که "هفته جهانی علیه اعدام" را سازمان دهیم. مینا احدی با دستی پُر از آلمان به همراهی آمد با حمایت شعله پاکروان عزیز؛ و به یکباره موجی از شور و تلاش برای متحد شدن علیه اعدام ها راه افتاد.

در زوم جمع شدیم و زنده و علنی با مردم صحبت کردیم، گروه "ریلز" به کمک مان آمد و در توئیتر اسپیس گذاشت. گروه تلگرامی مان راه افتاد از دهها عضو از شهرهای مختلف جهان که با کار شبانه روزی

نگار مجری، احسان شربتی، سهیلا دالوند، مژگان کشاورز، آزاده نجات و دوستان زیاد دیگری اکنون به یک ستاد بزرگ مبارزه علیه اعدام در شهرهای مختلف جهان در هفته ۱۳ تا ۲۰ ژانویه تبدیل شده است.

تا کنون از ۸ کشور و در ۲۷ شهر دنیا تظاهرات هایی برای روز ۲۰ ژانویه سازمان داده شده است. نزدیک ۹۰ گروه و نهاد و حزب سیاسی از این حرکت اعلام حمایت کردند. بالای ۶۰۰ نفر از فعالین و شخصیت های سرشناس ایرانی و غیر ایرانی از این حرکت اعلام حمایت کرده اند. این حمایت ها لحظه به لحظه افزایش میابد و هر آماری که اینجا بدهم تا مطلب به دست شما برسد کهنه

شده است. ای کاش در گروه تلگرامی ما بودید
تا اینهمه شور و تلاش غرور آفرین نزدیک به ۸۰
فعال خستگی ناپذیر را میدیدید.

نکته جالب این است که این حرکت که از خارج
کشور آغاز شد اما ابعاد داخل کشوری هم یافته
است. ده نهاد کارگری و مدنی طی بیانیه علیه اعدام
ها ابعاد جدیدی به این فعالیت داده اند. گروهی از
دادخواهان اعلام اعتراض شنبه تا شنبه کرده اند و
به شیوه خود به هفته جهانی علیه اعدام پیوسته اند.
جا دارد از تلویزیون کانال جدید در پخش جلسات
این کارزار روبه مردم ایران نیز تشکر کنیم. همه
شواهد نشان میدهد که این هفته جهانی علیه اعدام
میتواند به حرکت متحدی از ونکوور تا تهران تبدیل

شود.

یک نقطه قوت مهم این تلاش بزرگ شرکت و حمایت احزاب سیاسی در آن است. از جمله حمایت قاطع حزب کمونیست ایران (ابراهیم علیزاده) و حزب کمونیست کارگری ایران شایان تاکید است، چرا که میتواند مقدمه ای برای پیوستن دیگر احزاب فعال در کردستان به این حرکت و شکل دهی فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان باشد.

کوتاه آنکه اگر هنوز به این کارزار جهانی نپیوسته اید، ما مشتاق فشردن دست همکاری و همراهی شما هستیم!

آدرسهای تماس:

تلگرام:

https://t.me/no_to_execution_in_iran

اینستاگرام:

[https://www.instagram.com/global_
no_to_execution_in_iran](https://www.instagram.com/global_no_to_execution_in_iran)

International week of action against
executions in Iran

شنبه ۲۳ دی ۱۴۰۲

۱۳ ژانویه ۲۰۲۴

حقوق بشر در "بلاد کفر" و جوامع اسلام زده

حسن صالحی

آندرس برینگ برویک، خونریزترین قاتل کشور
نروژ که در سال ۲۰۱۱ با بمب گذاری و تیراندازی،
۷۷ نفر و منجمله ۶۹ نوجوان را در یک اردوی
تفریحی به قتل رساند، از وضعیت حقوق بشر خود
در زندان شکایت دارد. او به حداکثر مجازات یعنی
۲۱ سال زندان محکوم شده است (که البته این
نوع مجازات بندرت در نروژ استفاده می شود) و
در سلول انفرادی بسر می برد. او شکایت دارد که
نگهداری وی در زندان انفرادی، ناقض حقوق بشر
است. دولت نروژ ادعای وی را رد کرده است و
معتقد است وی همچنان خطرناک است و باید در

زندان انفرادی بماند. هفت سال پیش هم شکایت این زندانی به مراجع عالی تر از سوی دیوان دادگستری اروپا رد شد.

حالا می پرسید که مگر شرایط وی در زندان انفرادی چگونه است؟ او در یک واحد مسکونی دوبرگس با آشپزخانه، اتاق غذاخوری، اتاق تلویزیون مجهز به کنسول بازی و تجهیزات ورزشی زندانی است. در نروژ فلسفه مجازات بر اساس انتقامجویی بنا نشده است. حقوق انسانی خونریزترین قاتلین هم وقتی که محکوم می شوند باید رعایت شود و به شکایات آنها بر طبق موازین انسانی رسیدگی گردد. حالا این را با جمهوری اسلامی مقایسه کنید که توماج ما را به خاطر چند آواز اعتراضی زندان و شکنجه

کرد و وقتی از شکنجه های اعمال شده شکایت کرد دوباره او را با ضرب و شتم دستگیر و روانه زندان کردند. تازه توماج فقط یک نمونه از میان دهها هزار نمونه است.

به آن دسته از مردمانی که از اعدام به دلیل جنایات هولناکی که محکومین به اعدام مرتکب شده اند دفاع می کنند، می خواهم بگویم که نروژ را هم ببینید. نباید به خاطرهیچ جرمی، هر چقدر سنگین، جان انسانی گرفته شود. قوانین قصاص و مجازات اسلامی، قرون وسطایی و بر اساس انتقام استوار است. ما به قوانینی نیاز داریم که بیشتر شبیه نروژ باشد. ما به جامعه ای نیاز داریم که با تولید رفاه و نعمت برای همه، از وقوع جرم پیشگیری کند. جامعه

طبعاً باد در قبال جرم و جنایت مصون نگه داشته شود ولی نه با اعدام و قتل بیشتر بلکه با اقدامات پیشگیرانه. نه با انتقام بلکه با این هدف که فرد مجرم دوباره اصلاح شود و به اجتماع بازگردد و البته تا مادامی که برای جامعه تولید خطر میکند باید از آن دور نگه داشته شود.

شنبه ۲۳ دی ۱۴۰۲

۱۳ ژانویه ۲۰۲۴

افسردگی میلیونی، دستاورد رژیم اسلامی

سینا پدram

علیرضا زاکانی، شهردار تهران درباره آمار منتشره از سوی مرکز مطالعات شهرداری که اعلام کرده بود ۹۹.۷ درصد تهرانی‌ها افسرده‌اند، گفت: "متأسفانه رسانه‌ها وارونه جلوه دادند."

دادن برخی آمار و ارقام شاید برای روشن شدن موضوع لازم باشد. بر اساس مطالعه ملی بیماری‌ها و آسیب‌ها در ایران، افسردگی، سومین مشکل سلامتی کشور است. افسردگی رایج‌ترین شکل اختلالات روانی به شمار می‌رود.

بر اساس داده های آماری و مطالعات مختلف شیوع افسردگی در ایران در طبقات و قشرهای مختلف متفاوت است و از ۵ درصد تا ۷۳ درصد متغیر می باشد. افسردگی در میان زنان یک و نیم برابر بیشتر از مردان است و در جوامع روستایی و شهرهای کوچک به مراتب بیشتر از شهرهای بزرگ رواج دارد. اختلالات روانی و از جمله افسردگی در تهران و شهرهای بزرگ علتهای زیادی دارد که بعنوان مثال می توان از مشکلات اقتصادی، آلودگی هوا، ترافیک سنگین، نداشتن اوقات فراغت و تفریح، نبود و یا کمبود شبکه های اجتماعی نام برد.

ایران در صدر جدول غمگین ترین جوامع دنیا قرار دارد. فاکتورهایی مانند رفاه اجتماعی و اقتصادی، وضعیت آموزش و پرورش کودکان، خدمات

درمانی، عدم برخورداری بازنشستگان و پیران جامعه از خدمات اجتماعی و غیره از زمره شاخص های سنجش شادی یک جامعه است. ناگفته پیداست که این فاکتورها برای شهروندان ایران حکم کیمیا را دارد.

افسردگی بخشی از رفتار و واکنش مردم در مقابل ستم اقتصادی فرهنگی و اجتماعی است که به صورت روزمره در این رژیم بازتولید میشود. از این زاویه ادامه حیات رژیم با توجه به بحرانهایی که به مردم تحمیل میکند، به موضوع افسردگی در جامعه گره خورده است. راه حل منطقی و جواب سر راست به یک معضل میلیونی خلاصی از شر رژیم اسلامی و احکام آن در تمامی عرصه های حیات اجتماعی است. از سوی دیگر همکاری و مبارزه مردم برای تثبیت حق

و حقوق خود، همیاری مردم در نهادهای اجتماعی
غیر رژیمی بدون شک در سلامت روانی جامعه
نقش خاصی دارد و باید از سوی فعالین جنبشهای
مختلف مورد نظر قرار بگیرد. افسردگی اگر مشکل
اجتماعی است، راه حل آن نیز باید اجتماعی تلقی
شود.

زاکانی و شرکا خود بخش بزرگی از دلایل این
افسردگی هستند. بی دلیل نیست که طبق معمول
یاوه سرایی میکنند.

شنبه ۲۳ دی ۱۴۰۲

۱۳ ژانویه ۲۰۲۴

دشمن بدخیم ترانه و ترانه خوانان

یاشار سهندی

توماج صالحی سال گذشته با ضرب و شتم شدید بازداشت و شکنجه های توان فرسا را تحمل کرد و به ۶ سال زندان محکوم شد. برای چی؟ بخاطر خواندن ترانه اعتراضی! بعد از آزادی با وثیقه، و شرح شکنجه ها، مجدداً به همان روش بازداشت و شکنجه شد و به یک سال زندان دیگر محکوم شد.

سامان یاسین به اعدام محکوم میشود، با اعتراضات زیاد حکم اعدامش نقض میگردد. در عین حال صحنه اعدامی مصنوعی برای او اجرا میشود. مامور اعدام در این صحنه سازی در حق او میخواهد لطف کند

و طوری طناب را بر گردن او بیندازد که گردنش بشکند تا زجر کش نشود! چرا؟ بخاطر خواندن ترانه اعتراضی!

مهدی یراحی بخاطر خواندن ترانه اعتراضی بازداشت و شکنجه شده و به حبس و شلاق محکوم گردیده است.

شروین حاجی پور خواننده ترانه "برای"، همین روزها دوباره به دادگاه احضار شده، چون در ترانه جدیدش به نام "آشغال" به این اعتراض دارد که به زور میخواهند او را از ایران اخراج کنند. و در کنار همه اینها صدای زن در ایران ممنوع است و حتی کار به آنجا رسیده است که هر اجرای زننده برنامه موسیقی، بخاطر وجود نوازنده زن، آن اجرا لغو می

شود؛ و خود ادوات موسیقی در تمام عمر جمهوری اسلامی ممنوع تصویر بودند.

در این میان خبری پخش شده که جمهوری اسلامی لطف کرده و اجازه داده معین خواننده میتواند به ایران برگردد؛ پیاز داغ خبر را بیشتر کردند، شادمهر عقیلی و سیاوش قمیشی هم در لیست برگشتی‌ها قرار دادند! برخی که دلتنگ "مادر وطن" هستند به ایشان توصیه کردند بهتر است پیش "نامادری" بمانند و اگر رفتید پلها را پشت سر خراب نکنید!

اولا جمهوری اسلامی و هیچ حکومت دیگری حق ندارد برای ورود یا خروج هیچ شهروندی شرط بگذارد و مانع ایجاد کند. دوم اینکه موسیقی در دنیای امروز یکی از نیازهای ابتدایی هر جامعه‌ای

است و دسترسی و لذت بردن از آن حق هر فردی است، هیچ حکومتی حق ندارد موسیقی را به خوب و بد تقسیم کند و مانع تولید و پخش آن شود.

جمهوری اسلامی اما ثابت کرده به طرز بدخیمی دشمن ترانه و ترانه خوانان است. این سه خواننده مورد نظر جمهوری اسلامی نه صرفاً بخاطر ترانه خوانان در بند و تحت فشار، حداقل به حرمت خود و هنرشان در قبال این خبر نباید سکوت کنند. باید مانع این حيله کثيف، این حکومت پلشت شد.

شنبه ۲۳ دی ۱۴۰۲

۱۳ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای

ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۲۶

۱۴ ژانویه ۲۰۲۴ - ۲۴ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

نمایش انتخاباتی هم معضلی است!

کاظم نیکخواه

اعتراف به دزدی صد میلیارد دلاری از صندوق توسعه ملی

سیاوش آذری

برابری جنسیتی، نابودی رژیم اسلامی

عطیه نیک نفس

حمله نظامی آمریکا به حوثی‌ها و امنیت منطقه

کیوان جاوید

نمایش انتخاباتی هم معضلی است!

کاظم نیکخواه

انتخابات مجلس اسلامی که به همه چیز جز انتخابات شبیه است، قرار است کمتر از ۵۰ روز دیگر برگزار شود. اینکه این مجلس و نمایندگانش چه لجنی هستند را همه به خوبی می‌دانند. اما برای حکومت نمایشات انتخاباتی هم اکنون به معضلی جدی تبدیل شده است. با هر نمایش انتخاباتی طبل رسوایی و انزوای حکومت بیشتر روی بام می‌افتد و صفوفشان بیشتر به هم می‌ریزد. تمام مشغله‌شان این است که این واقعیت را چگونه زیر فرش کنند.

روز ۲۳ دی‌ماه علم‌الهدی نماینده خامنه‌ای در

جمعی از فرماندهان و سران حکومت در خراسان رضوی این معضل را به این شکل بیان کرد: "دست نامزدها را برای تبلیغات باز بگذارید. شوراهای اجرایی و نظارت اگر اندکی با دست باز رفتار کنند، نامزدها خودشان مردم را برای حضور در انتخابات تهییج می کنند... هنرمندان، ورزشکاران و اقشار مختلف بازاریان این ظرفیت را دارند که توجیه شوند و از کمک آنها برای برگزاری پرشور انتخابات بهره بگیریم!"

اما او فوراً از حرف خودش وحشت کرد و هشدار داد که "اما ساحت قدسی امام رضا (ع) مهم تر است و توجه کنید فضای انتخاباتی بستری را برای هنجارشکنان فراهم نکند." نه فقط در خراسان بلکه در سراسر کشور مشکلشان کسادی انتخابات مسخره‌ای است که حتی شمار زیادی

از خودی‌هایشان را نیز تصفیه کرده‌اند. خامنه‌ای در دوم دی‌ماه بعد از رد صلاحیت‌های وسیع نکته مضحک‌تری را در مورد “رقابت‌های گسترده” مطرح کرد. او گفت: “میدان باید برای حضور جناح‌های سیاسی و گرایش‌های گوناگون سیاسی - اقتصادی - فرهنگی در مسابقه بزرگ انتخابات باز باشد تا همه دیدگاه‌ها و نگاه‌ها در این میدان فعال باشند!” معلوم نیست کی قرار است با کی رقابت کند!

احمد وحیدی وزیر کشور نیز با نگرانی از خالی ماندن پای صندوق‌های رای گفت: “جمهوری اسلامی به حضور مردم (در انتخابات) اعتقاد راسخ دارد و آن را واقعی و نه نمایشی می‌داند!”

به‌راستی اداره یک حکومت منفور و منزوی که از

سایه مردم هم وحشت دارد، کار سختی است. هم باید مدام نمایش "حضور پرشور مردم در صحنه" را در بیاورد، هم تحمل وزیر و وکیل و نماینده سابق خودش را هم نداشته باشد و آنها را تصفیه کند. نمایش انتخاباتی نمایش انزوای حکومت است. تا آنجا که به مردم مربوط می شود بارها و بارها مشغله و مسئله شان را گفته اند و آن ریشه کن کردن کل حکومت دزد و جنایت کار و آدمکشی است که هر روز دارد برای مردم فاجعه می آفریند.

یکشنبه ۲۴ دی ۱۴۰۲

۱۴ ژانویه ۲۰۲۴

اعتراف به دزدی صد میلیارد دلاری

از صندوق توسعه ملی

سیاوش آذری

ابوترابی فرد، امام جمعه موقت تهران، در همایشی گفته که اقتصاد جمهوری اسلامی به جای دانش بنیان بودن نفت بنیان است، سهم شرکت‌هایش در پژوهش علمی و فنی به یک درصد هم نمی‌رسد و حتی در صادرات مواد خام ۱۰ میلیارد دلار از عراق عقب‌تر است. اما مهم‌تر اینکه صندوق توسعه ملی ۱۰۰ میلیارد دلار از ۱۵۰ میلیارد دلار کل منابع خود را به دولت داده که برنگشته است و حتی منابعی که این صندوق به بخش “خصوصی” داده نیز بازگردانده نشده.

همین چند جمله ویژگی‌های اقتصاد سرمایه‌داری اسلامی و اوضاع سیاسی اسفناک رژیم در سطح کشوری و بین‌المللی را برملا می‌سازد. جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت سیاسی بحران‌ساز اسلام سیاسی هرگز قادر به ایجاد یک اقتصاد سرمایه‌داری متعارف حتی نیم‌بند که توانایی ادغام در چرخه سرمایه جهانی و جذب سرمایه، تکنولوژی و دانش موردنیاز برای رشد و بارآوری نیروهای مولده را داشته باشد نشده و نخواهد شد. "اقتصاد مبتنی بر قیمت گذاری دستوری"، به عبارت درست‌تر اقتصاد دزدسالار اسلامی نتیجه ضروری این ویژگی رژیم است.

در بعد بین‌المللی، این اعترافی آشکار به انزوای جمهوری اسلامی در سطح سیاسی و اقتصادی است؛ انزوایی که با گسترش دامنه تحرک انقلابی جامعه

ایران از روندی صعودی برخوردار است. رژیم اسلامی تنها از طریق پشتیبانی سیاسی و مادی و مالی از جنبش‌ها و گروه‌های تروریستی اسلامی در منطقه و ایجاد بی‌ثباتی قادر به ادامه رقابت با دولت‌های رقیب و سهم‌خواهی و چک‌وچانه‌زنی است. این یعنی تخصیص بودجه‌های کلان و ثروت عمومی به نیروهای باند سیاهی از قبیل حماس، جهاد اسلامی و حشد شعبی به‌جای سرمایه‌گذاری در بخش دانش و فن آوری در خدمت رفاه شهروندان.

و در سطح کشوری این نشانه عجز رژیم در به‌عقب‌راندن جنبش سرنگونی انقلابی جاری است. جمهوری اسلامی تنها با اتکا به خشونت و سرکوب عریان قادر به افزودن چند صباحی به عمر ننگین خویش است که این خود تنها از طریق تخصیص مقادیر نجومی به نیروهای سرکوب، شکنجه و

تحمیق جامعه و باندها و جناح‌های ریزودرشت
رژیم برای جلوگیری از تشتت در صفوف و فروپاشی
حکومت امکان‌پذیر است.

شرط لازم بازگرداندن ثروت عمومی به جامعه و
به‌کارگیری آن در خدمت رفاه شهروندان سرنگونی
رژیم اسلامی است که در دستور کار فوری انقلاب
زن زندگی آزادی قرار دارد.

یک‌شنبه ۲۴ دی ۱۴۰۲

۱۴ ژانویه ۲۰۲۴

شروین، آوازخوان "زن، زندگی، آزادی"

عطیه نیک نفس

"ترانه جدید شروین حاجی پور با عنوان "آشغال" پس از گذشت ۲۴ ساعت از انتشار آن در اینستاگرام، فقط در صفحه خود او بیش از ۳۰ میلیون بار دیده شده است."

رژیم جنایت کار اسلامی ۴۵ سال است که تمام مطالبات به حق و انسانی مردم را با توحش پاسخ داده است. از تمام امکاناتش از قبیل صداوسیما، بسیج، سپاه، آموزش و پرورش و غیره استفاده کرده تا مردم را تحمیق و ساکت کند و همواره این توهم

که می‌تواند مردم را سرکوب کند تا دست از مبارزه
بردارند را داشته است.

اما در جبهه مقابل رژیم مردمی قرار دارند که با
دست خالی، مردمی که حتی بدون دسترسی کافی
به اینترنت، مردمی که معیشتشان به سخت‌ترین
شکل ممکن می‌گذرد علیه رژیم می‌جنگند که
از هیچ جنایت و فساد دریغ نمی‌کند. اما آنها
هیچگاه دست از مبارزه نمی‌کشند تا جایی که هر
لحظه صحنه‌هایی بی‌بدیل از مبارزه را به نمایش
می‌گذارند.

بازدید میلیونی از ترانه جدید شروین فقط یک اتفاق

نیست! این نشان‌دهنده یک انقلاب پیشرو ست،
انقلابی که پر قدرت به جلو گام برمی‌دارد و مردمی
که بدون لحظه‌ای مکث از مبارزان راه آزادی حمایت
می‌کنند، هدف‌مندان و متشکل مطالباتشان را پیگیری
می‌کنند و به مبارزه علیه اسلام و رژیم اسلامی در
قدرت بی‌وقفه ادامه می‌دهند. مردمی که مبارزان
جسوری همچون شروین را که با وجود اینکه با قید
و وثیقه آزاد است، چنین ترانه‌های انقلابی را می‌سازد،
به خوبی می‌شناسند و از او در ابعاد میلیونی حمایت
می‌کنند.

شروینی که با ترانه زیبای ”برای“ رنگی جاویدان و
جهانی به انقلاب ”زن، زندگی، آزادی“ زد. همه دنیا

موزیک متن این انقلاب را ترانه شروین می‌دانند و با افتخار آن را زمزمه می‌کنند. شروین بازهم نشان داد که این مردم در مبارزه علیه فساد، جنایت و سب‌عیت اسلام و رژیم اسلامی کوتاه نمی‌آیند و مبارزه را تا رسیدن به هدف که همان برپایی جامعه‌ای انسانی، بدون تبعیض و بر پایه برابری است ادامه می‌دهند.

یک‌شنبه ۲۴ دی ۱۴۰۲

۱۴ ژانویه ۲۰۲۴

حمله نظامی آمریکا به حوثی‌ها

و امنیت منطقه

کیوان جاوید

حملات مشترک آمریکا و انگلیس علیه اهدافی در چند استان یمن علیه مواضع حوثی‌ها طی روزهای جمعه و شنبه همین هفته موضوع داغ اخبار جهانی بود.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی راه حل بازگشت امنیت به منطقه را پایان یافتن همراهی آمریکا با اسرائیل اعلام کرد و "یحیی سریع" سخنگوی نیروهای مسلح حوثی‌ها نیز گفت: "این تجاوز هرگز ما را از موضع خودمان درباره حمایت از مظلومیت ملت فلسطین باز نخواهد داشت."

داستان تکراری پناه گرفتن پشت ”مظلومیت ملت فلسطین“ توسط تروریست‌های جمهوری اسلامی و حامیان منطقه‌ای آن تمامی ندارد. ”ملت مظلوم فلسطین“ بهانه‌ای شده است تا جمهوری اسلامی برای بقای خود به قیمت خانه‌خرابی و فقر روزافزون مردم ایران، منطقه را با تروریسم خود ناامن کند.

آن‌سوی این ناامنی در منطقه و برپا کردن حمام خون در غزه دولت فاشیست اسرائیل ایستاده است تا به بهانه مبارزه با تروریسم اسلامی بقای دولت‌های دست راستی را در اسرائیل تضمین کند. منطقه با وجود این دو قطب ضدبشری تروریست هرگز رنگ آرامش به خود نخواهد دید.

در این میان حمایت همه‌جانبه دولت آمریکا از دولت‌های دست راستی اسرائیل و عدم قاطعیت در پیگیری و عملی شدن طرح دو دولت متساوی‌الحقوق

فلسطینی و اسرائیل توسط هیئت حاکمه آمریکا،
دلیل دیگری بر ادامه جنگ و کشتار و بحران
موجود در منطقه است.

تا رسیدن به آن شرایط مطلوب، یعنی تشکیل دو
کشور مستقل فلسطینی و اسرائیلی با حقوق رسمیت
یافته بین‌المللی آیا منطقه خاورمیانه فقط می‌تواند
شاهد جنگ و کشتار باشد؟ راه رسیدن به یک
زندگی به‌دور از ترس از آوارگی و خانه‌خرابی و
گرسنگی و کشته و زخمی‌شدن مردم، در قدم اول
کوتاه‌کردن دست جمهوری اسلامی از منطقه است.
این مهم صورت نمی‌گیرد مگر اینکه مردم ایران
در نبرد برای سرنوشت جمهوری اسلامی به پیروزی
برسند. این واقعی‌ترین و دست‌یافتنی‌ترین امکان
رهایی منطقه از خونریزی‌های بی‌پایان است. با
نابودی حکومت اسلامی، نیروهای نیابتی تروریسم
اسلامی نیز سریعاً نیست و نابود می‌شوند و راه باز

می‌شود تا مردم فلسطین نیز با به رسمیت شناختن کشور اسرائیل، دست راستی‌های حاکم بر آن کشور را بی‌اعتبار و در صحنه سیاسی بی‌خاصیت کنند.

راه حل برقراری امنیت در منطقه نه دست دولت آمریکا است و نه جمهوری اسلامی. اینها آتش‌بیاران معرکه‌اند. منطقه با انقلاب زن زندگی آزادی نفسی به آرامش خواهد کشید.

چهارشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۲

۱۰ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

زورنال

شماره ۶۲۷

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

۱۵ ژانویه ۲۰۲۴ – ۲۵ دی ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

زنده باد دو خبرنگار زن زندگی آزادی

محسن ابراهیمی

باز هم اعلام جرم علیه الهه محمدی و نیلوفر حامدی

از میان اخبار

دامنه کارزار جهانی علیه اعدامها در ایران

شهلا دانشفر

با خانواده‌های زندانیان سیاسی علیه اعدام

سهیلا دالوند

شنبه تا شنبه، اعتراض متحدانه علیه اعدام!

گروه جوانان انقلابی نیما

بازار گران مرگ در ایران

کیوان جاوید

زنده باد دو خبرنگار زن زندگی آزادی

محسن ابراهیمی

در میان نگرانی و تلاش و مبارزه برای رها کردن
شش شهروند از طناب دار دژخیمان اسلامی، خبر
آزادی الهه محمدی و نیلوفر حامدی، اشک شادی
را بر چشمها جاری و امید رهایی را در دلها زنده
کرد. الهه و نیلوفر، دو زنی که به جرم رسانه
ای کردن قتل حکومتی ژینا/مهسا امینی، به جرم
شکستن دیوارهای ضخیم امنیتی و تبدیل کردن
مهسا به اسم رمز انقلابی باشکوه، مجموعاً به ۲۵
سال زندان محکوم شده بودند، موقتاً و با وثیقه ای
سنگین به آغوش خانواده بزرگشان به نام "زن،
زندگی، آزادی" باز گشتند!

هم بازداشت این دو روزنامه نگار شریف و هم آزادی موقتشان نشانه ای از ترس حکام اسلامی از جامعه ای است که هر گوشه اش سرشار از امید و مقاومت و اعتراض است. جامعه ای که دست از تلاش برای رهاییشان نکشید و باعث شد دهها جایزه توسط دهها انجمن قلم و نهاد مطبوعاتی و حقوق بشر به عنوان ”وجدان و صداقت در روزنامه نگاری“ به این دو روزنامه نگار شریف تعلق گیرد.

نیلوفر و الهه حتی در دوران زندان و زیر احکام سنگین و در مقابل قضات بیرحم اسلامی هم اعلام کردند به عملکردشان به عنوان روزنامه نگار، به ماندنشان در کنار مردم و صدای مردم شدن افتخار میکنند. آنها دو مبارز از میان نسلی هستند که

مبارزه میکنند، زندانی میشوند و آنگاه که حکومت
مجبور میشود آزادشان کند، مقاومتر و معترض تر
به مبارزه ادامه میدهند و گرمترین استقبالها را از
جامعه می گیرند.

نیلوفر و الهه دو نمونه امیدبخش از قهرمانان انقلاب
زن زندگی آزادی هستند. قهرمانانی که چشم از
دست می دهند اما دلشان همچنان برای انقلابشان
می تپد؛ قهرمانانی که پای دیوارهای بلند اوین بر
سر دیکتاتور فریاد می زنند "خامنه ای ضحاک
میکشیمت زیر خاک"؛ قهرمانانی که دیکتاتور را
به سوراخ موش حواله میدهند، دستگیر و شکنجه
می شوند اما همان روز اول آزادی علیه کل دستگاه
شکنجه اعلام جرم می کنند؛ قهرمانانی که حتی
زیر شلاق اسلامی سرود میخوانند: "به نام زن به نام

زندگی، دریده شد لباس بردگی، شب سیاه ما
سحر شود تمام تازیانه‌ها تبر شود؛ قهرمانانی که
هم رزمانی به وسعت یک کشور دارند.

نیلوفر و الهه دو زن مصمم در صف اول انقلاب
زن زندگی آزادی هستند. انقلابی که مصمم است
عمارت اسلامی را ویران کند؛ پوزه خونین ولی فقیه
را به خاک بمالد و به جای غم و فقر و تبعیض و
فساد و ویرانی، شادی و برابری و رفاه و آزادی و
انسانیت برقرار کند.

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲

۱۵ ژانویه ۲۰۲۴

باز هم اعلام جرم علیه

الهه محمدی و نیلوفر حامدی

از میان اخبار

خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه حکومت
نوشت روز گذشته پس از آزادی این دو نفر تصاویری
از کشف حجاب این افراد در فضای مجازی منتشر
شد. در پی این اقدام ضمن اعلام جرم، پرونده
جدیدی برای این متهمان در دادسرای عمومی
تهران تشکیل شد. هر دو متهم ممنوع الخروج بوده
و هر کدام با سپردن قرار وثیقه بیرون از زندان
خواهند بود.

با دهها میلیون مجرم! چه میتوانید بکنید؟ مجرمانی!

که هر روز متحدتر و همبسته‌تر میشوند و شجاعانه
از همان مقابل زندان‌هایتان که قرار بود محلی برای
ارعاب باشد اعتراضشان را شروع میکنند.

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲

۱۵ ژانویه ۲۰۲۴

دامنه کارزار جهانی علیه اعدامها در ایران

شهلا دانشفر

کارزاری جهانی علیه اعدامها به راه افتاده است. کارزاری که یک سر آن در ایران و سر دیگرش در اقصاء نقاط جهان است. کارزاری که مرز نمی شناسد و دهها نهاد و گروه و حزب و صدها شخصیت سیاسی به آن پیوسته اند و دارد به محل گرد آمدن صف انقلاب زن زندگی آزادی و حامیانش تبدیل میشود. کارزاری یک هفته ای که ۱۳ ژانویه، ۲۳ دی، آغاز شد و تاکید همه اینست که تا جمهوری اسلامی هست، این اتحاد مبارزاتی علیه ماشین سرکوب و جنایت حکومت باید ادامه یابد.

بازتاب این کارزار در ایران گسترده است. یک نمونه اش فراخوان از شنبه تا شنبه علیه اعدامها، از سوی نهاد دادخواهان از امضا کنندگان بیانیه ده تشکل علیه سرکوب و اعدام است. بیانیه ای که فراخوانش به اتحاد سراسری علیه اعدام و سرکوب بود. بازتاب کارزار علیه اعدام را همچنین در منطقه نفت خیز جنوب در اهواز می بینیم وقتی که کارگری با نصب دست نوشته ای همبستگی خود را اعلام میکند. و یا در شعارهای اعتراضی علیه اعدامها که بر در و دیوار نقش بسته اند. همینطور نمادی از این کارزار را در تجمع خانواده هایی که فرزندان شان در خطر اعدام فوری هستند، در مقابل اوین می بینیم که با صلابت از ما مردم طلب حمایت میکنند. وسیعا به کارزار جهانی علیه اعدام پیوندیم. با اعتصاب

عمومی در کردستان و همراهی با خانواده های عزیزانی که حکم اعدام تهدیدشان می کند، سدی در برابر اعدامها باشیم.

جمهوری اسلامی در هراس از سر بلند کردن موج قدرتمند تری از انقلاب و برای خریدن چند صبحی وقت بیشتر بر عمر ننگینش بر سرعت ماشین سرکوب و جنایتش شدت بخشیده. با اتحاد سراسری مبارزاتی مان و جلو بردن قدرتمند کارزار علیه اعدامها میتوانیم حکومت را عقب بزنیم، جان عزیزانی که در خطر اعدامند را نجات دهیم و در زندانها را بگشاییم. بدینگونه مسیر انقلاب زن زندگی آزادی را برای رهایی از بختک جمهوری اسلامی هموار کنیم.

اعدام قتل عمد دولتی است. سران این حکومت
باید بخاطر همه جنایتشان محاکمه و رژیم اسلامی
باید در جهان بایکوت شود.

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲

۱۵ ژانویه ۲۰۲۴

با خانواده‌های زندانیان سیاسی علیه اعدام

سهیلا دالوند

خانواده ها و مادران چهار زندانی سیاسی، پژمان فاتحی، وفا آذربار، محمد فرامرزی و محسن مظلوم با درخواست برگزاری دادگاه علنی، حق ملاقات و توقف حکم اعدام فرزندان‌شان روز یکشنبه ۲۴ دیماه ۱۴۰۲ در مقابل زندان اوین دست به تجمع زدند. با وجود تجمع و درخواست مادران و خانواده ها، تاکنون پاسخی روشن به خواسته‌هایشان از سوی مسئولین داده نشده است.

این چهار زندانی، تیرماه ۱۴۰۱ در اطراف ارومیه بازداشت و تحت فشار، شکنجه، و اعترافات اجباری

به اعدام محکوم شده اند.

مادر پژمان فاتحی، در مقابل زندان اوین برای نجات جان فرزندش رو به مردم و جامعه جهانی میگوید: "من مادر پژمان فاتحی، زندانی سیاسی هستیم. پسرم حدود یک سال و نیم پیش بازداشت شده و اکنون حکم اعدام را بر او تحمیل کرده‌اند. من الان در نزدیکی زندان اوین هستم. تاکنون چند بار مراجعه کرده‌ام، اما اجازه ورود ندادند. از مسئولان و مردم تمام دنیا می‌خواهم برای ممانعت از اعدام فرزندم اقدام کنند. خواهش می‌کنم، هر آنچه از دستتان برمی‌آید، انجام دهید. من تنها همین پسر را دارم."

این تجمع خانواده های محکوم به اعدام همزمان است با کارزار جهانی یک هفته ای علیه اعدام که از ۲۳ تا ۳۰ دی ماه از طرف ۷۸ گروه و حزب سیاسی و بیش از ۶۰۰ فعال سیاسی ایرانی و غیر ایرانی در ۱۰ کشور در جریان است.

همچنین در فراخوان ۱۰ شکل کارگری و اجتماعی علیه حکم شنیع و ضد انسانی اعدام آمده است: “بکارگیری طناب دار این ابزار قتل عمد دولتی، سیاستی کثیف و خطرناک است که هدف مستقیمش مرعوب کردن ما مردم است. باید با قدرت اتحاد سراسری مبارزاتی مان جلوی حرکت این ماشین سرکوب و جنایت را بگیریم.”

کانون نویسندگان ضمن تاکید بر لغو حکم اعدام
چهار فعال سیاسی و مجاهد کور کوری و رضا
رسایی بیان میکنند، "این اعدام‌ها شکست‌های
سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک
حاکمان را نه جبران می‌کند و نه می‌پوشاند، حتی
دیگر تکیه‌گاه مطمئن ماندگاری‌شان نیست زیرا
هدف آن‌ها را، پراکندن رعب و وحشت میان مردم
را، تأمین نمی‌کند."

این حس همدردی و همبستگی و همصدا شدن در
دنیا با خانواده‌های تحت خطر اعدام است که میتواند
به نیروی عظیم و پر قدرتی برای لغو و محو ماشین
اعدام این مجازات شنیع، ضد انسانی و سیستماتیک
دولتی در ایران تبدیل شود. امروز بیش از هر زمانی

ضروری است که برای لغو اعدام علیه رژیم که
وجودش یعنی چوبه های دار به مبارزه تا سرنگونی
جمهوری اسلامی ادامه دهیم.

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲

۱۵ ژانویه ۲۰۲۴

شنبه تا شنبه، اعتراض متحدانه علیه اعدام!

گروه جوانان انقلابی نیما

اعدام به عنوان یکی از مجازات‌های شنیع سخت و قرون وسطایی، اعدام به هر دلیلی نه تنها ظلم و ستم است، بلکه تکرار قتل عمد به شیوه ای دولتی است.

رژیم اسلامی از ابتدا به طور بسیار گسترده ای جوانان و مردم بی گناه را به جوخه های اعدام سپرده است. در رژیم قرون وسطایی اسلامی حتی کودکان هم از این مجازات شنیع و ضد بشری در امان نبوده اند. مانند عاطفه رجبی درحالی که ۱۶ سال داشت در ملأ عام به دار آویخته شد. یا مونا

محمودنژاد یکی از بهائیان است که پس از انقلاب توسط رژیم اسلامی اعدام شد. او در زمان اعدام ۱۷ سال بیشتر نداشت.

در رابطه با همجنس گرایان کودک (زیر ۱۸ سال)، می توان به اعدام محمود عسگری و عیاض مرهونی به اتهام همجنس گرایی در مشهد اشاره داشت. رژیم وحشی اسلامی تنها از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ : ۳۲۰۰ تن از کودکان و زنان را اعدام کرده است. ما گروه جوانان انقلابی نیما از بیانیه تشکلهای کارگری و اجتماعی علیه اعدام ها و سرکوبگری های حکومت، که بر توقف فوری اعدام ها تاکید کرده است حمایت میکنیم و از همه انسانهای آزادیخواه و نهادها و تشکلهای مردمی می خواهیم متحد و یکپارچه از

خیابان تا محله و محیط های کار، و فضای مجازی
را به صحنه اعتراض نه به اعدام تبدیل کنند. نباید
اجازه دهیم جان هیچ انسان دیگری گرفته شود.

اعدام قتل عمد دولتی است.

نه به اعدام.

از هفته کارزار علیه اعدام حمایت میکنیم.
جمهوری اعدامی اسلامی سرنگون سرنگون.

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲

۱۵ ژانویه ۲۰۲۴

بازار گران مرگ در ایران

کیوان جاوید

بنا به گزارش روزنامه ها در ایران: "ارسال فرد متوفی از تهران به شهرستان یا حتی خارج از کشور مستلزم صرف هزینه‌های عجیب و غریبی است".

برهمن اساس وبسایت "روزگار خودرو" گزارش داده که هزینه حمل "میت" از تهران به شیراز با آمبولانس حدود ۹ میلیون و از تهران به اهواز تقریباً ۱۲ و نیم میلیون تومان است. این هزینه به اردبیل و مشهد به ترتیب ۶ و ۷ و نیم میلیون تومان و برای خارج از کشور مثل آلمان یا کانادا بین ۵۰ تا ۲۵۰ میلیون تومان اعلام شده است.

اگر شخصی حتی از این زندگی نکبتی جانش به لب رسیده باشد و دیگر طاقت ادامه حیات نداشته باشد، دیگر نمی تواند فقط به خود فکر کند؛ نمی تواند بگوید می روم و خودم و دیگران را از وجود خودم راحت می کنم؛ دیگر به راحتی به خود اجازه نمی دهد با نبود خود هزینه سرسام آور دیگری بر خانواده خود تحمیل کند. آخر مگر نه اینکه: ”تورم در ایران همه جنبه های زندگی و حتی مرگ را درگیر کرده است به طوری که بسیاری از خانواده ها با ابتلای یکی از اعضا به بیماری های خاص یا مرگ عزیزانشان، به زیر خط فقر و ”فقر مطلق“ سقوط می کنند.“ اینجا دیگر مردن هم صرف نمی کند، پس باید ایستاد و جنگید و پیروز شد.

در جامعه علیرغم این ورطه سیاهی که به سوی همه مردم دهان باز کرده است و ماشین کشتار و ابزار زندان و شکنجه پُر رونق ترین بخش کارخانه تولید جنایت جمهوری اسلامی است و علیرغم فقر دهشتناکی که زامبی وار به جان مردم افتاده است، اما این مردم یک دم از پای نمی نشینند. طوفان انقلاب از هر سو در حال وزیدن است و تکلیف این جامعه درگیر فقر و فلاکت که از وجود حاکمان نکبت اسلامی هر روز با بلای جدیدی دست و پنجه نرم می کند را همین امید آخر مردم ایران روشن می کند.

در این کولاک زمستانی که فضای سیاسی ایران را درنور دیده است، ما عزم میلیونها نفر را می بینیم

که زانوی غم بغل نکرده اند. پا از "خانه" بیرون
نهاده و هر یک به سهم خود در حال برپا کردن
آتشی در اینجا و آنجای شهر هستند. تکلیف این
شرایط را که انسان گرمای جان نواز زندگی را باز
یابد و عشق و شادی و خوشبختی سرود زندگی
باشد، از این عزم عمومی جامعه برای سرنگونی
جمهوری اسلامی نشأت می گیرد. این جامعه مرگ
را شکست می دهد و زندگی را پاس میدارد.

دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲

۱۵ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۲۸

۱۶ ژانویه ۲۰۲۴ - ۲۶ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

حجاب و "انتخابات"

جلیل جلیلی

داخل خانه، بیرون خانه، هر دو آلوده است!

سینا پدرام

پروژه مسکن مهر و رژیم اسلامی سرمایه

سیاوش آذری

"انتقام سخت" حکومتی درمانده!

محسن ابراهیمی

حجاب و "انتخابات"

جلیل جلیلی

سخنگوی شورای نگهبان در نشست خبری روز گذشته در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا بر اساس قانون عفاف و حجاب فردی بی حجاب جهت رأی دادن به صندوق‌های رأی مراجعه کند، مانعی برای او ایجاد می‌شود؟ تأکید کرد: "حق رای در هیچ قانونی سلب نشده و حتی توسط دادگاه نیز سلب‌شدنی نیست."

این گفته سخنگوی شورای نگهبان نه تنها اعترافی است به بازار کساد انتخاباتشان بلکه همچنین

اعترافی است بر شکست جمهوری اسلامی در
تحمیل حجاب اجباری بر زنان، نشانه‌ای است از
بالا بردن دست‌ها در مقابل جنبش قدرتمند زنان
علیه حجاب اجباری و اعترافی است بر تسخیر شدن
سنگر حجاب به وسیله زنان. این یعنی تسلیم،
یعنی اعتراف به تناقض در تناقض. حکومتی
که در قوانین و در تبلیغاتش زن را ناقص‌العقل
معرفی می‌کند و در ارث و قضاوت او را نصف مرد
محسوب می‌کند، چرا امروز دست‌به‌دامن زنان
شده است؟ حکومتی که شرکت در انتخابات
را واجب شرعی و الهی توصیف می‌کند و آن را
هم‌ردیف عبادت به درگاه خداوندش می‌شمارد
و در همان حال عبادت و نماز زن بی‌حجاب را
باطل می‌شمارد، چرا و به چه دلیلی امروز احکام

خود را منکر می‌شود و رأی‌دادن زنان بی‌حجاب را بلامانع شرعی و قانونی قلمداد می‌کند؟ (البته فقط رأی‌دادن زنان بی‌حجاب را و نه کاندید شدن آنها را!) آیا غیر از این است که حکومت اسلامی به درماندگی افتاده است؟

کاملاً چنین است؛ حکومت به درماندگی افتاده است. چه حق رای "سلب‌شدنی" باشد یا نباشد، حکومت اسلامی ولی "سلب‌شدنی" است و مردم ایران این حکومت را "سلب" کرده‌اند. انقلابی که جرقه‌اش با قتل حکومتی مهسا ژینا امینی زده شد، گلوی این حکومت را بدجوری گرفته است. انقلاب در حال انکشاف در ایران تنها علیه حکومت مذهبی و کوتاه‌کردن دست مذهب از دخالت

در زندگی مردم نیست؛ این انقلابی است برای
پاک کردن تمام فساد ۴۵ ساله حکومت اسلامی
و تمام نامردمی‌ها و اخلاقیات کثیف و ارزش‌های
ضد انسانی که حکومت‌های استثمارگران و
مفت‌خوران بر جامعه ایران پاشیده‌اند. این انقلابی
است که آغاز استقرار یک سیستم لایق انسان را
نوید می‌دهد. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۴۰۲

۱۶ ژانویه ۲۰۲۴

داخل خانه، بیرون خانه، هر دو آلوده است!

سینا پدram

تحقیقات نشان می‌دهد که هوای داخل منازل می‌تواند آلوده‌تر از هوای بیرون باشد. بر اساس تحقیقات جدید این آلودگی می‌تواند به بیش از ۳٫۵ برابر آلودگی بیرون از خانه نیز برسد.

قبل از هر چیز باید یک نکته را روشن کنم که این تحقیقات بیشتر در شهرهای اروپایی و بخصوص شمال لندن با کیفیت هوای به مراتب بهتر از کلان‌شهرهای ایران انجام شده است. واقعیت هولناکی در ایران در حال اتفاق است که وضعیت محیط‌زیست را بسیار پیچیده‌تر کرده است. قطعاً وضعیت محیط‌زیست در ایران قابل مقایسه

با کشورهای اروپایی نیست. کمتر روزی در ایران می‌توان یافت که رسانه‌های داخلی خبری از آلودگی‌های مختلف محیط زیستی گزارش نکنند.

به‌عنوان مثال گزارش شده است که وزارت نفت به دولت نامه نوشته است که زمان اجرای استانداردهای سوخت تا سال ۱۴۰۷ به تعویق بیفتد. به عبارت دیگر برای ۵ سال دیگر سوخت‌های غیراستاندارد با درجه آلودگی بسیار بالاتر از دولت درخواست شده است.

خبر آلودگی آب‌های زیر زمینی و کشاورزی مناطق شهرستان مراغه توسط شرکت کاوه سودا نیز از خبرهای مهم چند ساله منطقه به شمار می‌رود. از سوی دیگر، اعتراض مردم قره قشلاق سلماس بر علیه ایجاد یک کارخانه و شعبه دیگر از شرکت

”کاوه سودا“ با دستگیری ۷۰ نفر سرکوب شد.

رویکرد رژیم اسلامی و اعوان و انصار میلیاردر آن به منابع طبیعی یک رویکرد غارتگرانه، مخرب و کاملاً ضدانسانی است. استفاده از منابع طبیعی در رژیم اسلامی فقط یک هدف را دنبال می کند و آن پر کردن جیب رژیم ها و میلیاردرهای دوروبر حکومت است.

در آن سوی این بحران محیط زیستی، میلیون ها شهروند قرار دارند که زندگی شان به صورت مستقیم و غیرمستقیم مورد مخاطره قرار گرفته است. طبقات پایین جامعه از بحران های محیط زیستی آسیب بیشتری می بینند. از این رو، بحران های محیط زیستی که در سطح منطقه ای ناشی از حاکمیت یک رژیم غارتگر سرمایه داری در ایران

است، به یک موضوع جنبش سرنگونی تبدیل خواهد شد. ابعاد و وسعت جنبش محیط زیست در ایران بستگی مستقیم به ابعاد فجایع آتی دارد. به این اعتبار جنبش‌های اعتراضی ضد رژیمی محیط زیستی در ابعاد وسیع نه تنها دور از انتظار نیست؛ بلکه یک واقعیت سیاسی روزافزون در ایران خواهد بود. گسترش، افق و عمومی شدن این نوع اعتراضات به نقش فعالین این جنبش‌ها و توجه ویژه احزاب سیاسی انقلابی منوط است.

سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۴۰۲

۱۶ ژانویه ۲۰۲۴

پروژه مسکن مهر و رژیم اسلامی سرمایه

سیاوش آذری

جلیل محبت‌خواه مدیرعامل عمران پردیس گفت که برخی از پیمانکاران مسکن مهر با پول متقاضیان مسکن به‌جای پیشبرد پروژه‌ها برای خود خانه و خودرو خریدند. وی همچنین اضافه کرد که در گذشته برخی پیمانکاران پروژه مسکن مهر پول را پیش‌پیش دریافت می‌کردند؛ اما به‌جای تزریق آن به پروژه‌های عمرانی برای خود خانه و ماشین می‌خریدند.

این خبر از دو نظر حائز اهمیت است: آشکار ساختن یک گرایش عمومی در روابط تولید سرمایه‌داری؛ برملا ساختن جوهر اقتصاد همیشه بحران‌زده رژیم

اسلامی.

یک گرایش عمومی در سیستم سرمایه‌داری تصاحب هر نوع ارزش و یا ثروت تولید شده چه در داخل و چه در خارج از رابطه کار مزدی، توسط سرمایه است. برای نمونه سرمایه، پولی برای افزایش بهره‌وری نیروی کار حاصل از تعاون کارگران پرداخت نمی‌کند و آن را به عنوان "هدیه‌ای مجانی" به تملک خود در می‌آورد. تصاحب محصولات کار خانگی (که معمولاً به زنان محول می‌گردد) نیز از این دست است. از این منظر اقتصاد سرمایه‌داری اسلامی نیز تابع همین گرایش است.

از سویی دیگر، در دوره‌های بحران اقتصادی این گرایش عمومی سرمایه در اشکالی "افراطی‌تر" نمایان می‌شود. دولت که در دوره‌های متعارف

انباشت سرمایه به‌مثابه “دولت همگان” ظاهر می‌گردد، منطبق با جوهر طبقاتی خویش، به‌عنوان ابزار سرمایه برای فرونشاندن بحران، از جمله از طریق تسویه سرمایه‌های “بد” و “نامولد” و تصاحب ثروت و منابع عمومی به نفع سرمایه‌های “مولد” و حتی تعلیق “حق مقدس” مالکیت خصوصی عمل می‌کند. تخصیص ده‌ها میلیارد دلار به بخش‌های مختلف سرمایه در پی بحران ۲۰۰۷ در ایالات متحده توسط دولت آمریکا در ازای خانه‌خرابی میلیون‌ها شهروند عادی که حتی خانه‌های قسطی خود را از دست دادند یکی از نمونه‌های معاصر حرکت سرمایه و دولتش در ادوار بحرانی است.

به این معنی، رژیم اسلامی که از بدوروی کارآمدنش به‌عنوان ابزار زورگیری و چپاول ثروت عمومی و تحمیل فقر و فلاکت به بخش اعظم جامعه عمل

کرده است رژیم سرمایه در دوره بحران و نشانه بحران مزمن سرمایه‌داری و عامل استمرار و تشدید این بحران است. سرکوب، زندان، شکنجه، اعدام و توسل به خشونت عریان و پایمال کردن پایه‌ای‌ترین حقوق انسانی شکل ضروری تظاهر سیاسی این بحران مزمن است. آزادی، برابری و رفاه و حل ریشه‌ای مشکلات مردم از جمله مشکل مسکن مستلزم درهم کوبیدن رژیم و سیستم سرمایه‌داری اسلامی است.

سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۴۰۲

۱۶ ژانویه ۲۰۲۴

“انتقام سخت” حکومتی در مانده!

محسن ابراهیمی

سپاه پاسداران ادعا کرده است که در اقلیم کردستان عراق با موشک‌های بالستیک یکی از مقرهای اصلی موساد را مورد هدف قرار داده است و در سوریه هم به “محل تجمع داعش” حمله کرده است! سپاه پاسداران ادعا می‌کند که این حملات در واکنش به کشته‌شدن برخی از “فرماندهان سپاه و مقاومت” و در پاسخ به انفجار در مراسم قاسم سلیمانی انجام شده است.

در باره صحت و سقم اهداف و نتایج واقعی این حملات، غیرقابل اعتمادترین منبع خود سپاه و منابع جمهوری اسلامی است. مردم بارها به عمق دغل کاری این حکومت در گزارش اتفاقات پی

برده‌اند. در همین انفجار کرمان، دیدند که چگونه ده‌ها مقام مسئول ده‌ها خبر تماماً متناقض دادند. در رابطه با حمله موشکی به مراکز موساد، رئیس پارلمان اقلیم کردستان اعلام کرده است که سپاه در حمله به اربیل، خانه شهروندی به نام پیشرو دیزه‌یی را هدف قرار داده که منجر به مرگ او و چهار عضو خانواده‌اش شد!

روشن است که این حملات، سناریوی شبیه حمله مشعشع و توخالی به پایگاه عین الاسد هستند. حمله‌ای که سران جمهوری اسلامی قبلاً در پاسخ به اخطار آمریکا، در باره نمایشی بودن آن دولت آمریکا را مطلع کرده بودند و قول داده بودند که پرسنل ارتش آمریکا صدمه نخواهند دید!

اما هر دو حمله سپاه علی‌رغم دروغ‌های تبلیغاتی

مربوطه، اهدافی را دنبال می کنند از جمله:

حمله موشکی به اربیل با سه هدف صورت گرفته است: اولاً، روحیه دادن به باندهایی مثل حشد الشعبی در عراق که همین هفته یکی از فرماندهانش به دست آمریکا کشته شد. می خواهند اطمینان دهند که هنوز می توانند روی جمهوری اسلامی حساب کنند. ثانیاً، لاف زنی تو خالی در باره "انتقام سخت" می تواند جریان های تروریستی مثل حماس و جهاد اسلامی را بی اعتماد کند. ادعای حمله به مراکز موساد در نقطه ای از دنیا می خواهد این تصویر را بدهد که اگر موساد رهبران حماس را نابود می کند، حکومت اسلامی مراکز موساد را می زند و بالاخره اینکه، بعد از حملات گسترده آمریکا و بریتانیا به مواضع حوثی ها در یمن، جمهوری اسلامی نیاز دارد طوری نشان دهد که قدرتمند است، می تواند در خاک عراق حمله کند، "محور مقاومت" و در

رأش حكومت اسلامی زنده و فعال‌اند!

ادعای حمله به "محل تجمع داعش" آن‌هم در
مناطقى از سوریه که سگ‌صاحبش را نمى‌شناسد
و هیچ منبعى به‌راحتى نمى‌تواند تأیید کند، از
نوع آن ادعاهای ویژه حکومت اسلامی است که
هدفش سرکار گذاشتن نیروهای حکومتى در داخل
است که مأیوس نشوند، "انتقام سخت" حاج قاسم
فراموش نشده است!

سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۴۰۲

۱۶ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

زورنال

شماره ۶۲۹

۱۷ ژانویه ۲۰۲۴ - ۲۷ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

آتش انقلاب زنانه از زندان‌ها سر بر می‌کشد!

حمید تقوائی

خامنه‌ای: مردم با "ظواهر متفاوت" هم مؤمن‌اند!

کاظم نیک‌خواه

زندانیان سیاسی در استکھلم جایزه می‌گیرند

سوسن صابری

صدها مدرسه در خطر فرونشست زمین

کیوان جاوید

فرهنگ و هویتی که مردم نمی‌خواهند

میلاد رابعی

آتش انقلاب زنانه از زندان‌ها سر بر می‌کشد!

حمید تقوائی

طبق آخرین اخبار نرگس محمدی، فعال حقوق بشر، زندانی و برنده جایزه صلح نوبل، در پرونده جدیدی به ۱۵ ماه زندان، دو سال تبعید، دو سال منع خروج از کشور، دو سال منع عضویت در گروه‌ها و دو سال منع استفاده از تلفن هوشمند محکوم شد.

همچنین قوه قضاییه جمهوری اسلامی یک روز پس از آزادی الهه محمدی و نیلوفر حامدی، روزنامه‌نگاران شجاعی که بازداشت و مراسم تدفین

مهسا ژینا امینی را گزارش کرده بودند، اعلام کرد
به دلیل "انتشار تصاویری از کشف حجاب آنها
پس از آزادی از زندان" پرونده جدیدی برایشان
باز کرده است.

این پرونده سازی ها و محکومیت های چندباره برای
زندانیان سیاسی نشانه قدرت حکومت نیست،
نشانه ضعف و درماندگی اوست. زنان جسور و
آزادی خواهی که حتی در زندان ها دست از مبارزه
نمی کشند و هر چه احکام بیدادگاه های رژیم
سنگین تر می شود، مقاومت و تعرض آنان نیز
محکم تر و کوبنده تر می گردد.

گلرخ ایرایی، آنیسا اسداللهی، سروناز احمدی، فروغ

تقی‌پور، مرضیه فارسی، محبوبه رضایی، سپیده
قلیان، ارغوان فلاحی، شیوا اسماعیلی، پروین
میرآسان، نسیم سلطان بیگی و نرگس منصوری،
همگی از جمله زندانیان سیاسی مقاوم و رزمنده
ای هستند که به همراه نرگس محمدی دو هفته
پیش به جرم "فعالیت ضدامنیتی" از داخل زندانها
از حق تماس تلفنی و ملاقات با خانواده هایشان
محروم شدند. الهه محمدی و نیلوفر حامدی نیز
به "جرم" همخوانی آهنگ "سفرناک" از پشت
تلفن زندان از تماس تلفنی و ملاقات محروم شده
بودند. رویا حشمتی زیر ضربات شلاق به "جرم"
بی‌حجابی سرود رهایی زن میخواند و زندانیان از
پشت میله‌ها!

شلاق و زندان و تجدید محاکمات در واقع
اعتراف رژیم به بی‌نتیجه بودن این تمهیدات در
خاموش کردن مقاومت و تعرض در زندان و در
خارج زندان است. می‌گیرند و شلاق می‌زنند و
شکنجه و زندان می‌کنند که جامعه را خاموش
کنند؛ اما نتیجه معکوس می‌گیرند: آتش خیابان
از زندان‌هایشان سر بر می‌کشد!

به قول نرگس محمدی در پیام اینستاگرامی‌اش
”حضور زنان مقاوم و ایستاده بر سر عهد و پیمان
– چه در زندان و چه در خیابان... “ نشانه ” شکوه
و اقتدار جنبش زن، زندگی، آزادی “ است.

آزادی جامعه بدون آزادی زن ممکن نیست، و

مبارزه جامعه برای آزادی بدون مبارزه زنان به
پیروزی نمی‌رسد! زنان قهرمانی که در صف اول
انقلاب زنانه ایران کوچه و خیابان و دادگاه و زندان
را به عرصه نبرد با دژخیمان حاکم تبدیل کرده‌اند،
پرچم رهائی کل جامعه را در دست دارند. انقلاب
زنده و بالنده به پیش می‌رود، حتی در سیاه‌چال‌های
حکومت!

چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲

۱۷ ژانویه ۲۰۲۴

خامنه‌ای: مردم با "ظواهر متفاوت"

هم مؤمن‌اند!

کاظم نیک‌خواه

چند ماه است خامنه‌ای و بقیه سران حکومت با نگرانی در تلاش برپایی یک انتخابات "پرجمعیت" هستند. می‌دانند که مردم ذره‌ای برای حکومت و انتخاباتش تره خرد نمی‌کنند و ارزش قائل نیستند. خامنه‌ای که هفته‌های گذشته از یک "رقابت گرم انتخاباتی" سخن گفته بود، دیروز ۲۶ دی امام‌جمعه‌ها را جمع کرده و به آنها گفت "این مردم حتی با ظواهر متفاوت، مؤمن‌اند" و حق رای دارند. فوراً همه می‌فهمند منظور از "ظواهر

متفاوت“ چیست. منظور رنگ پوست و یا جنسیت
یا سن و سال و اینها نیست. بلکه به زبان آدمیزاد
بحث بر سر پوشش است. آن‌هم پوشش زنان.

بحث به‌سادگی بر سر بی‌حجابی است. او دارد
نه فقط به امام‌جمعه‌ها بلکه به کل گله‌های
عمله‌اکره حکومتی این پیام را می‌دهد که دندان
روی جگر بگذارید، به زنان بی‌حجاب حمله نکنید
تا آنها هم به پای صندوق‌های رای بیایند! کارشان
آن‌چنان زار است که ناچار شده‌اند دست به
دامان همان بی‌حجابانی بشوند که حجابشان را
زیر پا له کرده‌اند و حاضرند زندان و شکنجه را
تحمل کنند؛ اما طوق تحقیرآمیز حجاب اسلامی
را تحمل نمی‌کنند. همین روزها الهه محمدی و

نیلوفر حامدی را که تازه از زندان آزاد شده بودند
به دلیل ”ظاهر متفاوت“ یعنی بی‌حجابی دوباره به
زندان فراخواندند.

جالب است که خامنه‌ای تأکید می‌کند ”انتخابات
صرفاً تکلیف نیست؛ بلکه حق مردم است“. خیلی
ممنون عجب حقی! عجب لطفی! نماینده و وزیر
و وکیل سابق حکومتی را با دست و دلبازی حذف
کرده‌اند؛ اما به مردم با هر ظاهری ”حق انتخاب“
می‌دهند! حق انتخاب یعنی حق سیاهی‌لشکر
حکومت شدن. مردم هم جوابشان را دارند در
مدیای اجتماعی و رسانه‌ها محکم می‌دهند که کور
خوانده‌اید ما حجاب‌تان را باطل کرده‌ایم، نمایشات
انتخاباتی‌تان را هم بیشتر از قبل بایکوت می‌کنیم.

بازنشستگان در تجمعاتشان شعار می‌دهند "ما
دیگه رای نمیدیم از بس دروغ شنیدیم". این
جواب‌ها نشان می‌دهد که دور نیست روزی که
در توازن قوای کمی بهتر حتی نمایشات انتخاباتی
حکومت را مردم به هم بزنند و صندوق‌هایشان را
به آتش بکشند. به‌ویژه با این نوع وقاحت‌ها خشم
مردم تشدید می‌شود.

چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲

۱۷ ژانویه ۲۰۲۴

زندانیان سیاسی در استکهلم جایزه می گیرند

سوسن صابری

۱۵ ژانویه (۲۵ دی ماه) پنجاه و نهمین مراسم سالانه سوسک طلایی (Guldbagge) معادل اسکار در سوئد) برای اعطای جایزه به سینماگران در استکهلم برگزار شد. در بین برندگان، مارال نصیری بازیگر مقیم سوئد، از بین چهار کاندید، جایزه بهترین بازیگر زن نقش اول را به خاطر بازی در فیلم دشمن (motståndare) به کارگردانی میلاد عالمی دریافت کرد. وی نام زندانیان سیاسی را روی بدنش نوشته بود که توجه زیادی را به خود جلب کرد. هنگام دریافت جایزه گفت: "من اسامی ۷۱ زندانی سیاسی در ایران را روی بدنم نوشته‌ام. چند ماه ابتدای زندگی‌ام در زندان بودم و زندانیان سیاسی

برای نجاتم دست به اعتصاب غذا زدند و به همین خاطر من الان اینجا هستم.“ و در انتها جایزه‌اش را به معترضین و به زندانیان سیاسی در ایران تقدیم کرد.

مارال نصیری با این حرکت مهم و باارزشش مسئله زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی را یکبار دیگر در سطح میلیونی در جامعه سوئد و جهان و این بار از تریبون یک مراسم پرریننده و مهم هنری طرح کرد و صدای آنها شد. بار دیگر توجه مردم جهان به زندان‌ها و سرکوب در ایران معطوف شد. آن شب سپیده قلیان، توماج صالحی، مجاهد کورکور، رضا رسایی، پژمان فاتحی، وفا آذربار، محمد فرامرزی و بقیه آن ۷۱ نفر زندانی سیاسی و حتی آنها که نامشان روی بدن مارال نوشته نشده بود، همگی در

سالن مراسم باشکوه اعطای جوایز حضور داشتند.

مارال با طرح اینکه در ماه‌های اول زندگی در زندان به سر می‌برده نیز عمق جنایت کار بودن جمهوری اسلامی را به‌خاطر نگه‌داشتن یک نوزاد در زندان در مقابل وجدان بیدار جهانیان قرار داد. کودک شیرخواره‌ای که به دلیل خشک شدن شیر مادرش، زندانی سیاسی اسیر در اوین، از گرسنگی روبه‌مرگ بوده و در نتیجه اعتصاب‌غذای اعتراضی سایر زنان زندانی موقتاً با مرخصی چندروزه آزاد می‌شود. وی با تقدیم کردن جایزه‌اش به زندانیان سیاسی در ایران نشان داد که مبارزه برای رسیدن به جامعه‌ای آزاد و عاری از زندان و زندانی سیاسی به انحای مختلف و در اقصی نقاط این کره خاکی همچنان ادامه دارد.

این حرکت قطعاً به جنبش اعتراضی با خواست آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، به‌ویژه این روزها که کارزار علیه مجازات اعدام و احکام اعدام در داخل و خارج ایران با قدرت در جریان است، کمک می‌کند. با قدردانی از مارال نصیری عزیز باید امیدوار بود که تعداد بیشتری از هنرمندان، از این فرصت‌ها و تریبون‌ها به نفع مبارزه مردم و تقویت انقلاب زن زندگی آزادی استفاده کنند.

چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲

۱۷ ژانویه ۲۰۲۴

صدها مدرسه در خطر فرونشست زمین

کیوان جاوید

یک مقام حکومتی در ایران خبر داد ۲۸۵ مدرسه در استان اصفهان تحت تأثیر فرونشست زمین قرار گرفته‌اند. استان‌های تهران، خراسان رضوی و اصفهان دارای بیشترین جمعیت در معرض خطر فرونشست زمین هستند.

دلایل فرونشست زمین به شیوه بهره‌برداری منابع زیر زمینی بر می‌گردد. برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی و خالی کردن سفره‌های زیر زمینی از آب، استخراج بی‌دروپیکر نفت و گاز و حفر غیرعلمی تونل برای گسترش خطوط مترو از جمله دلایلی است که در ایران بدون هیچ برنامه‌ریزی

کارشناسانه انجام می‌شود. سیاست رژیم نسبت به محافظت از خاک و زمین درست مثل همه سیاست‌های دیگر آن است. یعنی نابودی کل حیات و منابع طبیعی در ایران.

محمد مجتبایی، کارشناس و پژوهشگر در حوزه آب می‌گوید: "حفر بی‌رویه، غیراصولی و غیرکارشناسی چاه‌های آب و پمپاژهای گسترده منابع آب زیرزمینی در دهه‌های اخیر در کشور ما که در منطقه نیمه‌خشک و خشک قرار دارد صدمات و خسارات فراوانی را بر مخازن و منابع آب‌های زیرزمینی به‌عنوان منبع اصلی آب کشور وارد کرده است."

یکبار دیگر یادآوری کنیم که جمهوری اسلامی

هدفش از حکومت کردن چیزی جز غارت زندگی نیست. اینها میلیاردها برابر بیشتر از همه موریانه‌ها و آفت‌های جهان به جان طبیعت و به جان مردم افتاده‌اند تا هر آنچه را که می‌توانند نابود کنند و بر ثروت خود بیفزایند. ایران به‌عنوان یکی از غنی‌ترین و ثروتمندترین کشورهای جهان، سرآمد فقر و فلاکت در جهان است. پیش‌تاز نابودی همه جلوه‌های حیات. فرونشست مدارس اما خطر مرگ‌ومیر هزاران دانش‌آموز را به یک خطر فوری بدل کرده است. نباید اجازه داد با جان فرزندانمان این چنین بازی شود.

جمهوری اسلامی که در دشمنی با فعالین محیط‌زیست دست همه رژیم‌های دیکتاتور در جهان را از پشت بسته است، نه تنها قصد حفاظت

از محیط‌زیست ندارد؛ بلکه دقیقاً نابودی آن یک منبع درآمد نجومی برای حافظان این حکومت است. با این وجود تنها امید باقی‌مانده برای ما و نسل‌های بعد از ما، مبارزات سازمان‌یافته و اعتراضات گسترده خیابانی است. مبارزه علیه نابودی محیط‌زیست می‌تواند سراسری‌ترین و متحد‌کننده‌ترین خواست همه مردم باشد. در این زمینه مردم اراک طی چند هفته گذشته پیش‌تاز بوده‌اند. باید تجمعات اعتراضی اراکی‌ها را سرمشق قرار داد و از آن الگو گرفت.

چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲

۱۷ ژانویه ۲۰۲۴

فرهنگ و هویتی که مردم نمی‌خواهند

میلاد رابعی

ابراهیم رئیسی در جمع کارمندان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ایراد سخنانی تکراری و نخ‌نما در مورد “فرهنگ و هنر” پرداخت. سخنانی که از فرط تکرار همه جامعه آن را از بر است. وی: “تلاش برای تحقق، حفظ و ارتقای هویت ایرانی - اسلامی و همچنین شناخت و به‌کارگیری بهترین، مؤثرترین و به‌روزترین ابزار و روش‌ها برای مقابله با تهدیدات هویت ایرانی - اسلامی را چهار مأموریت بسیار مهم و اساسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دانست.”

عبارت “فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی” سال‌ها

است که مدام در سخنان سران رژیم تکرار می‌شود. در ابتدای انقلاب قرار بود این فرهنگ و هویت تنها اسلامی باشد و بس، اما کم‌کم و با هرچه بی‌رنگ‌تر شدن حنای اسلام، عبارت “ایرانی” هم به آن افزوده شد تا گله پر شمار ادبا و شعرای ملی - اسلامی را هم راضی کند و بخشی از ناسیونالیسم پرو رژیم را هم با خود همراه سازند.

در این مطلب فرصت پرداختن به محتوای فرهنگ و “هویت” مورد اشاره حضرات نیست؛ اما آن چه ذکرش لازم است این است که یک‌درصدی‌های حاکم که تمام ثروت کشور را در اختیار دارند و شیوه زندگی لوکس و فوق مرفهی متفاوت از مردم دارند، مبلغین اصلی این فرهنگ هستند درحالی‌که پشت پرده حتی خودشان هم به این

شیوه زندگی نمی‌کنند. ”فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی“ موردنظر این اقلیت انگل و مفت‌خور هیچ ارتباطی به مردم و سبک زندگی مردم ندارد. هدف از اشاعه این فرهنگ که چیزی جز تقدیس مرگ و تباهی و ترویج جهل و خرافه و تسلیم و رضا نیست، ایجاد شرایطی مناسب‌تر برای سوارشدن بر گرده مردم و مکیدن خون آن‌ها است.

جوانانی که دست‌اندرکار سرنگون ساختن این رژیم هستند بزرگ‌ترین دشمنان این فرهنگ و هویت هستند. سران حاکم نیازی نیست در خارج از مرزها به دنبال دشمنان فرهنگی بگردند. کافی است نگاهی به زندگی مردم، علایقشان، آمال و آرزوهایشان و موسیقی و سینما و هنری که دنبال می‌کنند، بیندازند.

فرهنگی که حکومت آن را نمایندگی می کند کم تر از سیاست و اقتصاد و سایر عرصه ها مردم را به ستوه نیاورده و یکی از دلایل اصلی انزجار مردم از این حکومت است. حجاب به عنوان یکی از مظاهر همین فرهنگ ایرانی - اسلامی این چنین توسط زنان در ایران زیر ضرب قرار گرفته است. امروز جنبش عظیم خلاصی فرهنگی در ایران در جریان است که با خلاص شدن از شر کلیت این رژیم به پیروزی خواهد رسید.

چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲

۱۷ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۳۰

۱۸ ژانویه ۲۰۲۴ - ۲۸ دی ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

همه تخم مرغ ها در سبد موشک ها!

محسن ابراهیمی

هذیان گویی های رئیس جمهوری جلاد

شهلا دانشفر

مازوت سوزی جنایت است!

سینا پدرام

زنان تاریخ ساز، زنانی از جنس پولاد

آذر پویا

همه تخم مرغ ها در سبد موشک ها!

محسن ابراهیمی

چند هفته است که عملیات موشکی حکومت اسلامی و نیروهای نیابتی اش در منطقه افزایش پیدا کرده است. حمله موشکی در خاک عراق و پاکستان دو نمونه اخیر هستند.

معلوم می شود که حکومت اسلامی فقط فقر و فلاکت و بیخانمانی، اعتیاد، کودک کار و آلودگی هوا و نابودی دریاچه ها و جنگل ها تولید نمی کند. در کنار اینها از یکطرف میلیون ها انسان منزجر از دین و معترض به حکومت اسلامی تولید می کند و از طرف دیگر در تولید راکت و پهپاد و موشک هم سرآمد است. آن قدر انبوه که حزب الله و

حماس و حوثی‌ها و باندهای شیعی در عراق سهل است، حتی ولادیمیر پوتین هم می‌تواند از نعمات موشکی و پهپادی و راکتی آیت‌الله‌ها مستفیض شود! فقط حزب‌الله در زرادخانه‌اش ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار راکت، پهپاد و موشک در اختیار دارد که هدیه ناقابل‌خامنه‌ای به برادر عمومه‌اش حسن نصرالله است!

سؤال این است که حکومتی که اقتصاد کشوری به بزرگی ایران را به قعر ویرانی و زندگی ده‌ها میلیون انسان را به خاک سیاه نشانده است، چرا این قدر روی تولید بلاوقفه و انبوه پهپاد و راکت و موشک تمرکز کرده است؟

پاسخ کوتاه و سراسر است به این سؤال این است: حکومت اسلامی مدت‌هاست بقایش در داخل را به دم موشک‌هایش در خارج بسته است.

موشک‌هایی که در مواردی فقط پرتاب می‌شوند تا حکومت اسلامی در قامت یک بازیگر منطقه‌ای با اقتدار ظاهر شود. تصور می‌کنند بی‌اقتداری در داخل را می‌توانند با ”اقتدار“ در خارج جبران کنند. اگر دقت کنید، هر چقدر چالش‌های سیاسی در داخل خطرناک‌تر شده است، موشک‌پرانی در خارج اهمیت بیشتری پیدا کرده است. هر چقدر محور انقلاب در داخل قوت بیشتری گرفته، همان قدر اتکا به ”محور مقاومت“ خارج بیشتر شده است. ”محور مقاومتی“ که موشک و پهپاد و راکت بیشتری لازم دارد تا پوسیدگی ایدئولوژیک – سیاسی‌اش را جبران کند و به حیاتش ادامه دهد!

حکومت اسلامی، حکومت شهروندان در داخل نیست؛ حکومت حشدالشعبی و حزب‌الله و حماس

و جهاد اسلامی و حوثی‌ها در خارج است. یک هدف
مهم تقویت آنها در منطقه، ظاهرشدن به‌عنوان یک
دولت مقتدر و بانفوذ در منطقه و از این طریق
قدرت‌نمایی در مقابل شهروندان است. حکام
اسلامی چون سبیدی امن در داخل ندارند، همه
تخم‌مرغ‌هایشان را در سبد موشک‌ها گذاشته‌اند.
اما دیکتاتورها را مردم سرنگون می‌کنند. اگر حتی
یک دیکتاتور را موشک توانسته است نجات دهد،
دومی می‌تواند جمهوری اسلامی باشد!

پنج‌شنبه ۲۸ دی ۱۴۰۲

۱۸ ژانویه ۲۰۲۴

هذیان‌گویی‌های رئیس‌جمهوری جلاد

شهلا دانش‌فر

ابراهیم رئیسی این سمبل کشتار و جنایت که مردم او را جلاد می‌خوانند، در جریان دیداری از بخش‌های مختلف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهاراتی داشت که بیانگر حال و وضع حکومت است. او در سخنانش “آزادی بیان و قلم” را جزو بزرگ‌ترین دستاوردها و افتخارات جمهوری اسلامی ایران خواند و گفت که برخی تلاش دارند با قلم و بیان زهرآگین خود، آنها را مخدوش کنند و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید از به‌ثمرر رسیدن این تلاش‌ها ممانعت کند.

ظاهراً رئیسی شعارها و گفتمان‌های سراپا خشم و

نفرت مردم در کف خیابان، فراخوان‌ها و بیانیه‌های اعتراضی مردم را “آزادی بیان و قلم” در جمهوری اسلامی قلمداد می‌کند، تا صورتشان را با سیلی سرخ نگاه دارد. چون علی‌رغم همه سرکوبگری‌هایشان زورشان نرسیده این صداها را خاموش کنند. از جمله فریاد شعارهایی چون “دولت شش کلاسه، غرق در اختلاسه!”، “رئیزی بی‌عرضه برگرد برو تو حوزه”، “تنگ ما تنگ ما دولت الدنگ ما”، “رئیزی دروغگو حاصل وعده‌ها کوه” در کف خیابان و در گفتمان‌های گروه‌های مبارزاتی مردمی نشانه‌های بارزی از فضای اعتراضات مردمی است. شعارها و گفتمان‌هایی که در تداوم فریاد مرگ بر دیکتاتور و زن زندگی آزادی قرار دارند.

اما رئیزی در کنار مباحثات بر “آزادی بیان و قلم” در جمهوری اسلامی، فرمان شکستن قلم‌هایی را

می‌دهد که به قول وی زهراآگین‌اند. زهراآگین‌اند چون کل بساط جهنمی جمهوری اسلامی را همراه با خرافه و مذهب و تمامی ارکان پایه‌های اش به چالش می‌کشند.

تأکید دیگر رئیسی در این دیدار بر شناخت و به‌کارگیری بهترین، مؤثرترین و به‌روزترین ابزار و روش‌ها برای مقابله با تهدیدات هویت ایرانی-اسلامی به‌عنوان مأموریت اساسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. عرصه‌ای که در آن جمهوری اسلامی شکست بزرگی خورده است. به‌ویژه در انقلاب ”زن زندگی آزادی“. در پی چنین شکستی است که امروز رئیسی در دیدار از وزارت ارشادش بر ضرورت حرکت تحولی و جهادی برای حفاظت از ”هویت فرهنگی و دینی کشور“ سخن می‌گوید. این سخنان رئیس‌جمهور حکومتی در سرایش

سقوط است.

پاسخ رئیسی جلاد را باید در کف خیابان داد. همانطور که فریاد زدیم "تجمع اعتراض حق مسلم ماست"، باید بر آزادی بیان و عقیده و وسیع‌ترین آزادی‌های سیاسی و نیز آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی تأکید کنیم. جمهوری اسلامی با تمام دمودستگاه وزارت ارشاد و مذهب و خرافه‌اش نابود باید گردد.

پنج‌شنبه ۲۸ دی ۱۴۰۲

۱۸ ژانویه ۲۰۲۴

مازوت سوزی جنایت است!

سینا پدرام

به گزارش خبرگزاری‌ها و ویدئوهای پخش شده در مدیا اجتماعی تعدادی از ساکنان اراک در اعتراض به آلودگی هوای این شهر بر اثر مازوت سوزی در نیروگاه شازند، روز سه‌شنبه ۲۶ دی‌ماه بار دیگر به خیابان‌ها آمدند. شهروندان ساکن اراک در هفته‌های اخیر دو تجمع اعتراضی دیگر نیز داشتند که با حمله نیروهای انتظامی همراه بود.

استفاده از سوخت‌های فسیلی از جمله مازوت، در نیروگاه‌های مختلف ایران که بیشترشان قدیمی

و فرسوده هستند، به آلودگی هوا از طریق تولید گازهای فسفری و گوگردی دامن زده است. اینکه یک جنایت خاموش و گسترده در سرتاسر ایران به وقوع می‌پیوندد و هر روز به ابعاد آن افزوده می‌شود، بر هیچ ناظر بی‌طرفی پوشیده نیست. اما بی‌طرفی نیز افاقه نمی‌کند. باید کاری کرد و این کار بی‌هیچ تردیدی نیاز به مشارکت هر چه بیشتر مردم دارد.

می‌توان به سراغ راه‌حل‌های پزشکی و غذائی برای مقابله با آلودگی هوا و دیگر آلودگی‌های محیط زیستی رفت و لیستی از مواد غذائی و دارویی برای کمتر کردن مخاطرات حاصل از آلودگی هوا پیدا کرد. اما چند درصد از شهروندان ایران واقعاً چنین امکانی را دارند. ۹۹ درصد جامعه برای تهیه

ساده‌ترین مایحتاج زندگی همواره درگیر هستند.

فجایع محیط زیستی در ایران بعد میلیونی دارد و بدون به میدان آمدن میلیون‌ها انسانی که ناخواسته در معرض این تعرض جسمی و روحی قرار دارند، پایانی برای آن قابل تصور نیست. اعتراضات عمومی در شهرهای مختلف جایگاه ویژه‌ای در مبارزه بر علیه این جنایت سیستماتیک دارد. سازماندهی مردم محلات و شهرها بر محور خواسته‌های رفاهی و محیط زیستی راهکاری مؤثر برای جلوگیری از فجایعی است که منتظر وقوع هستند.

خواست مردم اراک و خواست مردم قره قشلاق سلماس و دیگر شهرها و استان‌های ایران، حق

داشتن محیط زندگی پاک و بدون آلودگی است.
این خواست با سیاست‌های رژیم اسلامی که تماماً
در خدمت منفعت آیت‌الله‌های میلیاردی است، در
تضاد پایه‌ای قرار دارد. اما برای تحقق هر خواستی
نیاز به سازماندهی در شبکه‌های اجتماعی بر حول
این خواست‌های مشخص نقش کلیدی را می‌تواند
ایفا کند.

پنج‌شنبه ۲۸ دی ۱۴۰۲

۱۸ ژانویه ۲۰۲۴

زنان تاریخ‌ساز، زنانی از جنس پولاد

آذر پویا

انقلاب زن‌زندگی آزادی در رگ‌های جامعه جهانی در جریان است و هر روز این سیل خروشان از جایی سر بیرون می‌زند و توجه جهانیان را به خود جلب کرده، جوایزی را به خود اختصاص می‌دهد.

آخرین مورد، جایزه سوسک طلائی است که هر ساله به برترین محصولات سینمایی در سوئد داده می‌شود. مارال نصیری به‌عنوان بهترین هنرپیشه زن سال ۲۰۲۳ برنده جایزه امسال بود. مارال که در کودکی به همراه مادرش زندان‌های جمهوری اسلامی را تجربه کرده است با نوشتن نام ۷۱ زندانی سیاسی بر بدنش برای دریافت جایزه بروی

صحنه رفت و ضمن تقدیر از زندانیان سیاسی و فعالین انقلاب زن زندگی آزادی جایزه‌اش را به این عزیزان تقدیم کرد. ما ضمن تبریک به مارال نصیری برایش آرزوی موفقیت‌های بیشتری داریم.

مارال اولین نفر نبود و یقیناً آخرین کسی هم نخواهد بود که جایزه می‌گیرد. پیش‌تر دیدیم که استاد بزرگ شطرنج سارا خادم‌الشریعه مدال نایب‌قهرمانی خود در مسابقات بلیتز اروپا را به الهه محمدی و نیلوفر حامدی، دو خبرنگار شجاعی که به‌تازگی از زندان آزاد شده‌اند تقدیم کرد. جایزه نوبل نرگس محمدی و جایزه ساخاروف به زنده‌یاد مهسا امینی را هم فراموش نکرده‌ایم.

از طرفی، ایستادگی و جسارت سپیده رشنو

روزنامه‌نگار و نویسنده را در مقابل مأموران
”بهشت اجباری“ دیدیم، سپیده دستگیر و شکنجه
شد از او اعترافات اجباری گرفتند و با صورت
ورم کرده و کبود در معرض دید عموم قرار دادند
تا درس عبرتی برای دیگران باشد. هزاران نفر به
حمایت از او برخاستند، حاکمان سراسیمه آزادش
کردند و زنان جوان دیگری از او درس شجاعت و
ایستادگی آموختند. سپیده مجدداً به جرم گناهان
نکرده زندانی شد؛ ولی دیوارهای بلند زندان هم
نتوانست صدای او را خاموش کند. در شرح ماجرای
سفر به زادگاهش روحیه ایستادگی و جسارتش
تحسین برانگیز است.

رؤیا حشمتی اسطوره دیگری است که نام
غرورآفرینش در مدیای اجتماعی دست‌به‌دست

می‌گردد. می‌بینیم چگونه با زمزمه سرود رهائی زن، درد ۷۴ ضربه شلاق را قابل تحمل می‌کند و شکنجه‌گران را به سخره می‌گیرد. پیش‌تر نیز سپیده قلیان این نماد شور و شهادت بلافاصله بعد از آزادی‌اش فریاد ”خامنه‌ای ضحاک“ سر داده بود. به این لیست می‌توان نام صدها زن مبارزی را اضافه کرد که از انقلاب ۵۷ تا کنون پرچم آزادی را برافراشته نگه داشته‌اند. تاریخ آزادی جامعه با نام این عزیزان عجین شده است. این پرچم را تا تحقق بخشیدن به دنیای زیبای رؤیاهایمان زمین نخواهیم گذاشت.

پنج‌شنبه ۲۸ دی ۱۴۰۲

۱۸ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

زورنال

شماره ۶۳۱

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

۲۰ ژانویه ۲۰۲۴ – ۳۰ دی ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

کمپین جهانی علیه اعدام و چشم انداز آن

مصطفی صابر

۲۳ سال قبل، شعله های آتش بر حجاب اسلامی

مصاحبه با مهین علیپور

قطعنامه علیه حجاب اجباری و آپارتاید جنسی

قطعنامه علیه حجاب اجباری، ۲۳ سال پیش

کریم سیاحی و صدای پُرتنین کارگران

یاشار سهندی

کمپین جهانی علیه اعدام و چشم انداز آن

مصطفی صابر

در گزارشی که شنبه هفته پیش از هفته کارزار جهانی علیه اعدام در ایران به خوانندگان ژورنال دادم گفتم هر لحظه آمار ها تغییر میکند. اکنون تعداد تشکل ها و احزاب حمایت کننده از خارج و داخل ایران به بالای ۱۰۰، آمار افراد امضاء کننده به بالای ۸۰۰ و تعداد شهرهای جهان که به تظاهرات های جهانی علیه اعدام پیوسته اند به بالای ۴۰ شهر رسیده است.

اما آمار هنوز گویا نیست. شما باید در جلسه همین پنجشنبه ما در پلتفرم زوم که مستقیما از یوتیوب

پخش شد بودید تا حتی در همان یک جلسه هم
بوضوح ببینید که چگونه این کارزار طیف وسیعی
را در داخل و خارج بهم وصل کرده است. از شعله
پاکروان ها و مینا احدی ها و دیگر مبارزان قدیمی
علیه اعدام گرفته تا خانواده های اعدامی ها به بهانه
مواد مخدر، از فعالین جوان انقلاب زن زندگی آزادی
تا کسانی چون پوران ناظمی ها و شهناز مرتب ها
و خانواده های دادخواه تا دانشجویان دانشگاه های
سراسر ایران.

این لحظه که این سطور را با عجله مینویسم هنوز
تظاهرات های امروز ۲۰ ژانویه (۳۰ دی) در ۴۰ شهر
جهان شروع نشده است. اما همه فعالین پرشوری
که این تظاهرات ها را تدارک دیده اند به فکر این
هستند که ادامه این حرکت چه خواهد شد. این

اکنون داغ ترین سوال در گروه تلگرامی ماست
که بیش از ۹۰ فعال کل این حرکات را سازمان
میدهند.

به اطلاع تان برسانم که یکشنبه ۲۱ ژانویه ساعت
۷ شب به وقت اروپا کارزار جهانی علیه اعدام جلسه
علنی در زوم خواهد داشت که طبق سنت همیشگی
ما بطور زنده از یوتیوب پخش میشود. اگر میتوانید
و فیلترینگ در داخل اجازه میدهد خودتان را حتما
به یوتیوب برسانید. چرا که در آن جلسه فعالین
این چهل شهر جمع خواهند شد تا از تظاهرات شان
گزارش بدهند و از کل حرکت جمعبندی کنند و
چشم انداز آینده این کارزار را تعریف کنند.

شخصا چشم انتظار جلسه یکشنبه هستم. امیدوارم

که این حرکت که شروع نوع جدیدی از اتحاد و همکاری بین فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در خارج و داخل کشور بوده است را حول مبارزه علیه اعدام با قدرت و وسعت بیشتر به پیش ببریم. هم اکنون ما اسامی بیست نفر از زندانیان سیاسی از سراسر ایران از جمله کردستان و بلوچستان را فراهم آورده ایم و امیدوارم که حرکت بعدی ما یک کارزار جهانی حتی وسیع تر برای توقف اعدام این عزیزان و قدمی مهم در مبارزه علیه اعدام، این قتل عمد دولتی باشد.

شنبه ۳۰ دی ۱۴۰۲

۲۰ ژانویه ۲۰۲۴

۲۳ سال قبل،

شعله های آتش بر حجاب اسلامی

مصاحبه با مهین علیپور

کیوان جاوید: شما احتمالاً اولین نفری بودید که حجاب اسلامی را در خارج از ایران - در استکهلم سوئد آتش زدید. چه سالی بود، چرا این کار را کردید، واکنش های مردم چه بود، آیا مقامات دولت سوئد یا گروه های سیاسی ایرانی و غیر ایرانی واکنشی نشان دادند؟

مهین علیپور: من هم فکر می کنم اولین بار بود که حجاب به شعله های آتش سپرده شده بود و افتخار می کنم که این کار به دست من صورت گرفت. سال

۲۰۰۱ خود را برای ۸ مارس، روز جهانی زن آماده میکردیم. من و رقفایم که با تشکلی بنام ”کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران“ فعالیت میکردیم با طرح یک هفته‌ای بزرگ، فراگیر و بین‌المللی برای ۸ مارس به توافق رسیدیم. ویژگی خاص این کمپین این بود که تلاش و فوکوس ما روی ضدیت با حجاب اجباری در ایران و افشای هدف رژیم از محجبه کردن نیمی از مردم در ایران بود. این کمپین سراسری رو به ایران هم اعلام شد و مورد استقبال زیادی قرار گرفت.

برای ما فعالینی که تجربه حجاب اجباری در ایران را داشتیم درک اینکه حجاب سمبل بردگی زن و آپارتاید جنسیتی در ایران است بسیار ساده بود. ولی بعد از مدتی زندگی در خارج از کشور به این نتیجه

رسیدیم که بسیاری از مردم بخصوص فمینیست‌های اروپایی این درک را ندارند و حجاب را یک تکه پارچه معمولی می‌پندارند و از بی‌حقوقی‌های بسیاری که پس از محجبه کردن نیمی از جامعه گریبانگیر زنان میشود بی‌خبرند. بنابراین این کمپین دو هدف اصلی را دنبال میکرد. اول اینکه رو به ایران با یک آپارتاید جنسیتی که به زور و اجبار با شعار ”یا روسری یا توسری“ زنان را محجبه کرده بود مقابله شود و نشان بدهیم که مبارزه با این آپارتاید در ایران ابتدا با زیر گرفتن نماد و همانا پرچمش که حجاب اجباری باشد صورت خواهد گرفت. ما به این نتیجه رسیده بودیم که مبارزه علیه حجاب یکی از عرصه‌های اصلی مبارزه جنبش برابری طلبانه زنان با جمهوری اسلامی است. دوم اینکه به جامعه خارج از

کشور نشان دهیم که حجاب یک تکه پارچه نیست بلکه نماد بردگی و اسارت زن است و پیرامون این جنبش حمایت و همدلی ایجاد کنیم.

این کمپین یک قطعنامه ۷ ماده ای، علیه حجاب اجباری و آپارتاید جنسی هم داشت که به زبانهای مختلف ترجمه و بطور وسیعی در برنامه‌های این کمپین پخش شد. بند اول این قطعنامه محکوم کردن حجاب اجباری و بند آخر، خواست جدائی دین از دولت و آموزش و پرورش و ایجاد یک جامعه سکولار بود.

ما از اول به این باور بودیم که در انقلاب آتی در ایران، زنان نقش مهمی خواهند داشت و اولین سنگر

مبارزه، مبارزه با حجاب اجباری خواهد بود و اسناد و مدارک بسیاری از فعالیت‌های طولانی ما این را نشان می‌دهد.

برای این کمپین یک هفته‌ای بطور بین‌المللی در دهها شهر اروپا، کانادا، آمریکا، استرالیا برنامه‌های متنوعی مانند برگزاری نمایشگاه، کنفرانس، ملاقات با شخصیت‌های تاثیر گذار، تظاهرات در برابر سفارت‌های جمهوری اسلامی و بسیاری برنامه‌های دیگر در نظر گرفته شد که به تظاهرات خیابانی ۸ مارس و حجاب سوزان ختم میشد.

این فعالیت‌ها با استقبال و انعکاس قابل توجهی چه در ایران و چه در خارج از ایران، مواجه شد. در آن

سال ۸ مارس در ایران هم در نوع خود بیسابقه بود و مراسم‌های متعددی در شهرهای مشهد، کامیاران، شهر کرد، کرمانشاه، سنندج، بوکان، سقز، تهران و کرج برگزار شد که در تمامی برنامه‌های خود با شعار “نه روسری نه توسری” و پرت کردن و حتی سوزاندن حجاب همراه با رقص و شادی نشان دادند که مبارزه با حجاب در ایران سرآغاز جنبش برابری طلبانه زنان است.

من که در آن زمان مسئول تشکل “کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران” بودم در روز ۸ مارس در میدان اصلی شهر استکھلم حجاب را سوزاندم. هدف همان بود که قبلاً توضیح دادم. سوزاندن حجاب در استکھلم در چندین روزنامه اصلی سوئدی منتشر شد

و در چندین مصاحبه از من خواسته شد که هدف از این اقدام را توضیح بدهم. کمپین یک هفته‌ای علیه حجاب اجباری کمپین بسیار موفقی بود و توجه وسیعی را در کشورهای مختلف به خود جلب کرد.

عکسی که در آن روز از من در حال سوزاندن حجاب گرفته شد بارها و حتی بعد از انقلاب زن زندگی آزادی در ایران، مورد استفاده در مقالات متعدد ژورنالیست‌ها، قرار گرفته است.

در آنروز ما فریاد میزدیم:
نه به حجاب، این سمبل بردگی زن
زنده باد آزادی و برابری
نابود باد جمهوری اسلامی

و ما امروز در شرایطی بسیار متفاوت که آوازه انقلاب
زنانه در سراسر جهان پیچیده و احترام و همبستگی
بسیاری از مردم جهان را بخود جلب کرده است،
همچنان ادامه میدهیم. خوب است اشاره کنم که
فعالین حزب کمونیست کارگری که من هم افتخار
عضویت در این حزب را دارم نقش بسیار ویژه ای
در این کمپین داشتند. در همین رابطه در آن زمان،
یعنی ۲۳ سال پیش قطعنامه ای صادر شده است که
در همین شماره ژورنال جداگانه منتشر می شود.

شنبه ۳۰ دی ۱۴۰۲

۲۰ ژانویه ۲۰۲۴

قطعنامه علیه حجاب اجباری

و آپارتاید جنسی

قطعنامه علیه حجاب اجباری، ۲۳ سال پیش

حجاب یکی از ارکان اصلی نظام زن ستیز اسلامی و سلاحی برای سرکوب و عقب راندن زنان بطور خاص و جامعه بطور کلی، در طول حاکمیت جمهوری اسلامی بوده است. حجاب سمبل و پرچم این نظام است. و به همین خاطر است که جمهوری اسلامی در برابر مقاومت و نافرمانی زنان در مقابل حجاب اجباری کمترین تحمل را نشان نداده و آنرا بشدت سرکوب میکند.

مبارزه با حجاب هم اکنون به یکی از اصلی ترین

عرصه‌های مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است و هر درجه عقب‌نشینی رژیم در این مورد جنبش برابری طلبانه را یک قدم به جلو خواهد برد.

ما امضا کنندگان زیر خواهان:

۱ - محکوم کردن حجاب اجباری

۲ - محکوم کردن اعمال وحشیانه جمهوری اسلامی،

از جمله شلاق زدن و زندانی کردن، برای تحمیل

حجاب اجباری

۳ - محکوم کردن آپارتاید جنسی و بی‌حقوقی و

تحقیر زنان

۴ - ممنوع کردن حجاب برای دختران زیر ۱۶ سال

(از آنجایی که تحمیل حجاب به دختران زیر ۱۶

سال نقض آشکار حقوق ابتدایی و انسانی کودکان

می‌باشد و از آنجایی که حجاب نه تنها دختران را از

داشتن یک زندگی شاد، برابر و فعال محروم میکند
بلکه مانع رشد آزاد، سالم و طبیعی آنان میگردد)
۵ - آزادی پوشش بعنوان ابتدایی‌ترین حق انسانها
۶ - حمایت از مبارزات زنان و مردم در ایران در
جهت نابودی کامل حجاب اجباری
۷ - حمایت از مبارزات رادیکال و مترقی زنان و
مردم در ایران برای کسب آزادی، سکولاریسم و
جدایی مذهب از دولت

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری
ایران، ۷ مارس ۲۰۰۱

شنبه ۳۰ دی ۱۴۰۲

۲۰ ژانویه ۲۰۲۴

کریم سیاحی و صدای پُرتنین کارگران

یاشار سهندی

”این صدای من، صدای همه مردان و زنان کارگران ایرانیه“. این فریاد یکی از کارگران فولاد اهواز، کریم سیاحی، در جمع اعتراضی این کارگران در بازار اهواز در سال ۹۷ است. کریم سیاحی یکی از سمبل‌های اعتراضات کارگران فولاد اهواز است که یکصد و فریاد می‌زدند و می‌زنند ”ما کارگران آه‌نیم، ریشه ظلمو میکنیم.“

وقتی کریم به سخن در می‌آمد همه گوش میشدند. در یکی از تجمعات کارگران فولاد در سطح شهر، کریم در قدردانی از دانشجویان شاخه گلی به

آنها تقدیم کرد و گفت: ”این شاخه گل تقدیم به دانشجویانی است که صدای حق ما را شنیدند و کنار ما ایستادند. و این خار به چشم کسانی که جلوی شما را گرفتند و میخواستند مانع شوند. ما هم خار میشویم توی چشمشان.“

کریم سیاحی بارها بازداشت و از کار اخراج گشت. در سال ۹۷ یا یورش شبانه به منزل کارگران ۱۵ نفر از کارگران مبارز فولاد اهواز دستگیر شدند که یکی از آنها کریم سیاحی بود که با مبارزات و اعتراضات کارگران فولاد اهواز همکارانشان آزاد شدند. در دور جدید اعتصاب کارگران فولاد اهواز یکی از خواسته‌هایشان بازگشت کریم سیاحی به سرکار بود. اما تاکنون محقق نشد و خود کریم سیاحی برای

گرفتن حق خود، یعنی بازگشت به کار تصمیم به
تحصن شبانه روزی در مقابل شرکت فولاد اهواز
گرفت. اما بی خبر از او مسئولان شرکت پدر و مادر
او را فرا میخوانند و قول میدهند که تا دوشنبه ۲
بهمن به سرکار برگردد و کریم تنها و تنها به احترام
قول پدر و مادرش تحصن خود را شکست اما چون
میداند "مسئولین این مملکت" از ریز و درشت وعده
هایشان برای سردواندن و وقت کشی است، تاکید
کرد اگر به وعده خود عمل نکنند تحصن خود را تا
به آخر ادامه خواهد داد.

اینکه مسئولان شرکت فولاد به سرعت دست به کار
شدند و از پدر و مادر کریم سیاحی مدد خواستند
نشان از ترس آنهاست که مبادا مجددا شعله

اعتصاب در میان کارگران فولاد اهواز که تجربه
پیروزی در اعتصاب را هم چشیده اند بالا بگیرید. تا
اینجا حمایت‌های زیادی از کارگران شده اما صدای
کریم باید انعکاس بیشتری یابد. باید تا به آخر از
”یکی از حنجره های قدرتمند حقوق پایمال شده
کارگران فولاد“ حمایت کرد. صدای کریم تنها برای
حق خواهی کارگران بلند شده است باید این صدا
پژواک بلندتری یابد. برگشت به کار کریم سیاحی
یعنی تحقق کامل پیروزی کارگران فولاد.

شنبه ۳۰ دی ۱۴۰۲

۲۰ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۳۲

۲۱ ژانویه ۲۰۲۴ - ۱ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

تبوتاب اعتراضی گسترده در نفت

شهلا دانشفر

خط و نشان‌های جدید حکومت علیه دانشجویان

اصغر کریمی

سرمایه‌داری بحران‌زده در ایران

سینا پدرام

خلع سلاح اتمی با ریاست حکومت اسلامی!

کاظم نیکخواه

پرتاب موشک به قلب کودکان، اقتدار پوشالی!

محسن ابراهیمی

تب و تاب اعتراضی گسترده در نفت

شهلا دانشفر

دامنه اعتراضات در نفت گسترده‌تر شده و با ورود قدرتمندتر کارگران ارکان ثالث و قراردادی ابعاد جدیدی پیدا کرده است. حذف پیمانکاران و افزایش حقوق‌ها دو مطالبه کلیدی این کارگران است که هزاران کارگر را در بر می‌گیرد و ساختارهای سیاسی - اقتصادی حاکم بر نفت، این شاه‌رگ اقتصادی حکومت را نشانه می‌رود. ضمن اینکه خواست‌های فوری کارگران ارکان ثالث از جمله اصلاح و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل با هدف بهره‌مندی از مزایای برابر با سایر ارکان نفت، از جمله تخصیص و بهره‌مندی از بن کارت، نفت کارت و پاداش‌های مصوب وزارت نفت گامی در جهت تضعیف پیمانکاران و عقب‌زدنشان است.

بعلاوه روز گذشته کارگران قراردادی مناطق نفت خیز جنوب با مطالبه قرارداد مستقیم با وزارت نفت بار دیگر در اهواز تجمع داشتند. باتوجه به غالب بودن شکل استخدام های قراردادی طرح این مطالبه تکانی بزرگ به نفت می دهد.

این در حالی است که بیش از سه ماه است که اعتراضات کارگران رسمی نفت این بخش کلیدی شاغل در نفت علیه تعرضات معیشتی حکومت از جمله تعیین سقف حقوق، دست اندازی به صندوق بازنشستگی و بی پاسخ ماندن مطالباتشان ادامه دارد.

این چنین است که اعتراضات نفت را فراگرفته و می رود که سراسری شود. به خبرهایی از چند روز اخیر نگاه کنیم:

-در دو روز گذشته کارگران رسمی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغا جاری و شرکت فلات قاره در سیری، بهرگان و لاوان تجمع داشت.

-طبق اخبار منتشره شده شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت امروز یکم بهمن ماه کارگران ارکان ثالث نفت و گاز گچساران دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان مدیریت تجمع کردند.

- روز گذشته کارگران پالایشگاه‌های اول، سوم، پنجم تا دهم و دوازدهم پارس جنوبی اعتصاب و تجمع داشتند.

این تجمعات علی‌رغم تهدیدات حراست و مدیریت و به دنبال تجمع بزرگ کارگران ارکان ثالث مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز در ۲۵ دی صورت می‌گیرد. آنها در همبستگی با کارگران مجتمع گاز پارس جنوبی که دو روز قبلش اعتراضاتی داشتند، از اعتراضات هفتگی خود خبر داده و اعلام داشتند که در صورت عدم پاسخگویی مسئولین اعتراضاتشان گسترده‌تر خواهد شد.

اعتراضات دو روز اخیر کارگران ارکان ثالث پیرو
فراخوان‌های قبلی و اولتیماتوم‌هایشان به مقامات
مسئول صورت گرفت.

اعتراضات گسترده در نفت قدرت بخش جنبش
کارگری و زمینه‌ساز اعتصابات سراسری در سطح
جامعه است که خود حلقه‌ای مهم در قدرت‌گیری
خیزش مردمی در کف خیابان است. از اعتراضات
نفت وسیعاً حمایت کنیم.

یک‌شنبه ۱ بهمن ۱۴۰۲

۲۱ ژانویه ۲۰۲۴

خط و نشان‌های جدید حکومت

علیه دانشجویان

اصغر کریمی

معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد در اطلاعیه‌ای از تشکیل گروه‌هایی با نام “یاوران معروف” خبر داده است. در این اطلاعیه گفته شده که این افراد می‌توانند در انجام اقداماتی از جمله جلوگیری از ورود دانشجویان و استادان به داخل دانشگاه و حتی بیرون کردن آنها از این محوطه آموزشی مداخله داشته باشند. دانشجویان امیرکبیر در خبرنامه خود نوشته‌اند که این گروه “وظیفه آدم‌فروشی و مزاحمت برای دانشجویان، کارکنان و اساتید را خواهند داشت”.

ایجاد گروه “یاوران معروف”، محصول شکست

جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها است. دلیل اینکه جمهوری اسلامی علی‌رغم بازداشت‌های گسترده دانشجویان، تشکیل پرونده‌های انضباطی و محکومیت‌های انضباطی، اخراج دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها، تهدید خانواده دانشجویان و انواع دیگر سرکوب، به صرافت ایجاد "یاوران معروف" افتاده به حد کافی گویا است. توجه کنیم که چهل درصد بازداشتی‌های یک سال گذشته در کشور، دانشجو بوده‌اند.

دانشجویان یک رکن مهم جنبش اعتراضی هم در حکومت شاه و هم حکومت اسلامی بوده‌اند. در خیزش‌های ۷۸ به این سو نقش قابل‌توجهی داشته‌اند. ستون محکم انقلاب زن زندگی آزادی بوده‌اند و به دنبال فروکش تظاهرات‌های خیابانی، با پرفورمنس‌ها و بیانیه‌های مختلف نقش‌آفرینی می‌کنند. دانشجویان یکی از سازمان‌یافته‌ترین بخش‌های جامعه‌اند و پرچم مطالبات پیشرو

انقلاب را در دست دارند. بیانی‌های جمعی آنها در حمایت از اعتراضات کارگران، علیه حجاب و آپارتاید جنسیتی، علیه شلاق و اعدام، علیه حضور مقامات حکومت در دانشگاه‌ها و علیه سرکوب و بی‌عدالتی تأثیرگذاری زیادی در فضای سیاسی جامعه دارد. نقطه قوت مهم امروز اعتراضات دانشجویی این است که اعتراضات آنها علیه حجاب و سرکوب و اعدام و علیه سیاست‌های تروریستی در منطقه در سطح جامعه نیز جریان دارد و دانشگاه و کل جامعه بیش از هر زمان به هم وصل شده‌اند و به هم نیرو می‌دهند. همراهی استادان دانشگاه با دانشجویان نیز یک نقطه قوت بسیار مهم در این دوره است.

جمهوری اسلامی هم می‌خواهد از دانشجویان انتقام بگیرد و هم به‌ویژه می‌داند که موج‌های قدرتمندتر انقلاب در راه است و دانشجویان در خط مقدم آن قرار خواهند گرفت، می‌خواهد پیشگیری کند.

جواب این سرکوبگری‌ها را دانشجویان با بیانیه‌های اخیرشان در سطح سراسری داده‌اند. "ما اعدام را تحمل نمی‌کنیم و حکومت اعدامی را نابود خواهیم کرد" عنوان بیانیه مشترک دانشجویان سراسر کشور در ۲۸ دی‌ماه است که عزم راسخ دانشجویان در مقابله با دستجات مختلف سرکوب را نشان می‌دهد. همراهی تشکلهای مختلف مردمی و فعالین اجتماعی از دانشجویان گام بزرگی هم در عقب راندن سرکوبگران و هم در تحکیم اتحاد مردم علیه حکومت است.

یکشنبه ۱ بهمن ۱۴۰۲

۲۱ ژانویه ۲۰۲۴

سرمایه‌داری بحران‌زده در ایران

سینا پدرام

مرکز آمار در گزارشی حکومتی اعلام کرد: ۷۰,۴ درصد بیکاران فارغ‌التحصیل دانشگاهی زن هستند. ۴۲,۸ درصد از بیکاران کشور تحصیلات دانشگاهی دارند.

این گزارش ضمن انتشار آمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار کشور اشاره کرده است: در حالی که نرخ بیکاری کل کشور تا پایان پاییز ۱۴۰۲ به حدود ۷,۶ درصد کاهش یافته است، اما نرخ بیکاری جوانان (یعنی بیکاری افراد بین ۱۵ سال تا ۲۵ سالی که در

حال اشتغال هستند و نه در حال دریافت آموزش و انجام خدمت سربازی) حدود ۲۰٫۶ درصد است.

مشاهدات غیر آماری و روزمره نیز تبعیض جنسیتی در بازار کار را به روشنی مورد تأیید قرار می‌دهد. مسئله اشتغال زنان در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی از همان روزهای استقرار این رژیم در ایران به یک معضل اصلی تبدیل شد. آنچه در این گزارش‌های آماری چندان مورد بحث قرار نمی‌گیرد، سیاست بیکارسازی سیستماتیک زنان برای تحمیل دستمزدهای پایین‌تر و ایجاد یک نیروی کار ارزان برای سرمایه‌داری ایران است که به دلایل مختلف و از جمله دلایل سیاسی از جذب در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی و برخورداری از

تکنولوژی پیشرفته عقب مانده است. عدم تعادل میان مشارکت بالای دختران در آموزش های دانشگاهی و عالی و شرکت و جذب پایین این جمعیت در بازار کار در ایران نه یک پدیده اقتصادی صرف بلکه یک "سیاست" تبعیض آمیز عامدانه از جانب رژیم اسلامی می تواند و باید محسوب شود.

حجم وسیع مهاجرت نیروی کار متخصص از ایران به کشورهای هم جوار ایران و یا کشورهای به اصطلاح صنعتی نشان دهنده این عدم توازن در جذب نیروی کار ساده و ماهر در ایران ۴ دهه گذشته بوده است.

ناگفته پیداست که با توجه به وجود بحران سیاسی مزمن در ایران، سرمایه داری ایران با تکنولوژی

عقب‌مانده در شکل عام آن و سرمایه‌داری
”بحران زده“ نوع اسلامی – مافیایی به طور ویژه هیچ
سیاست برون‌رفت از بیکاری وسیع در بین جوانان و
بخصوص در میان دختران و زنان در ایران را ندارد.

اقتصاد بر مبنای انباشت سرمایه و سود در ایران
راه حل نیست. صورت مسئله‌ای است که انقلاب
جاری پاسخ سیاسی آن را در دست دارد.

یک‌شنبه ۱ بهمن ۱۴۰۲

۲۱ ژانویه ۲۰۲۴

خلع سلاح اتمی با ریاست حکومت اسلامی!

کاظم نیکخواه

”کنفرانس خلع سلاح اتمی“ وابسته به سازمان ملل متحد از روز سه‌شنبه ۳ بهمن‌ماه آغاز به کار می‌کند. فعالیت این کنفرانس به مدت چند ماه ادامه خواهد داشت. اینکه این فعالیت‌ها چیست از ادامه این خبر روشن می‌شود که قرار است جمهوری اسلامی هم برای دو هفته ریاست دوره‌ای این کنفرانس را به عهده داشته باشد.

معلوم نیست چگونه و چرا حکومتی که در مرکز تمام بحران‌های بین‌المللی قرار دارد، در کشتار انسان‌ها هیچ مضایقه‌ای ندارد، و آشکارا دارد تقلا می‌کند به سلاح اتمی دست پیدا کند و شعار

نابودی کل کشور اسرائیل با تمام جمعیت آن را سیاست خود قرار داده، توانسته است به ریاست کنفرانس "خلع سلاح اتمی" دست یابد. خود این به تنهایی نشان می‌دهد که این نوع کنفرانس‌ها مفت نمی‌ارزد. مدیر "دیدبان سازمان ملل" که فعالیت‌های سازمان ملل را رصد می‌کند، در مورد ریاست حکومت اسلامی بر کنفرانس در توییتی نوشت "ریاست خامنه‌ای بر خلع سلاح اتمی جهانی؛ مانند آن است که تجاوزکننده سریالی به زنان را مسئول پناهگاه زنان کند!"

سلاح اتمی درست در روزهای پایانی جنگ جهانی دوم برای اول بار تولید شد و توسط دولت ترومن از حزب دموکرات، در هیروشیما و ناگازاکی به کار گرفته شد و در نتیجه آن بین صد تا دویست

هزار نفر از مردم بلافاصله به قتل رسیدند. صدها هزار نفر نیز در اثر تشعشعات اتمی بعد از آن جانشان را از دست دادند و شمار بسیار بیشتری به امراض کشنده در اثر تشعشعات مبتلا گشتند.

ترس از قدرت نابودکننده عظیم این سلاح تاکنون باعث شده است که خوشبختانه تجربه تکان‌دهنده ناکازاکی و هیروشیما دیگر تکرار نشود. اما نفس ریاست حکومت ضدانسانی‌ای مثل جمهوری اسلامی بر کنفرانس، به‌روشنی نشان می‌دهد که امید به این نوع کنفرانس‌ها و جمع‌شدن‌ها کاملاً پوچ است و این نوع جلسات و کنفرانس‌ها فقط برای ژست‌های توخالی و حرف مفت است و مطلقاً کمکی به امنیت جهان در برابر خطر سلاح اتمی نخواهد کرد.

آنچه می‌تواند جهان را امن‌تر نماید نه این نوع
کنفرانس‌ها، بلکه جنبش‌ها و انقلاباتی مثل انقلاب
زن زندگی آزادی است که دست‌به‌کار به زیر
کشیدن حکومت اسلامی و کل سنت‌ها و نهادهایش
شده است. مردم دنیا فقط با نابودی چنین دولت‌های
کشتارگری می‌توانند نفس راحتی بکشند. بعد از
آن است که به راحتی می‌توان انرژی‌های نهفته
در طبیعت حتی انرژی اتمی را در خدمت زندگی
اجتماعی به کار گرفت.

یک‌شنبه ۱ بهمن ۱۴۰۲

۲۱ ژانویه ۲۰۲۴

پرتاب موشک به قلب کودکان،

اقتدار پوشالی!

محسن ابراهیمی

حمله موشکی سپاه پاسداران در کشور پاکستان به مناطقی مسکونی و کشتار انسان‌های بی‌گناه از جمله کودکان، با هدفی مشابه حملات موشکی در داخل اقلیم کردستان عراق و غرب سوریه و اختلال در کشتیرانی در دریای سرخ انجام گرفت. جمهوری اسلامی که بازنده اصلی در توحش ۷ اکتبر توسط حماس و متعاقب آن قتل‌عام غزه توسط دولت دست راستی اسرائیل است، با این حملات تلاش کرد این شکست را جبران کند.

این اقدامات ماجراجویانه موشکی و کشتار

شهروندان بی گناه، قرار است صورت این بازنده اصلی را سرخ نگه دارد. اما چهره سیاسی حکومت اسلامی آن چنان رنگ پریده است که نمی تواند با یک سیلی ساده سرخش کند. باید موشکی هوا کرد که در خاک همسایه اتمی فرود بیاید و به جهانیان نشان دهد که ببینید اقتدار اسلامی ولی فقیه را؟ حتی با یک ارتش اتمی هم دست و پنجه نرم می کند!

اما بلاهت جمهوری اسلامی این است که اولاً روی وضعیت بحرانی سیاسی جاری در پاکستان حساب کرده بود که حتی نمی توانند روی یک نخست وزیر ثابت توافق کنند. ثانیاً، سوار بر توهم موشکی نفهمیدند که پاکستان با اقلیم کردستان عراق فرق می کند. نفهمیدند که واکنش ارتش ۷۰۰ هزار نفره مسلح به بمب اتم که چهار بار با ارتش حتی قدرتمندتر هندوستان دست و پنجه نرم

کرده است و همه کاره کشور هم هست، می تواند متفاوت باشد.

پاسخ ژنرال‌های پاکستان عملاً هم چهره نظامی و هم چهره سیاسی و دیپلماتیک حکومت اسلامی را رنگ‌پریده‌تر کرد. در قلمرو سیاسی نه تنها سفیرشان در تهران را سریعاً را فراخواندند، بلکه به سفیر حکومت اسلامی اجازه بازگشت به پاکستان را ندادند! ژنرال‌ها حتی به چین "متحد استراتژیک" کذایی حکومت اسلامی - برای میانجیگری دهن کجی کردند. در عرصه نظامی هم عیناً در همان ابعاد آدمکشی موشکی حکومت اسلامی پاسخ دادند. به خانه‌های گلی موشک زدند و انسان‌های بی‌گناه از جمله کودکان را کشتار کردند و اخطار دادند اگر سپاه ماجراجویی کند پاسخ محکم‌تری خواهد گرفت!

واکنش مقامات حکومت بیشتر نشان داد که پشت
"قدرت‌نمایی" موشکی، حکومتی درمانده قرار
دارد که با پرتاب موشک بر سرپناه انسان‌های
بی‌گناه ادای اقتدار منطقه‌ای در می‌آورد. ولی فقیه
که کم ماند پوزه‌اش را حتی داخل دستشویی‌های
مردم هم بچرخاند، کسی که سخنان خدا از زبانش
ترشح می‌شود، خفه‌خون گرفت! چرا؟ چون "رهبر
الدنگ" این قدر می‌فهمد که سردارانش حتماً با
تأیید خودش بدجوری خراب کرده‌اند و سنگین‌تر
است که صدایش را در نیاورد!

یک‌شنبه ۱ بهمن ۱۴۰۲

۲۱ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۳۳

۲۲ ژانویه ۲۰۲۴ - ۲ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

قم بی حجاب، بلای جان رژیم

سیما بهاری

توماج و "قیام مسلحانه علیه نظام"

کیوان جاوید

۱۵ کشور و ۴۱ شهر علیه اعدام در ایران

حسن صالحی

شاه و شاهزادگان مفتخور

منظر دریاکناری

قمِ بی حجاب، بلای جان رژیم

سیما بهاری

فرمانده انتظامی قم گفت: ”در سال جاری هفتاد و چهار هزار پیامک حجاب برای خودروهای عبوری از جاده های این استان ارسال شد و تعداد پرونده های قضایی مرتبط با حجاب اجباری در سال جاری نسبت به سال قبل شش برابر شده است.“

عجیب نیست که در قم، این اصلی ترین پایگاه اسلام شیعی و این پایتخت ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی، زنان بی حجاب اینچنین دستگاه سرکوب را زمین گیر کرده باشند؟ باید گفت نخبه اصلا عجیب نیست. این تنها گوشه ای از حقیقت باشکوه

و عظیمی است که در گوشه و کنار ایران در جریان است. حکومت اسلامی هر کجا بیشتر چتر تیره بختی اش را روی سر مردم گرفته باشد با واکنش سنگین تری هم روبرو می شود. قم از جمله شهرهایی است که رژیم بساط تحجر و عقب ماندگی اش را بیش از همه جای ایران پهن کرده است و واکنش زنان و مردم نیز تماشایی است. دارند دمار از روزگار رژیم در می آوردند.

این حقیقت شیرین انقلابی است که در همه تار و پود جامعه ایران رسوخ کرده است. قم نیز ادامه تهران و شهرهای شمالی و کردستان و سیستان و بلوچستان است؛ قم ادامه شیراز و اصفهان و همه شهرها و روستاها، و همه جای ایران است. جامعه یک نفس و بی محابا اعلام کرده است حکومت

اسلامی نمی خواهد؛ اسلام و قوانین اسلامی نمی خواهد؛ فقر و فلاکت اقتصادی نمی خواهد، و در یک کلام برای آزادی و انسانیت و رهایی زن پا به میدان گذاشت است. از دریچه شهر قم و زنان بی حجابش می شود به همه ایران نگاه کرد و عاقبت جمهوری اسلامی را به روشنی دید. این یعنی پایان اسلام و حکومت اسلامی در ایران.

ببیند ما چگونه حجاب بانان را در سوراخ کردیم، آخوندهای تذکر دهنده حجاب را سکه یک پول کردیم، لایحه حجاب را از این دالان به آن دالان آواره کردیم. ما برخورد حکومت با مردم را به مدت ۴۵ سال تجربه کردیم و حالا نوبت برخورد جدی ماست. اعتراض به بی حجابی و پرت کردن حجابها اسلحه پُر قدرتی در دست ماست. ما ارزش

و قدرت این اسلحه را میدانیم و داریم از آن استفاده
میکنیم. این سلاح ما همچون کوه آتشفشانی است
که به راه افتاده است و دارد نابودتان میکند. ۷۴
هزار تذکر فقط در قم و فقط برای خودروها! با یک
لشکر دهها میلیونی چه میکنید؟

دوشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۲

۲۲ ژانویه ۲۰۲۴

توماج و "قیام مسلحانه علیه نظام"

کیوان جاوید

داستان زندگی توماج دیگر اظهر من الشمس است. کسی نیست که نداند این "پسر جهان" در برابر حکومت اسلامی چه ها که نکرده است؛ چهره ای دوست داشتنی برای مردم ایران و همه آنهایی که در جهان با اسم و آوازه او آشنا شده اند و مورد نفرت تمامی مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی.

توماج در هشتم آبان سال ۱۴۰۱ در روستایی در استان چهارمحال و بختیاری بازداشت شد. چند ماه بعد بیدادگاه جانیان اسلامی او را به اتهام "افساد فی الارض" به ۶ سال و ۳ ماه حبس محکوم کرد. اما بعد

از فشارهای فزاینده داخلی و بین‌المللی این خواننده
مقاوم ضد حکومتی پس از تحمل بیش از یک سال
حبس که ۲۵۲ روز آن انفرادی بود با قید وثیقه از
زندان دستگرد اصفهان آزاد شد.

این پایان ماجرا برای این انقلابی‌پُر شورِ انقلاب‌زن
زندگی آزادی نبود. شاید رژیم اسلامی به عبث فکر
می‌کرد آن دوران سخت شکنجه و انفرادی جانفرسا
باعث می‌شود توماج بعد از آزادی موقت گوشه‌گیر
شود و سکوت پیشه کند و به این ترتیب رژیم اسلامی
فشارهای سنگین را از سر بگذراند. اگر توماج در
خارج از زندان به انزوا کشیده می‌شد و زانوی غم
بغل می‌گرفت طبعاً رژیم نفسی به راحتی می‌کشید
و تا اطلاع ثانوی خیالش از کابوس توماج راحت می‌

شد.

اما این جوان عهده کرده بود در کنار مردم و علیه حکومت قاتلان اسلامی باشد و چند روز بعد از آزادی در برابر دوربین قرار گرفت و آنچنان به جانیان تاخت که دود از عمامه آنها برخاست. توماج را دوباره دستگیر کردند و حالا با اتهام: ”بغی“ به معنای قیام مسلحانه و گروهی علیه نظام و همچنین ”اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرایم علیه امنیت“ روبه‌رو شده است.

این تعرض جدید حکومت نیز راه به جایی نمی‌برد. اگر توماج دست به قیام مسلحانه زده بود معلوم نیست چرا باید حتی موقتا از زندان آزاد می‌شد.

بنابر این همه مردم می دانند که دستگیری مجدد و این اتهام جدید فقط برای جبران شکستی است که توماج به رژیم تحمیل کرده است. در برابر این اتهام جدید باید همچون همیشه به میدان آمد و بهمن وار بر سر رژیم خراب شد. رژیم اسلامی را باید یک بار دیگر از کرده خود پشیمان کرد.

دوشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۲

۲۲ ژانویه ۲۰۲۴

۱۵ کشور و ۴۱ شهر علیه اعدام در ایران

حسن صالحی

روز بیستم ژانویه ۲۰۲۴ - اول بهمن ۱۴۰۲ - آخرین روز و در واقع نقطه اوج کارزاری بود که بمدت یک هفته از سوی ۱۰۰ نهاد، ارگان و حزب سیاسی و حدود ۷۵۰ فعال سیاسی فراخوان داده شده بود. در ۱۵ کشور دنیا و در ۴۱ شهر مخالفین جمهوری اسلامی با اجرای برنامه های متفاوت و همچنین برگزاری میتینگ های خیابانی صدای اعتراض خود را علیه رژیم اعدام اسلامی و اعدامهای فزاینده در ایران بلند کردند.

این کارزار گوشه ایی از قدرت و اتحاد جمعی ما را به نمایش گذاشت که با اتکا به آن می توان ماشین

آدمکشی جمهوری اسلامی را به توقف کشاند. اعدامهای جنایتکارانه خشم همه را برانگیخته است و این کارزار امکانی را فراهم آورد که مردم این خشم و اعتراض را در دهها شهر به نمایش بگذارند.

جمهوری اسلامی اتکایش به اعدام و زندان است و مبارزه علیه اعدام یکی از مهمترین عرصه های مبارزه سیاسی در ایران است. بی دلیل نیست که فعالین سیاسی با عقاید و باورهای سیاسی مختلف با انگشت گذاشتن روی موضوعی که درد همه ماست موفق شدند که به یک حرکت بزرگ در خارج کشور دست بزنند. فعالین این کارزار اعلام کرده اند که به فعالیتهای خود ادامه خواهند داد و اتحاد و دستاوردهای بدست آمده در این کارزار را به دستمایه ای برای انجام کارهای بزرگتر و اتحادی وسیعتر علیه اعدام ها در ایران تبدیل

می کنند.

این کارزار پس از فروکش نسبی اعتراضات خیابانی، انرژی تازه ای به جنبش انقلابی زن زندگی آزادی بخشید. در خارج کشور در مدت کوتاهی بسیاری دست بکار شدند و اتحاد کم نظیری را نشان دادند، بطوریکه همه بر تداوم این فعالیت متحدانه تاکید دارند. از سوی دیگر تحت تاثیر این کارزار تحرک جدیدی در اعتراض به اعدامها در ایران شکل گرفت که صدور بیانیه هایی از سوی تشکل های کارگری و اجتماعی، کانون نویسندگان و فعالین مدافع حقوق زن و بالا گرفتن فضای اعتراض علیه اعدام نمونه هایی از بروزات آن هستند.

جویبارهای متعدد فعالیت می توانند بهم پیوندند و

به رودخانه ای خروشان علیه جمهوری اسلامی مبدل شوند. کارزار یک هفته اعتراضی جهانی علیه اعدام ها در ایران این امید و آرزو را تقویت کرد و چشم انداز نوید بخشی در مقابل چشمان همه ما گشوده است. قدم بعدی می تواند این باشد که با تمرکز بر عاجل ترین پرونده های محکومین به اعدام در شهرهای بیشتری اعتراض برپا داریم و جان آنها را نجات دهیم. هنوز جای بسیاری از احزاب و آزادیخواهان و نهادهای انساندوست در این کارزار خالی است، همه را به پیوستن به این کارزار دعوت می کنم.

دوشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۲

۲۲ ژانویه ۲۰۲۴

شاه و شاهزادگان مفتخور

منظر دریاکناری

هر از گاهی اخباری از خاندان سلطنتی در انگلیس منتشر می شود تا به مردم یادآور شود این جماعت زنده اند و "وظایفی" دارند. آخرین این ابراز وجود خبر بزرگ شدن پروستات شاه چارلز سوم است. بعد از بستری شدن این عنصر بیکاره تازه این بحث باز شده است حالا که شاه در بیمارستان است و در شرایط اضطراری چه کسی می تواند به وظایف ایشان رسیدگی کند. بعد از کنار گذاشتن شاهزاده اندرو که به دلیل مشارکت در باند تجارت دختران زیر سن و کنار رفتن داوطلبانه شاهزاده هری، پسر دوم شاه چارلز سوم که دیگر حوصله این مسخره

بازی انجام وظایف دربار را نداشت، تیمی از ”نجیب زادگان“ معرفی شده اند که قرار است انگلستان را در کنار شاه رهبری کنند.

اینها همه داستان کسل کننده پوچ دربار در انگلستان است. این بیکارگان هیچ وظیفه ای بر دوش ندارند. سیستم انگلستان پارلمانی است و احزاب پیروز در پارلمان دولت تشکیل می دهند و تصمیمات مصوب پارلمان به قانون تبدیل می شود. هر چند همین پارلمان نیز مثل همه پارلمان های دنیا کارش سر کیسه کردن و زدن از حق و حقوق مردم است، اما بهر حال دارد وظایفی را به پیش می برد. ”شاهنشاه کبیر“ در انگلستان کارش این است اعتبارنامه نخست وزیر منتخب را امضا کند، روز اول شروع بکار نخست

وزیر با او دست بدهد و عکس بگیرد و سال به سال به حسابش پول های هنگفت چند صد میلیون پوندی واریز کنند و املاک و زمین های بیشتری به نامشان ثبت شود تا با خانم ملکه و برو بچه های خاندان بگردند و خوش بگذرانند.

این داستان زندگی همه شاهان در جهان است اما با یک فرق مشخص. شاهان حاکم در جهان سوم که بنا به ساختار سیاسی و اقتصادی شکننده و منظم از سوی مردم تهدید به سرنگون شدن می شوند، وظایف سرکوب و ایجاد دیکتاتوری و کشتار و زندان را مستقیماً بر عهده دارند. در غرب این خاندان فقط مترسک سر خرمن اند تا در شرایط بسیار بحرانی و خطیر در جامعه، با هدایت احزاب حاکم امضایی

برای منحل کردن پارلمان زیر یک ورقه بگذارند. تا
آن روز کارشان خوردن و بریز و بیاش و مفتخوری
است. مثل همه شاهان و شاهزادگان در جهان و
نمونه داخلی این جماعت در ایران. دنیا باید از شر
این انگل ها خلاص شود.

دوشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۲

۲۲ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۳۴

سر دبیر این شماره: محسن ابراهیمی

۲۳ ژانویه ۲۰۲۴ - ۳ بهمن ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

بازنشستگان علیه اعدام: ما از مرگ و از خشونت شما نخواهیم
ترسید!

شهلا دانشفر

تحقیر و گرفتن جان کولبران برای لقمه‌ای نان

عبدل گلپریان

مدارس مسجد محورا!

میلاد رسایی منش

”مرگ خاموش“ و اعتراضات شعله‌ور!

جلیل جلیلی

اعتراض علیه جمهوری اسلامی در کردستان عراق

نسان نودینیان

بازنشستگان علیه اعدام:

ما از مرگ و از خشونت شما نخواهیم ترسید!

شهلا دانشفر

اعدام جنایت کارانه محمد قبادلو از معترضین انقلاب زن زندگی آزادی و فرهاد سلیمی از زندانیان سیاسی عقیدتی در سحرگاه امروز به دست جلادان جمهوری اسلامی موج دیگری از خشم و نفرت در جامعه را دامن زد. معصومه احمدی، مادر زنده یاد محمد قبادلو در واکنش به این جنایت با صلابت گفت: محمدم، آسمانی شدنت مبارک.

گوشه‌ای از خشم جامعه را در تجمع بزرگ امروز بخش‌های مختلفی از بازنشستگان در کرمانشاه

و در سخنرانی‌های پرشور آنان، می‌بینیم که با کف‌زدن متوالی تجمع‌کنندگان همراهی می‌شد. سخنانی که پاسخ محکم مردم به اعدام و سرکوب بود. یکی از سخنرانان گفت:

”آنچه از صندوق‌های رأی شما بیرون آمده است، فقر، فساد، بیکاری، اختلاس و استبداد مطلق، و به گور سپردن آزادی، امنیت، رهایی و رفاه بوده است. اگر سال‌هاست که جز فقر و فلاکت چیزی ندیده‌ایم، اگر سال‌هاست سرکوب و خشونت در کشور حاکم است، تنها یک دلیل دارد. خیابان فقیر است. اگر ما دچار فقر و فشار شده‌ایم به این سبب است که اسب قدرت بی‌رحمانه می‌تازد. ما بازنشستگانیم. با اقتدار خود، با قدرت همبستگی و همدلی خود ایستاده‌ایم و حقوق خود را از حلقوم شما مسئولان بیرون خواهیم کشید. ما به نقطه‌ای رسیده‌ایم که زندگی و مرگ برای ما یکسان است.

ما از مرگ و خشونت شما نخواهیم ترسید. ما اینجا با قدرت آمده‌ایم. قدرت ما اجتماع است.“

امروز این خبر در مدیای اجتماعی نیز با هشتگ‌های اعدام قتل دولتی است، نه می‌بخشیم نه فراموش می‌کنیم می‌چرخید. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان در پیامی با عنوان ”نه به اعدام اعدام محمد قبادلو و فرهاد سلیمی را به همه مادران دادخواه تسلیت گفت و اعدام را قتل عمد حکومتی خواند. شورای بازنشستگان ایران در درج این خبر از به دار آویخته شدن این دو جوان با شنیع‌ترین حکم تاریخ بشری سخن گفت. نهاد دادخواهان بیانیه‌ای با هشتگ ایستاده‌ایم تا پایان را انتشار داد و امیر رئیسیان وکیل محمد قبادی نیز اعدام موکلش را قتل خواند.

با کارزاری سراسری و متحد می‌توان جلوی اعدام‌ها را گرفت. کارزار علیه اعدام‌ها مدت‌هاست شروع شده و در همین هفته ابراز وجود جهانی آن را دیدیم. اتحاد سراسری علیه اعدام‌ها قدم مهمی برای هموارکردن راه پیشروی انقلاب است. با تجمعات اعتراضی علیه اعدام‌ها، با فریاد شعارهای اعتراضی علیه اعدام و سرکوب در تجمعات هر روزه‌مان و با دیوارنویسی در همه شهرها به کارزار جهانی علیه اعدام‌ها بپیوندیم.

سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۴۰۲

۲۳ ژانویه ۲۰۲۴

تحقیق و گرفتن جان کولبران

برای لقمه‌ای نان

عبدل گلپریان

روز دوشنبه دوم بهمن ۱۴۰۲ بر اثر تیراندازی نیروهای مرزبانی عراق دو کولبر جوان در مرز شوشمی کشته و زخمی شدند. در این حمله جنایت کارانه متأسفانه یکی از کولبران به اسم هوشیار محمودی جان‌باخته و کولبر دیگر زخمی شده است. هوشیار محمودی اهل روستای "شمشیر" از توابع پاوه، متأهل و دارای سه فرزند بود.

این دومین بار طی سه روز گذشته است که نیروهای مرزبانی به کولبران حمله می‌کنند. بار اول شنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۴۰۲ نیروهای مرزبانی عراق

در مرز یباره از استان حلبچه اقلیم کردستان چند نفر از کولبران را مورد ضرب و شتم قرار داده، موی سر هشت کولبر را تراشیده و با رفتار تحقیرآمیز مورد شکنجه فیزیکی و روانی قرار دادند، تلفن‌های موبایل آنان را مصادره کرده و به مدت یک شبانه‌روز بدون خوراک و امکانات بهداشتی در زندان نگه داشته و روانه نقطه صفر مرزی کردند.

کولبری را مفت‌خوران حاکم به مردم محروم و ستم‌دیده تحمیل کرده‌اند. از کودک ده‌ساله گرفته تا مردان مسن، از جوانان با مدرک تحصیلی دیپلم و لیسانس گرفته تا زنانی که همسرانشان توسط قاتلان اسلامی کشته شده‌اند، تنها به دلیل بیکاری و نداشتن هیچ‌گونه امنیت اقتصادی ناچار شده‌اند به این شغل کاذب روی بیاورند.

کولبران برای تأمین معیشت زندگی فلاکت‌بار خود و خانواده‌هایشان ناگزیر از طریق حمل کالا و انتقال آنها به هر دو سوی مرز امرارمعاش می‌کنند. کالاهایی که صاحبان اصلی آنها تجار و سرمایه‌دارانی هستند که با استفاده از نیروی کار ارزان کولبران ثروت‌های نجومی برای خود دست‌وپا کرده‌اند. سپاه پاسداران شاخه دیگری از سهام‌داران این کالاها و به‌جیب‌زدن ثروت‌های نجومی است. در بسیاری موارد باندهای آدمکش حکومتی در نوار مرزی با به‌قتل‌رساندن کولبران اقدام به مصادره کالاها می‌کنند.

فقر، بیکاری، تحقیر، بی‌حرمتی و به‌قتل‌رساندن محروم‌ترین بخش جامعه در مناطق مرزی گویای ابعاد جنایت مرزبانان عراق و باندهای آدمکش اسلامی در هر دو سوی مرز علیه کولبران است.

همین تراژدی را قاتلان اسلامی علیه سوخت‌بران در سیستان و بلوچستان اعمال می‌کنند. به این توحش اسلامی باید اعتراض کرد. کل جامعه و مردم خشمگین و متنفر از این رژیم آدمکش می‌تواند در حمایت از کولبران اعتراضات وسیعی سازمان دهد. جنایت مأموران حکومتی علیه کولبران را می‌توان در ردیف اعدام‌های هر روزه آدمکشان اسلامی محسوب کرد. تنها با سرنگونی حکومت اسلامی است که می‌توان به پدیده کولبری پایان داد.

سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۴۰۲

۲۳ ژانویه ۲۰۲۴

مدارس مسجد محور!

میلا رسایی منش

چند مقام کنونی و پیشین وزارت آموزش و پرورش از جمله دو وزیر پیشین و برخی کارشناسان حوزه آموزش نسبت به گسترش "خطرناک" مدارس مسجد محور در ایران هشدار دادند و آن را موجب گسترش افراط گرایی در کشور دانستند. احمد محمودزاده، معاون وزیر و رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکتهای مردمی وزارت آموزش و پرورش در مصاحبه ای با رسانه های وابسته به حکومت، مخالفت خود را با این مراکز اعلام کرد. محمودزاده گفت: "ما مخالف راه اندازی

مدارس مسجد محوریم و اینکه برچسبی به برخی از مدارس زده شود، نادرست است.“

تعرض حکومت اسلامی در ایران به مراکز آموزشی مخصوصاً دبیرستان‌ها و مدارس امر تازه‌ای نیست. خمینی و اسلام‌یست‌ها که بعد از انقلاب ۵۷ بر اریکه قدرت سوار شده بودند، فرصتی طلایی برای اسلامی کردن مراکز آموزشی و مغزشویی کودکان به منظور تربیت نیروهای ایدئولوژیک وابسته به خود پیدا کردند.

نکته مهم و حائز اهمیت اما آن است که انقلاب زن زندگی آزادی و شورش جوانانی که در دوره جمهوری اسلامی به دنیا آمده و به مدرسه رفته

بودند، علیه موازین و مقدسات اسلامی و حکومتی، زنگ خطر را برای مقامات بیش‌ازپیش به صدا درآورد. مقامات جمهوری اسلامی به‌وضوح دیدند و درک کردند که پروژه مهندسی فرهنگی‌شان و اسلامی کردن مدارس، شکست همه‌جانبه‌ای خورده است. ازاین‌رو است که مقامات حکومت به‌ناچار نسخه‌های نخ‌نما و شکست‌خورده را برای تربیت نیروهای وابسته به خود مجدداً به کار گرفته و سعی دارد مدارس را به مسجد تبدیل کند. این نکته که مقامات حکومتی علیه یکدیگر مصاحبه و افشاگری می‌کنند، خود نشان از نگرانی و سردرگمی و احساس خطر است. پتک انقلاب زنانه چنان بر سر مقامات اسلامی خورده است که حتی در رابطه با سیاست‌های همیشگی‌شان هم گیج و مبهوت و نگران شده‌اند و

به همدیگر هشدار می‌دهند.

آنچه اما دلگرم‌کننده است، آن است که به‌خاطر پوچ و ارتجاعی بودن تئوری‌های اسلامی و سیاست‌های آموزشی حکومت و با توجه به انقلاب ارتباطاتی که به‌یمن حضور اینترنت در دنیا به وجود آمده است، مسجد کردن مدارس، نتیجه‌ای جز افزایش تعداد کسانی که از دین روی برمی‌گردانند نخواهد داشت.

سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۴۰۲

۲۳ ژانویه ۲۰۲۴

”مرگ خاموش“ و اعتراضات شعله‌ور!

جلیل جلیلی

صبح روز دوشنبه دوم بهمن، ۳۲ دانش‌آموز در مشهد به دلیل مسمومیت ناشی از گاز منوکسید کربن به بیمارستان منتقل شدند. به گفته معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی مشهد حدود ۱۱۰ دانش‌آموز ”زائر“ پسر از تهران در یک مؤسسه خیریه که چهار طبقه دارد اسکان داده شده بودند که انتشار گاز کشنده مونوکسید کربن از لوله‌بخاری باعث مسمومیت تعدادی از این دانش‌آموزان و انتقال ۳۲ نفر از آنان به بیمارستان گشته است.

ضمن آرزوی بهبودی و بازیافت سلامتی برای این دانش‌آموزان، لازم است گفته شود که عامل

مستقیم چنین فجایعی سیستم حاکم بر کشور است. نشت گاز منوکسید کربن، آتش‌سوزی در مدارس و محله‌های کار و زیست مردم ناشی از ناامن و غیراستاندارد بودن وسایل گرمایشی و دیگر وسایل مورد استفاده در این مکان‌ها است. سیستمی که نه بر اساس تأمین آسایش شهروندان بلکه بر پایه کشیدن شیره جان مردم بنا شده است، سیستمی که زدن و کاستن مدام از امکانات عمومی را صرفه‌جویی و افزودن بر ثروت حاکمان را رشد اقتصادی می‌نامد، نه تنها نمی‌خواهد؛ بلکه همچنین برایش مهم نیست که وسایل گرمایشی با استانداردهای بالا و محیط‌های سالم و امن برای آموزش، کار و زندگی شهروندانش فراهم کند. چنین سیستمی نمی‌تواند خود را بی‌تقصیر بنامد و این قبیل فجایع را امری تصادفی و طبیعی قلمداد

کند.

بر اساس آمار منتشره، علاوه بر مصدومیت هزاران نفر به خاطر کار و زیست و اسکان در محیط‌های ناامن و خطرناک، سالانه بیش از هزار انسان در اثر گاز گرفتگی جان خود را از دست می‌دهند. این یک نوع کشتار است و “مرگ خاموش” اصطلاحی است که در مورد این نوع کشتار بکار برده می‌شود. ولی شعله‌های اعتراضات بی‌وقفه مردم در گوشه گوشه کشور، اعتراضات قدرتمند زنان علیه حجاب اجباری، اعتراضات کارگران، معلمان، دانش‌آموزان، دانشجویان، پرستاران، بازنشستگان، خانواده‌های جان‌باختگان و زندانیان سیاسی علیه فشارهای اقتصادی و اجتماعی، شاهد این حقیقت است که مردم ایران “خاموش” نیستند و عاملین

و مسبب این ”مرگ خاموش“ را هم می‌شناسند و آنان را زیر ضرب گرفته‌اند. حکومت مفت‌خوران اسلامی که این چنین جان و زندگی انسان‌ها را نابود می‌کند باید به زیر کشیده شود تا جامعه‌ای بنا شود که اولویتش تأمین و تضمین محیط‌های امن و بهداشتی با بالاترین استانداردها برای شهروندانش باشد. انقلاب زن زندگی آزادی و ادامه قدرتمندش در سطوح و اشکال مختلف حکایت از این دارد که مردم ایران دست‌اندرکار چنین تغییر و تحول بنیادی هستند.

سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۴۰۲

۲۳ ژانویه ۲۰۲۴

اعتراض علیه جمهوری اسلامی

در کردستان عراق

نسان نودینیان

هفتمین حمله موشکی حکومت تبهکار اسلامی در شامگاه ۲۵ دی ماه ۱۴۰۲ به شهر اربیل و اصابت موشک‌ها به منازل مسکونی و کشته و زخمی شدن تعدادی از جمله یک کودک خردسال، راه‌افتادن موجی از تنفر، اعتراضات مردمی و همچنین واکنش دولت مرکزی عراق و اقلیم کردستان علیه رژیم اسلامی را موجب شده است.

حملات موشکی و زمینی حکومت اسلامی به کردستان عراق از سال ۱۳۹۶ شمسی، به بهانه‌های مختلف و علیه اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق شروع شد. حکومت اسلامی برای توجیه حملات

موشکی سپاه پاسداران به اربیل، به بهانه‌هایی از قبیل ”انهدام مقرهای جاسوسی اسرائیل و تجمع گروه‌های ضدایرانی“ متوسل می‌گردد.

بلافاصله پس از حمله اخیر، مسرور بارزانی نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق، جمهوری اسلامی را به کشتار غیرنظامیان بی‌گناه متهم کرد و ادعاهای ایران درباره حمله به مقر موساد در اربیل را بی‌اساس دانست. سودانی نخست‌وزیر عراق و دیگر مقامات اقلیم کردستان و اتحادیه عرب هم علیه این حملات موشکی موضع گرفتند.

در جبهه مردم، از ۲۶ دی‌ماه تاکنون اعتراضات کوبنده، تظاهرات و تجمعات مردمی با شرکت ده‌ها هزار نفر در شهرهای اربیل، دهوک و زاخو برگزار شده است و این اعتراضات ادامه دارند. در این تظاهرات هزاران نفر از مردم علیه تروریسم

حکومت اسلامی شعار دادند. فریاد "حکومت اسلامی تروریست، تروریست" در این تظاهرات، نمایشی از تنفر عمیق مردم از حکومت اسلامی است. در اروپا و آمریکا هم تا کنون نزدیک به بیست تجمع و تظاهرات با شرکت هزاران نفر علیه حکومت اسلامی برگزار شده است.

در عراق از اکتبر سال ۲۰۱۸ با اوج‌گیری مبارزات جوانان و مردم معترض علیه حکومت قومی - مذهبی، ابراز تنفر مردم عراق از حضور سپاه پاسداران آغاز شد. تصاویر خامنه‌ای و قاسم سلیمانی با شعار "پهن کردن سر اژدها" و "ایران از عراق برو بیرون" در اعتراض‌ها، نشانگر این است که در عمق جامعه تنفر عمیقی از حکومت اسلامی و باندهای اسلامی و تروریستی خامنه‌ای موج می‌زند.

باید با تمام توان و قاطعانه علیه حضور نیروهای
سپاه قدس و عوامل مزدور و لانه‌های تروریستی و
جاسوسی حکومت اسلامی در شهرهای کردستان
عراق ایستاد. باید با گسترش تظاهرات در شهرهای
کردستان عراق و در سطح سراسری نیروهای
جنايت‌كار و تروريست حکومت اسلامی را بیرون
کرد و کنسولگری و سفارت این حکومت را بست.
در همین رابطه، گسترش تظاهرات و اعتراضات
مردم کردستان عراق فشاری جدی است به دولت
مرکزی و احزاب حاکم در اقلیم کردستان عراق.

سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۴۰۲

۲۳ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۳۵

۲۴ ژانویه ۲۰۲۴ - ۴ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

علیه اعدام‌ها با زندانیان سیاسی زن هم‌صدا شویم

شهلا دانشفر

تعیین دستمزد حق کارگران است

یاشار سهندی

سید مالک موسوی کیست؟

کیوان جاوید

وزیر امور خارجه حکومت اسلامی در نیویورک

کاظم نیکخواه

علیه اعدام‌ها با زندانیان سیاسی زن

هم صدا شویم

شهلا دانشفر

اعدام محمد قبادلو از معترضین انقلاب زن زندگی آزادی و فرهاد سلیمی زندانی سیاسی عقیدتی موجی از اعتراض در پی داشته است. به دست گرفتن بنری در اعتراض به قتل محمد قبادلو توسط فردی معترض در وسط بازار تهران و فریاد مرگ بر دیکتاتور در اکباتان تهران و کرج نشانگر وجوهی از خشم مردم است.

نمونه درخشان دیگر اعتراض ۶۱ زندانی زن در اوین است. نرگس محمدی زندانی سیاسی و برنده

جایزه نوبل صلح با اعلام خبر در اینستاگرامش می‌نویسد: ”زنان زندانی برای زنده نگه‌داشتن نام اعدام‌شدگان و برای زنده‌ماندن صدها انسانی که در زندان‌های جمهوری اسلامی در سراسر کشور در صف اعدام‌اند، مقاومت خواهند کرد و روز پنجم بهمن‌ماه، اعتراض خود را با اعتصاب‌غذای دسته‌جمعی‌شان نشان خواهند داد.“. پیام با ”صدای ما باشید علیه اعدام“ ختم می‌شود. اقدام شجاعانه این زندانیان که خود در چنگ جمهوری اسلامی هستند وسیعاً بازتاب یافت.

نهاد دادخواهان در بیانیه خود در محکومت اعدام محمد قبادلو و فرهاد سلیمی و علیه اعدام‌ها، حمایت خود را از اقدام زندانیان سیاسی زن اعلام کرده و از همگان خواسته است که پنجشنبه را به‌روز اعتراض و تجمعات همگانی علیه اعدام‌ها

بدل کنند. در فراخوان آنان آمده است: ”فراخوان ما دادخواهان که ادامه‌دهندگان راه عزیزانمان هستیم، به اتحاد سراسری مبارزاتی علیه اعدام و سرکوب، به‌منظور هموارکردن مسیر تداوم انقلاب زن‌زندگی آزادی می‌باشد. از همه نهادها و تشکلهای می‌خواهیم نه به اعدام را به شعار همگانی بدل کنند و در تجمعات و اعتصابات هر روزه خود، پرچم مخالفت با اعدام را برافرازند و از همه مردم آزادی‌خواه و مبارز می‌خواهیم که درودیوارهای شهر را با شعارنویسی، فضای رسانه‌ها را با طوفان‌های توییتری، کامنت، استوری همه‌جا را با طنین نه به اعدام پر کنند. مخالفت با اعدام، همچون شعار زن‌زندگی آزادی باید به رمز انقلاب ما تبدیل شود تا همه انسان‌های شریف دنیا هم‌صدا با ما برای پایان‌دادن به این بربریت و وحشیگری بسیج شوند. حاکمان جنایت‌کار از اتحاد ما به وحشت افتاده‌اند

و با دستپاچگی عزیزان ما را قربانی کردند. باید
قدرتمندتر و کوبنده‌تر از قبل برای پایان دادن به
این کابوس وحشتناک متحد شویم.“

هم‌صدا با زندانیان زن در اوین، هم‌صدا با نهاد
دادخواهان فردا پنجشنبه را به‌روز اعتراض سراسری
علیه اعدام‌ها تبدیل کنیم. گسترش اعتراضات و
اتحاد سراسری علیه اعدام دو گام مهم برای عقب
زدن ماشین جنایت حکومت و برای پیشروی انقلاب
است.

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۲

۲۴ ژانویه ۲۰۲۴

تعیین دستمزد حق کارگران است

یاشار سهندی

کمیته دستمزد شورای عالی کار جمهوری اسلامی جلسه دیگری در ۲ بهمن برگزار کرد و در آن حاضران تو سروکله هم زدند که چگونه و به چه میزان می‌توان مصیبت بیشتری را بر سرکارگر آوار کرد. جلسه قبلی نشست نمایندگان استثماریان به این ختم شده بود که طرح "مزد منطقه‌ای" را فعلاً کنار بگذارند، چون نمایندگان کارگری جمهوری اسلامی که چیزی نیستند جز ابزار جاسوسی و سرکوب کارگر، دیگران را قانع کرده بودند که الان وقتش نیست. به قول یکی از ایشان: "بحث مزد منطقه‌ای، زیرساخت‌های موردنیاز می‌طلبد و نیازمند یک سری پیش شرط‌هاست، این شرایط در

حال حاضر فراهم نیست“ و این به زبان بشری یعنی این کار اعتراضات کارگری را شدت می‌بخشد. دوباره اما بحث مزد منطقه‌ای مطرح شده و این بار پشت “مسکن منطقه‌ای“.

حق مسکن در فیش‌های حقوقی سال جاری نهصد هزار تومان است. با این پول شاید بشود یک‌دست کله و پاچه خرید؛ اما هزینه هیچ مسکنی را تضمین نمی‌کند، مگر کارتن خوابی یا گورخوابی. حال می‌خواهند همین پایه را نسبت به شهرهای متفاوت کمتر و اگر خدا بخواهد شاید بیشتر کنند. به اذعان مزدوران که به اسم کارگر در این شورای کذایی حضور دارند، این طرح‌ها مقدمه‌ای است که نهایتاً طرح مزد منطقه‌ای را جاری کنند. بهر حال قرار است در جلسه بعدی در این مورد

به نتیجه برسند. خدا رحم کند!

وقتی یک عده آدمی که شکمشان سیر است و با اتکا بر سرکوب بی رحمانه دست به هر جنایتی می زنند که بر سریر قدرت بمانند، اصلاً نباید تعجب کرد که وقتی دور هم جمع می شوند تا در مورد معیشت مردمی که صبح تا شب کار می کنند "تصمیم سازی" و "سیاست گذاری" کنند، نتیجه آن جز بدبختی چیز دیگری باشد. در جمهوری اسلامی همه راه ها به مصیبت ختم می شود.

نیروی کار، کالایی است که کارگر عرضه می کند. طبق عرف و قوانین سرمایه داری این حق فروشنده است که چند و چون فروش کالای خود را تعیین کند. اما در مورد این کالای خاص، دولت ها در

حمایت از سرمایه‌داران و به ضرب سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام قیمت این کالا را در تشکیلات کذایی خود تعیین می‌کنند. جنبش کارگری اما سکوت نکرده و توکلش هم به خدا هم نیست، بلکه در تلاش بوده است که با اعتراض و اتحاد، خود میزان دستمزد را تعیین کند و این مبارزه می‌تواند گسترش و وسعت یابد، چرا که مسئله معیشت بیش‌ازپیش به موضوع حیاتی ۹۹ درصد جامعه تبدیل شده است.

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۲

۲۴ ژانویه ۲۰۲۴

سید مالک موسوی کیست؟

کیوان جاوید

هفته پیش، شعبه دوم دادگاه انقلاب دزفول در استان خوزستان، برای یک جوان ۲۳ ساله که شغل او هندوانه‌فروشی کنار جاده بود، به اتهام ”بغی“ (قیام مسلحانه یا فعالیت گسترده که اساس نظام را تهدید کرده باشد)، حکم اعدام صادر کرد. سید مالک (محمد) موسوی (داورشناس) متهم شده که با دوستش عباس خسرجی، یک پایگاه بسیج را در شاوور، واقع در شهرستان شوش، آتش زده است.

سید مالک فقط ۲۳ سال دارد و تا زمانی که به بند کشیده نشده بود با زحمت زیاد می‌توانست لقمه

نانی به دست آورد تا خود و خانواده‌اش از مرگ جان بدر برد. مالک از کودکی طعم تلخ فقر و رنج و نابرابری فاحش را در استان خوزستان چشیده است. اولین بار ۱۶ ساله بود که به اتهام تبلیغ علیه نظام بازداشت شد و دست‌کم ۲ ماه را در سلول انفرادی بازداشتگاه اداره اطلاعات گذراند. مالک در نوجوانی چهره کریه فقر و تبعیض را در وجود حکومت اسلامی باز یافت و علیه آن بپا خاست. این جوان همچون همه مردم خوزستان و سراسر ایران، حکومتی را در برابر خود دید که با همه جلوه‌های زندگی انسانی سرستیز داشت. حکومتی ضد شادی، حکومت بازتولیدکننده عزای عمومی، حکومت برپاکننده چوبه‌های دار و زندان و شکنجه.

در روزهای پُر جوش و خروش انقلاب زن زندگی

آزادی مالک نیز همچون بخش اعظم مردم ایران علیه جنایت سازمان یافته حکومتی به خیابان آمد و علیه فقر و ستم و نابرابری به رود جوشان اعتراضات خیابانی پیوست. مالک همراه با دوستش عباس خسر جی متهم اند که پایگاه بسیج شاوور را به آتش کشیده اند. عباس به دلیل مشارکت در آتش زدن این پایگاه بسیج به ۱۰ سال زندان محکوم شد و سید مالک محکوم به اعدام گشت.

حکم اعدام مالک و همه زندانیان سیاسی محکوم به اعدام تنها یک دلیل ساده دارد. تلاش برای بقا از سوی یک رژیم درمانده که از هر سو در محاصره مردم است. رژیم اسلامی با اجرای اعدام ها نمی تواند این مردم عاصی و خشمگین و آگاه را از مبارزه بی امان باز بدارد. مردم چاره ای

جز سرنگونی این حکومت ندارند.

تا روز سرنگونی رژیم اسلامی صدای همه محکومان
به اعدام باید در جهان طنین‌انداز باشد و این
محکومین نباید گمنام بمانند. سید مالک (محمد)
موسوی (داورشناس) یکی از آن انقلابیونی است که
کمتر صدایش شنیده شده است. صدای این جوان
در خطر اعدام باشیم.

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۲

۲۴ ژانویه ۲۰۲۴

وزیر امور خارجه حکومت اسلامی

در نیویورک

کاظم نیکخواه

جنگ در غزه موضوع بحث‌های زیادی در سطح بین‌المللی است. از روز گذشته ۲۳ ژانویه شورای امنیت سازمان ملل نشستی را در مورد این جنگ و کلاً وضعیت خاورمیانه برگزار کرده است. این جنگ به حکومت اسلامی هم فرجه‌ای داده تا تلاش کند خود را از انزوای بین‌المللی بیرون بکشد. روز ۲۲ ژانویه امیر عبداللهیان وزیر امور خارجه حکومت اسلامی به نیویورک رفت تا در نشست شورای امنیت در مورد خاورمیانه شرکت کند. بخش زیادی از بحث‌ها در شورای امنیت علیه حکومت اسلامی بود که فضای جنگی و بحران

را تشدید و در کشورهای مختلف بحران‌سازی می‌کند. در این رابطه به حکومت اسلامی هشدارهای جدی ای داده شد.

اما نفس اینکه درست هم‌زمان با اعدام دو تن از زندانیان سیاسی، محمد قبادلو و فرهاد سلیمی، نماینده حکومت قاتلان اسلامی فرصت می‌یابد در نشست مهمی در سازمان ملل شرکت کند، بیانگر پوچ بودن و مسخره بودن چنین نشست‌ها و نهادهایی است. نمایندگان اکثر دولت‌ها حاضر به ملاقات با عبداللہیان نشدند. اما ملاقات با دبیرکل سازمان ملل و نماینده این سازمان در مورد امور سوریه و وزیر امور خارجه روسیه و لبنان با عبداللہیان کافی بود تا حکومت اسلامی جشن بگیرد و تبلیغات زیادی حول ”استقبال از وزیر امور خارجه“ اش راه بیندازد.

نکته مهم این است که جمهوری اسلامی امروز در میان مردم دنیا شدیداً مورد نفرت و انزجار قرار دارد و این آن عاملی است که دولت‌ها را زیر فشار جدی قرار می‌دهد که در روابط خود با حکومت اسلامی با احتیاط برخورد کنند. به‌ویژه در کشورهای همسایه ایران، عراق و لبنان این حکومت بسیار منفور است. بعد از موشک‌پرانی حکومت اسلامی به منطقه کردستان عراق صدها هزار نفر از مردم خشمگین در شهرهای مختلف کردستان عراق دست به تجمع و تظاهرات زدند و علیه حکومت اسلامی شعارهای تندی دادند. ابعاد تظاهرات یادآور خیزش مردم عراق در سال ۲۰۱۹ بود که به انقلاب اکتبر ملقب شد و صدها هزار نفر از مردم برای اخراج جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش از عراق شعار دادند و فشار سنگینی را روی آنها گذاشتند. فضای اعتراضی در

عراق ادامه دارد.

در نشست این هفته شورای امنیت در نیویورک
امیر عبداللهیان جمهوری اسلامی را طرفدار صلح
و امنیت جهانی معرفی کرد و این به طنزی شبیه
بود که باعث خنده حضار شده بود. تکلیف کل
این حکومت و نیروهای تروریست نیابتی‌اش را
مردم با انقلابشان تعیین خواهند کرد.

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۲

۲۴ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۳۶

۲۵ ژانویه ۲۰۲۴ - ۵ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

اهداف دیدار رئیسی با اردوغان!

محسن ابراهیمی

من دیگر با اذان صبح نماز نمی‌خوانم!

آذر پویا

تسویه حساب با حسن روحانی

منظر دریاکناری

پایان اختلاس‌ها و سلامتی مردم

سیما بهاری

آنها که ایستاده می‌میرند

کیوان جاوید

اهداف دیدار رئیسی با اردوغان!

محسن ابراهیمی

ابراهیم رئیسی، برای شرکت در نشست هشتم شورای عالی همکاری اقتصادی میان ترکیه و ایران، به ترکیه رفت. اهداف این سفر چه‌ها بودند و آیا آن اهداف متحقق خواهند شد؟ رئیسی در اظهاراتش به این اهداف اشاره کرده است: گسترش مناسبات اقتصادی، گسترش همکاری فرهنگی برای مقابله با توطئه‌های اسلام‌ستیزانه، مبارزه با تروریسم، و مسئله فلسطین و قطع شریان‌های حیاتی اسرائیل!

افزایش مناسبات اقتصادی؟ این هدف روی هواست. چون جمهوری اسلامی اقتصاد را به محل تأمین موشک و راکت برای باندهای تروریستی در منطقه و رقابت باندهای حکومتی برای سهم

بیشتر از چپاول در داخل تبدیل کرده است.
افزایش مناسبات اقتصادی در چنین شرایطی در
رده ادعاهای پوچ جمهوری اسلامی است.

همکاری فرهنگی برای مقابله با اسلام‌ستیزی؟
کدام یک می‌خواهد به دیگری در این زمینه کمک
کند؟ اردوغان که در خود ترکیه عملاً در هدف
اسلامیزه کردن جامعه و در هم شکستن فضای
سکولاریستی شکست‌خورده است. جمهوری
اسلامی هم که به بزرگ‌ترین ستاد جهانی قوی‌ترین
جنبش علیه اسلام و حکومت مذهبی تبدیل شده
است.

مبارزه با تروریسم؟ این دیگر شوخی است. اردوغان
خود کارنامه حمایت از باندهای تروریستی سنی
در سوریه را زیر بغل دارد. داعش در پناه تانک‌های
ارتش ترکیه تا آستانه تسخیر کوبانی و تکرار

جنایاتش در عراق پیش رفت. جمهوری اسلامی هم که مفتخر است به اکثر باندهای تروریست اسلامی پول و بمب و موشک می‌رساند!

مسئله فلسطین و قطع شریان‌های حیاتی اسرائیل؟
بله، این حتماً یک هدف مهم این سفر است.

مسئله این است که جمهوری اسلامی برای جبران باختش در جنگ غزه، به مردم بی‌گناه در سوریه و عراق و پاکستان موشک زد تا به‌عنوان "انتقام سخت" جا بزند که با موشک زنی متقابل پاکستان و واکنش تند مقامات عراقی و محکومیت توسط اتحادیه عرب پاسخ گرفت. خامنه‌ای هم از دولت‌های "عربی و اسلامی" خواست شریان‌های اقتصادی اسرائیل را قطع کنند که برایش تره هم خرد نکردند.

دیدار رئیسی با اردوغان و بوق و کرنای دستگاه تبلیغاتی حکومت، تلاشی مذبوحانه برای کم‌رنگ کردن همین انزوای سیاسی است. اردوغان و خامنه‌ای در مناقشات منطقه‌ای مثل جنگ آذربایجان و ارمنستان و موقعیت بشار اسد در سوریه، هرگز در یک صفحه نبوده‌اند و در رابطه با جنگ غزه هم تماماً در یک صفحه نیستند. اردوغان اگر چه حامی حماس است، اما مناسبات اقتصادی ترکیه و اسرائیل در همین دوره بیشتر هم شده است. حتی در این مورد هم اردوغان نمی‌تواند به داد جمهوری اسلامی برسد!

پنج‌شنبه ۵ بهمن ۱۴۰۲

۲۵ ژانویه ۲۰۲۴

من دیگر با اذان صبح نماز نمی‌خوانم!

آذر پویا

در مدیای اجتماعی کلیپی دست‌به‌دست می‌گردد که مردی در بازار تهران بر روی سکویی رفته و با گرفتن نوشته‌ای در دست به قتل دو جوان نازنین محمد قبادلو و فرهاد سلیمی اعتراض می‌کند و خطاب به مردم می‌گوید: ”مردم من قبادلو را نمی‌شناختم در مقابل این جنایت و قتل حکومتی سکوت نکنید. بی‌تفاوتی تا کی“ و ادامه می‌دهد که او دیگر با اذان صبح نماز نمی‌خواند و دیگر تن به این خواری و ذلت نمی‌دهد.

این در واقع صدای هزاران انسانی است که محمد و حتی خانواده‌اش را از نزدیک نمی‌شناختند؛ ولی

در چند روز گذشته تلاش کردند جان این عزیز را از مرگ نجات دهند، همراه با خانواده‌اش در پشت دیوارهای بلند زندان فریاد زدند، درد کشیدند، در چندین شهر دنیا تظاهرات‌هایی علیه اعدام سازمان دادند، نامه‌ها و بیانیه‌هایی از طرف سازمان‌های مختلف صادر شد؛ ولی عاقبت جانیان اسلامی، آنان که با اذان صبح با خون جوانان وضو می‌گیرند و به فرمان خدا و قرآنشان عمل می‌کنند جان دو انسان، دو جوان نازنین و بی‌گناه را بی‌رحمانه گرفتند.

قاتلان وحشت‌زده و هراسناک از اعتراضات جهانی، محمد و فرهاد را کشتند، کشتند تا بگویند که گوش‌هایشان کر و چشمانشان کور است. نه صدای ضجه‌های مادران را می‌شنوند و نه اعتراضات جهانی

را می‌بینند. حالت غریق را دارند که نفس‌های آخر را می‌زند و با هر دست‌وپازدنی به هر چیزی چنگ می‌زند تا خود را از مرگ حتمی نجات دهد. قاتلان اسلامی به خیال خود می‌خواهند با کُشت و کُشتار در کوچه و خیابان و با قتل جوانان در بند، در جامعه رعب و وحشت ایجاد کنند تا به عمر ننگینشان چند صباحی بیفزایند.

همانطور که قتل و کشتار برای جانیان اسلامی به امری روزمره تبدیل شده است، اعتراضات بر علیه اعدام، این قتل عمد دولتی نیز باید روزانه و بدون وقفه ادامه یابد. نباید بگذاریم جوانان بیشتری قربانی اهداف شوم این جانیان شوند. نباید بگذاریم خانواده‌های بیشتری عزیزانشان را از دست بدهند. نباید گذاشت کودکان بیشتری از

آغوش گرم والدینشان محروم شوند. اعتراضات را باید به هر شکل ممکن ادامه داد. اقدام بی‌باکانه انسان شریفی را که در بازار تهران رخ داد باید تکثیر کرد. اعلام اقدام حمایتی ۶۱ زن زندانی و ۳۱ فعال سیاسی زندانی سابق اقدامی در همین راستاست. ما خواهان جامعه‌ای بدون قتل و اعدام هستیم و برای رسیدن به آن بی‌وقفه تلاش خواهیم کرد.

پنج‌شنبه ۵ بهمن ۱۴۰۲

۲۵ ژانویه ۲۰۲۴

تسویه حساب با حسن روحانی

منظر دریاکناری

حسن روحانی که به گفته خودش از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شده است، خواسته دلایل رد صلاحیتش صراحتاً اعلام شود.

عقل زیادی نمی‌خواهد تا روشن شود، حسن روحانی که از ابتدای حاکمیت جمهوری اسلامی در بالاترین رده‌های حکومتی دست به جنایت زده و در حفظ این حکومت سراپا فاسد لحظه‌ای تردید به خود راه نداده است، چرا رد صلاحیت شده است. کشتی توفان زده این رژیم که در برخورد با امواج عظیم انقلاب زن زندگی آزادی به ورق‌پاره‌ای با صدها سوراخ بدل شده است، مجبور است سرنشینانش

را یکی پس از دیگری به دریا بیندازد تا بارش
سبک‌تر شود.

حسن روحانی نیز همچون همه آنهایی که پیش از
او بر مسند ریاست جمهوری این حکومت تکیه زده
بودند از گردونه خارج شده است. نگاه به سرنوشت
رفسنجانی، خاتمی، احمدی‌نژاد و حالا روحانی گویای
این حقیقت ساده است که رژیم اسلامی ماشین
تسویه حساب رقبای داخلی خودش است.

حسن روحانی به شیوه همه آخوندهای بی‌شرم
سخن‌سرایی می‌کند و می‌گوید: "دیگر تردیدی
نمی‌ماند که اقلیت حاکم، رسماً و علناً کاهش حضور
مردم در انتخابات را می‌خواهند. آنها می‌خواهند
انتخابات و صندوق را از تعیین‌کنندگی در سرنوشت
مردم بیندازند تا خود بتوانند با تصمیمات محفلی،

سرنوشت مردم را تعیین کنند.“

این دلچسب درگاه نظام ظاهراً یادش رفته است که خود ۸ سال رئیس‌جمهور، ۱۶ سال دبیر شورای عالی امنیت ملی و نماینده خامنه‌ای در این شورا بوده و به مدت ۲۰ سال هم به‌عنوان نماینده در مجلس حضور داشته است. کسی که همراه با بقیه سازندگان این حکومت در تمامی لحظات به‌سوی مردم آتش گشوده، مردم را به خاک سیاه نشانده و از کشته پشته ساخته. کسی که سکان کشتی این حکومت را در مقطع خیزش دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ به دست داشته و از خلق هیچ جنایتی کوتاه نیامده است.

تیپا زدن به روحانی در واقع شلیک حکومت به خود و یاران خود است. حکومت اسلامی نه راه پس دارد نه راه پیش. همچون مار زخم‌خورده‌ای است

که به گوشه دیوار چسبیده و نیش دندان نشان می‌دهد. این واقعیت را دیگر نه فقط "متخصصین امور سیاسی"، بلکه همه مردم ایران به روشنی تجربه و درک کرده‌اند که عمر درازی برای این رژیم سراپا فساد و جنایت باقی نمانده است. روحانی را در کنار خامنه‌ای و دیگر سرسپردگان این رژیم در دادگاه‌های مردمی ملاقات خواهیم کرد.

پنج‌شنبه ۵ بهمن ۱۴۰۲

۲۵ ژانویه ۲۰۲۴

پایان اختلاس‌ها و سلامتی مردم

سیما بهاری

”وزارت بهداشت رژیم جمهوری اسلامی پیشنهاد داده برای کنترل دیابت در کشور، یارانه قند و شکر و نان کاهش یابد. وزارت بهداشت اضافه می‌کند سهم قند و نان در سبد غذایی مردم افزایش یافته و جایگزین گوشت و لبنیات شده‌اند. به طور مشخص مصرف نان در ۶ سال بیش از ۵ برابر شده است.“

احتمالاً شما هم صحبت‌های کودک بی‌شناسنامه بلوچ را شنیده‌اید که از غم نان و غم نداشتن شناسنامه می‌گوید و حتماً از اختلاس‌های بی‌شمار آقازاده‌ها و حواریونشان هم شنیده و خوانده‌اید و مطمئناً شعارهای کف خیابان را هم شنیده‌اید که

”یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه“.

همین چند نمونه جامعهای با حاکمیت تا مغز استخوان فاسد را نشان می‌دهد. جامعهای که مردمش درد را می‌شناسند و درمان را هم می‌دانند. جامعهای که دارد قدم به قدم پیش می‌رود و می‌داند این همه تبعیض حقش نیست. سخنان کودک بلوچ کیفرخواست کودکان کار، کودکان بی آرزو، کودکان بازمانده از تحصیل و کیفرخواست یک جامعه فقرزده تحت حاکمیت جمهوری چپاولگران اسلامی است.

بی‌شرمی این حکومت و زالوهای دوروبرش حد و مرزی ندارد. می‌خواهند به بهانه کنترل دیابت، قند و شکر را هم از سفره خالی مردم بدزدند تا

اختلاسگرانی چون خانواده فاسد و خون آشام "چای دیش" با آرامش و مسافرت‌های لوکس و زندگی مرفه، با مشکلاتی چون دیابت، پوکی استخوان، سوء تغذیه و عدم رشد کودکانشان روبرو نشوند. شرم به شما غارتگران خوشبختی و نابودکنندگان زندگی! ننگ ابدی بر شما که جز تباهی چیزی برای مردم ندارید. ۴۵ سال است که لحظه به لحظه سفره‌های مردم را درز گرفته‌اید. خودتان اقرار می‌کنید که مصرف نان طی شش سال پنج برابر شده. گوشت و مرغ و میوه رؤیایی دست‌نیافتنی می‌نماید. سفره‌ها فقط نان و چای شیرین دارد. این را هم می‌خواهید بگیرید؟ دیگر نمی‌گذاریم!

بازنشستگان، کارگران نفت، معلمان و دادخواهان در میدان‌اند تا به این غارتگری‌ها و دزدی از

معیشتمان نقطهٔ پایان بگذارند. طوفان خشم عموم مردم در راه است. پاسخ ما به این بی‌شرمی بی‌نهایت، فشرده‌تر کردن صفوف اعتراض‌ها به هر گستاخی از طرف حاکمیت است. عزیزانمان را می‌کشید، با کارزارهای جهانی پاسختان را می‌دهیم. هر تعرضی به زندگی‌مان، گستردگی مبارزاتمان در صفوف یکپارچه‌تر و متحدتر را به همراه خواهد داشت.

پنج‌شنبه ۵ بهمن ۱۴۰۲

۲۵ ژانویه ۲۰۲۴

آنها که ایستاده می‌میرند

کیوان جاوید

خبر اعدام محمد قبادلوی عزیز زخم عمیق دردناکی
بر جانمان است. جوان رعنا و نازنینی که شور بود
و زندگی، عشق بود و امید به دنیایی بهتر. ما از این
غم‌های جانکاه زیاد دیده‌ایم. ما از میانه کشتار
زندانیان سیاسی در سال ۶۰ و تابستان ۶۷ بیرون
آمده‌ایم. ما تاریخی خونبار را بر دوش می‌کشیم.
ما آخرین نگاه ندا آقاسلطان را که خیره در دریچه
دوربین جان داد تا ابد فراموش نمی‌کنیم. ما با هر
غروب خورشید یکبار دیگر به مه‌سایه‌های به خون
نشسته خود سلامی دوباره می‌گوییم.

هر اذان صبح زوزه نحس عفریت مرگ است که
بشارتِ ریختن خون عزیزی را می‌دهد؛ بشارت
اینکه با طلوع خورشید غمی بر دل‌ها خواهد نشست
و بر کثرت خانواده‌های به عزای نشسته اضافه خواهد
شد. علف هرز اسلام و حکومت اسلامی بی‌وقفه با
خون جوانی دیگر آبیاری می‌شود.

آیا این پایان کار ما نیست؟ آیا این کشتارهای
بی‌وقفه و پیاپی، ما مردم درد کشیده و محاصره شده
در فقر و زندان و کشتار را مأیوس نخواهد کرد؟
آیا می‌توان حکومتی که در کسری از ثانیه دست
به اسلحه می‌برد و برای بقای خود دست از هیچ
جنایتی بر نمی‌دارد را شکست داد و به آرزوهای
انسانی خود رسید؟ آری می‌شود، باید بشود. این

اولین بار در تاریخ جهان و حتی در ایران نیست که پشت مستبدین و جانیان خونخوار و دیکتاتورهای ضد بشر به خاک مالیده شده است و ما مردم اراده کرده‌ایم که این پایان کار حکومت اسلامی باشد. این حکم زندگی است که با بانگ بلند فریاد می‌زند، ما ایستاده می‌میریم و دشمن ضد انسان در ذلت جان خواهد داد.

در عکس‌العمل به اعدام محمد قبادلو و فرهاد سلیمی جامعه یکپارچه خشم است، تنی واحد که علیه جانیان اعلان جنگ داده است. زندانیان سیاسی زن با اعلام اعتصاب غذا پیش‌قراول حرکتی شده‌اند که بازتاب گسترده‌ای یافته است. پدر ۹۰ ساله نرگس محمدی در حمایت از دختر در

بند و هم‌زمانش به مدت ۲۴ ساعت اعتصاب غذا می‌کند. خانواده سپیده قلیان و توماج صالحی، زینب جلالیان، مهدی یراحی، زرتشت احمدی راغب، و رضا سلمان‌زاده و رضا محمدحسینی در زندان قزل‌حصار به این اعتصاب پیوسته‌اند. حمایت‌ها از هر سو هر روز بیشتر می‌شود. حکومت اسلامی به‌راستی طوفان درو می‌کند.

پنج‌شنبه ۵ بهمن ۱۴۰۲

۲۵ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۳۷

۲۷ ژانویه ۲۰۲۴ - ۷ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

جدال علیه اعدام، جدال برای سرنگونی

اصغر کریمی

درباره سفر ندا النشیف به ایران

حسن صالحی

در رابطه با سفر خانم نادا النشیف به ایران

بازنشراز شبکه ایکس (توئیتر) حمید تقوایی

بازماندن ده ها هزار کودک معلول از تحصیل

سیاوش آذری

جدال علیه اعدام، جدال برای سرنگونی

اصغر کریمی

تحرک بیسابقه‌ای علیه اعدام، این قتل عمد دولتی، در داخل و خارج کشور شکل گرفته است. در خارج کشور کارزار وسیعی شروع شده و در روزهای گذشته در بیش از ۴۰ شهر تجمعات اعتراضی علیه اعدام برگزار شد و دهها تجمع دیگر نیز فراخوان داده شده است. اعلام اعتصاب غذای یک روزه توسط ۶۱ زن زندانی سیاسی بدنبال اعدام محمد قبادلو و فرهاد سلیمی نقطه عطف دیگری در جنبش علیه اعدام بود که با حمایت و استقبال گسترده‌ای از طرف فعالین کارگری و معلمان، زندانیان سیاسی سابق و خانواده‌های دادخواه و هنرمندان و غیره مواجه شد.

در روزهای قبل از آن تشکلهای مردمی از شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان تا ۱۷ تشکل دانشجویان، از ده تشکل کارگران و بازنشستگان و دادخواهان تا کانون نویسندگان و بسیاری از فعالین سیاسی و اجتماعی بیانیه‌های قاطعی علیه اعدام منتشر کردند. این تحرکات انعکاس وسیعی در رسانه‌ها یافت و در پارلمان‌های کشورهای غربی نیز تحرک تازه‌ای را دامن زد. از جمله بیش از صد نفر از سناتورهای فرانسه خواهان توقف اعدام در ایران شدند.

این تحرکات نه تنها علیه اعدام، این قتل وحشیانه دولتی، بلکه بسیار فراتر از آن است. این ادامه انقلابی است که از شهریور سال قبل با شعار زن زندگی

آزادی جامعه را وارد دوران تازه‌ای کرد. مردمی که از سرکوب و بی‌حقوقی، فقر، فساد، شکنجه و اعدام، ماجراجویی‌های تروریستی حکومت در منطقه و از همه چیز این نظام متنفرند، با بیان خشم و انزجار علیه اعدام عزیزان خود، کل حکومت را نشانه گرفته‌اند. این به آگاهی عمومی جامعه، و نه فقط فعالین، تبدیل شده است که اعدام به منظور بقای حکومت و برای جلوگیری از بلند شدن مجدد مردم است. و مردم تصمیم گرفته‌اند که همانطور که سنگر مهم حجاب را در هم کوبیدند این ابزار سرکوب را نیز از کار بیندازند. این یک مبارزه مهم برای در هم شکستن یک ستون اصلی حکومت است.

این تحرکات مقدمه جنبش تعرضی دیگری علیه حکومت و بنیادهای آن است. نشان میدهد که جامعه روی پاشنه ایستاده است تا در هر فرصتی بپا خیزد و بساط حکومت جانیان را در هم بیچد. باید این جنبش را با تمام قوا تقویت کرد. این جنبش قادر است ماشین آدمکشی حکومت را فلج کند و بار دیگر خیزش انقلابی برای سرنوشت حکومت را شعله‌ور سازد.

شنبه ۶ بهمن ۱۴۰۲

۲۷ ژانویه ۲۰۲۴

درباره سفر ندا النشیف به ایران

حسن صالحی

ندا النشیف معاون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد قرار است برای بررسی موضوع زنان و اعدام ها روز سوم فوریه به ایران سفر کند. خبر این سفر واکنش های زیادی را برانگیخته است. برخی خواسته اند که خانم ندا النشیف از این سفر صرف نظر کند چرا که "این سفر در چنین زمانی باعث سوء استفاده تبلیغاتی و پروپاگاندای جمهوری اسلامی خواهد شد". عده ای دیگر ضمن ابراز این نگرانی گفته اند که حالا که به ایران سفر می کنید به ملاقات با زندانیان سیاسی در زندانهای مختلف بروید و با خانواده های دادخواه دیدار داشته باشد و

حجاب هم به سر نکنید. در همین حال مادران چهار زندانی سیاسی محکوم به اعدام، محسن مظلوم، پژمان فاتحی، وفا اذر بار وهژیر فرامرزی با نوشتن نامه‌ای سرگشاده خطاب به وی خواستار کمک او برای جلوگیری از اعدام فرزندان خود و دیگر زندانیان محکوم به اعدام در ایران شده اند.

اعتراض به سفر ندا النشیف نه تنها هیچگونه موضوعیتی ندارد بلکه باید از این سفر استقبال کرد. مسئله اصلی این است که خانم النشیف در این سفر چه خواهد کرد و چه گزارشی خواهد نوشت.

دیدار با مدافعین حقوق زنان در ایران و با زندانیان سیاسی و بخصوص زنان قهرمانی که در اوین در

اعتراض به اعدامها در اعتصاب غذا هستند توسط خانم
النشیف اهمیت زیادی دارد. وی همچنین باید تلاش
کند با خانواده های دادخواه، مادرانی که عزیزانشان
در زندانهای جمهوری اسلامی کشته شده اند و یا
در خطر قریب الوقوع اعدام قرار دارند و بازماندگان
کسانی که در جنایت عامدانه سرنگون کردن پرواز
PS-752 به قتل رسیدند دیدار داشته باشد و پای
صحبت آنها بنشیند. اگر جمهوری اسلامی مانع این
امر شود این موضوع طبعاً باید در گزارش وی انعکاس
یابد.

در زمانی که "حقوق بشر" در ایران روزانه و در نزد
انظار جهانی مورد نقض خشن و آشکار قرار می گیرد،
اثبات اینکه جمهوری اسلامی ضد "حقوق بشر" و یا

بهتر بگوییم ضد انسان است کار دشواری نیست.
سازمان عفو بین الملل طی چند گزارش تکان دهنده
بسیاری از جنایات رژیم را ثبت کرده است. با این
حال سفر ندا النشیف به ایران می تواند با انعکاس ابعاد
جنایت حکومتی در ایران جمهوری اسلامی را تحت
فشار بگذارد. برای همین است که تاکنون جمهوری
اسلامی با انجام چنین سفرهایی مخالفت داشته است.
انتظار ما این است که نتیجه چنین سفری نه فقط
به محکومیت جمهوری اسلامی بلکه به بایکوت این
رژیم به خاطر جنایت علیه بشریت منجر شود.

شنبه ۶ بهمن ۱۴۰۲

۲۷ ژانویه ۲۰۲۴

در رابطه با سفر خانم نادا النشیف به ایران

بازنشر از شبکه ایکس (توئیتر) حمید تقوایی

قرار است خانم نادا النشیف معاون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در تاریخ ۱۴ تا ۱۶ بهمن برای بررسی دو مساله "اعدام" و "حقوق زنان" به ایران سفر کند. تا کنون سازمان ملل، و همچنین عفو بین الملل، بارها نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کرده اند. این سفر، که در اوج اعدامهای حکومت صورت میگیرد، نیز میتواند به محکومیت قاطع نقض آشکار و گسترده مهمترین حق بشر، یعنی حق حیات، در جمهوری اسلامی منجر بشود. زنان زندانی و همه فعالینی که در اعتصاب غذا در اعتراض به اعدامها به سر میبرند میتوانند منبع موثق

و معتبری باشند برای تحقیقات خانم نادا النشیف
هم در زمینه اعدامها و هم نقض حقوق زنان. باید
همه ما نیروهای فعال در انقلاب زن زندگی آزادی
از خانم النشیف بخواهیم که حتما با ۶۱ زن قهرمان
اعتصابی در زندان، و با خانواده های اعدامیان و
محکومین به اعدام ملاقات کند تا به عمق توحش
و جنایت حکومت پی ببرد. این بار تنها محکوم
کردن "ویرانگران انسانیت" کافی نیست، باید آنها
را در سطح جهانی بایکوت و منزوی کرد!

شنبه ۶ بهمن ۱۴۰۲

۲۷ ژانویه ۲۰۲۴

بازماندن ده ها هزار کودک معلول از تحصیل

سیاوش آذری

بنا بر اظهارات معاون وزیر آموزش و پرورش رژیم ۱۵ درصد از ۲۰۰ هزار کودکی که در دوره ابتدایی از تحصیل باز مانده اند کودکانی هستند که به دلیل معلولیت شدید قادر به ادامه تحصیل نیستند. به عبارتی دیگر ۳۰ هزار دانش آموز به خاطر معلولیت قادر به ادامه تحصیل نیستند.

البته جناب معاون کوچکترین اشاره به اینکه چه امکاناتی برای جذب کودکان معلول به تحصیل و ادغام آنان در سیستم آموزشی و متعاقب آن در

جامعه فراهم گشته و یا اینکه وزارتخانه و دولت متبوع ایشان چه راهکاری برای این امر مد نظر دارند نکرده است. رژیم اسلامی و دم و دستگاه آموزشی و اداری آن کوچکترین علاقه ای به ارائه راه حل برای مشکلات معلولین ندارد.

وضعیت معلولین در یک جامعه و مقیاس ادغام و مشارکت آنان در زندگی و امور اجتماعی نشانه درجه انسانیت یک سیستم اجتماعی است. فراهم کردن امکاناتی که مشارکت معلولین در امور جامعه، از تحصیل تا تولید مادی، هنری و علمی را تسهیل نماید از وظایف فوری جامعه و دولت است. هر فرد با توانایی ها و محدودیت های ویژه خود به دنیا می آید و جامعه مسئول پرورش همه ظرفیت های انسانی

این افراد و برخوردار نمودن آنها از امکان دسترسی به تمامی مواهب زندگی اجتماعی است.

مشکلات پیش روی معلولین و حل آنان تنها مربوط به معلولین نیست، این مشکل کل جامعه است و نحوه برخورد جامعه و دولت به این معضلات نشانگر نحوه درک جامعه از خود است. در سال های اخیر فعالین حقوق معلولین به طرق مختلف اعتراضات و مطالبات خود را بیان داشته اند. اما این کافی نیست. لازم است که فعالین اجتماعی و سیاسی در هر حوزه به دفاع از مطالبات و اعتراضات این بخش از جامعه بپردازند و حل مشکلات معلولین را در دستور کار خود قرار دهند. مسلمانان جمهوری اسلامی خود بزرگترین مانع بر سر راه ادغام انسانی معلولین در امور اجتماعی و

برقراری یک جامعه انسانی است اما با این حال باید با حمایت وسیع و عملی از معلولین و مطالباتشان رژیم را وادار به گوش سپردن به این مطالبات نمود. تخصیص بودجه کافی برای این امور با پایان دادن به موشک پراکنی و حمایت مالی و تسلیحاتی از جنبش های اسلامی تروریستی در منطقه و پُر کردن جیب آخوند میلیاردرها و آقا زاده ها و صرف پولهای کلان برای سرپا نگاه داشتن دستگاه سرکوب و تولید و توزیع جهل و خرافات بسادگی امکانپذیر است.

شنبه ۶ بهمن ۱۴۰۲

۲۷ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۳۸

سردبیر این شماره: سیاوش آذری

۲۸ ژانویه ۲۰۲۴ - ۸ بهمن ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

آپارتاید جنسیتی در ایران و نامه به سازمان ملل

کیوان جاوید

کارگران در کف خیابان

شهلا دانشفر

حکومت ورشکسته و افزایش مالیات‌ها

سینا پدرام

شیوه انسانی اعدام!

یاشار سهندی

آپارتاید جنسیتی در ایران و

نامه به سازمان ملل

کیوان جاوید

نرگس محمدی در نامه‌ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل با تأکید بر تبعیض جنسی علیه زنان در ایران خواستار ”جرمانگاری آپارتاید جنسی و جنسیتی“ شد.

به مدت ۴۵ سال (۵۴۰ ماه یا ۱۹۷ هزار و صد روز) است ما هر آنچه که نرگس محمدی خطاب به دبیرکل سازمان ملل گفته است را با همه ذرات وجود خود حس می‌کنیم. زنان در ایران آن‌چنان جهنمی را از طرف حکومت با تمامی وجودشان تجربه کردند که ترسناک‌ترین فیلم‌های جهان

در برابر این توحش و جنایتِ فوق تصور، بازی
کودکانه‌ای بیش نیست.

این اغراق نیست که ما از وضعیت زنان در ایران
بیان می‌کنیم. وقتی هویت جنسیتی نیمی از جامعه
انکار می‌شود و برای اینکه این انکار هویت به
نمادی از رفتار جامعه تبدیل شود، همه نیروهای
سرکوب با بیشترین امکانات مادی و سیاسی و
اقتصادی به خدمت گرفته می‌شود تا زن همانی
باشد که هیولاهای از گور برخاسته اسلامی انتظار
دارند، آنگاه می‌توان حس کرد که زن بودن در
ایران تحت حاکمیت اسلاميون یعنی چه.

آپارتاید جنسیتی در ایران از همان روزی که
خمینی اعلام کرد، اگر زنان حجاب را رعایت
نکنند پوستشان را می‌کنیم و برای اینکه این حرف
خمینی جدی گرفته شود گشت‌های متنوع اوباش

اسلامی به خیابان‌ها سرازیر شده و از بازداشت و شلاق و اسیدپاشی به صورت استفاده کردند تا چهره جامعه اسلامی شود باید به رسمیت شناخته می‌شد.

زنان در ایران در هر دم و باز دمشان نه تنها فقر و نابرابری اقتصادی و دیکتاتوری عریان یک حکومت سرمایه‌داری را در تاروپود وجود خود حس کرده‌اند، بلکه مضافاً به عنوان زن مورد آن چنان هجومی قرار گرفته‌اند که در تاریخ بشری کم سابقه است. این شرایط ترسناک اما به شکست زنان منجر نشد و حالا هر کسی که در دنیا اخبار ایران را دنبال می‌کند به سادگی می‌بیند که زنان در رأس جنبش سرنگونی و در نوک قله انقلاب زن زندگی آزادی برای رهایی از حکومت اسلامی و نابودی آپارتاید جنسیتی می‌جنگند.

امروز قطعاً وقت آن فرارسیده که سازمان ملل و همه نهادهای بین‌المللی به این خواست مردم ایران گردن بگذارند و رژیم اسلامی را همانطور که در نامه نرگس محمدی بیان شده است به‌عنوان حکومت آپارتاید جنسیتی به رسمیت بشناسند. پشتوانه این نامه نرگس محمدی عظمت مبارزه روزمره و تعطیل‌ناپذیر زنان و مردان برای طلب در ایران است.

یک‌شنبه ۸ بهمن ۱۴۰۲

۲۸ ژانویه ۲۰۲۴

کارگران در کف خیابان

شهلا دانشفر

اعتراضات کارگری ابعادی جدید پیدا کرده و جامعه از اعتراض می‌جوشد. خیابان‌ها در جایی مثل اهواز به صحنه اعتراضات پر شور کارگری تبدیل شده است. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به فقر، فساد، اختلاس‌ها و خلف وعده‌ها دوباره به خیابان آمده و امروز هشتم بهمن سیل جمعیت سه هزارنفره آنان و طنین شعار ”ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد می‌جنگیم، می‌جنگیم“ بر فضای خیابان‌ها، اهواز را به لرزه در آورد. فریاد آنها فریاد اعتراض همه کارگران و مردم ماست.

در همین راستاست که بازنشستگان بافریاد ”اتحاد

اتحاد علیه فقر فساد“ و دست گرفتن همیشگی
بدر ”شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد“ پرچم اتحاد
مبارزاتی کل جامعه را برافراشته‌اند. تجمع بزرگ
دیگر امروز از سوی کارگران ارکان ثالث در شرکت
نفت و گاز گچساران است که پاسخ محکمی به
برخورد امنیتی حراست به تجمع این بخش از
کارگران در روز گذشته در پارس جنوبی بود. این
کارگران با مطالبه حذف پیمانکاران کل ساختار
صنعت نفت را مورد تعرض قرار داده‌اند و در
کنار اعتراضات متوالی کارگران رسمی و کارگران
قراردادی، نفت را به تکان درآورده‌اند.

اعتصاب کارگران پروژه آب شیرین مکران و
تجمع اعتراضی کارکنان پتروشیمی هگمتانه در
همدان اخبار اعتراضی دیگر این روز است. در
کنار اینها امروز تجمعات بازنشستگان تأمین

اجتماعی و فولاد را در ادامه یک سال یکشنبه‌های اعتراضی‌شان داشتیم که در شهرهایی چون شوش، اهواز، کرمانشاه، اراک انجام شد و با شعار ”لشکری کشوری تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد“ جمعیت ۲۵ میلیونی بازنشستگان را به اتحاد فراخواندند. اتحادی که نمونه‌اش را در سوم بهمن‌ماه در کرمانشاه شاهد بودیم که بازنشستگان با شعارهای کوبنده‌شان پاسخ بساط سرکوب و اعدام حکومت را دادند.

حکومت بر اعدام و سرکوب شدت داده تا مردم را عقب بزند. کارگر فولاد، کارگر نفت و بازنشسته معترض به خیابان آمده و با فریاد ”نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد“، و فریاد اینکه خشونت و سرکوب ما را نخواهد ترساند سرود آزادی سر می‌دهد.

اعتراضات در چنین ابعادی پاسخ محکمی به حکومت و بساط اعدام و سرکوبش است. این اعتراضات در کنار موج اعتراضی که علیه اعدام‌ها از زندان و در سطح جامعه با اسم رمز “اعتصاب‌غذا” برپاشده، نشان‌دهنده زمینه مناسب برای اعتصابی عمومی در سطح سراسری برای عقب‌زدن حکومت و داغ‌کردن دوباره تنور انقلاب در کف خیابان است. بدین‌گونه جامعه مسیر انقلابش را هموارتر می‌کند. به‌پیش!

یک‌شنبه ۸ بهمن ۱۴۰۲

۲۸ ژانویه ۲۰۲۴

حکومت ورشکسته و افزایش مالیات‌ها

سینا پدram

”دولت ابراهیم رئیسی با وعده کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ را با افزایش ۵۰ درصدی درآمدهای مالیاتی به مجلس تحویل داد.“

در همین رابطه اظهارنظرهای مختلفی در نشریات داخل و خارج به چشم می‌خورد که در بیشتر آنها از فشار مالیات گسترده، رکود اقتصادی، فروش بسیار کم کسبه، کاهش قدرت خرید مردم و افزایش فقر در سال آینده سخن به میان آمده است. درعین حال افزایش بودجه سازمان‌های امنیتی و سرکوبگر و بخصوص افزایش ۵۸ درصدی بودجه صداوسیما که هیچ مخاطبی در ایران ندارد، نشان می‌دهد که

مالیات‌های اخذ شده قرار است صرف چه اموراتی شود.

مالیات در بهترین حالت و حتی در “شفاف‌ترین” سیستم سیاسی اقتصادی سرمایه‌داری یعنی منبع تأمین درآمد دولت. اینکه این درآمد چگونه و چه مقدار صرف “احتیاجات اجتماعی” می‌شود و چه مقدار در کیسه حکومت و گردانندگان آن می‌رود، تابعی است از تعادل قدرتی که بین مردم و نیروهای اجتماعی فعال در جامعه و طبقه حاکم، به‌ویژه دولت وقت برقرار است.

مبارزات اجتماعی قطعاً می‌توانند با فشار بر حاکمیت، سمت‌وسوی تخصیص منابع مالی از سوی دولت را تغییر دهند.

در ایران با دیکتاتورهای سیاسی - نظامی حاکم

بر آن در صدسال گذشته، همواره بخش عمده مالیات‌ها و درآمدهای دیگر دولتی از جمله از محل فروش نفت، صرف تأمین سیستم سرکوب اعم از ارتش و پلیس و سپاه و کمترین مقدار آن صرف احتیاجات عامه مانند تأسیس بیمارستان‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، راه‌و ترابری، سوبسیدها شده است.

هر نوع افزایش مالیات بر درآمدهای مردم باعث رشد فقر و در مورد خاص ایران باعث رکود اقتصادی و ورشکستگی هر بیشتر بنگاه‌های تولیدی کوچک خواهد شد. این در حالی است که حتی با خوش‌بینانه‌ترین محاسبات ما با تورم ۳۵ تا ۵۰ درصدی روبرو هستیم. از سوی دیگر افزایش حقوق کارمندان و کارگران در سال ۱۴۰۳ تنها ۱۸ درصد تعیین شده است. با یک حساب سرانگشتی این یعنی افزایش فقر. اگر افزایش مالیات‌ها را نیز

در این محاسبات دخیل کنید به عمق “دزدسالاری”
حاکم در ایران پی می‌برید.

امتناع از پرداخت مالیات برای مردم امر ساده‌ای
نیست، حال آنکه میلیاردرهای حاکم با هزار ترفند
از پرداخت مالیات سرباز می‌زنند و تازه مورد “عفو
مالیاتی” نیز قرار می‌گیرند. معضل افزایش مالیات‌ها
نیز مانند بسیاری از موضوعات در ایران با جدال
سیاسی همراه خواهد بود و طی این جدال مابین
مردم و رژیم اسلامی تعیین و تکلیف خواهد شد.

یک‌شنبه ۸ بهمن ۱۴۰۲

۲۸ ژانویه ۲۰۲۴

شیوه انسانی اعدام!

یاشار سهندی

در خبرها آمده یک محکوم به اعدام در ایالت آلابامای آمریکا به وسیله گاز نیتروژن به قتل رسیده است. به گزارش رویترز مقامات اطمینان دادند: "این انسانی ترین و کم دردترین" راه کشتن یک زندانی است. این راه انسانی از سر ناچاری بوده نه از سر ترحم.

"مقامات" ایالت های آمریکا که هنوز حکم اعدام در آنها اجرا می شود به دلیل کمبود "ماده شیمیایی بریتورات" که در اعدام از راه تزریق سم بکار گرفته می شود به دلیل منع فروش آن از سوی اتحادیه اروپا برای اعدام با مشکل روبرو شدند،

بدین سبب شیوه خلاقانه و انسانی‌تر کشتن با نیتروژن را یافتند. در مورد نیتروژن کافی است یک سرچ کوتاه و مختصر در اینترنت صورت گیرد تا ثابت شود ادعای انسانی‌تر کشتن چقدر بی‌اساس و بی‌معنی است.

ترتیب‌دهندگان اعدام مصنوعی برای سامان یاسین خواننده رپ معترض هم ترحمشان گل کرده بود و به هم توصیه کرده بودند به گونه‌ای طناب دار بر گردنش بیندازند که گردن بشکند تا زجرکش نشود.

موضوع اما کل این تشریفات از لحظه صدور حکم تا اجرا است که محکوم را در یک پروسه بی‌نهایت ضد انسانی قرار می‌دهد که خود را آماده کشته شدن

کند. در مورد محکوم به اعدام ایالت آلاباما، او به جرم مشارکت در قتل یک زن از سال ۱۹۸۸ در زندان به سر برده است؛ یعنی یک ربع قرن در زندان انتظار اجرای قتل خود لحظه شماری کرده است. او حتی به این روش کشتن خود اعتراض داشته، دادگاه ایالتی اما تشخیص داده این روش بهتر است.

زجر کشی از همان لحظه‌ای شروع می‌شود که با حکم دادگاه فرد زندانی "زیر حکم اعدام" قرار می‌گیرد. صدای هر باز و بسته شدن درها، صدای پای زندانبان تن محکوم را به لرزه در می‌آورد که "وقتش رسیده"؛ در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اذان صبح، صدای شومی است که خبر از مرگی فجیع می‌دهد.

اعدام قتل عمد دولتی است، نمونه اجرا شده در
آلاباما تأییدی است که در هر جا که اجرا شود
همین است که است. کشتن با سم و نیتروژن و
طناب دار و تیرباران و گیوتین و قطع سر با شمشیر
و یا پرتاب از بلندی هیچ تفاوتی با هم ندارد. قتل،
قتل است، قتل از نوع دولتی آن وقتی که در زندان
بسی می‌بری از هر نوع قتلی هولناک‌تر است.
اعدام قتل عمد دولتی است؛ دست حکومت‌ها از
این ابزار وحشت‌آفرینی باید کوتاه شود.

یک‌شنبه ۸ بهمن ۱۴۰۲

۲۸ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

زورنال

شماره ۶۳۹

۲۹ ژانویه ۲۰۲۴ - ۹ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

پیام ۴ زندانی سیاسی اعدام شده به مردم

نسان نودینیان

بازی حکومت اسلامی با آتش

کاظم نیکخواه

جمهوری اسلامی و پدیده "زشت" سقط جنین

سینا پدرام

روایتی از سرنوشت انسان

کیوان جاوید

فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان. سه‌شنبه ۱۰ بهمن

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

پیام ۴ زندانی سیاسی اعدام شده به مردم

نسان نودینیان

حکومت اسلامی ۴ زندانی سیاسی، پژمان فاتحی، محسن مظلوم، وفا آذربار و هژیر فرامرزی را اعدام کرد. در اولین و آخرین دیدار (بعد از ۱۹ ماه بی خبری) پیام علنی این اسیران به مردم، به سُخره گرفتن مرگ و حکومت اعدام بود. آنها به مادران داغیده خود گفتند: "نگران ما نباشید، احساس سربلندی میکنیم، گریه نکنید و لباس سیاه نپوشید."

چهار زندانی سیاسی عزیز و مبارز اعدام شدند، اعدام این عزیزان سنگین و جانکاه است، اما اعدام‌های امروز ۹ بهمن ماه ۱۴۰۲ هزینه های سنگین برای حکومت

اسلامی خواهد داشت. فضای اعتراضی جامعه ملتهب شده، زندانها و زندانیان با بیانیه های دسته جمعی علیه اعدام پیاخاستند، اعتصاب ۶۱ زندانی سیاسی در بند زنان، حمایت و همراهی ده ها نفر از زندانیان سیاسی از اعتصاب زنان زندانی، ناآرامی و اعتراض در سالن زندانیان سیاسی در زندان قزلحصار و پیوستن آنها به اعتصاب در محکومیت اعدامها، بیانیه زندانیان زیر تیغ اعدام و پیوستن آنها به اعتصاب، (اعتصاب غذا در سه شنبه های هر هفته علیه اعدام)، بیانیه بیش از ۱۷۰ کارگر و معلم و فعال سیاسی و اجتماعی در حمایت از اعتصاب زنان زندانی، بیانیه ۱۰ نهاد کارگری و اجتماعی، بیانیه کارگران سندیکای اتوبوسرانی تهران، کارزار جهانی علیه اعدام، حمایت و همراهی ده ها خانواده جانباخته و دادخواهان، پیامهای شغف انگیز

خانواده های دادخواه علیه اعدام، همه اینها جنبش علیه اعدام را گامها به جلو برد. جنبش علیه اعدام اینبار داخل و خارج، زندان و مردم را بهم وصل کرد و همه با هم با شعار همه گیر نه به اعدام علیه توحش اسلامی، ایستادند.

حکومت تبهکار اسلامی بیش از ۴ دهه است، با اعدام عزیزانمان را از ما می گیرد، اعدام میکنند که بترسیم، اعتراف گیری میکنند که عقب نشینی کنیم، همه خیزش های مردمی و خصوصا انقلاب زن زندگی آزادی به ما آموخت، درندگی و آدم کشی این حکومت به پایان خواهد رسید و مردم مرعوب نمی شوند.

برای اعدام های امروز، حکومت اسلامی بهای سنگین

خواهد پرداخت. مبارزه علیه اعدام همواره ادامه دارد.
هر چند آدمکشی رمز بقا و حیات این حکومت است،
اما مردم هزینه این ددمنشی را برای حکومت اسلامی
بالا می بریم. به هر درجه اشکال مبارزه را گسترده و
سراسری کنیم، به موفقیت‌های بزرگ، از لغو مجازات
اعدام تا سرنگونی حکومت تبهکار اسلامی خواهیم
رسید.

در آخر پیام این زندانیان سیاسی جانباخته را بیاد می
آوریم که گفتند: "احساس سربلندی میکنیم، گریه
نکنید و لباس سیاه نپوشید."

دوشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۲

۲۹ ژانویه ۲۰۲۴

بازی حکومت اسلامی با آتش

کاظم نیکخواه

روز گذشته ۸ بهمن سه سرباز آمریکائی در منطقه مرزی اردن و سوریه با یک حمله پهبادی کشته شدند. این حمله نزدیک مرز سوریه به پایگاه آمریکائی "برج ۲۲" صورت گرفت و مقامات آمریکائی آنرا به نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی منتسب میکنند. ۳۴ نفر نیز در این حمله زخمی شدند.

حمله به یک پایگاه آمریکائی در منطقه ای که در حالت جنگی نیست، خشم وسیعی را در آمریکا دامن زده و مقامات مختلف آمریکائی از حملات انتقامی سخت علیه حکومت اسلامی سخن میگویند. چند

چهره سرشناس حزب جمهوری خواه و حزب دموکرات
خواستار اقدام قاطع دولت علیه حکومت اسلامی شدند.

نمایندگی دائمی حکومت اسلامی در سازمان ملل متحد
فورا اعلام کرد که جمهوری اسلامی "هیچ ارتباطی" با
حملات صورت گرفته به نیروهای آمریکا ندارد و آن
را نتیجه "درگیری میان ارتش ایالات متحده آمریکا
و گروه‌های مقاومت در منطقه" توصیف کرده است.

این موضعگیری اما کمکی به حکومت نکرده و در
سطح بین المللی در اینکه این حملات با توافق سران
حکومت اسلامی صورت گرفته هیچ تردیدی وجود
ندارد. جمهوری اسلامی زیر این فشار است که در
برابر حملات خرد کننده اسرائیل به حماس، کاری
بکند اما جرات درگیری مستقیم با ارتش اسرائیل را

که میدانند فوراً با حملات متقابل جواب خواهد داد، ندارد. به همین دلیل با حمله نیروهای نیابتی اش به پایگاه آمریکا، تلاش دارد دولت آمریکا را بعنوان یک عامل فشار بر اسرائیل زیر فشار قرار دهد. چرا که معتقد است آمریکا سیاست وارد شدن به درگیری نظامی در منطقه را دنبال نمیکند.

اما این تلاشها و بحران سازیهای قبل از آن، بازی حکومت با آتش است. چهار سال پیش در سال ۲۰۲۰ هم با همین محاسبات عملیات ایزدای متعددی علیه نیروهای آمریکائی انجام دادند و نهایتاً ارتش آمریکا به دستور ترامپ که او هم رسماً سیاست عدم درگیری در خارج را دنبال میکرد، ضربه ای بسیار مهلک به قلب حکومت زد و بالاترین مقام سیاسی - نظامی شان، قاسم سلیمانی و همراهانش را با موشک نابود کرد.

اینکه اکنون دولت بایدن چه انتخابهایی در پیش دارد
و چه خواهد کرد روشن نیست. اما نمیتواند در برابر
آن و کل وضعیتی که حکومت ایجاد کرده ساکت
بماند.

در هر حال حکومت اسلامی بطور قطع دارد با آتش
بازی میکند. آتشی که فی الحال حکومت را در دنیا
منزوی تر نموده و در ادمه خود میتواند حتی آنرا با
خطر نابودی مواجه کند و در عین حال منطقه را با
جنگ و نا امنی بیشتر مواجه نماید.

دوشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۲

۲۹ ژانویه ۲۰۲۴

جمهوری اسلامی و پدیده "زشت" سقط جنین

سینا پدram

به گزارش ایسنا ابراهیم رئیسی در ششمین جلسه ستاد ملی جمعیت، "اجرای قانون حمایت از جوانی جمعیت را از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر برشمرد. وی در ادامه مقابله جدی و بدون مسامحه با "پدیده زشت سقط جنین" را از جمله راهکارهای موثر در جلوگیری از کاهش رشد جمعیت عنوان کرد.

معضل سقط جنین در سطوح مختلف یکی از موضوعات مورد جدال در قرن گذشته و قرن حاضر بوده است که جنبشهای فکری و اجتماعی و احزاب سیاسی پا به پای پیشرفتهای علم پزشکی و درمانی،

سعی در جوابگویی به آن را داشته اند.

حکومت‌های مختلف از جمله در کشورهای مذهبی کاتولیک و کشورهای اسلامی، دکترین و دید مذهب به مقوله انسان و دخالت انسان در معیشت و خواست الهی را به عنوان پایه ایدی‌ولوژیک قوانین ممنوعیت سقط جنین قرار می‌دهند. واقعیت اما نه در توجیهات مذهبی و آسمانی بلکه در منفعت‌های سیاسی و اقتصادی است که در پشت سر این توجیهات پنهان هستند.

در مورد خاص ایران ممنوعیت سقط جنین، سیاست رشد جمعیت، عدم حق استفاده از روش‌های ضد بارداری مانند وازکتومی و توبکتومی، سیاست

ممنوعیت غربالگری، ممنوعیت داروهای مربوطه و غیره نه تنها کنترل نیمی از جامعه، یعنی زنان، محسوب میشود بلکه تاثیرات منفی بسیار بر خانواده‌های کارگری، و همه خانواده‌هایی که تحت فشار اقتصادی شدید زندگی میکنند، می‌گذارد.

افزایش بیماریهای مقاربتی، تاثیرات جسمی و روحی منفی دوران بارداری بر مادران، بارداریها و زایمانهای ناخواسته، افزایش معلولیت که به بیش هزاران نوزاد در سال بالغ میشود و کنترل جسمی زنان و مردان از جمله عواقب سیاستهای ضد زنانه رژیم اسلامی در ایران است. از سوی دیگر بالا رفتن مرگ از نتایج این سیاستهاست.

فقر و فشارهای مالی وعدم تامین اقتصادی اجتماعی
از دلایل عمده انتخاب سقط جنین قلمداد میشود.
دلایلی که موجد واقعی آنان چیزی نیست جز پدیده
زشت رژیم اسلامی. جواب واقعی برای معضل
سقط جنین و از جمله جوان سازی جامعه بالا بردن
رفاهیات جامعه است. بزرگترین فاکتور وجودی
فقر و فاقه در ایران هنوز در قدرت است.

دوشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۲

۲۹ ژانویه ۲۰۲۴

روایتی از سرنوشت انسان

کیوان جاوید

فیلم سینمایی "فینچ" (**Finch**) با بازی "تام هنکس" روایتی تلخ از شرایط اسفناک کره زمین است. شرایطی که زمین از وجود رادیواکتیو اشباع شده و حیات بشری از بین رفته است. بازماندگان این وضعیت یک مرد، سگش و یک ربات است.

داستان از این قرار است که آخرین انسان فقط می تواند در ماشینی زندگی کند که ضد رادیواکتیو است. تمام تلاش او این است تا شاید بتواند به منطقه ای برسد که زیستن در آنجا ممکن باشد. اما مطمئن نیست به پایان راه برسد.

قهرمان فیلم می‌خواهد به ربات آموزش بدهد که بعد از مرگش از سگش نگهداری کرده و برایش غذا فراهم و با او بازی کند. کل ماجرای این فیلم تلاش این مرد به آموزش دادن ربات و عادت دادن سگ در هماهنگ شدن با این ربات خلاصه می‌شود. ماجرای این فیلم تخیلی این پیام را در خود دارد که انسان تحت هیچ شرایطی تسلیم نمی‌شود و جنگیدن و تغییر اوضاع و امید به فردای روشن‌تر هویت اجتماعی بشر را می‌سازد.

داستان این فیلم، البته ما را به شرایط ایران نیز می‌رساند. شرایطی که می‌توانست به معنی پایان زندگی اجتماعی زنان باشد و آنها را به بردگانی در خدمتگذاری به هیولاهای اسلامی تبدیل کند؛ شرایطی که زندگی در

این گوشه از زمین می‌توانست فقط عزا و ماتم باشد.
خندیدن و شادی کردن و دوست داشتن هم‌نوع و امید
به فردای روشن می‌توانست حتی در آرزوهای دور و
دراز این مردم جایی نداشته باشد.

رژیم اسلامی برای تبدیل جامعه به مردابی متعفن همه
تلاشش را کرده است. سرگذشت زندانیان سیاسی،
از انفرادی‌های طاقت‌فرسا تا شکنجه‌های فوق تصور
تا اعتراف‌گیری‌های زیر شکنجه و اعدام‌های فردی
و گروهی، تنها یک گوشه از کارنامه کریه این رژیم
است.

انفجار فقر در ابعاد عظیم، سرکوب فعالین اجتماعی و
سازمان دادن یک حکومت ترور؛ تبدیل کردن زندگی
کودکان به کابوس بی‌پایان؛ وجود بیماری‌های روحی

و روانی گسترده؛ خودکشی‌های از سر یاس و هر آنچه
که می‌توانست پایانی باشد به زیستن انسانی، که همه
ما، نه در فیلم‌ها که در واقعیت روزانه زندگی می‌بینیم.

این بربریت اسلامی اما با تلاش جانانه و متحدانه مردم
دارد به انتهای خود نزدیک می‌شود و هیچ درجه از
جنایت نتوانسته است مردم را تسلیم کند. قهرمانان
این تراژدی زنان و جوانان و نوجوانان و همه مردم
درد کشیده در ایران هستند. لحظه‌ای از یاد نمی‌بریم
که امید بر در می‌کوبد.

دوشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۲

۲۹ ژانویه ۲۰۲۴

فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان

روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

در اعتراض به اعدام‌های گسترده و جنایتکارانه حکومت از جمله اعدام چهار زندانی سیاسی محمد فرامرزی، وفا آذربار، محسن مظلوم و پژمان فاتحی در روز دوشنبه ۹ بهمن، از طرف تعدادی از سازمان‌ها و فعالین حقوق بشری در کردستان فراخوان اعتصاب عمومی برای روز ۱۰ بهمن در کردستان داده شده است.

حزب کمونیست کارگری نیز مردم کردستان را به اعتصایی سراسری و قدرتمند علیه اعدام فرامیخواند.

مردم کردستان تجربه گرانبهائی از اعتصاب علیه اعدام و جنایت‌های جمهوری اسلامی دارند و اینبار نیز با اعتصاب قدرتمند خود پاسخ دندان‌شکنی به حکومت اعدام و جنایت خواهند داد.

امروز این به آگاهی عموم مردم تبدیل شده است که اعدام یکی از مهمترین ابزارهای سیاسی حکومت علیه مردم بپاخاسته و برای ارباب کل جامعه است. حرکات وسیعی که در سراسر کشور و در خارج کشور علیه اعدام شروع شده است همراه با اعتصاب عمومی در کردستان نقش مهمی در فلج کردن ماشین جنایت جمهوری اسلامی و در آماده ساختن فضای جامعه برای اعتصابات و اعتراضات سراسری خواهد داشت.

از همه مردم انقلابی در سراسر کشور، از دادخواهان و زندانیان سیاسی، از دانشجویان و جوانان و زنان آزاده، از کارگران و معلمان و بازنشستگان، از نویسندگان و هنرمندان پیشرو و معترض و از همه مردمی که برای سرنگونی حکومت عزم جزم کرده‌اند می‌خواهیم قاطع و فعال از اعتصاب مردم کردستان حمایت کنند و اعتراضات علیه رژیم فاسد و قاتل اسلامی را هر چه بیشتر گسترش دهند.

دوشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۲

۲۹ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۴۰

۳۰ ژانویه ۲۰۲۴ - ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

افزایش اعدام‌ها، موقعیت رژیم

کیوان جاوید

صداوسیمای بی‌مخاطب

سینا پدرام

اسلام به عقب برنمی‌گردد، مدفون می‌شود!

محسن ابراهیمی

مردم کردستان علیه اعدام دست به اعتصاب عمومی زدند

حزب کمونیست کارگری ایران

افزایش اعدام‌ها، موقعیت رژیم

کیوان جاوید

این روزها ماشین کشتار جمهوری اسلامی شدیداً فعال است. آیا گسترش اعدام‌ها علی‌رغم اعتراضات بسیار گسترده جهانی و علی‌رغم مخالف وسیع سازمان‌ها و نهادها و تشکلهای مدافع حقوق انسانی در داخل ایران نشان‌دهنده قدرت و استحکام حکومت است؟

در این یادداشت ابتدا موقعیت حکومت اسلامی را اجمالاً مورد بررسی قرار می‌دهیم و در ادامه به موقعیت جنبش سرنگونی می‌پردازیم.

از اقتصاد جمهوری اسلامی شروع کنیم: طبق همه

داده‌ها، تحلیل‌ها و برآوردهای اقتصادی در ایران و جهان موقعیت اقتصادی جمهوری اسلامی اسفناک است. این رژیم با یک بحران فزاینده اقتصادی روبرو است و هیچ چشم‌اندازی برای کاهش این بحران اقتصادی برای رژیم متصور نیست. رژیم اسلامی در محاصره و انزوای جهانی قرار دارد و حتی قادر به دریافت پول حاصله از فروش نفت و گاز نیست.

موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی: انزوای سیاسی جمهوری اسلامی پدیده‌ای است که نه فقط برای مردم ایران و جهان که برای کل حکومت شناخته شده است. حکومتی که با اکثر کشورها در جهان سر ستیز دارد و به همین دلیل تنها می‌تواند با صدور تروریسم در چند کشور خاورمیانه برای خود عمر کوتاهی بخرد، نمی‌تواند رژیمی باثبات

و پابرجا باشد.

وضعیت داخلی جناح‌های درون حکومت: نزاع تا سرحد مرگ بین جناح‌های داخلی، ریزش نیروی بیشتر و تسویه حساب‌های عمیق‌تر، شفاف‌ترین تصویر از موقعیت درونی حکومت است. مصطفی‌پور محمدی از اعضای کمیته مرگ و وزیر سابق اطلاعات، و حسن روحانی از قدیمی‌ترین مهره‌های کلیدی حکومت، جدیدترین ریزش‌های سیاسی در صفوف این حکومت است.

در مقابل این شرایطی که جمهوری اسلامی اسیر آن است، جنبش سرنگونی قرار دارد که در هیچ زمان تا امروز این‌چنین در بطن و عمق جامعه نفوذ نکرده بود. جنبشی به‌راستی عمومی و همگانی، جنبشی که علناً کل موجودیت حکومت را به

مصاف طلبیده است و رژیم قادر به مهار این جنبش نیست. این جنبش تجربه انقلاب زن زندگی آزادی را با خود دارد و هر چند با سرکوب وحشیانه موقتاً قادر به حضور خیابانی گسترده نیست، اما می تواند با توجه به موقعیت درهم شکسته رژیم مجدداً خیابان ها را تسخیر کند و بیش از گذشته در همراهی با جنبش های اعتراض اجتماعی و جنبش کارگری، کار حکومت را یکسره کند. گسترش اعتراضات رفاهی و کارگری نمود برجسته دیگری از حضور مردم در تقابل با حکومت است. نهایتاً این اعدام ها مردم را محتاط نمی کند، آتش خشم اجتماعی آنها را شعله ورتر می کند.

سه شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲

۳۰ ژانویه ۲۰۲۴

صداوسیماى بی مخاطب

سینا پدرام

در پی بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۳، از سوی نمایندگان مجلس اسلامی، اعتبار اختصاص یافته به سازمان صداوسیما ۲۴ هزار میلیارد تومان تصویب گردید. این رقم سه برابر بودجه این سازمان در سال جاری است. این لایحه در حالی تصویب شد که به اعتراف سران رژیم، صداوسیما مخاطبان خود را از دست داده است. به قول معاون سپاه "مردم رغبت چندانی به دیدن برنامه‌های صداوسیما ندارند."

اولین سؤالی که به ذهن شما خطور می‌کند

چیست؟ اگر کسی برای صداوسیما تره خرد نمی کند، چرا باید چنین بودجه هنگفتی را برای آن تصویب کرد؟ جواب را باید در دزدی و رانت خواری نهادینه شده در تاروپود حکومت اسلامی جست. نمایندگان نامحترم مجلس اسلامی بیشتر از همه می دانند که بودجه های هنگفت برای ستادهای سرکوبگر رژیم از ارتش و سپاه گرفته تا بسیج و پلیس و دستگاه تبلیغاتی رژیم اعم از صداوسیما تا دکان های تبلیغات مذهبی شان، چیزی نیست جز دزدی و سرقت سازمان یافته از جیب مردم. یه جای هزینه کردن در آموزش و پرورش و یا بخش درمان و بهداشت، تمام هم و غم سران رژیم این است که بخشی از بودجه را به حساب های بانکی خود و اعوان و انصارشان سرازیر کنند. سه برابر

کردن بودجه صداوسیما به بهانه اینکه ”ما در یک جنگ رسانه‌ای قرار داریم“ بسیار نخ‌نماست. رابطه دستگاه‌های تبلیغی با حاکمیت رابطه پیچیده‌ای نیست. مشروعیت حاکمیت از دستگاه‌های تبلیغی نشئت نمی‌گیرد؛ بلکه به دستگاه تبلیغی خود مشروعیت می‌دهد.

رژیم اسلامی هیچ مشروعیت سیاسی در بین مردم ندارد و به این اعتبار هر چیزی که با حاکمیت تداعی شود، بنا به تعریف فاقد مشروعیت است. اگر بودجه صداوسیما را صد برابر هم کنند، باز هم در جنگ با مردم و رسانه‌هایی که مردم به آنان اعتماد دارند، بازنده صداوسیما خواهد بود و بس.

رابطه تبلیغات رژیم و اعتماد مردم به حاکمیت یک
رابطه معکوس است. هرچه حجم تبلیغات رژیم
بالا می‌رود، اعتماد مردم به رژیم کمتر می‌شود. در
دوران‌های انقلابی نه آنچه که حاکمیت "می‌گوید"
بلکه آنچه مردم "می‌شنوند" اهمیت روانی و سیاسی
پیدا می‌کند. خبرها از خیابان‌ها شنیده می‌شوند و
نه از بوق‌های تبلیغاتی حاکمیت. این درس تاریخ
است.

سه‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲

۳۰ ژانویه ۲۰۲۴

اسلام به عقب بر نمی گردد، مدفون می شود!

محسن ابراهیمی

فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران، با اشاره به تأکید ولی فقیه بر حضور در انتخابات اظهار نگرانی کرده است که ”اگر خدای ناکرده برای این نظام اتفاقی بیفتد اسلام ۲۰۰ سال به عقب برمی گردد.“

بر منکرش لعنت! پیش بینی ”داهیانه“ سردار درست است؛ اما با یک تفاوت. اسلام ۲۰۰ سال به عقب بر نمی گردد. همان ها که عمامه ها را پرانده اند، اسلام آن عمامه داران را به لجنزاری روانه خواهند کرد که متعلق به ۱۴۰۰ سال پیش است. اسلام به عنوان یکی از فاسدترین، جانی ترین، دغل کارترین

ایدئولوژی‌های مذهبی که از تمام منافع‌هایش خون و
چرک و کثافت ترشح می‌کند، تماماً مدفون خواهد
شد.

اما سؤال این است که این‌همه نگرانی از کجا منشأ
می‌گیرد؟ چه اتفاقی رخ داده است؟ مگر خدا مرده
است که حکومت خدا بر زمین آن‌هم به دستان
نایب امام‌زمان این‌چنین بر خود می‌لرزد؟ مگر
قرار نبود که پرچم الله‌اکبر را در بلاد کفر به اهتزاز
در بیاورند؟ مگر قرار نبود کربلا را فتح و قدس را
آزاد و کنند و در کاخ سفید عربده الله‌اکبر بکشند؟
مگر قرار نبود حتی کشورها را به دریا بریزند؟ مگر
همین تازگی‌ها نبود که معظم له، همان نایب فاسد
و قاتل امام‌زمان فرمایش کرد که به قله‌ها نزدیک
می‌شوند؟

از "انتخابات" شان می ترسند چون می دانند در آن روز مضحک که قرار است؛ مثلاً ابراهیم رئیسی در مشهد با خودش رقابت کند، از بازیگران انقلاب "زن زندگی آزادی" خشم و نفرت و انزجار و چه بسا امواج اعتراض تحویل خواهند گرفت و بار دیگر معلوم خواهد شد که حکومت اسلامی و مردم در مقابل هم اند. دشمن هم اند! از "انتخابات" می ترسند؛ چون آبروریزی است که بخواهند با سید علی و حوض خونینش، مردم جهان را سرکار بگذارند که مشروعیت مردمی دارند!

اما منشأ اصلی ترس و وحشت اساساً مربوط به کابوسی است که انقلاب ژینا/مهسا بر جانشان مستولی کرده است. خامنه‌ای کمی قبل از این انقلاب با این سخنان که "خدای سال شصت همان

خدای امسال است“ در فکر احضار خدای خونخوار
دهه شصت برای نجات عمامه و خیمه گاهش بود.
اما به جایش انقلاب تحویل گرفت. انقلابی که او
را آنچنان آشفته کرد که حتی دچار مالیخولیای
وحی شد و برای ابلهان دوروبرش داستان بافت که
گویا بیست سال پیش در پله خانه حاج قاسم سخنان
”گیرایی“ گفته بود که از زبان او جاری می شده؛ اما
در واقع حرف های خدای متعال بوده اند! این هیچ چیز
نیست جز جنون وحشت فسیل های بازمانده از غار
حرا!

سه شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲

۳۰ ژانویه ۲۰۲۴

مردم کردستان علیه اعدام دست به اعتصاب عمومی زدند

حزب کمونیست کارگری ایران

امروز سه‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ بار دیگر مردم شهرهای کردستان دست به اعتصاب عمومی گسترده‌ای زدند تا اعتراض خود را به اعدام‌های فزاینده از جمله اعدام چهار زندانی سیاسی در روز ۹ بهمن اعلام کنند. شهرهای سنندج، بوکان، سقز، مهاباد، مریوان، سروآباد، دهگلان، شهرک بهاران سنندج، بانه، روانسر، دیواندره از جمله شهرهایی است که مردم وسیعاً به فراخوان اعتصاب عمومی پاسخ دادند.

هم‌زمان با اعتصاب عمومی، جمع قابل‌توجهی از مردم در منزل چهار زندانی سیاسی که روز ۹ بهمن اعدام شدند، در شهرهای مهاباد، بوکان،

کامیاران و دهگلان حضور یافتند و همبستگی خود را با خانواده‌های داغدار آنان اعلام کردند.

این اعتصاب که به فراخوان بسیاری از فعالین سیاسی، نهادهای مردمی، حزب کمونیست کارگری و تعداد دیگری از احزاب سیاسی و با حمایت بسیاری از تشکلهای و فعالین سیاسی در سراسر کشور صورت گرفت، پاسخ دندان‌شکنی به اعدام‌های اخیر توسط حکومت اسلامی بود.

حکومت درمانده اسلامی تصور می‌کرد که می‌تواند با اعدام‌ها مردم را مرعوب کند؛ اما اعدام‌ها با عکس‌العمل قاطع مردم در داخل و خارج کشور پاسخ گرفت. بیش از صد تجمع اعتراضی در شهرهای مختلف جهان در دو هفته گذشته و فراخوان‌های متعدد دیگر برای تداوم اعتراضات، اعتصاب‌غذای ۶۱ زن زندانی سیاسی و حمایت طیف وسیعی از جامعه از اعتصاب آنان،

بیانیه‌های مختلف تشکل‌های دادخواهان، کارگران و بازنشستگان، معلمان، دانشجویان و فعالین حقوق زن، نویسندگان، هنرمندان معترض، اعلام سه‌شنبه‌های اعتصاب زندانیان زندان قزل‌حصار و همراهی زنان زندانی سیاسی با آنها و اعتصاب عمومی در کردستان پاسخ مردم به قتل حکومتی زندانیان سیاسی است. این جنبش ادامه دارد و هر روز در داخل و خارج علیه حکومت آدمکش اسلامی وسیع‌تر می‌شود. این تحرکات اعلام صریح این مسئله است که نه زندان نه اعدام دیگر اثر ندارد. شعاری که کارگران فولاد نیز در تجمعات روزهای گذشته در خیابان‌های اهواز فریاد زدند.

جنبش علیه اعدام در هفته‌های گذشته با پیشروی چشمگیری همراه بوده است. ماشین اعدام حکومت اسلامی را با تقویت و گسترش اعتصاب و اعتراض در داخل و خارج کشور می‌توان و باید فلج کرد. این جنبشی علیه کل موجودیت حکومت نکبت

اسلامی است و با گسترش خود می‌تواند زمینه‌ساز
اعتراضات و اعتصابات سراسری در کل کشور
باشد.

حزب کمونیست کارگری به مردم کردستان، به
زندانیان سیاسی و به مردم معترض در سراسر
کشور درود می‌فرستد و همه مردم در سراسر
کشور، دادخواهان، زنان، دانشجویان، معلمان،
کارگران، جوانان و کلیه نهادها و تشکل‌های مردمی
و همه انسان‌های آزاده را به گسترش اعتراض علیه
اعدام و علیه حکومت جنایت‌کار و منفور اسلامی
فرامی‌خواند.

سه‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲

۳۰ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۴۱

سردبیر این شماره: سوسن صابری

۳۱ ژانویه ۲۰۲۴ - ۱۱ بهمن ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

سفر نادا النشیف به ایران، حزب چه می گوید؟

سؤال از حمید تقوایی

علیه اعدام از پشت میله‌های زندان تا کف خیابان

سهیلا دالوند

اراک نفس ندارد

سیامک بهاری

رنگین کمانی‌ها علیه اعدام

میلاد رسایی‌منش

مردم سمیرم امروز هم اعتصاب کردند

حزب کمونیست کارگری ایران

سفر نادا النشیف به ایران،

حزب چه می گوید؟

سؤال از حمید تقوایی

کیوان جاوید: سیاست حزب کمونیست کارگری در قبال سفر نادا النشیف معاون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل که از ۱۴ تا ۱۶ بهمن به ایران سفر می کند، چیست؟

حمید تقوایی: ما این سفر را فرصتی برای جلب توجه جهانیان به جنایات جمهوری اسلامی و برخورد قاطع تر سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی به رژیم جنایت و کشتار در ایران می دانیم. اعلام شده که این سفر برای رسیدگی به اعدام ها و بی حقوقی زنان در ایران است. هر دو این مسائل در شرایط امروز بیش از هر زمان دیگری در ایران مطرح است و به فضای اعتراضی شکل داده است.

رژیم موج گسترده‌ای از اعدام و کشتار به راه انداخته و در مقابل موج اعتراضی بی‌سابقه‌ای علیه اعدام‌ها شکل گرفته است. هیچ زمان مسئله اعدام این‌چنین به گفتمان عمومی مردم و حرکات‌های اعتراضی میدانی در داخل و خارج ایران تبدیل نشده بود. از کارزار گسترده و بی‌سابقه ۱۳ تا ۲۰ ژانویه (۲۳ تا سی دی‌ماه) در ده‌ها شهر در خارج کشور گرفته تا اعتصاب زنان زندانی علیه اعدام‌ها و حمایت گسترده از این اعتصاب، و تا اعتصاب دیروز در شهرهای کردستان، همه نشانه‌های یک خیزش توده‌ای وسیع علیه اعدام‌ها در ایران است. از سوی دیگر شعار جهانی زن زندگی آزادی و امروز مشخصاً جنبش بی‌حجابی مسئله بی‌حقوقی زنان در ایران و آپارتاید جنسیتی را برجسته کرده و در مرکز توجه‌ها قرار داده است.

در چنین جو و شرایطی مأموری از طرف سازمان

ملل برای رسیدگی به اعدام‌ها و بی‌حقوقی زنان به ایران می‌رود. این فرصتی است برای اینکه به یک تعرض عمومی علیه جنایات رژیم، به جنبش توده‌ای دادخواهانه، دامن زد و سازمان ملل و کلا نهادهای بین‌المللی را علیه حکومت اعدام و کشتار در ایران فعال‌تر کرد. فرصتی است که همه نهادها و فعالین جنبش‌های اعتراضی به‌ویژه فعالین و نهادهای جنبش دادخواهی، جنبش علیه اعدام، وکلا، جنبش آزادی زندانیان سیاسی و همه کسانی که خودشان و یا عزیزانشان قربانی این حکومت بوده‌اند به میدان بیایند و به طور مستند و مستدل کیفرخواست و شکایات خود علیه رژیم سرکوب و اعدام را مطرح کنند و از مأمور کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل بخواهند که برای پی‌بردن به عمق جنایات و توحش جمهوری اسلامی با آنها تماس بگیرد. حزب ما فعالانه این سیاست را دنبال می‌کند.

کیوان جاوید: آیا سفر این مقام سازمان ملل نهایتاً به نفع جمهوری اسلامی تمام نمی‌شود؟
حمید تقوایی: اولاً اعزام نمایندگان ارگان‌های جهانی بین‌المللی برای رسیدگی به وضعیت حقوق بشر در هر کشوری فی‌نفسه به معنی بی‌اعتباری دولت آن کشور است؛ به این معنی است که دولت مربوطه پرونده سیاهی در نقض سیستماتیک حقوق بشر دارد و جامعه بین‌المللی به ادعاهای آن حکومت در رسیدگی به این امر باور و اطمینان ندارد. در مورد جمهوری اسلامی که کوس رسوائی‌اش در جهان به صدا درآمده این امر بیش از هر رژیم دیگری صادق است.

ثانیاً ممکن است جمهوری اسلامی بخواهد از این سفر به نفع خود بهره‌برداری کند و حتی سازمان ملل هم قصد برخورد محکم و قاطعی به جنایات رژیم نداشته باشد؛ ولی این بالائی‌ها

نیستند که سیر تحولات را تعیین می کنند. این مبارزات مردم است، بخصوص در شرایط حاضر ایران که مهر خود را بر هر تحولی می کوبد. در این مورد هم اعتراضات توده مردم علیه اعدام ها و کشتارهای حکومت که همان طور که اشاره کردم ابعاد بی سابقه ای یافته است، حرف آخر را می زند. اگر اقدامات و فعالیت هایی که در رابطه با این سفر توضیح دادم عملی بشود، می توانیم همه محاسبات و تلاش های حکومت را خنثی کنیم و ضربه محکمی به حکومت بزنیم.

کیوان جاوید: حزب کمونیست کارگری خواهان اخراج جمهوری اسلامی از مجامع عمومی و قطع روابط دیپلماتیک دولت ها با آن است. با توجه به این سیاست آیا سفر این مقام سازمان ملل تناقضی با سیاست بایکوت ندارد؟

حمید تقوایی: به نظر من اعزام هر نماینده ای

از نهادهای بین‌المللی به ایران برای تحقیق و رسیدگی به وضع اعدام‌ها، بی‌حقوقی زنان، پایمال‌شدن حقوق بشر، و باید گفت خود بشر در ایران، نه تنها با سیاست بایکوت مغایر نیست؛ بلکه خود جزئی از همین سیاست است. سیاست بایکوت به معنی قطع رابطه دولت‌ها با جمهوری اسلامی و اخراج رژیم از نهادهای بین‌المللی است و نه رابطه نهادهایی که می‌خواهند به طور مستقل در مورد جنایات حکومت تحقیق کنند. این دومی خود در خدمت بایکوت رژیم است و نه متناقض با آن.

ما و بسیاری از فعالین جنبش علیه اعدام و جنبش آزادی زندانیان سیاسی و فعالین حقوق بشر همیشه خواسته‌ایم که نهادهای بین‌المللی نماینده‌ای به ایران بفرستند تا حقایق کشتارها و سرکوبگری‌های حکومت بر همه روشن شود

و همیشه هم تأکید کرده‌ایم که این تحقیق و رسیدگی باید در تماس و دیدار مستقیم با زندانیان سیاسی و فعالین جنبش علیه اعدام و دادخواهان و خانواده‌های محکومین و کلاً قربانیان سیاست‌های ضدانسانی حکومت انجام بشود، این بار هم بر همین تأکید می‌کنیم.

مأموریت اعلام‌شده خانم النشیف رسیدگی به اعدام‌ها و بی حقوقی زنان در ایران است و این رسیدگی اگر با شرایطی که بر شمردم صورت بگیرد سبب خواهد شد تا خواست قطع روابط دیپلماتیک با حکومت کشتار و اعدام جمهوری اسلامی گوش شنواتری در جهان بیابد.

چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۲

۳۱ ژانویه ۲۰۲۴

علیه اعدام از پشت میله‌های زندان

تا کف خیابان

سهیلا دالوند

زندانیان محکوم به اعدام زندان قزل‌حصار، طی بیانیه‌ای با این عنوان که “ما مستحق مرگ نیستیم” روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن دست به اعتصاب غذا زدند و تصمیم دارند این حرکت را تا توقف احکام اعدام هر سه‌شنبه ادامه دهند. آنها از مردم خواسته‌اند که از آنها حمایت کنند. هم‌زمان با اعتصاب غذای زندانیان قزل‌حصار، زنان زندانی سیاسی در زندان اوین نیز ضمن اعلام حمایت و همبستگی با اعتصاب‌کنندگان زندان قزل‌حصار، روز سه‌شنبه

دهم بهمن ماه دست به اعتصاب غذا زدند. این اقدام به نام سه شنبه های اعتراضی اعتصاب غذا تا لغو مجازات اعدام ادامه خواهد داشت.

این اولین بار نیست که زنان زندانی در زندان اوین در اعتراض به ماشین آدم کشی رژیم چوبه های دار دست به اعتصاب می زنند، ۶۱ زن جسور و شجاعی که در اعتراض به اعدام محمد قبادلو و فرهاد سلیمی، پنجشنبه پنجم بهمن، دست به اعتصاب غذا زدند.

و این صدا، این فریاد زنانی است که در خط مقدم انقلاب زن، زندگی، آزادی در دفاع از زندگی و علیه اعدام این مجازات قرون وسطایی و ارتجاعی

حکومت اسلامی، حتی در پشت میله‌های زندان
اعلام کردند ”برای زنده نگه داشتن نام اعدام‌شدگان
و برای زنده ماندن صدها انسانی که در زندان‌های
جمهوری اسلامی در سراسر کشور در صف اعدام‌اند،
مقاومت خواهند کرد و روز پنجم بهمن ماه، اعتراض
خود را با اعتصاب غذای دسته‌جمعی‌شان نشان
خواهند داد.“

در حمایت و همبستگی با این زندانیان موج وسیعی
از حمایت چه از طرف زندانیان در زندان‌های
دیگر و چه زندانیانی که با جرایم دیگر در زندان
با حکم اعدام روبرو هستند و همچنین فعالین و
سازمان‌های مدافع حقوق انسان به این جنبش
عظیم انسانی علیه اعدام پیوستند و خواهان لغو

مجازات اعدام شدند.

باید به این اتحاد، همدلی و هم صدایی پیوست و
تمام قد علیه اعدام این قتل عمد دولتی ایستاد و
با هم این رژیم افسارگسیخته و متوحش اسلامی
را با چوبه‌های دارش سرنگون کرد.

چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۲

۳۱ ژانویه ۲۰۲۴

اراک نفس ندارد

سیامک بهاری

اینجا اراک است، یکی از هشت کلان‌شهر بزرگ در ایران، بیش از یک میلیون سکنه آن شبانه‌روز با خطر جدی انواع آلاینده‌های سرطان‌زا دست به گریبان‌اند. شهر دارد زیر دود گاز گوگرد حاصل از سوخت مازوت مصرفی نیروگاه برق شازند مدفون می‌شود.

اراک از ابتدای امسال تاکنون ۱۰۲ روز هوای به‌شدت ناسالم داشته است! مسئولان بی‌مسئولیت استان مرکزی رسماً خودشان می‌گویند این نیروگاه با ۵۰ مشعل با سوخت مازوت و ۲۲ مشعل با سوخت گاز در شبانه‌روز ۴ تا ۵ میلیون لیتر مازوت با غلظت بسیار بالا از بی‌کیفیت‌ترین نوع که باید ابتدا توسط

کوره‌های گازی گرم و قابل اشتعال شود می‌سوزاند. دود حاصل از این سوخت ناقص به‌شدت سنگین است و مستقیماً روی سطح شهر که در سطح پائینی در دشت وسیعی قرار گرفته پخش می‌شود. این نیروگاه فقط در سال گذشته حدود ۷۵۰ میلیون لیتر مازوت سوزانده است و گاز گوگرد به حلق مردم شهر فرو کرده است. شیوع انواع بیماری‌های حاد تنفسی و نزدیک به ۶۰ مورد سرطان مثانه از جمله تأثیرات مخرب مازوت‌سوزی بر کلان‌شهر اراک و حومه است.

امسال از ۲۰ آذرماه که مازوت‌سوزی نیروگاه برق شازند تکرار شد، برای چندمین بار مردم شهر از خرد و کلان تجمع کرده‌اند که هوا برای تنفس ندارند. نتیجه تمام وعده و وعیده‌های مسئولان از رئیس‌جمهور تا پائین، فریب و دروغ به مردم بوده

است. به مردم معترضی که برای چندمین بار به خیابان آمده‌اند تا حداقل، از حق داشتن هوا برای تنفس دفاع کنند بارها حمله شده است. تهدید و احضارشان کرده‌اند که چرا و به چه حقی می‌خواهی نفس بکشی!

علی‌رغم اینکه ایران سومین تولیدکننده گاز طبیعی در جهان است، ناترازی تولید و مصرف گاز برای هیچ شهروندی قابل‌پذیرش نیست. مردم می‌دانند که مافیای سوخت حکومتی مازوت استاندارد قابل‌اشتعال پالایشگاه‌ها را به مجموعه کشتیرانی می‌فروشند و در عوض گاز گوگرد به حلقوم مردم شهر می‌کنند. مردم می‌دانند ناترازی تولید و مصرف گاز مصرفی نه یک امر تکنیکی و فنی که حاصل کارکرد سیاسی حکومتی است که بجای تأمین بودجه و امکانات سوخت سالم، جیب آیت‌الله‌های

گردن کلفت و هزینه ماجرایی‌های نظامی و امنیتی
در منطقه را پر می‌کند.

این نه تنها نیروگاه شازند در اراک که وضعیت همه
هشت نیروگاه بزرگ کشور است که سهم مازوت
از کل سوخت مصرفی آنها به بیشتر از ۶۵ درصد
می‌رسد.

جمهوری اسلامی مسئول مستقیم تحمیل وضعیت
فاجعه‌بار محیط زیستی در کل کشور است.

چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۲

۳۱ ژانویه ۲۰۲۴

رنگین کمانی‌ها علیه اعدام

میلا د رسایی منش

سه تشکل؛ شبکه شش‌رنگ، سازمان کوییرهای ایرانی سیمرغ و سازمان آزاد کوییر، در بیانیه‌ای اعتراض خود را به قتل‌های حکومتی اخیر در ایران اعلام کردند. در بخشی از این بیانیه آمده است: ”ما جامعه رنگین کمانی ایران، با هر گرایش جنسی و هویت جنسیتی، علیه مجازات اعدام فریادمان را رسا کرده‌ایم و در کنار دیگر کارزارها علیه اعدام، بر علیه کشتار دولتی می‌ایستیم.“

انتشار این بیانیه گذشته از اهمیتی که در بُعد دفاع از حقوق انسانی شهروندانی که به هر دلیل توسط

رژیم اسلامی به قتل می‌رسند، و در تقویت کارزار علیه اعدام دارد، نشانگر وارد شدن بخشی دیگری از مخالفین جمهوری اسلامی به فازی نوین است. در مختصات سیاسی امروز ایران، شاهد آن هستیم که بخش‌های مختلف جامعه با اعلام حمایت از یکدیگر، اقدام به محکوم کردن رژیم خون‌ریز اسلامی می‌کنند. اگر در گذشته اکثریت سازمان‌ها و نهاد صرفاً در عرصه‌ای مشخص متمرکز و فعال بودند، و گفتمان ضروری بودن اتحاد بخش‌های مختلف جامعه در مبارزه با جمهوری اسلامی که به طور مثال توسط حزب کمونیست کارگری ایران بیان می‌شد، هنوز جا نیفتاده بود، امروز و بعد از آغاز انقلاب زن زندگی آزادی، و در پی اقدامات جنایت‌کارانه حکومت اسلامی، اهمیت داشتن اتحاد و متشکل شدن حول محورهایی مشخص

و کلیدی و عمومی، از جمله لغو مجازات اعدام، به امری عاجل برای بخش زیادی از سازمان‌ها و نهادهای مخالف جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

بیانیه این سه تشکل ضمن تأکید بر نکته‌ای که اشاره شد، نشان از وجود جنبش قوی، سیاسی و پویای رنگین‌کمانی در ایران دارد. رنگین‌کمانی‌هایی که بنا موقعیت اجتماعی که از جانب حکومت متحمل می‌شوند، چاره‌ای جز برانداز بودن ندارند، تمام‌قد در کنار دیگر معترضین می‌ایستند و قتل حکومتی چهار فعال سیاسی از کردستان و مجازات اعدام را محکوم می‌کنند. این فازی مهم در مبارزات مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. باید ضمن درک اهمیت این اتحاد، سعی در حفظ و گسترش

آن داشت. باتوجه به روندی که مبارزه علیه حکومت اسلامی داشته است، می توان متصور بود که در آینده نزدیک کارگران، بازنشستگان و سایر اقشار جامعه علیه مجازات شنیع و قرون وسطایی اعدام با هم متحد شوند. لحظه ای که هرچه سریع تر به وقوع بپیوندد، سرنگونی و خلاصی از شر رژیم اسلامی را نزدیک تر و دست یافتنی تر خواهد کرد.

چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۲

۳۱ ژانویه ۲۰۲۴

مردم سمیرم امروز هم اعتصاب کردند

حزب کمونیست کارگری ایران

مردم سمیرم علی‌رغم تهدیدات و دستگیری‌ها امروز نیز دست به اعتصاب عمومی زدند و کلیه فروشگاه‌های شهر تعطیل شد. این اعتصاب دوازده در اعتراض به احکام اعدام فاضل بهرامیان و مهران بهرامیان و خواست آزادی داریوش ساعدی و یونس بهرامیان از دستگیرشدگان انقلاب زن زندگی آزادی و همچنین لغو حکم غیابی ۸ سال زندان برای بهار شیرین مادر علی عباسی است که سال قبل در جریان انقلاب زن زندگی آزادی توسط نیروهای سرکوب به قتل رسید.

طبق گزارشی که به ما رسیده است، ارگان‌های

سرکوب جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه تعدادی از فروشگاه‌های اعتصابی را پلمب کردند و آنها را تهدید کردند که در صورتی که فروشگاه‌های خود را باز نکنند فروشگاه‌های آنها برای مدتی طولانی پلمب خواهند بود و حتی ممکن است به آتش کشیده شوند. سرکوبگران از نیمه‌شب گذشته شروع به دستگیری کرده و تعدادی از جوانان معترض شهر را که با سایبری‌ها درگیر شده‌اند دستگیر کردند. مزدوران یگان ویژه نیز پشت دروازه‌های شهر در حالت آماده‌باش به سر می‌برند. علی‌رغم این تهدیدات مردم سمیرم بر خواست‌های خود تأکید کرده و به اعتصاب ادامه دادند. خواست آزادی فوری دستگیرشدگان نیز اکنون به خواست‌های قبلی مردم این شهر اضافه شده است.

اعتصاب دیروز در سمیرم هم‌زمان با اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان انجام شد. این اعتصابات الگویی برای مردم در همه شهرها است. در شهرهای مختلف کشور در حال حاضر تعدادی از مردم معترض در زندان به سر می‌برند و تعدادی از آنها به اعدام محکوم شده‌اند. اعتصاب عمومی در شهرها یک شکل مهم مبارزه با خواست لغو احکام اعدام و آزادی فوری دستگیرشدگان است.

چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۲

۳۱ ژانویه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۴۳

۳ فوریه ۲۰۲۴ - ۱۴ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

نامه زندانیان زندان قزلحصار به الناشف

حسن صالحی

مادران آبر قهرمان

سیما بهاری

مسافران هواپیما: بی اعتنایی مملو از نفرت

کاظم نیکخواه

جشنواره فیلم زجر و مهمانانش

کیوان جاوید

نامه زندانیان زندان قزلحصار به الناشف

حسن صالحی

ده زندانی سیاسی در زندان قزلحصار در یک نامه سرگشاده به الناشف، معاون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل از او دعوت کرده‌اند که در سفر به ایران، از این زندان دیدن کند. آنها گفته‌اند: ”هر گونه گزارش‌دهی یا نتیجه‌گیری در موضوع اعدام زندانیان در ایران، بدون بازدید از زندان قزلحصار و گفت‌وگو با شاهدان نقض حقوق بنیادین بشر در زندان، معتبر نخواهد بود.“

در آستانه سفر معاون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل نامه‌های متعددی از جانب نهادهای

مختلف و از جمله ندای زنان ایران برای وی ارسال شده است که هر یک از آنها حاوی یک پیام ساده است: در دیدار از ایران واقعا صدای بشر له شده باشید و نه چیز دیگر!

همین فضای اعتراضی باعث شد که دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل نسبت به نگرانی‌ها پیرامون سفر خانم الناشف پاسخ دهد. این دفتر گفته است که "انجام ماموریت کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل مستلزم دیدار و گفت‌وگو با همکاران دولت‌ها، از جمله مقام‌های قضایی و شرکای سازمان ملل است."

اینکه معاون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل

در این سفر با مقامات حکومت اسلامی دیدار کند و
یا خیر مسئله اصلی نیست. مسئله اصلی این است که
آیا ایشان بعنوان کسی که می خواهد به دو موضوع
مهم انسانی در ایران، یعنی اعدام و موقعیت تحت ستم
زنان، رسیدگی کند حاضر است با زندانیان سیاسی
زیر تیغ اعدام و یا زندانیان سیاسی زن زندان اوین،
منجمله نرگس محمدی و یا قربانیان مستقیم آپارتاید
جنسیتی در ایران دیدار کند؟ دیدار با نمایندگان
حکومت های مستبد همواره وجود داشته است و هیچ
نظام استبدادی همچون جمهوری اسلامی با نصیحت
های سازمان ملل به رعایت حقوق بشر ملزم نشده
است. این دیدار مستقیم با قربانیان این نظام و بازتاب
درد و رنج بیشمار این قربانیان است که می تواند به
نوبه خود عامل فشاری بر جمهوری اسلامی باشد.

برنامه سفر خانم الناشف هر طور چیده شده باشد مردم معترض در ایران تصمیم خود را گرفته اند. هم اینک در شبکه های اجتماعی در محل اقامت موقت ایشان در تهران و آدرس های مرتبط با سازمان ملل در تهران فراخوان به برپایی تجمع و اعتراض داده شده است. سفر الناشف فرصتی است که مردم صدای اعتراض خود را علیه انسان ستیزی جمهوری اسلامی بلندتر کنند. تا زمانی که این مردم در صحنه اند هیچ نیرویی نخواهد توانست از بالای سر مردم ساز دیگری بزند!

شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۲

۳ فوریه ۲۰۲۴

مادران ابر قهرمان

سیما بهاری

امجد حسین پناهی برادر رامین حسین پناهی در صفحه اینستاگرامش نوشته: ”دایه شریفه مادر دادخواه رامین حسین پناهی که همراه دخترانش به شهرستان کامیاران برای دیدار خانواده پژمان فاتحی رفته بودند، بازداشت و مجدداً به اداره اطلاعات سنندج منتقل شدند.“

این روزها فضای مدیای اجتماعی خیلی عجیب است. صفحه های مختلف پُر از عکسهای زندگهای پرپر شده توسط حکومت است. این عکسها و خبرهایی که منتشر میشوند غم سنگینی به دلها مینشانند.

فضا عجیب است چرا که در صفحه های بعدی مادران جسوری را میبینی که با سندهای جنایات رژیم در دست، دارند شجاعت و امید به جامعه تزریق میکنند. این مادران آنچنان با صلابت در چشم دشمن نگاه میکنند و از فرزندانشان میگویند که رژیم تا دندان مسلح و جانی را میلرزاند. گوهر عشقی فراخوان میدهد که با اسلحهٔ اعتصاب به میدان بیایید و رژیم درمانده را به زانو درآورید. و دایه شریفه با قامتی استوار و با قلبی پُر از همدردی به دیدار خانوادهٔ پژمان فاتحی از اعدام شدگان ۹ بهمن میرود. رژیم از این کوههای استوار میترسد. همانطور که از پیکرهای اعدام شدگان میترسد. از گورستانها میترسد. از صدای دادخواهان میترسد. حکومت میبیند که صدای دایه شریفه و گوهر عشقی ماه منیر مولایی راد و مادر پژمان قلی‌پور که

فریاد بر آورد: "از ما بترسید. ما کابوس شما ایم"،
از مرزها و از سدهای حکومت عبور کرده و امید به
سرنگونی را در دلها زنده نگه داشته است.

حکومت جنایتکار اسلامی خانه ها را بی عشق، پارکها
را بی قهقهه کودکان و شهر را بی امید میخوابد. و
این مادران با خودشان عشق و امید و شادی می
پراکنند. دایه شریفه با پلاکاردی در دست میگوید
"با تفنگها و طنابتان راه رسیدن به آزادی را نخواهید
توانست گرفت." او میگوید "رامین من را اعدام
کردید، هزاران رامین متولد شدند."

حکومت میداند امروز که دایه شریفه را بازداشت
کرد، در درون زندان، او در میان حلقه محبت و عشق
دهها رامین و یاران رامین قرار خواهد گرفت. میداند

که باورمندان به رامین و راهش، و باورمندان به هزاران جانباخته و شکنجه شده و زندانی و میلیونها انسانی که خوشبختی را برای همه میخواهند، قلبشان با همان ضرب آهنگ قلب دایه شریفه می تپد. اینها حکومت را میترساند. دایه شریفه میگوید با زندان و طناب دار جلو آزادی را نمیتوانید بگیرید. و میلیونها مشت رو به آسمان میگویند قتل و شکنجه و زندان دیگر اثر ندارد. جامعه تصمیمش را گرفته است. توسط همین مردمان ساده و مصمم به زیر کشیده خواهید شد.

شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۲

۳ فوریه ۲۰۲۴

مسافران هواپیما: بی‌اعتنایی مملو از نفرت

کاظم نیکخواه

ویدئویی در مدیای اجتماعی وسیعا دست به دست میشود که بیانگر نفرت وسیع مردم از حکومت است. روز چهارشنبه ۱۱ بهمن ماه طبق ویدئوی منتشر شده، یک آخوند حکومتی از مسئولان فرودگاه چابهار به همراه برخی فرماندهان رده بالای نظامی در پایین پلکان هواپیمای مسافربری به مسافران گل تعارف میکردند تا برای جشن دهه زجرشان سند و فیلم از "استقبال امت مسلمان" تهیه کنند. اما مسافران یکی پس از دیگری از کنار آنها با بی‌اعتنایی می‌گذرند و کسی حاضر به گرفتن گل از دست آنها نمیشود.

انتشار وسیع این ویدئو آنچنان فشاری را روی حکومتی ها گذاشت که فرماندار چاه بهار ناچار به عکس العمل شد و اعلام کرد که قرار نبوده به مسافران گل داده شود. بلکه قرار بود به کادر پرواز گل داده شود! اما ویدئوی مزبور بروشنی چیز دیگری میگوید.

حقیقت اینست که برای اثبات نفرت سراسری مردم از حکومت، دیگر نیازی به ویدئو و فیلم و سند هم نیست. امروز همه مردم در ایران و حتی در سطح جهان این را بخوبی می دانند. مساله مهم اینست که حکومت حتی با سلاح تهدید و زور هم دیگر قادر به تمکین کشاندن مردم و همراه کردن آنها با

سنتها و مراسم حکومتی نمیشود. نه فقط این، بلکه در بسیاری از موارد مردم علنا به بالا تا پایین این حکومت فحش میدهند و ابراز نفرت میکنند. اینکه آخوندها بدون محافظ جرات نمیکند پا به خیابان بگذارند و گرنه عمامه هایشان پرانده میشود را نیز همه میدانند.

جمهوری اسلامی یک حکومت بسیار منزوی و منفور در میان مردم است. تنها با زور سرنیزه سرپا مانده است و امروز مردم دیگر به سرکوب و زورش هم تمکین نمیکند و مصمم به درهم کوبیدن آن هستند. این وضعیت در میان نیروهای حکومتی نیز تنش و درگیریهایی ایجاد کرده است. شاهدان عینی از درگیریهای حاد در وسط خیابان میان لباس شخصی

ها و نیروهای نظامی در تهران در هفته گذشته خبر دادند.

تلاش و تقلا برای قلمداد کردن همراهی مردم با این حکومت نفرت و انزجار بیشتری را در میان مردم دامن میزند. اینها چپاول میکنند، زندان و اعدام میکنند، و بعد انتظار دارند که مردم از آنها استقبال کنند! این تلاشها و تقلاها برآستی تهوع آور است و نه فقط در چاه بهار بلکه همه جا مردم این را بروشنی ابراز میکنند و نشان میدهند.

شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۲

۳ فوریه ۲۰۲۴

جشنواره فیلم زجر و مهمانانش

کیوان جاوید



پنجشنبه ۱۲ بهمن اولین روز از جشنواره فیلم فجر کذایی جمهوری اسلامی بود. یک ویژگی بارز و چشمگیر این روز حضور زنان پیچیده در چادرهای سیاه با پای برهنه نشسته بر صندلی بود. واقعیتی که یک بار دیگر آینه‌ای شد از هرآنچه که حکومت اسلامی نمایندگی می‌کند.

جشنواره فیلم فجر پرده از یک حقیقت دیگر نیز برداشته است و آن هم انزوای هر چه گسترده تر حکومت اسلامی در میان فیلمسازان و هنرپیشه هاست. در بررسی موقعیت یک حکومت و درجه اقتدار یا منزوی بودنش، نباید به تعداد تفنگ هایی که به سوی مردم نشانه رفته است یا به تعداد مخالفانی که به بند کشیده شده اند نگاه کرد. این ویژگی بارز همه حکومت های دیکتاتوری است و چه کسی است که نداند دیکتاتورها در آخرین روزهای عمر حکومتشان نیز برندگان ۹۹ درصدی انتخابات فرمایشی خودشان می شوند.

جمهوری اسلامی ضمن اینکه تمامی مختصات همه جنایتکاران و حکومت های آدمکش در همه جهان را

دارد، از چند ویژگی دیگر نیز برخوردار است که آن را با همه حکومت ها دیگر متمایز می کند. تضاد در منش و رفتار و ظاهر حکومتیان با مردم. مشاهده ظاهر زنان و جوانان و اکثریت عظیم مردم در تقابل با حامیان و مدافعان حکومت اسلامی پرده از یک جنبه دیگر از موقعیت نظام دیکتاتوری در ایران بر میدارد. پرده ای که در یک سوی آن همه زشتی ها و در سوی دیگر آن همه زیبایی ها صف کشیده است. تضاد بین زندگی و شادی و طراوت و پویایی در تقابل با زشتی و خمودگی و عزا و ماتم.

حکومت ها، هر چند پوشالی، تلاش می کنند به مناسبت های مختلف پابرجایی و اقتدار خود را به نمایش بگذارند. برپایی جشن های ۲۵۰۰ ساله که با صرف میلیون ها دلار توسط حکومت پهلوی برپا می

شد یک نمونه در تاریخ ایران است. فاصله بین اولین جشن ۲۵۰۰ ساله تا سرنگونی محمد رضا پهلوی فقط ۷ سال است.

در ایران همه داده‌های سیاسی و فرهنگی، و همه جلوه‌های هنری و زیبایی‌شناسی یک واقعیت عظیم را فریاد می‌زنند و آن این حقیقت ساده است که حکومت اسلامی نمی‌تواند حتی در ظاهر پشت مردم پنهان شود. تضاد بین حکومت و جامعه آشکارتر از هر زمان دیگر خودنمایی می‌کند. این تضاد را در همه زمینه‌ها اجتماعی باید بیش از همیشه گسترده‌تر کرد.

شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۲

۳ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۴۴

۴ فوریه ۲۰۲۴ - ۱۵ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

آیا خطر جنگ منطقه را تهدید می کند؟

محسن ابراهیمی

تجمعات اعتراضی در مجتمع گاز پارس جنوبی

شهلا دانشفر

فرار معکوس رژیم اسلامی از روزنامه نگاران

عطیه نیک نفس

خیال بافی قالیباف در سیاست!

سینا پدرام

آیا خطر جنگ منطقه را تهدید می‌کند؟

محسن ابراهیمی

بعد از حمله کتائب حزب‌الله به یک پایگاه آمریکا در اردن و کشته‌شدن سه سرباز، دولت آمریکا با ۸۵ حمله به مواضع نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق و سوریه پاسخ نظامی‌اش را آغاز کرد. آیا منطقه در آستانه جنگی گسترده است که یک پای آن جمهوری اسلامی خواهد بود؟ این سؤال است که مجدداً به موضوع داغ رسانه‌ها و البته نگرانی مردم منطقه تبدیل شده است.

اگر چه این حملات، بسیار گسترده‌تر از پاسخ‌های قبلی به موشک‌پرانی باندهای اسلامی به مواضع آمریکا در عراق و سوریه است، اما حاکی از یک شیفت استراتژیک دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی نیست. اولاً، بایدن در اظهارات مکرر

علنی‌اش منظماً اعلام می‌کند که خواهان جنگ در منطقه نیست. ثانیاً، نوع عملیات نظامی هم با سیاست همیشگی دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی هماهنگ است.

نوع عملیات شباهت‌هایی به گاوبندی "عین الاسدی" دارد. همان روشی که جمهوری اسلامی در "انتقام سخت" قتل قاسم سلیمانی به کار برد. بایدن یک هفته دارد به دشمنی که قرار است علیه‌اش عملیات نظامی انجام دهد، اطلاع می‌دهد که داریم می‌اییم سراغتان! طرف مقابل باید خیلی ابله باشد که در هفت روز فرصت طلایی خودش را جمع‌وجور نکند!

سیاست دولت باید همان است که تا کنون بوده است: ممانعت از اتمی شدن جمهوری اسلامی و مهار منطقه‌ای آن بدون وارد شدن به

یک جنگ منطقه‌ای. همچنین، دولت بایدن ورود مستقیم آمریکا به یک جنگ در خاورمیانه را به ضرر موقعیت حزب دمکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری می‌داند که نزدیک می‌شود.

جمهوری اسلامی چگونه؟ چه شده است که سران همیشه رجزخوان جمهوری اسلامی، در این دو روز به جای عریده‌های "انتقام سخت"، فعلاً فقط "اقدامات ماجراجویانه" آمریکا را "محکوم" می‌کنند و درس استراتژی می‌دهند که آمریکا دچار "خطای راهبردی" شده است؟

هنوز شعارهای انقلاب زن زندگی آزادی در گوش‌های حکام اسلامی طنین‌انداز است. می‌دانند که دشمن داخلی در کمین است. می‌دانند حتی اگر تمام دنیا علیه جمهوری اسلامی هجوم بیاورد، از نظر این مردم "دشمن ما همین جاست"! غریزه بقا

در میان سران جمهوری اسلامی حکم می‌کند که همین سیاست منطقه‌ای تاکتونی توسط باندهای اسلامی وابسته را پیش ببرند.

علی‌رغم تصویر فوق، سیاست‌های تروریستی جمهوری اسلامی همیشه می‌تواند اوضاع را به سمت پرتگاه جنگ سوق دهد. روشن است که وقتی حکومت اسلامی به گور سپرده شود، پای مهم جنگ در منطقه نابود شده است. هر نیروی سیاسی مسئولی باید برای تحقق این هدف تلاش کند.

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲

۴ فوریه ۲۰۲۴

تجمعات اعتراضی در

مجتمع گاز پارس جنوبی

شهلا دانشفر

بامیدان آمدن کارگران ارکان ثالث دامنه اعتراضات در نفت گسترده تر شده است. روز گذشته شنبه ۱۴ بهمن بار دیگر شمار زیادی از کارگران ارکان ثالث، پشتیبانی و رانندگان شرکت های پیمانکاری مجتمع گاز پارس جنوبی با دو مطالبه مهم حذف پیمانکاران و افزایش حقوقها که به طور واقعی دو خواست سراسری در نفت و به یک اعتبار در جنبش کارگری است، دست به تجمع زدند.

از همین رو اعتراضات کارگران ارکان ثالث ابعادی فراتر از نفت دارد و فرصت مناسبی برای به میدان

آمدن دیگر بخش‌های کارگری بر سر همین مطالبات ایجاد کرده است. بعلاوه با بالاتر رفتن هر روزه هزینه‌های معیشتی مطالبه افزایش دستمزدها در صدر مطالبات کارگران در سطح جامعه قرار دارد. از جمله مطالبه افزایش دستمزد یک موضوع مهم اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز بود که خیابان‌های شهر را به لرزه در آورد. بازنشستگان، پرستاران نیز همین مطالبه را دارند و با فرارسیدن موعد تعیین میزان حداقل دستمزدها از سوی شورای عالی کار گفتمان بر سر این موضوع داغ‌تر شده است.

نکته مهم این است که یک کانون داغ طرح این مطالبه نفت است. به این اعتبار اعتراضات کارگران ارکان ثالث جایگاه مهمی دارد. این اعتراضات در کنار اعتراضات کارگران رسمی نفت که از هفته دوم مهرماه آغاز شده فضای بالایی از اعتراض در

نفت را ایجاد کرده و توجه‌ها را به خود جلب نموده است.

اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، بهره‌مندی از گاز - بن کارت و شیفت ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت برای رانندگان خواست‌های دیگر کارگران ارکان ثالث نفت است که عملاً در جهت عقب زدن بیشتر قلدری‌های پیمانکاران و افزایش دریافتی‌های آنان قرار دارد.

تجمع قبلی کارگران مجتمع گاز پارس جنوبی در هفتم بهمن روی دارد که در یک از پالایشگاه‌ها با برخورد امنیتی حراست روبرو شد. اما کارگران ایستادند و بر تداوم مبارزاتشان تأکید کردند. متعاقباً در هشتم بهمن‌ماه کارگران ارکان ثالث نفت و گاز گچساران در همبستگی با همکارانشان در پارس جنوبی تجمع بزرگی بر پا داشتند.

بدین ترتیب دیوارهای پادگانی نفت را کارگران شکسته‌اند و این خود اتفاق مهمی در این مرکز کلیدی کارگری و شاه‌رگ اقتصادی حکومت است. اتحاد و همبستگی مبارزاتی بخش‌های مختلف نفت با هم و نیز ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات در تمام بخش‌های نفت و هماهنگی سراسری مبارزاتی آنها با یکدیگر گام‌های مهمی در جهت سراسری شدن اعتراضات در نفت است. از اعتراضات در نفت وسیعاً حمایت کنیم.

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲

۴ فوریه ۲۰۲۴

فرار معکوس رژیم اسلامی از روزنامه نگاران

عطیه نیک نفس

”سازمان دفاع از جریان آزاد اطلاعات روز جمعه ۱۳ بهمن ماه (۳ فوریه) با انتشار گزارشی از ”تعقیب قضایی ۲۵ روزنامه نگار و یا مدیرمسئول رسانه در ایران و تنها در ماه ژانویه ۲۰۲۴“ خبر داد. این گزارش از جمله به صدور حکم ۳ سال حبس برای غزاله زارع، فعال حقوق کودکان و خواهرزاده فرهاد پایار، روزنامه نگار در بخش فارسی دویچه وله اشاره کرده است.“

اساساً اسلام و رژیم های اسلامی بر مبنای شاکله ای از تفکرات وحشیانه و سرکوبگرانه و از طرفی دیگر

نشان دادن چهره‌ای انسان‌دوستانه به دنیا استوارند.
کارنامه رژیم اسلامی حاکم در ایران هم مملو از
منفورترین و سب‌عانه‌ترین نمونه‌های کشتار و نقض
آزادی بیان است. کافی است هر خواننده‌ای فقط
فصل آخر این طومار که از آغاز انقلاب "زن، زندگی،
آزادی" است را بخواند تا متوجه جنایات ناشی از
حضور گله‌های اوباش اسلامی، دقت کنید، اوباش
اسلامی نه دولت اسلامی، در ایران اسلام زده شود.

به همین دلیل رژیم اسلامی از هر گونه درج خبر حتی
در روزنامه‌هایی که در ایران تحت سیطره خودش
فعالیت می‌کنند، به شدت وحشت دارد. زیرا می‌داند
با وجود دنیای ارتباطات امروز و مدیای اجتماعی
به سرعت تمام دنیا متوجه انسان‌کشی و وحشیگری
هر روزه آن خواهد شد.

اما رژیم اسلامی با تمام تمهیدات، شکنجه، زندان، دستگیری، احکام غیرانسانی و طولانی مدت و سیاه‌نمایی مبارزات آزادی خواهانه روزنامه نگاران، فقط فراری معکوس انجام می دهد به این معنی که شرایط خود را هر چه بیشتر بحرانی می سازد. زیرا با دستگیری هر روزنامه نگار مردم جان به لب رسیده از رژیم به پشتیبانی از این روزنامه نگاران شجاع با رسانه‌ای کردن اخبار آنها از آن فرد حمایت و رژیم را در دنیا رسواتر می کنند و از همه مهم تر انقلابشان را مستحکم تر به پیش می برند.

مردم به خوبی می دانند که اگر امثال نیلوفر حامدی، الهه محمدی، غزاله زارع و خیلی دیگر از ژورنالیست ها و روزنامه نگاران جسور نبودند شاید اخبار جنایات رژیم آن طور که باید منتشر نمی شد!

بعد از گذشت ۴۵ سال عمر ننگین رژیم اسلامی
و البته دو سال پس از آغاز انقلاب درخشان "زن،
زندگی، آزادی" دستگیری هر روزنامه‌نگار پتکی
است که رژیم بر پایه‌های لب پرتگاه خود می‌زند
و سرنگونی خود را هر چه بیشتر میسر می‌کند.

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲

۴ فوریه ۲۰۲۴

خیال‌بافی قالیباف در سیاست!

سینا پدرام

”بخش قریب به اتفاق مردم ما هرگز به دنبال تضعیف جمهوری اسلامی و مشکل‌سازی برای آن نیستند؛ بلکه از ما انتظار دارند که ما کارآمد و مسئولیت‌پذیر باشیم.“ سخنان قالیباف در نشست داوطلبان نمایندگی تهران!

معضل شرکت مردم در انتخابات به بلای جان رژیم اسلامی بدل شده است. این جناب قالیباف میلیاردی نیز هر کجا تشریف می‌برند، فعلاً بر همان سازی می‌زنند که باقی مقامات رژیم. هیچ فضیلت

و تئوری سیاسی عجیبی پشت سر اقدامات رژیم نیست به جز تئوری از این ستون به آن ستون فرج است.

سیاست سرکوب مستقیم تنها راهکاری است که از جانب رژیم در مقابل مردم انتخاب شده است. مردم همه می‌دانند که همه پست‌ها و مقامات در ایران انتصابی است و از صندوق‌های رأی شعبده‌بازان اسلامی فقط ”خرگوش‌های“ اسلامی بیرون می‌ایند.

سیاست معرکه‌گیری و انحراف اذهان عمومی شاید در مراحل از عمر هر رژیمی کاربردی داشته باشد و جواب بگیرد؛ ولی این نوع شامورتی‌بازی‌ها هم

برای این رژیم بیش از اندازه لوکس است و حاصلی ندارد. بارها گفته‌ایم که مرکز ثقل سیاست در ایران در خیابان‌ها قرار دارد و همان جا نیز تعیین و تکلیف خواهد شد.

“آرامش سیاسی” در ایران منوط به تحرکات “خیابان” در اشکال مختلف آن است. رفاه اجتماعی، مالی، درمانی، آموزشی، خانوادگی، اداری و غیره یک مجموعه درهم تنیده هستند که محبوبیت یک رژیم سیاسی با این فاکتورها محک می‌خورد. یک مشاهده روزمره، یک نگاه به زندگی میلیون‌ها انسان فقیر، پردغدغه، بیکار، ناشاد و غمگین و “بی‌هیچ آینده‌ای” نشان می‌دهد که آرامشی از هیچ نوع برای حیات اجتماعی در ایران نمی‌توان

متصور شد.

انقلاب ایران با خواسته‌هایش و با مطالباتش در پی برقراری یک موازنه سیاسی نوین در ایران است. بدون جواب‌گویی به این مطالبات رفاهی، فرهنگی و اقتصادی خیابان‌های ایران سیاست را رقم خواهند زد. قالیباف و شرکا خیال‌بافان عرصه سیاست ایران تشریف دارند.

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲

۴ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۴۵

۵ فوریه ۲۰۲۴ - ۱۶ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

بوسه وداع آخر با مادر

بابک یزدی

تردیدهای داخل حکومت و هشدار خامنه ای

کیوان جاوید

چه چیزی در ایران پایین خواهد آمد؟

سینا پدرام

روزنامه نگارانی که امید میدهند

اصغر کریمی

تجمع سراسری و بین المللی علیه اعدام در ایران

مصطفی صابر پاسخ میدهد

بوسه وداع آخر با مادر

بابک یزدی



افسانه یوسفی، مادر جانباخته پژمان فاتحی، خواهان تحویل گرفتن جسد فرزندش و نام و نشان مزار او شده است. ماریا محمودی همسر محمد فرامرزی نیز در کنفرانس اتحاد برای توقف اعدام ها در ایران می گوید: "من تا هفته قبل خواهان نجات همسرم بودم ولی در حال حاضر خواستار پیکر بی جان او یا

نشانی محل دفنش هستم.“

این سرگذشت ما مردم ایران است که مداوماً تکرار می شود. بویژه این ماشین کشتار در ۴۵ سال گذشته، چه فردی و چه جمعی بی وقفه در حال گرفتن جان عزیزان ما بوده است. انگار اسلام و حکومت اسلامی تنها نیازمند ریختن خون ما مردم است تا پابرجا بماند. وداع ها و بوسه های آخر، اعدام ها در بی خبری، گورهای با نشان و بی نشان زنجیر به هم بافته ای است که این تاریخ را می سازد.

این دور تسلسل، این تداوم بی وقفه حاکمیت طناب های دار و این ماشین کشتار مخالفان سیاسی و غیر سیاسی، یک ضرورت و یک نیاز تعطیل ناپذیر

دیکتاتوری های حاکم در ایران بوده و هست. این بوسه های آخر مادران با فرزندان و جستجو برای پیدا کردن گورهای بی نام و نشان عزیزان جانباخته، آن روی سکه فقر و فلاکتی است که طبقه حاکم سرمایه دار به مردم تحمیل کرده است.

این تاریخ تکرار شونده را پایانی است. پایان دادن به سلطه یک درصدی های سرمایه دار تنها راه ممکن است که می شود با آن این کابوس همیشگی را پشت سر گذاشت به عصر انسانیت رسید.

جامعه دارد بی وقفه برای زندگی می جنگد. جنبش علیه اعدام در این روزها در داخل و خارج وارد مرحله ای جدید گشته، چنانکه رژیم حتی جرات

تحويل جسد عزيزان ما را به خانواده ها هم ندارد.
رژيم آگاه هست كه هر جنازه اى مى تواند منشاء
شورش و اعتراضى ديگر باشد.

اين تاريخ سراسر جنايت را بايد عوض كنيم. بايد
بلايى بر سر رژيم آورد كه جرات اعدام حتى يك نفر
را هم نداشته باشد. مردم ايران اين توان را دارند كه
دست در دست هم براى ساختن يك جامعه آزاد،
برابر و انساني بر اين عصر بربريت نظام سرمايه دارى
اسلامى در ايران نقطه پايانى بگذارند تا هيچ مادر و
پدرى داغدار عزيز جان باخته اش نباشد.

دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

۵ فوریه ۲۰۲۴

تردیدهای داخل حکومت و هشدار خامنه‌ای

کیوان جاوید

خامنه‌ای روز دوشنبه ۱۶ بهمن طی یک سخنرانی برای همافران نیروی هوایی ارتش، در مورد “خواصی” که دچار “تردید، تأمل و تعلل” هستند، ابراز نگرانی کرده و گفت که “امروز جبهه دشمن برای خواص برنامه خاص دارد.”

ترس خامنه‌ای از آنچه که در ایران اتفاق می‌افتد چند وجهی است. وحشت اول و بزرگ خامنه‌ای از مردم است. مردمی که نشان داده‌اند سرنگونی جمهوری اسلامی مهم‌ترین و فوری‌ترین اقدام سیاسی آنها است. همین عزم عظیم و عمومی جامعه

تأثیر مهم و تعیین کننده ای نیز در صفوف حکومت اسلامی بجا می گذارد و کاری می کند که “خواص” مورد نظر خامنه ای نسبت به آینده خود و حکومت اسلامی دچار تردید شوند و ترس از سرنگونی سرپای وجودشان را فرا بگیرد.

خواص مورد نظر خامنه ای هم فهمیده اند که بگیر و ببند و کشتار و اعدام و زندان نمی تواند به تنهایی نتیجه مطلوب داده و باعث حفظ نظام شود. این بخش از حکومت که روز به روز بر دامنه ریزشش افزوده می شود و باعث می گردد “علی تنها بماند” برای فرار از سرنگونی فکر میکند باید دست به دامن آمریکا هم شد و از ادامه خصومت با آن کشور پرهیز کرد. راهی که خامنه ای میداند گام

گذاشتن در باتلاق دیگری از پروسه سرنگونی است.
“خواص” جنگ های نیابتی و ایدایی حکومت در
منطقه را حلال مشکلات عدیده سیاسی و اقتصادی
و فرهنگی حکومت اسلامی نمی دانند و جناح خامنه
ای در مقابل آنها، ادامه بقا را در صدور تروریسم
و ناامنی منطقه و فعال نگه داشتن گروه های نیابتی
می بیند.

“خواص” خشم عظیم جامعه علیه اسلام و قوانین
ارتجاعی اسلامی را به چشم می بینند و فکر می
کنند اگر کمی فشارهای فرهنگی کم یا حجاب ها
شل تر شوند، می شود امیدی داشت که حکومت
چند صباحی از تیررس مستقیم مردم در امان باشد.
آرزوی عبثی که خامنه ای خوب میداند عقب نشینی

در برابر مردم نه تنها باعث مدارای مردم با حکومت نمی شود که این روند منجر به تسریع سرنگونی می شود.

راههای حفظ نظام چه از سوی باند حاکم و چه از سوی خواص مورد انتقاد خامنه ای در بن بست کامل است. این جامعه فقر زده و اسلامزده، با حکومت اسلامی عمیقاً تسویه حساب کرده است. نبرد نهایی بین حکومت و مردم دارد به آخرین مراحل تعیین کننده خود نزدیک می شود. خواص و غیر خواص با هم سرنگون می شوند.

دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

۵ فوریه ۲۰۲۴

چه چیزی در ایران پایین خواهد آمد؟

سینا پدرام

محمدرضا فرزین، رئیس بانک مرکزی در تازه‌ترین اظهار نظر خود وعده داده که نرخ ارز به قیمت‌های سابق باز می‌گردد. روز گذشته نیز قائم مقام وزیر کشاورزی در امور تجارت و تنظیم بازار گفت: ”با ورود دام تولید داخل به زنجیره مصرف امیدواریم از پایان سال جاری و به ویژه بهار سال آینده شاهد کاهش چشمگیر قیمت گوشت باشیم.“

از تبلیغات انتخاباتی و ”جوگیر شدن“ مقامات رژیم اسلامی بگذریم، سوال ساده ای که یک جواب همیشگی و تاریخی دارد این است که آیا ارزان

شدن قیمت کالاها در ایران تحت حکومت رژیم
اسلامی ممکن است؟

تاریخ اقتصادی ۴ دهه گذشته جواب منفی به
این سوال داده است. به عبارت بهتر اگر روزشمار
اقتصادی در اختیار داشتیم و آمار و ارقام را جلو هر
نیمه تحلیل گر اقتصادی قرار میدادیم پاسخش به
ما صاف و ساده این بود که چهل سال آنگار چنین
امری اتفاق نیافتاده است. لذا نه امسال و نه سال
آینده هیچ قیمتی کاهش نخواهد یافت.

با هر موشک و فشفشه ای که در خاورمیانه هوا
میشود، قیمت دلار بالا میرود. اسم این پدیده را
متخصصان علم سیاست و اقتصاد، ”بی ثباتی اقتصادی

و سیاسی“ نامگذاری کرده اند. حال این بی ثباتی را ضربدر اشتباهی سیاسی جامعه ایران برای ابطال و انقضاء عمر رژیم اسلامی که در ایران و جهان به انقلاب زن زندگی آزادی مشهور شده است کنید تا تصویر دقیقی از نقشه و سپهر سیاسی ایران و رژیم اسلامی در پیش روی هر ناظری پدیدار شود.

افت و خیز دلار دلایل اقتصادی زیادی در ایران دارد. اما یک عامل این معضل رژیم حاکم دزدسالار اسلامی است. جواب این رژیم تنها افشای ماهیت آن نیست بلکه مصاف هر روزه ای است که در کارخانه ها، بیمارستانها، مراکز صنعتی و بخصوص خیابانها در حال اتفاق است. اگر در سال آینده خبری باشد، تنها خبر افزایش دلار، قیمت مسکن و

مایحتاج عمومی و غیره نیست. بلکه دخالت جامعه و مردم در جای جای حیات سیاسی و اجتماعی ایران برای تغییر این اوضاع از پایین است. اعتماد و اعتقاد به تغییر از پایین در بین مردم تکثیر شونده است. همینطور که اعتماد رژیمها برای ادامه حکومت در حال ریزش. دو واقعه در ایران را میتوان بطور قطع پیش بینی کرد: افزایش قیمت ارز و سقوط رژیم. اولی امریست قطعی و دومی قطعی تر.

دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

۵ فوریه ۲۰۲۴

روزنامه نگارانی که امید میدهند

اصغر کریمی

نسرین حسنی مدیر مسئول هفته نامه استانی سیاحت شرق و از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی روز ۱۵ بهمن و قبل از رفتن به زندان بجنورد در یک ویدیو می گوید: ”پای آرمان هایمان ایستاده ایم. هفت ماه زندان در برابر هزینه هایی که مردم در سال ۱۴۰۱ و سال های گذشته داده اند، چیزی نیست. امیدوارم که ثمره تمام خون ها، زندان ها، بازداشت ها و احضارها را همه ملت با هم ببینیم. نوشتن اساسا دردسرساز است اگر به سازشان قلم نچرخد... به جرم نوشتن، به اتهام تشویش اذهان عمومی با نشر اکاذیب به ۷ ماه زندان محکوم شدم، فقط و فقط یک جمله؛ پیشکش به ملت

شریف و آزادیخواه ایران“. او قبلاً هم احضار و بازداشت شده بود.

این روحیه مبارزه‌جویی از کجا میاید؟
جمهوری اسلامی از همان روز اول هم وصله ناجوری برای جامعه ایران بود. جامعه‌ای شهری و نسبتاً مدرن، حکومتی قرون وسطایی را نمیتوانست تحمل کند. قتل عام سیاسی، سرکوب انقلاب و هشت سال جنگ، توازن قوایی ایجاد کرد که چنین حکومتی چند دهه حکومت کرد. جامعه اما نمیتوانست برای همیشه آنرا تحمل کند. مبارزه گسترش یافت. جامعه بپاخاست. بارها بپاخاست. انقلاب ۱۴۰۱ اوج گرفت و شکاف‌ها را به اوج خود رساند، شکاف میان مردمی که نمیخواهند و حکومتی که دیگر نمیتواند چنین مردمی را کنترل کند.

زمانی لنین مشخصه یک وضعیت انقلابی را چنین توصیف کرده بود: ”پایینی‌ها نمی‌خواهند و بالایی‌ها نمی‌توانند به روش قدیم زندگی کنند.“ در چنین وضعیت‌هایی اگر مردم قادر به انقلاب نشوند یا انقلابشان شکست بخورد حکومت‌ها با سرکوب و همینطور اصلاحات و تغییراتی در شیوه حکومت می‌توانند بر اوضاع مسلط شوند و برای دوره‌ای دیگر حکومت کنند. اما وضعیت در ایران عمیقتر از این حرف‌ها است. حکومت نه شیوه جدیدی دارد نه به شیوه قدیم می‌تواند جامعه را کنترل کند. شکاف میان حکومت و مردم در ایران فقط اقتصادی و سیاسی نیست. نسلی و فرهنگی است. نسل‌های قدیمی‌تر هم هر روز بیشتر دارند به شکل نسل‌های جدید درمی‌ایند. قشرهایی که معمولاً در جوامع دیگر از اقشار معترض محسوب نمی‌شوند هم

در ایران معترضند و با اخراج و زندان مواجه میشوند.
روزنامه‌نگار، هنرمند، خواننده، وکیل، نویسنده، پزشک،
استاد دانشگاه. اینها اقشار تاثیرگذاری در جامعه
هستند، و حکومت آنها را هم از دست داده است.

این وضعیت هر روز جدی‌تر میشود. حکومت توان هیچ
نوع اصلاحات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
ندارد. برعکس در دوره حاضر بیش از هر زمان دیگری
دارد در جهت معکوس اصلاحات حرکت میکند. ادامه
این اوضاع برای هر ناظری قابل پیش‌بینی است. یک
انقلاب عظیم در راه است.

دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

۵ فوریه ۲۰۲۴

تجمع سراسری و بین المللی

علیه اعدام در ایران

مصطفی صابر پاسخ میدهد

کیوان جاوید: در ادامه کارزار جهانی نه به اعدام در ایران ما شاهد تجمعات متنوعی در کشورهای مختلف هستیم. در چه کشورهایی این اعتراضات صورت گرفته است و تا چه حد از حمایت‌های مردمی برخوردار است؟

مصطفی صابر: در اولین فراخوان کارزار جهانی نه به اعدام در ایران ۴۱ شهر در ۱۵ کشور شرکت داشتند. در دو هفته گذشته همه آن شهرها نتوانستند تظاهرات و یا آکسیون داشته باشند. ولی خوشبختانه ائتلاف‌ها و حرکت‌های مشابه کارزار جهانی نه به اعدام شکل

گرفته و تظاهرات هایی سازمان داده اند. بطوریکه شاید بشود گفت در همین شبیه اخیر، یعنی سوم فوریه (۱۴ بهمن)، مجموع تعداد شهرهایی که در جهان علیه اعدام ها در ایران اعتراض کردند، حتی فراتر از عدد هفته اول رفته باشد. در کل باید گفت حرکت خودجوش و انفجاری علیه اعدام ها که با کارزار جهانی نه به اعدام شروع شد همچنان روبه گسترش است. اکنون وظیفه ما این است که بسهم خود بکوشیم همه این تلاش ها همسو و هماهنگ و در ادامه متحد شوند.

حمایت های مردمی هم که اشاره کردید گرچه روبه گسترش است، اما هنوز این اعتراضات عمدتاً عناصر فعال را دربرمی گیرد. اینهم عرصه دیگری از کار در برابر همه ماست. باید بتوانیم اعتراض علیه اعدام در ایران را در خارج کشور هم هرچه توده ای تر کنیم.

کیوان جاوید: تاثیر سیاسی این اعتراضات علیه حکومت
اعدام را چگونه می بینید؟

مصطفی صابر: تاثیرات فکر کنم فوق العاده بوده است.
جرقه ای که از ونکوور و تورنتو و مونترال علیه اعدام
زده شد و به سرعت فعالان ایرانی شهرهای مختلف
جهان را در بر گرفت، به داخل ایران هم سرایت کرد.
با اعتصاب غذای زنان زندانی سیاسی و حمایت تشکل
دادخواهان و فعالین کارگری و معلمان و دانشجویان
۱۷ دانشگاه یکباره به جنبشی وسیع بر علیه اعدام در
داخل کشور تبدیل شد. در فاصله کوتاهی اعتصاب
غذا به ایده اعتصاب عمومی علیه اعدام ارتقاء پیدا
کرد و توسط گوهر عشقی فراخوان داده شد. از سوی
دیگر زمزمه اعتصاب عمومی در کردستان که از سوی

خانواده های زندانیان سیاسی تحت اعدام دنبال میشد و کارزار ما هم با آنها همراهی میکرد بالا گرفت و با ابتکار نهادهای مدنی و فعالین و خانواده ها سرانجام احزاب سیاسی مختلف فعال در کردستان هم فراخوان به اعتصاب دادند. این اعتصاب با موفقیت صورت گرفت و همه جا روحیه ها را بالا برد و صفوف را متحد تر کرد و حتی الهام بخش اعتصاب در شهر کوچکی چون سمیرم شد.

نکته مهمتر شاید این است که همه اینها بنظر میرسد تازه سرآغاز یک حرکت وسیعتر و کوبنده تر علیه اعدام ها در ایران باشد. الان زندانیان قزلحصار اعلام کرده اند هر "سه شنبه سیاه" که جمهوری اسلامی اعدام میکند دست به اعتصاب میزنند. و این مورد استقبال قرار گرفته است. اکنون به نسبت سه چهار

هفته پیش که کارزار جهانی نه به اعدام شروع شد،
اوضاع فرق کرده است و صف وسیع و اجتماعی هم
در داخل و هم در خارج علیه اعدام بپاخاسته و همه
نشانه ها حاکی است که این صف قوی تر و تاثیر گذار
تر میشود.

کیوان جاوید: این اعتراضات وسیع و سازمان یافته که
طیف های گوناگونی از افراد و نهادها را با گرایشات
سیاسی متفاوت در بر می گیرد چه تاثیر بر روحیه
مبارزاتی در ایران دارد؟

مصطفی صابر: راستش سوال را میشود از آنطرف هم
طرح کرد. برای مثال میشود پرسید اعلام اعتصاب
غذای زنان زندانی سیاسی در ایران چه تاثیری بر
روحیه مبارزاتی فعالین در خارج کشور داشته است؟

میخواهم بگویم در این جنبش وسیع علیه اعدام که چون آتش سرکشی سربلند کرده است بروشنی میتوان دید که حوزه خارج و حوزه داخل جامعه ایران بر هم تاثیر متقابل دارند. چه بسی فراخوان کارزار جهانی نه به اعدام به همه احزاب سیاسی ایران بویژه کردستان برای تدارک به اعتصاب مورد توجه فعالین داخل قرار گرفته باشد و قطعا فراخوان گوهر عشقی به اعتصاب علیه اعدام بر فعالیت های ما در خارج کشور تاثیر مثبتی داشت.

یک نکته دیگر که اشاره کردید خیلی مهم است. کارزار جهانی نه به اعدام در ایران که من فقط عضوی از آن هستم و اینجا هم به همین عنوان حرف میزنم، فعالین بسیاری با گرایشات مختلف سیاسی و ایدئولوژیکی و حزبی را در برمیگیرد. اینجا تلاش همه

مستقل از هر گونه تعلقی فقط و فقط علیه اعدام است. این نوع جدیدی از اتحاد و همبستگی است که میتواند الگویی برای عمل مشترک نیروهای سیاسی و فعالین مختلف در عرصه های دیگر هم بشود. این به نوبه خود روحیه بخش بوده است.

کیوان جاوید: در ایران چگونه می شود موانع را عقب راند و جنبش علیه اعدام را گسترش داد و به خیابان کشاند. چه قدمهایی باید برداشته شود تا این مبارزه از این که هست گسترده تر شود؟

مصطفی صابر: اگر بخواهم کوتاه بگویم، بنظرم باید گفتمان اعتصاب عمومی علیه اعدام ها را گسترش داد. باید توده های وسیع را به مبارزه علیه اعدام و متوقف کردن اعدام ها در ایران کشاند. این البته تلاش توامان

داخل و خارج کشوری را می طلبد. باید از یکسو افکار عمومی جهان علیه اعدام ها در ایران را بسیج کرد و از سوی دیگر برپایی اعتصاب های هشداري کوتاه مدت، اعتصاب های شهری و منطقه ای در اعتراض به اعدام را در ایران به یک گفتمان وسیع تبدیل کرد. باید حکومت جلاد اسلامی بفهمد که با هر اعدام جامعه یک گام به آمادگی برای برپایی اعتصاب عمومی نزدیک تر میشود. یک چنین تلاشی زمینه را مساعد می کند که حرکات ابتکاری و خودجوشی در هرجا علیه اعدام سر بلند کند.

دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

۵ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۴۶

۶ فوریه ۲۰۲۴ - ۱۷ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

بمباران مالی جمهوری اسلامی در عراق

کیوان جاوید

لاف و گزاف مالیات ندارد!

کاظم نیکخواه

ناله‌های خامنه‌ای و زورق شکسته رژیم

سیاوش آذری

صدای "زن، زندگی، آزادی" در نوفل‌لوشاتو

عطیه نیک‌نفس

دستگیری "وفادار" خواننده "به نام اعتراض"

یاشار سهندی

بمباران مالی جمهوری اسلامی در عراق

کیوان جاوید

به خواست آمریکا، بانک مرکزی عراق فعالیت "بانک ملی ایران" را به دلیل تحریم‌ها ابطال کرد. رویترز نیز روز ۵ فوریه (۱۶ بهمن) در یک گزارش می‌نویسد که چند روز پس از سفر یک مقام ارشد وزارت خزانه‌داری آمریکا به بغداد، دولت عراق به دلیل کلاهبرداری، پول‌شویی و دیگر استفاده غیرقانونی از ارز دلار به نفع رژیم اسلامی، مشارکت هشت بانک این کشور در تراکنش‌های مالی با بانک مرکزی عراق را ممنوع کرد.

تصویری که جمهوری اسلامی از خودش به دنیا مخابره می‌کند، قدرتی است که قلاده تروریست‌های اسلامی در خاورمیانه را به دست

دارد. جمهوری اسلامی با ارسال موشک و پهپاد و سلاح‌های سبک به تروریست‌های اسلامی در عراق، یمن، سوریه، لبنان و غزه می‌خواهد این‌طور وانمود کند که یک پای قدرت بلامنازع در منطقه است. شکی نیست تهاجم ویرانگر دولت آمریکا به عراق و نابودی شیرازه جامعه و خلأ بجا مانده از سرنگونی دولت بعث فرصت بی‌نظیری برای تروریست‌های اسلامی طرف‌دار جمهوری اسلامی ایجاد کرد و این فرصت را به جمهوری اسلامی داد تا در عراق یکه‌تازی کند.

اما به چند دلیل اصلی ورق کاملاً به ضرر جمهوری اسلامی برگشته است. اولاً زخمه باید به اوضاع انقلابی در ایران اشاره کرد. شرایطی که انسجام درونی حکومت را شدیداً متزلزل کرده است. دلیل بعدی بحران فزاینده اقتصادی در ایران است که

نمی‌تواند با دولت‌هایی چون عربستان و دیگر کشورهای عربی در منطقه رقابت کند و به همین دلیل مداوماً حاشیه‌ای‌تر می‌شود.

مسئله بعدی سیاسی است. جمهوری اسلامی در دشمنی با اکثریت قریب به اتفاق کشورهای عربی به سر می‌برد و این دشمنی باعث انزوای روزافزون جمهوری اسلامی است. همین انزوای سیاسی با شدت بیشتری در جهان علیه این رژیم اعمال می‌شود.

و بالاخره تحریم‌های نابودکننده شبکه مالی جمهوری اسلامی آن توپخانه فوق سنگینی است که گلوگاه رژیم را می‌فشارد و امکان نمی‌دهد این حکومت از راه قانونی به دلار دسترسی داشته باشد. تحریم فروش نفت و گاز و بلوکه شدن دارایی‌های

مالی جمهوری اسلامی شریان اقتصادی این رژیم
را مسدود می کند.

تحت این اوضاع است که دولت عراق به خاطر
نیاز فزاینده اش به آمریکا مانع از فعالیت بانک
ملی جمهوری اسلامی در عراق شده است و
به این ترتیب یک ضربه کاری دیگر به حاکمان
تروریست اسلامی در ایران وارد می شود. طبل
تو خالی تبلیغات جمهوری اسلامی در منطقه و
پوشالی بودنش یک بار دیگر به صدا درآمده است.

سه شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲

۶ فوریه ۲۰۲۴

لاف و گزاف مالیات ندارد!

کاظم نیکخواه

جمهوری اسلامی علاوه بر دستگاه جنایت و چپاول و عقب ماندگی، یک ماشین تولید لاف و گزاف و مزخرفات است. روضه خوانی های سران حکومت همه رجز خوانی های تو خالی علیه دشمنان تخیلی و غیرتخیلی است. روز یکشنبه این هفته سردار پاسدار علی فدوی در ورامین سخنرانی داشت و تماماً ادعاهای سراپا پوچ و تو خالی تحویل پامنبری های حکومتی داد. او بدون شرم از اینکه خمینی در دنیا به عنوان جلاد عقب مانده اسلامی مورد نفرت است گفت: "اکنون دنیا فهمیده است بصیرت رهبر انقلاب از تمامی دنیا جلوتر بوده است!"

فدوی در مورد اقتدار حکومت اسلامی گفت:
"ایستادگی و مقاومت مردم ایران (یعنی حکومت!)
باعث شده تا دشمن نیز به شکست خود معترف
باشد و جرئت شلیک کردن حتی یک گلوله به
سمت ایران را به خود راه ندهد." بله حتی یک
گلوله!

اما او بلافاصله بعد از ادعای عدم شلیک حتی یک
گلوله، ظاهراً از نگاه متعجب حضار به یاد آورد
که چندین تن از سران و متخصصین هسته‌ای و
غیرهسته‌ای حکومت در همین ماه‌ها و سال‌های
اخیر در کنار گوش حکومت ترور شدند و حکومت
اسلامی هم هیچ غلطی نتوانست بکند. در نتیجه
ناچار شد بدون اینکه شرم کند بگوید "البته ممکن
است اشتباهات محاسباتی دشمن! شهادت افرادی

در ایران اسلامی را به همراه داشته باشد؛ ولی قطعاً این امر باعث می‌شود که ملت ایران استوارتر از قبل در برابر آنان ایستادگی کند! بله کسانی ترور شدند؛ اما این از "اشتباه محاسباتی دشمن" بوده است! واقعاً انسان باور نمی‌کند که کسی با قیافه جدی این‌همه چرندیات به هم ببافد. او در همین سخنرانی ادعا کرد که همه دنیا دارند شعارهای حکومت اسلامی را تکرار می‌کنند!

متأسفانه، این موجودات پرمدعای بی‌مغز در قرن بیست و یکم در این کشور دارند می‌چاپند و با جنایت حکومت می‌کنند. آنچه باید توجه کرد این است که اینها نمایندگان سرمایه‌داری پوسیده این دوره‌اند که به‌راستی به ته خط رسیده است و برای ادامه حیات خود به چنین موجودات

عقب‌مانده و ضدعلم و ضدمردمی و مسخره‌ای
نیاز دارد. ناخوانایی چنین موجوداتی بافرهنگ و
تفکر پیشرو اکثریت کارگران و مردم این کشور
آشکار و عیان است. قطعاً پرونده این حکومت
منفور را مردم با ادامه انقلاب زیبای ”زن زندگی
آزادی“ خیلی زود در هم خواهند پیچید و کل آثار
و کارنامه آنها را به موزه توحش تاریخ خواهند
سپرد.

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲

۶ فوریه ۲۰۲۴

نال‌های خامنه‌ای و زورق شکسته رژیم

سیاوش آذری

خامنه‌ای در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی با اشاره به "خواص"، "کسانی که از روی نقشه، فکر و تشخیص اقدام می‌کنند، کار می‌کنند، تصمیم می‌گیرند" (یعنی اعوان و انصار بیت رهبری که ثروت و پول مردم و کشور را در زدوبند با هم و به گونه‌ای نقشه‌مند بالا می‌کشند) گفت: "در خیلی از کشورهای دنیا این جور نیست... گزارش‌هایی از بعضی از کشورهای بزرگ و معروف دنیا می‌دهند که مردم در کوچه و خیابان که راه می‌روند، ملتفت نیستند که حول و حوششان در دنیا چه دارد می‌گذرد؛ [فقط] به فکرند که بروند یک لقمه‌نان به دست بیاورند یا

یک مقدار ثروتشان را اضافه کنند.“

این سخنان اعتراف به غیرمتعارف بودن سیستم اقتصادی دزدسالار حاکم بر ایران بنا بر اوضاع سیاسی بحرانی رژیم اسلامی است. در یک اقتصاد سرمایه‌داری متعارف سرمایه‌دار و کارفرما در چهارچوب قوانین حاکم بر جامعه بورژوازی به دنبال مبادله سرمایه با نیروی کار و از این طریق افزایش ارزش‌افزوده و سود ناشی از آن است. کارگران و مزدبگیران هم بر حسب توازن قوای اجتماعی - سیاسی موجود در وضعیت معیشتی باثباتی قرار دارند. ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شرایط لازم برای کارکرد متعارف سرمایه و سوداندوزی را محیامی‌سازد. در چنین شرایط اجتماعی سرمایه‌دار نیاز به پرداختن به پیرامون خود و فهمیدن اینکه

”حول وحوششان در دنیا چه دارد می گذرد“ ندارد.
جمهوری اسلامی اما خود نشانه و عامل بی ثباتی
سیاسی و اقتصادی و مانعی بر سر راه کارکرد
متعارف سرمایه است.

بعلاوه، جمهوری اسلامی در کنار انزوای بین المللی
سیاسی که ادغام اقتصاد سرمایه داری ایران در
سرمایه جهانی را ناممکن ساخته است دست به گریبان
یک انقلاب عظیم اجتماعی در مسیر سرنگونی رژیم
و برپایی جامعه ای آزاد، برابر و انسانی که تمامی
ثروت و امکانات جامعه را در اختیار شهروندان
قرار دهد است. در چنین شرایطی ما شاهد ریزش
نیروهای رژیم به اشکال مختلف و فرار موش ها از
کشتی در حال غرق شدن حکومت اسلامی هستیم.
اینجاست که خامنه ای نهیب می زند که ”وظیفه

[خواص] وظیفه سنگینی است... اگر خواص جامعه از این وظیفه غفلت بکنند، حوادثی که پیش خواهد آمد ضربه‌های تاریخی به ملت‌ها (بخوانید رژیم) می‌زند“ و در ادامه خواهان دمیدن “خواص” در تنور بی‌رمق انتخابات و راهپیمایی ۲۲ بهمن می‌گردد.

اما این ناله‌ها بی‌ثمر است. زورق شکسته رژیم را نجاتی نیست. اقیانوس انقلاب جمهوری اسلامی را به قعر تاریخ خواهد سپرد.

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲

۶ فوریه ۲۰۲۴

صدای "زن، زندگی، آزادی" در نوفل لوشاتو

عطیه نیک نفس

چهل و پنج سال از روزی که روح‌الله خمینی، نوفل لوشاتو، منطقه‌ای در حومه پاریس را به مقصد تهران ترک کرد گذشته است. مدت‌هاست که در فرانسه تلاش برای محو کردن خاطره و آثار برجای مانده از خمینی در نوفل لوشاتو راه افتاده است. بعد از تلاش معترضان ایرانی برای حذف تابلو یادبود خمینی در نوفل لوشاتو، سال گذشته، شهرداری نوفل لوشاتو با اشاره به "جنایات جمهوری اسلامی و نقض مکرر حقوق بشر در ایران" دستور ممنوعیت نصب هرگونه تصویر و پوستر برای یادبود اقامت خمینی در این شهر را صادر کرد و

از آن به بعد دست سفارت جمهوری اسلامی هم
از برگزاری مراسم به یاد خمینی در نوفل‌لوشاتو
کوتاه شد.

واقعیت این است که در آستانه چهل و پنجمین
سالگرد حکومت ننگین اسلامی، آن قدر این رژیم
در جهان رسوا شده که مردم فرانسه و اهالی
نوفل‌لوشاتو حاضر نیستند هیچ اثری از جنایت‌کار
بزرگ خمینی در محیطشان ببینند. مردمی که سال
۵۷ شاید تصور می‌کردند خمینی پدیده ایست
نوظهور برای رهایی در ایران، حالا متوجه شده‌اند
که او و مزدورانش جز فلاکت، فساد، جنایت و
بدبختی چیزی برای مردم ایران نداشتند.

این چرخش افکار عمومی چیزی نیست جز نتیجه
یک انقلاب مردمی، پیشرو و مترقی که توانسته

صدای رسای خود را به تمام دنیا آن‌چنان قدر تمند
مخابره کند که امروز پوسترها و بیلبردهای
مهسا، نیکا، سارینا و سایر مبارزان راه آزادی در
خیابان‌های دنیا دیده می‌شود. این انقلاب چنان
پر قدرت است که نه تنها اخراج مزدوران رژیم
اسلامی از بعضی از کشورهای غرب آغاز شده
است، بلکه حتی پوستری از آنها به عنوان نماینده
تفکرات غیر انسانی و متحجر مایه ننگ شده است.

انقلاب ”زن، زندگی، آزادی“ نه تنها قرار است ایران
و خاورمیانه را از مار زهر آگین اسلام سیاسی رها
سازد، بلکه با نابود کردن جمهوری اسلامی فضا را
برای دنیایی امن تر، بهتر و انسانی فراهم خواهد
کرد. با وجود تهدید تروریسم اسلامی که سر
بزرگ آن رژیم اسلامی حاکم در ایران است، هیچ

کجای دنیا امن نیست.

با انقلاب "زن، زندگی، آزادی" مبارزهای متشکل،
همه‌جانبه و هدفمند برای سرنگونی قطعی رژیم
اسلامی و کوتاه‌شدن دست مذهب از زندگی مردم
آغاز شده است. مبارزه برای رسیدن به این اهداف
را قاطع و محکم ادامه خواهیم داد.

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲

۶ فوریه ۲۰۲۴

دستگیری "وفادار" خواننده "به نام اعتراض"

یاشار سهندی

وفا احمدپور دامناب، معروف به "وفادار" در آرزوی آن بود روزی اسمی میان رپرها در آورد و جلو انبوه جمعیت بخواند، اما انقلاب زن زندگی آزادی از او معترض می‌سازد. در یکی از آثارش می‌خواند: "صدای مردم می‌شم و می‌خونم حتی تو اوین، سلول انفرادی؛ جمهوری اسلامی سفاک، جبونانه، از آنجا که این رپر معترض مخفی شده و در عین حال کارهای اعتراضی خود را منتشر می‌کرده، خانواده‌اش را به گروگان می‌گیرد و او به ناچار خودش را "تحویل" می‌دهد. "وفادار"، تأکید کرده جایی ننوشتیم: "من تسلیم شدم" و در پیامی تأکید کرده: "من وفادار به مردم هستم."

بر اساس آنچه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده،
”وفادار، رپر معترض ایرانی، ۴۰ ساله است و با
کارگری امرار معاش می‌کرد. او ۱۷ سال است که
در زمینه موسیقی رپ و هیپ هاپ فعالیت می‌کند.“
او خطاب به حکومتیان اخطار می‌دهد: ”هرکاری
کردید به خودتون برمیگرده“ و در همان اثر وعده
می‌دهد که ”به وقتش میاد پایین پرچم ظلم“؛ این
وقت را کسانی مانند رپرهای معترضی چون وفادار
و مردم معترض با اعتراض خود و مبارزه شان در
کف خیابان بر علیه حکومت محقق می‌کنند.

جمهوری اسلامی بیش از هر زمانی به وحشت
افتاده چون می‌داند وقت سقوط نزدیک است، چون
کسانی مانند وفادار، توماج، مهدی یراحی و شروین
نجفی از زیر بوته در نیامدند، بلکه انعکاس اعتراض

عمیق و وسیع هستند و هنر ایشان پژواک صدای آن است. هنر و بخصوص موسیقی نقش بسیار مهمی در جریان انقلاب زن زندگی آزادی ایفا می کند. انقلاب بستری فراهم آورده که اعتراض، که با هنر مدرن عجین شده است رساتر شنیده شود. موسیقی به ابزار مهمی برای اعتراض تبدیل گشته است.

جمهوری اسلامی چهار دهه خودش را کشت تا شاید موسیقی را از ذهن مردم بزداید اما نه تنها در این امر شکست خورد بلکه موسیقی در بطن انقلاب جاری خودش را اعتلا بخشید. جمهوری اسلامی در اوج مثلاً قدرتش نتوانست موسیقی از زندگی ما مردم حذف کند. با بگیر و ببند، شکنجه و زندان و تهدید اعدام ترانه خوانان، حالا که در روزهای حُضیض خود بسر می برد تنها می تواند

نفرت علیه خود را بیشتر برانگیزد.

رنسانس در همه زمینه‌ها در حال رخ دادن است، حکومت اسلامی هر چقدر هم سفاک و وحشی نمی‌تواند مانع این اتفاق شود. وفاداری یکی از آثارش را "به نام اعتراض" شروع می‌کند؛ اعتراض او نباید فراموش شود، صدایش باشیم.

سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲

۶ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۴۷

۷ فوریه ۲۰۲۴ - ۱۸ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

کارزار نه به اعدام و معلمان

شهلا دانشفر

درمان رایگان، خدمات درمانی بهتر

سینا پدرام

رژیم و جنایت گورهای دسته جمعی

نسان نودینیان

کارزار نه به اعدام و معلمان

شهلا دانشفر

معلمان به کارزار قدرتمند نه به اعدام که کارزاری با ابعادی جهانی است پیوستند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان طی بیانیه‌ای خطاب به دانش‌آموزان، معلمان و همه مردم همبستگی خود را با این کارزار اعلام داشت. قبل از آن ده تشکل کارگری و اجتماعی و تشکل‌هایی چون سندیکای شرکت واحد، کانون نویسندگان و نهادی؛ چون دادخواهان که در همراهی با زندانیان قزل‌حصار سه‌شنبه‌های اعتراضی علیه اعدام را اعلام کرده بودند، با این کارزار همراه شدند. در صف مقدم این کارزار دادخواهان و زندانیان در بندند. مادر دادخواه گوهر عشقی است که به دنبال اعلام

اعتصاب غذا از زندان زنان اوین و بعد هم زندانیان قزل حصار و نیز اعتصابات سراسری در کردستان و سمیرم کل جامعه را به اعتصاب عمومی علیه اعدام‌ها فراخواند. کارزار نه به اعدام کارزاری برای نجات جان انسان‌ها از چنگ حکومت اعدام است که به اسم رمزی برای تداوم انقلاب زن زندگی آزادی تبدیل شده است. صفی قدرتمند که یک‌سرش در ایران و سر دیگرش در اقصا نقاط جهان است. کارزاری که کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، هنرمندان و بخش‌های مختلف جامعه را در بر می‌گیرد.

شورای هماهنگی در بیانیه خود اعدام‌های اخیر را محکوم و مجازات اعدام را عملی غیرانسانی و محصول اراده اقلیت حاکم خواند. در بخشی از

این بیانیه آمده است: ”هر حاکمیتی که بخواهد با گسترش مجازات و استیلای سلطه به بقای خود ادامه بدهد بر مردم مغلوبی حکومت خواهد کرد که فاقد اراده بوده و در نتیجه حتی از سقوط آن نظام و دفاع از شأن خود قاصر هستند.“ بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با اشاره به تجربه لغو مجازات اعدام در بسیاری از کشورها که نشان داده لغو این مجازات به هیچ وجه سبب افزایش جرم و جنایت نشده، بر لغو مجازات اعدام تأکید دارد. در آخر بیانیه شورای هماهنگی بر بی ثمر بودن اعدام‌ها برای عقب زدن مردم تأکید کرده و می‌نویسد: ”بدیهی است تداوم سرکوب، زندان و اعدام نمی‌تواند مانع از بیان خواسته‌های بحق مردم شود، بلکه موجب خشم، نفرت عمومی و بازتولید خشونت می‌گردد.“ و این پیام کل جامعه

به حکومت است.

اتحاد سراسری علیه اعدام و برای پیشروی انقلاب
امروز خود را در کارزار نه به اعدام نمایان می‌سازد.
با قدرت به صف این کارزار پیوندیم. فراخوان
سه‌شنبه‌های اعتراضی، فراخوان گوهر عشقی به
اعتصابات سراسری، گام‌هایی به جلو در این کارزار
است. به این فراخوان‌ها پاسخ دهیم و صدای رسای
کارزار نه به اعدام در سطح جهان باشیم.

چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲

۷ فوریه ۲۰۲۴

درمان رایگان، خدمات درمانی بهتر

سینا پدram

به گزارش ایسنا، معاون درمان وزارت بهداشت اظهار داشته که "افزایش ۴۶ درصدی تعرفه‌های پزشکی در واقع جبران گذشته است؛ چراکه ۱۵ درصد افزایش تعرفه‌ها از سال گذشته باقی‌مانده است."

وضعیت درمان و بهداشت در ایران در مرحله مخاطره‌آمیزی است. دلایل عدیده‌ای به بحران درمان و بهداشت در ایران دامن می‌زنند که اگر در شکل اعتراضات جمعی و اجتماعی به سراغ این معضلات نرویم، آب از آب تکان نخواهد خورد و

صدالبته وضعیت وخیم‌تر خواهد شد. پایین‌بودن سطح بیمه‌های درمان و عدم پوشش بسیاری از خدمات درمانی توسط این بیمه دانسته عام و خاص است. چه کسانی از پایین‌بودن بیمه‌ها و تعرفه نفع می‌برند؟ باز ناگفته پیداست رژیم و دولت اسلامی. این دزدی تبه‌کارانه ایست که هم از جیب مردم می‌زند و هم از جیب پزشکان و سایر کارگران بخش سلامت.

موضوع فرار پزشکان و دیگر کارگران صنعت سلامت از ایران به کشورهای مجاور ایران، حجم زیاد کار، فشارهای روحی فرساینده که باعث رشد پدیده خودکشی در بین دکترها و پرستاران شده، کمبود مزمن و خطرناک متخصصین قلب و دیگر جراحان، گرایش دکترها به سوی رشته‌های

به اصطلاح استاتیک و زیبایی برای کسب درآمد و نادیده گرفتن مخاطرات جانی که این نوع درمان‌ها برای مراجعین به همراه دارد، از جمله خبرهای روزمره در امور پزشکی در ایران است.

واقعیت این است که در مقابل این حجم از اختلال در موضوع مهم خدمات درمانی در ایران تنها می‌توان به شکل متحدانه و با اعتصاب و اعتراضات کادرهای درمانی به شکل سراسری به جدال برخاست. درعین حال، همبستگی پزشکان و بیماران می‌تواند به قدرت این اعتراضات در ایران بیفزاید. مطالبه درمان رایگان یکی از اجزای مهم منشورهای برخاسته از انقلاب زن زندگی آزادی است که می‌تواند، کرامت و حرمت انسانی را به حرفه پزشکی و خدمات پزشکی - درمانی

بازگرداند.

با تأمین مناسب رفاه کارگران بخش سلامت قطعاً
به کیفیت خدمات این بخش نیز افزوده خواهد شد.
رابطه پولی مافیایی در صنعت بهداشت، نتیجه‌ای
جز مرگ و تباهی ندارد. رژی می که چنین سیستم
درمانی را به وجود آورده است، مانع اصلی پیشرفت
رفاه درمانی در ایران است.

چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲

۷ فوریه ۲۰۲۴

رژیم و جنایت گورهای دسته‌جمعی

نسان نودینیان

طبق خبری از عفو بین‌الملل، در یک گور جمعی نزدیک شهر قروه، دست‌کم پیکر ۲۰ تن از زندانیان سیاسی که بدون محاکمه در تابستان ۶۷ اعدام شدند، دفن است.

گورهای دسته‌جمعی در ایران بی‌شمارند. تعدادی از آنها برای مردم شناخته شده هستند، گورهای دسته‌جمعی در خاوران تهران، شیراز، کرمانشاه، صلوات آباد در حومه سنندج. در کشتار سال ۱۳۶۷ به دلیل اعدام‌های دسته‌جمعی و در فواصل کوتاه، پیکر اعدام‌شدگان در گورهای دسته‌جمعی

در مناطق مختلف دفن شدند. هنوز بسیاری از این مناطق ناشناخته مانده‌اند، برخی مناطق لو رفته و یا توسط مأموران به اطلاع خانواده‌ها رسیده، برخی را خانواده قربانیان به طور اتفاقی شناسائی کرده‌اند. در خاوران، کرمانشاه، شیراز و صلوات آباد سنندج مردم و خانواده‌های اعدامی‌ها قطعه‌قطعه گورها را کنار می‌زدند به این امید که فرزندان‌شان را پیدا کنند. در شیراز در یکی دو منطقه جسد‌ها را چون باعجله دفن کرده بودند و عمق گورها کم بود باران مهرماه همان سال خاک را شست و جسد‌ها نمایان شد و بدین ترتیب رهگذران پی به وجود گور دسته‌جمعی در آن منطقه بردند.

اغراق نیست اگر بگوییم ایران سرزمین گورهای صدها هزار اعدامی از زندانیان با جرایم عادی و

سیاسی است. در کنار بیش از هزاران اعدامی، هزاران گور قربانیان جنگ، قربانیان بی‌شمار تلفات حوادث محیط کار و تصادفات جاده‌ها و گورهای مردم معترضی که در جریان اعتراضات ۸۸، دی‌ماه ۹۷ و آبان ۹۸ به خاک و خون کشیده شدند. به این جنایات باید کشتار گسترده معترضین آبان ۹۸ در نزارهای ماهشهر با سلاح‌های سنگین نظامی را اضافه کرد که بیش از ۱۰۰ نفر کشته شدند.

حکومت جنایت‌کار اسلامی غم و گریه را شریک زندگی‌بخش بزرگی از مردم کرده است. اکثر خانواده‌ها در ایران، پرونده‌ای قطور از زخم‌های خاص خود دارند و داستان‌های فراوانی برای بازگو کردن. کم نیستند بچه‌هایی که در زندان چشم به جهان گشوده‌اند و یا از سرنوشت پدر و مادر اعدام‌شده‌شان

در سن نوجوانی آگاه شده‌اند.

گورهای دسته‌جمعی و کشتار دسته‌جمعی زندانیان
رانه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم. حکومت مرگ
و ترور و اعدام را باید سرنگون کرد. برای نجات جان
صدها محکوم به اعدام، جنبش علیه اعدام که این
روزها از هر زمانی توده‌ای تر شده را حمایت کنیم.
التیام زخم‌های عمیق در گرو مبارزهای همه‌گیر و
متحدانه تا لغو مجازات اعدام و سرنگونی حکومت
اعدام است.

چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲

۷ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۴۸

۸ فوریه ۲۰۲۴ - ۱۹ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال

دادگاه متهمین جمعه خونین زاهدان

کاظم نیکخواه

انتخاب مردم و مضحکه انتخابات رژیم

کیوان جاوید

افزایش سن بازنشستگی توسط چپاولگران اسلامی

محسن ابراهیمی

جمهوری اسلامی بازنده اصلی فوتبال

یاشار سهندی

دادگاه متهمین جمعه خونین زاهدان

کاظم نیکخواه

اولین جلسه دادگاه متهمین جمعه خونین زاهدان، بنا به گزارش‌های روز گذشته چهارشنبه ۱۸ بهمن، به ریاست قاضی محمد مرزویه برگزار شد. دادگاهی که رئیس و قضات و متهمینش همه قاتل و شریک جرم‌اند.

روز جمعه ۸ مهرماه ۱۴۰۱ نیروهای حکومت در زاهدان از پشت‌بام‌ها صف معترضین را به رگبار گلوله بستند و بنا به گزارشات متعدد بیش از صد نفر از معترضین درجا به قتل رسیدند. صدها نفر نیز زخمی شدند و شمار نامعلومی دستگیر

شدند که بسیاری از آنها همچنان در زندان‌اند و چند تن از آنها با پرونده‌سازی‌های ساختگی بعداً اعدام شدند. عاملان کشتار جمعه خونین، مأموران انتظامی و پاسداران حکومت بودند که مأموریتشان رسماً کشتار مردم معترض بود و بارها به‌سوی مردم شلیک کرده بودند.

جمعه خونین زاهدان یکی از صفحات سیاه کارنامه خونین حکومت اسلامی است که در تاریخ ثبت شده و همچون کشتار آبان ۹۸ شاخص جنایات بی‌شمار حکومت است و هیچگاه فراموش نخواهد شد. مردم این کشور عاملان و آمران این جنایات و دیگر جنایات حکومت آدمکش اسلامی را در دادگاه‌های واقعی خود به محاکمه خواهند کشید. اما اینکه جمهوری اسلامی یعنی همان حکومتی

که سرانش دستور این کشتار را صادر کرده و مزدورانش اجرا کرده‌اند، ناچار می‌شود خود برای شماری از قاتلان جمعه خونین زاهدان دادگاه هرچند نمایشی تشکیل دهد، بیانگر فشار کمر شکنی است که اعتراضات مردمی به جانیان وارد کرده و می‌کند. این نوع دادگاه‌ها یک نوع "غلط کردم" حکومت است. با تشکیل پرونده و برگزاری یک دادگاه نمایشی مسخره می‌خواهند فشار را از روی خود کم کنند.

ما مردم می‌دانیم که متهم اصلی کشتار جمعه خونین زاهدان و دیگر جنایات حکومت، شخص خامنه‌ای و بالاترین فرماندهان حکومتی هستند. اینکه چند مأمور جزء را برای نجات حکومتشان محاکمه یا قریانی کنند، دردی از کسی دوا نخواهد

کرد. مسئله مردم خود حکومت است که باید
گورش را گم کند تا همه نفس راحتی بکشند.
پرونده جمعه خونین زاهدان و پرونده تمام روزهای
خونین این کشور تنها با به زیر کشیدن کل این
ماشین کشتار و اعدام و جنایت است که می‌تواند
مختومه اعلام شود و فصل تازه‌ای در تاریخ این
کشور که با فضایی امن و آزاد و انسانی مشخص
می‌شود، آغاز گردد.

پنج‌شنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۲

۸ فوریه ۲۰۲۴

انتخاب مردم و مضحکه انتخابات رژیم

کیوان جاوید

محمدتقی شاه‌چراغی، رئیس ستاد انتخابات حکومت مدعی شد: ”مردم با حضور در انتخابات، پیمان خود را با نظام و انقلاب نشان خواهند داد.“ او شرایط جدید رأی‌دادن را هم مشخص کرد: ”شخص واجد شرایط می‌تواند با ارائه یکی از پنج مدارک هویتی خود شامل شناسنامه، کارت ملی، گذرنامه، گواهینامه و پایان خدمت در رأی‌گیری شرکت کند.“

فقط مانده بود اضافه کند که بدون این کارت‌های شناسایی هم می‌شود پای صندوق‌های متعددی حاضر شد و رأی داد. یا اصلاً لازم نیست حتی رأی داد، فقط کافی است کنار صندوق رأی عکسی

گرفت تا "ثابت" شود مردم با "نظام پیمان مودت بسته‌اند".

کار حکومت دیگر رسماً به دلقک‌بازی رسیده است. دورانی بود که انتخاب میان بد و بدتر یک تاکتیک مردم برای شکاف انداختن میان جناح‌های رقیب بود. این ایجاد شکاف از دوران انتخاب خاتمی در مقابل نماینده خامنه‌ای شروع شد و در دوران رقابت بین احمدی‌نژاد و موسوی به اوج خود رسید و در نهایت صحنه‌ای از خیزش بزرگ مردم علیه کل جمهوری را خلق کرد.

از انتخابات فرمایشی بعد از سال ۸۸، رژیم دیگر کمر راست نکرد و هر مضحکه انتخاباتی، چه از نوع انتخابات مجلس و چه غیر آن به کابوس بزرگ رژیم در تقابل با مردم تبدیل شد. در حال حاضر

نیمی از سینه‌چاکان رژیم همچون حسن روحانی نیز رد صلاحیت شده‌اند، چون مآجرا دیگر برای حکومت گرم کردن بازار انتخابات نیست. مآجرا فقط برای حکومت این است که غیر از خنجر به دستان طرف‌دار بی‌چون و چرای خامنه‌ای اشخاص دیگری به پست و مقامی نرسند. موقعیت حکومت هیچ زمان چون امروز زار و خراب نبوده است. آش آن‌چنان شور است که بخش وسیعی از قاتلان سازنده حکومت اسلامی هم اعتراف می‌کنند این انتخابات مشروعیت ندارد.

البته در ایران نوع دیگری از انتخابات داغ است. داغ همچون کوبیدن پتک بر آهن گداخته بر سندان. انتخاب مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و حضور بی‌برگشت و همه‌گیر مردم در صحنه اجتماع. رأی‌دادن فراگیر مردم بامشت‌های گره‌کرده

و با پاهای توانمندشان در میدان مبارزه، حضور
در اعتصابات و اعتراضات، حضور با بی‌حجابی
گسترده و حضور با ترانه‌خوانی ضدحکومتی و
بایکوت دهه فجر حکومت در جشنواره زجر و
انواع دیگر اعتراضات فراگیر.

خلاصه اینکه در این انتخابات مسخره و کذایی،
حکومت تودهنی سخت‌تری از مردم خواهد خورد.
انتخاب مردم، فقط سرنگونی این حکومت است.

پنج‌شنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۲

۸ فوریه ۲۰۲۴

افزایش سن بازنشستگی توسط

چپاولگران اسلامی

محسن ابراهیمی

سرمایه‌داری اسلامی حاکم توسط دولتش به ریاست آیت‌الله قاتل اعلام کرده است که در جهت "برنامه هفتم توسعه"، لایحه افزایش سن بازنشستگی از فروردین ماه سال ۱۴۰۳ اجرا خواهد شد. بر اساس این لایحه، کارگران در دسته‌بندی‌های مختلف ناگزیر خواهند شد پیش از بازنشستگی به طور متوسط ۵ سال بیشتر کار کنند. به این ترتیب، عنوان شایسته "برنامه هفتم توسعه"، برنامه‌ای برای توسعه و تداوم استثمار و چپاول مزدبگیران است.

معنای عملی این لایحه در زندگی اکثریت شهروندان

کارگر جامعه این است که بعد از سال‌های طولانی بهره‌کشی از کار و زندگی‌شان توسط سرمایه‌داران حاکم، همچنان باید جان بکنند و ثروت تولید کنند تا مفت‌خوران حاکم و آقازاده‌هایشان به زندگی لاکچری‌شان ادامه دهند؛ سپاه و بسیج تأمین مالی شوند؛ امامان جمعه جیب‌هایشان پر تر و سفره‌هایشان رنگین‌تر شود؛ حزب‌الله و حشدالشعبی و حماس و زینبیون و فاطمیون و حوثی‌ها برای ادامه آدمکشی به اندازه کافی موشک و راکت و پهپاد داشته باشند. این تعرضی به زندگی میلیون‌ها شهروند کارکن جامعه برای تأمین حیات تبهکارانه انگل‌های اسلامی حاکم و نیروهای سرکوب در داخل و باندهای تروریستی در منطقه است.

حکومت اسلامی قصد دارد دوران رنج و مشقت و محرمیت میلیون‌ها کارگر را بیشتر کند و تازه

وقتی هم بازنشسته شدند، آنچه نصیبشان خواهد بود همان است که نزدیک به ۲۵ میلیون بازنشسته همین امروز تجربه می کنند. انسان هایی که یک عمر برای خلق امکانات زندگی برای کل جامعه نقش داشته اند و امروز ناگزیرند در سرما و گرما برای ابتدایی ترین حقوق انسانی شان مبارزه کنند.

کارگران امروز بازنشستگان فردا خواهند بود. موقعیت بازنشستگان امروز آینه تمام نمای زندگی کارگرانی است که امروز دارند استثمار می شوند. بی دلیل نیست که بازنشستگان در اعتراضاتشان با شعار ”شاغل و بازنشسته، اتحاد اتحاد“ به کارگران فراخوان می دهند به آنها پیوندند. اتحادی که می تواند صف بزرگ تری در مقابل چپاولگران حاکم به وجود بیاورد.

مدتها قبل از شروع انقلاب "زن، زندگی، آزادی"، اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگران به یک بخش تعطیل‌ناپذیر مبارزه برای زندگی تبدیل شده بود و همین امروز هم ادامه دارد. در کشوری که علی‌رغم توحش سرکوبگران حکومت، سالانه بیش از هزار اعتصاب و اعتراض کارگری جریان دارد، تعرض گستاخانه حکومت علیه معیشت کارگران باید و می‌تواند از جنبش کارگری پاسخ قاطع و متحدانه‌ای بگیرد. بی‌تردید، اتحاد شاغل و بازنشسته، جنبش کارگری را در مقابله با تعرض جدید حکومت به زندگی کارگران قدرتمندتر خواهد کرد.

پنج‌شنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۲

۸ فوریه ۲۰۲۴

جمهوری اسلامی بازنده اصلی فوتبال

یاشار سهندی

فینالیست‌های فوتبال جام ملت‌های آسیا مشخص شد. در ابتدای شروع این دوره بازی‌ها، کارشناسان جمهوری اسلامی در رادیو اذعان کردند که مردم با این تیم، تیم جمهوری اسلامی سر آشتی ندارند و امیدوار بودند با ادامه بازی‌ها ورق برگردد. بعد از برد مقابل ژاپن تبلیغات جمهوری اسلامی شدت گرفت، تا شاید با جوسازی شرایطی فراهم آورند که گویا این جمهوری اسلامی است که پیروز میدان است، اما نه در میدان فوتبال بلکه در زمینه سرکوب مردم با چاشنی فوتبال! خودشان را آماده کرده بودند که کل ایران را روی سرشان بگیرند

و هیاهو راه بیندازند. از پیش اعلام کردند رئیسی
وقت ندارد برای تماشای فینال برود!

جمهوری اسلامی با هر چه نشانه تمدن است
دشمنی دارد. یکی از آنها ورزش مدرن است
به خصوص ورزش‌هایی که کل جامعه را تحت تأثیر
قرار می‌دهد بیشتر مورد نفرت این حکومت است.
در مهرماه سال ۱۳۶۳ بعد از بازی بین دو تیم
باشگاه‌های تهران در ورزشگاه امجدیه، آشوب
میدان فوتبال به شهر گسترش یافت و شاید اولین
اتفاق و به نوعی اعتراض جمعی توده‌ای در سطح
شهر تهران در اوج کشتارهای جمهوری اسلامی
براه افتاد. تا سال‌ها حکومت اسلامی از پخش
مستقیم فوتبال خودداری می‌کرد. بعدها توانست
از ورزش برای تبلیغات خود استفاده کند. در همه

عرصه‌های ورزشی مانند عرصه‌های اجتماعی دیگر
باندهای مافیایی حکومت شکل گرفت. ورزش هم
از دست‌درازی مذهب در امان نماند. هر پیروزی
نشانه یاری خدا و ائمه اطهار و دعای خیر مردم
قلمداد می‌شد.

اما جشن مردم بعد از صعود به جام جهانی در
۱۹۹۸ بغضی بود که ترکید، برای یک روز شاد
بودن، با هم بودن و احساس جمعی داشتن. این
به‌واقع یعنی دشمنی با جمهوری اسلامی. بعد از این
واقعه هر جشن فوتبالی به صحنه درگیری مردم
با حکومت منجر می‌شد و جمهوری اسلامی آرزو
می‌کرد تیم ببازد تا مردم سرخورده شوند.

سال گذشته در اوج مبارزات انقلاب زن زندگی

آزادی چشم امید مردم به بازیکنان فوتبال بود تا با حرکتی در میدان فوتبال با انقلاب همراهی کنند و بازیکنان با وجود همه تهدیدها فرصت داشتند عملی صورت دهند تا از حمایت مردم برخوردار شوند، اما خودداری کردند و در نتیجه از چشم مردم افتادند. شکست این تیم در مقابل تیم فوتبال قطر فرصت مهمی را از جمهوری اسلامی گرفت تا نتواند یکبار دیگر بر سر مردم خراب شود. جمهوری اسلامی بازنده اصلی بازی بین ایران و قطر بود.

پنج‌شنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۲

۸ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

زورنال

شماره ۶۴۹

۱۰ فوریه ۲۰۲۴ - ۲۱ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

حکومت اسلامی از نگاه تحلیلگر فرانسوی

محسن ابراهیمی

دو نوجوان، آیدا و هستی را ربوده اند

یاشار سهندی

در تقابل با احضار ۹ معلم معترض

شهلا دانشفر

قطع انگشتان به اتهام سرقت توسط دزدان حاکم

حسن صالحی

پیروزی حذف حساب‌های کاربری خامنه‌ای

کیوان جاوید

حکومت اسلامی از نگاه تحلیلگر فرانسوی

محسن ابراهیمی

اخیرا ترجمه فارسی مطلبی از نیکلا باورز، نویسنده و تحلیلگر فرانسوی را خواندم که در آخرین شماره هفته‌نامه "لوپوئن" منتشر شده است.

نکته جالب توجه در تحلیل باورز این است که علیرغم تصویر غلط از موقعیت منطقه ای و جهانی جمهوری اسلامی، تصویر دقیقی از موقعیت این رژیم در خود ایران بدست میدهد.

نویسنده، حکومت اسلامی را برنده اصلی جنگ غزه میداند که گویا به عنوان رهبر "محور مقاومت" در

مقابل اسرائیل از حمایت افکار عمومی عرب برخوردار شده است. برعکس، از نظر افکار عمومی، جنایت حماس علیه شهروندان اسرائیل با حمایت حکومت اسلامی، جرقه نسل کشی دولت اسرائیل در غزه را زده است و بیش از ۲۷ هزار انسان به خاک و خون کشیده شده اند و حکومت اسلامی شریک جرم است.

نویسنده معتقد است که رژیم اسلامی توانسته است از طریق ارتباط با روسیه و چین به انزوای بین المللی خود خاتمه دهد. روسیه از جمهوری اسلامی به عنوان کارت بازی استفاده می کند و هر وقت لازم است پشتش را خالی می کند. برای مثال، تلاش کرد مذاکرات برجام به هم بخورد تا میدان برای فروش نفت روسیه باز شود. چین هم دقیقا به خاطر انزوای رژیم اسلامی مشغول غارت ثروت ایران از

طریق قراردہای چپاولگرانہ است. برای مثال، وسط تحریمہای جہانی، نفت و گاز ایران را زیر قیمت جہانی می بلعد و با ”صید ترال“ کف دریای عمان را از ہرگونہ ماہی جارو می کند.

نویسنده اما موقعیت حکومت در داخل را دقیق منعکس میکند: اینکه حکومت اسلامی از درون پوسیدہ است؛ مردم باور بہ اسلام شیعی را از دست دادہاند؛ حکومت حقانیت و مشروعیت ندارد و قابل دوام نیست و تلاش میکند توسط ترور و سرکوب سپاہ پاسداران بہ حیات خود ادامہ دہد؛ و مردم در مقابل سیاست ترور رژیم اسلامی مقاومت می کنند. و بالاخرہ اینکه رژیم اسلامی تلاش میکند بقای خود را با برنامه اتمی و موشکی و حمایت نظامی و مالی از دستہ های شبہ نظامی وابستہ در منطقہ تضمین کند.

نویسنده این وضعیت را آنقدر جدی میداند که به دول غرب هشدار میدهد که فروپاشی این حکومت و شبه نظامیان وابسته پیآمدهای ویرانگر خواهد داشت و باید برای بازدارندگی چاره اندیشی کنند.

چنین تصویر دقیقی از موقعیت جمهوری اسلامی توسط یک ناظر خارج از ایران نشان میدهد که انقلاب "زن زندگی آزادی" توانسته است چشمها را به موقعیت متزلزل جمهوری اسلامی باز کند. اما باید تاکید کرد که "چاره اندیشی" واقعی فقط بدست بازیگران انقلاب "زن زندگی آزادی" ممکن است.

شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲

۱۰ فوریه ۲۰۲۴

دو نوجوان، آیدا و هستی را ربوده اند

یاشار سهندی

هر چقدر هم درباره خباثت و سفاک بودن جمهوری اسلامی گفته و نوشته شود کم است، چون این حکومت همه مرزهای خباثت و شقاوت را در هم شکسته و نهایت هم ندارد. تبهکاری از نوع جمهوری اسلامی گاهی باور نکردنی می نماید اما حقیقت دارد.

جدیدترین مورد آن "آیدامراد بهروزی و همکلاسی اش، هستی محمد حسینی، ساعت ۱۲ ظهر ۱۱ بهمن برای رفتن به مدرسه از منزل خارج شده اند و تاکنون بیش از یک هفته است که ناپدید شده اند." آیدا مراد بهروزی فرزند رضامراد بهروزی، زندانی سیاسی پیشین و سوری

بابایی چگینی است که هم اکنون در زندان چوبین قزوین به جرم اعتراض علیه حجاب دوران حبس خود را میگذراند.

دادستان و رئیس دادگستری محمدیه استان قزوین، فتح‌الله علی‌محمدی، به سوری بابایی چگینی گفته: ”به خاطر گم شدن دخترت اگر روسری بر سر کنی و ابراز ندامت کنی، اجازه می‌دهیم با سپردن سند و با پابند آزاد شوی و دخترت را پیدا کنی.“ و در جواب خانواده‌های هستی محمدی حسینی و آیدامراد بهروزی کلاتری، آگاهی، اطلاعات، و دادگستری به خانواده‌ها گفته شده ”ما نمی‌توانیم آنها را پیدا کنیم.“

هر بار که خبر این چینی به گوش انسان میرسد، به

خود میگوید این همه پستی و رذالت امکان ندارد! اما در جمهوری اسلامی هر رذالتی امکان دارد. این حکومت هر چقدر به لحظه سقوطش نزدیک میشود تبهکاریش افزون تر میگردد.

این رفتارها از سر اقتدار نیست، از سر زبونی حکومتی است که بخاطر فشار اعتراضات بیرونی "از درون هم در حال فروپاشی است". این ادعای ما نیست، گفته مهدی نصیری است که زمانی مدیر مسئول کیهان خامنه ای بوده و نیز شخص فرانسوی به نام "تیکلا باورز" در هفته نامه "لوپوئن" بر آن تاکید دارد و هشدار میدهد دولتهای غربی باید برای آن آمادگی داشته باشند. به گفته این شخص "مردم ایران اعتقاد خود را به اسلام شیعی از دست داده‌اند و در مقابل

سیاست ترور رژیم اسلامی مقاومت می کنند.“ و این
مقاومت حکومت را به سمت سقوط سوق داده است.

در این پروسه مقاومت میتوان و باید جلو تبهکاری
مانند ربودن فرزندان زندانیان سیاسی ایستاد. خبرهای
اینچنینی نباید تنها در خاطره ها بماند و فراموش شود.
باید آنها در سطح وسیعی رسانه ای کرد و به گوش
جامعه رساند. در خارج از کشور باید تجمعات اعتراضی
علیه این ربایش صورت بگیرد و کل دنیا را متوجه
شقاوت جمهوری اسلامی کرد.

شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲

۱۰ فوریه ۲۰۲۴

در تقابل با احضار ۹ معلم معترض

شهلا دانشفر

طبق خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ۹ نفر از معلمان معترض در استان گیلان جهت محاکمه در بیدادگاه حکومت برای ساعت ۹ صبح روز ۲۳ بهمن احضار شده‌اند. این معلمان با اتهام اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت و برگزاری تجمعات اعتراضی و تمرد به محاکمه کشیده میشوند. مصداق واقعی این اتهام اعتراضات معلمان علیه فقر، تبعیض و بی‌تامینی است که با فریاد "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" و با مطالبه تحصیل رایگان برای همه کودکان به صدای اعتراض کل جامعه تبدیل شد. جرم این معلمان تمرد در برابر

بساط توحش و بربریت حکومت است. اسامی معلمان
احضار شده به دادگاه در گیلان عبارتند از: انوش
عادلی، محمود صدیقی پور، عزیز قاسم زاده، تیمور
باقری کودکانی، طهماسب سهرابی، غلامرضا اکبرزاده
باغبان، علی نهالی، محمدجواد سعیدی و جهانبخش
لاجوردی.

لازم به یادآوری است که هم اکنون انوش عادلی،
محمود صدیقی پور و عزیز قاسم زاده با محکومیت
یک ساله در زندان لاکان رشت بسر میبرند.

این خبر نشانگر ادامه فشارهای سیستماتیک امنیتی
بر معلمان مبارزی است که با مبارزات قدرتمندشان
در سالهای اخیر حماسه آفریدند و توانستند بیش از

۲۰۰ شهر را به اعتراض بکشانند. از همین رو جمهوری اسلامی که قدرت بسیج و اتحاد مبارزاتی معلمان را تجربه کرده است در جریان انقلاب زن زندگی آزادی و طی یکسال و نیم گذشته آنها را زیر بیشترین فشارهای امنیتی قرار داده است. این فشارها بصورت پرونده سازیهای امنیتی و صدور احکامی چون اخراج، تبعید، انفصال از خدمت، زندان و حتی محرومیت از برخورداری از همان طرح سرهم بندی شده رتبه بندی صورت گرفته است. در مقابل معلمان با کارزارهای مبارزاتی و در اشکالی چون جمع آوری طومارهای اعتراضی، دیدارهای همبستگی با خانواده های معلمان زندانی و همراهی کردن همکارانشان هنگام احضارها و تبدیل دادگاهها به صحنه اعتراض خود، الگویی از مبارزه علیه سرکوبگریهای حکومت بوده اند. معلمان

از امضا کنندگان منشور خواستهای حداقلی زن زندگی آزادی بوده اند. در هفته اخیر نیز شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای به کارزار "نه به اعدام پیوست" و با تاکید به اینکه با سرکوب، زندان و اعدام نمیشود مانع بیان خواستهای به حق مردم شد، بلکه موجب خشم و نفرت عمومی میشود، بر لغو مجازات اعدام تاکید کرد.

این جواب قاطع معلمان به سرکوبگریهای حکومت است. احضار معلمان به دادگاهها را قاطعانه محکوم کنیم و حامی اعتراضاتشان باشیم.

شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲

۱۰ فوریه ۲۰۲۴

قطع انگشتان به اتهام سرقت

توسط دزدان حاکم

حسن صالحی

جنايات جمهورى اسلامى عليه شهروندان اشكال متفاوتى دارد. يکى از آنها "قصاص عضو" است که مطابق با قوانين ارتجاعى شريعه اسلام اجرا مى شود. چند روز پيش جانيان حاکم بر ايران انگشتان يک مرد را به اتهام دزدى قطع کردند. اين مرد ۳۴ ساله متهم شده بود که ۵ گوسفند از يک دامدارى متعلق به يکى از اعضاى سپاه پاسداران را سرقت کرده است. اتهامى که اين مرد در طول ۱۳ ماهى که در زندان بود انکار مىکرد و با اينهمه انگشتان وي را قطع کردند.

جمهوری اسلامی خود حکومت دزدان حرفه ای است
و وقتی خودشان دزدی می کنند به یکدیگر مدال
افتخار می دهند ولی شهروند بینوایی را به اتهام
دزدی مطابق مجازات قرون وسطایی اسلامی دچار
نقض عضو می کنند. این اوج وحشیگری و رذالت
رژیم فاسد جمهوری اسلامی است. چنین جنایاتی
نباید بی پاسخ بماند و لازم است با اعتراض کوبنده
ما روبرو گردد.

در ایران جنبش های اعتراضی متفاوتی وجود دارد
که علیه وجوه مختلف پلیدی های جمهوری اسلامی
جریان دارند. جنبش علیه اعدام، جنبش برای آزادی
زندانیان سیاسی، جنبش برای رفع تبعیض از زنان و

غیره. چرا ما نباید جنبشی علیه مجازاتهای وحشیانه اسلامی و از جمله نقص عضو داشته باشیم؟ هر کس که به قانون مجازات اسلامی نگاهی انداخته باشد فوراً متوجه می شود که این قانون چیزی جز دستور شلاق زدن، بریدن دست و پا، چشم در آوردن و کور کردن، به صلیب کشاندن و اعمال جنایتکارانه دیگر در بر ندارد.

این قوانین جنایتکارانه اسلامی از هر لجن زاری که آمده باشند به دنیای امروز تعلق ندارند و باید برای همیشه به دور انداخته شوند. این قوانین که به مبنایی برای درد و رنج و شکنجه و آزار شهروندان تبدیل شده است، باید فوراً ملغی و برچیده شوند. شکنجه و اعدام و شلاق و نقص عضو بخشهایی از

همین قوانین مجازات اسلامی هستند. ما در کنار جنبش های متعدد موجود نیاز به کمپین و کارزاری داریم که کلیت قوانین مجازات اسلامی را به چالش بکشد. این نیاز به شدت احساس می شود.

من از همینجا آمادگی خودم را برای همکاری با هر فرد و نهادی که کلیت این قوانین را نشانه گرفته باشد، اعلام می کنم. باشد که با اتحاد و همکاری خود این قوانین ظالمانه و جنایتکارانه را به همراه جمهوری اسلامی به زباله دان تاریخ بیاندازیم.

شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲

۱۰ فوریه ۲۰۲۴

پیروزی حذف حساب‌های کاربری خامنه‌ای

کیوان جاوید

سازمان "متا" روز پنجشنبه هشتم فوریه اعلام کرد که حساب‌های کاربری علی خامنه‌ای را در شبکه‌های اجتماعی "فیسبوک" و "اینستاگرام" بسته است. سخنگوی "متا" با اعلام این مطلب به خبرگزاری فرانسه گفته است: "این صفحات به دلیل نقض مکرر مقررات ما دربارهٔ سازمان‌ها و افراد خطرناک حذف شده‌اند."

مدیای اجتماعی بلای جان دیکتاتورها و مستبدان خونریز شده است. دیکتاتورهایی که پیش از ظهور این پیچیدهٔ زیر و رو کننده در ارتباطات اجتماعی یکه‌تازی می‌کردند و با سرکوب شدید مخالفان

سیاسی و فعالین جنبش‌های اعتراضی، مانع انتشار اخبار جنایت‌شان در سطح عمومی می‌شدند. عصر ارتباطات جهانی آن توپخانه سهمگینی است که به دست مردم علیه دشمنان آزادی استفاده می‌شود.

این البته همه فواید مدیای اجتماعی نیست. با این رسانه‌های همگانی، مردم فقط دست به افشاگری علیه حکومت نمی‌زنند، بلکه یک استفاده بسیار کارآمد از مدیای اجتماعی، سازماندهی مبارزات اعتراضی، فراخوان‌های اعتصابات و اعتراضات اجتماعی و حتی هماهنگ کردن تظاهرات خیابانی، تا مرز سازماندهی و هدایت قیام علیه حکومت‌ها است.

در عصر رسانه‌های اجتماعی، جانیان ضد بشر و سرکوبگران مردم شدیداً در تنگنا قرار می‌گیرند. اینجا

است که نقش تک تک افراد نیز برجسته می شود. هر فرد در این شرایط به یک نیروی جنگنده علیه حکومت تبدیل می شود که دیگر در انزوا قرار ندارد. سازمان دادن جنبش علیه اعدام و بسیج جمعیت چه در خارج و داخل ایران علیه جمهوری اسلامی یک نمونه برجسته از اعتراضات مردمی علیه اعدامها در ایران است. طوفان های توییتری متعدد یک نمونه دیگر از کارآمدی مدیای اجتماعی است.

در عصر حاکمیت رسانه های اجتماعی تبلیغات دروغین دیکتاتورها رنگ می بازد و بلافاصله به رسوایی شان منجر می شود، رسانه های حکومتی شدیداً ناکارآمد و بی مصرف می شوند و مردم واقعیات را سریعاً در خارج از روزنامه ها و رسانه های حکومتی و رسمی جستجو می کنند. در این عصر برخلاف گذشته تلویزیون های

ماهواره‌ای با هزینه‌های نه چندان زیاد راه اندازی می‌شود و احزاب و نیروهای اپوزیسیون نیز برخلاف گذشته که رادیو و تلویزیون در انحصار دولت‌ها و میلیاردرها بود می‌توانند مستقیماً مردم را مخاطب قرار دهند و دست به سازماندهی اعتراضات بزنند.

در چنین شرایطی بستن حسابهای کاربری خامنه‌ای جلاد یک ضربه دیگر به این دیکتاتور مفلوک و حکومت اسلامی است. بعد از فیسبوک و اینستاگرام باید کاری کنیم که شبکه ایکس (توییتر) هم حساب کاربری این قاتل مردم ایران را مسدود کند.

شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲

۱۰ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۵۰

۱۱ فوریه ۲۰۲۴ - ۲۲ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

نظر سنجی: ۷۵ درصد سرنگونی طلب‌اند

کاظم نیکخواه

ذلت قهرمانانه رژیم اسلامی!

محسن ابراهیمی

فقر، فساد، گرونی و بحران مسکن

عطیه نیک‌نفس

سرکشی و خودکشی در میان سربازان

سینا پدرام

نظرسنجی: ۷۵ درصد سرنگونی طلب‌اند

کاظم نیکخواه

نتایج یک نظرسنجی درباره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد بیش از سه‌چهارم مردم ایران قصد شرکت در انتخابات پیش‌رو را ندارند. بعلاوه حدود ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی‌اند.

نتایج نظرسنجی “نگرش ایرانیان به انتخابات ۱۴۰۲” که از سوی گروه مطالعات افکارسنجی ایرانیان (گمان) مستقر در هلند انجام شده، نشان می‌دهد که ۷۷ درصد شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی اعلام کرده‌اند در انتخابات رأی نمی‌دهند همچنین حدود هشت درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی هنوز تصمیم قطعی در این زمینه نگرفته‌اند و فقط

حدود ۱۵ درصد قصد دارند قطعاً در انتخابات مجلس شرکت کنند.

اولین مرحله از انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ برگزار خواهد شد و همزمان انتخابات ششمین دوره مجلس "خبرگان" نیز برگزار می‌شود.

مدتهاست که حتی نمایشات انتخاباتی حکومتی نیز برای حکومت معضلی شده است. چون انزوا و بی‌پایگی حکومت را جلوی چشم همه می‌گذارد و روحیه پادوهایش را خرد می‌کند. شمار واقعی سرنگونی طلبان قطعاً از این نیز بیشتر است. امروز همه می‌دانند که حکومت اسلامی در واقع نیروی اشغالگری است که با زور سرکوب و زندان و اعدام حکومت می‌کند. مسئله مهم‌تر این است که این ۷۵ درصدی که خواهان سرنگونی حکومت‌اند،

فقط آرزویشان سرنگونی نیست؛ بلکه مدت‌هاست که عزمشان را جزم کرده‌اند که خواستشان را عملی کنند. خیزش‌های سال‌های ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹ و به‌ویژه انقلاب زن‌زندگی آزادی در سال ۱۴۰۱ به‌روشنی عزم مردم را برای خلاصی از این ماشین جنایت و چپاول به همگان نشان داد. این خیزش‌ها هنوز به نتیجه نرسیده است؛ اما درعین حال تمام نشده است. فضای جامعه نشان می‌دهد که مردم در این خیزش‌ها علی‌رغم هزینه‌های بسیار و قربانی شدن شمار زیادی از عزیزانشان، متحدتر و مصمم‌تر از قبل در میدان‌اند و با اعتراضات هر روزه به اشکال مختلف فضا را برای خیزش‌های بعدی و ادامه انقلاب آماده می‌کنند.

خواست‌های روشن و شفاف‌ی که در جامعه موج می‌زنند تصویری از جامعه آینده بعد از حکومت اسلامی را به نمایش می‌گذارد که به‌طورقطع

جامعه‌ای است مملو از آزادی بیان و عقیده، ضد
تحجر مذهبی، ضد اعدام و زندان و شکنجه، ضد
حقوق‌بگیران نجومی و سرمایه‌داران، جامعه‌ای
که در آن زن و مرد برابرند، کودکان جایگاه
والایی دارند، برخورداری از رفاه حق همه است
و حتی محیط‌زیست و حیوانات از نابودکنندگان
محیط‌زیست خلاص خواهند شد و در امنیت به
سر خواهند برد. نمایشات انتخاباتی حکومت نوک
کوه یخ جنبش انقلابی را به نمایش می‌گذارد.

یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۲

۱۱ فوریه ۲۰۲۴

ذلت قهرمانانه رژیم اسلامی!

محسن ابراهیمی

اظهارات اخیر وزیر خارجه جمهوری اسلامی در باره جنگ در غزه و مسئله فلسطین شاهی دیگر بر این حقیقت است که حکومت اسلامی در فاز ذلت "قهرمانانه" است!

اظهارات اخیر امیر عبدالهیان در دیدارش با نخست‌وزیر لبنان، گویای این واقعیت است که جمهوری اسلامی از نظر سیاست خارجی هم مثل سیاست داخلی متزلزل، سردرگم و نگران و بی‌آینده است. او در این دیدار گفت که مسئله غزه و فلسطین راه‌حل سیاسی دارد و تحولات غزه در حال حرکت به سمت راه‌حل سیاسی است!

با یک نگاه کوتاه به اظهارات قبلی مقامات حکومت اسلامی واضح است که این موضع جمهوری اسلامی درباره جنگ عزه و مسئله فلسطین صرفاً یک ژست سیاسی از سر استیصال است. معلوم می‌شود که حکومت اسلامی، علی‌رغم لاف‌های مدام ایدئولوژیک سیاسی درباره “عمق استراتژیک” و “محور مقاومت”، موقعیت خوبی ندارد. تماماً پادرها است و اوضاع ذلت باری دارد!

اینها قبلاً می‌خواستند اسرائیل را به دریا بریزند. مدعی بودند به‌زودی لشکر اسلام کریلا را فتح خواهد کرد، قدس را آزاد خواهد کرد و به‌زودی خود کاخ سفید صحنه شام غریبان خواهد بود! می‌بینیم که الان این کاخ سفید است که همراه با دولت اسرائیل، فرماندهان وابسته به جمهوری اسلامی را منظمأ در سوریه و عراق و حتی خود

ایران به قتل می‌رساند و سرداران سپاه هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند جز عریده "انتقام سخت"!

بعد از اینکه حماس با اسم رمز "طوفان الاقصی" با حمایت مستقیم جمهوری اسلامی شهروندان اسرائیل را قتل‌عام کرد، در بیت‌خامنه‌ای بشکن می‌زدند که "محور مقاومت" حماسه آفریده است و همین امیر عبداللہیان در منطقه می‌چرخید و لاف می‌زد که دست‌ها بر ماشه هستند! اما وقتی ماشین نظامی اسرائیل در غزه نسل‌کشی راه انداخت و ناوهای هواپیمابر آمریکا در سواحل مدیترانه لنگر انداختند، خامنه‌ای و وزیر خارجه‌اش بازی "من نبودم" راه انداختند. خامنه‌ای "پیشانی و بازوی طراحان" آدمکشی در اسرائیل را بوسید، اما مجبور شد از نقش مستقیم خود و حکومتش در این جنایت اعلام برائت کند! و امروز بعد از

حملات گسترده آمریکا به مواضع سپاه و نیروهای وابسته در عراق و سوریه است که امیر عبدالهیان را فرستاده‌اند تا به جای "دست‌ها بر ماشه" بگوید مسئله غزه و فلسطین راه حل سیاسی دارد!

مسئله فلسطین راه حل سیاسی دارد؛ اما این راه حل دو پیش شرط اساسی دارد: کوتاه کردن دست جریان دست راستی فاشیستی مذهبی در اسرائیل و نابودی کلیت حکومت فاشیست اسلامی در ایران.

یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۲

۱۱ فوریه ۲۰۲۴

فقر، فساد، گرونی و بحران مسکن

عطیه نیک نفس

”وضعیت تهیه مسکن تا حدی در ایران دچار بحران است که مردم نه تنها به اجاره زیرزمین‌ها بلکه به اجاره اتاق‌های ۱۰ متری و گاهی خانه‌های با حضور دیگران روی آورده‌اند.“

بحران مسکن یکی دیگر از مشکلاتی است که روزانه مردم در ایران با آن دست به گریبان‌اند. این در حالی است که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها برای حل این مشکل مانند بقیه مسائل راه‌حلی ندارد؛ بلکه با دزدی و فساد اقتصادی مزدورانش بر عمق و وسعت این مشکلات دامن می‌زند. این رژیم نمی‌تواند احتیاجات اصلی و اولیه انسانی که شامل

خوراک، مسکن و درمان مردم را با وجود منابع
عظیم و پتانسیل بالای درآمدی که در ایران وجود
دارد، تأمین کند.

بی‌شرمی این رژیم تا به این حد است که مردم به
اجاره ساعتی خانه‌ها برای داشتن سرپناهی موقتی
نیز روی آورده‌اند. این در حالی است که مزدوران
رژیم اسلامی و فرزندان‌شان در کاخ‌های چندصد
میلیونی حتی در خارج از کشور زندگی می‌کنند،
خانه‌هایی که ظرفیت شاید هشت یا ده خانوار را
داشته باشد.

بحران مسکن و کشاندن مردم به فلاکت معیشتی
مسئله‌ایست که مقصر اصلی آن رژیم اسلامی است
که با فساد در دستگاه اقتصادی‌اش کشور را هر روز

بیشتر در منجلا ببحران‌های لاینحل فرومی‌برد. اگر چه رفع ریشه‌ای مشکل مسکن مردم در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی، راهی جز اداره کشور به دست مردم و روی کار آمدن یک حکومت سکولار که از دل مردم برخاسته باشد و دست فساد اسلامی را از قوانین کشور کوتاه کند، ندارد؛ اما برای این امر باید از همین امروز دست بکار شویم.

باید پرچم مطالبه مسکن درخور شأن انسان را بالا ببریم و در تمامی اعتراضات این خواست را با صراحت بیان کنیم. باید اعلام کنیم که بجای بالا کشیدن ثروت مردم و پر کردن جیب آخوند میلیاردرها و صرف مبالغ کلان برای حوزه‌های جهلیه و مراکز تولید و توزیع جهل و خرافه و بجای حمایت مالی و تسلیحاتی از نیروهای ریزودرشت

تروریستی اسلامی در منطقه و جهان دولت موظف
به تأمین نیازهای پایه‌ای تمامی آحاد جامعه، از جمله
مسکن مناسب است. باید اعلام کنیم اگر نمی‌توانید
به این علت است که به نفع استمرار حکومتان نیست
و نمی‌خواهید. پس آن به که گورتان را گم کنید!

برای ایجاد دنیایی انسانی و بدون تبعیض شعار "فقر،
فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی" را متحقق خواهیم
کرد.

یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۲

۱۱ فوریه ۲۰۲۴

سرکشی و خودکشی در میان سربازان

سینا پدram

اداره اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی استان البرز از کشته‌شدن دو نفر در پی تیراندازی توسط یک سرباز وظیفه یگان امداد ساوجبلاغ خبر داد و اعلام کرد که دلیل این اقدام "نامعلوم" است.

در یکی دو سال اخیر نهادها و سازمان‌های دولتی و یا حقوق بشری گزارشات متعددی از "عصیان" و یا خودکشی سربازان خبر داده‌اند؛ ولی در اغلب موارد چندوچون و دلایل این خودکشی و یا عصیان‌ها هرگز در مرکز توجه رسانه‌ها قرار نگرفته است.

موضوع و معضل خودکشی در ایران در چند سال اخیر گسترش و رشد وسیعی در میان اقشار مختلف بخصوص جوانان داشته است که جا دارد به شکل مجزا به آن پرداخته شود. اما در مورد عصیان و خودکشی در بین سربازان و یا نیروهای نظامی فاکتورهای ویژه‌تری عمل می‌کنند که برای شناسایی این دلایل به ساختار نیروهای نظامی در ایران و در غالب کشورهای جهان باید نگاه پایه‌ای‌تر داشت.

مسائلی چون فقر، بیکاری، اعتیاد، بالارفتن هزینه‌های زندگی، نبود و یا نداشتن امید به آینده بهتر از دلایل اساسی خودکشی محسوب می‌شود. اما فاکتورهایی مانند دوری از خانواده، سن حساس و پایین سربازان، احساس خود ناکارآمدی و یا

چیزی که در بیان روزمره از آن به‌عنوان حس
“بی‌عرضگی” یاد می‌شود، “فرهنگ پادگانی”
و تحقیر و خردکردن تمامی انسانیت سرباز و
غالب‌بودن فرهنگ اطاعت بی‌چون‌وچرا از عوامل
ویژه خودکشی در مراکز نظامی است.

فرهنگ سربازخانه‌ای آینه تمام‌قد نگرش طبقه
حاکمه و حکومت به شهروندان یک کشور است.
فرهنگ سربازخانه‌ای یعنی سرکوب و منکوب
کردن هر آنچه که با اراده آزاد انسانی تداعی
می‌شود. یعنی بارآوردن شهروندی فرمان‌بردار،
ترسیده و منزوی و چنان بیگانه شده با طبیعت
انسانی خود که هیچ‌چیزی جز دستورات مقام ارشد
در او ایجاد انگیزه نمی‌کند.

تا زمانی که سازمانی به نام ارتش حرفه‌ای و
یا خدمت نظام اجباری وجود دارد این پدیده و
اثرات مخرب آن بر جسم و روان جوانان ما بر جا
خواهد ماند. جایگزینی ارتش و نهادهای سرکوبگر
با سازمان‌های داوطلبانه نظامی و میلیسیای مردمی
یک خواست انسانی و مترقی است که باید به آن
دست‌یافت. حق عدم اطاعت از دستورات مقام
ارشد باید به‌عنوان حق اساسی نیروهای نظامی
پذیرفته شود.

یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۲

۱۱ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۵۱

۱۲ فوریه ۲۰۲۴ - ۲۳ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

دو انقلاب و یک ضد انقلاب!

حمید تقوایی

حکم زندان برای دایی مهسا، عقب نشینی نمیکنیم

سهیلا دالوند

رمان یا حقیقت محض! توماج سخن می گوید

کیوان جاوید

راه حل پایدار پایان بحران در خاورمیانه

اصغر کریمی پاسخ میدهد

دو انقلاب و یک ضد انقلاب!

حمید تقوایی

در سالگرد انقلاب ۵۷ مردم با شعاردهی های شبانه علیه حکومت و خامنه ای به استقبال ”دهه فجر“ و نورافشانیهای حکومتی رفتند. این برآمدی از جنگ مردم با حکومت است. جنگی در ادامه انقلاب ۵۷.

مردم با اعتراض به جشن حکومتی بمناسبت سالگرد انقلاب ۵۷، در واقع دارند از انقلاب ۵۷ دفاع میکنند. اعتراض مردم در سالگرد قیام بهمن، بمعنای دفاع از انقلابی است که این رژیم سرکوب اش کرد. این اعتراض به سرکوب و نابرابری و دیکتاتوری و فقر و تبعیض، یعنی همان مصائبی است که انقلاب

۵۷ نیز علیه آنها شکل گرفت و به شکست کشانده شد.

انقلاب ۵۷ را انقلاب اسلامی مینامند ولی اسلاميون نماينده انقلاب ۵۷ نبودند، نماينده ضد انقلاب ۵۷ بودند. رژيم شاه قادر به سرکوب انقلاب ۵۷ نبود، دولتهای غربي خميني را علم کردند که اين امر را به سرانجام برساند. خميني را بعنوان رهبر انقلاب بجلو رانددند ولی او در واقع سرکوبگر انقلاب از درون، ستون پنجم انقلاب، بود.

رژيم اسلامی از همان روز اول قدرت گيري بروی مردم و انقلابشان شمشير کشيد ولی جامعه تسليم نشد. بيش از دو سال طول کشيد تا جمهوری اسلامی

با یورش به دانشگاهها و زنان و کارگران و ترکمن
صحرا و کردستان و بالاخره هجوم به همه مردم در
۳۰ خرداد ۶۰، انقلاب را سرکوب کند.

جنگ امروز مردم با دیکتاتوری اسلامی، ادامه مبارزه
شان با دیکتاتوری سلطنتی است. انقلاب زن زندگی
آزادی رسالت پیروز کردن همه خیزشهای دهه
اخیر علیه دیکتاتوری و استبداد، از انقلاب مشروطه
تا انقلاب ۵۷ و تا خیزشهای ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ را به
عهده دارد.

انقلاب ”زن زندگی آزادی“ ادامه انقلاب چندین
نسل علیه صد سال دیکتاتوری و اختناق و استبداد در
ایران معاصر است و میرود تا با پیروزی خود جامعه

ایران را برای همیشه از شر هر نوع دیکتاتوری و
حکومت مافوق مردم پاک کند.

دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲

۱۲ فوریه ۲۰۲۴

حکم زندان برای دای مهسا، عقب نشینی نمیکنیم

سهیلا دالوند

صفا عائی، دای مهسا (ژینا) امینی به اتهام تبلیغ علیه نظام، مشارکت در اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی و اهانت به خامنه ای به پنج سال و چهار ماه زندان محکوم شده است. صفا عائی روز سه شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۲ در نخستین سالگرد جانباختن مهسا امینی، با یورش نیروهای اداره اطلاعات به خانه شخصی خود همراه با ضرب و شتم بازداشت شد. صفا بعد از ۴۲ روز بازداشت نهایتاً روز ۲۵ مهر ۱۴۰۲ با قرار وثیقه یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومانی، موقتاً تا پایان مراحل دادرسی از زندان مرکزی سنندج آزاد شد.

صفا عاٹلی تنہا عضو خانوادہ‌های دادخواہ نبود کہ در سالگرد قتل دولتی مہسا امینی بازداشت شد بلکہ امجد امینی، پدر مہسا امینی را ہم، صبح روز شنبہ بیست و پنجم شہریور ماہ برای ساعاتی بازداشت کردند و خانوادہ امینی تحت تدابیر شدید امنیتی اجازہ خروج از منزل برای حتی حضور بر مزار دخترشان را نداشتند. شمار زیادی از خانوادہ‌های دادخواہ در آستانہ ۲۵ شہریور، مصادف با اولین سالگرد انقلاب ”زن زندگی آزادی“ تہدید و وادار بہ سکوت شدند.

تہدید، صدور احکام زندان با عناوین اجتماع و تبانی علیہ امنیت داخلی، تبلیغ علیہ نظام نشانہ ترس و واہمہ شدید رژیم اسلامی از خانوادہ های دادخواہ

وجنبش دادخواهی است. خانواده های دادخواه، بارها و بارها با صدای بلند در اعتراضات روزانه خود علیه قتل عزیزانشان بدست نیروهای اطلاعاتی سپاه و لباس شخصی های رژیم جلاد اسلامی اعلام کردند که نه میبخشیم نه فراموش می کنیم و نه تنها عقب نشینی نمیکنیم بلکه منسجم تر وقویتر همان راهی که عزیزانمان برای یک زندگی آزاد همراه با کرامت انسانی در آن جان باختند را ادامه خواهیم داد.

برای ادامه انقلاب زن زندگی آزادی، مردم معترض و جنبش دادخواهی کابوس هر روزه این حکومت ضد زندگی، ضد شادی، ضد کرامت انسانی هستند. احکام زندان برای صفا عائی و هزاران مبارز سرنگونی طلب ذره ای تردید در عزم عمومی جامعه برای به زیر

کشیدن این جانیان بوجود نمی آورد. هر بازداشتی
جدید و هر تعرض حکومت به مردم متحد و متشکل
شده در ایران با عکس العمل شدید تر جامعه علیه
تبهکاران قاتل اسلامی روبرو می شود. زندانیان
سیاسی بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی
و همه جانب‌باختگان این انقلاب در قلب همه ما مردم
ایران جا دارند و به همه ما امید به پیشروی میدهند.
با حمایت و همبستگی بی وقفه خواهان آزادی همه
زندانیان سیاسی، عقیدتی، معترضین بازداشت شده
و لغو همه احکام علیه آنها باشیم.

دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲

۱۲ فوریه ۲۰۲۴

رمان یا حقیقت محض! توماج سخن می گوید

کیوان جاوید

از دست‌نوشته‌های توماج صالحی درباره بازداشت
اخیرش: با خونسردی دستِ دستبند شده‌ام را کشیدم
کنار چشم چپم، به دستم نگاه کردم. دوباره بهش زل
زدم و با نیشخند پرسیدم پس این خون از کجا آمده؟

آنچه توماج بعد از دستگیری مجددش نوشته است
انسان را شدیداً تحت تأثیر قرار میدهد. انگار در
مقابل تلویزیون محو تماشای فیلمی حماسی و احساسی
نشسته باشی و دشمن بی رحم در آن سوی میز زندانی
شکنجه شده قرار داشته باشد. در چهره زندانی نشانی
از ترس نیست. قوی و با اراده آهنین. با دست بسته

اش چشم بند را کنار میزند و شراره آتش چشمانش
دشمن را می سوزاند. این رمان نیست، این قهرمانی
خیالی نیست، این آن چیزی نیست که فقط دوست
داشته باشیم در خیالمان به تصویر بکشیم. این توماج
ما، این فرزند درد و رنج و مقاومت، تنها کاراکتر این
انقلاب نیست که اینچنین به همه ما روحیه جنگندگی
و مبارزه میدهد.

این وصف حال همه مادرانی است که فرزندان دلبندها
به دست قاتل های زنجیره ای جمهوری اسلامی جان
باختند. این وصف حال خانواده های دادخواه، زندانیان
سیاسی در بند، زنان بی حجاب و کارگران در صحنه
است. این وصف پدر و مادر بزرگهای بازنشسته است
که مشت به آسمان می کوبند و حریف می طلبند.

توماج با خاطره گویی اش از دومین بازداشت خود، دشمن را خوار و حقیر می کند و بر برج بلند زندگی فریاد بر می دارد که مبارزه علیه حکومت اسلام شديدا جریان دارد. توماج پژواک صدای انقلابی است که برای آزادی و برابری و علیه دیکتاتوری در جریان است. انقلابی که عزم جزم کرده است استبداد را به زیر بکشد و آزادی و برابری را محقق کند. تا تحقق آن رویای شیرین هر کدام ما یک توماج هستیم و توماج یکی از همه ما.

دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲

۱۲ فوریه ۲۰۲۴

راه حل پایدار پایان بحران در خاورمیانه

اصغر کریمی پاسخ میدهد

کیوان جاوید: غزه درگیر بزرگترین هجوم نظامی توسط اسرائیل است. این تهاجم نظامی ارتش اسرائیل به غزه بعد از کشتار ۱۲۰۰ نفر از شهروندان اسرائیلی و اسارت ۲۴۰ نفر در اکتبر ۲۰۲۳ توسط حماس شروع شده است. آیا دلیل جنگ ویرانگر کنونی همین است که می شنویم؟

اصغر کریمی: دلیل این جنگ مشخص که از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ شروع شد اقدام جنایتکارانه حماس بود که به تهاجم وحشیانه ارتش اسرائیل منجر شد. جنگی که بیش از ۴ ماه است ادامه دارد و نزدیک به ۳۰

هزار نفر از مردم فلسطین، عمدتاً کودک و مردم غیر نظامی، قربانی شده‌اند. اما جنگ و کشمکش میان دولت اسرائیل و حماس و یا بطور کلی نیروهای فلسطینی سابقه طولانی‌تری دارد. اقدام حماس کشمکش‌های گذشته را تا حد یک جنگ تمام عیار ارتقا داد، جنگی جنایتکارانه از هر دو طرف. از مقطع تشکیل دولت اسرائیل و آواره شدن میلیون‌ها فلسطینی در سال ۱۹۴۸ کشمکش شروع شده و در مقطعی مانند ۱۹۶۷ که اسرائیل مناطق بیشتری از فلسطین را اشغال کرد به جنگ تمام عیار کشیده شده و در ده سال گذشته نیز با حاکمیت دولت‌های دست راستی در اسرائیل و حاکمیت حماس در نوار غزه به اشکال مختلف ادامه یافته است.

روشن است که حماس و دولت اسرائیل تنها پیرسناژهای

این جنگ نیستند. دولت آمریکا که سخاوتمندانه به اسرائیل کمک میکند و جمهوری اسلامی و سایر جریانات اسلام سیاسی که در سمت جمهوری اسلامی قرار دارند پرسوناژهای دیگر این جنگ و کشمکش هستند.

کیوان جاوید: از دولت آمریکا، دولتهای اروپایی، کشورهای عربی تا سازمان آزادیبخش فلسطین به رهبری محمود عباس اعلام کرده‌اند که تنها راه ممکن برای رسیدن به صلح پایدار در منطقه به رسمیت شناختن کشور فلسطین توسط اسرائیل است. مشکل کجا است؟

اصغر کریمی: کاش مساله به همین سراسی بود. صرفنظر از اینکه دولت آمریکا که خود را طرفدار

طرح دو دولت میداند با تمام قوا از نتانیاهو که مخالف طرح دو دولت است حمایت میکند، مساله اصلی این است که دو طرف مستقیم جنگ، یعنی حماس و دولت اسرائیل مخالف طرح دو دولت هستند. و مشکل از همینجا شروع میشود. دولت نتانیاهو طرح دو دولت را برسمیت نمیشناسد و حماس و کل جنبش اسلامی نیز معتقدند که اسرائیل باید نابود شود. در نظر سنجی‌هایی در سال ۲۰۰۷ اکثریت فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها راه حل دو دولت را بر هر راه حل دیگری، به عنوان وسیله‌ای برای حل منازعه، ترجیح دادند. اما دولت اسرائیل و حماس نماینده این مردم نیستند. دو نیروی مذهبی، فاشیستی و ارتجاعی که عامل مستقیم تداوم کشمکش و جنگ و آوارگی هستند.

با حاکمیت حماس بر غزه در سال ۲۰۰۷ و تقسیم

حکومت میان فتح و حماس از یکطرف و حاکمیت دولتهای دست راستی در اسرائیل از طرفی دیگر، بحران و کشمکش میان دو طرف تشدید شد و نهایتاً به جنگی تمام عیار از اکتبر ۲۰۲۳ کشیده شد. حل مساله و پایان دادن به تراژدی تاریخی مردم فلسطین نیز بیرون راندن این دو نیرو از قدرت است. دولت نتانیاهو خود را یهودی مینامد و از دولتهای دیگر میخواهد که آنها بعنوان دولت یهودی به رسمیت بشناسند و طرف دیگر هم یک نیروی مذهبی عقب مانده ضد مردم است. جنگ جاری ادامه سیاستها و اهداف و مواضع ارتجاعی و ضد مردمی این دو نیرو است. بعنوان دو نیروی مذهبی، یکدیگر را تقویت میکنند و بعنوان دو نیرو که طرح دو دولت را به رسمیت نمیشناسند نیز با هم همسو هستند. به هم نیرو میدهند و همدیگر را تقویت میکنند. هر دو برای حفظ موقعیت خود به

جنگ احتیاج دارند چون در شرایط صلح موقعیت هر دو ضعیف میشود.

کیوان جاوید: آیا قابل تصور است که با وجود جمهوری اسلامی و جریانات تروریست اسلامی منطقه خارمیانه به آرامش برسد؟

اصغر کریمی: مشکل در حال حاضر فراتر از فقط جمهوری اسلامی است. روشن است که جمهوری اسلامی یک پای مهم بحران و جنگ و ناامنی در خاور میانه است و وجود نحس آن، جریانات ارتجاعی و دست راستی در اسرائیل و منطقه را هم تقویت میکند. با سرنگونی جمهوری اسلامی، حماس و حزب الله و نیروهای حوثی که در این جنگ نقش مستقیم تری دارند بسرعت رو به افول میروند و زمینه در فلسطین برای

رشد جریانات سکولار و جنبش‌های حق‌طلبانه بیشتر فراهم میشود. این فاکتورها احتمال حاشیه‌ای شدن جریانات مذهبی و دست راستی در اسرائیل را تقویت می‌کند و امکان میدهد که جریانات سکولاریستی به جلو صحنه بیایند. این فاکتور تعیین‌کننده‌ای برای حل کلاف سردرگم خاور میانه خواهد بود.

اما جمهوری اسلامی یک پای‌بحران است و دولت‌های دیگر منطقه مانند ترکیه و عربستان که در دهه گذشته بعنوان قطب‌های منطقه‌ای عروج کرده‌اند در کنار دولت‌های روسیه و آمریکا از عوامل مستقیم جنگ و ناامنی هستند. این نیروها زندگی صدها میلیون مردم را در کشورهای این منطقه به خون کشیده‌اند و در کوتاه مدت دورنمایی متأسفانه برای پایان این وضعیت بنظر نمیرسد. تنها با تقویت جریانات سکولار و سوسیالیست

میتوان این نیروهای ارتجاعی و تروریست را عقب راند و یک خاور میانه سکولار ایجاد کرد. این کار این دولت‌ها و سایر دول ارتجاعی منطقه نیست، اینها خود در صف مقابل مردم، در صف مقابل تمدن و سکولاریسم قرار دارند. تنها نیروی سوم، مردم متمدن و انساندوست جهان، جریانات سکولار و سوسیالیست هستند که در سطح جهان میتوانند پرچم مقابله با این دو سوی جنایت و آدمکشی را بلند کنند. سرنگونی جمهوری اسلامی فوری‌ترین چشم‌انداز بهبود اوضاع در این منطقه است.

کیوان جاوید: سیاست حزب کمونیست کارگری از همین امروز تا بعد از پیروزی انقلاب ایران در خاور میانه چگونه خواهد بود. بطور مثال در حکومت سوسیالیستی در دفاع از انقلاب و انقلابیون در کشورهای عربی و

خاورمیانه چه سیاستی در پیش می‌گیرید؟ دست به صدور انقلاب می‌زنید، از انقلابیون کشورهای دیگر حمایت مادی و تسلیحاتی می‌کنید یا در اوضاع منطقه سیاست بی‌طرفانه در پیش می‌گیرید؟

اصغر کریمی: سیاست حزب تا جایی که به مساله فلسطین مربوط میشود در قدم اول پایان دادن هر چه سریعتر به جنگ، کمک‌های جهانی فوری به مردم فلسطین برای بازسازی زندگی خود، محاکمه جنایتکاران جنگی در هر دو طرف جنگ و حمایت بی‌چون و چرا از حق تاریخی مردم فلسطین برای داشتن یک کشور و دولت مستقل و سکولار است. باید به دولت آمریکا و دول غربی فشار آورد تا دست از حمایت از دولت اسرائیل بردارند و دولت اسرائیل را وادار به پذیرش دولت مستقل فلسطین کنند. حل

مساله فلسطین و صاحب کشور مستقل شدن توسط آنها، اسلام سیاسی را که مانعی بر سر این راه حل است تضعیف میکند چون از ظلم تاریخی بر مردم فلسطین و بی کشوری آنها خود را تغذیه میکند. راه حل مساله فلسطین سیاسی است و نه نظامی آنهم توسط دو جریان فوق ارتجاعی در دو سوی این کشمکش.

نکته دیگر تلاش برای تقویت جنبش‌های سکولار و چپ در منطقه از جمله در خود اسرائیل و فلسطین است که زیر فشار نظامی گری در حاشیه قرار گرفته‌اند. این جنبش‌ها وجود دارند و میتوانند نقش مهمی در لگام زدن به جریانات مذهبی و دست راستی در اسرائیل داشته باشند. در فلسطین نیز در صورتی که صلحی نسبتاً پایدار شکل بگیرد جریانات سکولار و پیشرو میتوانند بویژه بر متن نارضایتی از حماس و سایر

جریان‌ات اسلامی به سرعت رشد کنند و به یک پای
تحولات تبدیل شوند.

و بالاخره گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی و
سرنگونی آن که محتمل‌ترین افق پیش روی ما است
نقشی مستقیم و بلافاصله بر سیر تحولات در فلسطین
خواهد داشت. به این معنی انقلاب ایران نه تنها نزدیک
به نود میلیون مردم ایران را نجات می‌دهد بلکه تاثیر
فوری در فلسطین، عراق و یمن و لبنان خواهد داشت.
راه حل پایدار پایان بحران در خاور میانه علاوه بر
حل مساله فلسطین، تماما در گرو عروج جنبش‌های
سکولار و سوسیالیستی در منطقه و کوتاه کردن دست
جریان‌ات اسلامی در منطقه و جریان‌ات دست راستی
در اسرائیل است.

حکومت آتی ایران، یک جمهوری سوسیالیستی که
ما برای آن در حال مبارزه‌ایم، نیاز به صدور انقلاب
و لشگرکشی ندارد و با همه کشورهای منطقه میتواند
رابطه‌ای مسالمت‌آمیز داشته باشد. نفس سرنگونی
جمهوری اسلامی و عروج سوسیالیسم که رفاه و آزادی
را در یک کشور بزرگ و مهم منطقه مانند ایران حاکم
میکند، بسرعت تأثیرات سیاسی مهمی در منطقه خواهد
گذاشت و جنبش‌های سکولار و سوسیالیستی را بسرعت
تقویت خواهد کرد. این حکومت‌های ارتجاعی و ضد
مردمی هستند که برای گسترش نفوذشان به جنگ و
لشکرکشی احتیاج دارند.

دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲

۱۲ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۵۲

۱۳ فوریه ۲۰۲۴ - ۲۴ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

بمب اتم هم نجاتتان نخواهد داد!

محسن ابراهیمی

در آستانه سال نو، افزایش شدید قیمت مواد غذایی

کیوان جاوید

مضحکه مراسم ۲۲ بهمن: سنگر حجاب دود شد

سیاوش آذری

شغل رسمی زباله گردی و حکومت آشغال

منظر دریاکناری

بمب اتم هم نجاتتان نخواهد داد!

محسن ابراهیمی

علی اکبر صالحی، وزیر خارجه و رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی ایران، در پاسخ به سؤالی در باره توانایی حکومت اسلامی در زمینه ساخت بمب اتم گفت: ”ما همه آستانه های علم و فناوری هسته ای را داریم. من یک مثال می زنم. دیگر آن را خودتان برداشت کنید: یک خودرو چه می خواهد؟ شاسی می خواهد، موتور می خواهد، فرمان می خواهد، جعبه دنده می خواهد، شما بگو جعبه دنده ساختی می گویم بله. موتور ساختی؟ بله ولی هر کدام برای کار خودشان است.“

یک سال و نیم پیش هم کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی،

در گفتگویی با تلویزیون الجزیره علناً گفته بود که جمهوری اسلامی توانایی فنی ساخت بمب هسته‌ای را دارد اگر چه تصمیم ندارد بمب بسازد. محمد اسلامی، رئیس فعلی سازمان انرژی اتمی هم گفته است که تصمیم‌گیری برای غنی‌سازی ۹۰ درصدی اورانیوم منوط است به نظر "مقام‌های مربوطه"! که منظور همان ولی‌فقیه است. از طرف دیگر همین مقامات جمهوری اسلامی بارها گفته‌اند که بر اساس فتوای رهبرشان، ساختن بمب اتم در دستور کارشان نیست! اما روشن است که برای خامنه‌ای و دارودسته‌اش "حفظ نظام اوجب واجبات است" و صدور فتوا در نقض فتوای قبلی مثل آب خوردن است.

با قطعیت می‌توان گفت که هدف پروژه اتمی جمهوری اسلامی از همان اول ساخت بمب اتم بوده است. اینکه توان ساخت بمب اتم را خواهند

داشت یا نه موضوع بحث نیست. موضوع این است که حکومت اسلامی همیشه روی قدرت‌نمایی منطقه‌ای به‌مثابه اهرم اصلی بقای سیاسی در داخل حساب کرده است. بی‌دلیل نیست که حتی به قیمت تحمیل شرایط فلاکت‌بار اقتصادی به مردم، تأمین پیه‌پاد و راکت و موشک برای باندهای اسلامی در منطقه همیشه اولویت داشته است و تصورشان این است که مسلح شدن به بمب اتم و تبدیل شدن به قدرت اتمی در منطقه، حفظ نظام را تضمین خواهد کرد!

چنین تصویری اما پوچ است. توهم و خودفریبی است. فرض کنیم این حکومت نه یک بلکه ده بمب اتم در زرادخانه‌اش داشته باشد. مگر قرار است حکومت اسلامی را دولت‌های منطقه یا دول غرب سرنگون کنند که با تهدید اتمی، دیگر از قید سرنگونی‌اش بگذرند؟ حکومت اسلامی را مردمی

سرنگون خواهند کرد که در سال‌های گذشته در ابعاد گسترده در خیابان‌ها به مصافش رفته‌اند. در کنار هزاران دلیل برای سرنگونی این حکومت، ماجراجویی اتمی هم یک دلیل دیگر است که باید هر چه زودتر شر این حکومت از سر مردم ایران و منطقه کم شود.

سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲

۱۳ فوریه ۲۰۲۴

در آستانه سال نو، افزایش شدید

قیمت مواد غذایی

کیوان جاوید

عیدی ناچیزی که دولت برای بازنشسته‌ها و کارگران در نظر گرفته است، از مرز حماقت یک دولت گذشته و به جنایت رسیده است. مردم در تدارک سال نو به خرید آجیل و پوشاک و مواد غذایی قسطی رو آورده‌اند. این در حالی است که قرار است فقط ۲۰ درصد به حقوقها اضافه شود و به گفته حکومت تورم بالای ۴۵ درصد است.

این یک طرف واقعیت است و هوش خاصی هم لازم ندارد تا وضعیت زیست ده‌ها میلیون شهروند در چنین شرایطی مورد ارزیابی قرار گیرد. فقر مادر

همه بلایا، همه ناملایمات زندگی، ریشه اصلی غم و حرمان و نابودی ذره ذره زندگی است. رسیدن به این حقیقت نیز نیاز به عقل زیادی ندارد. کافی است حقوق‌بگیر قشر اقلیت حاکم نباشی تا با عمق فاجعه آشنا شوی. مسئله روبروشدن با این حقیقت و تغییر شرایطی است که به چنین فاجعه‌ای منجر شده است.

کلید تغییر این وضعیت متشکل شدن در تشکلهای توده‌ای و حزبی است. جمهوری اسلامی برای به‌پیش تاختن و ویران کردن هر آنچه که حتی برای بقای مردم لازم و حیاتی است هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد و مهار زدن به این حکومت تنها با یک اراده اجتماعی ممکن است. باید به جایی برسیم که هر اعتراض علیه این تعرض به ته‌مانده معیشت مردم، زنجیره‌ای از مزدبگیران را

در بر بگیرد. در همین روزها اعتراضات کارگری در چندین مرکز در جریان است. بازنشستگان و معلمان و پرستاران و کشاورزان نیز مدام در اعتراض‌اند و علیه این تباهی اقتصادی دست به اعتراض متشکل می‌زنند.

این اعتراضات کلید مقابله با حکومت برای تحمیل خواسته‌های اقتصادی است. اما این کافی نیست. این اعتراضات می‌تواند فرارشته‌ای و در برگیرنده همه کسانی باشد که از زندگی محروم شده‌اند. این اعتراضات باید خیل بی‌شمار بیکاران و "خانه‌دارها"، خانواده‌های دانش‌آموزان و دانش‌جویان را هم‌زمان در بر بگیرد و متحد کند. با هیولای هفت سر گرانی و تورم افسارگسیخته اقتصادی نمی‌شود به تنهایی مقابله کرد. حتی فقط با یک "صنف" نمی‌شود به جنگ حکومت قاتل اسلامی رفت.

ما مردم می‌دانیم چرا جمهوری اسلامی را
نمی‌خواهیم. ما همه خواسته‌های رفاهی و سیاسی
خود را طلب می‌کنیم. بهداشت و درمان و تحصیل
رایگان در کنار حل بنیادی مشکل مسکن، حق
ما است و این یعنی حق همگانی برای رسیدن به
عدالت اجتماعی و رفاه عمومی. برای این اتحاد، هر
چه بیشتر متشکل شویم خود را سازمان بدهیم.

سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲

۱۳ فوریه ۲۰۲۴

مضحکه مراسم ۲۲ بهمن:

سنگر حجاب دود شد

سیاوش آذری

انتشار تصاویر از حضور زنان "بدحجاب" و بی حجاب در نمایش حکومتی سالگرد ۲۲ بهمن واکنش‌های مختلفی از جانب مردم و کاربران رسانه‌های اجتماعی و همچنین از جانب رسانه‌های حکومتی را برانگیخته که از چند منظر قابل تأمل است.

اولین نکته آشکارتر شدن حضور کم‌رنگ "مردم همیشه در صحنه" (گله‌های اوباش اسلامی) در مراسم ساندیس خوری حکومتی و بی‌رونتی راهپیمایی دولتی بود. رژیم اسلامی با استفاده

رسانه‌ای از “حضور” زنان بی‌حجاب در این مراسم که کاملاً تحت‌الشعاع شعاردهی‌های شبانه و طنین فریاد “مرگ بر دیکتاتور” که فضای بسیاری از محلات و شهرها را پر کرده بود قرار داشت قصد “خودجوش” جلوه‌دادن این راهپیمایی فرمایشی را داشت. قرار بود عالم‌و‌آدم در مقابل فراگیر بودن این مضحکه و نمایش قدرت و پایگاه توده‌ای رژیم مات و مبهوت شوند. رژیم همچنین قصد داشت با چنین اقدامی در شیپور شعبده‌بازی “انتخابات” آتی خود بدمد و بازار گرمی کند. زهی خیال باطل!

حنای رژیم بیش از آن رنگ‌باخته است که بتوان با توسل به چنین ترفندهایی خریداری برایش یافت. نفس دخیل بستن حکومت الله به زنان بی‌حجاب برای پر رونق و “مردمی” جلوه‌دادن این راهپیمایی

تأیید رسمی دود شدن و به هوا رفتن "سنگر حجاب" و در هم شکستن دیرک خیمه نظام از سوی سردمداران و سخنگویان ریزودرشت رژیم اسلامی است، تا آنجا که روزنامه "جوان" از ارگان‌های سپاه در مورد این زنان نوشت: "ما این افراد را متدین، انقلابی و در مسیر حق می‌بینیم."

در مقابل، واکنش مردم به این تصاویر نشانه روحیه بالای مردم در مبارزه علیه حکومت اسلامی و نماد عمق شرافت و انسانیت آنهاست. مردم، فارغ از هویت و جایگاه این اشخاص، نه آنان بلکه رژیم و سیاست‌هایش را مورد تهاجم قرار دادند. مژگان افتخاری، مادر مهسا (ژینا) امینی، با انتشار تصاویر زنان بی‌حجاب در مراسم سالگرد ۲۲ بهمن و تصویری از ژینا نوشت: "دخترم را به دلیل نداشتن

حجاب کشتید“ و قضاوت در این مورد را به مردم سپرد. کاربر دیگری با اعتراض به سیاست‌های تهدید و فشار علیه زنان بی‌حجاب و مردم از جمله جریمه‌های نقدی و توقیف خودرو نوشت “حق دارم بگویم لعنت به این قوانین پر از تناقض عصر حجری‌تان.“

مردم به حقوق خود، از جمله حق زندگی در جامعه‌ای آزاد، برابر، انسانی و مرفه، واقف‌اند و قضاوت و رأی خود را صادر کرده‌اند: سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی!

سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲

۱۳ فوریه ۲۰۲۴

شغل رسمی زباله‌گردی و حکومت آشغال

منظر دریاکناری

معاون شهردار تهران با استناد به طرح جامع "تنظیف" شهر تهران، استفاده از زباله‌گردها را برای پیمانکاران شهرداری مجاز و زباله‌گردی را برای افراد بالای ۱۸ سال، به‌عنوان شغل رسمی اعلام کرد.

چه خوابی برای زباله‌گردی دیده‌اند. واقعاً به این نتیجه رسیده‌اند که فکری به حال این بخش محروم و فقیر جامعه بکنند و زندگی را به این بخت‌برگشتگان باز گردانند؟ می‌دانیم که بخش اعظم زباله‌گردها کودکان هستند. کودکانی که نه تنها در اعماق فقر و فلاکت غوطه‌ورند، بلکه در عین حال امنیت جانی آنها نیز شدیداً در خطر

است؛ کودکانی که مدام در معرض تعرض جنسی در خیابان‌ها قرار می‌گیرند، کودکانی که وسیعاً توسط مافیای مواد مخدر مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند.

این طرح ضدانسانی البته کاری به این کودکان ندارد و همین طرح بی‌دروپیکر هم قرار است افراد بالای ۱۸ سال را به اصطلاح مورد پوشش قرار بدهد. حالا این سؤال پیش می‌آید که چرا شهرداری تهران به فکر "تنظیف" شهر تهران افتاده است؟ جواب خیلی ساده است، زیرا: "گردش مالی مافیای زباله‌گردی سالانه سه هزار میلیارد تومان است." یعنی اینکه شهرداری تهران می‌خواهد پول حاصله از فروش زباله‌ها نه به جیب غیر حکومتی‌ها که به کیسه گشاد خودی‌ها سرازیر شود.

شهرداری تهران در گزارش سال ۹۹ تعداد افراد

زباله‌گرد در کشور را حدود ۱۴ هزار نفر اعلام و تأکید کرده بود که حدود ۴۷۰۰ نفر از این افراد که غالباً کودک هستند در شهر تهران فعال هستند. طبعاً این آمار به واقعیت نزدیک نیست و تعداد زباله‌گردها در ایران به مراتب بیش از این آمار حکومتی است.

باید صراحتاً گفت صرف‌نظر از هر خوابی که شهرداری در این زمینه برای پُر کردن جیبش دیده است باید فوراً همه کودکان زباله‌گرد تحت پوشش اقتصادی و رفاهی و بهداشتی قرار داده شوند و تحصیل رایگان برای همه این کودکان تأمین شود. بقیه انسان‌های شریف و بزرگسالی که برای به‌دست آوردن یک لقمه نان مجبورند تا کمر در سطل‌های زباله فروبروند تا خود و خانواده آنها گرسنه نمانند، نیز باید از هر نظر تحت پوش قرار بگیرند. شاید گفته شود اینها خواست‌های انسانی و

لازمی است، اما در جمهوری مافیای اسلامی تحقق این خواست‌ها خواب و خیالی بیش نیست. اما برای تغییر باید متشکل شد و برای تحقق خواسته‌های خود متحدانه مبارزه کرد. رمز و کلید موفقیت در این مبارزه متشکل شدن در ابعاد اجتماعی است. هر جا هم که جامعه‌ای به رفاه نسبی رسیده است، می‌توان دست قدرتمند مردم را برای تغییر اوضاع مشاهده کرد.

سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲

۱۳ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۵۳

۱۴ فوریه ۲۰۲۴ - ۲۵ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

فراخوانی مهم به اعتراض همگانی علیه اعدام

شهلا دانشفر

انتخابات و آب رفتن "امت در صحنه"

کاظم نیکخواه

دروغ که خناق نیست!

سیامک بهاری

بوسه‌ای بر ذلت

یاشار سهندی

فراخوانی مهم به اعتراض

همگانی علیه اعدام

شهلا دانشفر

ده تشکل کارگری و اجتماعی طی بیانیه‌ای تحت عنوان "به سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام می‌پیوندیم"، همه بخش‌های جامعه را به پیوستن به این روز فراخوانده‌اند. اسامی این تشکلهای عبارت‌اند از: اتحاد بازنشستگان، انجمن برق و فلز کرمانشاه، سندیکای نقاشان البرز، دانشجویان پیشرو، شورای بازنشستگان ایران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، ندای زنان ایران، نهاد دادخواهان.

این تشکلهای در واقع حلقه اتصالهای بخشهای مختلفی از کارگران و جامعهاند. بخشهایی که در دفاع از معیشت در اعتراض هر روزهاند و انتشار چنین بیانیهای از سوی آنها در اعتراض به اعدامها و با فراخوان به اعتراض در روز معینی که استارت آن از زندان قزلحصار زده شده، یک اتفاق سیاسی مهم و نماد دیگری از ابعاد گسترده و اجتماعی کارزار علیه اعدام است. جنبشی قدرتمند که خانوادههای دادخواه و زندانیان درین صف مقدم آناند. کارزاری با ابعادی جهانی که صدور قطعنامه‌ای از سوی پارلمان اروپا نشانی از قدرت آن است.

بیانیه ده تشکل برای پیوستن به سه‌شنبه‌های اعتراضی، صدای اعتراض جامعه‌ای است که با کارزار نه به اعدام می‌کوشد مسیر پیشروی انقلاب را هموار کند. در سر سخن این بیانیه

چنین آمده است: ”زندانیان زیادی هم اکنون زیر تیغ احکام اعدام هستند و برای دفاع از زندگی و نجات جانشان چاره‌ای جز مبارزه علیه احکام اعدام ندارند. قدرت اجتماعی و اعتراض عمومی می‌تواند مبارزه آنان را به نتیجه برساند. زندانیان زندان مخوف قزل‌حصار در روزهای سه‌شنبه که مصادف با روز اعدام است اعلام اعتصاب‌غذای هفتگی کرده‌اند. ما امضاکنندگان این بیانیه از سه‌شنبه‌های اعتراضی علیه احکام اعدام حمایت کرده و همگام با زندانیان قزل‌حصار و دیگر زندان‌ها و همه خانواده‌های آنها برای توقف و به پایان رساندن ناقوس مرگ اعدام هم صدا می‌شویم.“ در ادامه امضاکنندگان این بیانیه همگان را به پیوستن به سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام فراخوانده و می‌نویسند: ”ما تشکلهای کارگری و اجتماعی عموم نیروهای سیاسی آزادی‌خواه و برابری‌طلب، کارگران، معلمان، بازنشستگان و جوانان انقلابی

را به مبارزه‌ای سراسری و قدرتمندانه در ابعادی
داخلی و بین‌المللی برای توقف و لغو مجازات
اعدام فرامی‌خوانیم.

سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام، نمادی از اتحاد
سراسری علیه ماشین کشتار و جنایت حکومت و
تأکیدی بر تداوم مبارزه برای توقف اعدام‌ها و لغو
مجازات اعدام است. وسیعاً به آن پیوندیم.

چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۲

۱۴ فوریه ۲۰۲۴

انتخابات و آب رفتن "امت در صحنه"

کاظم نیکخواه

انتخابات مجلس اسلامی قرار است روز ۱۱ اسفند یعنی حدود دو هفته دیگر برگزار شود. فضای جامعه و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که اکثریت عظیم مردم این نمایش انتخاباتی را بیش از نمایشات قبلی بایکوت می‌کنند و حتی در حد محدود نمایشات قبل هم شرکت نخواهند کرد و این به معضلی برای حکومت تبدیل شده است. به گزارش ایرنا صالح میرزایی "مدیر تولید محتوای انتشارات انقلاب اسلامی دفتر مقام معظم رهبری" (عجب مقام دراز و بلندبالایی!)، بر "ضرورت نقش ائمه جماعات برای کنشگری مؤمنان انقلابی در انتخابات" تأکید کرد و گفت: "این رویکرد سبب رفع بهت‌زدگی و ایجاد حلقه وصل بین مردم خواهد

شد.

”بهت‌زدگی“ عبارت جالبی است که این جماعت بجای انزجار مردم از حکومت بکار می‌برند. این را همه می‌دانند که انتخابات جمهوری اسلامی همیشه نمایش و مضحکه بوده است. هیچ‌وقت قرار نبوده با آرای شرکت‌کنندگان کسی به منصبی برسد. بلکه نمایشی برگزار شده و سران حکومت هرکس را که خواسته‌اند از صندوق بیرون کشیده و به مناصب نان‌وآب‌دار رسانده‌اند. اما اکنون مدت‌هاست که حتی برگزاری انتخابات به‌صورت نمایشی هم برایشان کابوس و معضلی است. این نمایشات، عملاً انزوا و بی‌پایگی حکومت را حتی برای پادوهایشان عیان‌تر می‌کنند. چرا که به‌اندازه کافی نیروی مزدوری که نقش ”امت در صحنه“ را بازی کنند ندارند. به این دلیل این روزها همگی

حسابی دوره‌افتاده‌اند و التماس رأی می‌کنند. ستاره پورن دعوت می‌کنند، اشک تمساح می‌ریزند، می‌گویند حتی بیایید و رأی اعتراضی بدهید، خامنه‌ای می‌گوید اشخاص با سرووضع “متفاوت” (یعنی بی‌حجاب و “بدحجاب”) هم می‌توانند رأی بدهند، و خلاصه گدایی رأی و نمایشاتی عدیده را برای رونق‌دادن به صندوق‌ها به راه انداخته‌اند. اما نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که هرچه بیشتر تقلا می‌کنند اوضاعشان بدتر می‌شود.

همین صالح میرزایی با بیان اینکه برخی از مردم ممکن است از عملکرد یا رفتارهای مسئولان ناراضی باشند، (عجب. واقعاً ممکن است؟!) گفت: طلبه‌ها و ائمه جماعات به دلیل ارتباطی که با مردم دارند، باید مردم را به مشارکت انتخاباتی دعوت کنند و در ادامه مؤمنان انقلابی را به کنشگر بودن

در فضای انتخابات دعوت کنند.

به هر حال با هر بدبختی ای شده نمایش انتخاباتی را از سر خواهند گذارند. اما اوضاع بعد از آن که ادامه انقلاب زن زندگی آزادی است خبر از ابرهای سنگینی می‌دهد که از سر گذراندنش برای حکومت مفلوک و منفور مطلقاً راحت نخواهد بود.

چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۲

۱۴ فوریه ۲۰۲۴

دروغ که خناق نیست!

سیامک بهاری

”تناقض آمار در تعداد کودکان کار از ۱۲ هزار تا ۱۲۰ هزار.“

تیتربالا عنوان خبری درباره تعداد کودکان کار در ایران توسط دو نهاد شورای اجتماعی کشور و سازمان بهزیستی است.

درباره هر موضوعی می‌توان آمار بی‌اساس، فاقد اعتبار و پژوهش، غیرمستند و بدون معیارهای مشخص سنجش یافت. چرا که قرار نیست کسی غلطی بکند و اقدامی بشود. یقه دولت و حکومتی را بگیرند. هدف پوشاندن صورت مسئله و پنهان کردن حقیقت است.

تا آنجا که به کودکان کار و خیابان مربوط می‌شود، موضوع برای حکومت قدری پیچیده‌تر است. حکومت از انکار وجود کودکان کار بالاخره به ارقام چند صدهزار رسیده است!

باید ابعاد هولناک تحمیل فقر و فلاکت به جامعه، ضدیت با حقوق پایه‌ای کودکان، محرومیت از تحصیل، ترک تحصیل و پرتاب به بازار بی‌رحم کار، باندهای استفاده از کودکان در پسماند و بازیافت زباله، کارتن‌خوابی، توزیع مواد مخدر، کاهش سن اعتیاد، تکدی‌گری و تن‌فروشی و بردگی جنسی کودکان، رشد افسارگسیخته کودک‌همسری، کولبری و سوخت‌بری، افزایش دردناک سوءتغذیه و گرسنگی و بیماری کودکان و عوامل وجودی ده‌ها آسیب اجتماعی هولناک را کتمان کند. نهادهای دفاع از حقوق کودک را تحت پیگرد امنیتی قرار بدهد تا نهاد "مرجع حقوق کودک" متعلق به قوه

قضائیه به سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسف و کنوانسیون حقوق کودک آمار جعلی ارائه کند و دروغ بیافد.

اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرد، نزدیک به یک‌سوم کودکان از تحصیل بازمانده‌اند. همین مرکز در جای دیگری اعلام می‌کند: ۱۵ درصد جمعیت کودکان ایران، کودکان کار هستند! یعنی جمهوری اسلامی از حدود بیش از ۳۵ میلیون کودک زیر ۱۸ سال در کشور، چیزی حدود ۴ میلیون کودک کار تولید کرده و از چرخه تحصیل به بازار بی‌رحم کار پرتاب کرده است.

حقیقت اما از این هم تلخ‌تر است. از مجموع نزدیک به ۲۰ میلیون کودک واجد شرایط تحصیل، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، نزدیک به ۱۴ میلیون دانش‌آموز به مدرسه می‌روند. یعنی ۶ میلیون

کودک عملاً از تحصیل محروم‌اند. به این تعداد
بیش از یک میلیون کودک بی‌شناسنامه و بی‌هویت
را هم اضافه کنید!

این چهره کریه حکومت کودک ستیز اسلامی
در همه شئونات زندگی کودکان هویدا است. هر
کجا که کودکان بی‌رحمانه استثمار می‌شوند، یک
حکومت وحشی روی سر آن ایستاده است.

جعل آمار و ارقام دیگر کسی را فریب نمی‌دهد.
مردم حکومت را بهتر از خودش شناخته‌اند. مسبب
و عامل بقای این محنت دردناک را می‌شناسند و
بی‌تردید آن را به زیر می‌کشند.

چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۲

۱۴ فوریه ۲۰۲۴

بوسه‌ای بر ذلت

یاشار سهندی

سایت‌های حکومتی خبر داده‌اند: ”در مراسم اختتامیه چهل و دومین دوره جشنواره فیلم فجر، محمد خزایی رئیس سازمان سینمایی روی سن آمد و چادر دخترانش را بوسید.“ این حرکت را سایت‌های طرفدار رژیم ”زیباترین صحنه در اختتامیه فیلم فجر“ معرفی کردند. این در واقع نمایشی تمام‌عیار از عمق زشتی حکومت اسلامی بود؛ و در عین حال بیانگر این واقعیت که ”جشنواره سینمایی“ در جمهوری اسلامی چیزی نیست جز بخشی از ابزار سرکوب خشن و بی‌رحمانه این حکومت.

”جشنواره فیلم فجر“ به‌مانند زگیلی است که بر

چهره جمهوری اسلامی نشسته است. زگیلی بر
چهره کریه حکومتی سفاک که زشتی درون او
را بیشتر نشان می‌دهد. این جشنواره در ۴۲ سال
گذشته حتی با حضور ”بزرگان سینمایی ایران“
چیزی نبوده جز بخشی از ابزار سرکوب مردم و
انقلاب ۵۷ و اکنون انقلاب زن زندگی آزادی.
ابزار سرکوب انقلاب ۵۷ بود چرا که در اوج
کشتارهای دهه ۶۰ می‌خواست به جامعه ثابت
کند که همه چیز در کنترل حکومت است و سینما
باید زبان جمهوری اسلامی باشد. نمایش کثیف
”رئیس سازمان سینمایی“ حرکتی است در ادامه
سرکوب انقلاب زن زندگی آزادی و ایشان به
خودش مدال افتخار داده که در یک‌ساله گذشته
آن‌چنان سانسور را گسترش داده که به هیچ فیلمی
که نشانگر گوشه‌ای از واقعیت زندگی مردم باشد،
اجازه ساخت داده نشده است.

انقلاب زن زندگی آزادی تأثیر خود را بر سینمای ایران گذاشته است. بخش مهمی از دست‌اندرکاران سینما به حمایت از مبارزات مردم برخاستند و با کنار کشیدنشان نقش سرکوبگر این جشنواره بیش‌ازپیش در مقابل چشم همگان عیان شد. برخی از مشهورترین زنان هنرپیشه با کنار گذاشتن حجاب اسلامی همبستگی خود را با اعتراضات مردم نشان دادند. حرکت پلشت رئیس امور سینمایی مثلاً می‌خواهد جلوی این حرکت عظیم را بگیرد. زهی خیال باطل!

جمهوری اسلامی آن‌قدر درمانده شده که از زبان رهبر خود را مجبور دیده اعلام کند زنان با هر نوع حجابی می‌توانند در مضحکه انتخابات شرکت کنند و این روزها مجبور شدند از بی‌حجابی زنانی که به مراسم حکومتی ۲۲ بهمن کشانده‌اند دفاع کنند. این حکومت زبون به چنان روزی افتاده

است که کارستان این حکومت حتی به کودکان
خردسال خود رحم نمی کنند و آنها را تبدیل به
ابزار سرکوب کرده اند. این اقدام و حرکت محمد
خزایی تنها نشانگر ذلت و بدبختی حکومت اسلامی
است، نه چیز دیگر.

چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۲

۱۴ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۵۴

سردبیر این شماره: آذر پویا

۱۵ فوریه ۲۰۲۴ - ۲۶ بهمن ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

مبارزه برای دستمزدهای بالا، گورکن رژیم اسلامی

سینا پدرام

برای نجات عباس دریس بیا خیزیم

آذر پویا

تنبيه کودک، بی حرمتی به کل جامعه است

سیما بهاری

تتلو، نماد لمپنیسم، چاپلوسی و پایان تاریخ مصرف

کیوان جاوید

برای دشنه ذبح اسلامی در اروپا کُندتر می شود

پتی دبونیتاس

مبارزه برای دستمزدهای بالا،

گورکن رژیم اسلامی

سینا پدرام

طبق گزارشات رسیده، محسن باقری نماینده کارگری! در شورای عالی کار گفته است باتوجه به «نرخ تورم آذرماه»، نرخ سبد معیشت کارگران «۲۳ میلیون و ۵۰۰ تومان» محاسبه شده که این رقم باتوجه به ارقام و اعدادِ دی ماه، بیشتر خواهد بود.

رقمی که توسط دولت و یا توسط به اصطلاح «نماینده کارگری» در شورای عالی کار هر سال اعلام می شود، جوک بی مزه ای است که آخر هر سال تکرار می شود بی آنکه حتی ذره ای از واقعیت معیشتی بخش اکثریت طبقه کارگر را منعکس

کند. باتوجه به تورم اقتصادی سال‌های گذشته، سبد معیشت کارگران به مراتب بیشتر از رقم یاد شده است. این در حالی است که به گزارش روزنامه "دنیای اقتصاد" یک کارگر سرپرست خانوار ۴ نفره، برای تهیه یک سبد از حداقل اقلام خوراکی باید حدود ۶۵ درصد از درآمد خود را هزینه کند. بدین صورت است که هر سال میلیون‌ها نفر با فقر مطلق دست‌وپنجه نرم می‌کنند و هرساله میلیون‌ها نفر به زیر خط فقر رانده می‌شوند.

در کشورهای به اصطلاح صنعتی چانه‌زنی برای افزایش دستمزدها بین طبقه کارگر و کارفرمایان و یا دولت توسط اتحادیه‌های کارگری انجام می‌شود. اما طبقه کارگر ایران در صدسال گذشته به یمن وجود دیکتاتوری‌های سلطنتی و اسلامی هیچگاه فرصت تشکل در سازمان‌های کارگری سراسری را پیدا نکرده است. اما مکانیسم‌های دیگری از جمله

اعتصاب، مجامع عمومی و کمیته‌های کارخانه‌ای جایگزین تشکلهای سراسری بوده‌اند.

امسال نیز بیشتر از گذشته باتوجه‌به شرایط سیاسی موجود و وضعیت اقتصادی وخیمی که مردم ایران با آن درگیر هستند، مبارزه برای بالابردن دستمزدها در محور توجه فعالین کارگری قرار گرفته است. افزایش دستمزدها بر حسب نرخ تورم کافی نیست. دستمزدها ده‌ها سال است که از تورم اقتصادی عقب‌افتاده است. تنها راه موجود برای تضمین رفاه مردم، تعیین حداقل دستمزد بر اساس سبد معیشتی مناسب یک خانوار کارگری است.

اگر می‌خواهیم زندگی راز بقا نباشد؛ بلکه سرشار از رشد، پیشرفت و موفقیت این نسل و نسل‌های آینده باشد، مبارزه برای دستمزدها متناسب با تقاضاها

و ملزومات زندگی مدرن و امروزی بهترین شروع
برای سال نو خواهد بود. مبارزه برای دستمزدهای
بالا در ایران قطعاً چهره سیاسی‌تر و رو در روتری
با رژیم حاکم در ایران به خود خواهد گرفت. شاید
هیچ مبارزه اقتصادی مشابهی در ایران این‌چنین
سیاسی نباشد.

پنج‌شنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲

۱۵ فوریه ۲۰۲۴

برای نجات عباس دریس بپا خیزیم

آذر پویا

گاهی تصاویری بر دل و جان آدمی چنان نقش می‌بندند که گریزی از آنها نیست. همه جا همراهت هستند، با تو سخن می‌گویند، به دلت چنگ می‌زنند، با نگاهشان شرمندهات می‌کنند و وادارت می‌کنند که کاری بکنی. عکس عباس دریس با سه فرزندش یکی از این تصاویر است. پدری که تنها دارائی‌اش سه فرزند و مادر پیری است که سرپرستی‌شان را عهده‌دار بود. او را در جریان اعتراضات سال ۹۸ در ماه‌شهر دستگیر و به اعدام محکوم کردند. این حکم با تلاش و اعتراضات وسیع مدافعین انسان و زندگی لغو شد و قاتلان حرفه‌ای جرئت نکردند او را به قتل برسانند. بعد از گذشت حدود دو سال این ناجیان

مرگ و نیستی مجدداً نام او را در لیست اعدامی‌ها گذاشته و قصد کشتنش را دارند.

خانواده عباس طی نامه‌ای از تمام مردم شریف و انسان‌های آزادی‌خواه درخواست کمک کرده‌اند. در این نامه آمده است: «ما خانواده دردمند عباس دریس که دو سال است در بدترین شرایط زندگی می‌کنیم و متأسفانه با زندان و پرونده‌سازی مواجه شده و اکنون عباس ما در خطر اعدام شدن هست، از هر کس که قلبی در سینه دارد و برای ما و خانواده دردمند ما دل می‌سوزاند خواهش می‌کنیم قبل از اینکه دیر شود هر کاری که می‌توانید بکنید عباس به خانه برگردد. عباس دریس پدر سه فرزند که مادرشان از شنیدن خبر حکم اعدام عباس سگته کرد و درگذشت، اکنون تنها سرپرست این کودکان است و باید هر چه زودتر آزاد شود و نزد

فرزندانش بیاید. کمک کنید تا دیر نشده عباس
دریس نجات یابد».

جمهوری اسلامی که برای نجات حکومت ننگینش
به چوبه‌های دار متوسل شده و روزانه با ارتزاق خون
رشیدترین جوانان و زحمت کش‌ترین انسان‌ها به
زندگی حقیرش ادامه می‌دهد قصد دارد در روزهای
آینده تعدادی از زندانیان سیاسی را اعدام کند.
نام عباس دریس نیز در این لیست دیده می‌شود.
باید با تمام توان و با صف وسیعی از انسان‌های
مدافع زندگی، به جنگ جانپایان حاکم رفت. نباید
بگذاریم فرزندان بیشتری طعم تلخ بی‌پدري را
تجربه کنند.

کارزار جهانی نه به اعدام در ایران، طی اطلاعیه‌ای
از همگان خواسته است که برای روزهای ۱۷ و ۱۸

فوریه در تمام شهرهای جهان برنامه‌های اعتراضی علیه اعدام این عزیزان سازمان دهند. باید بهر شکل ممکن با این کارزار همراه شد. درخواست خانواده عباس دریس باید جواب شایسته‌ای بگیرد. فرزندان عباس منتظر بازگشت پدرشان هستند.

پنج‌شنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲

۱۵ فوریه ۲۰۲۴

تنبيه كودك، بى حرمتى به كل جامعه است

سيما بهارى

يك كودك دبستانی در شهرستان خورموج آن چنان مورد خشونت فيزيكى از طرف مدير مدرسه قرار مى گيرد كه انعكاس آن در مديا خشم خيلى ها را برمى انگيزد. البته اين اولين مورد چنين رفتارى از جانب كادر "آموزشى" اين مدرسه نبوده است. پيش تر هم اتفاقاتى مشابه رخ داده بوده؛ ولى على رغم شكايات، كار به جايى نرسيد. در پي انتشار خبر، رئيس دادگستري بوشهر از بازداشت مدير اين مدرسه خبر داد.

عجيب جنگلى است اين سرزمينى كه جمهورى اسلامى ساخته و بر آن حكومت مى كند. با احترام

عمیق به کادر آموزش که از جان مایه می‌گذارند تا آموزش بدهند و از حق کودکان دفاع کنند و آن معلمان عزیز و محترمی که جواب خدمات ارزنده‌شان را با زندان و اخراج و محرومیت از کار در آموزش و پرورش می‌گیرند، باید گفت عجب موجوداتی به‌جای این انسان‌های شریف، تحت عنوان ”کادر آموزش“ به مدارس فرستاده شده‌اند تا آنجا را تبدیل به شکنجه‌گاه‌هایی بکنند که کودک مسموم شیمیایی می‌شود، مورد تجاوز قرار می‌گیرد، و یا تحت تعلیمات! آخوندهای اعزامی به مدارس قرار می‌گیرد و هم‌زمان کرور کرور معلمان را به جرم آزادی‌خواهی و دفاع از مطالبات انسانی خود اخراج می‌شوند.

سینا قلندری خبرنگار محلی استان لرستان با انتشار ویدئویی در شبکهٔ ایکس، از پارگی کبد یک

دانش‌آموز کوه‌دشتی بر اثر تنبیه توسط معلمش خبر داده بود و گزارش پایگاه خبری حکومتی رکنا از پافشاری معاون مدرسه‌ای در ورامین برای اخراج یک دانش‌آموز کلاس اول دبستان خبر داد که موجب به‌کار رفتن این کودک شده است. اینها مثنی نمونه خروار است. کافی است به جستجوگر گوگل مراجعه کنید و دنبال ”تنبه فیزیکی کودکان در مدارس ایران“ بگردید. عمق فاجعه را نه در ابعاد واقعی که فقط بخشی از آن را در خواهید یافت.

میزان انسانیت هر جامعه‌ای را در نگاهش به کودکان و جایگاهی که کودک در قوانین و عملکرد آن جامعه دارد می‌توان سنجید. تحت حکومت جمهوری اسلامی هیچ بخشی از جامعه در امان نیست. کودک توان دفاع از خود را ندارد. از خشونت می‌ترسد. جرئت بلند کردن صدایش را ندارد. دست‌مدیری که روی

کودک خورموجی بلند شده، سیلی محکمی است
به صورت ما. کبد پاره شده کودک ورامینی، انسانیت
پاسداری نشده همه ماست. صدای این کودکان
معصوم باشیم. همراه با معلمان شریف و آزاده علیه
جهنمی که به سر کودک آورده اند اعتراض کنیم.
این مسئله ای مربوط به همه خانواده ها در سراسر
کشور است. بلند شویم و به این وضعیت پایان دهیم.
کودکانمان حرمت، امنیت، احترام، اعتماد به نفس و
آموزش رفتارهای انسانی احتیاج دارند.

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲

۱۵ فوریه ۲۰۲۴

تتلو، نماد لمپنیسم، چاپلوسی

و پایان تاریخ مصرف

کیوان جاوید

سخنگوی قوه قضائیه روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه به خبرهای منتشر شده مبنی بر اعزام امیر تتلو به خارج از زندان برای مداوا واکنش نشان داد و گفت که "او در زندان است."

پرونده زندگی پُر هیاهو و مملو از تناقض "تتلو" که در تاریخ ۱۵ آذرماه توسط پلیس ترکیه دستگیر و تحویل مقامات حکومت اسلامی شد تقریباً بسته شده است. تتلو آرزو داشت خواننده مشهوری باشد و بتواند در ایران کنسرت‌های بزرگ داشته باشد. اما او نه هنرمندی تأثیرگذار که به ملغمه‌ای

از لمپنیسم، چاپلوسی، نوکری سیاسی در خدمت قدرت حاکم و هذیان ذهنی بخشی از جامعهٔ امید ازدست‌رفته تبدیل شد که بی‌خیالی اجتماعی و فضاحت سیاسی و فرهنگی مشخصه‌اش بود.

تتلو نیز همچون صدها خواننده موزیک زیر زمینی با سد حکومت روبرو شد؛ اما برای آنچه که می‌خواست ترجیح داد مجیز‌گوی حکومت شود. با مقامات حکومت زدوبند کرد و به دریوزگی رئیسی جلاد رفت تا شاید مقبول در گاه جنایت کاران شود. باز هم شکست خورد و مجبور شد بختش را در ترکیه بیازماید. در ترکیه تماماً به اوج لات‌بازی رسید و رهبر فرقه‌ای کوچک شد که فلسفه زندگی خود را بر پوچی و هرزگی و لمپنیسم پایه گذاشت و با اتهامات تعرض جنسی در ترکیه روبرو شد.

تتلو هنوز برای مقبول ارتجاع شدن دلسرد نشده بود که انقلاب زن زندگی آزادی باعث شدیدترین تکان‌های سیاسی در ایران شد. اینجا تتلو تمام‌قد مقابل مردم و در کنار حکومت ایستاد و به مهسا این سنبل انقلاب تاخت و بی‌شرمانه این جان‌باخته عزیز انقلاب را مورد توهین جنسی قرار داد. تتلو فکر می‌کرد در این شرایط رژیم اسلامی راه رسیدن او به اروپا را هموار می‌کند؛ اما اقدام او به برگزاری کنسرت در آلمان با سد بزرگ مدافعان انقلاب زن زندگی آزادی روبرو شد و تیر حکومت و تتلو به سنگ خورد و به عنصر سوخته‌ای تبدیل شد و نهایتاً با هماهنگی مقامات جمهوری اسلامی در ترکیه دستگیر و روانه زندان در ایران شد.

پایان دردناک زندگی کسی که می‌خواست هنرمند

باشد؛ اما با ایستادن در کنار حکومت اعدامی
همچون کاغذتوالت مصرف شده دور انداخته شد.
این سرنوشت همه کسانی است که می‌خواهند به
دریوزگی در بارگاه جنایت‌کاران به نان و نوایی
برسند. سرگذشت تتلو شاید درس عبرت برای
بازیکنان تیم ملی فوتبال هم باشد. هنر و فرهنگ و
آزادی بیان تنها در یک جامعه آزاد و غیردیکتاتوری
و غیرایدئولوژیک تأمین و تضمین می‌شود.

پنج‌شنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲

۱۵ فوریه ۲۰۲۴

برای دشنه ذبح اسلامی در اروپا کندتر می‌شود

پتی دبونیتاس

در تاریخ ۱۳ فوریه ۲۰۲۴، دادگاه حقوق بشر اروپا در استراسبورگ ممنوعیت کشتار دام‌ها بدون بیهوش کردن آنها را در دو منطقه بلژیک، فلاندر و والونیا تأیید کرد.

گروهی از سازمان‌ها و افراد یهودی و مسلمان از بلژیک اعتراض کرده‌اند که ممنوعیت ذبح حلال، حقوق و آزادی‌های مذهبی آنها را نقض می‌کند. دادگاه اروپایی حقوق بشر که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را تفسیر می‌کند، در قضاوت خود اعلام می‌کند که "حفاظت از اخلاقیات عمومی نمی‌تواند

صرفاً این‌طور درک شود که فقط برای حمایت از حقوق انسانی بوده و ممنوعیت ذبح اسلامی متناسب با اخلاق عمومی، و در حمایت از حقوق حیوانات است.

ایده اخلاق عمومی البته برای اعتقادات مذهبی سرزمین ناشناخته‌ای است. برای چنین دکترینی، قلمرو همیشه در حال تحول نگرش‌ها و رفتارهای در حال تغییر مورد لعن و تکفیر است. باورهای مذهبی تنها زمانی تغییر می‌کنند که برای بقا و حفظ هر چه بیشتر قدرتشان ضروری باشد حتی اگر به نفع بشریت و زندگی در روی کره زمین هم نباشد. همچنان که پیش‌بینی می‌شد واکنش نمایندگان سازمان‌های مذهبی به قضاوت مذکور خشمگینانه بود.

خاخام مناخم مارگولین، رئیس انجمن یهودیان اروپایی مستقر در بروکسل می‌گوید: "معنای ضمنی این حکم نادرست این است که حقوق این شهروندان در زمینه آزادی مذهب و عبادت حتی کمتر از حقوق حیوانات است." طبعاً شکنجه حیوانات جزو جدایی‌ناپذیر اعتقادات مذهبی است و ما بیشتر از این انتظار نداشتیم!

این قضاوت دادگاه حقوق بشر اروپا، به مباحث عمیقی درباره جامعه و حقوق مربوط است و به درستی تصدیق می‌کند که زمان همراه با ذهنیت این جوامع پیش می‌رود. ما چیزهای وحشتناک زیادی را پشت سر گذاشته‌ایم، چیزهای وحشتناکی که اکنون اذعان می‌کنیم که چقدر وحشیانه و ناعادلانه بودند. پس چرا به گروه‌های خاصی "حق" بدهیم که به رفتارهایی ادامه دهند که به وضوح از

تاریخ مقبولیتشان مدت‌هاست که گذشته است؟

مدارا با "مقدسات" و تحمل خواست‌های عقب‌مانده مذهبی، بازمانده زمانی است که مذاهب از تسلط مطلق برخوردار بودند و همین حالا نیز در خیلی از نقاط جهان از آن علیه مدنیت استفاده می‌کنند. اینجا مسئله ربطی به حقوق "اقلیت‌ها" ندارد؛ بلکه جامعه دارد با معیارهای انسانی روبه‌جلو می‌رود. این مثل ترافیک است که سعی در حرکت کردن به جلو دارد.

پنج‌شنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲

۱۵ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۵۵

۱۷ فوریه ۲۰۲۴ - ۲۸ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

تورم ۶۰ درصدی، دوی مارا تن در باتلاق

کیوان جاوید

حذف مجسمه قاسم سلیمانی و حضور زنان در استادیوم

حسن صالحی

کانادا بهشت تبهکاران جمهوری اسلامی

منظر دریاکناری

ضرورت و مطلوبیت سوسیالیسم

سؤال از حمید تقوایی

تورم ۶۰ درصدی، دوی مارا تن در باتلاق

کیوان جاوید

در حالی که دولت ابراهیم رئیسی نرخ تورم را در سال آینده ۴۰ درصد پیش‌بینی کرده، یعنی معادل نرخ تورم در حال حاضر، حسین راغفر، اقتصاددان در ایران نرخ تورم در سال آینده را ۶۰ درصد و ای بسا بیشتر برآورد کرده است.

به این وضعیت می‌شود گفت تلاش برای دویدن در باتلاق. طبعاً هر چه تقلای فرد اسیر در این وضعیت زیادتر باشد، بیشتر به عمق کشیده می‌شود. زندگی در ایران با این همه فساد سیستماتیک حکومتی و این بحران فزاینده اقتصادی هر لحظه دشوارتر

و غیر ممکن تر می‌شود. در این شرایط پس چه میتوان کرد؟ آیا باید تقلای بیشتری، به معنای دو یا سه شیفت کاری، کنیم تا از عهده هزینه‌های سرسام‌آور زندگی برآییم؟ آیا این تلاش نیز همان جدال فردی در دل باتلاق نیست؟ آیا اصولاً ممکن است بصورت فردی گلیم خود را از این لجنزاری که حکومت برای ما ساخته و پرداخته است بیرون کشید؟

البته تقابل با این وضعیت آسان نیست. نه اینکه مردم نمی‌دانند مسبب و ریشه این بلای خانمان‌سوز چه کسانی هستند؛ نه اینکه به کسی یا کسانی، یا این بخش و آن بخش حکومت دل بسته و متوهم باشند. نه اینطور نیست. مردم از اعماق وجودشان

این سیستم غارتگر و تبهکار اسلامی را می‌شناسند؛
می‌بینند که چطور می‌خورند و می‌دزدند و تاراج
می‌کنند. اینها دیگر ملکه ذهن همه مردم است که
دلیل خانه‌خرابی آنها حاکمان بی‌رحمی هستند که
برای منافع خود از هیچ جنایتی ابایی ندارند.

پس چکار باید کرد؟ چه کاری از دست ما برمی‌آید
که بتوانیم به جنگ این تورم ۶۰ درصدی برویم
و پیروز این نبرد باشیم. کلید در دست همه مردم
است. این کلید نه رنگ بنفش دارد و نه رنگ سفید
از نوع پرچم سفید. فقط به رنگ سرخ، رنگ اتحاد
همه مردم، رنگ انقلاب است. آنچه که لازم داریم
یک عزم عظیم اجتماعی است که کل مردم محروم
شده از زندگی را متحد کند. اینجا معلم و کارگر

کارخانه و دانشجو و بیکار و زن و مرد و جوان به
تنهایی معنی ندارد. ما را به تنهایی سرکوب می کنند
و شکست می دهند. ما نیازمند تشکلهای فراگیر
اجتماعی و حزبی هستیم. ما نیازمند حزب هستیم
که کل نقشه سرنگونی را بدست دارد. حزبی برای
همه مردم دردمند. حزبی برای انسانیت و انقلاب. ما
می توانیم این باتلاق حکومت اسلامی را بخشکانیم.
می توانیم.

شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۲

۱۷ فوریه ۲۰۲۴

حذف مجسمه قاسم سلیمانی

و حضور زنان در استادیوم

حسن صالحی

در بازی رفت میان سپاهان و الهلال عربستان که روز پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲ در ورزشگاه نقش جهان اصفهان انجام گرفت خبری از تندیس قاسم سلیمانی نبود. تندیزی که چند ماه پیش باعث شکست ۳-۰ سپاهان مقابل الاتحاد عربستان با حکم کنفدراسیون آسیا و جریمه ۲۰۰ هزار دلاری این تیم شد.

جمهوری اسلامی می خواست با آوردن مجسمه یکی از سرکردگان تروریست خود به یک استادیوم ورزشی خودی نشان دهد ولی این "خودنمایی" به

رسوایی تمام عیار برای این رژیم تبدیل شد. اگر چه آوردن تندیس سردار مرگشان با دبدبه و کبکبه انجام گرفت اینبار چنان به غلط کردن افتادند که حذف مجسمه با سکوت تمام همراه بود. بعلاوه اینکه وقتی “حاج قاسم” تروریست از استادיום بیرون انداخته شد مجبور شدند برای جلب رضای کنفدراسیون فوتبال آسیا، زنان را به استادיום راه بدهند. این یک باخت موردی دیگر جمهوری اسلامی در مقابل زنان ایران بود حتی اگر هنوز از حضور تماشاگران زن در ورزشگاه برای بازی‌های داخلی همچنان جلوگیری می شود.

جمهوری اسلامی با کشته شدن قاسم سلیمانی توسط نیروهای آمریکا سعی کرد از او یک قهرمان ملی بسازد. اما این “قهرمان ملی” جمهوری اسلامی چنان

مورد نفرت و خشم مردم بوده است که تاکنون بارها
بنرهای بزرگ وی را آتش زده اند و یا پاره کرده
اند، حتی در کرمان محل زادگاه ”حاج قاسم“! انتقام
سخت از مرگ ”سردار سپاه“ منجر به موشک بستن
عامدانه هواپیمای اوکراینی و کشته شدن ۱۷۶ نفر از
سرنشینان این هواپیما شد. حتی سالگرد کشته شدن
این تروریست اسلامی تا به حال چندین بار مرگ
آفرین بوده است و از او به درست بعنوان ”سردار
مرگ“ یاد می کنند. استاد یوم گردانی مجسمه ”حاج
قاسم“ هم نتوانست برای او اعتباری کسب کند و
باعث ورشکستگی بیشتر حکومت و خود شخص
”سردار سپاه“ شد.

اگر قرار است داستان ”حاج قاسم“ و مرگ او و به
قول مردم ”کتلت شدنش“ و بعد ”انتقام های سخت“

تو خالی جمهوری اسلامی و مجسمه سرگردان سردار
مرگ چیزی را اثبات کند، وضعیت زار و نزار رژی می
است که هم از آمریکا و هم از اسرائیل تو سری می
خورد و هم از مردمی که عمود خیمه اسلام را نشانه
گرفته اند.

مردم قهرمانان واقعی خود را می شناسند. این
قهرمانان از جمله همان زنانی بودند که پس از خروج
”حاج قاسم“ از استادיום، ورزشگاه را علیرغم میل
حکومتیان فتح کردند و دیوار آپارتاید جنسیتی را
شکستند.

شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۲

۱۷ فوریه ۲۰۲۴

کانادا بهشت تبهکاران جمهوری اسلامی

منظر دریاکناری

داستان اسحاق قالیباف، فرزند محمدباقر قالیباف، جدیدترین تلاش برای دریافت اقامت مقامات جمهوری اسلامی و وابستگان نزدیک آنها در کانادا است. آش آنچنان شور است که تعلل مقامات اداره مهاجرت کانادا با شکایت اسحاق قالیباف جواب گرفته است.

در چه دوره و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم؟ اصلاً قابل تصور نیست که سرکردگان و سازندگان یک حکومت خونریز که زندگی مردم را در ایران به کابوس وصف ناپذیری تبدیل کرده‌اند، چمدانها را می‌بندند و در کانادا و آمریکا، یاد را روپا اقامت دائم دریافت می‌کنند.

این حقوق بشر کذایی دولت‌ها پس چه غلطی می‌کند که هر چه شکنجه‌گر و زندانبان و دادیار و قاضی اسلامی و دزدان حکومتی ... فوج فوج به "دیار کفار" کوچ می‌کنند و همزمان برای حفظ حجاب اجباری-اسلامی در کشور تحت اشغالشان به جان زنان می‌افتند؟ این توپخانه‌ای که سران ارتجاع اسلامی با آن دیوارهای قلعه کشورهای اروپایی و از جمله کانادا را در هم می‌شکنند و وارد عمارت می‌شوند، چه قدرتی دارد که این چنین دولت‌ها در برابرش بی‌دفاع می‌شوند.

فقط پول! انسانیت و حقوق بشر با پول خرید و فروش می‌شود. معیار اینکه از سد قوانین مهاجرتی بگذری فقط بستگی به این دارد که موجودی حساب بانکی‌ات چقدر باشد. و سران و وابستگان جمهوری اسلامی به

اندازه کافی پول دارند. اینجا دیگر آن قوانین سفت و سخت و ضد انسانی که مانع ورود پناهجویان گریخته از همین حاکمین خونخوار به کشور می شود دور ریخته می شود. اینجا دیگر از آن پناهجویان بی کس که دل به دریا می زنند و صدها نفر از این جویندگان زندگی در امواج خروشان جان می سپارند، خبری نیست. اینجا جای آن کودکانی نیست که در اردوگاه های آوارگان در سرمای کشنده می لرزند و گرسنگی می کشند؛ جای آن هزاران انسان نگون بختی که از جنگ و فقر و گرسنگی در حال فرارند هم نیست. اینجا پول حاکم قدرتمندی است که قانون در برابرش تا کمر خم می شود و تعظیم می کند. فرزند سردار سپاه و رئیس مجلس شورای اسلامی یکی از آنها است.

پس چه باید کرد؟ راه روشن است. ایرانیانی که در
دل انقلاب زن زندگی آزادی در صفوف هزاران و دهها
هزار نفری در خارج کشور به میدان آمده‌اند و مرگ
حکومت اسلامی را فریاد زده‌اند، آن نیرویی هستند که
می‌توانند مانع از فروش "بهشت" به آقا زاده‌های اسلامی
شوند. دهها هزار پناهنده و مهاجر شریف ایرانی در
همراهی با مردم متمدن و انسان دوست کشور محل
زندگی ما، باید با صدای رسا علیه این پایمال کردن
حقوق مردم اعتراض کنند. باید دولت کانادا و امثالهم را
وادار کرد وابستگان جمهوری اسلامی را اخراج کنند.

شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۲

۱۷ فوریه ۲۰۲۴

ضرورت و مطلوبیت سوسیالیسم

سؤال از حمید تقوایی

کیوان جاوید: چرا سوسیالیست هستید، ضرورت و مطلوبیت سوسیالیسم در چیست؟

حمید تقوایی: در دنیای حاضر هر ۴/۴ ثانیه یک کودک از بیماریهای قابل پیشگیری میمیرد، یا در واقع کشته میشود؛ ثروت ۸ نفر برابرست با ثروت ۵۰ درصد جمعیت جهان، یعنی تولیدکنندگان همه ثروت جامعه؛ تعصبات مذهبی و میهنی قومی و نژادی بیداد میکند و روزی نیست که زیر این بیرقها در گوشه ای از جهان جنگ و کشتار و نسلکشی جریان نداشته باشد؛ آلودگی محیط زیست و خطر نابودی

کل کره ارض هر روز شديدتر و خطر تر ميشود و
غيره و غيره. اين بيلان كاپيتاليسم در قرن بيست
و يكم است. امروز ديگر نه صرفا رهائي كارگران
و توده مردم زحمتكش، بلكه نجات کره ارض و
كل بشریت در گرو زیر و رو کردن نظم سرمايه
و جانشين کردن آن با سوسياليسم است. امروزه
سوسياليسم به شرط بقای نوع انسان و شرط بقای
کره زمین تبديل شده.

این شرایط مستقيما در مطلوبیت سوسياليسم خود
را نشان ميدهد. سياستمدارانی نظير جرمی کوربین
و برنی سندرز، که صريحا خود را سوسياليسست
مينامند، به محبوبترين سياستمداران در انگليس و
آمریکا تبديل ميشوند؛ مارکس از جانب مردم اروپا

بعنوان محبوبترین شخصیت هزاره انتخاب میشود،
در بحران ۲۰۰۸ همه، از رسانه ها تا صاحبانظران
اقتصادی، به یاد نظریه "سرمایه موهومی" مارکس
می افتند و اعلام میکنند حق با مارکس بود؛ آکسفام
و کنفرانس داووس هر سال در مورد خطر انفجار
اجتماعی بخاطر تفاوت فاحش میان یک ثروت رو
بافزایش یک درصدیها و فقر رو به گسترش ۹۹
درصد مردم جهان هشدار میدهند؛ پاپ میگوید
کمونیستها، مانند مسیح، از فقرا و ضعفا و به حاشیه
رانده شده ها دفاع میکنند؛ و بیل گیتس، صاحب
مالتی میلیاردی مایکروسافت، اعلام میکند که
پاسخ گرمایش زمین و خطر نابودی کره ارض،
تنها میتواند سوسیالیسم باشد. و همه اینها علیرغم
شکست تجربه شوروی و تبلیغات هر روزه جنگ

سردی علیه کمونیسم و سوسیالیسم رخ میدهد.

در جامعه ایران هم سرمایه داری جز دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری و اختناق و سرکوب کل جامعه، ثمری نداشته است. انقلاب ۵۷ پاسخی با مضمون چپ به این شرایط بود و همه خیزشهای اجتماعی علیه جمهوری اسلامی، بویژه و از جمله انقلاب زن زندگی آزادی، نیز آرمان و اهداف رادیکال، و در جوهر خود سوسیالیستی، را نمایندگی میکنند. شعار "سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض"، شعار و خواست اداره شورائی که چند سال قبل بوسیله کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه مطرح شد، شعار "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی"، و شعار محوری "زن زندگی آزادی" همه دال بر توده گیر

شدن آرمان و اهداف سوسیالیستی در جامعه ایران
است. این امر چنان عیان است که چند سال قبل
حتی رضا پهلوی ناگزیر شد اذعان کند آینده ایران
سوسیالیستی خواهد بود.

امروز در ایران، و در هر جای جهان، هر مدعی
آزادیخواهی و انساندوستی باید سوسیالیست باشد.

شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۲

۱۷ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۵۶

۱۸ فوریه ۲۰۲۴ - ۲۹ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

یک روز مهم از اعتراضات پرستاران

شهلا دانشفر

کیک مورد علاقه من: سانسور اسلامی در بن بست

میلاد رسایی منش

هیچ انسانی غیر مجاز نیست!

سیامک بهاری

رژیم اسلامی، عامل اصلی سقط جنین در ایران

عطیه نیک نفس

الکسی ناوالنی، محمد قبادلو و ماله کشان جنایت

یاشار سهندی

در ایران همه مجرم اند!

اصغر کریمی

یک روز مهم از اعتراضات پرستاران

شهلا دانشفر

روز ۲۸ بهمن روزی مهم از اعتراضات پرستاران بود. طبق اخبار منتشر شده از سوی شورای هماهنگی پرستاران در این روز پرستاران در اعتراض به وضع بد معیشتی و کاری خود و عدم پاسخگویی به مطالباتشان در شهرهای اهواز، شیراز، بوشهر، یزد، البرز، مشهد و قم تجمع کردند. در این روز پرستاران با فریاد "پرستار داد بزن حقتو فریاد بزن" صدای اعتراض خود را بلند کردند.

پرستاران به سطح نازل حقوقها و تعرفه گذاریهای سلیقه‌ای و تبعیض آمیز اعتراض دارند و با تأکید بر افزایش حقوق به بالای خط فقر سی میلیون تومانی، رقمی که بارها خود حکومتیان به آن اشاره

داشته‌اند، به دستمزدهای تحقیرآمیز زیر خط فقر
معرض‌اند. فشار سنگین کاری، اضافه‌کاری‌های
اجباری، استاندارد پایین شرایط کاری و بهداشتی
مراکز درمانی، و اخراج‌ها و تهدیدات امنیتی از
دیگر موضوعات اعتراضی پرستاران است.

لیست خواست‌های فوری پرستاران به‌صورت
کارزاری مطالباتی از سوی شورای هماهنگی
اعتراضات پرستاران منتشر شده است. خواست‌های
پرستاران مستقیماً به همه مردم مربوط است. وضع
وخیم معیشتی و کاری آنها موجب پایین‌تر آمدن
بیشتر سطح استاندارد درمان در جامعه می‌شود.
در کوران بیماری مهلک کرونا دیدیم که چگونه
پرستاران برای نجات انسان‌ها هم با کرونا و هم
با حکومت کرونا جنگیدند.

از خواست‌های پرستاران وسیعاً پشتیبانی کنیم. بعلاوه اعتراض علیه فقر، بی‌تامینی، اختلاس‌ها و دزدی‌ها و سرکوبگری‌های حکومت حلقه اتصال مبارزات پرستاران و بخش‌های مختلف کارگری و کل جامعه است. بازتابش را در شعار ”فقر، فساد، گرونی، میریم، تا سرنگونی“ در انقلاب زن زندگی آزادی دیدیم. امروز نیز شعار ”اتحاد، اتحاد علیه فقر و فساد“ شعار اعتراضی بخش‌های مختلف بازنشستگان و مردم معترض است. این اتحاد دارد میدانی شکل می‌گیرد. یک نماد زیبایش اعلام همبستگی معلمی بازنشسته در شیراز با اعتراضات پرستاران در ۲۸ بهمن بود و در یزد هم شماری از معلمان بازنشسته با این اعتراضات همراه شدند.

معلمان بازنشسته و بخش‌های مختلف بازنشستگان با شعارهایی چون ”شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد“،

”لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی، اتحاد اتحاد“
پرچم اتحاد طبقاتی کارگری را برافراشته و کل
جامعه را به مبارزه متحد فرامی‌خوانند و خود نیز
با برگزاری تجمعات مشترک پیش‌تاز این اتحاد
و همبستگی مبارزاتی مردمی بوده‌اند. حضور
معلم‌ان بازنشسته در تجمعات پرستاران در یزد و
شیراز در روز گذشته قدمی به جلو در این راستا
بود. تا کید من بر تکثیر چنین اشکالی از اتحاد
مبارزاتی به‌عنوان یک گام عملی برای رفتن به‌سوی
اعتصابات سراسری است.

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

کیک مورد علاقه من:

سانسور اسلامی در بن بست

میلاد رسایی منش

فیلم "کیک مورد علاقه من" ساخته بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم، در شرایطی جمعه ۲۷ بهمن در بخش اصلی رقابتی جشنواره برلین به نمایش درمی‌آید که جمهوری اسلامی مانع سفر این دو سینماگر ایرانی به آلمان شده است. این فیلم که در داخل کشور و در شرایط اختناق اسلامی ساخته شده است جز معدود آثاری است که به حوزه شخصی زنان وارد شده و بازیگران زنی را بدون حجاب اسلامی به نمایش می‌گذارد. این فیلم که پس از قتل حکومتی مهسا ژینا امینی و آغاز انقلاب زن

زندگی آزادی ساخته شده است، از نظر بسیاری هنرمندان و جامعه‌شناسان نتیجه مستقیم انقلاب زنانه جاری بر فضای هنری و مشخصاً سینمای ایران است. سازندگان این فیلم در اعتراض به ممنوع‌الخروج شدن خود در بیانیه‌ای گفته‌اند: "امروز فیلمی که سه سال از عمر خود را صرف ساختن آن کردیم، متأسفانه بدون حضور ما در این جا به نمایش درمی‌آید، ما احساس می‌کنیم والدینی هستیم که حتی از نگاه کردن به فرزند تازه‌متولدشده خود منع می‌شوند. ما غمگین و خسته هستیم، اما تنها نیستیم. این جادوی سینما است، سینما ما را به یکدیگر نزدیک می‌کند."

با آغاز انقلاب زن زندگی آزادی جغرافیای سیاسی ایران به‌طور جدی شخم خورده و پارادایم جدیدی بر

سپهر سیاسی و اجتماعی ایرانیان حاکم شده است. دفاع از حقوق زنان و مقابله با سکسیسم اسلامی حاکم که با حجاب سوزی امثال نیکا شاکرمی کف خیابان آغاز شد، باگذشت بیش از یک سال، تأثیرات خود را بر عرصه‌های مختلف از جمله هنر، بسیار پررنگ و غیرقابل انکار گذاشته است. از آثاری که توسط مهدی یراحی و توماج صالحی در رابطه با انقلاب، و در حوزه موسیقی ساخته شد، تا فیلم مذکور که امروز در برلین برنده جایزه شده است. حکومت اسلامی اما در بعد پروپاگاندا و استفاده از هنر، بخصوص سینما، قافیه را بدجوری باخته است. تمام آنچه حکومت در سال‌های گذشته با صرف بودجه‌های میلیاردی برای تبلیغ تفکر قرون وسطایی خود رشته کرده بود، طی چند ماه، توسط شورش نسل ضد، پنبه شد! از همین

روست که حکومت اسلامی جز دستگیری، فشار و ممنوع‌الخروج کردن هنرمندان راه دیگری برای مقابله با فشاری که متحمل آن است در چنته ندارد. این سیاست هم اما مانند سایر اقدامات رژیم نه تنها محکوم به شکست که دست‌مایه خلق اثر و انگیزه مضاعف برای هنرمندان برای خلق آثار اعتراضی و انقلابی پیشرو و ساختارشکنانه‌تری در آینده می‌شود.

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

هیچ انسانی غیر مجاز نیست!

سیامک بهاری

”اتباع غیر مجاز حق اجاره کردن خانه و ملک ندارند، از تنظیم قرارداد اجاره خانه و هر گونه ملک برای اتباع غیر مجاز جلوگیری می شود.“

حرمان بی پایان زندگی پر محنت میلیون ها شهروند افغانستانی پادر گریز که از بد حادثه به دام جمهوری اسلامی افتاده اند، خشونت سازمان یافته و فاشیسم دولتی عریانی که بیش از چهار دهه است؛ مانند گردابی مهیب زندگی مهاجرین را می بلعد و مچاله می کند، حکایت مکرر زندگی شهروندان افغانستانی در ایران است. این نژادپرستی عریان، تماماً حاصل حکومت اسلامی است. استثمار وحشیانه کارگران

مهاجر و تحمیل یک زندگی غیرانسانی، نایمن و مملو از وحشت با همین سرکوب فاشیستی ممکن گشته است.

”آهای بدافغانی بیا اینجا ببینم...“ این کابوس هر روزه میلیون‌ها کارگر مهاجر و خانواده آنها در هراس دائم از دستگیری و رد مرز شدن توسط مأموران حکومت اسلامی است. مجاز و غیرمجاز بهانه‌ای برای رشوه‌گیری، به دام انداختن و آمایش‌های ناتمام و برای برگه‌ای بی‌اعتبار بنام مجوز اقامت است.

برای هر چه سخت‌تر کردن شرایط به مهاجرین، به همه بنگاه‌های املاک دستور داده شده است که حق داشتن سرپناه و سقفی بر سر خانواده فقط منوط به اجازه اقامت و داشتن آخرین برگه آمایش است. قوانین و دستورات ضد پناهندگی اداره اتباع

و وزارت کشور اقامت در ۳۷ شهر و ۱۷ استان را
برای شهروندان افغانستانی ممنوع کرده است. حق
معامله، حتی در حد داشتن یک سیم کارت تلفن،
ناممکن است. حق سفر بدون مجوز ممنوع است.

وزیر بهداشت حکومت با وقاحتی بی مانند می گوید
تهیه شیر خشک نوزاد برای اتباع، فقط با برگه اقامتی
معتبر ممکن است!

بی هویت و بی شناسنامه کردن بیش از یک میلیون
کودک به جرم پیشینه افغانستانی و براین اساس که
”تابعیت ایرانی بر اساس خون“ است! رفتار شنیع و
فاشیستی و نژادپرستانه حکومت اسلامی با شهروندان
افغانستانی در ایران است. طبق اسناد منتشر شده از
سوی وزارت کشور، نزدیک به نیم میلیون مهاجر طی
سال جاری اخراج شده اند. بسیاری از این عودت

داده شدگان پاسپورت و برگه اقامت معتبر هم داشته‌اند و ناچارند مجدداً از هر طریق ممکن به ایران برگردند. جمهوری اسلامی دست در دست طالبان به جان شهروندان افغانستان افتاده است.

هیچ انسانی نباید غیرمجاز شناخته شود. حق شهروندی، امنیت و داشتن سرپناه، از ابتدایی‌ترین حقوق پایه‌ای هر انسانی باید باشد. مردم شریف ایران مانند همیشه باید این سیاست‌های نژادپرستانه حکومتی را خنثی بکنند.

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

رژیم اسلامی، عامل اصلی

سقط جنین در ایران

عطیه نیک نفس

”محمد موحدی آزاد موحدی دادستان کل جمهوری اسلامی در بخشنامه‌ای خطاب به دادستان‌های مراکز استان‌ها از آن‌ها خواسته با هدف ”رسیدگی دقیق“ و ”تمرکز“ بررسی پرونده‌های سقط جنین درباره تعیین قاضی مجرب و شعب اختصاصی در دادسرای مرکز استان و شهرستان‌هایی که بیشترین فراوانی وقوع جرم گزارش شده، اقدام کنند.“

در جامعه‌ای که رژیم اسلامی حاکم در ایران بر پایه قوانین سراسر ضدانسانی و متوحش اسلامی، بنا کرده است، مردم هر روز، نه تنها باید با

بحران‌های عدیده‌ای از جمله: معیشت، نداشتن سرپناه، هزینه‌های سرسام‌آور درمان و غیره که مسبب اصلی آنها رژیم اسلامیست دست‌وپنجه نرم کنند، بلکه سرکوبی همه‌جانبه و کشنده را نیز باید متحمل شوند.

جامعه‌ای که اگر در بستر انسانیت و بدون هر گونه تبعیضی بنا شود، هیچ زنی حاضر نخواهد شد جنین خود را سقط کند. اما در ایران با حاکمیت رژیم فاسد و جنایت‌کار اسلامی، درحالی که رژیم هر روزه مردم را به دلایل مختلف می‌کشد، چرا باید در این فلاکت و شکنجه، مجبور شد بچه‌ای به دنیا آورد که حتی نمی‌توان برای شش ماه بعد آن آینده‌ای متصور شد.

از طرفی از منظر رژیم اسلامی زن بودن به خودی خود جرم است چه برسد به زنی که نافرمانی می‌کند و

نقش ماشین تولید بودن را به خوبی انجام نمی‌دهد! سقط جنین آن زن توسط رژیم جرم‌انگاری می‌شود، حال آنکه انتخاب آن زن برای بدنش و جنینی که در بدن او قرار است رشد پیدا کند، مثل باقی موارد در قوانین ضدزن اسلامی، اصلاً اهمیتی ندارد.

جرم و مجرم در این فقره کاملاً مشخص و واضح است، تجسسی نیاز نیست. مجرم اصلی رژیم اسلامیست که با قراردادن مردم در شرایط بسیار سخت معیشتی و البته نبود آزادی بیان و انتخاب، مجبور به کشتن جنینشان می‌کند و جرم حقیقی هم قوانین ضدزن، ضد کودک و اساساً ضدانسانی اسلامی و در کل بودن این رژیم است.

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

الکسی ناوالنی، محمد قبادلو و

ماله کشان جنایت

یاشار سهندی

الکسی ناوالنی که تنها جرمش "مخالفت سرسختانه با پوتین" بوده، به شیوه جمهوری اسلامی در زندانی در روسیه کشته شد. ظاهراً در ساعت هواخوری یکهو حالش بد شده و بعد هم فوت کرده! اینکه در زندان بوده، اینکه مسئولین زندان و بالاتر از آن به عنوان یک زندانی سیاسی، دولت حاکم و در مورد روسیه شخص دیکتاتور یعنی پوتین مسئول حفظ جان زندانی هستند، همه کاملاً به شیوه‌ای که برای ما سخت آشنا و دردآور است از سوی دیکتاتوری حاکم بر روسیه نادیده گرفته می‌شود؛ و نه تنها این بلکه عملاً شرایط را به گونه‌ای رقم

می‌زنند تا زندانی به‌سوی مرگ هدایت شود و اگر نشد خود دست به اقدام می‌زنند.

در جمهوری اسلامی یک امر دیگر هم برای ما سخت آشنا و دردآور است و آن پرداختن به مرگ‌های این‌چنینی از سوی کسانی است که اصلاح‌طلب خوانده می‌شوند. حالا که دستشان از بساط غارت و چپاول کوتاه است از ”باب نصیحت“ یک چیزهایی می‌گویند که اگر نگویند بسیار شایسته‌تر است، حداقل این است که خود را شریک جرم جنایت معرفی نمی‌کنند.

احمد زیدآبادی در قتل بی‌رحمانه محمد قبادلو از ”چرخه خشونت“ می‌گوید. این یعنی زنده‌یاد قبادلو یک طرف این چرخه بوده و با تأکید زیدآبادی بر اینکه در مورد او رحم و بخشش در کار نبوده

و تنها انتقام‌جویی مطرح بوده عملاً تأییدی است
بر جنایت جمهوری اسلامی و یا ایشان سفر خانم
النشیف را در جهت یاری رساندن "به شفافیت فضا"
در مقابل مخالفت‌ها با سفر ایشان به ایران قلمداد
کرده بود. این یعنی اینکه مخالفان سفر از یک
چیزهایی هراس دارند که جمهوری اسلامی ندارد!
زیدآبادی پذیرفتن مرگ ناوالنی به علل طبیعی
را مثل باور به حرف‌های پوتین در حمله‌نکردن
به اوکراین دانسته است و نهایتاً فرمودند: "گویی
سقوط و ظهور متداوم رهبران و رژیم‌های خودکامه
در روسیه، تقدیر این کشور بزرگ و نابغه‌خیز شده
است. خداوند آن را نجات دهد."

این تقدیر خداوندی نیست که بر روسیه و ایران
حاکم است. دیکتاتوری خشن حاکم بر ایران
و روسیه نتیجه نیاز جامعه طبقاتی معاصر است.

جولان رژیم‌های “خودکامه” عکس‌العمل طبقه حاکمه در مقابل جنبش‌های اعتراضی در بطن جامعه است و اصلاح‌طلبانی از نوع زیدآبادی هم ضرورت وجودی‌شان به حیات این رژیم‌ها بسته است. ایشان بهتر است به خود آیند و به “ماله‌کشی” دیکتاتوری حاکم پایان دهند. تجربه تاریخی ثابت کرده است که به وقتش از خداوند کاری ساخته نیست.

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

در ایران همه مجرم‌اند!

اصغر کریمی

اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران از نظر حکومت مجرم‌اند. وکیل بودن جرم است. دفاع از زندانی جرم است. دفاع از وکیلی که به زندان می‌افتد هم جرم است. بهایی بودن، بی‌حجابی و نفس زن بودن و تماشای مسابقه ورزشی توسط آنها جرم است. همجنس‌گرا بودن، بی‌مذهبی، رقص و موسیقی، اعتصاب، اعتراض، اعتصاب به‌خاطر بالا کشیدن دستمزد کارگر، فعالیت در مدیای اجتماعی و تماشای ماهواره‌های "غیرخودی"، اعتراض به دزدی و فساد مقامات یا دروغ‌های مقامات و یا حتی انتقاد به جنایت‌کار اعظم جرم است. یعنی همه چیز جرم است. به عبارت دیگر حکومت نفس زندگی را برای مردم جرم اعلام کرده است. یعنی

حکومت به تمام معنی بی‌ریشه و با جامعه بیگانه است.

نکته جالب این است که این جرم‌ها هر لحظه و به‌وفور اتفاق می‌افتد. روزی نیست هزاران نفر دست به اعتصاب و تجمع زنند و هزاران پست در مدیای اجتماعی علیه حکومت و مقاماتش منتشر نشود. بی‌حجابی هم که ابعاد میلیونی دارد، کمتر کسی است ماهواره ممنوعه نگاه نکند و از زندانی تا وکیل و متهم هر روز سیستم قضایی را به چالش می‌کشند.

این دو تصویر یعنی حکومتی درمانده و مردمی متعرض، حکومتی منزوی و مستأصل و مردمی که مخالفشان را با همه چیز این نظام به اشکال مختلف نشان می‌دهند. علی‌رغم دستگیری‌ها و اخراج‌ها و

محرومیت دادن‌ها، حکومت از هر هزار جرم حتی قادر به عکس‌العمل در مقابل یک مورد آنها هم نیست. چون در این صورت روزانه باید هزاران نفر را زندانی کند و نمی‌تواند.

وقتی اکثریت جامعه مجرم‌اند یعنی حکومت در مقابل مردم فلج است و قانون بی‌اعتبار است. یعنی به‌نوعی حکومت دوگانه برقرار است و قوانین و تهدیدات جامعه را مرعوب نمی‌کند، نیروهای سرکوب بیش از دیگران تناقضات و استیصال حکومت را می‌بینند و بیش از نیمی از حکومت مشغول انتقاد و افشای بخش دیگر حکومت است. بی‌جهت نیست که ریزش نیرو در حکومتی‌ها و نیروی سرکوب بالاست و اعتماد حکومت به آنها و آنها به حکومت به پایین‌ترین سطح خود رسیده است.

این تصویر ناشی از بی‌ربطی حکومتی قرون وسطایی به جامعه‌ای متمدن، سیاسی، آگاه و مدرن است. حکومتی که به دلیل این مختصات قادر به متعارف کردن اقتصاد نیست و توان اداره جامعه را از دست داده است. برای مقامات روشن است که جز آنچه می‌کنند کار دیگری از دستشان بر نمی‌آید و جامعه کماکان در آستانه انفجار است و این فراخوان مهمی به همه فعالین و توده‌های مردم است که با خوش‌بینی و امیدواری هر چه بیشتر خود را سازمان بدهند.

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲

۱۸ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

زورنال

شماره ۶۵۷

۱۹ فوریه ۲۰۲۴ - ۳۰ بهمن ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

”سر راهی ها“؟!

سینا پدرام

قتل سیاسی یک پاکبان بدست مزدور آتش به اختیار

سیاوش آذری

”رشنو“های انقلاب، ریشه به جان حکومت

کیوان جاوید

تنها راه ”تعامل“ با طالبان نابودی آن است

محسن ابراهیمی

”سر راهی ها“؟!؟

سینا پدram

روزنامه ”هم میهن“ به نقل از فعالان اجتماعی و تعدادی از مسئولان، گزارشی ارائه کرده است که حاکی است آمار ”سر راهی ها“ افزایش یافته است. این روزنامه به نقل از حسام الدین علامه، رئیس سابق دبیرخانه شورای ملی سالمندان و پژوهشگر حوزه سالمندی نوشت که ”بخش زیادی از سالمندان را خانواده هایشان به دلیل فقر مالی، مشکلات معیشتی، نبود مسکن مناسب یا ابتلای سالمند به بیماری زمینه ای، رها می کنند.“

این دیگر دانسته عمومی است که سلامت جامعه با

سلامت کودکان و سالمندان قابل سنجش است. آنچه که پدیده های دلخراشی مانند سالمندان سرراهی و رها شده در خیابانها را بوجود میآورد، رابطه مستقیم با مشکلات عدیده اقتصادی از جمله ناکافی بودن معیشت، بد مسکنی، تورم افسار گسیخته، هزینه های بالای درمانی است که بر گرده خانواده ها و به ویژه سالمندان سنگینی میکند.

مانند همیشه هیچ آمار دقیقی از سالمندان رها شده به حال خود در ایران موجود نیست. حتی به زحمت میتوان آمار سالمندان تحت پوشش اداره بهزیستی و غیره را به دست آورد. گزارشات حاکی از ظرفیت کم اداره بهزیستی و تعداد وسیع سالمندان در ایران است. طبق معمول رژیم اسلامی هیچ علاقه برای

جوابگویی به این معضل اجتماعی ندارد و بی هیچ تردیدی خود موجد چنین ناهنجاریهایی در ایران است.

به هر رو با افزایش مشکلات اقتصادی در ایران باید در آینده شاهد افزایش سالمندان "سرراهی" باشیم. مبارزه برای حقوق سالمندان، مبارزه برای پاس داشتن کرامت و حرمت انسانی آن جامعه است. تامین مسکن مناسب با وضعیت جسمی سالمندان، تامین خدمات پزشکی رایگان، تامین غذا کافی و مناسب مستقل از وضعیت درآمدی سالمندان، ایجاد محیط های مناسب برای داشتن فعالیتهای جسمی و ذهنی و داشتن ارتباط با اجتماع از حداقل مطالباتی است که باید در مقابل هر حکومتی که حقوق سالمندان

را نادیده میگیرد قرار داد.

قباحث پدیده ای مانند سالمندان سر راهی به اندازه ای هست که هر انسان با شرافتی را به فکر وادارد که چه چیز هایی را باید تغییر داد. از سر راه برداشتن رژیم اسلامی بی شک اولین و مؤثرترین اقدام است. اقدامات ویژه و اساسی برای تامین احتیاجات سالمندان باید در مرکز توجه جامعه قرار بگیرد. هر مسئله اخلاقی در ایران یک مسئله رفاهی و مادی نیز هست. تلاش برای انسانی تر کردن جامعه از مجاری مبارزه برای رفاهیات آن جامعه عبور میکند.

دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۲

۱۹ فوریه ۲۰۲۴

قتل سیاسی یک پاکبان بدست مزدور آتش به اختیار سیاوش آذری

در ساعات بامدادی روز ۲۰ بهمن چند کارگر پاکبان شهرداری که مشغول تمیز کردن مسیر اتوبان نیایش بودند مورد حمله "بدون مقدمه" یک راننده خودرو قرار میگیرند. شخص مهاجم یکی از پاکبانان را که جوانی ۲۰ ساله بوده از بالای پل به زیر پرت کرده و او را به طرز فجیعی به قتل می رساند و پس از تهدید دیگر پاکبانان به پرت کردنشان از روی روگذر با خودروی خود از محل حادثه دور میشود.

در پی بازداشت مظنون توسط پلیس در روز ۲۸ بهمن این شخص گفته که فکر کرده پاکبانان در پی سرقت و یا اهانت به پرچم ها و تزیینات سالگرد ۲۲ بهمن بوده اند. وی ادعا کرده که پس از تماس با پلیس تصمیم به مداخله گرفته و یکی از آنان را هل داده که به پایین پرت شده و جان خود را از دست داده است و اصلا نمی دانسته آنها کارگر شهرداری و مشغول نظافت هستند.

مبنای شکل وقیحانه دفاع این مظنون از عملکرد وحشیانه خود، موجودیت و سیاست ضد انسانی رژیم اسلامی است که در فرمان خامنه ای به اوباش و گله های مزدور که در مقابل اعتراضات و تظاهرات عمومی "مستقل و به قول میدان جنگ، آتش به اختیار" عمل کنید متجلی میگردد. از این منظر این عمل

در گُنه خود صحیح است زیرا با نیت خیر دفاع از حکومت اسلامی و به شکلی "خودجوش" صورت پذیرفته است و قتل کارگر جوان اشتباهی سهوی است. احتمالا حضرات آخوند-قاضی هم با در نظر گرفتن نیت خیر ایشان وی را شامل تخفیفات شرعی و الهی قرار خواهند داد.

این قتل نه موردی منفرد بلکه شکل عمومی جنگ رژیم اسلامی علیه مردم است. قبلا هم مزدوران رژیم تظاهرکنندگان و معترضین را از روی پل و از طبقات بالای خوابگاه ها به پایین پرت کرده بودند. نیروهای "سرخود" در عملیات "خودجوش" قلب و چشم و سر مردم را نشانه گرفته به قتل رسانده بودند. قاتل های زنجیره ای به شکلی "خودجوش" نویسندگان، هنرمندان و فیلمسازان منتقد را ربوده،

شکنجه کرده و به قتل رسانده بودند. و اتفاقاً با اتکا به همین سیاستهای وقیحانه رژیم اسلامی است که اعضای مذکر خانواده ها دست به قتل “خودجوش” دختران و زنان نافرمان خانواده و همجنسگرایان و دگرباشان میزنند.

قتل این پاکبان جوان، مانند تمامی موارد مذکور جنایتی سازمانیافته و سیاسی است و به این معنی نیازمند واکنش و پاسخی سیاسی است. پاسخ مردم به این جنایات، سرنگونی و در هم شکستن کلیت دستگاه قتل و جنایت حکومت اسلامی است.

دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۲

۱۹ فوریه ۲۰۲۴

”رشنو“های انقلاب، ریشه به جان حکومت

کیوان جاوید

روز پنجشنبه ۲۶ بهمن، سپیده رشنو اعلام کرد که حکم سه سال و ۱۱ ماه حبس او اجرایی شده و بنابراین در چند روز آینده، خود را به اداره اجرای احکام اوین معرفی خواهد کرد. اما روز شنبه ۲۸ بهمن، سامان رشنو، برادر سپیده، خبر داد، اعاده دادرسی پرونده خواهرش در دیوان عالی کشور پذیرفته شده و بنابراین اجرای حکم زندان تا بیستم اسفند به تعلیق درمی آید.

دولتها و جنبشها برای خود قهرمانانی می تراشند. یکی سردار جنگی دارد، یکی ژنرال ۴ ستاره اش را به رُخ

می کشد و آن دیگری شاهان و این یکی نجیب زاده
اش را علم می کند تا از آن دریچه به مردم بگویند
حق و حقوق شان در زندگی چیست. ما مردم ایران
هم قهرمانان خودمان را داریم. قهرمانان ما از جنس
دیگری هستند. کسانی که ما بزرگشان می داریم
دقیقا با معیارهای ما برای انتظاری که از زندگی،
آزادی، عدالت و خوشبختی داریم مطابقت دارند.
برگزیدگان ما از جنس معمولی و یکی از خودمان
و شبیه به خودمان هستند. نه سوپر زن اند نه سوپر
مردانی با عضلات فولادین. یکی از ما با آرزوهای
مشابه ما. سرسخت و جسور و مقاوم همچون پدران
و مادران ما که با کار و رنج و زحمت خود چرخ
زندگی را می چرخانند و همیشه در عین اینکه غمی
بر دلشان سنگینی می کند، اما نوید دهنده شادی و

آینده ای روشن هستند.

سپیده رشنو یکی از خیل بی شمار قهرمانان زندگی است که با جسارت خود در برابر ارتجاع اسلامی سینه سپر کرد و محبوب دلها شد. محبوب نه تنها برای زنان و مردان در ایران که به چهره ای آشنا و شجاع و قابل احترام فراوان در خارج از ایران. بازتاب دفاع از انسانیت که سپیده یکی از کاراکترهای ثابت قدم آن است در حمایت بی دریغ مردم و وحشت حکومت از این زن بی باک قابل مشاهده است.

سپیده را برای تحمل ۴ سال زندان فراخوانده اند، حمایت های فراوان از او باعث شده که دست و پای

حکومت بلرزد و اجرای حکم را به تعویق بیندازد.
راه همین است که همه ما صدا و مشت گره کرده
سپیده های خود باشیم و هر تعرض حکومت را با
ضد حمله سنگین و متحدانه پاسخ بدهیم.

توان خود را بهتر از این دریابیم و هر کدامان یک
سپیده، یک قهرمان مبارزه علیه ارتجاع اسلامی
شویم. ما مردم نشان داده ایم که این حکومت است
که در محاصره ما است، نه برعکس.

دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۲

۱۹ فوریه ۲۰۲۴

تنها راه "تعامل" با طالبان نابودی آن است

محسن ابراهیمی

دو سال و نیم از بازگرداندن طالبان به قدرت توسط دولت آمریکا گذشت. تصور لحظات وحشت و هراس مردمی که یک بار سلطه این موجودات بیرحم اسلامی را مستقیماً تجربه کرده بودند، سخت است. عمق آن وحشت را میشد از صحنه های غم انگیز فرار انسانهایی متوجه شد که حتی حاضر بودند بر بال هواپیما آویزان شوند تا از دست این هیولاهای بیرحم جان بدر برند!

مدتی پیش شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ای درباره نحوه "تعامل" با طالبان تصویب کرده بود با هدف ایجاد یک "نقشه راه" برای ادغام "کامل"

طالبان در جامعه بین‌المللی! خبرها حاکی از این است که یکشنبه ۱۸ فوریه، "نمایندگان ویژه کشورها در امور افغانستان" در دومین نشست سازمان ملل متحد در دوحه پایتخت قطر به میزبانی دبیر کل سازمان ملل متحد گردهم آمدند تا این "ادغام کامل" را به سرانجام برسانند! یکی از اهداف این نشست، بحث در باره افزایش "تعامل" با طالبان و پاسخ هماهنگ‌تر به "بحران بشردوستانه" در این کشور اعلام شده است.

طالبان حضور در این نشست را به چند شرط از جمله پذیرفته شدن "امارت اسلامی" به عنوان تنها نماینده رسمی افغانستان و گفت‌وگوی رودر رو با دبیر کل سازمان ملل به عنوان دولت افغانستان مشروط کرد!

این درجه گستاخی طالبان به این خاطر است که

هنگام بازگردان طالبان به قدرت، سیاستمداران دول
غرب که مستقیماً در مسلط کردن مجدد طالبان بر
افغانستان نقش داشتند، صرفاً برای پاک کردن دستان
خون‌آلودشان در این جنایت علیه مردم افغانستان،
با بیش‌رمی تمام تبلیغ میکردند که طالبان عوض
شده است! اگر حقوق بشر را رعایت کند برسمیت
شناخته خواهد شد! واقعاً روشن نیست که تنها پاسخ
بشردوستانه علیه طالبان نابودی تمام عیار این دشمنان
بشریت است؟

طالبان عوض نشده بود و نمیتواند عوض شود. طالبان
یکی از ارتجاعی‌ترین، فاسدترین، آدمکش‌ترین
شاخه‌های مافیای اسلامی در جهان معاصر است که
دنیا را باید از شرش خلاص کرد. طالبان عوض نشده
است اما دنیای بیست سال پیش عوض شده است.

برای مثال، بیخ گوش طالبان، در ایران خیزش‌های
قدرتمند توسط همسرنوشت‌های مردم افغانستان علیه
همکیشان طالبان راه افتاده است. همدلی مردم جهان
با مردم افغانستان بیشتر شده است. بی دلیل نیست که
در میان بهت و نگرانی جهان، آنچنان مقاومتی توسط
زنان افغانستان در مقابل این عمامه‌داران تهی مغز راه
افتاده است که حقیقتاً شگفت‌انگیز است. دنیا باید
به احترام مردم شریف افغانستان و در پیشاپیش آنها
زنان جسور و مبارز کلاه از سر بردارد و علیه طالبان
در کنار مردم افغانستان بایستد. راه دیگری نیست.

دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۲

۱۹ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

زورنال

شماره ۶۵۸

۲۰ فوریه ۲۰۲۴ - ۱ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

بابک زنجانی، نمونه کوچکی از فساد مالی رژیم اسلامی

سینا پدرام

شرافت زنان زباله گرد و رذالت رژیم اسلامی

عطیه نیک نفس

به وعده‌های حکومت آدمکش باور نکنید!

سهیلا دالوند

کمپین جمع آوری صدهزار دلار کمک مالی

کیوان جاوید

بابک زنجانی، نمونه کوچکی

از فساد مالی رژیم اسلامی

سینا پدرام

رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، غلامحسین محسنی اژه‌ای، مدعی شد اموال منتقل شده بابک زنجانی به تهران کفاف بدهی‌های او را می‌دهد و با احتساب اموال قبلی "اضافه" هم می‌آید.

با توجه به وجود تحریم‌ها، رئیس قوه قضائیه توضیح نداد که این پول چگونه وارد ایران شده است. در نخستین نگاه، سوالی که به ذهن خواننده و یا شنونده خطور می‌کند صاف و ساده این است که این چند میلیارد "ناقابل" قرار است صرف کدام یک از دم‌ودستگاه سرکوب و تحمیق رژیم بشود. سپاه

پاسداران، بسیج، صداوسیما و باندهای تروریستی اسلامی در منطقه

فساد مالی و قضایی که سرتاپای رژیم را دربرگرفته است، چندان زمخت و چندانش آور است که نیازی به پرداختن به آن نیست. اتلاف وقت خوانندگان است. نکته قابل ملاحظه تفاوت فاحش برخورد مقامات رژیم با زندانیان "خودی" از نوع بابک زنجانی و زندانیان سیاسی و مخالف رژیم از جنس سپیده قلیان، سپیده رشنو و توماج صالحی است. بابک زنجانی که ثروت مردم را بالا کشیده است از بهترین امکانات در داخل و بیرون زندان برخوردار بوده و هست. این در حالی است که زندانیان سیاسی با هزاران تبعیض، ناعدالتی و داغ و درفش مواجه می‌شوند.

فساد مالی در رژیم اسلامی هیچ عقوبتی ندارد. بلکه برعکس اگر فرد خاطی به رژیم اسلامی و بیت رهبری وصل باشد، پاداش خوبی نصیبش خواهد شد. بابک زنجانی به هر رو اولین فرد شناخته شده‌ای است که تحریم‌ها را دور می‌زد و سود هنگفتی را به جیب سران رژیم سرازیر می‌کرد. این که چه بده‌بستان‌های پشت پرده‌ای در کار است، بدون شک دیریازود به بیرون درز خواهد کرد.

در شرایطی که فسادها مالی مانند "کورش کمپانی" در روزهای اخیر، اختلاس‌های میلیاردری سال‌های اخیر چنان ابعاد بی‌خود گرفته‌اند که دزدی‌های "بابک زنجانی" را تبدیل به "دله‌دزدی" کرده است، در شرایطی که فلاکت اقتصادی گلوگاه میلیون‌ها انسان را هر روز می‌فشارد، هیچ چاره‌ای

جز یک مبارزه متحدانه برای جاروکردن این رژیم از صحنه سیاسی ایران وجود ندارد. ادامه حیات رژیم، داستان ادامه این فسادها و غارت‌های مالی خواهد بود.

مبارزات کارگران، پرستاران، بازنشستگان و غیره، نه تنها راهنمای خوبی برای جامعه منزجر از حکومت اسلامی است؛ بلکه راهگشای حرکات وسیع‌تر اجتماعی است. حرکاتی که بار دیگر جرقه انفجارات بزرگ‌تری خواهد بود.

سه‌شنبه ۱ اسفند ۱۴۰۲

۲۰ فوریه ۲۰۲۴

شرافت زنان زباله‌گرد و رذالت رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

انسیه خزعلی، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌ی، درباره برنامه معاونت امور زنان برای زنان زباله‌گرد، بیان کرد: ”ما مسئولیت اجرایی نداریم، ولی در سیاست‌گذاری‌ها تلاش کردیم شرایطی برای کار شرافتمندانه و باعزت برای بانوان زباله‌گرد فراهم شود به‌خصوص اینکه بسیاری از این بانوان سرپرست خانوار هستند. اما بسیاری از بانوان زباله‌گرد سرپرست خانوار به دلیل سودآوری زباله‌گردی این شغل را رها نمی‌کنند.“

ایران به یمن وجود جمهوری فاسد و جنایت اسلامی به دلیل بحران‌های هر روزه و کشنده به

ویرانه‌ای مبدل شده است که مردم حتی برای ساده‌ترین و اولیه‌ترین نیازهایشان باید تمام روز با زندگی مبارزه کنند. زنان که به‌صورت مضاعف همیشه مورد سرکوب رژیم اسلامی بوده‌اند، باید در این کشور غنی و ثروتمند، زباله‌گردی کنند تا بچه‌هایشان گرسنه سر بر بالین نگذارند.

این در حالی است که همین انسیه خزعلی و دیگر مزدوران رژیم اسلامی از پولی که دقیقاً حق همه مردم است، حقوق‌های چندصد میلیونی می‌گیرند و در خانه‌های ویلایی به سر می‌برند، و بچه‌هایشان در بهترین شرایط در دنیا زندگی می‌کنند. اختلاس‌های میلیاردي در این رژیم رخ می‌دهد و مجرمان حتی دستگیر هم نمی‌شوند! ارقام این دزدی‌ها چنان است که با یک فقره از آنها زندگی میلیون‌ها کودک در ایران کاملاً تغییر

می‌کند.

انسیه خزعلی! شرافت کلمه‌ای بامعنی و انسانی است که برای دهن تو و دیگر همدستانانت بیش از اندازه بزرگ است، شمایی که نه تنها بویی از انسانیت نبرده‌اید؛ بلکه برای گرفتن نفس مردم از هیچ جنایتی مضایقه نمی‌کنید. بله؛ هر چه مادرانی که برای نگهداری از کودکان بی‌پناه و گرسنه‌شان تا کمر در زباله فرومی‌روند تا با تفکیک آنها بتوانند اندک پولی برای خوراک و پوشاک تهیه کنند با شرافت هستند، تو و هم‌پیاله‌های تو بی‌شرف، جنایت‌کار و متوحش هستید!

زنان زباله‌گرد برای سود بیشتر نیست که این زباله‌گردی را رها نمی‌کنند. اگر همین کار را هم نکنند، حتماً خود و بچه‌هایشان قادر به ادامه

حیات نخواهند بود! آنها می‌دانند که رژیم اسلامی
نماینده آنها نیست، بلکه قاتلشان است!

تاقوانین ضد زن اسلامی و یک رژیم تامغز استخوان
زن ستیز و ضد انسان در ایران در مسند قدرت
است، هیچ کس به حقوق انسانی‌اش نخواهد
رسید. چیزی که باید برای همیشه به زباله‌دان
سپرده شود تا مردم دنیایی بهتر را تجربه کنند،
رژیم اسلامیست.

سه‌شنبه ۱ اسفند ۱۴۰۲

۲۰ فوریه ۲۰۲۴

به وعده‌های حکومت آدمکش باور نکنید!

سهیلا دالوند

سه هفته از مفقودشدن دو دختر دانش‌آموز، آیدا مراد بهروزی ۱۴ ساله وهستی محمد حسینی ۱۳ ساله گذشته است. سوری بابایی چگنی مادر آیدا که در ۲۲ تیرماه ۱۴۰۱ به دلیل فعالیت در کارزار “حجاب بی‌حجاب” بازداشت شده است، توانست با قید وثیقه ۲۵۰ میلیون تومانی برای ۱۰ روز آزاد شود به شرطی که طی این ۱۰ روز اعتراض نکند، سکوت کند، با هیچ رسانه‌ای گفت‌وگو نکند، حجاب را رعایت کند که در این صورت شاید شامل عفو شود و این مرخصی منجر به آزادی کامل او شود.

از این زندانی تعهد گرفتند، به‌زور حجاب سرش

کردند و گفتند باید بگویی متعهد می‌شوی که هیچ اعتراضی نداری، حجاب سر می‌کنی و به زندگی عادی ادامه می‌دهی. به گفته یکی از نزدیکان، او “برخلاف میل باطنی‌اش و تنها به‌خاطر پیدا کردن دخترش آیدا قبول کرد و این بار به‌اجبار تعهد داد” تا در ۱۰ روز مرخصی برای پیدا کردن دخترش اقدام کند.

اولین بار نیست که این حکومت که هیچ وجه سنخیتی با انسانیت ندارد از شرایط سخت و بحرانی خانواده‌ها سوءاستفاده و آنان را مجبور به اقداماتی برخلاف خواسته خود می‌کند.

جمهوری اسلامی تهدید، فشار، زندان و شکنجه، سال‌هاست تلاش کرده‌است که معترضین، زندانیان

سیاسی و علی‌الخصوص خانواده‌های آنها را با وعده‌ها و دروغ‌های بی‌پایه و اساس مانند آزادی و یا تخفیف حکم مجبور به سکوت کند و مانع خبررسانی در مورد وضعیت عزیزان در بندشان شود. همین حالا با گذشت بیش از سه هفته از ناپدید شدن آیدا و هستی، برخلاف قول دادستانی، هنوز نهادهای اطلاعاتی و انتظامی هیچ‌گونه کمکی برای پیدا کردن عزیزان این دو خانواده نکرده‌اند.

محسن شکاری، از اعدام‌شدگان انقلاب "زن زندگی آزادی" به علت عدم اطلاع‌رسانی در مورد دستگیری‌اش، در حالی که ۷۵ روز از بازداشتش می‌گذشت اعدام شد. در سکوت و بی‌خبری، حسن عبیات و سرکوت احمدی دوزندانی سیاسی، مخفیانه و بدون حق انجام آخرین ملاقات با خانواده به دار

آویخته شدند و تعداد این کیس‌ها زیاد است.

باید با تمام توان علیه این تهدیدها، این فشارها و این سکوت خبری اقدام کرد. می‌توان جلوی تلاش‌های این رژیم سانسور و استبداد را گرفت و اجازه نداد سیاست‌های ضدانسانی خود را به‌پیش ببرد. باید به‌طور وسیع به حمایت از سوری‌بابایی‌ها و خانواده‌های زندانیان سیاسی به میدان آمد. اطلاع‌رسانی وسیع در باره وضعیت زندانیان گامی مهم و اساسی برای مقابله با آدمکشی حکومت اسلامی است.

سه‌شنبه ۱ اسفند ۱۴۰۲

۲۰ فوریه ۲۰۲۴

کمپین جمع آوری صد هزار دلار کمک مالی

کیوان جاوید

ما به کمک مالی تک تک شما نیاز داریم تا در نبرد با جمهوری جنایت اسلامی صف آزادی خواهی و انسان دوستی؛ صف انقلابیونی که رفاه و برابری و خوشبختی را برای همه می خواهند تقویت کنیم.

حزب کمونیست کارگری کمپین یک ماهه‌ای را شروع کرده است که از ۱ اسفند تا ۱ فروردین (۲۰ فوریه تا ۲۰ مارس) ادامه دارد. هدف این است در این یک ماه ۱۰۰ هزار دلار برای تداوم و گسترش فعالیت‌های حزب کمک مالی جمع کنیم.

مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی کاری است

بس سهمگین. حزبی که می‌خواهد جمهوری اسلامی را با کمک و مشارکت مردم به زیر بکشد و بر ویرانه‌های جهنمی که این حکومت برپا داشته است، خوشبختی و انسانیت را برقرار کند، در کنار انواع فعالیت‌های سیاسی و سازماندهی و بسیج نیرو، نیازمند بیشترین امکانات مالی نیز هست تا در مقیاس بسیار بزرگ در امر سازماندهی مبارزه اثرگذارتر باشد.

سرمایه‌داران و دولت‌هایشان برای راه‌اندازی رادیو و تلویزیون سالانه صدها میلیون دلار پول خرج می‌کنند و صدها کارمند حقوق‌بگیر به خدمت می‌گیرند. آنها نیازی ندارند که دست‌یاری به‌سوی مردم دراز کنند. پول مالیات ما مردم را صرف تأسیس این رسانه‌ها می‌کنند و یکی خمینی را در

ماه می کند و آن دیگری سعی می کند "شاهزاده"
را بر مردم قالب کند.

حزب کمونیست کارگری اما با تلویزیون کانال
جدید که معرف حضور شماست به مدت ۲۰ سال
نشان داده است که هم سرنگونی را در سرلوحه
فعالیت خود قرار داده است و هم همین امروز با
تلاش خستگی ناپذیر اعضا و کادرها و طرفداران
خود برای بهبود زندگی مردم مبارزه می کند.

حزب کمونیست کارگری حزب شماست. به این
حزب کمک کنید تا با قدرت هر چه فزون تر در
نبرد بی امان با جمهوری اسلامی سنگرهای بیشتری
را فتح کنیم. به تلویزیون کانال جدید کمک مالی
کنید تا صدای انسان های شریف، آزادی خواه و

برابری طلب رسا تر شود.

برای پرداخت کمک‌های خود می‌توانید از طریق
شماره حساب‌های زیر و یا از طریق تماس با
تشکیلات‌های حزب اقدام نمایید:
شماره حساب‌ها و تلفن‌های تماس:

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-

3

Bankkontonummer: 9960264

1223793

IBAN:

SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و
از هر کشور دیگر:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77N-

WBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سوآلی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس
بگیرید:

تماس از خارج: پیامک بهاری

۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی: بابک یزدی

۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهرلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

سه‌شنبه ۱ اسفند ۱۴۰۲

۲۰ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۵۹

۲۱ فوریه ۲۰۲۴ - ۲ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

۷۳ درصد مخالف دخالت دین در سیاست

کاظم نیکخواه

جمهوری اسلامی با امام زمانش ته بن بست!

یاشار سهندی

نگاهی به مبارزات بازنشستگان

شهلا دانشفر پاسخ می دهد

موسیقی و زامبی های اسلامی

شهاب بهرامی

۷۳ درصد مخالف دخالت دین در سیاست

کاظم نیکخواه

آمار فوق یعنی مخالفت ۷۳ در صد مردم با دخالت دین در سیاست، در نظرسنجی محرمانه وزارت ارشاد و وزارت کشور (آری دو نهاد سرکوب حکومت) آمده است. "پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان" تحت مسئولیت دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری مرکز رصد اجتماعی وزارت کشور ظاهراً در تلاشی برای نشان دادن روحیه اسلامی و حکومتی مردم و بالابردن روحیه وابستگان حکومت آن را سازمان داده است. نتیجه نظرسنجی قرار بوده فقط در میان بخش معینی از نیروهای حکومتی منتشر

شود. این نظرسنجی پاییز امسال با مصاحبه با ۱۵۸۷۸ نفر از افراد بالای ۱۸ سال از ۳۱ استان در مناطق شهری و روستایی صورت گرفته و اکثر آنها علی‌رغم اینکه می‌دانسته‌اند که سؤال‌کنندگان از نهادهای حکومتی هستند جوابشان این بوده است که مخالف دخالت دین در سیاست هستند، مخالف دخالت دولت در مسئله حجاب هستند، و در مراسم مذهبی شرکت نمی‌کنند و اعلام کرده‌اند که اکثر مردم غیرمذهبی هستند و روند فاصله گرفتن مردم از اسلام روبه‌افزایش است.

البته چند ضریب انحراف را نیز باید مدنظر قرار داد. اولاً بسیاری از مردم ممکن است عقاید واقعی خود در مورد حکومت و مذهب و نهادهایش را صریحاً اعلام نکنند. ثانیاً قطعاً شماری از مخالفین

حکومت برای عدم بیان حرف دل خود از پاسخ به سؤالات خودداری کرده‌اند و فاکتور سوم و مهم‌تر این است که قطعاً وزارت ارشاد حکومت در نتیجه نظرسنجی دست کاری‌هایی به نفع حکومت انجام داده است. باتوجه به اینها واقعیت بسیار شورتر از آن است که در این نظرسنجی بیان شده است.

هفته پیش یک نظرسنجی دیگر که یک مؤسسه مستقر در هلند در مصاحبه با حدود ۵۰ هزار نفر در داخل ایران صورت داده بود، نشان می‌داد که بیش از ۷۵ درصد مردم سرنگونی طلب هستند و حدود ده درصد نظر خود را بیان نکرده‌اند.

آنچه این نظرسنجی‌ها و بیشتر از آن فضای جامعه به وضوح نشان می‌دهد این است که حکومت اسلامی در حلقه محاصره مردم سرنگونی طلب و

ضد نهادهای اسلامی قرار دارد. این حکومت با اعدام و زندان می‌خواهد خود را سر پا نگه دارد. اما محکوم به نابودی است. مردم این کشور علناً هر روز دارند انزجار خود از دیکتاتوری اسلامی را ابراز می‌کنند و عزم کرده‌اند به حاکمیت این نیروی عقب‌مانده و ضدانسانی پایان دهند و خواهند داد.

چهارشنبه ۲ اسفند ۱۴۰۲

۲۱ فوریه ۲۰۲۴

جمهوری اسلامی با امام زمانش ته بن بست!

یاشار سهندی

در آستانه انتخابات کذایی مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی آخوندهای ریزودرشت یادشان آمده که زمینه ظهور امام زمان را با انتخابات در روز جمعه ۱۱ اسفند تسریع بفرمایند! آخوندی به نام نریمانی، نماینده مجلس خبرگان گفته: ”امیدواریم ظهور امام زمان، حضرت مهدی آن قدر نزدیک باشد که دیگر نیازی به تعیین جانشین برای خامنه‌ای نباشد.“ و تأکید فرمودند: ”همه باید حضور در انتخابات را یک تکلیف بدانیم.“ علیرضا پناهیان روضه‌خوان دفتر خامنه‌ای نیز فرمودند: ”شرکت در انتخابات حرکت به سمت ظهور امام زمان است.“

سال ۱۳۷۸ یک دانشجویی حزب‌اللهی به محاکمه کشیده شد، چون نمایشنامه کوتاهی با عنوان “کنکور به وقت ظهور” نوشته بود تا هشدار دهد که ایمان مؤمنین متزلزل شده است. داستان نمایش این بود که عباس نامی هر شب به وقت نماز با تضرع از خدا می‌خواهد ظهور حضرتش را جلو اندازد. دست‌برقضا امام‌زمان فردا صبح سراغ عباس می‌آید که تو جز اصحاب ما هستی و جمعه رأس ساعت ۸ ظهور می‌کنیم! عباس معترض می‌شود که آن ساعت کنکور دارم، نمی‌شود ظهورت را یک روز به تأخیر بیندازی! گفتگو به مشاجره کشیده می‌شود و نهایتاً عباس روی آقا امام‌زمان چاقو می‌کشد و کار حضرت را تمام می‌کند! حالا تصور کنید که حضرت غایب، بعد نزدیک ۱۳۰۰ سالی خسته و فرتوت بخواند درست روز جمعه

۱۱ اسفند ظهور کند، هیچ بعید نیست واقعاً با
چاقو دخل ایشان را بیاورند!

رژیم مفلوک جمهوری اسلامی همیشه به یاری
امام‌زمان نیاز داشته تا ذوب‌شدگان در جنایت قانع
شوند که کشتن جز فرایض الهی است. مخاطب
چنین سخنانی همین ذوب‌شدگان هستند، چرا که
حتی بسیاری از "مؤمنین" ایمانشان به "حضرت آقا"
چه حاضر و چه غایب "دچار خسران" شده است. بنا
به روایت آخرین نظرسنجی محرمانه خود حکومت
که افشا شده، ۷۳ درصد مردم خواهان جدایی دین
از سیاست هستند. اما به طور واقعی مردم دست از
دین کشیده‌اند و علیه حکومت مذهبی طی چند
سال گذشته چندین بار در کف خیابان دست
به شورش زده‌اند. در همین نظرسنجی ۸۳ درصد

نظردهندگان از کاهش "دین‌داری" مردم گفته‌اند.

جمهوری اسلامی ته بن‌بست گرفتار شده است. با انقلابی که در جریان است و رنسانسی که در اعماق جامعه شکل گرفته جمهوری اسلامی خود را آماده رفتن می‌کند. مضحکه انتخاباتی پیش رو مشکلی از رژیم درمانده حل نخواهد کرد، بلکه از هم اکنون این انتخابات به یک بحران برای حکومت تبدیل شده است.

چهارشنبه ۲ اسفند ۱۴۰۲

۲۱ فوریه ۲۰۲۴

نگاهی به مبارزات بازنشستگان

شهلا دانشفر پاسخ می‌دهد

سوسن صابری: ماه‌هاست که شاهد تجمعات اعتراضی بازنشستگان در سراسر ایران هستیم. تا به امروز این اعتراضات چه دستاوردهایی برای بازنشستگان و همچنین سایر جنبش‌های اعتراضی داشته‌اند؟

شهلا دانشفر: بیش از یک سال است که بازنشستگان در اعتراض به فقر، فساد، بی‌تامینی و بساط دزد سالار حاکم و سرکوبگری‌های حکومت با تجمعات متوالی پر شور خود و با راهپیمایی‌هایشان حماسه آفریده و نقش مهمی در داغ نگاه‌داشتن فضای اعتراض در جامعه و تحرک سیاسی شهرها داشته‌اند. این اولین

دست‌آورد مبارزاتی این بخش رزمنده جامعه است. بازنشستگان پرچم‌دار اتحاد مبارزاتی طبقه کارگر هستند. بازتاب آن را در دو شعار کلیدی "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی، اتحاد اتحاد" می‌بینیم. در این راستا پیشروی‌های مهمی داشته و در عمل هم گام‌های مهمی برداشته‌اند. تدارک و برپایی تجمعات مشترک با فراخوان‌های بخش‌های مختلف نمونه درخشان آن است. امروز نیز در شهرهایی مثل اهواز و کرمانشاه تجمعات مشترک بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی به روال هفتگی تبدیل شده است. روز گذشته در کرمانشاه بازنشستگان مخاطرات نیز به تجمع اضافه شده و تجمع پرشوری برپا شد. دامنه این اتحاد مبارزاتی حتی فراتر رفته و از جمله در تجمعات سراسری پرستاران در این هفته شماری

از معلمان بازنشسته شرکت داشتند. در شیراز نیز معلم بازنشسته‌ای را می‌بینیم که در تجمع شرکت کرده و پیام همبستگی می‌دهد. مثال دیگر تجمعات مشترک کارگران رسمی و بازنشستگان در چندین شهر در چند ماه اخیر است. اینها نشانگر مسیر اتحاد مبارزاتی ۲۵ میلیون بازنشسته است که موضوعات مشترکی اعتراضاتشان را به یکدیگر وصل می‌کند. این چنین است که بازنشستگان با فریاد "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" کل جامعه را به اتحاد مبارزاتی فرامی‌خوانند.

حرکت جامعه به سوی شکل‌گیری چنین سطحی از همبستگی مبارزاتی بین جمعیت میلیونی بازنشستگان و کل جامعه زمینه را برای تجمعات و اعتصابات سراسری فراهم‌تر کرده و این پیشروی مهمی برای

بازنشستگان و سایر جنبش‌های اجتماعی است. این اتفاق همچنین تأثیر مستقیمی بر تحرک بخشیدن و داغ کردن دوباره تنور انقلاب زن زندگی آزادی دارد.

بازنشستگان همچنین سنگر محکمی در مقابل سرکوبگری‌های حکومت هستند. فریاد شعارهای “کارگر زندانی، معلم زندانی آزاد باید گردد”، “تجمع اعتراض حق مسلم ماست” بازتابش در تجمعات آنهاست. در همین هفته نیز بازنشستگان در اهواز با شعار “نه تهدید، نه زندان، نه اعدام نیست جلودار ما” صدای رسای جامعه علیه حکومت کشتار و اعدام بودند.

بازنشستگان با شعارهای اعتراضی خود علیه کل

حاکمیت و فریاد معیشت منزلت حق مسلم ماست،
صدای رسای انقلاب زن زندگی آزادی هستند.
بازنشستگان آینه‌ای از عکس‌العمل سریع به مسائل
سیاسی‌ای که در جامعه می‌گذرد هستند. از جمله
این را در شعارهای کوپنده و اعتراضی آنها علیه
تعرضات معیشتی حکومتی و یا هیاهوی انتخاباتی
حکومتی همراه با موج اعدام و سرکوبگری‌هایش
می‌بینیم و بالاخره نقش پیش‌تاز آنها در جلو آوردن
خواسته‌های سراسری‌ای چون درمان رایگان،
تحصیل رایگان، حق داشتن مسکن، حق تشکل
و اعتراض است. بازنشستگان با مبارزاتشان کل
بساط چپاول و غارت حکومت را به چالش کشیده
و در قلب مردم جا دارند. به دنبال چنین مبارزات
درخشانی بازنشستگان امروز متحد، سازمان‌یافته و
رزمنده ایستاده و خواسته‌هایشان را پیگیرند و این

بزرگ‌ترین دستاورد مبارزات آنان است.

سوسن صابری: نقاط ضعف و یا موانع پیشرفت و گسترش این اعتراضات را در کجا می‌بینید و چه راه‌حلهایی برای رفع این موانع پیشنهاد می‌کنید؟

شهلا دانشفر: به نقاط قوت و پیشروی‌ها اشاره کردم. طبعاً در برخی شهرها مانند اهواز، کرمانشاه، شوش، اعتراضات بازنشستگان به دلیل ابعاد اجتماعی‌ترش با قدرت بیشتری جلو می‌رود. می‌شود این شهرها را الگو قرار داد و تجربیات آنها را تکثیر کرد. درعین حال هر هفته شاهد شرکت شمار بیشتری از بازنشستگان در تجمعات هستیم و حضور زنان چشمگیر است. تأکید من بر شرکت هر چه وسیع‌تر بازنشستگان و گسترش دامنه اعتراضات به شهرهای

هر چه بیشتری است. حمایت کارگران شاغل از
بازنشستگان موضوع مهم دیگر است. صنعت نفت
و تجمعات مشترک بازنشستگان و کارگران شاغل
نسخه عملی آن را داده است. همین تجربه را می شود
سراسری بکار گرفت. اینها همه نکاتی در جهت
همان شعارهای کلیدی بازنشستگان برای اتحاد
مبارزاتی سراسری است. اعتراضات بازنشستگان
شایسته وسیع ترین حمایت ها است.

چهارشنبه ۲ اسفند ۱۴۰۲

۲۱ فوریه ۲۰۲۴

موسیقی و زامبی‌های اسلامی

شهاب بهرامی

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران گفته است: ”سیاست ما گسترش و ترویج موسیقی نیست.“

این یکی از همان افرادی است که دستور بسته شدن اینستاگرام ”صادق بوقی“ را بعد از رقص زیبایش صادر کرد. این همان فردی است که بعد از درنوردیده شدن مرزها و جهانی شدن کلیپ رقص صادق بوقی با ده‌ها میلیون بیننده، ناچار شد بگوید که این هنر ما ایرانیان جهانی است، چه سنگ‌پایی!

در بعضی از مراکز درمانی حیوانات، حیواناتی را

نگهداری می‌کنند که دچار افسردگی شدید بر اثر کارهای شاق و سنگین و ضرب و شتم شدید صاحبانشان شده‌اند. یکی از روش‌های درمان، استفاده از نواختن موزیک به صورت زنده است. هر روز عصر پیانیست در محوطه چمن پارک حیوانات، قطعه زیبایی از کلاسیک‌های مشهور را می‌نوازد، فیل به شدت افسرده و غمگین از لابه‌لای درختان بیرون آمده و به پیانیست گوش می‌دهد. هم‌زمان با نوای پیانو، موزون و آرام به چپ و راست تکان می‌خورد رقصی محزون در ژانر فیل. با پایان نواختن پیانو، فیل در میان درختان ناپدید می‌شود.

روانشناسان معتقدند کسانی که از موسیقی لذت نمی‌برند و یا آن را نفی می‌کنند نیازمند کمک‌های روان‌درمانی و روانپزشکی هستند. این داستان

جماعتی است که از گودال‌های زامبی‌ها بیرون کشیده شده و به سکوی قدرت پرتاب شده‌اند. لذت‌بردن از شنیدن موسیقی چه در دنیای حیوانات و چه در دنیای کودکان و حتی نوزادان امر جدیدی نیست، گفته می‌شود حتی در جهنم نیز یک آن، صدای رقص و موزیک و شادی دوزخیان قطع نمی‌شود.

طالبان تلویزیون‌ها را در معابر دار می‌زدند. داعشی‌ها در ایران نوارهای کاست را خرد می‌کردند، دیش‌ها را جمع می‌کردند، جوان‌ها را شلاق می‌زدند؛ اما شمع زندگی را نتوانستند خاموش کنند. شعله‌های زندگی مشعلی شد در دستان شروین‌ها و یراحی‌ها و توماج‌ها، همچنان که زمانی در دستان بیلی هالیدی‌ها، نینا سیمونه‌ها،

باب دیلان ها، سام کوک ها و غیره بود. به مانند
خاکریز حجاب خاکریز موسیقی هم مدت ها است
که به دست مردم و جوانان این انقلاب تسخیر شده
است، بیهوده دست و پا نزنید مرده های متحرک،
زامبی ها.

چهارشنبه ۲ اسفند ۱۴۰۲

۲۱ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۶۰

۲۲ فوریه ۲۰۲۴ - ۳ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

رژیم دروغگو و خشم مادران دادخواه

سیما بهاری

کارگران گروه ملی فولاد اهواز: نه تهدید، نه زندان، دیگر اثر

ندارد

شهلا دانشفر

مالیات از بساطی‌های بی بساط!

سینا پدرام

”انفجار مرگ“ در میان کودکان غزه

محسن ابراهیمی

رژیم دروغگو و خشم مادران دادخواه

سیما بهاری

”معصومه احمدی، مادر محمد قبادلو، معترضی که ماه گذشته اعدام شد، خبر داد که مأموران حکومتی برگه‌ای را به‌عنوان وصیت‌نامه فرزندش به او تحویل داده‌اند. او تأکید می‌کند که این ”نه دستخط محمد است و نه امضای محمدم.“ معصومه احمدی می‌گوید دروغ‌ها همچنان ادامه دارد.“

در دنیای این روزها زشتی‌های زیادی وجود دارد. در جنگ غزه دسته‌دسته کودک می‌کشند و می‌گویند داریم با تروریسم می‌جنگیم. جنگ‌افروزان دروغ

می‌گویند. در زندان‌های جمهوری اسلامی برای انسان‌های بی‌گناه پاپوش درست می‌کنند و بی‌محاکمه به طناب دار آویزان‌شان می‌کنند. آنها دروغ می‌گویند. ده‌ها نفر را زیر شکنجه در زندان و حتی بعد از زندان می‌کشند و می‌گویند خودکشی کردند. آنها دروغ می‌گویند. پرونده جمهوری اسلامی پر است از دروغ‌های بزرگ. دروغ‌هایی که جان انسان‌های عزیزی را می‌گیرد و روی زخم‌هایشان به قول مادر محمد قبادلو نمک می‌پاشد و خشمشان را زیاده‌تر می‌کند. دنیایی که حکومت اسلامی و امثال آنها ساخته‌اند دنیای زشتی‌ها و شیادی‌ها و دروغ‌ها و خونریزی‌ها است.

انسان‌های شریف و نازنینی دارند می‌جنگند تا دور را از دست اینها در بیاورند و انقلاب زن زندگی

آزادی این تلاش را دارد به سرانجام می‌رساند. این تلاش‌ها بسیار زیبا و امیدوارکننده هستند. مادرانی که آمال فرزندان اعدامی خود را به پرچمی در دست و چراغی در دلشان تبدیل کرده‌اند، زنانی که در زندان‌ها با اعتصاب غذا و بیانیه و نوشتن نامه، شکنجه و شلاق و مرگ را به سخره گرفته‌اند، و معصومه احمدی که هنوز داغش تازه است و می‌گوید ”دروغ‌هایشان خشم ما را زیاده‌تر می‌کند“، اینها همه امید هستند و نوری که راه را روشن می‌کند. اینها قهرمانان این نبرد هستند.

جهان علیه اعدام به پاخاسته است. صدای این مادران، قامت ما را راست نگه می‌دارد. محمد قبادلو، رامین حسین پناهی، مهسا امینی و هزاران قلب مشتاق زندگی را که از ما و خانواده‌هایشان

گرفتند، دادخواهی و سرنگونی طلبی را به درخت
تناوری تبدیل کرده که ریشه‌هایش دارد زمین
حاکمیت نحس جمهوری اسلامی را زیرورو می‌کند
و هر زشتی و پلیدی را از بیخ در می‌آورد و پیش
می‌رود و برگ‌ها و شاخه‌هایش نوید زندگی شادتر
و دنیای بهتری را می‌دهد. این امیدی است که
توانمان برای سرنگونی این نکبت اسلامی را چندین
برابر می‌کند.

پنج‌شنبه ۳ اسفند ۱۴۰۲

۲۲ فوریه ۲۰۲۴

کارگران گروه ملی فولاد اهواز: نه تهدید، نه زندان، دیگر اثر ندارد

شهلا دانشفر

دوم اسفند دومین روز اعتصاب کارگران تمامی بخش‌های کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به تعلیق از کار شماری از همکارانشان و اجرای ناقص طرح طبقه‌بندی مشاغل بود. کارگران تعلیقی مقابل شرکت چادر زده و در تحصن هستند. کارگران شرکت با اعلام اینکه اخراج خط قرمز آنهاست و با فریاد "نه تهدید، نه زندانی، دیگر اثر ندارد" ایستاده و پیگیر مطالباتشان هستند. روز گذشته آنها با شعار "کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد" از شرکت تا ابتدای جاده خرمشهر راهپیمایی کردند. فولاد اهواز نقش مهمی در

تولید مواد اولیه در قطعه‌سازی، ماشین‌سازی، ساختمان‌سازی و نفت و به‌ویژه تأمین قطعات استراتژیک نظامی برای سپاه دارد. الیگارشی قدرتمند فولاد ایران و سپاه مشترکاً مالکیت آن را در چنگ دارند و بارها بین دستگاه‌ها و اشخاص حکومتی دست‌به‌دست شده است. یک خواست کارگران برکناری مدیریت مافیایی شرکت است. کارگران اعلام کرده‌اند اگر همکارانشان به کار باز نگردند و مطالباتشان پاسخ نگیرد، دوباره به خیابان خواهند آمد.

اعتراضات قدرتمند کارگران فولاد اهواز بازتاب وسیعی در جامعه داشته و صدایش جهانی شده است. بخش انترناسیونال اتحادیه سندیکای سولیدر فرانسه؛ با بیش از صد اتحادیه و سندیکای کارگری از اروپا و آسیا گزارش مبسوطی از اعتراضات این کارگران منتشر کرده و با اشاره به محرومیت

کارگران از حقوق پایه‌ای تشکل و اعتصاب بر حمایت وسیع بین‌المللی از این کارگران تأکید نموده است. در بخشی از آن چنین آمده: "خلف وعده کارفرما یعنی مدیریت بانک ملی در انجام تعهدات، خشم کارگران معترض را چنان برانگیخت که بنا بر تصمیم جمعی با رأی اکثریت کارگران مانند اعتصاب‌های سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ اعتراض را به تمام خیابان‌های اهواز کشاندند. حمایت گسترده مردم اهواز از اعتراض خیابانی کارگران و همدلی وسیع در دیگر مراکز صنعتی در سراسر ایران منجر به عقب‌نشینی در مقابل قسمتی از مطالبات کارگران شد؛ اما پرونده‌سازی امنیتی رژیم ایران با هدف پیشگیری از تسری اعتراضات فولاد به صنایع دیگر رخ داده است. این کارگران نسبت به پایین‌بودن سطح دستمزد و همچنین عدم تبدیل وضعیت شغلی هزار نفر از کارگران شرکت پیمانکاری شفق راهیان به حالت قراردادی،

معتراض‌اند و تهدیدات امنیتی علیه آنها خطری جدی است.“

جلب حمایت مردمی و جنبش کارگری، بازتاب جهانی اعتراضات و جلب همبستگی جهانی، اتکا به مجمع‌عمومی و تصمیم‌گیری جمعی و اعتراضاتی چنین قدرتمند نشانگر جایگاه مهم اعتراضات کارگران فولاد اهواز است. از اعتراضات آنها حمایت کنیم و از درس‌هایش بیاموزیم.

پنج‌شنبه ۳ اسفند ۱۴۰۲

۲۲ فوریه ۲۰۲۴

مالیات از بساطی‌های بی بساط!

سینا پدرام

به گزارش پایگاه خبری انتخاب به نقل از وزارت اقتصاد: دست‌فروشان مشمول مالیات می‌شوند / دست‌فروشان باید احراز هویت شوند و دستگاه کارت‌خوان داشته باشند تا بدانیم چه مقدار درآمد دارند.

در ماه‌ها و سال‌های اخیر رژیم اسلامی از هر امکان اقتصادی در ایران برای پر کردن جیب سران خود استفاده کرده است. دست‌اندازی به درآمد زبانه گردان و بخصوص زنان زبانه گرد از آخرین شگردهای رژیم اسلامی برای غارت دسترنج مردم است. انحصار هر نوع بیزینسی در دست دولت و

نهادهای دولتی تلاش حکومت اسلامی برای کسب در آمد در دوره‌ای است که درآمدهای نفتی به پایین‌ترین سطح خود سقوط می‌کنند.

ترفندهای جدید مالیاتی برای کسب درآمدهای هنگفت سال‌هاست که به پروژه‌های دولت‌های مختلف تبدیل شده است. مالیات در بهترین تعریف یعنی تأمین هزینه‌های دولت از جیب مردم. اینکه چه مقدار از این مالیات‌ها خرج هزینه‌های اجتماعی می‌شود بیشتر از اینکه مشروط به تعهدات دولت باشد، به موازنه قدرت طبقاتی سیاسی جامعه در سطح عمومی دارد. به عبارت ساده‌تر هر چقدر مردم توانسته باشند تأمین هزینه‌های رفاهی اجتماعی را به حکومت و هیئت حاکمه تحمیل کنند، میزان بیشتری از مالیات‌ها صرف به اصطلاح امور اجتماعی می‌شود.

واقعیت دیگر در مورد معضل دست فروشان این است که این رژیم هرگز محل‌های مشخص با امکانات زیرساختی لازم برای دست فروشان به وجود نیاورده است تا حتی از مشقت کار دست فروشی ذره‌ای کاسته شود. حملات وحشیانه مأموران شهرداری‌ها به بساط دست فروشان و دوره گردان از سویی و اخاذی این مأموران از بساطی‌ها از سوی دیگر، هیچ هدفی جز تاراج چندرغاز در آمد این مردان و زنان زحمت کش نداشته است.

متأسفانه نبود یک تشکل و اتحادیه‌ای که از منافع و حقوق مشترک دست فروشان در مقابل دولت دفاع کند، این زحمت کشان را هر چه بیشتر در مقابل این نوع حملات حکومتی آسیب پذیر کرده است. به هر رو دست فروشان چاره‌ای جز مبارزه متحدانه

برای مقابله با دست‌اندازی‌های دولت و شهرداری‌ها
ندارند. سازمان‌دادن گروه‌های اطلاع‌رسانی در
مدیای اجتماعی و سازماندهی اعتراض در مقابل
شهرداری‌ها شاید از اولین اقدامات ممکن برای
مقابله با دست‌اندازی‌های رژیم باشد. تنها با پشتیبانی
از همدیگر و همبستگی در مقابل این تعارضات
می‌توان ایستادگی کرد.

پنج‌شنبه ۳ اسفند ۱۴۰۲

۲۲ فوریه ۲۰۲۴

”انفجار مرگ“ در میان کودکان غزه

محسن ابراهیمی

صندوق حمایت از کودکان ملل متحد (یونیسف) هشدار داده است که دست کم ۹۰ درصد کودکان زیر پنج سال در نوار غزه دچار یک یا چند بیماری عفونی هستند. باتوجه به کمبود جدی دارو و آب و غذا می‌توان به ابعاد و عمق دهشتناک فاجعه در باره کودکان غزه پی برد. یونیسف از ”انفجار مرگ“ در میان این کودکان خبر می‌دهد. انفجار مرگ یک نسل کامل کودکان که تنها جرمشان این است که در غزه تحت حاکمیت باندهای اسلامی، در غزه تحت محاصره فاشیست‌هایی از نوع بنیامین نتانیاهو چشم بر دنیای سرشار از رنج و محرومیت گشوده‌اند!

تازه اینها "خوش‌شانس" ترین کودکان هستند که زیر بمب‌های نتانیا‌هو جز‌غاله نشده‌اند که زیر خروارها خاک و بتون و آهن مدفون نشده‌اند که حتی جنازه‌هایشان پیدا نمی‌شود تا مادران و پدران با اشک اندوه بر سر خاکشان تسلی پیدا کنند.

این کودکان که هر لحظه می‌توانند قربانی این "انفجار مرگ" شوند؛ همین‌الان لحظات دردناکی را از سر می‌گذرانند. فقط چند مورد از لحظات اندوهناک این کودکان در یک گزارش این‌چنین درج شده است:

"حسین و پسرعموهایش قبلاً باهم بازی می‌کردند، اما حالا در کنار قبرهای شنی در کنار مدرسه‌ای در مرکز غزه نشسته‌اند که بعضی از بستگانشان در آنها دفن شده‌اند. همه این بچه‌ها یک یا هر دو

والدین خود را از دست داده‌اند.

عابد حسین که در اردوگاه پناهندگان البریج زندگی می‌کرد، می‌گوید: ”موشک افتاد روی مادرش و بدنش تکه‌تکه شد. تا چند روز اعضای جداشده بدن او را از زیر آوار بیرون می‌آوردیم.“
”وقتی گفتند برادرم، عمویم و تمام خانواده‌ام کشته شده‌اند، احساس کردم قلبم آتش گرفته.“

”عابد با حلقه‌های کبود زیر چشمش، شب‌ها بیدار می‌ماند؛ چون از صدای گلوله‌باران اسرائیل می‌ترسد و احساس تنهایی می‌کند.“

”زمانی که مادر و پدرم زنده بودند، من راحت می‌خوابیدم؛ اما پس از کشته‌شدنشان، دیگر نمی‌توانم بخوابم. من کنار پدرم می‌خوابیدم.“

مرتکبین جنایت علیه کودکان غزه باید در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه شوند. در صندلی‌های

ردیف اول چنین داد گاهی باید چه کسانی بنشینند؟
نتانیاهو و همه کابینه جنایت کار و ژنرال‌هایی
که با خونسردی تمام آتش بر سر این کودکان
ریختند؛ خامنه‌ای و سران حماس که برای خون
رساندن به "محور مقاومت" شان جنایت ۷ اکتبر
را راه انداختند و عملاً از نتانیاهوی ماشه به دست
فاشیست دعوت کردند تا یکی از هولناک‌ترین
کودک‌کشی‌های تاریخ را رقم بزنند؛ و بالاخره آن
مقامات دول غرب که زیر بغل نتانیاهو را گرفتند
تا با خیال راحت کشتار کند.

پنج‌شنبه ۳ اسفند ۱۴۰۲

۲۲ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۶۱

۲۴ فوریه ۲۰۲۴ - ۵ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

روحانی چرا رد صلاحیت شد؟

اصغر کریمی

معنای پیروزی انقلاب برای زنان در ایران

سیما بهاری

ابطال مهر در انتخابات و ابطال رژیم

سیاوش آذری

پاکسازی گسترده در دستگاههای اجرایی

کیوان جاوید

روحانی چرا رد صلاحیت شد؟

اصغر کریمی

حسن روحانی پس از رد صلاحیت خود برای نامزدی مجلس خبرگان، برای سومین بار در نامه سرگشاده‌ای نوشت، چرا شورای نگهبان دلایل رد صلاحیت او را اعلام نمی‌کند. سخنگوی شورای نگهبان می‌گوید شکایتی از سوی روحانی دریافت نشده و یکی دیگر از مقامات شورای نگهبان گفته است که روحانی در روزنامه‌ها شکایت کرده است.

این زبان نرم و دیپلماتیک ابعاد مساله را نمیرساند. شعار "استخر فرح در انتظار" که توسط تعدادی از طلبه‌ها علیه روحانی سر داده می‌شد، خیلی روشن‌تر عمق

نفرت مقامات از یکدیگر را توضیح میدهد. و ماجرا فقط مربوط به روحانی نیست. رفسنجانی و احمدی نژاد، دو رئیس جمهور سابق، لاریجانی رئیس مجلس و مصطفی پورمحمدی عضو "هیئت مرگ" در دهه شصت هم صلاحیتشان رد شد. خاتمی ممنوعالتصویر شد. موسوی و کروبی نخست وزیر و رئیس مجلس سابق هم ۱۴ سال است در حبس خانگی هستند. در واقع همه نخست وزیران و روسای جمهور حکومت از دهه شصت به اینطرف بجز خامنه‌ای سرنوشت مشابهی داشته‌اند. به این موارد باید سر به نیست شدن برخی فرماندهان رده بالای سپاه را هم اضافه کرد. این مساله در سطوح میانی مقامات ابعاد گسترده‌تری دارد.

هر رئیس جمهوری آمده بدلیل ناتوانی در حل مشکلات، به شیوه‌ای سیستماتیک کاسه کوزه‌ها را بر سر رئیس

جمهور و کابینه قبلی شکسته است. این ریزش‌ها حلقه حکومتیان را بسیار کوچک کرده است. به این مجموعه دعوای حاد بر سر سهم‌خواهی و بالا کشیدن اموال عمومی در میان باندهای مختلف حکومت را هم باید اضافه کرد.

همه اینها ریشه در بحران‌های لاعلاج حکومت و دورنمای سرنگونی دارد. بحران اقتصادی، بحران رابطه با غرب و بویژه آمریکا و مهمتر از همه نفرت عمومی از حکومت و هجوم به بنیادهای سیاسی و ایدئولوژیک حکومت موقعیت حکومت در جامعه را نشان میدهد. در چنین وضعیتی حکومت چاره‌ای جز کنار زدن و حتی زندانی کردن مقاماتی که کوچکترین زاویه‌ای با دیکتاتور اعظم و حلقه سخت! قدرت دارند، ندارد. با توجه به نفوذ هر مقام سابق در میان نیروهای سپاه،

نیروهای امنیتی اطلاعاتی، مقامات اداری، دم و دستگاه
روحانیت و مدیران و کارفرمایان میتوان وضعیت درونی
حکومت را دقیق‌تر ارزیابی کرد. بیجهت نیست که
شاهد اینهمه افشاگری علیه یکدیگر و لو دادن اسناد
محرمانه هستیم.

حکومت از درون تهی و شکننده، در میان نیروهای
خود غیر قابل دوام و در میان مردم خوار و ذلیل است.
نه قادر است به شیوه سابق حکومت کند و نه مردم
حاضرند به شیوه سابق حکومت شوند. این وضعیت
آبستن فروپاشی از درون و یک انقلاب عظیم برای
پایان دادن به یک دوره تاریخی است.

شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۲

۲۴ فوریه ۲۰۲۴

معنای پیروزی انقلاب برای زنان در ایران

سیما بهاری

زن و نظام های سیاسی در تاریخ معاصر ایران دو قطب آهن ربا هستند که منظمآ همدیگر را دفع می کنند. تاریخ ۱۰۰ سال اخیر ایران بازتاب موقعیت بشدت فرودست زنان در جامعه است. در دوران رضا شاه زنان اجازه یافتند به مدرسه بروند و حجاب بر سر نداشته باشند. این همه آن حقوقی است که به زنان در آن دوره تاریخی داده شد. هر چند همینکه زنان می توانستند درس بخوانند و حجاب نداشته باشند نسبت به گذشته یک پیشرفت محسوب می شود اما موقعیت فرودست زنان در آن دوره تاریخی نیز بازتاب مداخلات حکومت

وقت با مذهب و تعصب مذهبی و مردسالاری بود.

در دوره سلطنت محمد رضا پهلوی زنان از حق رای برخوردار شدند تا گذر از جامعه فئودالی به نظام سرمایه داری تکمیل شود. میدانیم که یک اصل اساسی در جامعه سرمایه داری استفاده از نیروی کار زنان است و تا آن زمان که این نیروی کار ارزان خانه نشین باشد سود سرمایه داری تماماً تامین نمی شود. این هم نهایت آزادی زنان در این دوره است. بیاد داشته باشیم در امتداد همین خط، در انقلاب زن زندگی آزادی، سلطنت طلب ها، اعم از زن و مردشان، شعار ”مرد میهن آبادی“ را علم کردند و فرح پهلوی هم در تشریح شعار زن زندگی آزادی بر مادر بودن زن تاکید می کند تا بی ربطی

و دشمنی خود را با اهداف این انقلاب عیان کنند.

دوره بعدی در زندگی زنان، به قدرت رسیدن اسلام سیاسی و حکومت اسلامی است. تاریکترین دورانی که می شود علیه حق حیات و کرامت و هویت انسانی به چشم دید. اما واقعیت تلخ این است که زنان پیش از کسب قدرت توسط اسلامی های جنایتکار از حقوق انسانی برابر در جامعه برخوردار نبودند.

این فرودستی زنان چه در قانون و چه در فرهنگ ارتجاعی و مردسالاری حاکم بر جامعه بشدت جان سخت است و بازتاب آن را منظم در جامعه می بینیم. انقلاب زن زندگی آزادی در سطح کلان این فرودستی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی را به چالش

کشیده است و با سرنگونی جمهوری اسلامی زنان به تمام معنا باید آزاد و برابر و رها شوند. این فرمان انقلاب ما است که به زنان امکان میدهد تماما از قید و بند مذهب و مردسالاری رها شوند و به استقلال کامل دست یابند. آزادی زن تنها با برقراری سوسیالیسم ممکن می شود، سیستمی که برقراری یک جامعه انسانی هویت بنیادی آن است.

شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۲

۲۴ فوریه ۲۰۲۴

ابطال مُهر در انتخابات و ابطال رژیم

سیاوش آذری

بنا بر گزارش رسانه های داخل کشور در انتخابات آتی مجلس اسلامی و خبرنگاران لزومی برای مُهر کردن شناسنامه وجود نخواهد داشت. بنا بر ماده ۱۱ قانون انتخابات رژیم اسلامی که اخیرا به تصوب رسیده، واجدین شرایط شرکت در انتخابات می توانند با ارائه مدرک معتبری که هویت آنها را احراز کند قادر به شرکت در انتخابات و فقط یک بار رای دادن خواهند بود.

ادعای برخی دست اندرکاران نظام اینست که با این روش جدید از سو استفاده رسانه های "معاند"

و مخالف درپایین نشان دادن مشارکت مردم در انتخابات جلوگیری بعمل خواهد آمد. همچنین روش جدید، اجباری نبودن شرکت در انتخابات را برای آدم و عالم نمایان خواهد ساخت. صد البته بی اساس و جعلی بودن چنین ادعاهایی جزئی از دانش عمومی است و مردم در ایران برای شعبده بازی انتخابات تره هم خرد نمی کنند.

قضیه چیست، رژیم می که حتی بسیاری از خودی ها از جمله حسن روحانی را برای کاندید شدن در انتخابات "آزادش" رد صلاحیت و برای نمونه فقط در یکی دو سال گذشته هزاران نفر را به دلائل "عقیدتی"، از جمله عدم شرکت در انتخابات، در آزمونهای استخدای آموزش و پرورش "رد گزینشی" کرده اکنون یاد حق داوطلبانه بودن شرکت در انتخابات افتاده است.

نکته اینجاست که همه دست اندر کاران ریز و درشت رژیم از سرد و خاموش بودن تنور انتخابات خود با خبرند. هر چه در توان داشتند انجام دادند تا شاید مردم را ترغیب به شرکت در مضحکه انتخاباتی خود کنند تا آنجا که ”رهبر الدنگ“ اعلام کرد، زنان بی حجاب هم می توانند در انتخابات شرکت داشته باشند. اما هر چه بیشتر تلاش کردند مسخره عام و خاص شدند. آتش انتخابات ”آزاد“ و مشارکت ”داوطلبانه“ حکومت اسلامی زیادی شور است.

اما نکته مهمتر، علت اصلی بی اعتنایی مردم به انتخابات کذایی رژیم است. مردم در ایران بسیار پیشتر با شعار ”اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا“ نحوه نگرش خود به انتخابات و کلیت رژیم اسلامی را بیان

کرده بودند. با آغاز انقلاب زن زندگی آزادی این نحوه
نگرش وارد فاز عملی گشت و مردم در کف خیابان
دست به کار تحقق بخشیدن به این شعار و سرنگونی
انقلابی رژیم شدند.

هیچ یک از شعبده بازی های رژیم مردم انقلابی و
در پیشاپیش آنان زنان را از جدال علیه حکومت الله
باز نخواهد داشت. مردم انتخاب خود را کرده اند و
یکبار و برای همیشه مهر "باطل شد" را بر پیشانی نظام
خواهند کوبید.

شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۲

۲۴ فوریه ۲۰۲۴

پاکسازی گسترده در دستگاههای اجرایی

کیوان جاوید

”رئیس دفتر بازرسی ویژه رئیس جمهور از برکناری ۹۰ مدیر دستگاههای اجرایی خبر داد و گفت که برخی از آنها به دلیل مغایرت عملکردشان با گفتمان دولت برکنار شده‌اند.“ این رئیس دفتر، ”پاکدستی، فسادستیزی و مردمی بودن“ را از ویژگی‌های دولت رئیسی عنوان کرده است.

یادآوری کنیم که آخرین نمونه از اختلاس سه میلیارد دلاری ”چای دیش“ در دوره همین رئیس جمهور ”ضد فساد“ اتفاق افتاده است. اما ماجرا حتماً این نیست که در ظاهر امر گفته می‌شود. واقعیت

این است که در این حکومت دیگر ”سگ صاحبش را نمی شناسد“. شیرازه حکومت در حال از هم پاشیدن است. فساد بنیادی و اختلاس های نجومی تنها یکی از جلوه های فروپاشی سیاسی نظام است.

سران بجا مانده از جمهوری اسلامی، آنها که هنوز تصفیه نشده اند، سرشان زیر آب نرفته و توسط باند رقیب در حکومت ترور نشده اند با این اخراج های گسترده دارند این پیام روشن را به جامعه می دهند که دامنه وفاداران به باند خامنه ای هر روز کوچکتر از قبل می شود. یا به سادگی با این پاکسازی درون حکومتی به فکر این هستند که بعد از مرگ خامنه ای با کمترین رقیب چه در سطوح بالای سران رژیم و چه در سطوح پایین تر روبرو

باشند.

در عین حال پاکسازی های درون حکومتی روشن کننده موضوع مهمی دیگری هم هست. این رژیم هیچ بخش از مردم را نمایندگی نکرده است. نه تنها این، مردم به انحای مختلف در برابر حکومت صف آرایي کرده اند. نخواستن حکومت و مخالفت گسترده و علنی با این رژیم دیگر به امر عادی در جامعه تبدیل شده است و ماشین کشتار جمهوری اسلامی هم علیرغم پُر کار بودن نتوانسته است ترسی در دلها ایجاد کند.

بحران ریشه ای سیاسی و اقتصادی موجود از یک سو و اعتراضات عمیق اجتماعی از سوی دیگر باعث

شده است شیرازه حکومت از هم بپاشد. تسویه حساب های فعلی تنها نوک کوه یخ بحران حکومتی است. با انقلابی که در دستور جامعه قرار دارد، باید منتظر آوار شدن این حکومت بر سر سازندگاناش باشیم.

شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۲

۲۴ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۶۲

۲۵ فوریه ۲۰۲۴ – ۶ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

اسناد قوه قضایه در خدمت سرنگونی حکومت اسلامی!

محسن ابراهیمی

تورم و راه حل آن

سینا پدرام

جوانان، بدون "استخوان بندی دینی"

کاظم نیکخواه

از قطع انگشتان تا آزادی غارتگر

یاشار سهندی

اسناد قوه قضائیه در خدمت

سرنگونی حکومت اسلامی!

محسن ابراهیمی

سه میلیون سند حک شده قوه قضائیه قبل از هر چیز تأییدی بر این حقیقت است که ما در ایران با یک باند مافیایی، امنیتی، نظامی، قضایی و اسلامی مواجه هستیم که مشغله دائمی همه نیروهایش از جمله دستگاه قضایی چیزی نیست جز پرونده شویی فساد و دزدی و جنایات خودشان و پرونده سازی علیه شهروندان؛ باندی تبهکار و همیشه نگران از مردم معترض که کاری ندارند جز تقسیم کار میان ارگان‌های مختلف نظام برای مقابله با مردم. صدها کارگروه سازمان می‌دهند نه برای حل مسائل و مشکلات جامعه بلکه برای

جلوگیری از خیزش مردم.

در میان این اسناد، یک سند "خیلی محرمانه" به امضای دبیر شورای امنیت کشور وجود دارد که مربوط به جلسه بررسی ابعاد امنیتی قتل مهسا/ژینا امینی در ۲۷ شهریور و اقدامات حکومت برای مقابله با مردم است. در این سند معلوم میشود که حکومت از لیدرهای میدانی و هسته‌های اولیه‌ای که این لیدرها برای شروع اعتراضات شکل می‌دهند بسیار واهمه دارد؛ چون در آغاز و گسترش اعتراضات نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ مقاومت و اطلاع‌رسانی و اعتراض خانواده‌های جان‌باختگان یکی از مهم‌ترین نقطه قدرت‌های جنبش مردم و موضوع نگرانی حکومت است، آن‌چنان که نیروهای امنیتی به هر چیزی چنگ می‌اندازند تا خانواده‌ها را ساکت کنند. برای مثال، در همین

جلسه امنیتی بارها تأکید می‌شود که باید به هر شکل ممکن خانواده مهسا را "مدیریت" کرد و اینکه "اگر پدر ایشان مصاحبه کوتاهی کند تمام مسائل حل می‌شود"، اما دیدیم که چگونه مادر و پدر مهسا جسورانه در مقابل تهدیدهای حکومت ایستادند.

در این سند نکات دیگری هم طرح می‌شود از جمله نگرانی از فضای مجازی، اعتراضات در خارج از کشور، اعتصاب‌ها، نقش پزشکان، ورود سلبریتی‌ها و معلوم می‌شود که در همه این عرصه‌ها صف مردم قدرتمند است و حکومت در ضعف کامل به سر می‌برد.

با اینکه مردم در ایران در باره خیلی از جنبه‌های این اسناد افشا شده مثل فساد و دزدی و جنایات

نیروهای حکومت آگاه هستند؛ اما انتشار چنین اسنادی کمک بزرگی به صف جنبش سرنگونی علیه حکومت می‌کند. برای مثال، تلاش بین‌المللی برای بایکوت جهانی حکومت اسلامی و تعقیب و دستگیری و محاکمه بین‌المللی سران جنایت‌کارش بسیار مهم است. در کنار هزاران شاکی و شاهد، بی‌تردید اسناد خود حکومت در باره جنایاتش، مثل شکنجه جسمی و روانی از جمله استفاده سیستماتیک از تجاوز جنسی متریال‌های معتبری در جهت تحقق این هدف هستند.

یکشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۲

۲۵ فوریه ۲۰۲۴

تورم و راه حل آن

سینا پدرام

مرکز آمار ایران نرخ تورم سالانه در ماه بهمن ۱۴۰۲ را ۴۲,۵ درصد اعلام کرد. بیشتر کارشناسان روند افزایشی نرخ تورم در سال آینده را پیش‌بینی کرده‌اند. با توجه به نرخ تورم و درعین حال نرخ خط فقر که در تهران به ۳۰ میلیون و در شهرستان‌ها به ۲۴ میلیون بالغ می‌شود، دو فرد شاغل هم قادر نیستند که از پس هزینه‌های زندگی بریبایند.

آمارهای این مرکز نشان می‌دهد که خانوارها در عرض سال ۱۴۰۲ به طور میانگین ۳۵ درصد بیشتر از ۱۴۰۱ برای خرید کالاها و خدمات مشابه هزینه کرده‌اند.

در ماه‌های اخیر نیز دولت اعلام کرده است که سال آینده فقط ۱۸ درصد به حقوق کارمندان و بازنشستگان اضافه خواهد کرد که باتوجه به نرخ تورم نتیجه‌ای جز فقر مضاعف و به خط فقر رانده شدن میلیون‌ها نفر بیشتر نخواهد داشت. سطح حقوق کارگران نیز یک موضوع مجادله طبقاتی است که هر ساله شدت و حدت بیشتری گرفته است.

لیست عواقب تورم بالا بسیار بالابند است. بیخانمانی، فقر و فلاکت، فشارهای مادی و روحی بر کودکان، بالارفتن بیماری‌های جسمی و روحی، افزایش خودکشی، افزایش تعداد کودکان کار و ده‌ها مشکلات خانوادگی دیگر از زمره نتایجی است که باید هر روزه شاهد آن باشیم.

تورم در این رژیم به عنوان یک منبع درآمد مضاعف

که از جیب و سفره مردم به یغما می‌رود، به شمار می‌آید. چاپ اسکناس‌های بدون پشتوانه که با هدف پر کردن بودجه دولت توسط به اصطلاح بانک مرکزی انجام می‌گیرد، عامل اساسی تورمی است که ما شاهد آن هستیم.

از انقلاب مشروطیت تا کنون جامعه ایران مطالبات رفاهی و سیاسی را دنبال کرده‌اند که هنوز جواب نگرفته است. انقلاب مشروطیت ایران را وارد جهان مدرن کرد. سلطنت پهلوی جواب سرمایه‌دارانه به این انقلاب بود. جوابی که با انقلاب ۵۷ به چالش کشیده شد.

رژیم اسلامی با سرکوب انقلاب ۵۷ درصدد بود که تمامی این مطالبات به همراه جهان مدرنی که به وجود آمده بود را به قهقرا بکشد. چهل و پنج سال مبارزه این مردم نشان داد که این هدف

نامقدس نمی‌توانست به جایی برسد.

واقعیت این است که هیچ راه حل سرمایه‌دارانه‌ای برای حل مشکلات اقتصادی در ایران وجود ندارد. اقتصاد سرمایه‌داری در ایران نتیجه‌ای جز ریاضت اقتصادی و این وضعیت وخیم که شاهدش هستیم، به وجود نخواهد آورد. پاسخ سوسیالیستی و رفاهی تنها آلترناتیوی است که این مطالبات تاریخی را می‌تواند به بار بنشاند.

یکشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۲

۲۵ فوریه ۲۰۲۴

جوانان، بدون "استخوان‌بندی دینی"

کاظم نیکخواه

دست‌اندرکاران حکومت اسلامی از وحشت اینکه مضحکه انتخاباتی‌شان بی‌رونق باشد، دوره‌افتاده‌اند و هر روز در شهر و روستایی در وصف اهمیت شرکت در انتخابات روضه‌خوانی و تعزیه‌گردانی می‌کنند. کارشان این روزها تماماً التماس رأی است. یکی از آنها حسینی بوشهری رئیس "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" است که روز گذشته در شهرستان دیلم یک‌عالمه صغرا کبراچید تا مردم را به شرکت در انتخابات قانع کند. او در مورد ضدیت جوانان با حکومت اسلامی بحثش این بود که "استخوان‌بندی دینی نسل جوان ما شکل نگرفته است پس باید بکوشیم تا فهم عمیقی نسبت به دین پیدا کنند!"

به این بابا باید گفت نه نگران نباش برعکس است. جوانان و مردم ایران از همه جای دنیا بیشتر و عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر دین را می‌شناسند. طی چهل و چند سال گذشته تا کنون همه مردم دیده‌اند و فهمیده‌اند که دین یعنی تجاوز به کودکان و زنان، یعنی جنایت و اعدام، یعنی چپاول و اختلاس‌های نجومی، یعنی گند و کثافت. فهمیده‌اند که شما آخوندها و آیت‌الله‌ها که منبع دین هستید، فاسدترین و رذل‌ترین موجودات عالمید و شعارشان این است که ”آخوند برو گم شو“.

همین حسینی بوشهری در این روضه‌خوانی همچنین می‌گوید: ”عدم حضور مردم در پای صندوق‌های اخذ رأی از اهداف معاندان نظام است. ولی مردم در ۱۱ اسفند حماسه دیگری خلق می‌کنند“.

بله از ترس ”حماسه مردم“ دارند از عراق و سوریه

مزدور وارد می کنند که به عنوان ”مردم در صحنه“ رأی بدهند، ستاره پورن وارد می کنند که مردم را به رأی گیری تشویق کند، و شب و روز از توطئه ”معاندان نظام“ در مورد انتخابات هشدار می دهند.

حماسه واقعی مردم روزی است که نه فقط مضحکه انتخابات، بلکه کل بساط حکومت منفور و ضد عقل و ضد انسان را جارو کنند. بله جوانان و مردم این کشور نشان داده اند که مصمم اند این حماسه را به عمل در آورند و در خواهند آورد. آخوندهای میلیاردی و متعفن و کل ابواب جمعی حکومت از این حماسه است که خواب ندارند.

یکشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۲

۲۵ فوریه ۲۰۲۴

از قطع انگشتان تا آزادی غارتگر

یاشار سهندی

اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، خبر داده که "صدق" بابک زنجانی، یک غارتگر پرورش‌یافته در دامن حکومت، بر قوه قضائیه حکومت معلوم شده و همه اموالی که چپاول کرده "مسترد" شده. این رئیس جانیان با عنوان قاضی، تأکید کرد: "با احتساب اموالی که قبلاً مسترد شده، اضافه هم خواهیم آورد!" اینکه چه مقدار مسترد شده مسکوت مانده؛ اما با حساب و کتاب روزنامه حکومتی اعتماد "با قیمت دلار ۳ هزار و ۵۰۰ تومان سال ۱۳۹۲، رقم بدهی زنجانی حدود ۹ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان می‌شد و با دلار بیش از ۵۰ هزار تومانی امروز، ۱۴۰ هزار میلیارد تومان

می‌شود.“ بابک زنجانی که قبل از ”فساد چای دیش“ مقاوم اول ”فساد“ را از آن خود کرده بود، در دادگاه‌های جمهوری اسلامی محکوم به اعدام شده بود.

در طی یک سال گذشته حکم قطع عضو حداقل چهار نفر از مردمان نگون بخت متهم به دزدی اجرا و انگشتان دستانشان قطع شده است. پرونده‌ای که محکوم آن متهم به دزدی ۵ رأس گوسفند بوده و تمام مدت هم فریاد می‌زده این کار را نکرده، بیشتر از همه بر سر زبان‌ها افتاد. بنا بر برخی اخبار، ده‌ها نفر در معرض این حکم غیرانسانی قرار دارند.

به متهم به دزدی و اختلاس، چون ”خدمات“ زیادی به حکومت اسلامی داشته، فرصت داده‌اند

”صدق“ خود را ثابت کند؛ اما به متهم به دزدی ۵ رأس گوسفند که مدام تأکید داشته کار من نبوده حتی فرصت نمی‌دهند ۵ رأس گوسفند تهیه کند و خدمت ایشان تقدیم کند. مورد دیگر، صدور حکم اعدام در سال ۱۳۹۱ برای کسی که به همراه دوست خود برای تهیه داروی مادرش با قمه ”زورگیری“ کرده بود و اجرای بلافاصله آن بود. گفته شده کسی که مورد حمله واقع شده بود با شنیدن صدور حکم اعدام از شکایت خود صرف‌نظر کرده بود.

بابک زنجانی چندان هم در زندان نمانده، چرا که دوستانش از سرکوبگران به نام سال ۸۸ بوده‌اند و ظاهراً او راه و چاه دورزدن تحریم‌ها را هم بلد است و به دلایل دیگری که ما نمی‌دانیم،

به زودی آزاد می‌شود. اما متهمی نگون‌بخت و از مردم عادی به سرعت به قتل می‌رسد یا قطع عضو می‌شود. دزدی برای تهیه یک نیاز ابتدایی و مجازات غیرانسانی آن در مقابل غارت ثروت مردم و مشمول "عدل و رأفت اسلامی" شدن تنها در شرایطی ممکن است که نابرابری اساس نظام حاکم باشد. جمهوری اسلامی متکامل‌ترین شکل چنین نظامی است.

یکشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۲

۲۵ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۶۳

۲۶ فوریه ۲۰۲۴ - ۷ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

بازی مرگ با جان بیماران

پیمان بخشایش

یاسمین پهلوی و جنبش علیه اعدام

سیما بهاری

فیلتر شکن سنگر شکن

کیوان جاوید

یک سؤال در باره حزب کمونیست کارگری

حمید تقوایی پاسخ میدهد

کمپین مالی حزب

لیست شماره یک

بازی مرگ با جان بیماران

پیمان بخشایش

رئیس سازمان نظام پزشکی خواستار افزایش ۴۶ درصدی تعرفه‌ی پزشکان شد. بر اساس ابلاغیه هیئت وزیران مصوب ۲۹ فروردین ۱۴۰۲ بخش خصوصی ویزیت پزشکان عمومی ۹۰ هزار تومان، ویزیت پزشک متخصص ۱۳۵ هزار تومان، ویزیت پزشک فوق تخصص ۱۷۴ هزار تومان، ویزیت متخصص روانپزشکی ۱۷۹ هزار تومان، ویزیت فوق تخصص روانپزشکی ۲۰۴ هزار تومان، نرخ ویزیت کارشناسان ارشد پروانه دار در رشته های پیراپزشکی ۷۳ هزار تومان و ویزیت کارشناسان این رشته ها ۶۳ هزار تومان تعیین شده بود.

دلیل افزایش تعرفه ها، جلوگیری از موج مهاجرت پزشکان و پرستاران اعلام شده است. حکومت سرمایه داری اسلامی با بحران سرمایه داری، رشد لجام گسیخته ی تورم و کاهش ارزش پول رایج کشور رو بروسـت. پزشکان و پرستاران مجبورند غالباً با اضافه کاری در بخش خصوصی و انجام دو یا سه کار با شیفـت های متعدد روزگار بگذرانند. طبیعی است که افزایش تعرفه ها به فشار اقتصادی به بیماران می انجامد. سوالی که پیش می آید این است چاره چیست؟

طبیعی است که امروز نظام پزشکی در بسیاری از کشورهای اروپایی و غربی، درس های فراوانی دارد و همین می تواند کلید راه حل تغییر وضعیت نظام

پزشکی برای همه مردم در این هم باشد. در غالب این کشورها درمان دولتی است و همه ی شهروندان از پزشکی و بهداشت رایگان استفاده می کنند و عموماً درمان و دارو هیچ هزینه ای برای بیماران ندارد. یا اینکه شهروندان تحت پوشش بیمه های فراگیر دولتی اند و می توانند از بیمه ی خود هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی استفاده کنند.

طبیعی است که پزشکان و پرستاران از حرفه ی خود زمانی احساس رضایت می کنند که در عین تمام مشکلات و سختی ها و بی خوابی ها، زندگی مادیشان تأمین باشد و حقوق و مزایایشان هم سطح با تورم تطبیق پیدا کند. اتحادیه های پزشکان و پرستاران هر ساله پیگیر این امر اند. چاره کار در ایران هم همین

است. بهداشت و درمان باید عمومی و رایگان شود. هیچ انسانی نباید بخاطر وضعیت مالی مورد تبعیض درمانی و بهداشتی قرار بگیرد و جانش در معرض خطر قرار بگیرد. جامعه مسئول است شهروندان را در مقابل بیماری ها و نیازمندی های درمانی و پزشکی محافظت کند. مخارج درمانی و بار مالی هزینه ها به شکل بیمه ی فراگیر یا بهداشت و درمان دولتی و بدون هزینه بر عهده دولت است.

دوشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۲

۲۶ فوریه ۲۰۲۴

یاسمین پهلوی و جنبش علیه اعدام

سیما بهاری

یاسمین پهلوی: "اعدام تحت حکومت جمهور اسلامی
قتل عمد سازمانیافته است."

جنبش علیه اعدام آنچنان قوی پیش میرود و همه را
تحت تأثیر خود قرار داده که حتی طرفداران حکومت
شاه راهم وادار کرده درباره آن سخن بگویند. انسانهای
شریف زیادی در این جنبش سهیم شده اند و این اتفاق
قلب هر انسان عاشق زندگی را گرم میکند. عکسها و
گفتارهایی که این روزها در مدیای اجتماعی و رسانه
ها پخش میشود، نشان میدهد که بخش وسیعی از
مردم تصمیم گرفته اند به اعدام پایان دهند. در

شعارها می‌شنویم اعدام به هر دلیلی باید پایان پذیرد.

مردم دارند زندگی را پاس میدارند. تاریخچهٔ اعدام در ایران اصلاً مربوط به ده سال و پانزده سال و چهل سال پیش نیست. در دوران رضا شاه و محمد رضا شاه اعدام اصل جدایی ناپذیر حکومت این دو دیکتاتور بود و مخالفان حکومت ایشان اعدام میشدند. نام بیژن جزنی را خلیه‌ها شنیده‌اند و میدانند در تپه‌های اوین همراه با هشت زندانی سیاسی دیگر تیرباران شد. خسرو گل‌سرخ، همایون کتیرایی، وارطان سالاخانیان و صدها زندانی سیاسی و مخالف شاه از جمله اعدام شدگان حکومت پهلوی هستند. بازماندگان شاه از تخت به زیر کشیده شده پهلوی می‌خواهند از این وقایع در آن دوران سخنی نگویند. به این امید که مردم هم فراموش کرده‌اند.

اعدام تحت هر حکومتی قتل عمد دولتی است، و نه فقط بقول خانم یاسمین پهلوی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، و باید علیه آن مبارزه کرد. اعدام شامل مرور زمان نمیشود. فراموش نمیشود و داغش بر دلها میماند. هواداران رضا پهلوی همین الان که حتی نمیتوانند صد نفر را در میدانی جمع کنند در هر تجمعی که حضور پیدا میکنند، دست به تهدید می زنند و شعار مرگ بر مخالفین خود را سر میدهند. یاسمین پهلوی میگوید اعدام در حکومت جمهوری اسلامی قتل عمد سازمانیافته است. لابد در دوره حکومت محمد رضا پهلوی اعدام قتل سازمانیافته نبود. شاید هم قتل عمد نبود. شاید هم اصلا قتل نبود.

سلطنت طلب ها، یاسمین پهلوی و کل طرفدارانشان
از قافلهٔ ”نه به اعدام“ جا مانده اند و میخواهد حرفی
بزنند تا ابراز وجودی کرده باشند اما در عین حال
یادشان نمی رود که حکومت پهلوی را از زیر ضرب
جنایاتی که مرتکب شده نجات بدهند. اما ما با صدای
بلند اعلام می کنیم که اعدام در هر صورت و در هر
زمان و به هر دلیل محکوم است. همهٔ دست اندر
کاران کارزارهای مختلف ”نه به اعدام“ برای زندگی
میجنگند. انقلاب زن زندگی آزادی نقطه پایانی
به اعدام در تاریخ صد ساله ایران خواهد گذاشت.

دوشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۲

۲۶ فوریه ۲۰۲۴

فیلتر شکنِ سنگر شکن

کیوان جاوید

علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت ابراهیم رئیسی ادعا کرد "ممنوعیت استفاده از فیلتر شکن" برای دستگاه‌های حاکمیتی است.

تنها چند روز وقت لازم بود که پتک سنگین حقیقت بر سر جمهوری اسلامی فرود بیاید و گوشمالی سخت واقعیت اجتماعی در ایران به این تهی مغزهای از دنیا بی خبر بفهماند که نمی‌توانند با شمشیر چوبین به جنگ این مردم که به دنبال کشف حقیقت سر از پا نمی‌شناسند بروند.

جمهوری اسلامی در بد دوره و زمانی گرفتار آمده است و هیچ کس از پارس نشسته سگ هراس به دل راه نمی دهد. برای ترساندن یک جامعه هشتاد میلیونی که در دشمنی با حکومت یکپارچه و متحد است باید قدرت بی همتایی داشت؛ حکومتی منسجم و یکدست بود؛ کشتار دهها هزار نفره راه انداخت و نفس ها را در سینه حبس کرد. رژیم اسلامی فاقد انسجام است. سران حکومت در فکر خارج کردن اموال غارت شده و فراری دادن آقا زاده های خود به خارج از ایران هستند.

در چنین اوضاع آشفته حکومت که اعتراض و خشم همگانی، و ”نه“ گفتن به هر آنچه که بویی از اسلامی و حکومت اسلامی دارد، سراپای جامعه را فرا گرفته

است، کسی از درون حکومت جرم بودن استفاده از فیلتر شکن را اعلام می کند و چند روز بعد جملگی به این حقیقت عیان تر از آفتاب پی می برند که مردم به ریش این اوباش می خندند و پشیزی برای این تهدیدها قائل نیستند.

کار حکومت اسلامی علیرغم همه جنایات بیشمارش وارد فاز دلچسب بازی هم شده است. بعد از این افتضاح که در مورد غیر قانونی بودن استفاده از فیلتر شکن راه انداخته اند، سراسیمه اعلام می دارند که منظور مردم نبودند و هدف ”ممنوعیت استفاده از فیلتر شکن برای دستگاه های حاکمیتی است.

همه این عقب نشینی های حاکمیت و غلط کردن

های بی پایان دست اندرکاران رژیم یک پیام روشن
برای ما مردم دارد و آن هم قدرت اتحاد و همدلی ما
علیه حکومت اسلامی است. انقلاب ما در تار و پود
جامعه نفوذ کرده است و همین وضعیت اجتماعی
است که نمی گذارد جمهوری اسلامی آب خوش از
گلویش پایین برود. حکومت در محاصره ما نفسش
به شمارش افتاده است و هذیان می گوید. بر قدرت
خود بیش از این واقف باشیم.

دوشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۲

۲۶ فوریه ۲۰۲۴

یک سؤال در باره حزب کمونیست کارگری

حمید تقوایی پاسخ میدهد

کیوان جاوید: ویژگی های حزب کمونیست کارگری چیست؟

حمید تقوایی: اولین ویژگی حزب ما درک و تبیین آن از سوسیالیسم است. سوسیالیسم مورد نظر ما از سوسیالیسم ادعایی اغلب نیروهائی که خود را کمونیست مینامند، و مهمتر از آن، از آنچه در کشورهای مدعی سوسیالیسم پیاده شده، تماما و اساسا متفاوت است. بر سر در حزب ما نوشته شده "اساس سوسیالیسم انسان است" و این صرفا یک شعار تهییجی و یا موضعی بشر دوستانه نیست. در برنامه حزب ما، در سیاستها

و موضعگیری های ما، و مهمتر از همه در عملکرد و پراتیک مبارزاتی ما مقابله با هر چه غیر انسانی و ضد انسانی است، مبارزه با تمامی تبعیضات و بی حقوقی ها، با فقر و فلاکت و بردگی مزدی، و دفاع پیگیر از آزادی و برابری و رفاه و کرامت انسانی بوضوح قابل مشاهده است. ما حزب "اعدام قتل عمد حکومتی است"، "حجاب دیوار آپارتاید جنسی است"، حزب "آزدایهای بی قید و شرط"، حزب "کودکان مقدمند" و حزب "انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی" هستیم؛ حزب مبارزه پیگیر در عرصه هایی که خوشبختانه امروز در دل انقلاب زن زندگی آزادی عمومیت یافته و توده گیر شده است. برای ما سوسیالیسم عین انسانیت و انسانیت عین سوسیالیسم است و نظر و عمل ما در همه عرصه ها، هر جا نشانی از تبعیض و بی حقوقی و فقر

و سرکوب هست، بر این واقعیت پایه ای مبتنی است.

ویژگی دیگر حزب ما عملگرایی است. حضور فعال در هر جا ظلم و نابرابری و تبعیضی وجود دارد، در هر حرکت اعتراضی برحقی، از جنبش علیه اعدام گرفته تا علیه حجاب و آپارتاید جنسیتی، از مبارزه علیه فقر و فساد و "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" تا جنبش دادخواهی، از جنبش نجات محیط زیست و دفاع از کودکان کار و خیابان تا دفاع از رنگین کمانی ها، و از مبارزه علیه ستم ملی و مذهبی تا دفاع از حقوق پناهندگان و مبارزه برای نجات آنها از دیپورت، و تا مقابله با اسلام سیاسی در سطح جهانی، یک امر هویتی ما است. نجات ورهائی انسانها محور پراتیک و فعالیت عملی ما در ایران و در سطح جهان است.

و بالاخره ما از بدو فعالیت خود حزب مبشر و مدافع انقلاب و سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب توده مردم بوده ایم. ما زمانی که بخش عمده ای از نیروهائی که امروز خود را انقلابی مینامند، انقلاب را هرج و مرج و خشونت میدانستند و طرفدار تغییرات از بالا و گذار نرم از رژیم و بده و بستان با "اصلاح طلبان" حکومتی بودند، چشم انداز انقلاب را در برابر جامعه قرار دادیم و مدام بر ضرورت و مطلوبیت انقلاب پای فشرديم. حزبی که بیست و سه سال قبل اعلام کرد انقلاب آتی ایران انقلابی زنانه خواهد بود و امروز می بینیم که همه جهانیان به احترام اولین انقلاب زنانه تاریخ کلاه از سر برمیدارند.

این ویژگی‌ها را میتوان در انسان دوستی عمیق و فعالیت
مدام برای رهایی انسانها از هر نوع نابرابری و بی‌حقوقی
و سرکوب خلاصه کرد. همه نظرات و عملکرد حزب
کمونیست کارگری تجسم عینی این شعار است "اساس
سوسیالیسم انسان است".

دوشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۲

۲۶ فوریه ۲۰۲۴

کمپین مالی حزب

لیست شماره یک

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع آوری حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای تامین بخشی از نیازهای مالی حزب (و از جمله کانال جدید) در هفته اول معادل ۳۸۲۸۰ دلار آمریکا جمع آوری شد. این کمپین یک ماهه است و هر هفته لیست دوستانی که کمک میکنند منتشر میشود. از تمام عزیزانی که در اولین هفته اعلام کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی میکنیم. از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه‌ای آزاد و برابر و خوشبخت

میتید و از همه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در
داخل و بویژه خارج کشور دعوت می کنیم به حزب
کمک کنید. کمکهای شما، به هر میزان مایه افتخار
و اتکای این حزب است.

حسن صالحی ۲۰۰۰۰ کرون - سیما بهاری ۱۰۰۰۰
کرون - جلیل جلیلی ۱۰۰۰ پوند - امیر توکلی ۵۰۰
یورو - نوید محمدی ۵۰۰ یورو - شهاب بهرامی
۳۰۰۰ کرون - محسن ابراهیمی ۱۰۰۰ دلار کانادا -
مجید آذری ۱۰۰۰ دلار آمریکا - محمد هوشمند
۵۰۰ دلار کانادا - رحیم یزدانپرست ۵۰۰۰ کرون
حمیده ۵۰ یورو - عباس ماندگار ۲۰۰۰ دلار
کانادا - اسماعیل مردوخ ۳۰۰۰ کرون - محمد
کریمی ۵۰۰ یورو - سودابه شکیب ۱۰۰۰ کرون

- عطیه نیک نفس ۱۰۰ یورو - بابک یزدی ۲۰۰۰
دلار کانادا - کیا صبری ۱۰۰۰ دلار کانادا - امیر
زاهدی ۲۰۰ دلار کانادا - داود آرام ۱۰۰۰ دلار
کانادا - مصطفی صابر ۲۰۰۰۰ دلار کانادا - آزاده
نجماد ۱۰۰ دلار کانادا - سیاوش مدرسی ۳۰۰ پوند
- شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه ۸۰۰ پوند - کمیته
کردستان حزب ۵۰۰ دلار آمریکا - وستا جلال
۲۰۰ دلار کانادا - سیامک بهاری ۱۰۰۰۰ کرون -
سهیلا میلانی ۲۰۰ دلار کانادا - بهمن خانی ۱۱۳۰
یورو - فاضل نادری ۱۰۰۰ کرون -
حمید تقوایی و میترا دانشی ۳۰۰۰ دلار کانادا -
حسن پویا ۵۰ دلار کانادا - صدف کورش نیا ۱۰۰۰
دلار کانادا - سهلا دالوند ۶۰۰ دلار کانادا - ایرج
رضایی ۵۰۰ دلار کانادا - مسعود آذرنوش ۵۰۰

دلار کانادا - مینا بهروزی ۵۰۰ دلار کانادا - سلیمان
سیگارچی ۵۰۰ دلار کانادا - سروش قاسمی ۲۵۰
دلار کانادا

جمع ۳۸۲۸۰ دلار آمریکا

دوشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۲

۲۶ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای

ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

زورنال

شماره ۶۶۴

سر دبیر این شماره: محسن ابراهیمی

۲۷ فوریه ۲۰۲۴ - ۱۸ اسفند ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

گزارش کمیته حقیقت یاب و نگرانی رژیم اسلامی

سینا پدرام

طلاب در مدارس

میلاد رسایی منش

هراس حکومت از نمایش انتخاباتی خودش

محسن ابراهیمی

چرا کودکان مقدم اند؟

سیامک بهاری پاسخ می دهد

گزارش کمیته حقیقت‌یاب

و نگرانی رژیم اسلامی

سینا پدram

حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه جمهوری اسلامی، روز دوشنبه ۷ اسفند، ۲۶ فوریه در سخنرانی خود در شورای حقوق بشر در ژنو از این موضوع که در پی مرگ مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد جمهوری اسلامی "فریادها بلند شد و کمیته‌ای موسوم به حقیقت‌یاب شکل گرفت" انتقاد کرد و تشکیل دادن کمیته حقیقت‌یاب را "ایجاد سازوکارهای تحمیلی" نامید و گفت تصمیم سازمان ملل در این زمینه "هیچ مبنای منطقی و مشروعیت حقوقی بین‌المللی" ندارد!

اینکه چرا این نماینده جنایت‌کاران به شورای حقوق بشر دعوت می‌شود به‌خودی‌خود سؤال است که باید در مقابل سازمان ملل قرار داد و دولت‌های دخیل را جوابگو دانست. اما موضوع کمیته حقیقت‌یاب می‌تواند مشکلات جدی برای رژیم اسلامی ایجاد کند. بنابه گزارش خبرگزاری‌ها این کمیته قرار است گزارش خود را ۱۸ اسفند به شورای حقوق بشر ارائه دهد.

انتظار این می‌رود که جنایات رژیم در این گزارش محکوم و از آن به‌عنوان جنایت علیه بشریت یاد شود. چنین نتیجه‌ای قطعاً می‌تواند به نفع انقلاب مردم باشد و فشارهای بین‌المللی را بر روی رژیم

اسلامی افزایش دهد. از سوی دیگر، قدرت مردم و انقلاب زن زندگی آزادی را به مردم نشان خواهد.

عربده‌های عبداللهیان و لودگی‌های این دلک
خامنه‌ای تغییری در این واقعیت نمی‌دهد که در
عرصه بین‌المللی نیز دریچه‌های تنفس این رژیم
بسته‌تر از همیشه است. معضل پروژه‌های هسته‌ای
رژیم و گزارش‌های اخیر آژانس در مورد عدم
همکاری رژیم، عدم همکاری رژیم در ارتباط با
FATF و تراکنش‌های مالی بین‌المللی که باعث
تحریم‌های بانکی رژیم شده است و بالاخره
موش‌دواندن‌های تروریستی در منطقه، موقعیت
رژیم را در عرصه بین‌المللی هر چه بیشتر متزلزل
کرده است.

رابطه دولت‌ها و به‌ویژه دول غرب با جمهوری اسلامی تابع قدرت انقلاب و اعتراضات مردم در ایران است. انقلاب زن زندگی آزادی قدرت خود را نشان داده است. اعتراضات مردم در خارج کشور بر علیه رژیم اسلامی قطعاً به قدرت این انقلاب افزوده و خواهد افزود.

باید هر چه بیشتر به دول غرب برای بایکوت رژیم اسلامی فشار آورد. این امر فقط با مشارکت هرچه بیشتر مردم قابل تحقق است.

سه شنبه ۸ اسفند ۱۴۰۲

۲۷ فوریه ۲۰۲۴

طلاب در مدارس

میلاد رسایی منش

محمد محمدی گلپایگانی، رئیس دفتر علیه خامنه‌ای در نامه‌ای محرمانه به محمدباقر قالیباف که گروه هکری "قیام تا سرنگونی" آن را منتشر کرده است، خواستار افزایش بودجه مرکز خدمات حوزه‌های علمیه "متناسب با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها" شده است.

او از محمدباقر قالیباف خواسته در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ خورشیدی مبلغ ۱۰۰ میلیارد تومان نیز به صندوق ودیعه مسکن طلاب خارجی جامعه‌المصطفی کمک شود. افزایش ۱۰۰ میلیارد

تومان به صندوق ”بلاغ جهت حمایت از مبلغین بومی“ دیگر خواسته مطرح شده در این نامه است که اقدامی قابل انتظار از حکومت اسلامی است.

افزایش بودجه نهادهای مذهبی از جانب حکومت اسلامی در شرایط کنونی را می توان از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار داد.

نخستین مورد که چرایی این سیاست را توضیح می دهد، آگاهی حاکمیت از تنفري است که عموم مردم از اسلام و جمهوری اسلامی دارند. رژیم اگر به مذهبی بودن جامعه اعتماد داشت، لازم نمی دید که سیاست مهندسی فرهنگی و اسلامیزه کردن جامعه را با صرف هزینه های هنگفت پیش

ببرد. تلاشی که حاکمیت برای ورود آخوندها به مدارس در چند سال اخیر نیز داشته است، گواهی دیگر بر این مدعاست که خود مقامات هم به شکست جدی سیاست‌های خود در جهت مهندسی فرهنگی مردم در ایران آگاه‌اند. تلاشی که البته عملاً بیشتر مردم را از اسلام و حکومت اسلامی متنفر می‌کند.

نکته مهم دیگر این است که تلاش حاکمیت برای حفظ حامیان خود، نه با اقناع سیاسی و فکری که با پول پاشی و مزدور پروری است. حکومت به‌خوبی می‌داند، اکثریت مردم از اسلام و ظاهر متحجر و سیاست‌های عقب‌مانده اسلامی‌شان به‌شدت متنفرند، در نتیجه چاره‌ای جز فربه

کردن و وابسته به خود نگه داشتن مزدوران تا کنونی‌اش را ندارد.

نکته مهم دیگر وابسته نگه داشتن نهاد روحانیت و آخوندها با پول است. آنچه که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تحت عنوان ”نهاد روحانیت“ شناخته می‌شود، در حقیقت مشتی آخوند مرتجع و رانت‌خوار هستند که حاکمیت امید دارد در سربزنگاه به کمکش بیایند. اما نگاه به گذشته و بررسی کارنامه پیشبرد این سیاست در ایران نشان می‌دهد که حاکمیت در حقنه کردن تفکر اسلامی در جامعه نه تنها بسیار فشل و ناتوان بوده است؛ بلکه با یک رنسانس ضداسلامی مواجه شده است. سیاست پول پاشی

و مزدور پروری با ثروت مردم هم نه تنها به بقا
رژیم کمک نخواهد کرد که با گسترش فقر،
باعث خشم و طغیان مردم خواهد شد.

سه شنبه ۸ اسفند ۱۴۰۲

۲۷ فوریه ۲۰۲۴

هراس حکومت از نمایش انتخاباتی خودش

محسن ابراهیمی

قبلاً از مضحکه انتخابات در جمهوری اسلامی صحبت می کردیم. یک پای این مضحکه همیشه جناح اصلاح طلبان حکومت بود که شغل سیاسی شان بازار گرمی برای مضحکه شان بود. بعد از شعار دلنشین کف خیابان در سال ۹۶ که اصلاح طلبان را کنار اصول گرایان گذاشت و بر سر هر دو باهم سیفون کشید، خود این جناح هم مضحکه خاص و عام شد. سران این جناح که قرار بود حکومت اسلامی را از بحران عبور دهند، آن چنان مردم از رویشان عبور کردند که برای مدتی برای آبرو جور کردن ناگزیر شدند نمایش عبور از خودشان راه بیندازند. بی دلیل

نیست که مدت‌هاست از قیف تشخیص صلاحیت مجلس خبرگان هم عبور نمی‌کنند؛ چون بعد از عبور مردم از رویشان دیگر حضورشان در معرکه هم نمی‌تواند گره‌ای از مشکل حکومت بگشاید.

برای "انتخابات" امسال حتی عنوان مضحکه هم زیادی است. صحنه سیاسی بعد از انقلاب "زن زندگی آزادی" تکان خورده است. آن مضحکه‌ای که قبل از انقلاب "زن زندگی آزادی" می‌توانست نقشی در سرکار گذاشتن مردم و عمر خریدن به کل نظام ایفا کند، امروز به فرصتی برای همین مردم برای مقابله با کل نظام تبدیل شده است. وضع آن‌چنان بد است که انتخاباتی که قرار بود ظاهر مردمی به حکومت بدهد به کابوس حکومت از ترس واکنش

مردم تبدیل شده است. بی دلیل نیست که خامنه‌ای و حواریونش البته با ناامیدی تمام به هر ریسمانی چنگ می‌اندازند تا پای صندوق‌ها خیلی سوت و کور نماند! ناامیدند چون می‌فهمند همه ریسمان‌ها از پیش پاره شده‌اند. همان‌هایی که به خاطر یک تار مو آدم کشته‌اند، الان رهبرشان با وقاحت بی‌نظیر همان مردم را خطاب قرار می‌دهد که ”این مردم حتی با ظواهر متفاوت، مؤمن‌اند“ و التماس می‌کند که در انتخابات شرکت کنند! مخالفین حکومت در زندان‌ها هستند، اما به مردم می‌گویند حتی اگر ناراضی هستید شرکت کنید! خامنه‌ای خطاب به مردمی که شعار داده‌اند ”دروغ می‌گن آمریکاست، دشمن ما همین جاست“ می‌گوید اگر در انتخابات شرکت نکنید آمریکا خوشحال می‌شود! و مضحک‌تر

از هم اینکه خامنه‌ای از مردمی که نمی‌خواهند سر به
تن حکومت اسلامی و اسلامش باشد، می‌گوید ”هر
کس با انتخابات مخالفت کند، با جمهوری اسلامی
مخالفت کرده و با اسلام مخالفت کرده“ است!

یک مصرف‌حضور مردم در پای صندوق‌های
رای همیشه این بوده است که در خارج از ایران
چپاولگران و دزدان حاکم را به حساب انتخاب خود
مردم بگذارند. بعد از انقلاب ”زن زندگی آزادی“
دیگر جایی برای چنین حقه‌بازی سیاسی نمانده
است.

سه شنبه ۸ اسفند ۱۴۰۲

۲۷ فوریه ۲۰۲۴

چرا کودکان مقدم‌اند؟

سیامک بهاری پاسخ می‌دهد

کیوان جاوید: از این پرسش بنیادی شروع کنیم،
چرا کودکان مقدم‌اند؟

سیامک بهاری: **کودک بدون مراقبت و دخالت**
بزرگسالان نمی‌تواند زنده بماند و به حیات خود
ادامه دهد! وابستگی کودکان به اولیا و سرپرست،
چگونگی موقعیت اجتماعی و اقتصادی آنها بخش
تعیین‌کننده در رشد و تعالی زندگی کودک است.
صدها میلیون کودک در سراسر جهان از بدو
تولد، دوران شیرخوارگی، کودکی و نوجوانی به
همین دلیل از بدیهی‌ترین حقوق پایه‌ای و انسانی

محروم می‌شوند.

مرگ‌ومیر هولناک کودکان، از گرسنگی و سوءتغذیه تا بیماری‌ها و جنگ‌ها، تا استثمار در بازار بی‌رحم کار و به‌کارگیری آنان در هر رشته‌ای که تصورش بشود، تا بازار نفرت‌انگیز تن‌فروشی، مواد مخدر، تا کودک سربازها، ثمره بی‌پناهی کودکان، این قربانیان خاموشِ بربریت سرمایه‌داری عصر حاضر است.

اما نه فقط فقر و فلاکت که دست‌درازی مذاهب در زندگی کودکان، مانند جهنم دهان باز می‌کند و آنچه کودک نامیده می‌شود را می‌بلعد و نابود می‌کند!

در این تند پیچ رعب‌انگیز، این موجودی که قادر به دفاع از خود نیست به وجدان بیدار بشریت چنگ می‌زند! اینجاست که رفتار با کودکان مهم‌ترین محک ارزیابی درجه انسانی بودن و آزاد بودن آن جامعه می‌شود. منفعت کودکان، مقدم بر هر چیزی، بر هر ملاحظه و منفعت ملی، اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی اصل دفاع از حق کودک می‌شود.

کیوان جاوید: برای این که مقدم بودن کودکان فقط در حد یک بحث نظری و تئوریک باقی نماند، شما تشکلی به نام “کودکان مقدم‌اند” بنیاد نهاده‌اید. ضمن اشاره به موانع موجود، لطفاً

از سابقه این نهاد بگوئید و اقدامات تا کنونی
خودتان را توضیح بدهید؟

سیامک بهاری: نادیده گرفتن و پایمال کردن حق
کودک در هر جامعه و کشوری امری سازمان یافته
و عمیقاً سیاسی است. هر جا کودکان از دسترسی
به تحصیل و آموزش، بهداشت و درمان محروم
و وابسته به اقتصاد خانواده می‌شوند؛ هر جا
که تبعیض و نابرابری سبب می‌شود استاندارد
واحدی برای رشد و تعالی آنان وجود نداشته
باشد؛ حکومتی کودک ستیز پشت آن ایستاده
و این محرومیت را ممکن و به جامعه تحمیل
می‌کند.

نهاد "کودکان مقدم‌اند" به‌عنوان یک ضرورت سیاسی در دفاع از حق کودکان، در نوامبر سال ۱۹۹۹، به‌صورت علنی تأسیس شد. نهادی سیاسی، کودک محور، غیرایدئولوژیک که مستقیماً حکومت‌ها، دولت‌ها، پارلمان‌ها و قوانین، و دست‌درازی مذاهب، رسم و آئین‌های کودک‌ستیزانه را نشانه می‌رود و افشا می‌کند.

اعلام کردیم، "تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است. همه کودکان و نوجوانان باید استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی، در بالاترین سطح ممکن، را داشته باشند. کودکان مستقل از جنسیت، نژاد و رنگ، طبقه اجتماعی، فرهنگ و موقعیت

خانوادگی، ملیت و قومیت، زبان و میزان ثروت و دارایی و درآمد خانواده، جغرافیای محل زیست، ایدئولوژی حاکم، همه در مقابل حقوق انسانی، برابر و یکسان هستند. این خواسته‌ها، عرصه‌های اصلی دفاع از حقوق کودکان است.

کیوان جاوید: برای اینکه قدم‌های بزرگ‌تری به جلو برداشته شود چه باید کرد و انتظار شما از بقیه فعالین اجتماعی و همه مردم ایران در زمینه دفاع از حقوق کودک چیست؟

سیامک بهاری: ما می‌خواهیم یک زندگی شاد، خلاق و مرفه برای همه کودکان برپا کنیم. این نه یک رؤیا و آرزوی دست‌نیافتنی که امری کاملاً

شدنی و ممکن است. علی‌رغم اینکه جمهوری اسلامی دفاع از حق کودک را به یک جرم امنیتی تبدیل کرده است، اما ده‌ها شکل دفاع از حقوق کودکان، با تحمل سنگین‌ترین هزینه، امر دفاع از حق کودکان را پویا و سرپا نگه داشته‌اند. طرح‌های ضد کودک حکومتی را رسوا و افشا می‌کنند. حق تحصیل رایگان، حمایت از کودکان کار و خیابان، مبارزه با کودک‌همسری را به امری جدی و اضطراری برای جامعه بدل کرده‌اند.

مبارزات پرشور معلمان علیه خصوصی‌سازی، پولی و کالایی کردن مدارس و تحصیل، مطالبه آموزش و پرورش شاد و انسانی، خلاق، رایگان اجباری و همگانی با بالاترین سطح استاندارد

علمی، یک نمونه درخشان این رویداد است.

بیانیه مشهور به ۲۰ شکل کارگری و مدنی یکی از بندهای مطالبات خود را به لغو فوری کار حرفه‌ای کودکان اختصاص داد. بیانیه دانش‌آموزان پیشرو و انقلابی یک نمونه دیگر از این تلاش اجتماعی است. حق کودک باید در رأس این مبارزات و مطالبات، مدرن و امروزی، برابری طلبانه و عدالت‌محور قرار بگیرد. جامعه باید به مبارزه برای دفاع از حق کودکان بپیوندد.

سه شنبه ۸ اسفند ۱۴۰۲

۲۷ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید
journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۶۵

سر دبیر این شماره: کیوان جاوید

۲۸ فوریه ۲۰۲۴ - ۱۹ اسفند ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

تکنولوژی ساخت مسکن به مدد دانش طالبان؟!

شهاب بهرامی

جان عزیز سامان یاسین

منظر دریاکناری

زیبا و زشت همراه با برف در ایران

آوینا جهانگیری

تشکل‌های دانشجویی رای به سرنگونی می‌دهند

کیوان جاوید

جانشین نیروی قدس سپاه تحریم شد

پتی دبونیتاس

تکنولوژی ساخت مسکن به مدد دانش طالبان!؟

شهاب بهرامی

سفیر جمهوری اسلامی ایران در افغانستان اعلام کرد که یک "هیئت تجاری و اقتصادی افغانستان" اجرای پروژه‌های ساختمان‌سازی در چابهار را آغاز کرده است.

خب چه ایرادی دارد بیاید کمی هم بخندیم. گذشته از گسترش ابعاد خیره‌کننده روابط اقتصادی جمهوری اسلامی با جهان و در اینجا افغانستان، فن و تکنیک محیط زیستی فوق‌العاده مهندسين طالبان در صنعت مسکن‌سازی نیز هوش از هوش مصنوعی ربوده است.

گفته می‌شود طالبان صدها فرغون چوبی و هزاران بیل و کلنگ و دیلم با قاطر و شتر و دیگر وسایل حمل و نقل زیست‌محیطی به بندر چابهار وارد کرده است. یکی دیگر از هنرهای شگفت‌انگیز سبک معماری طالبانی طرح پنجره‌های خانه‌ها و ساختمان‌ها است، پنجره‌ها را روی ساختمان‌ها به شکلی هنری، نقاشی کرده‌اند و در واقع جهت حفظ شئون اسلامی و دور نگه داشتن شدن زنان از دید مردان هیچ‌گونه پنجره‌ای تعبیه نشده جز نقاشی آن روی دیوار خانه‌ها، درعین حال، مصالح اصلی این عمارت کاهگلی اسلامی، کاملاً برابر با استانداردهای جهانی سازمان محیط‌زیست بوده و هیچ مصالح دیگری مانند پلاستیک و فولاد و غیره در آنها به کار نمی‌رود. نه به برق نیاز دارد و نه به آب لوله‌کشی.

اینکه می‌گویند بعد از بازگرداندن طالبان‌ها به قدرت، تمامی پروژه‌های ساخت جاده‌های شوسه‌ای و ساختمان‌سازی و کاروان‌سراهای بین جاده‌ها با امکانات پارکینگ برای اسب و شتر و قاطر به دست چینی‌ها افتاده است دروغ و شایعه است، کارشناسان برعکس معتقدند که طالبان به چین هم تکنولوژی این‌چنینی صادر کرده است.

مفسرین سیاسی براین باورند که جمهوری اسلامی چنان به پیسی افتاده که برای تخفیف بحران مسکن، دست به دامان "کوری عصاکش کور دیگر شده". مخالفین این نظریه اما براین اندیشه‌اند که رژیم اسلامی در ایران به مردم پیام می‌دهد که حواستان باشد و ببینید و بدانید که حتی طالبان هم دوست ما است، به آمریکا هم پیام

می‌دهد، می‌بینید و می‌دانید که ما با دوستان شما، هم
دوستیم و هم معاملات بازرگانی داریم!

اما عده‌ای هم معتقدند که این بخشی از بساط
بزازفروشی و بازاری برای پُر کردن جیب‌های خودشان
بوده و دزدان طالبان و داعشی‌های ایران در این دزدی‌ها
فعلاً و موقتاً با هم شریک شده‌اند. من که شخصاً با
هیچ کدام از این تئوری‌ها و آن نظریات گفته شده بالا،
قربانی احساس نمی‌کنم و اصلاً نظری ندارم، ولی محیط
زیست را دوست دارم. آیا شما نظر دیگری دارید؟
خوش به حالتان.

چهارشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۲

۲۸ فوریه ۲۰۲۴

جانِ عزیز سامان یاسین

منظر دریاکناری

سامان یاسین (صیدی)، رپر معترض که یک سال و نیم است در زندان به سر می‌برد، در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی خواستار تعیین حکم قضایی خود شد و با اشاره به مشکلات جسمی و روحی که در حبس متحمل شده است گفت که اعدام را به این شرایط ترجیح می‌دهد.

سامان صیدی که با نام هنری سامان یاسین فعالیت می‌کرد اوایل مهر ۱۴۰۱ و در جریان اعتراضات سراسری بازداشت و به محاربه متهم شد. ابتدا برای او حکم اعدام صادر شد؛ اما دیوان عالی کشور این

حکم را نقض کرد و از آن زمان مشخص نیست که
حکم دادگاه چه خواهد بود.

سامان به این کشتارگران زندگی می‌گوید: "از شما
درخواست اعدام دارم! من تحمل زندان و بلا تکلیفی
را به جرمی که نه شما می‌دانید و نه من، ندارم. لطفاً
حکم اعدام من را صادر کنید! بنده هیچ اعتراضی
نداشته و خودم با اثر انگشت و امضا رضایت کتبی
می‌دهم!"

ما هم به سامان عزیزمان یک پیام می‌دهیم.
سامان عزیزتر از جان، ما قدر تو را می‌دانیم. ما در
برابر قدرت و تحمل تو در برابر این دژخیمان و
نابودکنندگان جوانی و زندگی ادای احترام می‌کنیم.

تو نه تنها نباید اعدام بشوی که باید باشی و مرگ
حکومت خون آشام را ببینی. ایکاش می شد ده ها هزار
پیام از طرف دوستداران تو در تاریک خانه زندان
قزل حصار به دستت برسد تا به چشم خود ببینی
که تو نه تنها از یاد ما نمی روی، بلکه عزیز دلهای
انسان های بی شماری هستی. خطاب به این جلادان
می گویی اگر حتی خودشان نیز نمی دانند جرمشان
چیست، حاضری اعدام شوی که دیگر این درد و
رنج و شکنجه را تحمل نکنی. سامان عزیز! آنها
می دانند جرم تو چیست. تو صدای اعتراض و خشم
فروخورده میلیون ها جوان در ایران هستی. تو صدای
رسای دختران و زنان در ایران؛ بانگ خروشان مردم
محروم از آزادی و خشم فروخورده رنج دیدگان و فقرا
هستی. تو یک رپر معترض به جهنمی هستی که این

غار تگران زندگی ساخته‌اند. درست به همین دلیل
در قلب همه مردم جا داری و باور کن دور نیست که
روی دست همین مردم قدم به دنیای آزادی بگذاری
و با هم در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی سرود
زندگی و خوشبختی همگانی بخوانیم. به‌خاطر داشته
باش و باور کن که تو انسان بزرگی هستی و یقین
داشته باش این کابوس تو را پایانی هست.

ما انعکاس فریاد تو از پشت میله‌های زندان قزل‌حصار
هستیم. صدای ما را بشنو و نیرو بگیر.

چهارشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۲

۲۸ فوریه ۲۰۲۴

زیبا و زشت همراه با برف در ایران

آوینا جهانگیری

با ادامه سرما و بارش برف و باران در مناطق مختلف ایران و کمبود گاز، مسئولین حکومتی به مردم هشدار می‌دهند برای قطع‌نشدن کامل گاز در مصرف خانگی گاز صرفه‌جویی کنند.

در همه جای جهان بارش برف یکی از زیباترین اتفاقات طبیعی است و مردم را به وجد می‌آورد. در بخش‌های وسیعی از ایران به دلیل تغییرات آب‌وهوایی، گرم‌شدن هوا و خشکسالی‌های مکرر، بارش برف و باران شدیداً کم شده است.

امسال اما سال دیگری بود. برف زیبا همچون عروس سفیدپوش شهرها را در آغوش کشید و جشن و شادی و خوشی را به خیابان‌ها و خانه‌ها برد و چه چیز بهتر از این که سفیدی و سرزندگی این روزهای زمستانی سلاحی باشد در دست مردم که علیه سیاهی و تیرگی حکومت اسلامی بکار گرفته می‌شود.

این روزها حال مردم ایران در استان‌های زیادی خوش بود. اما آن‌سوی این روزهای زیبا چهره کریه حکومت در آینه زندگی مردم را تلخ کرده است. هشدار پشت هشدار که مصرف گاز را کم کنید و لایه به لایه لباس بپوشید و تا جای ممکن همگی از یک اتاق استفاده کنید. این هشدار در حالی داده

می‌شود که ایران مالک دومین ذخایر گاز در جهان
به شمار می‌رود. پس این مالکیت بر گاز به چه
دردی می‌خورد و چرا مردم نمی‌توانند با خیال راحت
از این امکان در این فصل سرد زمستانی استفاده
کنند، چرا باید بسان دوران جنگ در پناهگاه‌ها به
سر ببرند و زیبایی و خوشی و شادی این روزها به
کامشان تلخ شود؟

درک واقعیت ساده است. همین روزها که این
هشدارها داده می‌شود اقلیت کوچکی از ما به‌تران
نه غم کمبود گاز سراغشان می‌آید، نه هشدار
صرفه‌جویی به گوششان می‌رسد و نه ترسی از
هزینه‌های سنگین قبض گاز و برق دارند. زیبایی این
روزهای برفی در ایران به دست حکومت اسلامی

تولیدکننده زشتی‌ها از بین می‌رود.

وقتی دست حکومت اسلامی از سر مردم کوتاه شود و زندگی و خوشبختی حق همگانی باشد، آنگاه بادوباران و برف زمستان و گرمای تابستان نغمه دیگر سر می‌دهند و زندگی باریتم طبیعت می‌رقصد. این امید به بهتر زیستن منبع انرژی بیکرانی است که مبارزه ما را برای سرنگونی جمهوری اسلامی به پیش می‌راند. برای پیروزشدن دست‌های بیشتری را به هم دهیم تا گرمای مبارزه ما رژیم اسلامی را ذوب کند.

چهارشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۲

۲۸ فوریه ۲۰۲۴

تشکل‌های دانشجویی رای به سرنگونی میدهند

کیوان جاوید

در آستانه برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری در ایران، جمعی از تشکله‌ها و فعالان دانشجویی در بیانیه‌ای اعلام کردند که به "سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی" رأی می‌دهند.

ششمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری روز ۱۱ اسفند، کمتر از یک هفته دیگر، هم‌زمان با مرحله نخست انتخابات دوازدهمین دوره مجلس

شورای اسلامی برگزار خواهد شد. در همین راستا جامعه روی پنجه پای خود ایستاده و جمهوری اسلامی را شدیداً در منگنه می‌گذارد. این رژیم در بحرانی‌ترین وضعیت سیاسی ممکن به سر می‌برد. وضعیتی که حتی بخش بزرگی از خودی‌ترین، قاتل‌ترین و فاسدترین سازندگان این حکومت که شریک همه جنایات حکومت بوده و هستند نیز در این مضحکه که نام انتخاب به آن گذاشته‌اند شرکت نمی‌کنند. در این میان اعلان جنگ نهادها، تشکل‌ها و فعالین دانشجویی علیه این خیمه‌شب‌بازی مضحک جمهوری اسلامی برجستگی خاصی دارد. جا دارد همه ما مردم متنفر از جمهوری اسلامی نه اینکه فقط رای نمی‌دهیم؛ بلکه علیه این جنایتکاران اسلامی همه فرصت‌های به‌دست‌آمده را به حضور

اعتراضی در خیابان‌ها تبدیل کنیم. هر فرد اینجا نه یک عدد رأی که می‌تواند یک‌مشت گره‌کرده علیه حکومت باشد. همگام و همراه با این تشکل‌ها و فعالین دانشجویی شویم:

تشکل‌های دانشجویی:

تشکل دانشجویان پیشرو - نهاد آزاداندیشان
جندی‌شاپور - آزادی‌خواهان دانشگاه تهران شمال
- نهاد آزادی‌خواهان بهشتی - کمیته سراسری
دانشجویان کردستان - نهاد دانشجویان دانشگاه
آزاد اصفهان (خوراسگان) - جمعیت صدای آزاد
دانشگاه (هنر اصفهان) - اتحاد دانشگاه صنعتی
اصفهان - دانشجویان مستقل دانشگاه خواجه‌نصیر
- اتحاد دانشجویان دانشگاه الزهرا

جمعی از دانشجویان و فعالین:

دانشگاه اصفهان - دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
- دانشگاه علوم پزشکی ارومیه - دانشگاه آزادشهر
قدس - دانشگاه فنی مهاجر اصفهان - دانشگاه شیراز
- دانشگاه فنی یزدان پناه کردستان - دانشگاه فنی
دخترانه سنندج - دانشگاه کردستان - دانشگاه
علوم پزشکی اردبیل

چهارشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۲

۲۸ فوریه ۲۰۲۴

جانشین نیروی قدس سپاه تحریم شد

پتی دبونیتاس

دولت بریتانیا در هماهنگی با دولت آمریکا تحریم‌هایی را علیه دو فرد و سه سازمان از سپاه پاسداران به دلیل تسهیل فعالیت‌های شبه‌نظامیان حوثی تحت حمایت جمهوری اسلامی در یمن اعمال کرد. وزارت خارجه بریتانیا روز سه‌شنبه اعلام کرد که تحریم‌هایی جدید این کشور علیه محمدرضا فلاح‌زاده، جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، سه یگان از نیروی قدس سپاه پاسداران، سعید اجمال سرمایه‌دار ساکن ایران و علی حسین بدرالدین الحوثی معاون وزیر کشور دولت حوثی‌ها را هدف قرار داده است.

خوشحال باشیم؟ البته که هر خبری مبنی بر هدف قرار دادن تروریست‌ها جای خوشحالی دارد. دنیا بدون اینها جای امن‌تر و سالم‌تری خواهد بود. تصورش را بکنید در دنیایی زندگی می‌کنیم که نه بمب منفجر می‌شود، نه دشنه‌ای سر از تن انسانی جدا می‌کند و نه ضامن جلیقه انتحاری کشیده می‌شود. تصور کنید دست تروریستی؛ دولتی و اسلامی در دنیا، مین کنار جاده کار نمی‌گذارد و جان بی‌گناهی را نمی‌ستاند.

در حال حاضر و در این دوره و زمانه جنبش اسلام سیاسی و در رأس همه آنها جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین تروریست جهان و صادرکننده تروریسم و حامی تروریست‌های ضد بشر اسلامی و غیراسلامی است. دست اینها باید از زندگی مردم کوتاه شود.

جمهوری اسلامی در دل انقلاب کم‌نظیر زن زندگی
آزادی جنایات زیادی آفرید و ما مخالفین جمهوری
اسلامی، صرف‌نظر از اینکه ایرانی باشیم یا غیر آن، علیه
این جانیان به خیابان آمدیم. در تظاهرات خودمان
اعلام کردیم این حکومت تروریستی و آدمکش را
بایکوت کنید و سفارتخانه‌های این حکومت را ببندید
و روابط دیپلماتیک خود را با این جانیان قطع کنید.
خواهان این شدیم فوراً سپاه پاسداران را تروریستی
بنامند. این کارها نشد و به خواست مردم ایران
احترام گذاشته نشد. هنوز همین خواست‌ها را داریم
و منتظر روزی هستیم که این جانیان ضد مردم که
دستشان به خون بسیاری در ایران و حتی خارج از
ایران آغشته است رسماً توسط همه دولت‌ها بایکوت

شوند.

در حالت عادی دولت‌های جهان با این آدمکشان تا جای ممکن کنار می‌آیند و سازش می‌کنند؛ اما قدرت ما مردم متمدن و انسان‌دوست در جهان بسیار زیاد است، اگر که یکپارچه و متحد به میدان بیاییم و فشار خردکننده‌ای باشیم بر دولت‌های جهان. این یکپارچگی و اتحاد، اهرم قدرتمندی خواهد شد جهت تحمیل خواسته‌هایمان به دولت‌ها و توان مردم ایران در سرنگون کردن جمهوری اسلامی را هم بیشتر می‌کند.

چهارشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۲

۲۸ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۴۳۶۸۸۹۸۸۷۷۷۴۴۰۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۶۶

سر دبیر این شماره: سیاوش آذری

۲۹ فوریه ۲۰۲۴ - ۱۰ اسفند ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

خامنه‌ای به پیسی افتاده است!

محسن ابراهیمی

جامعه‌ای پُر تلاطم و اعتراضات وسیع کارگری

شهلا دانشفر

جانشین خامنه‌ای جلادی دیگر است

یاشار سهندی

تولید دارو یا تروریست؟

سینا پدرام

خامنه‌ای به پیسی افتاده است!

محسن ابراهیمی

جمعه ۱۱ اسفند، قرار است بازی سیاسی حکومت به نام انتخابات انجام گیرد. خامنه‌ای به هر ریسمانی چنگ می‌اندازد که پای صندوق‌هایش خیلی سوت و کور نباشد. اخیراً برای کشاندن مردم به پای صندوق‌ها تکفیر می‌کرد و مردم را تهدید می‌کرد که شرکت نکردن در انتخابات مخالفت با اسلام و نظام است که البته نمی‌گرفت. تازگی‌ها اما لحنش عوض شده است. آن‌چنان به پیسی افتاده است که علناً دارد چاپلوسی و التماس می‌کند.

خامنه‌ای روز چهارشنبه ۹ اسفند، در دیدار با گروهی از

”رای اولی‌های“ خانواده‌های کشته‌شدگان جنگ میان ایران و عراق سخنانی گفت که فقط حاکی از نگرانی همراه با ناامیدی بود. او از جمله گفت ”رای ندادن هیچ دستاورد و فایده‌ای ندارد و مشکلی از کشور حل نمی‌کند... اگر انتخابات ضعیف باشد همه ضرر می‌کنند... هیچ کس سود نمی‌برد و همه ضربه می‌خورند“ و بالاخره حرف دلش بیرون زد که یک جنبه مهم از نگرانی‌اش را نشان می‌دهد: ”ما اگر بتوانیم به دنیا نشان بدهیم که ملت در صحنه‌های مهم و تعیین‌کننده کشور حضور دارند، کشور را نجات داده‌ایم.“

مخاطب خامنه‌ای تا حدودی اصلاح‌طلبان حکومتی بود که حتی اگر از باند بازی انتخاباتی کنار گذاشته شده‌اند، مثل همیشه برای داغ کردن تنور حفظ نظام دست‌به‌کار

شوند. خامنه‌ای ظاهراً هنوز در این توهم است که مردم به شرکای اصلاح طلب جنایت و دزدی ۴۵ ساله توهم دارند. معلوم نیست مردم باید به چه زبانی به این ابله عظمای حالی کنند که عزم کرده‌اند کل نظام با تمام باندهایش را از صحنه سیاسی جارو کنند.

پاسخ مردم به لاطائلات خامنه‌ای در باره اینکه ”رأی ندادن دستاورد و فایده‌ای ندارد“ و ”حضور در صحنه برای نجات کشور“ روشن است: فایده رأی ندادن این است که به رفع مهم‌ترین مشکل کشور که وجود منحوس و شوم حکومت اسلامی است کمک می‌کند. سرد و بی‌روح بودن پای صندوقهای جنایت و چپاول به دغلكاران حاكم اجازه نمی‌دهد كه در مقابل مردم جهان وانمود كنند كه این حكومت از حمایت ”ملت در

صحنه “برخوردار است!

در عین حال واکنش اعتراضی متحد مردم علیه نمایش انتخاباتی مشخصاً در دوران بعد از انقلاب زن زندگی آزادی، نمایش قدرت در مقابل حکومت است. اعلام این است که “مردم خواهان سقوط نظام هستند؛ مبارزه‌شان برای خالی کردن زیر پای حکومت را ادامه می‌دهند؛ عزمشان برای ساقط کردن نظام همچنان جزم است؛ و مصمم هستند انقلابشان را به فرجام برسانند.

پنج شنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۲

۲۹ فوریه ۲۰۲۴

جامعه‌ای پُر تلاطم و اعتراضات وسیع کارگری

شهلا دانشفر

اعتراضات کارگری گسترده است و بخش‌های مهمی از مراکز کارگری از جمله نفت و کانون‌های داغی چون گروه ملی فولاد اهواز، همچنین بخش‌های مختلف کارگری چون بازنشستگان و پرستاران هر روزه در اعتراض‌اند.

روز گذشته کارگران ماشین‌سازی تبریز که تحت پوشش سپاه است، در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان تجمع داشتند و مدیریت از ترس تداوم اعتراض برای دو روز شرکت را تعطیل کرد. روز قبلش کارگران گروه ملی فولاد اهواز طی بیانیه‌ای از ختم موقت

اعتصاب یک هفته‌ای خود به دنبال عقب‌نشینی مدیریت و بازگشت به کار کارگران تعلیقی و قول تجدیدنظر در اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل که دو خواست فوری آنان بود خبر دادند. این کارگران ضمن تأکید بر مجمع عمومی جهت حفظ اتحادشان، اعلام داشتند در صورت خلف وعده دوباره اعتصاب خواهند کرد. همچنین بر پیگیری دیگر مطالباتشان تأکید نمودند.

بعلاوه اعتراضات در نفت ادامه داشته و کارگران رسمی در مناطق مختلف نفتی نزدیک شش ماه است که به خاطر تعرضات معیشتی حکومت در تجمع و اعتراض‌اند. اعتراضات کارگران ارکان ثالث نیز با خواست مهم حذف پیمانکاران گسترده‌تر شده و این هفته تجمعات قابل توجهی در تهران و پالایشگاه‌های مختلف پارس جنوبی داشتند.

از سوی دیگر در هفتم اسفند شاهد راهپیمایی جمع بزرگی از پرستاران در شیراز بودیم و روز ۲۸ بهمن روز پرشور اعتراضات سراسری آنان بود. تجمعات اعتراضی بازنشستگان نیز در روزهای مختلف هفته ادامه دارد. در این اعتراضات آنها با شعارهایی چون "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد"، "کشور پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما"، "از بس دروغ شنیدیم ما دیگه رأی نمیدیم"، علیه فقر و فساد، سرکوبگری‌های حکومت و کل بساط دزدسالار حاکم و انتخابات حکومتی مجلس اسلامی به اعتراض پرداختند.

صدای اعتراض این کارگران بازتاب صدای اعتراض کل جامعه است. این اعتراضات بر فضای مبارزاتی

جامعه قدرت بخشیده است. از در دیوار شهرها اعتراض می‌بارد. خانواده‌های دادخواه با به دست گرفتن عکس عزیزان جان‌باخته خود فریاد رأی من سرنگونی است، سر می‌دهند. مردم با خشم و نفرت بنرهای تبلیغاتی حکومت را به آتش می‌کشند. بی‌حجابی سراسری تداوم داشته و قرار و مدارهای هشت مارس بی‌حجاب گذاشته می‌شود و در پنجمین هفته سه‌شنبه‌های اعتراض علیه اعدام اعتراضات گسترده‌تر گشته و شعار علیه اعدام بر دیوارها نقش بسته است. بدین گونه اعتراضات در اعماق جامعه می‌جوشد و مردم در تلاش‌اند راه تداوم قدرتمندتر انقلابشان را هموار کنند.

پنج‌شنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۲

۲۹ فوریه ۲۰۲۴

جانشین خامنه‌ای جلادی دیگر است

یاشار سهندی

محمود محمدی عراقی، یکی از آخوندهای مجلس خبرگان خبر داده که "آقا"، "حضرت آقا" شدن فرزندش، مجتبی خامنه‌ای را "تهی کرده"؛ خامنه‌ای نگران شده "شبهه موروئی شدن رهبری مطرح" شود. مفسران هم گفتند: آقا دروغ می‌گوید، همان‌طور که همیشه دروغ گفته.

گیرم که دروغ گفته باشد یا گفته باشند؛ شاید هم حقیقت را می‌گویند. سؤال اینجاست: اگر خبرگان نجاست تشخیص بدهند مجتبی خامنه‌ای یا هر انگل دیگری در کسوت آخوندی صلاحیت ولی‌فقیه شدن

را دارد، برای ما مردم چه فرقی می‌کند؟

سال‌هاست “بحث جانشینی” خامنه‌ای در میان اپوزیسیون راست همیشه مطرح بوده، و در این مدت همیشه هم تأکید داشتند که خامنه‌ای همه چیز را “مهندسی” می‌کند که فرزندش جانشین او شود. در این بحث‌ها سهواً و یا عمدتاً بحث لیاقت و عدم لیاقت مطرح می‌شود از قبیل اینکه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ولی فقیه باید “مجتهد جامع الشرایط” باشد و “آقا مجتبی” نیست. بحث‌ها به گونه‌ای پیش می‌رود تا عملاً این را به شنونده القا کند که گویا اگر مهندسی خامنه‌ای نباشد اتفاق خوبی خواهد افتاد! یا مطرح می‌شود نمایندگان مجلس خبرگان که قرار است؛ ولی فقیه بعد از مرگ ولی فقیه کنونی را انتخاب کنند، باتوجه به اینکه نمایندگان مجلس خبرگان از فیلتر

شورای نگهبانی رد شده‌اند و منصوب خود خامنه-
ای هستند، عملاً به این شبهه دامن می‌زنند که اگر
انتخابات "سالم" بود، مجلس خبرگان حتماً "اصلح" را
به ولایت می‌رساند!

یکی دیگر از آخوندهای مجلس خبرگان گفته:
جانشین آقا معلوم است، فقط برای اینکه ترور نشود
نامش اعلام نشده است! اینکه کدام آخوند جای خامنه
ای را بگیرد، همان‌طور که خامنه ای توسط رفسنجانی
جای خمینی را گرفت و چیزی عوض نشد؛ سرکوب
سر جایش ماند و اسلام و حکومت اسلامی هر روز و
هر ساعت دشمنی خود را با نفس زندگی و انسان به
نمایش گذاشت، حتی اگر جانشین خامنه ای "صالح
ترین" آخوند عالم باشد، نتیجه باز هم همان چیزی
است که در ۴۵ سال گذشته بوده است.

معارضان در خیابان شعار می‌دهند: ”ته مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت“؛ در واقع هیچ بخشی و هیچ نفری از این حکومت به فکر مردم نیستند. همگی یک باند مخوف مافیایی هستند که هر کدام غفلت کند دیگری او را می‌درد. این حکومت تاریخ را هم مسموم کرده است. به ”زباله‌دان تاریخ“ فرستادن این حکومت کافی نیست، بلکه باید آن بخش از زباله‌دان تاریخ را که این حکومت راهی آن می‌گردد برای همیشه قرنطینه کرد. این وقتی ممکن است که همه کاربستان این حکومت دادگاهی شوند.

پنج شنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۲

۲۹ فوریه ۲۰۲۴

تولید دارو یا تروریست؟

سینا پدram

به گزارش ایلنا رئیس اتاق بازرگانی تهران حال صنعت داروی کشور را وخیم دانست و اعلام کرد که در صورت تداوم این رویه با کمبود دارو روبه‌رو خواهیم شد.

بلشویی در سیستم بهداشت و درمانی ایران وجود دارد که فقط قابل مقایسه با میدان جنگ است. میدان جنگی که ژنرال‌های آن دزد سالاران، مافیای آیت‌الله‌ها و یک‌مشت میلیاردی بی‌لیاقت است. در این رشته از تجارت یعنی "تجارت سلامت" آنچه نصیب مردم بیمار و بی‌بضاعت می‌شود، یک‌مشت

داروی غیراستاندارد، تاریخ گذشته و یا حتی با دوز غیرمکفی است. داروهای ژنریکی که معلوم نیست در کارگاه کدام عطاری زیر زمینی ساخته و پرداخته می شود. مواد اولیه نامرغوب از هند وارد می کنند و در مراکز داروسازی غیراستاندارد با نظارت یک مشت "بازرس" رشوه خوار "دارو" تولید می کنند و به دست یک مافیای دارو برای پخش و فروش واگذار می کنند.

از تولید تا توزیع همه چیز صنعت و تجارت دارو در ایران کله پا و نادرست است. به گزارش "سالم خبر"، نایب رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی اظهار داشت "امروز بسیاری از کارخانه ها و شرکت های ما عملاً توانایی ادامه فعالیت خود را به

دلیل کسر نقدینگی ندارند“. بنا بر همین گزارش، در اعتراض به کمبود داروهای ویژه و خلف وعده رئیس‌جمهور، علی‌رغم تجمع بیماران SMA به همراه خانواده‌های خود در شرایط نامساعد و برودت هوا در مقابل ساختمان پاستور هیچ یک از ساکنان و مسئولان ساختمان پاستور در میان این بیماران حاضر نشد و نه سخنان آنان را شنید و نه با آنان اظهار همدردی کرد.

موارد بالا فقط گوشه کوچکی از بحران بخش دارو در ایران است. باقی بخش‌های بهداشت و درمان از این هم بحرانی‌تر است. کمبود دکتر متخصص، کادر درمانی مکفی برای جمعیت ۸۵ میلیونی، نبود تجهیزات به‌روز پزشکی و هزاران مورد دیگر

حاکی از یک چیز است. تحت حاکمیت رژیم اسلامی و سیاست‌های سرمایه‌دارانه و سود اندوزانه در بخش درمان و بهداشت، جان انسانی پیشیزی نمی‌ارزد. تجهیز تروریست‌های منطقه و بالابردن بودجه نیروهای سرکوبگر داخلی سرانجامش، چیز جز کشتار بیماران نیست. خواست درمان و داروی رایگان خواستی انسانی و قابل تحقق است.

پنج شنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۲

۲۹ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۴۳۶۸۸۹۸۸۷۷۷۴۴۰۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۶۷

۲ مارس ۲۰۲۴ - ۱۲ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

پاسخ مردم به مضحکه انتخابات رژیم

کیوان جاوید

“موج عظیم نارضایتی های جامعه کارگری”

نسان نودینیان

شروین می ماند شما می روید

میلاد رسایی منش

در ستایش زنان زندانی سیاسی

اصغر کریمی

کشتار مردم گرسنه در غزه

محسن ابراهیمی

پاسخ مردم به مضحکه انتخابات رژیم

کیوان جاوید

مبارزات سرنگونی طلبانه مردم در ایران وارد یک مرحله جذاب دیگر شده است: تودهنی به رژیمی که بساط گدایی انتخاباتی راه انداخته بود. دیکتاتور در این میان سکه یک پول شده و دستان خونینش بیشتر در انظار عمومی به نمایش در آمده است. در این سیرک انتخاباتی چند اتفاق بسیار مهم سیاسی همزمان و به موازات هم واقعیت سیاسی در ایران را عیان تر از همیشه در معرض دید و قضاوت مردم ایران، افکار عمومی، مفسرین سیاسی و همه دولت‌های جهان قرار داد.

اتفاقات به پیش از این مضحکه انتخاباتی بر می‌گردد. زمانی که موج وسیعی از مردم چه در برابر دوربین‌های رسانه‌های حکومتی و چه در مدیای اجتماعی وسیعاً اعلام کردند در این مراسم تهوع آور که نام انتخابات بر آن گذاشته اند شرکت نمی‌کنند. اینجا ما با یک جمعیت خاموش که فقط در خانه نشسته و این مراسم مضحک حکومتی را “تحریم” کرده اند روبرو نیستیم. اینجا با یک موج و با یک ضد حمله سیاسی به همه ارکان حکومت روبرو هستیم. این حرکت یعنی ادامه یک انقلاب در بُعدی دیگر. یعنی اعلام این نکته که جمهوری اسلامی با مخالفین سر سختی رو به رو است. جمعیت عظیمی که از این فرصت بدست آمده در جهت خار و خفیف‌تر کردن حکومت استفاده کرده است.

در این مرحله، مردم روحیه بالای مبارزاتی خود را در تقابل با روحیه باختگی و انزوای هر چه بیشتر حکومت به نمایش گذاشته اند.

نتیجه به دست آمده از این رویداد به یادماندنی، تأثیرات پایدار آن در انظار جهانی است. هر کس که علاقه‌ای به رویدادهای ایران داشته باشد می‌تواند از این دریچه نیز رابطه مردم با حکومت را بررسی کند. اینجا هم یک حکومت ضد مردمی در برابر مردمی یکپارچه که هر حرکت سیاسی آنها آجری از عمارت حکومت می‌کند تا نهایتاً ویرانش کند قرار دارد. حکومت در انظار جهانی هم بیش از گذشته منزوی‌تر و آبرو باخت‌تر می‌شود. نگاه دولت‌ها نیز به آنچه در ایران می‌گذرد به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود. این

واقعیت که بعد از مهار موقت اعتراضات خیابانی،
جامعه نه مرعوب است نه دست‌بسته که از هر راه
ممکن در تقابل با جمهوری اسلامی از همه ابزارهای
اجتماعی استفاده می‌کند. رژیم اسلامی در محاصره
روزافزون جنبش رادیکال و انقلابی مردم راهی جز
سرنگونی ندارد.

شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۲

۲ مارس ۲۰۲۴

“موج عظیم نارضایتی های جامعه کارگری”

نسان نودینیان

زهره الهیان، نماینده مجلس شورای اسلامی، با اشاره به بحث های مربوط به حداقل دستمزد ماهانه کارگران برای سال آینده، نسبت به در نظر گرفتن شرایط فعلی جامعه و موج عظیم نارضایتی های جامعه کارگری هشدار داد. او به وبسایت “رکنا” گفت: “در شرایطی که در سال آینده، میزان افزایش حقوق کارگران هنوز تأیید نشده است، به نظر می آید در شرایط فعلی جامعه، این موضوع باید با حساسیت بیشتری مطالعه و کارشناسی شود. این نماینده مجلس افزود: در غیر این صورت با موج عظیم نارضایتی های جامعه کارگری مواجه خواهیم

بود.

پیام ترس و نگرانی زهره الهیان در باره روبروشدن جمهوری اسلامی با "موج عظیم نارضایتی‌های جامعه کارگری" بی‌دلیل نیست. وی در حال حاضر، در فرهنگستان علوم پزشکی نیز به‌عنوان رئیس گروه آینده‌نگری و نظریه‌پردازی، مشغول به فعالیت است و اطلاع کافی دارد که در مملکتی که نرخ تورم رسماً اعلام شده بالای ۴۵ درصد و هزینه زندگی ماهانه، بر اساس اذعان "تشکل‌های کارگری" وابسته به حکومت، دست‌کم ۲۵ میلیون تومان است. همچنین خبرگزاری ایلنا هفته گذشته با استناد به "محاسبات مستقل" نوشت که سبد معیشت خانوارهای کارگری در کلان‌شهرها به ۲۸ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان

رسیده است.

بحث معیشت خانوارهای کارگری تا حدود ۲۹ میلیون تومان در حالی در دایره گفتمان حکومتی جاری است که با موافقت دولت با افزایش ۲۰ درصد حقوق در سال جدید، حقوق و دستمزد سال ۱۴۰۳ برای هر کارگر مشمول قانون کار به ۱۲ میلیون و ۶۷۰ هزار تومان می‌رسید.

بی‌دلیل نیست ما از یک سال گذشته شاهد موج عظیم اعتصاب و اعتراضات کارگری در بخش‌های تولیدی از جمله نفت، فولاد و پتروشیمی و... هستیم. بازنشستگان لشکری و کشوری هر هفته چند روز در خیابان‌ها فریاد می‌زنند؛ "گرانی تورم بلای جان

مردم، "زیر بار تورم شکسته پشت مردم"، و "فقط کف خیابون به دست زیاد حقمون".

بعد از شکست مفتضحانه مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی در یازده اسفند ۱۴۰۲ و مشارکت پایین‌تر از ۲۵ درصد واجدین حق رأی و در کردستان طبق برآوردهای اولیه پایین‌تر از ده درصد، باید از زهره الهیان پرسید که آیا حکومتش توانایی مهار موج عظیم نارضایتی‌ها در سطح سراسری در میان کارگران، معلمان، پرستاران، کولبران، دست‌فروشان، دانشجویان و کشاورزان را دارد؟

نه بزرگ و میلیونی مردم به مضحکه انتخابات ابتدابه‌ساکن نیست بلکه برآمده از موج نارضایتی

عظیمی است که امروز در جامعه با شعار اتحاد
مبارزات سراسری، خواست‌های همه‌گیر و
متحدکننده کارگران برای دستمزد مکفی و در
گفتمان‌های اتحاد مزدبگیران لشکری و کشوری
شنیده می‌شود.

شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۲

۲ مارس ۲۰۲۴

شروین می ماند شما می روید

میلاد رسایی منش

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، شروین حاجی پور، خواننده و ترانه سرای معترض را مجموعاً به سه سال و هشت ماه حبس محکوم کرد. "تبلیغ علیه نظام"، "اغوا و تحریک مردم به اغتشاشات به قصد برهم زدن امنیت کشور" از جمله "جرم‌های" این خواننده محبوب انقلاب زن زندگی آزادی است.

از موارد مسخره محکومیت شروین "مطالعه و جمع آوری مطالب به صورت دست نویس از دو کتاب دینی و حکومتی درباره زن و انتشار آن در فضای مجازی"، همچنین "ساخت موسیقی درباره جنایات

آمریکا علیه بشریت“ و “جمع آوری نقض حقوق بشر
از سوی دولت آمریکا در یک قرن اخیر و انتشار در
فضای مجازی“ است.

در رابطه با احکامی که برای شروین حاجی پور صادر
شده چند نکته حائز اهمیت است. نخست آنکه
صدور چنین احکامی برای شروین که صرفاً موزیک
ساخته است، نشان هراس جمهوری اسلامی از هنر
و هنرمندان، بخصوص هنرمندان معترض است. نظام
اسلامی اگر پایگاه مردمی داشت و می توانست حتی
روی قشری که در تمام این چهل و پنج سالی که از
عمرش می گذرد با دادن رانت و باج به خود وابسته
کرده است، حساب کند، قاعدتاً نباید از یک جوان
خواننده تا این اندازه بترسد و چنین احکامی را برای
او صادر کند. شروین نشان داده است یک آهنگ

با مضمون انسانی و در خدمت مبارزات مردم تا چه حد می‌تواند متحدکننده مبارزات باشد و وحشت حکومت از این است.

نکته مهم دیگر صدور چنین احکامی برای شروین، اعتراف حاکمیت به عذاب‌آور بودن تحقیق و خلاصه‌نویسی در متون دینی مورد قبول حاکمیت است. جمهوری اسلامی که با بودجه‌های فراوان سعی در پمپاژ ارتجاع اسلامی خود در جامعه را دارد، به‌خوبی می‌داند نسلی را پرورش داده است که از اسلام و مذهب متنفرند. به گواه مبارزات مردم در طول تاریخ اما این تلاش حکومت مانند موارد گذشته شکست خواهد خورد. اگر با ترور و اعدام هنرمندانی همچون فریدون فرخزاد جمهوری اسلامی توانست جلو خلق آثار هنری معترض را بگیرد، این بار هم با

این احکام حقیرانه خواهد توانست که صدا شروین حاجی‌پور و همه خوانندگان معترض را خفه کند.

وظیفه جامعه اما در این مقطع از انقلاب زن زندگی آزادی حمایت از شروین و همه خوانندگان و هنرمندان ضد حکومت اسلامی است. جامعه می‌تواند و باید حول حمایت از زندانیان سیاسی و همه دستگیرشدگان انقلاب زن زندگی آزادی متحد شود و ضمن طلب حقوق انسانی این افراد، به حاکمیت اجازه ندهند علیه مردم دست به جنایت بزنند و احکامی چنین شنیع و غیرانسانی صادر کند.

شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۲

۲ مارس ۲۰۲۴

در ستایش زنان زندانی سیاسی

اصغر کریمی

شجاعت زنان زندانی سیاسی به معنی واقعی کلمه الهام بخش است. الهام بخش یک جامعه بپاخاسته. قاتلان و شکنجه گران حاکم فکر میکردند زندانیان را با انواع فشارها، محرومیت‌ها و محکومیت‌ها میشکنند تا درس عبرتی به جامعه بدهند اما خود درس‌های زیادی گرفته‌اند! زنان زندانی در همان سیاه‌چال‌ها بیانیه میدهند، شعار میدهند، تظاهرات میکنند و مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی میگویند. علیه اعدام بیانیه میدهند، اعتصاب میکنند، به مناسبت‌های مختلف مراسم میگیرند، علیه انتخابات قلابی حکومتیان به مردم فراخوان میدهند و صدای انقلاب زن زندگی

آزادی برای سرنگونی حکومت میشوند.

انقلاب زن زندگی آزادی زنان را در صف مقدم انقلاب قرار داد و زندانیان زن بیخ گوش قاضیان و قاتلان حکومت جلسه میگیرند، بحث و تبادل نظر میکنند، به صورت متشکل و یک صدا علیه جنایات حکومت اعتراض میکنند و مردم را به ادامه انقلاب فرامیخوانند. زندانی که قرار بود مردم را از مبارزه و کار جمعی و متشکل مرعوب کند، خود امکان اعتراض جمعی و متشکل را فراهم کرده است.

روز ۲ بهمن ۳۰ نفر از زنان زندانی نوشتند: "ما گرد هم آمده‌ایم تا به اعدام نه بگوییم. ما از حق مردم برای زندگی در عدالت دفاع می‌کنیم." و چند روز قبل از آن دهها زن زندانی بدنبال اعدام محمد قبادلو

در بیانیه‌ای نوشتند: “خبر اعدام جوانان ایران، موجی از خشم و اعتراض را در جامعه رقم زده است. صدای ما باشید علیه اعدام. زنان زندانی برای زنده نگه داشتن نام اعدام‌شدگان و برای زنده ماندن صدها انسانی که در زندان‌های جمهوری اسلامی در سراسر کشور در صف اعدامند، مقاومت خواهند کرد و روز پنجم بهمن، اعتراض خود را با اعتصاب غذای دسته‌جمعی شان نشان خواهند داد.”

و روز ۶ دیماه وقتی چند قاضی جنایتکار حکومت قصد بازدید از اوین داشتند کاری به سر آنها و بطور مشخص عموزاد، که حکم اعدام محسن شکاری را امضا کرده بود، آوردند که قاتلان خود را در میان نیروهای امنیتی در داخل اتاق‌ها پنهان کردند و زنان شجاع زندانی شعار میدادند “قاتل بیا بیرون” و اسم مجاهد کورکور و

رضا رسایی دو جوان محکوم به اعدام را فریاد میزدند.
قضات مرگ مخفی شده بودند و صدایی از آنان در
نمیآمد.

شجاعت زنان زندانی حاصل شجاعت یک جامعه است
و به نوبه خود الهام بخش شجاعت جامعه. و ترس قضات
مرگ انعکاسی از روحیه عمومی حکومتیان و مقاماتی
است که سرنوشت خوبی در مقابل خود نمی بینند. در
مقابل این شجاعت باید به احترام بپا خاست. ۸ مارس
روز جهانی زن بر آنها گرامی باد!

شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۲

۲ مارس ۲۰۲۴

کشتار مردم گرسنه در غزه

محسن ابراهیمی

خبر کشتار مردم گرسنه و جنگ زده در غزه را حتماً همه شنیده‌اید. روز پنجشنبه ۲۱ فوریه، مردم گرسنه، نگران، ناامید، بی‌پناه و مستأصل در شهر غزه، به کامیون‌های حامل کمک‌های غذایی هجوم می‌آورند تا چیزی برای زنده ماندن گیرشان بیاید و ارتش دولت نتانیا هو قتل عامشان می‌کند. بر اساس اطلاعات منتشر شده تا کنونی، بیش از ۱۰۰ تن کشته و نزدیک به ۷۰۰ نفر زخمی شده‌اند.

رئیس سازمان پزشکان بدون مرز مسئولیت این کشتار را بر عهده کسانی می‌داند که "ماه‌ها کمبود

مواد غذایی موجود را سازماندهی کرده‌اند.“ همه می‌دانند که سازمان‌دهندگان گرسنگی مردمی که از زمین و هوا کشتار می‌شوند، دولت فاشیست مذهبی حاکم در اسرائیل است. همان دولتی که وزیر دفاعش “یوآو گالانت”، مردم غزه را بابتی شرمی تمام “حیوان‌های انسان‌نما” خطاب کرد و با خونسردی تمام اعلام کرد گاز و برق و آب و غذا را به رویشان خواهد بست. در نتیجه این بی‌رحمی، بنا بر آخرین گزارش سازمان ملل، قحطی و گرسنگی، جان یک‌چهارم از جمعیت ۲,۳ میلیونی ساکن غزه را تهدید می‌کند.

مقامات حاکم در اسرائیل می‌گویند که دلیل تعداد زیاد کشته و زخمی “ازدحام جمعیت” بوده است که برای دریافت کمک‌های غذایی هجوم برده بودند و ارتش اسرائیل زمانی تیراندازی کرده که از سوی جمعیت

احساس خطر کرده است! احساس خطر از جمعیتی
گرسنه و بی‌پناه که می‌خواستند لقمه نانی گیر بیاورند
تا کودکانشان از گرسنگی جان ندهند؟ می‌بینید که
دروغ‌پردازی فاشیست‌های حاکم در اسرائیل چقدر
شبیه دروغ‌های فاشیست‌های حاکم در ایران است
که قلب و سر و چشم جوانان معترض را با تیر می‌زنند
و وقیحانه می‌گویند خود معترضین “کشته‌سازی”
کرده‌اند!

قتل‌عام مردم گرسنه در غزه، برگ خونین دیگری
بر پرونده قطور هیئت حاکمه دست راستی حاکم
در اسرائیل و در رأس آنها بنیامین نتانیاهو اضافه
کرد. این صدها کشته و زخمی که به خاک و خون
کشیده شدند، انسان‌های گرسنه و بی‌پناهی بودند که
از نسل‌کشی هولناک دولت اسرائیل جان بدر برده

بودند. نسل‌کشی‌ای که جرقه‌اش در ۷ اکتبر توسط حماس و جمهوری اسلامی با کشتار و گروگان‌گرفتن شهروندان اسرائیلی زده شد.

کشتار گرسنگان غزه بار دیگر نشان می‌دهد که اولین و مهم‌ترین قدم برای رسیدن به یک راه‌حل انسانی برای مساله فلسطین کوتاه کردن دست نیروهای دست راستی فاشیست در اسرائیل از یک طرف و جارو کردن بساط فاشیسم اسلامی حاکم در ایران و نیروهای مثل حماس از طرف دیگر است.

شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۲

۲ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از
ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت
ایران) منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام :

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در
انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۶۸

۳ مارس ۲۰۲۴ - ۱۳ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

سیل در سیستان و بلوچستان؛ به داد مردم برسیم

کیوان جاوید

بی‌رحمی طبیعت یا جنایات حکومت؟

سیما بهاری

”انتخابات“ و افزایش نرخ ارز

سینا پدرام

فقر کمرشکن، حاصل رژیم فاسد اسلامی

عطیه نیک‌نفس

سیل در سیستان و بلوچستان؛

به داد مردم برسیم

کیوان جاوید

سیل در سیستان و بلوچستان؛ "۱۶ شهرستان و ۱۹۴۷ روستا" از چهار روز پیش درگیر سیل هستند. در حال حاضر ۱۶ شهرستان و هزار ۹۴۷ روستا در این استان از چهار روز پیش درگیر سیل و آب‌گرفتگی هستند.

سیل ویرانگر جمهوری اسلامی همراه با سیل طبیعت به جان مردم فقرزده و از همه چیز ساقط شده افتاده است. عکس‌های کودکانی که در آب خوابیده‌اند قلب هر انسان شریفی را می‌فشارد. آخر این چه بلایی است که بر سر این مردم آمده

است و فریادرس این دردمندان؛ این کودکان غرق
در فلاکت و سیه‌روزی کیست؟

حکومتی‌های دزد دارند در شکم‌سیری و خوشی و
بهره‌مندی از امکانات رفاهی و اجتماعی که “خدا”
به آنها ارزانی داشته است در کهکشان‌ها سیاحت
می‌کنند. آنها شکرگزار حکومت الله هستند و
بی‌وقفه زحمت می‌کشند تا جاهای خالی مانده از
حساب‌های بانکی خود را پُرتر کنند.

در این میان نظری به عکس‌هایی از سیل سیستان
و بلوچستان بیندازیم تا ببینیم مردم اسیر چه
شرایط شومی هستند. مردم غذا و آب آشامیدنی و
سرپناه ندارند؛ در میانه آب و باتلاق گل‌ولای شب
سرد، سر بر زمین می‌گذارند، به این امید تا شاید
فریاد رسی به دادشان برسد. جرم این مردم زاده

شدن در مناطق شدیداً محروم و فقرزده است. جرم بزرگ‌ترشان حاکمیت یک‌مشت فاسد و کلاش اسلامی است. با این وضعیت آیا امیدی هست که کسی به فریاد این دردمندان برسد؟ باید باشد. راهی جز تلاش برای مقابله با این مصیبت نیست.

مردم ایران در همه شهرها صدای اعتراضشان را بلند کنند. شهرها و روستاها و میادین و خیابان‌ها را به محل اعتراض به این وضعیت تبدیل کنیم و رژیم آدمکش اسلامی را مجبور کنیم که به درد این مردم برسد. این سیل‌زدگان باید فوراً به مناطق امن منتقل شوند و در خانه‌های استاندارد با امکانات رفاهی مکفی اسکان داده شوند. تنها با صرف یکی از آن میلیاردها دلار اختلاس شده توسط سران و باج‌خوران حکومت اسلامی می‌شود همه این سیل‌زدگان را از این وضعیت فلاکت‌بار

نجات داد.

رژیم مسئول حل این بحران انسانی است. اما هم‌زمان ما مردم از همه شهرهای ایران آستین بالا بزنیم و امکانات لازم را تا حد ممکن در اختیار این سیل‌زدگان دردمند قرار بدهیم. مردم سیستان و بلوچستان چشم به امداد ما دوخته‌اند. تنه‌ایشان نگذاریم.

یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۲

۳ مارس ۲۰۲۴

بی‌رحمی طبیعت یا جنایات حکومت؟

سیما بهاری

بنا بر اعلام رسانه‌های ایران: "بامداد پنجشنبه ۱۰ اسفندماه جسد زنی کارتن‌خواب در محدوده کلانتری آیت‌الله سعیدی تهران کشف شد. این زن ۳۰ سال داشته و گفته می‌شود به دلیل سرمای شدید جان خود را از دست داده است."

در دهم اسفندماه، یعنی همان ایامی که جمهوری اسلامی مشغول تبلیغات انتخاباتی خود بود، همان زمانی که کروزر پول خرج می‌کردند تا دزدان دیگری مشروعیت حضور در مجلس را از طرف دولت دزدتر از مجلسیان بیابند، در

گوشه‌ای از یک خیابان زنی مظلومانه یخ می‌زند.
انسانی که از ترس نیروهای حکومتی خیابان را
به ”گرم‌خانه‌ها“ ترجیح داده. انسانی که مردن
از سرما برایش قابل تحمل‌تر از تحقیر لحظه به
لحظهٔ مأموران حکومت است. احتمالاً مرگ این
زن مشتی از نمونهٔ خروار است.

این گوشه‌ای از یک رمان قرن نوزده نیست.
این گوشه‌ای از یک فیلم غم‌انگیز نیست. این
سرنوشت انسان‌های زیادی تحت حاکمیت یک
حکومت فاسد، ضد بشر، و قلدر است. حکومتی
که مردن انسان‌ها در آن عادی‌ترین پدیده است.
حکومت جمهوری اسلامی که ۴۵ سال جز فقر و
نداری و سفره‌های خالی و رؤیاهای سوخته چیزی
برایمان نداشته است.

انقلاب زن زندگی آزادی آمده است که به این محرومیت‌ها و به این رنج‌ها پایان دهد. از شروع انقلاب، رفع تبعیض و احترام به برابری و حرمت زندگی زیانزد اکثریت مردم است. اینها سخنان و خواست‌هایی است که روی میز تک‌تک افراد باشرافت جامعه است. در اعتراضات سخن از به‌پاخاستن برای رفع تبعیض است. از معیشت و منزلتی که حق همهٔ ماست و سلب شده. از اینکه برای به کرسی نشاندن خواست‌هایمان، ایستاده‌ایم تا پایان. اینها را بارها و بارها شنیده‌ایم و داریم برایشان می‌جنگیم. تا آخر راه دست‌هایمان درهم تنیده شده و یکدیگر را رها نخواهیم کرد.

انقلاب زن زندگی آزادی آن قدر زیبا و انسانی پیش می‌رود که گاهی از آرزوها و رؤیاهایمان هم زیباتر

است. واقعی و شدنی در مقابلمان گام برمی‌دارد.
با همین انقلاب جمهوری نکبت اسلامی را به زیر
می‌کشیم. چرا که نمی‌خواهیم هیچ انسانی از سرما
و گرما و گرسنگی بمیرد. در دنیای بعد از جمهوری
اسلامی نه تنها همهٔ انسان‌ها که تمامی موجودات،
خانه‌های امن و گرم، و آغوش‌های مهربان و عاشق
خواهند داشت که پذیرایشان خواهد بود.

یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۲

۳ مارس ۲۰۲۴

”انتخابات“ و افزایش نرخ ارز

سینا پدرام

یک روز پس از ”سیرک انتخابات“، با مشارکت حداقلی مردم، دلار آمریکا در بازار تهران از مرز ۶۰ هزار تومان عبور کرد. ارزهای خارجی دیگر و قیمت طلا هم روند صعودی داشتند. امروز نیز بازار بورس تهران سقوط آزاد داشت و تمامی نمادها رنگ ”قرمز“ داشتند.

تمامی تحلیل گران اقتصادی، خبر از گرانی هر چه بیشتر کالاها در سال آینده را دارند. مسیر وضعیت اقتصادی رژیم اسلامی همواره از بد به بدتر بوده است. رکود، بحران، سقوط، افزایش قیمت کالاها و خدمات و غیره از ادبیات همیشگی اقتصاد ایران در ۴۵ سال گذشته بوده است.

ما همواره گفته‌ایم که معضل اقتصادی در ایران جواب سیاسی دارد. یک نگاه کوتاه به واکنش‌های “فعالین” بازار در چند روز گذشته نشان می‌دهد خود وجود رژیم اسلامی بحران‌زاست. ایران با رژیمی اداره می‌شود که هیچ مشروعیت سیاسی ندارد. “انتخابات” کذایی چند روز پیش، شاهد این مدعا است.

سیاست تنش‌زا در منطقه، هزینه کردن تروریسم منطقه‌ای، دخالت در اقتصاد کشورهای منطقه برای دورزدن تحریم‌ها و تأمین ارز از بانک‌های عراق، تأمین جنگ سوریه و حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری لیست کوتاهی از سیاست خارجی است که هزینه‌هایش از جیب مردم پرداخت می‌شود. سیاست خارجی‌ای که قرار است عمر رژیم در

ایران را طولانی‌تر کند.

این موش‌دوانی‌ها، در معیشت و فقر مضاعف مردم ایران بازتاب دارد. به نظر کارشناسان اقتصادی ایران با بالارفتن احتمال قرار گرفتن سپاه در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا، بازار ارز پر تلاطمی را شاهد خواهیم بود. درهم‌تنیدگی سیاست و اقتصاد شاید هیچ کجای جهان این‌چنین بارز و آشکار نباشد.

سیاست‌های دولت رئیسی مانند تمامی دولت‌ها قبلی سیاست‌های تورمی است و افزایش قیمت کالاها نه تنها قابل انتظار بلکه اجتناب‌ناپذیر است. درعین حال بالارفتن نرخ ارز در ایران به خودی خود تورم‌زا است. ناگفته پیداست که این پدیده‌ها در اقتصاد سرمایه‌دارانه جایگاه ویژه‌ای دارند و از "سلامت" اقتصادی خبر می‌دهند. پرسش اما این

است: "سلامت و شکوفایی" اقتصادی برای چه کسی؟

در سایه رژیم اسلامی حتی اگر اقتصادی "شکوفه" را هم شاهد باشیم، تمامی هزینه‌ها هر چه بیشتر بر گردن طبقات پایین خواهد افتاد و سودهای افسانه‌ای از حساب‌های بانکی سرمایه‌داران حکومتی و حکومتی‌های سرمایه‌دار سر در خواهد آورد. جیب مردم خالی و سرشان بی‌کلاه باقی خواهد ماند. راه‌حل اساسی مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است.

یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۲

۳ مارس ۲۰۲۴

فقر کمر شکن، حاصل رژیم فاسد اسلامی

عطیه نیک نفس

”بر اساس آمارهای بانک جهانی، در سال ۲۰۱۱، حدود ۲۰ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر بودند؛ اما در سال ۲۰۲۱، بیش از ۲۸٫۱ درصد جمعیت ایران، زیر خط فقر قرار گرفته‌اند؛ این یعنی با فرض متوسط جمعیت ۸۰ میلیون نفری طی دهه اخیر، طی سال‌های ذکر شده، تقریباً ۶ و نیم میلیون نفر به افراد زیر خط فقر اضافه شده‌اند. جمعیت میلیونرهای ایرانی (بر اساس دلار) ۲۴۶ هزار نفر است و ایران ۴ برابر ترکیه و ۳ برابر مصر میلیونر دارد.“

یکی از معضلاتی که به یمن وجود رژیم اسلامی هر روزه شاهد افزایش رشد آن در ایران هستیم، فقر است. فقری که این سالها فشاری بس کمرشکن بر مردم وارد کرده است.

تأثیر مستقیم فقر بر معیشت مردم کاملاً واضح است، افزایش تصاعدی قیمت مسکن، خوراک و پوشاک که از نیازهای اولیه انسانی است. اما فقر موجب بروز بحران‌های دیگر نیز می‌شود. از جمله: افزایش کودکان کار، بروز بیشتر جرم و جنایت به دلیل دزدی، محرومیت از تحصیل و افت سطح دانش در میان مردم، ازهم‌پاشیدن خانواده‌ها به دلیل ناتوانی در تأمین مخارج زندگی، افزایش زباله‌گردی، تن‌فروشی زنان سرپرست خانواده و

در کل پایین آمدن شدید کیفیت انسانی زندگی مردم.

اینها در حالی است که حساب‌های بانکی آخوندها و سران رژیم اسلامی هر روز بیشتر می‌شود. بچه‌هایشان در کاخ‌هایی غیرقابل تصور در ایران و دیگر کشورها زندگی می‌کنند و ارقام اختلاس‌ها دقیقاً توسط مزدوران همین رژیم، قابل شمردن نیست.

جمهوری اسلامی یک نظام سرمایه‌داری گندیده و دزدسالار است که با جنایت‌ها و فسادش هر روز زندگی مردم را در بحرانی عمیق‌تر فرومی‌برد و اما این‌چنین تیشه بر تنه و ریشه خود می‌زند. فساد اقتصادی در این رژیم و نداشتن افق اقتصادی

گرانی، تورم و فقری نابودکننده را بر مردم تحمیل کرده است. فقر و بی حقوقی در کنار دیگر مصائب حاصل از موجودیت رژیم نحس اسلامی دلیلی کافی برای جزم عزم مردم در راه هر چه بیشتر متشکل کار کردن در جهت سرنگونی این حکومت فاسد است.

یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۲

۳ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۶۹

۴ مارس ۲۰۲۴ - ۱۴ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

موقعیت حکومت بعد از شکست انتخاباتی

مصطفی صابر پاسخ میدهد

دیوار آپارتاید جنسیتی را بر سر حکومت خراب می کنیم!

پیام حمید تقوایی به مناسب روز جهانی زن

پیروز میدان، ماه رمضان یا عید نوروز؟

کیوان جاوید

فقر و ثروت در هندوستان و ضرورت سوسیالیسم

بابک یزدی

کمپین مالی حزب

لیست شماره ۲

موقعیت حکومت بعد از شکست انتخاباتی

مصطفی صابر پاسخ میدهد

کیوان جاوید: نتایج مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی را چطور ارزیابی می کنید؟ اهمیت آن چیست؟

مصطفی صابر: با توجه به اخباری که از نتایج به اصطلاح انتخابات رژیم میرسد (نظیر اینکه حتی خودی هایشان میگویند "آراء باطله نفر اول یا دوم در خیلی حوزه هاست"، یا اینکه حتی خاتمی هم رای نداده و غیره) بنظر میرسد که مضحکه همیشگی انتخابات اینبار به نمایشی پُر سروصدا از شنیدن خرد شدن استخوانهای جمهوری اسلامی در پیشگاه

جامعه ایران تبدیل شد. همه دارند با صدای بلند به اینها میخندند و ابراز شادی میکنند که چنین مفتضح شدند. این مهمترین فاکتور در ارزیابی از این "انتخابات" است. احساس پیروزی در نزد مردم و احساس شکست در نزد حاکمان اسلامی.

اهمیت این شکست هم در این است که مردم را در مبارزه و حرکت شان به جلو قوی تر و امیدوارتر میکند. مردم روحیه گرفته اند و انقلاب شان، انقلاب زن زندگی آزادی، را با قدرت بیشتر ادامه میدهند. در واقع این به اصطلاح انتخابات به جدالی بین مردم و انقلاب زن زندگی آزادی از یکسو و جمهوری اسلامی از سوی دیگر تبدیل شد. در این جدال انقلاب پیروز شد.

کیوان جاوید: چرا باند خامنه‌ای برای گرم کردن این
نمایش انتخاباتی حاضر نشد اصلاح طلبان حکومتی
را وارد بازی کند؟

مصطفی صابر: برای اینکه جمهوری اسلامی چنان
در نزد مردم منفور است، چنان در درون خودش
شکننده، پُر از اختلاف، رقابت و سردرگمی است،
که دیگر حتی نمی‌تواند یک مضحکه نمایشی از
برگزاری انتخابات بین خودش را هم تحمل کند. در
عصر ”زن زندگی آزادی“ و ”اصلاح طلب، اصولگرا،
دیگه تمومه ماجرا“، سرنوشت به اصطلاح انتخابات
جمهوری اسلامی چیزی بهتر از این نمی‌شود.

در واقع موضوع فراتر از بازی ندادن اصلاح طلبان در انتخابات است. این دارد نشان میدهد که جمهوری اسلامی از هر لحاظ ته کشیده است. جمهوری اسلامی نه فقط از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دچار یک بن بست شدید و فروپاشی است. بلکه حتی از نظر شیوه حکومت و مشخصا روش حفظ نیروهای خودی و تعریف مناسبات بین خودی ها مدتهاست که به بن بست رسیده و به اصطلاح "علی مانده و حوضش"! برای همین گفتم این به اصطلاح انتخابات صدای خرد شدن استخوانهای جمهوری اسلامی را بلندتر از همیشه به گوش همه رساند.

کیوان جاوید: انعکاس این فروپاشی سیاسی جمهوری اسلامی در مبارزات مردم برای سرنگونی را چطور

می بینید؟

مصطفی صابر: به نظرم صدای اعتراض مردم بلندتر از قبل میشود. مردم حق به جانب تر و متحدتر و جسورتر میشوند. از آن طرف حکومتیان نامشروع تر و غاصب تر و منزوی تر از قبل میشوند. نه فقط خامنه ای و رئیسی بلکه هر مامور و مسئول حکومتی، هر آخوند و حجاب بان و پاسدار حکومت باید جواب ریشخند های تلخ مردم در مورد این مسخره بازی انتخابات را بدهد. لقب "حکومت آراء باطله" به لقب های دیگر جمهوری اسلامی نظیر جمهوری اعدامی و حکومت ضد زن و غیره اضافه خواهد شد.

از لحاظ بین المللی نیز این وضعیت مفتضح به اصطلاح

انتخابات جمهوری اسلامی از نظر ناظران و افکار عمومی دور نخواهند ماند و موقعیت رژیم را بیش از پیش ضعیفتر خواهد کرد. برای دول غربی مشکل‌تر و مشکل‌تر خواهد شد که با این رژیم باطله مماشات کنند. حامیان بین‌المللی این رژیم نظیر روسیه و چین نیز بخاطر حمایت شان از چنین رژیم نامشروع و مورد انزجار مردم ایران ننگ و نفرت بیشتری را برای خود می‌خرند.

دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲

۴ مارس ۲۰۲۴

دیوار آپارتاید جنسیتی را بر سر حکومت خراب می‌کنیم!

پیام حمید تقوایی به مناسبت روز جهانی زن

فرارسیدن ۸ مارس، ۱۸ اسفند، روز جهانی زن را به همه زنان و مردان آزاده ایران تبریک می‌گوییم.

امسال روز جهانی زن روز بزرگداشت و تداوم انقلاب زن زندگی آزادی، اولین انقلاب زنانه تاریخ است. انقلابی علیه یکی از جنایت‌کارترین، ضد انسانی‌ترین و زن‌ستیزترین حکومت‌هایی که تاریخ معاصر به خود دیده است. انقلابی که حکومت آپارتاید جنسیتی را نشانه گرفته است و زنان آزاده در صف مقدم آن قرار دارند.

جنبش رهائی زن علیه رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی با اعتراض توده‌ای زنان در اولین هشت مارس در حکومت اسلامی، در ۱۷ اسفند ۵۷ آغاز شد و از آن زمان تا امروز جنبش علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسیتی یک رکن مهم جنبش رهائی زن و جنبش عمومی مردم برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی بوده است.

امسال روز جهانی زن، ۱۸ اسفند، روز پیشروی و تعرض بیشتر جنبش رهائی زن و انقلاب زنانه در ایران است. فتح خاکریز حجاب تا همین جا یک دستاورد مهم انقلاب ما بوده است و روز جهانی زن فرصتی است تا این دستاورد را در یک سطح سراسری و همگانی تثبیت کنیم.

در روز جهانی زن به یاد عزیز مهساها و آرمیتاها که به "جرم" بی‌حجابی جانشان را از دست دادند، و در

بزرگداشت همه عزیزانی که در مبارزه برای به زیر
کشیدن زن ستیزان حاکم جان باختند، متحد و یکپارچه
همه جا حجاب‌ها را از سر بر می‌داریم و دیوارهای
آپارتاید جنسیتی جمهوری اسلامی را بر سرش خواب
می‌کنیم.

شمارش معکوس برای سقوط رژیم ضد زن جمهوری
اسلامی آغاز شده است. این جنایت کاران باحجاب
آمده‌اند، بی‌حجاب خواهند رفت.

زنده باد روز جهانی زن!

زنده باد اولین انقلاب زنانه تاریخ!

دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲

۴ مارس ۲۰۲۴

پیروز میدان، ماه رمضان یا عید نوروز؟

کیوان جاوید

همزمانی عید نوروز با ماه رمضان و خط و نشان یک فرمانده سپاه برای شهرداری‌ها: ”اگر نمی‌توانند به سپاه اطلاع دهند. چرا که سپاه مازندران می‌تواند برنامه‌های فرهنگی را در سواحل استان اجرا کند.“

عید نوروز زندگی است؛ طراوت است و شادی؛ فصل رویدن و به گُل نشستن طبیعت. در ایران و جوامع دیگر هزاران سال است بهار جشن گرفته می‌شود و بشر از بهار دلنشین و زیبا لذت می‌برد. ایام نوروز در ایران هم حقیقتاً شادی‌بخش بوده و در دل و جان مردم ایران ریشه دوانده است.

قرار است ماه رمضان در برابر ایام نوروز قرار بگیرد.
رمضان، ماه عقب مانده اسلامی؛ ماه پُر خوری سحری
و گرسنگی و تشنگی در طول روز. ماه تسلیم مذهبی
در برابر خدای موهوم؛ ماه زجر و ریا و خودفریبی؛
ماه فریب دیگران و ظاهر سازی. ماه رمضان، ماه
حکومت اسلامی، ماه شلاق زدن و جریمه کردن و
کنترل مردم تا در خیابان و محل کار و اماکن عمومی
نخورند و نیاشامند. رمضان ماه تنفر مردم از یکی
دیگر از عقب ماندگی های اسلامی؛ ماه حکومتیان
دزد و دروغگو که از فرط خوردن و بریز و بیاش
دارند منفجر می شوند.

امسال قرار است این دو پدیده در برابر هم قرار

بگیرند. طبیعت زیبای بهاری در مقابل ماه مزاحم و تهوع آور اسلامی. اگر جامعه آزاد بود تا تصمیم بگیرد و انتخاب کند، طبعاً نتیجه بی‌هیچ‌شکی از قبل معلوم بود. ماه رمضان شاید در بخش کوچکی از جمعیت ۸۶ میلیونی مردم ایران در انزوا برگزار می‌شد و کسی هم نمی‌فهمید چه وقت آمده و چه وقت رفته است. اما این ماه حکومت اسلامی است. قرار است با این ماه مردم شادی نکنند و جشن نگیرند و همان کنسرت‌های دست و پا شکسته هم لغو شود؛ قرار است رژیم آخرین زورش را بزند تا به مردم القا کند که هنوز قدرت دارد و سپاه می‌تواند ماه رمضان را بر زندگی مردم، آن هم در ایام نوروز حاکم کند.

زهی خیال باطل. در این نبرد تن به تن، این بهار
و عید نوروز است که پشت کریه ماه رمضان را
به زمین می‌کوبد. از هم اکنون دو جشن خواهیم
داشت. سال نو و شکست حکومت اسلامی با ماه
رمضان کذایی‌اش. با دور شدن بی وقفه و فراگیر
مردم از سنت های اسلامی و ارتجاعی، ماه رمضان
صرفاً به یک روز حکومتی تبدیل می شود.

دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲

۴ مارس ۲۰۲۴

فقر و ثروت در هندوستان

و ضرورت سوسیالیسم

بابک یزدی

یورو نیوز از جشن سه روزه پیش از ازدواج
ثروتمندترین مرد آسیا خبر می‌دهد. به این خبر
توجه کنید:

غول‌های اقتصادی از سراسر جهان، روسای جمهور
و همچنین ستارگان هالیوود و بالیوود روز جمعه
۱ مارس - ۱۱ اسفند به شهر کوچک جام‌نگر در
غرب هند رسیدند، جایی که "موکش امبانی"،
صنعتگر میلیاردی، جشن عروسی بزرگی را برای

پسر کوچکترش تدارک دیده است.

فهرست مهمانان نزدیک به ۱۲۰۰ نفره شامل ریانا، سوپرستار موسیقی پاپ، بیل گیتس، مارک زاکربرگ، ساندرا پیچای، ایوانکا ترامپ و شاهرخ خان، ستاره بالیوود است. برای بیشتر آنها که با هواپیماهای چارتری وارد می شوند، ۵۰۰ نوع غذای تهیه شده توسط حدود ۱۰۰ سرآشپز سرو می شود. فهرست مهمانان همچنین شامل محمد بن جاسم آل ثانی، نخست وزیر قطر، استفان هارپر، نخست وزیر سابق کانادا و پادشاه بوتان، و ... است.

همچنین در دعوت نامه ذکر شده است که مهمانان هر روز را با یک لباس جدید آغاز می کنند و در

هتل طراحان لباس هندی، آرایشگران، طراحان مو و تعدادی دستیار برای آماده‌سازی آنها وجود خواهد داشت. خانواده امبانی، مالک یک ساختمان ۲۷ طبقه به نام "آنتیلا" به ارزش ۱ میلیارد دلار در بمبئی می باشند.

من بیش از سه سال در هندوستان زندگی کرده‌ام. شاهد فقر و ثروت و زجر مردم در این کشور بودم. به دلیل غیر قانونی وارد شدن زندان پُر اذحام را به چشم دیدم که زندانیان در فقر و تندگستی در هم می لولیدند. من شاهد زندگی بی خانمان در همین شهر بمبئی و در پایتخت بودم هندوستان کشور فقر و گرسنگی چند صد میلیونی است. کشوری که بخش وسیعی از مردم در همان پایتخت به توالت

دسترسی ندارند و از حاشیه شهرها و جنگل‌ها بجای
توالست استفاده می‌کنند.

هندوستان معروف به هفتاد و دو ملت کشور عجیبی
است. می‌گویند بزرگترین دموکراسی جهان است.
اما در این کشور دموکراسی هر روز صبح آمبولانس‌ها
در کنار خیابان مشغول جمع‌آوری جنازه مرده‌های
فقیر و بی‌خانمان شب گذشته‌اند!

وقتی در هر ۴ ثانیه یک کودک به دلیل بیماری‌های
قابل پیشگیری در جهان جان می‌سپارد، میلیاردری
بلند می‌شود و میلیاردرها و میلیونرهای جهان را به
صف می‌کند تا "شکوه و عظمت" سرمایه‌داری و
"بزرگترین" دموکراسی جهان را به رخ بکشد.

همین یک نمایش کافی است تا یکبار دیگر این
حقیقت فریاد زده شود که جهان نیازمند سوسیالیسم
است تا شکوه و زیبایی زندگی سهم نوع بشر باشد.
رهایی انسان مستقیم به نابودی سرمایه‌داری و
برقراری سوسیالیسم گره خورده است.

دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲

۴ مارس ۲۰۲۴

کمپین مالی حزب

لیست شماره ۲

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع آوری حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای تامین بخشی از نیازهای مالی حزب (و از جمله کانال جدید) در دو هفته اول معادل ۴۹۳۴۰ دلار آمریکا جمع آوری شد. این کمپین یک ماهه است و هر هفته لیست دوستانی که کمک میکنند منتشر میشود. از تمام عزیزانی که در این دو هفته به کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی میکنیم. از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه‌ای آزاد و برابر و خوشبخت میتپد و از همه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در داخل و بویژه خارج کشور دعوت

می‌کنیم به حزب کمک کنید. کمک‌های شما، به هر میزان مایه افتخار و اتکای این حزب است.

عظیم مطور ۱۲۰۰ یورو - آذر پویا ۲۰۰۰ کرون -
هوشیار سروش ۲۰۰۰ کرون - سارا نخعی ۱۰۰۰
کرون - هرمز رها ۱۰۰۰ کرون - پتی دبونیتاس و
کیوان جاوید ۱۰۰۰ پوند - جمال صابری ۱۰۰ دلار
کانادا - نگار ف. گ ۵۰ دلار کانادا - میثم عتیق
۱۰۰۰ کرون - محمد شکوهی ۱۰۰ یورو - سیاوش
آذری ۵۰۰ دلار آمریکا - کیسی وندل ۲۴۰۰ کرون -
دوستانی از ایران معادل ۲۰۰۰ کرون - شاهو ۱۰۰۰
کرون - نغمه ۱۰۰ یورو - هادی ۵۰ یورو - سحر آزاد و
آرش ناصری ۱۰۰۰ دلار کانادا - آریانیس ۱۰۰ دلار
کانادا - عزیز لرستانی ۵۰ دلار کانادا - رضا قربانی
۲۰۰۰ کرون - صابر رحیمی ۱۰۰۰۰ کرون - نروژ -

علی قنبری ۱۰۰ دلار آمریکا- سهراب وفا ۲۰۰ دلار
آمریکا- کیومرث کرمانشاه ۱۵۰ دلار آمریکا- شجاع
تگزاس ۱۵۰ دلار آمریکا - جان کمالی ۵۰ دلار
آمریکا - صادق احمدی ۵۰ دلار آمریکا - محمد
محمدی ۱۰۰ دلار آمریکا - ستار نوری زاد ۲۰۰
دلار آمریکا - عبدل گلپریان ۱۰۰ یورو - نسرین
نامدارپور ۱۰۰۰ کرون - آراد علیزاده ۵۰۰ کرون
اصغر کریمی ۳۰۰ پوند - خلیل کیوان ۲۰۰۰ کرون
- ناصر شیشه گر ۲۰۰۰ کرون - هادی ۱۰۰ کرون
حسن کیوان ۵۵۶ کرون - مجید حمیدیان ۱۰۰۰
کرون - جمیل فرزانه ۵۰۰۰ کرون - سهیل اسفندیاری
۲۰۰۰ کرون - آیت رزمجو ۵۰ دلار کانادا - زن
زندگی آزادی ۷۰ دلار کانادا - هنار و امیر ماهان ۲۰۰
دلار کانادا - امین یارمحمدی ۲۵ یورو - ندا علایی
۲۵ یورو - مهدی نبوی ۵۰ یورو - غلام اکبری ۵۰۰۰

کرون - عباس ایاغ ۲۰۰ دلار آمریکا- علاءالدین

فرهاپور ۱۰۰ دلار آمریکا

ناصر اصغری ۳۰۰ دلار کانادا - علی کمالی ۵۰۰

کرون

میترا و داریوش ۱۰۰۰ کرون

کمک مالی از ایران

نادر ۱ میلیون تومان - ستاره ۷۰۰ هزار تومان - فتاح

۳۰۰ هزار تومان - نیما ۳۰۰ هزار تومان

جمع لیست دو ۱۱۰۶۰ دلار آمریکا

جمع کمک دو هفته اول ۴۹۳۴۰ دلار آمریکا

دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲

۴ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از
ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت
ایران) منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام :

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در
انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید
journalfarsi.com

ژورنال

زورنال

شماره ۶۷۰

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

۵ مارس ۲۰۲۴ - ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

دکتر آیت‌الله‌های قاتل هو شد!

میلاد رسایی منش

زنده‌باد ۸ مارس روز جهانی زن

دختري جوان

قدرت کارفرمایان، قدرت کارگران

یاشار سهندی

چهره کریه حکومت اسلامی در گزارش جاوید رحمان!

محسن ابراهیمی

دکتر آیت‌الله‌های قاتل هو شد!

میلاذ رسایی منش

در خبرها آمده است که پروفیسور سمیعی، در کنسرت اِبی روی سن می‌رود و بر خلاف انتظار وی و برنامه گذاران، نه‌تنها مورد استقبال حضار قرار نمی‌گیرد که با اعتراض و هو کردن مردم روبرو می‌شود. مینا احدی، فعال سرشناس سیاسی ساکن آلمان، در همین رابطه با به اشتراک گذاشتن ویدئویی از این لحظه نوشته است:

”او (پروفیسور سمیعی) همکار و مدافع حکومت اسلامی است و بارها جنایت کاران و قاتلین مردم را برای معالجه به هانوفر آورده و در مقابل اعتراضات ما با دروغ و شانتاژ به فراری دادن جانیان اسلامی

کمک کرده. پس باید او و همچنین ابی و برنامه
گذاران ببینند هر کس با حکومت اسلامی ساخت
و همکاری کرد با خشم مردم روبرو می شود امروز
و یا فردا.“

واقعیت آن است که به یمن ظهور شبکه های
مجازی و گردش آزاد اطلاعات، دوره وسط بازی
و دروغ گفتن به افکار عمومی به پایان رسیده
است. پروفیسور سمیعی مدت ها است که با رژیم
اسلامی همکاری های نزدیک دارد و شرایط را برای
مسافرت و درمان مقامات حکومت اسلامی به
کلینیک درمانی اش در هانوفر را فراهم کرده است
از جمله مقامات جنایت کاری مانند شاهرودی که
دستشان به خون هزاران انسان آلوده است. همان ها
که برای درمان مردم در ایران، طب اسلامی و دعا

و زیارت حرم و خرافات اسلامی تبلیغ می کنند.
پروفسور سمیعی وقتی مورد پرسش خبرنگاران در
مورد روابط وی با حکومت اسلامی قرار می گیرد،
بی شرمانه شانه بالا می اندازد و ادعا می کند که
کسی مثل هاشمی شاهرودی را نمی شناخته است.
این تزویر و دروغ گویی جناب پروفسور البته نه تنها
ایشان را از گزند نقد مردم در امان نگه نداشت که
باعث خشم بیشتر افکار عمومی نسبت به وی شد.
در وجهی دیگر و پس از آغاز انقلاب زن زندگی
آزادی، مرزبندی بین مردم معترض و آزادی خواه و
عناصر وابسته و طرفدار رژیم بیش از پیش شفاف
شده است. پارادایم جدیدی که انقلاب زن زندگی
آزادی به وجود آورده است دیگر امکان وسط بازی
و دروغ گویی به مردم را از بین برده است. واکنشی

که در کنسرت ابی شاهد آن بودیم ضمن آنکه
نشان از بلوغ سیاسی دیاسپورای ایرانی دارد، فصل
جدیدی از مناسبات مردم معترض با وابستگان
رژیم را نوید می‌دهد. از نظر مردم، هر گونه خدمت
امثال پروفیسور سمیعی به مقامات جنایت‌کار
حکومت اسلامی به معنای قرارگرفتن در صف
دشمنان انقلاب زن زندگی آزادی است.

سه‌شنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

۵ مارس ۲۰۲۴

زنده‌باد ۸ مارس روز جهانی زن

دختری جوان با آرزوهای بزرگ از ایران

در این روزهایی که به ۸ مارس، روز جهانی زن، نزدیک می‌شویم فکر می‌کنم، امید و آرزویم برای پیروزی انقلاب زن، زندگی، آزادی و رهایی کل جامعه از زنجیرهای تبعیض و ستم، و همچنین رهایی از جامعه طبقاتی، زنده است. این امید آرزویی است که به‌زودی به حقیقت و واقعیت تبدیل می‌شود، چون می‌دانم که زنان تحت حکومت رژیم فاشیستی اسلامی با وجود خفقان و اختناق با تمام اراده و قدرت خود در جهت تغییری انقلابی

در وضعیت خود و همه مردم تلاش می کنند.

انقلاب زن، زندگی، آزادی نه تنها به معنای رسیدن به حقوق برابر و زندگی آزاد برای زنان است، بلکه به معنای ساختن جهانی دوستانه تر، متحدتر و عادلانه تر برای همه است. این انقلاب به دنبال رفع هرگونه تبعیض و ستم است که برابری و رهایی زنان، یکی از پایه های آن است. این انقلاب برای ارتقای ارزش ها و مهارت های زنان، و ایجاد فرصت های برابر برای آنان برای شرکت در امور اجتماعی، فرهنگی، هنری و اقتصادی است.

همه ما به عنوان مردم و جامعه باید با همکاری و همبستگی، به سوی رهایی از ستم، برچیدن ساختار مردسالارانه و بهبود وضعیت همه و جهانی عادلانه

بدون هرگونه ستم و تبعیض اقتصادی و اجتماعی
حرکت کنیم. حتماً با همدلی و ایجاد اتحاد و
انسجام، می‌توانیم به دنیایی پیشرو، انسانی و پر
از عدالت و برابری و عاری از تبعیض و ستم دست
یابیم.

سه‌شنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

۵ مارس ۲۰۲۴

قدرت کارفرمایان، قدرت کارگران

یاشار سهندی

تلویزیون صدای آمریکا زیرنویس زده بود: "مصوبه وزارت کار به نفع کارفرمایان؛ اخراج کارگران آسان تر می شود." در متن خبر آمده که طبق بخشنامه جدید "کارفرمایان می توانند قرارداد کارگران را با بهانه "قصور در انجام وظایف" یا "تقص آیین نامه های انضباطی کارگاه بعد از دریافت تذکر کتبی" یک جانبه فسخ و کارگر را از کار اخراج کنند. در این بخشنامه آمده است که اگر شکل کارگری در کارگاه وجود داشته باشد، کارفرما مکلف است تا نظر مثبت شکل کارگری را بگیرد و در صورت مخالفت شکل کارگری، کارفرما نمی تواند کارگر

را از کار اخراج کند.

خب هر کس نداند فکر می کند که تا حالا دست کارفرمایان برای اخراج کارگران بسته بوده! اولاً "تشکل کارگری" وجود ندارد، آنجا که هم هست تشکیلات سیاه دست ساخته خود حکومت است که خون خودشان را برای اخراج یک کارگر اگر کارفرما تشخیص داده "قصور" صورت گرفته اصلاً کثیف نمی کنند. ثانیاً، بدون همین بخشنامه هم کارفرما به خاطر اینکه کل حکومت را پشت سر خود دارد، همین که تشخیص دهد کارگر "سربار تولید" است اخراج می کند. نهایت این داستان این بوده که کارگرانی در "اداره کار" طرح شکایت می کنند آنهم به شرطی که زمانی از قراردادشان باقی مانده باشد، نه برای اینکه حکم برگشت به کار بگیرند، چون کشمکش وقتی به اینجا می رسد کارفرما

اصلاً کارگر را به داخل کارگاه راه نمی‌دهد، بلکه کارگران دنبال این هستند شاید بتوانند تا آخر قرارداد دستمزدشان را بگیرند که این یک در میلیون شاید شدنی باشد.

کارگری در ایران، یعنی به‌جان خریدن کلی تحقیر، وقتی که کارگران باوجود اینکه جمعی مشغول به کارند؛ اما به‌تنهایی در مقابل کل رژیم اسلامی سرمایه‌قرار دارند. کارفرما تقریباً مانند یک «ارباب» رفتار می‌کند، نه یک «طرف قرارداد». پشتوانه قدرت کارفرما به‌واسطه کل قوانین مصوبی است که اجرا می‌گردد و پشتوانه اجرایی آن هم نیروهای انتظامی و امنیتی است.

اما زمان‌هایی هم هست که کارگر وقتی قدرت جمعی خود را باز می‌شناسد، کارفرما خود را فرد حقیری می‌یابد که حتی با حضور نیروهای امنیتی ته

دلش قرص و محکم نیست. بارها در تجربه اعتصابات
کوچک از نزدیک شاهد این قدرت بوده‌ام و شاهد
قدرت جمعی کارگران در هفت‌تپه و فولاد اهواز و
غیره هم بوده‌ایم. تمام تلاش حاکمیت اسلامی هم
همین بوده که این قدرت جمعی به یک نیروی قوی
اجتماعی و زیر و کننده تبدیل نشود. بخشنامه فوق
یک پیام بیشتر ندارد. حکومت بی‌پرده کارگران را
به مصاف طلبیده است. مثال تاریخی چنین مصافی
اعتصاب کارگران نفت در سال ۵۷ است.

سه‌شنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

۵ مارس ۲۰۲۴

چهره کریمه حکومت اسلامی در گزارش جاوید رحمان!

محسن ابراهیمی

پنج‌شنبه و پنجمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل از هفتم اسفند آغاز شده و تا روز ۱۷ فروردین ادامه خواهد داشت. جاوید رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران، گزارش مفصلي در باره وضع حقوق بشر در ایران به این اجلاس ارائه داده است. مهم‌ترین محورهای گزارش جاوید رحمان اینها هستند:

در سال ۲۰۲۳ میلادی ۸۳۴ نفر در ایران اعدام

شده‌اند. سال قبل از آن ۵۸۲ انسان اعدام شده‌اند که نشان‌دهنده افزایش ۴۳ درصدی اعدام‌هاست. در گزارش، ضمن اشاره به اعتراض‌های سال‌های گذشته از جمله انقلاب زن زندگی آزادی، از بازداشت‌های خودسرانه، نبود محاکمه عادلانه برای معترضان، ناپدیدسازی اجباری، شکنجه و اعدام‌ها شدیداً ابراز نگرانی شده است.

قبلاً در آذرماه امسال، در گزارش جاوید رحمان به نشست ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل از سرکوب گسترده اعتراضات ایران، یورش نیروهای امنیتی حکومت به دانشگاه‌ها، کشتار کودکان، دادگاه‌های ناعادلانه و اعترافات اجباری و احکام

وسیع اعدام برای مردم معترض صحبت شده بود و بر توقف فوری صدور احکام اعدام تأکید شده بود. در آن گزارش، از ادامه بازداشت شهروندان کشورهای دیگر و شهروندان ایرانی دو تابعیتی اظهار نگرانی شده و اعلام شده بود که این روند باید متوقف شود و بازداشت‌شدگان باید آزاد شوند.

این گزارش اطلاعات تازه‌ای برای مردم ایران ندارد که خودشان موضوع تمام این بی‌عدالتی‌ها هستند. اما این گزارش از نظر سیاسی بسیار مهم است. گزارش کتبی یک مقام رسمی سازمان ملل که در آن بی‌عدالتی‌های گسترده یک حکومت

مستبد دینی لیست شده‌اند، ادعاهای دروغ حکومت اسلامی خطاب به مردم دنیا را بیش از پیش بی اعتبار می کند؛ افکار مردم در کشورهای دنیا را از جنایات حکومت اسلامی مطلع می کند و زمینه را برای همبستگی گسترده تر با اعتراضات مردم در ایران فراهم تر می کند. حکومت اسلامی دقیقاً از همین نگران است که از هنگام معرفی جاوید رحمان به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران در سال ۱۹۹۷، اجازه سفر به ایران را به او نداده است.

جمهوری اسلامی به جاوید رحمان اجازه سفر به ایران را نداده است، اما مردم ایران، مانروهای که

برای سرنگونی حکومت اسلامی مبارزه می‌کنیم،
می‌توانیم و باید چنین گزارشی را برای فشار آوردن
به دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی برای بایکوت
تمام‌عیار جمهوری اسلامی، بستن لانه‌های ترور و
جاسوسی این حکومت و نهایتاً پیگرد و محاکمه
مقاماتش در یک دادگاه بین‌المللی به کار گیریم.

سه‌شنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

۵ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۷۱

۶ مارس ۲۰۲۴ - ۱۶ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

درختکاری به یاد کیان پیرفلک و حمایت از توماج

منظر دریاکناری

رأی ندادن خاتمی و سنگ قبر اصلاحات

کیوان جاوید

ساعت مچی یک میلیون دلاری

سیاوش آذری

۸ مارس، ۱۸ اسفند، روز جهانی زن: بی حجابی عمومی!

زنده باد زن زندگی آزادی! زنده باد انقلاب زنانه!

حزب کمونیست کارگری ایران

درختکاری به یاد کیان پیرفلک و

حمایت از توماج

منظر دریاکناری

پانزده اسفند در تقویم ایران روز درختکاری نام‌گذاری شده است. میثم پیرفلک، پدر کیان پیرفلک، سه‌شنبه ۱۵ اسفند، با بازنشر ویدئویی از درختکاری این کودک ۹ساله که در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ توسط حکومت اسلامی به قتل رسید، این روز را گرامی داشت.

کاشت گسترده نهال در حمایت از توماج صالحی

توسط مردم مبارز و آزادی خواه که خواستار آزادی
این صدای رسای اعتراض جامعه به ظلم و نابرابری
و اختلاس و غارت و دزدی و صدای رسای انقلاب
زن زندگی آزادی هستند، از دیگر جلوه های
به یادماندنی در روز درختکاری بود.

کیان عزیزمان را همیشه به یاد خواهیم داشت.
کودک ۹ ساله ای که قتلش به دست جانیان
اسلامی آتش خشم عمومی را دامن زد. خانواده
کیان دیگر فقط متعلق به پیرفلک ها نیست، ما
هم خانواده و یار و غمخوار مادر و پدری خواهیم
بود که هزاران آرزوی شیرین برای فرزند دلبنده شان

داشتند که در کمال تأسف همه آن آرزوهای شیرین
به دست حکومت خونریز اسلامی بر بادرفت.

ما به هر مناسبت انسانی و از جمله با درختکاری
به یاد کیان عزیزمان خواهیم بود. این نیز یک
تفاوت دیگر بین ما مردم و حکومت اسلامی
است. حکومتی که طبیعت را به نابودی می کشاند
و مردمی که از درختکاری و حفظ طبیعت نیز
سلاحی می سازند علیه رژیم اسلامی.

در کنار بزرگداشت یاد عزیز کیان، در این نبرد
مدنیت و انسانیت علیه نظام ضد تمدن و ضد

بشریت یک نماد دیگر انقلاب نیز به‌خوبی
گرامی داشته شد. توماج در روز درختکاری آن
سرو بلندقامتی شد که ریشه در اعماق زندگی و
خوشبختی دارد. جوانی که با سروده‌هایش درخت
سبز زندگی را در برابر عجزه مرگ پاس می‌دارد.
زنده‌باد زندگی. زنده‌باد انقلاب انسانی برای
جامعه‌ای انسانی.

چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۲

۶ مارس ۲۰۲۴

رأی ندادن خاتمی و سنگ قبر اصلاحات

کیوان جاوید

پنج روز پس از برگزاری مضحکه انتخاباتی که در نوع خود یک تودهنی دیگر مردم به حکومت بود، محمد خاتمی تأیید کرد که “آگاهانه و صادقانه” در انتخابات شرکت نکرده است. او در توضیح این اقدام می گوید: “این بار تصمیم گرفتم که اگر نمی توانم کاری برای مردم بکنم همراه و هم نوا با خیل ناراضیانی باشم که در عمق وجودشان بر این باورند که اگر راه نجاتی باشد راه اصلاح امور است.”

آشی که رژیم برای خودش پخت آن چنان آشغال

از آب درآمد که حتی آخوندی چون خاتمی هم که همه عمرش را در لجنزار این حکومت چریده است نمی‌تواند آن را قورت بدهد. جواب مردم به این سیرک حکومتی آن‌چنان محکم و پُرطنین بود که آخوند سالوسی چون خاتمی هم نتوانست عبا بر سر بکشد و رأی به حفظ نظامش بدهد.

این تلاش خاتمی تشنج پیش از مرگ حکومت است. می‌گوید می‌خواهد همراه و هم‌نوا با خیل ناراضیان باشم که راه نجات را اصلاح امور می‌دانند. حماقت و ابله بودن سیاسی وصف حال خاتمی نمی‌تواند باشد که فکر می‌کند می‌تواند اصلاحات را از گور بیرون بکشد و از آن پرچمی بسازد تا جمهوری اسلامی از سرنگونی نجات پیدا کند. طنین "اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا" باعث

دو عکس العمل متفاوت در حکومت اسلامی شده است. خامنه‌ای و یارانش به این نتیجه رسیده‌اند تنها سرکوب و زندان جوابگو است و به همین منظور روزبه‌روز بر دامنه جنایات حکومت افزوده می‌شود، تا جایی که کودکان ۸ - ۹ ساله هم برای حفظ نظام به دست این جلادان به قتل می‌رسند. راه حل امتحان پس داده و شکست خورده بعدی همین پروژه کذایی خاتمی است که می‌خواهد اجزای تجزیه شده جنازه جمهوری اسلامی را به هم جوش بزند و حکومت اسلامی جدیدی به خورد مردم بدهد.

داستان هر چه باشد رأی ندادن امثال خاتمی و همه آن اصلاح‌طلبان شریک جرم خامنه‌ای یک فایده دارد. جمهوری اسلامی مشروعیت سیاسی

خودش را نه فقط در میان همه مردم ایران که در درون بخش وسیعی از تبه‌کاران حکومتی نیز ازدست‌داده است. کسی که به حکومت اسلامی رأی بدهد بی‌شک به آشکارترین وجه ممکن دشمنی خودش را درملاءعام علیه مردم به نمایش می‌گذارد و خاتمی جرئت نکرد رأی بدهد. انقلاب در برابر ارتجاع سینه سپر کرده است.

چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۲

۶ مارس ۲۰۲۴

ساعت مچی یک میلیون دلاری

سیاوش آذری

اخيراً ”موکش امبانی“، ”ثروتمندترین فرد آسیا“، جشن سه‌روزه پیش از ازدواجی برای پسر کوچک خود، آنانت امبانی ۲۸ ساله و نامزدش رادیکا مرچنت ۲۹ ساله، ترتیب داد. در این مهمانی ۱۰۰۰ تن از ”مهم‌ترین شخصیت‌های جهان“ که معمولاً آنها را در گردهمایی‌های سرمایه‌داران همچون نشست داووس می‌بینیم شرکت داشتند. خرج این مهمانی که ریانا، ستاره مشهور موسیقی پاپ در طی آن کنسرتی اختصاصی برگزار کرد، بالغ بر صد میلیون دلار شده است. از جمله ”شگفتی‌های“ این مهمانی ساعت یک میلیون دلاری حضرت داماد بود که حتی

توجه مولتی‌میلیارد در "ساده‌پوش"، مارک زاکربرگ و همسرش پریسیلا چان را به خود برانگیخت و آنان را به تحسین واداشت.

جشن پسر از ما بهترو و دختر شاه پریان البته در کشوری اتفاق می‌افتد که غنی‌ترین یک درصد جمعیت نزدیک به ۲۳ درصد در آمد سالانه کشور را به خود اختصاص می‌دهد در حالی که قشر ۵۰ درصدی پایین تنها ۲۷ درصد از کل درآمد سالانه کشور را به دست می‌آورد. فساد سرمایه‌داری حاکم بر هندوستان همچنین به عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی در کشور دامن می‌زند و البته همه اینها در حالی صورت می‌پذیرد که هندوستان به یمن کار ارزان و شرایط برده‌وار زندگی اکثریت قریب به اتفاق جمعیت که به قول آراویند آدیگا در "هندوستان

تاریک“ زندگی می‌کنند، از بالاترین نرخ رشد اقتصادی (نرخ استثمار) در جهان برخوردار است. حداقل دستمزد در هندوستان ۲ دلار و ۱۵ سنت در روز و حدود ۶۵ دلار در ماه است. این در حالی است که بنا بر گزارش سازمان جهانی کار (آی ال او) یک‌سوم از کارگران هندوستان حقوقی کمتر از حداقل دستمزد رسمی دریافت می‌کنند و در شهرهایی مانند دهلی تقریباً ۹۵ درصد کارگران در چنین شرایطی به سر می‌برند. صدالبته همین شرایط حاکم بر “بزرگ‌ترین دموکراسی جهان“ است که دهان سرمایه جهانی را آب می‌اندازد.

توجه زا کربرگ به ساعت داماد چندان هم بیخود نیست. دست آخر دستمزد، نرخ استثمار، نرخ سود، نرخ بهره، بارآوری نیروی کار و سرمایه و “رشد

اقتصادی“ بنا بر ساعت تعیین می‌گردد. تحت
حاکمیت سرمایه “زمان همه چیز و انسان هیچ است؛
انسان لاشه زمان است.“

آزادی حقیقی و بازگرداندن اختیار انسان به انسان
تنها بادرهم کوبیدن سیستم سرمایه‌داری امکان‌پذیر
است. پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی در ایران
نیز منوط به تحقق این امر است.

چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۲

۶ مارس ۲۰۲۴

۸ مارس، ۱۸ اسفند، روز جهانی زن:

بی‌حجابی عمومی!

زن‌ده‌باد زن‌زندگی آزادی!

زن‌ده‌باد انقلاب زنانه!

حزب کمونیست کارگری ایران

روز جهانی زن، هشتم مارس ۲۰۲۴ برابر با
هیجدهم اسفند ۱۴۰۲، در ایران، خاستگاه اولین
”انقلاب زنانه تاریخ بشر“، روز تعرض و تداوم
این انقلاب است. روز اعتراض به کل موجودیت
منحوس حکومت ضد زن اسلامی و به‌ویژه روز
بی‌حجابی صددرصدی در سراسر ایران است.
روزی است که زنان و همه آحاد جامعه فریاد

بزند "زندهباد انقلاب زنانه" و به جمهوری اسلامی
اعلام کنند که شیشه عمر شما اکنون در دستان
ماست و با بی‌حجابی عمومی در تهران و اصفهان
و شیراز و سنندج و تبریز و زاهدان و همه شهرها
آن را بر کف خیابان می‌کوبیم.

در شهریور ۱۴۰۱ به دنبال قتل ژینا/ مهسا
امینی توسط جمهوری اسلامی، فریاد "ژن، ژیان،
تازادی" از سقز زبانه کشید و بلافاصله سراسر
ایران را درنوردید و جهان را به حمایت و احترامی
شورانگیز واداشت. چه روزی مناسب‌تر از ۸ مارس
برای بی‌حجابی سراسری و همگانی؟! چه روزی
مناسب‌تر از ۸ مارس برای به خیابان آمدن با فریاد
رسای "زن زندگی آزادی" بر سر حکومت سرتاپا

مردسالار، زن‌ستیز، ارتجاعی و ضدبشری اسلامی؟! چه روزی مناسب‌تر از ۸ مارس برای گرامیداشت ارزش‌های عمیق و انسانی و جهان‌شمول انقلاب زن زندگی آزادی؟! چه روزی بهتر از ۸ مارس برای پایین کشیدن همه دیوارهای آپارتاید جنسیتی و به زیرسؤال بردن همه قوانین ضدبشری و ضد زن اسلامی؟! چه روزی بهتر از ۸ مارس برای فریادزدن نام مه‌ساها و نیکاها و آرمیتاها و دیگر قهرمانان انقلاب زن زندگی آزادی!؟

هشت مارس، روز جهانی زن، در طول تاریخ پر افتخار خود همواره با انقلابات و تحولات اجتماعی بزرگ بشری آمیخته و عجین بوده است. بگذار هشت مارس ۱۴۰۲ در ایران برگ دیگری بر

این تاریخ بیفزاید. بگذار هشت مارس ۱۴۰۲
با بی‌حجابی عمومی و وسیع در سراسر ایران به
همه جهان نشان دهد که انقلاب زنانه، انقلاب
زن زندگی آزادی در ایران پرخروش و توانا
در کار نقب‌زدن در دل جامعه ایران و زیرورو
کردن بساط جنایت‌کارانه و زن‌ستیزانه‌ای است
که حکومت آیت‌الله‌های میلیاردی سرمایه‌داری
زمانه ما به بشریت تحمیل کرده است. پیروزی
انقلاب زنانه در ایران نه فقط پایانی بر جمهوری
اسلامی و شروعی بر پایان اسلام سیاسی کثیف،
این منبع عظیم تحمیل جنایت‌کارانه‌ترین شرایط
بر بخش وسیعی از زنان جهان خواهد بود، بلکه
جنبش‌رهای زن و رهایی بشر در جهان را گامی
بزرگ به‌پیش خواهد راند!

حزب کمونیست کارگری دست همه فعالان رهایی
زن در سراسر جهان و به‌ویژه همه کوشندگان
جنبش آزادی زن در ایران را به گرمی می‌فشارد
و تمام تلاش و توان خود را برای برگزاری هرچه
باشکوه‌تر ۸ مارس ۲۰۲۴، ۱۸ اسفند ۱۴۰۲ به
کار خواهد بست.

چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۲

۶ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۷۲

۷ مارس ۲۰۲۴ - ۱۷ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

گرامیداشت روز جهانی زن با یاد مهساها

شهلا دانشفر

تأیید دوباره حکم زندان حمید نوری: پیروزی جنبش دادخواهی

سهیلا دالوند

شبکه مافیایی نایبان امام زمان

محسن ابراهیمی

گرانی و اقتصاد دستوری

سینا پدرام

رمضان، ابزار سرکوب توسط رژیم اسلامی

عطیه نیک نفس

سقوط جمهوری اسلامی و سقوط مساجد

یاشار سهندی

گرامیداشت روز جهانی زن با یاد مهساها

شهلا دانشفر

هشت مارس امسال مهر انقلاب زن زندگی آزادی را بر خود دارد. گرامیداشت این روز به یاد مهساها و ساریناها و نیکاکاها و جانباختگان انقلاب سرسختن بیانیه‌های این روز است. من هم هم‌صدا با آنان هشت مارس را به مهسا امینی تقدیم می‌کنم و با گرامیداشت یاد همه این عزیزان روز جهانی زن را شادباش می‌گویم.

تحرکات برای گرامیداشت این روز گسترده است و ابعادی اجتماعی دارد. جمعی از زنان در تهران با سرودخوانی و انتشار بیانیه "از ۸ مارس (روز جهانی زن) تا انقلاب" و با هشتگ زن زندگی آزادی

اعلام داشتند که یک قدم هم به عقب برنخواهند گشت.

۱۶ اسفند در سنندج جمعی از فعالین حقوق زنان در آرامستان بهشت "محمدی" مزار جان باختگان انقلاب را گل باران کردند. همچنین گروهی دیگر از زنان، با حرکت به سمت کوه "آریز"، روز جهانی زن را در آنجا گرامی داشتند.

پیام‌های بسیاری توسط زنان معترض و اکتیویست‌های اجتماعی منتشر شده و همچنین تشکل‌ها و نهادهای مختلف به استقبال این روز آزادی خواهی و برابری طلبی رفته‌اند. ندای زنان ایران در بیانیه "هشت مارس رمز تحکیم انقلاب مهسا و دستاوردها" روز جهانی زن و بی حجابی سراسری را راهی برای پیشروی و قدرت بخشیدن به انقلاب دانسته و بر اتحاد حول شعار "زن زندگی

آزادی“ تأکید می کند. فراخوان آن به بی حجابی
سراسری، رقص و شادی خیابانی، نصب عکس
جان باختگان انقلاب و فریاد متحدانه زن زندگی
آزادی در تجمعات و شعارهای شبانه است.

نهاد دادخواهان، هشت مارس را به یاد عزیزان
جان باختی که با فریاد زن زندگی آزادی، اولین
انقلاب زنانه تاریخ را آغاز کردند گرامی داشته و آن
را روز مادرانی می خواند که با فریاد نه می بخشیم
نه فراموش می کنیم دادخواه اند.

شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت این روز را
با تجدید عهد با اهداف جنبش زن زندگی آزادی
و یاد همه جان باختگان انقلاب گرامی می دارد.
شورای کارگران ارکان ثالث کارگران را در مبارزه
با تبعیض و بی حقوقی و بی تأمینی در کنار زنان

معترض و سایر جنبش‌های مطالباتی دانسته و بر شعار زن زندگی آزادی و تجدید عهد با آن تأکید می‌کند.

کانون نویسندگان ایران از زنان شجاع در زندان‌ها یاد می‌کند. اتحاد بازنشستگان با اشاره به مبارزات بی‌وقفه زنان از انقلاب ۵۷ تا کنون بر سر باز نایستادن این موج می‌گوید و شورای بازنشستگان ایران تأکیدش بر عدم بازگشت به قبل و پیشروی آگاهانه جامعه برای حفظ دستاوردهایش است و می‌نویسد: خیابان را ترک نخواهیم کرد، آینده از آن ماست.

پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۲

۷ مارس ۲۰۲۴

تأیید دوباره حکم زندان حمید نوری:

پیروزی جنبش دادخواهی

سهیلا دالوند

دادگاه عالی استکهلم سوئد برای دومین بار، روز چهارشنبه ۱۶ اسفند درخواست فرجام‌خواهی حمید نوری که در بهمن‌ماه توسط خانواده‌اش تنظیم شده بود، را نپذیرفت و بار دیگر حبس حمید نوری به جرم جنایت جنگی در سطح بین‌الملل و قتل را تأیید کرد.

حکم حبس ابد بالاترین مجازات در قوانین سوئد است. دادگاه استکهلم روز ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۳ حمید نوری دادیار سابق قوه قضائیه را به دلیل مشارکت

در اعدام‌های زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، به حبس ابد محکوم کرد. این دادگاه ۹ ماه به طول انجامید که در ۹۲ جلسه برگزار و ۳۴ شاکی و ۲۶ شاهد در آن شهادت دادند.

رد درخواست مجدد فرجام‌خواهی حمید نوری از طرف دیوان عالی سوئد، برای جنبش دادخواهی دستاوردی بزرگ علیه حکومتی است که چهار دهه با چوبه‌های دارش به زندگی نکبت‌بار و سراسر جنایت‌کارش، ادامه داده. تأیید حکم دوباره حمید نوری این پیام را به جنبش دادخواهی رساند و به همه مردم نشان داد که می‌توان این حکومت به‌شدت ضدانسانی و دیکتاتور و آدم‌کش را به میز پای محاکمه کشاند و زنگ خطر را برای سران رژیم اسلامی از ابراهیم رئیسی، از عوامل

اصلی اعدام‌های سال ۶۷ تا قاضی‌های مرگش، از جمله محمد مقیسه نماینده وزارت اطلاعات در هیئت صادرکننده احکام اعدام در زندان‌های اوین و گوهردشت در و سیروس شیخ‌پور قاضی در زندان اوین در سال ۱۳۶۷، به صدا درآورده است. این جانیان راه فراری از دادگاه‌های بین‌المللی ندارند و تک‌تک آنها باید در مقابل تمام جنایت‌هایشان و تمامی زنان، مردان و کودکانی که حقوق پایه‌ای آنها هر روزه پایمال شده است، جوابگو باشند.

شکوه و قدرت محکومیت حمید نوری در واقع جلوه‌ای از محکوم‌شدن رژیم اسلامی است و محکومیت رژیم در زمانی که هنوز بر سر کار است اهمیت این پیروزی را صدچندان می‌نماید. این در خود یک پیروزی به‌یادماندنی در تاریخ

جنبش دادخواهی و مبارزات مردم علیه جمهوری
اسلامی است.

دنیا را باید برای سران حکومت طناب‌های دار،
فقر، چپاول و جنایت اسلامی کوچک و پرهزینه
کرد و تک‌تک آنها را در دادگاه‌های بین‌المللی
به محاکمه کشید. نه فراموش خواهیم کرد و نه
خواهیم بخشید.

پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۲

۷ مارس ۲۰۲۴

شبکه مافیایی نایبان امام زمان

محسن ابراهیمی

یکی دیگر از اسناد هک شده قوه قضاییه، به تاریخ مرداد ۱۴۰۰ باقید "خیلی محرمانه" مربوط به پرونده دزدی دهها میلیون دلاری در قرارگاه خاتم الانبیا از زیر مجموعه‌های سپاه پاسداران است.

این سند که توسط فرمانده قرارگاه عملیاتی "سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" امضا شده است و خطاب به دادستان عمومی و انقلاب استان تهران و ظاهراً برای "پیگیری" است، مربوط به عباسعلی قاسمی، "معاونت سرمایه‌گذاری قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا سپاه پاسداران" است که بر طبق آن با "ارتباطات نامتعارف با شرکت‌های

خارجی و انعقاد قراردادهای بی ضابطه برای قرارگاه خاتم الانبیا“ ده‌ها میلیون دلار به جیب زده است!

همین چند جمله نشان می‌دهد که این هم یکی از دزدی‌های کلان و سازمان‌یافته مقامات حکومت است که حتماً همین فرمانده و دادستان در آن سهیم بوده‌اند که دو سال و نیم است “خیلی محرمانه” نگه داشته‌اند. از اختلاس‌ها و دزدی‌های نجومی در جمهوری اسلامی، مردم فقط زمانی مطلع می‌شوند که یا باندهای حکومت برای بدنام کردن رقبایشان افشاگری می‌کنند یا در اتفاقاتی شبیه حک اسناد قوه قضاییه جامعه خبردار می‌شود. آنگاه نوبت خامنه‌ای می‌رسد که مسئول اعلام “کش ندهید” است!

قرارگاه خاتم الانبیا یکی از چهار نهاد اختاپوس اقتصادی جمهوری اسلامی است که “بیش از نیمی

از اقتصاد ایران را در اختیار خود دارند“ و همراه با آستان قدس رضوی، ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد مستضعفان زیر نظر علی خامنه‌ای اداره می‌شوند. این نهادها از مالیات معاف‌اند؛ به هیچ جایی پاسخگو نیستند؛ کسی از تراکنش‌های مالی‌شان باخبر نیست جز همان دزدانی که در رأسشان قرار گرفته‌اند و به چپاول سیستماتیک ثروت جامعه مشغول‌اند.

در اعتراض به همین فساد و چپاول سیستماتیک و ابعاد نجومی دزدی‌هاست که معلمان و بازنشستگان مدام فریاد می‌زنند: ”یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه!“ اما یک اختلاس کم که نمی‌شود هیچ، اختلاس پشت اختلاس در جمهوری اسلامی به نرم تبدیل شده است آن‌چنان که حکومت اسلامی امروز عملاً به بزرگ‌ترین شبکه مافیایی اختلاس در جهان تبدیل شده است. شبکه‌ای که نمی‌تواند

بدون اختلاس، بدون چپاول، بدون به فقر و فلاکت
کشاندن میلیون‌ها انسان، به حیات انگلی‌اش ادامه
دهد. فریاد "فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی"
که در انقلاب "زن زندگی آزادی" طنین‌انداز شد،
نشان داد که مردم هم می‌دانند این شبکه مافیایی را
فقط می‌توان به قدرت یک انقلاب در هم شکست
و نابودش کرد و هم برای رسیدن به این هدف
دست به کار شده‌اند.

پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۲

۷ مارس ۲۰۲۴

گرانی و اقتصاد دستوری

سینا پدرام

بنا بر گزارش خبرگزاری‌های ایران معاون اول رئیسی، محمد مخبر در نشستی که با نمایندگان شماری از اصناف و اتحادیه‌ها داشت اقرار کرد که دولت بر قیمت‌ها هیچ نظارت ندارد و "نظارت بر بازار و کنترل قیمت‌ها صرفاً با اقدامات دولتی و برخوردهای تعزیراتی ساماندهی نمی‌شود". وی همچنین گفت که دولت از بازاریان انتظار دارد "به‌ویژه" در نوروز و ماه رمضان، نسبت به نظارت و کنترل قیمت‌ها توجه جدی داشته باشند.

نرخ تورم ۴۵ درصدی، بالارفتن ۱۴۵ درصدی قیمت اجناس اولیه ظرف ۳ سال گذشته، افزایش جهشی دلار، طلا و دیگر ارزهای خارجی ظرف

چند روز گذشته و در چند سال اخیر از موضوعات هر روزه مطبوعات ایران قلمداد می‌شود. به نظر می‌رسد که سیاست “فقیر سازی” و شوک‌های اقتصادی جایگاه ویژه‌ای در سیاست اقتصادی رژیم اسلامی یا دولت جمهوری اسلامی به‌عنوان بزرگ‌ترین سرمایه‌دار ایران را تشکیل می‌دهد.

اینکه قیمت، مزد و نرخ استثمار در ایران تابع چه رابطه و دینامیسمی عمل می‌کنند در حصول این نوشته کوتاه نیست؛ ولی به شکل مجمل می‌توان اثبات کرد که تورم و گرانی و یا آنچه که امروز به‌عنوان بحران اقتصادی نام بوده می‌شود، حاصل روند یک سیستم سرمایه‌دارانه ورشکسته در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی است. دلایل این ورشکستگی در مورد خاص حکومت اسلامی در ۴۵ سال گذشته ناشی از جایگاه سیاسی و

اقتصادی این رژیم در سیاست منطقه‌ای و اقتصاد جهانی است.

عوامل عدیده دیگری در افزایش نجومی قیمت‌ها دخیل هستند که از رابطه مردم با حکومت و یا به عبارت بهتر "عدم وجود اعتبار سیاسی" در میان مردم می‌توان نام برد. انقلاب و بحران سیاسی ناشی از آن در چند سال گذشته، تمامی راه‌حل‌های "اقتصادی" را به بن‌بست کشانده است. استیصال رژیم در حل این بحران‌ها بیانگر اعترافات این گونه دست‌اندرکاران رژیم است.

دزدسالاری اقتصادی رژیم اسلامی ریشه عمیقی در این واقعیت دارد که رژیم اسلامی هرگز نتوانست خود را به‌عنوان یک رژیم "سیاسی" باثبات به مردم تحمیل کند. فقیر سازی سیستماتیک اقتصادی

به عنوان مستأصل کردن مردم در عرصه "سیاست"
به عبارت ساده تر مشغول کردن ذهن مردم و
تحمیل "راز بقا" فقط می تواند در صورتی جواب
دهد که موضوعات اساسی مانند آگاهی طبقاتی،
تحزب، سازمان یابی و غیره از جامعه حذف شده
باشد.

مردم ایران امروز درست در جهت عکس این
سیاست ها پیش رفته اند. انقلاب زن زندگی آزادی
نشان داد که "آگاه طبقاتی" در ایران در بطن جامعه
سوژه انقلاب را نهادینه کرده است.

پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۲

۷ مارس ۲۰۲۴

رمضان، ابزار سرکوب توسط رژیم اسلامی

عطیه نیک نفس

”فرمانده سپاه جمهوری اسلامی در مازندران به دلیل مصادف شدن عید نوروز و ماه رمضان در ایران گفت: شهرداری‌ها باید کار فرهنگی کنند و اگر نمی‌توانند به سپاه اطلاع دهند. چرا که سپاه مازندران می‌تواند برنامه‌های فرهنگی را در سواحل استان اجرا کند. اظهارات او مبنی بر ایجاد محدودیت در عید نوروز به بهانه ماه رمضان در حالی است که در طرف دیگر معاون گردشگری جمهوری اسلامی، دهم اسفندماه از تصویب یک مصوبه در امور ”روزه و حجاب“ برای نوروز ۱۴۰۳ خبر داده بود.“

جمهوری اسلامی استوار بر قوانین اسلامی، رژیم است که بر پایه سرکوب و بی حقوقی انسان‌ها بنا شده است. اگر یک روز سرکوب، دستگیر، زندان، شکنجه و اعدام نکند، سرنگونی‌اش در فردای آن روز حتمی است. مردم به دلیل جنایات بی‌شمار این رژیم، نبود هیچ رفاه و معیشتی، نداشتن آزادی بیان، نداشتن حق انتخاب پوشش و در یک کلام نداشتن هیچ افقی برای آینده، کمر به سرنگونی این رژیم بسته‌اند. به همین دلیل رژیم از هر فرصتی برای سرکوب مردم استفاده می‌کند.

از طرفی قوانین اسلامی و به تبع آن رژیم اسلامی برای ایجاد فضای غم و اندوه و تبلیغ فرهنگ عزاداری، شاد نبودن و حرام دانستن شادی مگر به روش اسلامی، همیشه اصرار و تأکید کرده است.

ماه رمضان که به خودی خود خلاف یک زندگی سالم و نرمال انسانی است، به عنوان ابزار سرکوب توسط رژیم اسلامی هر سال مورد استفاده قرار می گیرد و حالا به دلیل هم زمانی رمضان و نوروز، مردم ایران که با شدیدترین بحران ها هر روزه دست به گریبان اند، به واسطه حضور رژیم اسلامی حتی قرار است در نوروز، از جشن گرفتن رسیدن بهار و شادی پرهیز کنند.

حکومت اسلامی اما کور خوانده است. رژیمی که تا گردن در مخمصه های اسیر شده است که مردم با مبارزاتشان در انقلاب "زن، زندگی، آزادی" برایش به وجود آورده اند، راه فراری ندارد. مصوبه "روزه و حجاب" برای زنانی که حجاب را سوزاندند، روزه برای مردمی که حتی بر سر مزار عزیزان

جان‌باخته خود دف زدند و رقصیدند، ”کارهای
فرهنگی سپاه“ برای مردمی که عمامه آخوند را
پراندند فاقد اعتبار است. این خیالات باطل رژیم
هرگز محقق نمی‌شود.

همانطور که مبارزان راه آزادی می‌گویند: در راه
براندازی این رژیم، برگشتی نیست و شجاعانه و
هدفمند، ماه رمضان، ابزار سرکوب حکومت الله را
بر سرش خراب می‌کنیم.

پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۲

۷ مارس ۲۰۲۴

سقوط جمهوری اسلامی و سقوط مساجد

یاشار سهندی

خمینی یک زمانی خطابش به مؤمنانش این بود: “هَجَمَه بَیْرِید به مساجد” و سال‌ها این گفته او در سر در مساجد خودنمایی می‌کرد. خمینی می‌دانست از چی سخن می‌گوید و مساجد جایی شد برای هجوم وسیع به نفس زندگی توسط یک حکومت. مسجد در جنبش اسلامی و جمهوری اسلامی نقش مهمی دارد. در پوشش اینکه عده‌ای مؤمن قضای حاجت می‌کنند و نمازی به جا می‌آورند و بعد سوالات شرعی از آخوندی می‌پرسند، جنبشی و حکومتی نیروهای سرکوبگرش را سازمان می‌دهد و حتی زیر زمین‌های این مکان‌ها را جایی برای بازداشت و شکنجه تبدیل می‌کند. در زمان‌هایی

که مردم معترض کف خیابان هستند این مکان به مخوف‌ترین جای ممکن در یک محله و خیابان تبدیل می‌شود. این مسائل عیان‌تر از آن است که نیاز به بازگویی داشته باشد.

بعد از ۴۵ سال کاشتن تخم نفرت از سوی همین مراکز، نه‌تنها تعداد مؤمنین و مؤمنات مساجد کم و کمتر شده است، بلکه به حق مسجد یکی از ارگان‌هایی است که در قیام‌ها و خیزش‌های سراسری مورد هجوم مردم قرار می‌گیرد. در چنین بحبوحه‌ای سازمان‌دهندگان نفرت‌اززندگی در مساجد، دور هم جمع شده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که ”باید هنر را به مساجد بازگردانیم! البته جای نگرانی نیست! یکی از مهم‌ترین هنرها که قرار است به مساجد ”بازگردد“ موسیقی عنوان

شده است: ”موسیقی در نوع عالی آن که در قرآن و اذان جلوه می‌کند!“ این را آخوندهایی می‌گویند که سال گذشته در روزهایی که توازن قوه به نفع مردم بود باید مواظب عمامه‌هایشان بودند که به دست جوانان بر باد نرود.

حکومت مخفیانه نظرسنجی کرده و پی به میزان نفرت مردم از مذهب و طبعاً از مسجد برده است. در این میان کاربه‌دستان حکومت به طرق مختلف سعی دارند مکانی امن در خارج از ایران برای خود دست‌وپا کنند. جلسات از این دست برای حفظ مساجد آب در هاون کوفتن است. اینها تلاش‌های مذبوحانه حکومتی مذهبی است که برخی از کاربه‌دستان آن به صراحت اذعان می‌کنند: ”با همین دست فرمان، داریم به سینه کوه می‌خوریم“

و ”نظام سقوط می کند.“

جمهوری اسلامی اما نمی تواند از این حرف ها نزند.
تا لحظه آخر، آخرین سخنگویش این سخنان را
تکرار خواهد کرد، چون اساساً حرفی برای زندگی
و تمدن امروزی جهان نداشته اند و ندارند. هیچ
تلاوت قرآنی نمی تواند از سقوط مساجد جلوگیری
کند.

پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۲

۷ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۷۳

۹ مارس ۲۰۲۴ - ۱۹ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

سقط جنین آری یا نه؟

حمید تقوایی پاسخ میدهد

زنده‌باد دایه مینا

اصغر کریمی

حجاب، این بار کج به منزل نمی‌رسد

کیوان جاوید

از ماهور احمدی تا بی‌نهایت بی‌حجابی

منظر دریاکناری

برابری و جنبش لغو زندان

سیاوش آذری

سقط جنین آری یا نه؟

حمید تقوایی پاسخ میدهد

کیوان جاوید: فرانسه دوشنبه ۴ مارس ۲۰۲۴،
۱۳ اسفند ۱۴۰۲ اولین کشوری است که حق سقط
جنین را وارد قانون اساسی خود می‌کند. یعنی هیچ
دولتی نمی‌تواند مانع سقط جنین شود و قانونی کند.
در این باره نظر شما چیست؟

حمید تقوایی: به نظر من گنجاندن حق سقط جنین
در قانون اساسی آنرا به یک اصل تبدیل می‌کند و
این کاملاً اشتباه است. سقط جنین ناشی از مصائب
و نابرابری‌های جوامع طبقاتی است و نه یک اصل و
آرمان انسانی و اخلاقی و یا دموکراتیک. فمینیست‌ها

و بسیاری از نیروهای چپ سقط جنین را تا حد یک اصل دموکراتیک و انسانی ارتقا داده‌اند. به نحوی که گویی قانون سقط جنین هر چه رشد یافته تری را مجاز بشمارد دموکراتیک‌تر است! درحالی‌که برعکس، جامعه‌ای آزاد و انسانی و به معنی واقعی دموکراتیک است که هیچ‌کس نیازی به سقط جنین نداشته باشد. سقط جنین پاسخ تبعیض جنسیتی و زن‌ستیزی نیست، تسلیم‌شدن به آنست. مدافعین سقط جنین معمولاً از حق بی‌چون و چرای زنان بر بدن خود صحبت می‌کنند درحالی‌که سقط جنین ربطی به اختیار زن بر بدن خود ندارد. اینجا پای “بدن” سومی، انسان مستقلى از مادر و پدر، در میان است. اگر جنین بخشی از بدن زن بود به راحتی آنرا سقط نمی‌کردند همان‌طور که هیچ‌زنی حاضر

نیست حتی یک انگشت خود را ببرد و به دوربندازد!
سقط جنین یک عارضه اجتماعی است که تحت
فشارها و مصائب اقتصادی و اجتماعی و تعصبات
فرهنگی و اساساً مردسالارانه به زنان تحمیل می‌شود.
فقر، تجاوز جنسی، حاملگی ناخواسته، حاملگی خارج
از ازدواج، و محدودیت‌های شغلی و اجتماعی برای
زنان باردار از عمده‌ترین دلایل سقط جنین هستند.
فمینیست‌ها و چپ‌ها و نیروهای مترقی وظیفه دارند
قبل از هر چیز برای رفع این مصائب و فشارها
که اساساً زنان قربانی آن هستند مبارزه کنند. در
جامعه‌ای که اثری از فقر و فشارها و محدودیت‌های
اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی علیه زنان، و فرهنگ
مردسالارانه و تعصبات مذهبی و قومی و عشیرتی
در میان نباشد سقط جنین ضرورت خود را از دست

خواهد داد. درعین حال ما معتقدیم مادام که این مصائب وجود دارد باید سقط جنین را با موازین و معیارهای مشخصی به رسمیت شناخت. در غیر این صورت سقط جنین غیرقانونی زندگی زنان را در معرض خطر قرار خواهد داد و بر مشکلات و تبعیضات علیه زنان خواهد افزود.

کیوان جاوید: با برقراری جمهوری سوسیالیستی در ایران با سقط جنین چگونه برخورد می شود؟

حمید تقوایی: در جمهوری سوسیالیستی دلیلی برای سقط جنین وجود نخواهد داشت. حزب ما در برنامه یک دنیای بهتر در مود سقط جنین چنین می گوید: "کمتر پدیده‌ای چون سقط جنین، یعنی از میان بردن

عامدانه جنین انسانی به دلیل تنگناهای فرهنگی و اقتصادی، بی‌ارزشی وجود آدمی و تناقض مناسبات اجتماعی استثمارگر و طبقاتی حاکم با موجودیت و سعادت بشر را به نمایش می‌گذارد. سقط جنین، گواه از خودبیگانگی و عجز انسان در برابر مصائب و محرومیت‌هایی است که جامعه طبقاتی موجود به او تحمیل می‌کند.

حزب کمونیست کارگری مخالف عمل سقط جنین است و برای برپایی جامعه‌ای مبارزه می‌کند که هیچ تنگنا و عاملی انسان‌ها را به انجام و یا تأیید این عمل سوق ندهد.

برنامه درعین‌حال ”مادام که شرایط نامناسب اجتماعی به‌هرحال عده زیادی از زنان را به انجام سقط جنین ولو به شکل زیر زمینی سوق می‌دهد“

خواستار قانونی شدن سقط جنین تا ۱۲ هفتگی است. اما جنبه مهمتر اقدامات برای از بین بردن دلایل سقط جنین و کاهش آن است. برنامه انجام اقدامات فوری را برای “جلوگیری از حاملگی‌های ناخواسته و از میان بردن فشارهای اقتصادی و فرهنگی و اخلاقی بر زنان” ضروری میداند که عبارت است از:

”آموزش وسیع جنسی مردم در مورد روش‌های جلوگیری از بارداری و اهمیت مساله و دردسترس بودن مشاوران و مددکاران اجتماعی برای راهنمایی مردم.

دردسترس بودن وسیع و رایگان وسائل جلوگیری.

اختصاص بودجه و امکانات کافی برای کمک به زنانی

که از سر فشار اقتصادی خود را ناگزیر به انجام سقط جنین می‌بینند. اعلام آمادگی دولت برای سرپرستی نوزادان در صورت انصراف مادر از سقط جنین.

مقابله فرهنگی قاطع با تعصبات و فشارهای اخلاقی که زنان را به سقط جنین وامی‌دارد. حمایت فعال دولت از زنان در برابر این‌گونه فشارها، تعصبات و تهدیدات.

مبارزه با تلقیات خرافی، مذهبی و مردسالارانه و عقب‌مانده در جامعه که مانع رشد شعور جنسی مردم و مشخصاً سد راه استفاده وسیع زنان و جوانان از وسائل جلوگیری از بارداری و حفظ ایمنی رابطه جنسی است.

به عبارت دیگر برنامه در عین اعلام قانونی بودن سقط جنین تا ۱۲ هفتگی، خواستار اقدامات معینی برای کاهش هر چه بیشتر سقط جنین است و به نظر من این اقدامات رکن اصلی برخورد پیشرو و انسانی به مسئله سقط جنین است و باید وجهه همت همه نیروهای آزادی خواه و فعالین جنبش آزادی زن قرار بگیرد.

نظر حزب را می توان این طور خلاصه کرد: سقط جنین یک آرمان دموکراتیک و آزادی خواهانه نیست، بلکه برعکس زاده مناسبات و شرایط ضدانسانی و زن ستیزانه در جوامع طبقاتی است. تا زمانی که این شرایط ضد زن و ضد انسانی وجود دارد ناگزیر باید سقط جنین را قانونی کرد، و در عین حال برای کاهش

موارد سقط جنین فعالانه تلاش نمود. در جامعه‌ای که
از فرهنگ و مناسبات زن‌ستیزانه بری باشد نیازی به
سقط جنین نخواهد بود.

شنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۲

۹ مارس ۲۰۲۴

زنده‌باد دایه مینا

اصغر کریمی

دایه مینا، مادر شهریار محمدی، از جان‌باختگان انقلاب زن زندگی آزادی، همراه با سه مادر دادخواه در بوکان به مناسبت ۸ مارس دور هم جمع شدند و به دنبال صحبت کوتاه دایه مینا، روسری‌های تحمیلی و لعنتی را از سر برداشتند. دایه مینا گفت: "همیشه در حق زنان ظلم شده است. هیچ‌وقت زن و مرد برابری نداشته‌اند. بچه‌هایمان را هم برای دفاع از حقوق زنان به قتل رسانده‌اند."

این یکی از باشکوه‌ترین صحنه‌های روز جهانی زن در ایران بود. امسال هشت مارس در ایران بسیار

ویژه بود. پیام‌های بسیار زیاد، تجمعات متعدد در شهر و کوه و دشت، تجمع بر مزار جان‌باختگان عزیز به مناسبت هشت مارس، سخنرانی‌ها و انواع و اقسام ابتکارات دیگر، پیام‌های زنان زندانی، سخنرانی‌ها و پیام‌های جمع کثیری از فعالین زن از ایران و از خارج کشور در کانال جدید، تجمعات پرشور در شهرهای مختلف جهان. این ادامه انقلاب زن زندگی آزادی بود. همه اینها نشانه آشکاری از تغییراتی عمیق در آگاهی، روحیه و در مغز استخوان این جامعه است که استوار و قدم‌به‌قدم جلو می‌آید و سنت‌های رادیکال خود را نه تنها در مقابل حکومت زن‌ستیز جمهوری اسلامی بلکه در تقابل با سنت‌های عقب‌مانده مذهبی و ناسیونالیستی به جلوصحنه می‌آورد. حتی گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب سازمان ملل در مورد سرکوب

زنان در ایران نیز روز هشت مارس منتشر می‌شود. به نظر می‌رسد زنان و مردم ایران دارند هشت مارس را در سطح جهان نیز احیا می‌کنند.

در کنار همه این اقدامات پرشور اقدام جمعی مادران جان‌باخته در کردستان مرا به‌ویژه به وجد آورد. دایه مینای گرامی، دایه‌های عزیز دیگر که سرفرازانه روز هشت مارس دور هم جمع شدید و این طوق لعنتی را از سر برداشتید، اقدام شما بسیار تأثیرگذار خواهد بود. بسیار زیاد. از صمیم قلب به شما درود می‌فرستم. شما درس شجاعت به فرزندان عزیزتان داده‌اید و امروز پرچم‌رهایی زن، پرچم‌رهایی از ستم‌هزاران ساله بر زنان، پرچم‌رهایی از قید و بندهای سنتی و پرچم‌رهایی از شر حکومت

نکبت اسلامی را برافراشتید. اقدام شما الگویی برای هزاران زن تحت ستم دیگر خواهد بود و از همین امروز و نه در مراسم سال دیگر، خانه‌به‌خانه و شهر به شهر زنان بسیاری را تکان خواهد داد. تردیدهای بسیاری را خواهد شکست و انبوه دیگری از زنان را به جلوصحنه خواهد آورد.

هشت مارس بر شما و بر همه زنان تحت ستم در کردستان و در سراسر ایران و به‌ویژه بر مادران جان‌باختگان عزیزمان گرمی باد.

شنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۲

۹ مارس ۲۰۲۴

حجاب، این بار کج به منزل نمی‌رسد

کیوان جاوید

یک هفته پس از سیرک انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، انتقادهای از عدم تصویب لایحه حجاب و عفاف "بار دیگر از نمازجمعه‌ها از سر گرفته شد.

احمد علم‌الهدی، در نمازجمعه شهر مشهد از "گره‌خوردن لایحه حجاب در برخی حوزه‌های حاکمیتی" و تعلل شورای نگهبان و مجلس برای نهایی کردن این لایحه به دلیل برخی "ایرادات" انتقاد کرد.

قالیباف، قبلاً گفته بود دولت بار مالی مقابله با بی‌حجابی را بپذیرد تا مجلس هم در ایرادگیری

کوتاه بیاید و رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی اول اسفند اعلام کرد: رئیس‌جمهور، این بار مالی را "پذیرفته است."

این بار کج به منزل نمی‌رسد. به این دلیل ساده که ایران جامعه‌ای اسلامی و مذهبی نیست. درهم‌تنیدگی فکری و فرهنگی جامعه ایران با دنیای متمدن و فرهنگ پیشروی جهانی عمیقاً قابل مشاهده است و خصوصاً زنان کمتر از هویت انسانی خود را از هیچ قدرتی نمی‌پذیرند. نبرد جاری در ایران در واقع فقط برای رهایی از چنگال فقر و فلاکت اقتصادی نیست، برای رهایی از قید مذهب و اسلام و سنت‌های عقب‌مانده نیز هست و این نبرد همجانبه را از اعماق اجتماع نمایندگی می‌کند. آزادی و

رهایی از قید ارتجاع اسلامی و عقب‌ماندگی فکری و سیاسی و اقتصادی تشکیل‌دهنده اجزاء گوناگون اما به‌هم‌پیوسته یک انقلاب اجتماعی است.

جامعه در تار و پودش انقلابی است و همین باعث ناکارآمدی قوانین اسلامی و در رأس همه آنها شکست حجاب اسلامی است. همین واقعیت که مردم علیه هر چه که رنگ و بویی اسلامی دارد به نبرد برخاسته‌اند، باعث این تشنج و تشتت در دستگاه‌های قانون‌گذار و اجرایی حکومت است. مسئله رژیم اسلامی کمبود پول نیست؛ چون همین رژیم برای اهداف تروریستی خود در منطقه بودجه‌های میلیارد دلاری گذاشته است و تمامی نهادهای مذهبی را غرق در پول کرده است.

جدال جامعه برای سرنگونی حکومت اسلامی فقط به تغییر روبنای حکومت منجر نمی‌شود؛ که مثلاً حکومت سرمایه‌داری اسلامی با عبا و عمامه برود و حکومتی پایون زده بیاید. پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی در ایران با همه نوع نابرابری‌های اقتصاد، سیاسی و فرهنگی تعیین تکلیف زیرورکننده و انقلابی می‌کند. آن‌چنان که ریشه‌های صدساله ارتجاع سیاسی از ریشه بسوزد و نابود شود.

شنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۲

۹ مارس ۲۰۲۴

از ماهور احمدی تا بی نهایت بی حجابی

منظر دریاکناری

ماهور، دختر احمد رضا احمدی، شاعر مشهور، از دادگاهی شدن پس از حضور بی حجاب در خاک سپاری پدرش که تیر ماه امسال در سن ۸۳ در گذشته است خبر داد. ماهور احمدی در این مراسم، بی حجاب زیر تابوت پدرش را گرفته بود. تصاویر حضور او بدون حجاب اجباری زیر تابوت پدرش و سخنرانی در مراسم، به شکل گسترده در شبکه های اجتماعی بازتاب یافت. "تشویق به فساد" و حضور بدون حجاب در "معابر و اماکن عمومی" دو اتهام دیگر ماهور احمدی است.

شاعر و ادیب و نویسنده، یا دکتر و مهندس باشی،
فرقی نمی‌کند. معلم و دانش‌آموز و دانشجو یا کارگر
ساده و ماهر باشی باز هم فرقی نمی‌کند. زن و مرد و
جوان و پیر باشی باز هم تغییری در اوضاع به وجود
نمی‌آورد. انسانیت در ایران با حکومت اسلامی سرِ
ستیز دارد؛ چون حکومت اسلامی ضد انسان است.
ضد خوشی و ضد آزادی و برابری است. حکومت
اسلامی ضد هویت انسانی است.

انسان در نگاه بیمارگونه سازندگان این حکومت
محکوم به زجر کشیدن است. انسان و انسانیت برای
برپاکنندگان و پاسداران حکومت اسلامی بی‌معنی
است، زیرا با انسانیت می‌شود جلوی ارتجاع مذهبی

ایستاد و مانع تباهی انسان‌ها شد. این که دختر شاعر مشهوری باشی یا اینکه دختر آبی که برای رسیدن به استاد یوم ورزشی و دیدن مسابقه فوتبال جانش گرفته می‌شود فرقی نمی‌کند. اینکه مهسا باشی یا نیکای ۱۶ ساله و صدها جوان دیگر که در رؤیای به دست آوردن آزادی از جانشان گذشته‌اند نیز فرقی برای حکومت نمی‌کند.

این ماشین کشتار و تولید فقر و فلاکت و تباهی و گسترش انواع بیماری‌های روحی و روانی نمی‌تواند جامعه را خوش و شاد و در حال شکوفایی ببیند و دوام بیاورد. اتهام ماهر احمدی و میلیون‌ها نفر دیگر به خاطر زیر پا له کردن قوانین ضدانسانی اسلامی فقط یک پیام به همه ما دارد. ما مردم یک

هدف داریم و با هم برای برقراری هدف بزرگمان
در یک صف واحد می‌جنگیم. حکومت اسلامی در
برابر ما تنها و منزوی و درهم شکسته است این ماشین
جنایتِ پوسیده روزبه‌روز کارایی‌اش را بیشتر از
دست می‌دهد.

شنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۲

۹ مارس ۲۰۲۴

برابری و جنبش لغو زندان

سیاوش آذری

سال ۲۰۲۴ میلادی تولد ۸۰ سالگی آنجلا دیویس، کمونیست آمریکایی است. دیویس از اعضای اولیه حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا بود که چندین سال را به خاطر تعلقات سیاسی اش و تبعیض نژادی به خاطر سیاه‌پوست بودنش در زندان سپری کرد و سرانجام در پی یک کارزار بین‌المللی در حمایت از او از زندان آزاد شد.

آنجلا دیویس همچنین از متفکرین جنبش لغو زندان به شمار می‌آید. بنا به این جنبش آنچه مورد نیاز جامعه است نه زندان بلکه برابری و برخورداری از امکانات و

مواهب اجتماعی است که رشد توانایی‌های تمامی آحاد جامعه و تجربه زندگی آزاد و انسانی را تحقق‌پذیر سازد.

نظرات متفکرین و کنشگرین مبارز جنبش لغو زندان در سطوح مختلف قابل بررسی است. در سطحی تجربیدی و همانگونه که اسپینوزا ذکر می‌کند، واکنش فرد “بزهکار” در مقابل تهدیدات جزایی از جمله زندان نه تمکین به قانون بلکه یافتن راه‌های فرار از آن است. احساس فرد بزهکار بعد از افتادن در چنگ قانون نه پشیمانی بلکه اندوه از عدم موفقیت از فرار از قانون و تلعین “بخت بد” خویش است.

این امر از نحوه کارکرد، ساختار و هدف قوانین جزایی، تنبیه قانونی و زندان نشأت می‌گیرد. هدف قانون و

زندان نه مبارزه با بزه و جرم بلکه باز تولید مداوم بزهکار و مجرم که همچنین به عنوان توجیه موجودیت زندان عمل می کنند، است. جداسازی مجرمین از زندگی اجتماعی باهدف مورد ادعای قوانین جزایی مبنی بر ادغام مجدد زندانی در جامعه در تناقض است. بعلاوه قوانین جزایی و زندان با شخصی جلوه دادن بزه و جرم مانع یافتن علل و ریشه های واقعی جرم از جمله فقر، محرومیت و نابرابری های اقتصادی و اجتماعی می گردد.

مهم تر اینکه جرم و جریمه و تنبیه متقابل آن در تحلیل نهایی دارای تعریفی قانونی - سیاسی است و از این منظر نه طبیعی و فرا - تاریخی بلکه سیاسی - اجتماعی و تاریخ مند است و بنا بر توازن قوای سیاسی و اجتماعی دستخوش تغییر می شود. جرم انگاری بی حجابی، عدم

تمکین به قوانین تبعیض آمیز اسلامی و یا دگر باشی
جنسی از جمله نمونه‌های پیش روی ما در تأیید این
مطلب است.

دست آخر اینکه قانون نه متعلق به تمامی مردم؛ بلکه
همیشه متعلق به طبقات در قدرت، نشانه اقتدار آنان
و تنبیه و جزا و زندان مدنظر قانون در خدمت تداوم
این اقتدار است.

برپایی جامعه‌ای آزاد، برابر، مرفه و انسانی اولین قدم
رادیکال در شکستن دیوارهای زندان‌ها خواهد بود.

شنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۲

۹ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از
ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت
ایران) منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام :

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در
انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید
journalfarsi.com

ژورنال

زورنال

شماره ۶۷۴

۱۰ مارس ۲۰۲۴ - ۲۰ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

زندانیان سیاسی زن علیه آپارتاید جنسیتی

میلاد رسایی منش

شبکه فساد بی پایان حکومت الله

سینا پدرام

انقلاب مهسا و تحریم مدیر متروی تهران توسط کانادا

عطیه نیک نفس

زنان و برابری حقوقی در ۳۰۰ سال آینده؟!

امیر توکلی

کمپین مالی حزب

لیست سوم

زندانیان سیاسی زن علیه آپارتاید جنسیتی

میلاد رسایی منش

زندانیان سیاسی زن در زندان اوین در پیامی به مناسبت روز جهانی زن بر لزوم تشریح مفهوم "آپارتاید جنسیتی" در ایران "در مسیر مبارزه علیه تبعیض" تأکید کردند. نسیم سلطان بیگی، آنیsha اسداللهی، مهوش ثابت، نرگس محمدی، سپیده قلیان، ویدا ربانی، گلرخ ایرائی، جوانا سنه، پخشان عزیزی، فریبا کمال آبادی و محبوبه رضائی امضاکنندگان این بیانیه هستند.

در بخشی از این بیانیه آمده است:

مجموعه قوانین و اعمال ضد زن چنان ابعاد پیدا

و پنهان و چنان سرشت نظام‌مندی دارد که در تاروپود جامعه کنونی درهم‌تنیده شده است و در خاورمیانه، به‌ویژه در ایران و افغانستان، در زیر سایه حاکمیت‌های به‌شدت سرکوبگر و ارتجاعی شکل ویژه‌ای به خود گرفته است.

مدتهاست که فعالین از وجود آپارتاید در ایران تحت حاکمیت اسلامی صحبت کرده‌اند. اما شاید در دوره حاضر انتقاد از رژیم اسلامی به دلیل زن‌ستیزی و خواست برای محاکمه سران حکومت به دلیل ساختن جهنمی اسلامی علیه زنان، به گفتمان غالب در بین فعالین سیاسی تبدیل شده است. اگر روزگاری دولت آپارتاید آفریقا جنوبی به دلیل راسیسم مورد غضب و تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفت، به نظر

می‌رسد با الگوپذیری از تجربه آفریقای جنوبی، می‌توان متصور بود که همان سیاست علیه رژیم ضد زن اسلامی در ایران، این بار به نام سکسیم، در سطح جهان اتخاذ شود. باید سازوکاری فراهم شود که دول و نهادهای بین‌المللی جرئت نکنند برای منافع اقتصادی خود، چشم بر بی حقوقی زنان در ایران ببندند. از این روست که جانداختن گفتمان “آپارتاید جنسیتی” در ایران بسیار کارساز خواهد بود.

یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۲

۱۰ مارس ۲۰۲۴

شبکه فساد بی‌پایان حکومت الله

سینا پدرام

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی "جماران"، احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت رژیم اسلامی در هشتمین همایش سراسری اعضای "سازمان دیده‌بان شفافیت و عدالت" اظهار داشت "مفسدان با به‌کارگیری شبکه در نهادهای حساس و نفوذ در مجاری تصمیم‌گیری، فرایندهای فسادزا را قانونی می‌کنند."

همه چیز در رژیم اسلامی وارونه است؛ همه چیز دزدان حرفه‌ای مشغول غارت داروندان مردم هستند و همین اوباشان سازمان "شفافیت و عدالت" برپا می‌کنند

از ”مفسدان نفوذی“ در حکومت انتقاد می‌کنند.

بهتر است از آقای توکلی شروع کنیم. خود آقای توکلی که از همان ایام به حکومت رسیدن رژیم اسلامی صاحب‌مقام و منصب در دستگاه حکومتی بوده است، پرونده قطوری از ”خدمات شفاف“ برای رژیم اسلامی دارد. در مدخل ویکی‌پدیا که بنام شخص اوست نوشته شده: ”او به ترتیب رئیس شهربانی، کمیته انقلاب اسلامی، دادیار و دادستان انقلاب بهشهر بود و در زمان مسئولیت او بهشهر به‌خاطر اجرای دقیق حکم قصاص و قطع دست دزد، معروف بود.“

همچنین دریافت رانت و کمک‌های دیگر برای راه‌اندازی روزنامه فردا در سال ۱۳۷۶، در پی

بازگشت ایشان به ایران پس از اخذ دکترای اقتصاد از دانشگاه ناتینگهام انگلستان، خود از حواشی این گمارده خامنه‌ای به شمار می‌رود.

فساد در رژیم اسلامی یک دلیل عمده دارد. این رژیم، رژیم اشغالگری است که تک‌تک افراد آن فقط یک دستور کار در برابر خود دارند؛ پر کردن جیب‌های گشاد خودشان. دزدسالای یک ویژگی اساسی این رژیم است. این دانسته عمومی است که اختلاس‌های میلیاردی بخش پایه‌ای سیاست اقتصادی رژیم اسلامی را تشکیل داده و می‌دهد. آیا راه‌حل دیگری جز سرنگونی انقلابی این رژیم برای مقابله با این حجم فساد مالی و حکومتی وجود دارد؟

جواب این سؤال بارها در دستور کار مردم قرار گرفته است. انقلاب زن زندگی آزادی بر اساس ایده عدالت اجتماعی و اقتصادی بنا شده است و در مقابل این همه فساد حکومتی و اجتماعی - اقتصادی به پا خاسته است.

”یک شهر بر اساس خرد بنا می شود“ شعار دانشگاه ناتینگهام است. این دانشگاهی است که آقای توکلی به اصطلاح ”دکترای“ اقتصاد خود را از آنجا اخذ کرده است. به نظر می رسد ایشان و رژیم متبوع هیچ بهره ای از این شعار نبرده اند.

یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۲

۱۰ مارس ۲۰۲۴

انقلاب مهسا

و تحریم مدیر متروی تهران توسط کانادا

عطیه نیک نفس

”دولت کانادا روز جمعه هشتم مارس، هم‌زمان با روز جهانی زن، از تحریم مسعود درستی، مدیرعامل متروی تهران، و زهره الهیان، نماینده مجلس شورای اسلامی، به دلیل مشارکت در سرکوب شهروندان ایرانی به‌ویژه زنان و دختران خبر داد. طبق بیانیه وزارت امور خارجه کانادا، تحریم‌های روز جمعه ”در پاسخ به نقض مداوم شدید و نظام‌مند حقوق بشر به‌ویژه زنان و دختران، و اقدامات مستمر رژیم ایران برای بی‌ثبات کردن صلح و امنیت منطقه“ وضع شده‌اند.“

رژیم جمهوری اسلامی با دردست داشتن تمامی امکانات، اعم از سپاه، ارتش، منابع مالی، صداوسیما، آموزش و پرورش و البته حمایت دول دیگر چه در منطقه خاورمیانه و چه در دیگر نقاط دنیا، ۴۵ سال تلاش کرد با توحش کامل، جنایتهای به شدت غیرانسانی، سیاه‌نمایی مبارزات مردم و مظلوم‌نمایی در مقابل چشم دنیا، به حکومت ننگ و فسادش ادامه دهد.

اما در تمام طول عمر کثیف این اوباش اسلامی زنان مبارز و برابری طلب هرگز قوانین زن‌ستیزانه اسلام را با وجود شدیدترین شکنجه، احکام زندان و اعدام‌ها نپذیرفتند و مطالباتشان را در انقلاب

”زن، زندگی، آزادی“ به خیابان آوردند و انقلابی
پر قدرت، زنانه و مدرن را رقم زدند. انقلابی که
توانست صدایش را به دورترین نقاط دنیا از ایران
اسلام زده برساند. انقلابی که با اکتهای ضد مذهب
شناخته شد. انقلابی که حجاب، این ابزار سرکوب
رژیم، را در زباله‌دان تاریخ انداخت.

و البته انقلابی که توانسته دولت‌هایی همچون دولت
کانادا را که سال‌ها به اسم نسبیت فرهنگی، چشم
بر جنایات رژیم اسلامی در مورد زنان بست و با
اسلام‌پناهی دست گرم حمایتش در کمر رژیم
اسلامی بود، وادار کند که در روز زن، هشت مارس،
چنین بیانیه صادر و دو مزدور جمهوری اسلامی را
به نقض حقوق بشر محکوم و تحریم کند.

زنده‌باد انقلاب پیشرو مهسا، انقلابی که باهدف پایین
کشیدن مذهب در قدرت و نابودی رژیم آپارتاید
جنسی همچنان نیرومندان روبه پیش است.

یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۲

۱۰ مارس ۲۰۲۴

زنان و برابری حقوقی در ۳۰۰ سال آینده!؟

امیر توکلی

دبیر کل سازمان ملل، آنتونیو گوترش در روز جهانی زن گفت: رسیدن به برابری حقوقی برای زنان ممکن است قرن‌ها طول بکشد. او گفت که با سرعت کنونی تغییر، برابری حقوقی برای زنان ممکن است ۳۰۰ سال طول بکشد. او از افغانستان مثال آورد که نمونه عقب‌گرد در حقوق زنان است.

خجالت‌آور است برای دبیر کل سازمان مللی که حقوق می‌گیرد تا آگاهانه و عامدانه وضعیت غیرانسانی و وحشتناک امروز زنان را توجیه کند و حل آنرا به وقت

گل نی بسپارد. اواز وضعیت نابسامان زنان در افغانستان می گوید؛ اما از اینکه چرا و چطور شد که افغانستان به چنین روز سیاهی افتاد، سخنی نمی گوید. او به نقش دولت های ارتجاعی و جنایت کاری که طالبان را ساختند و به جان مردم انداختند، اشاره ای نمی کند. دولت ها نقش اساسی در وضعیت غیرانسانی زنان دارند از جمله کشورهای اسلام زده که در رأس شان جمهوری اسلامی است. شما بیش از چهل سال است که با آنها مماشات می کنید و اخیراً هم جنایت کاران حاکم بر ایران را به ریاست مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر انتخاب کرده اید.

واقعاً شرم آور است. شما خود یکی از مسببین ادامه این وضعیت غیرانسانی هستید و حق دارید که بگویید تا

این سیستم برقرار است از برابری حقوق زن هم خبری نیست. اما دنیا به این سیاهی که شما ترسیم می کنید، نیست. این اوضاع را زنان جسور و همه مردم ایران تغییر خواهند داد. اولین انقلاب زنانه دنیا در ایران جریان دارد و می رود تا برخلاف نظر شما نه در ۳۰۰ سال آینده بلکه در اولین فرصت و کوتاه ترین زمان ممکن جمهوری اسلامی را سرنگون کنند تا آزادی و برابری زن و مرد به قانون جامعه بدل شود. دور نیست زمانی که خود شما در مقابل پیروزی انقلاب زن، زندگی، آزادی در ایران سر خم کنید.

یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۲

۱۰ مارس ۲۰۲۴

کمپین مالی حزب

لیست شماره ۳

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع آوری حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای تامین بخشی از نیازهای مالی حزب (و از جمله کانال جدید) در سه هفته اول معادل ۶۴۲۳۰ دلار آمریکا جمع آوری شد. این کمپین یک ماهه است و هر هفته لیست دوستانی که کمک میکنند منتشر میشود. از تمام عزیزانی که در این سه هفته به کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی میکنیم. از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه‌ای آزاد و برابر و خوشبخت

میتید و از همه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در
داخل و بویژه خارج کشور دعوت می کنیم به حزب
کمک کنید. کمکهای شما، به هر میزان مایه افتخار
و اتکای این حزب است.

لیست شماره ۳

پروین معاذی و نسان نودینیان ۱۰۰ یورو - افشین
عنایت معافی ۲۵۰ دلار آمریکا - شاهرخ نقدی
۵۰ یورو - خاطره آذر فر ۱۰۰ دلار کانادا - فاتح
بهرامی ۵۰۰ دلار کانادا - بهرام کلاه زری ۴۰۰
دلار کانادا

ابراهیم آستارکی ۱۰۰ دلار کانادا - هزار علیپور
۳۰۰ دلار کانادا - خسرو شمیرانی ۱۰۰ دلار کانادا
شوکت محمدی و حسن گلزاری ۱۰۰ دلار کانادا

- به یاد نوید افکاری ۱۰۰ دلار کانادا - به احترام
سپیده قلیان ۱۰۰ دلار کانادا - به احترام توماج
صالحی ۱۰۰ دلار کانادا - به احترام زندانیان شاه و
شیخ ۱۰۰ دلار کانادا - حسین رها (کاکو) ۱۰۰۰
دلار کانادا - بهرام سروش ۱۰۰۰ پوند - میلاد
رسائی منش ۵۰۰ کرون - دوست سیما ۱۲۰۰
کرون - آذر مقدم ۵۰۰ کرون - دوست سیما
استکھلم ۱۰۰۰ کرون

دوست سیما استکھلم (۲) ۱۲۰۰ کرون - ودا ایلکا
۳۰۰۰ کرون - سروناز سینایی و میلاد رابعی ۱۰۰۰
کرون - امید صالحی ۳۰۰۰ کرون - صالح فلاحی
۱۰۰۰ کرون - رضا شرکانلو ۲۰۰۰ کرون - مهین
علیپور ۱۰۰۰ کرون - سلماز علیزاده ۱۰۰ دلار
کانادا - مسعود از لندن انتاریو ۱۰۰ دلار کانادا

-زهرا فرید و علی یاور ۳۰۰۰ کرون - کیوان
صادقی ۵۰۰ دلار کانادا- ش و م از مونترال ۱۵۰
دلار کانادا

مجتبی نظری ۱۰۰ کرون - اردشیر نظری ۵۰۰
کرون - شادی بهار ۱۰۰۰ کرون - رزاق زهرایی
۵۰ دلار کانادا - رضا امین ۱۰۰ دلار کانادا - منیژه
اتمامی ۱۰ یورو- کمیته فرانکفورت ۳۰۰ یورو
سیامک مکی ۱۰۰ یورو - مهین کوشا ۱۰۰ یورو
ناصر کشکولی ۱۰۰ یورو - پدرام رضا زاده ۱۰۰
یورو - بهمن سلطانی ۳۰۰ یورو - سارا اوردیخانی
۵۰ یورو - احسان اکبرزاده ۵۰ یورو - آرام عنایتی
۱۰۰ یورو - جمال خسروی ۱۰۰ یورو - مریم
صادقی ۱۰۰ یورو - فرامرز پارسا ۵۰ دلار کانادا
- سوسن بهادری ۳۰۰ دلار کانادا - پیام آذر ۱۰۰

یورو- فریبا آذرخش ۱۰۰ یورو - سیامک زارع
۱۰۰ یورو - جاوید ناصری ۱۰۰۰ کرون - عمر
کریمی ۱۰۰ دلار کانادا - کیارش کیانی ۱۵۰ دلار
کانادا - مینو ۵ یورو- جمال گل حسینی ۲۰ یورو-
احسان اکبری ۱۰ یورو- صباح درزمان ۱۵۰ یورو
- فواد کدیور ۵۰ یورو- امین کمانگر ۲۰۰ یورو
افشین افشین جم ۱۰۰ دلار کانادا - تهمینه صادقی
۲۵۰ دلار کانادا - ابراهیم صادقی ۲۵۰ دلار کانادا
سعید خورشیدی ۵۰۰ یورو - لیلا قناعتزاده ۱۰
یورو - بابک آبادانی ۱۰۰ یورو - فرانک فرخی ۲۰
یورو - پویا دولتیاری ۲۵ یورو - حسن جلیلی ۳۰۰
یورو - شمی صلواتی ۵۰ یورو - راضیه صلواتی ۵۰
یورو- محب بختیاری ۳۰ یورو - لیلا احسانی ۳۰
یورو - حمید رحیمپور ۳۰۰ یورو - هادی وقفی

۱۵۰ دلار کانادا - ابی اپترون ۲۰۰ دلار کانادا
مهرداد ویرجینیا ۵۰ دلار آمریکا - مینا صراف ۳۰
دلار آمریکا - آوا ۲۰ دلار آمریکا - باران ۲۰
دلار آمریکا - بهنامرود گرمی ۳۰۰۰ دلار کانادا -
کاووس صوفی ۵۰ دلار کانادا - امیر روشن ۲۰۰
دلار کانادا - مسعود ناظری ۲۰ دلار کانادا - علی
احساسی ۱۰۰ دلار کانادا - ماریا ۲۰ یورو - بهنام
ابراهیم زاده ۵۰ یورو - شیوا رشیدی ۵۰ یورو -
طغرا قره گزلو ۱۰ یورو - ناصر بابکری ۳۰ یورو
- مرضیه فتحی ۵۰ یورو - مهین کابلی ۱۰۰ یورو
- شهین کابلی ۱۰ یورو - شاهرخ نقدی ۵۰ یورو
- ایل بیگی ۲۰ یورو - کیان آزادی ۵۰ یورو

کمک از ایران

حکمت از گیلان ۱ میلیون تومان

جمع لیست سه ۱۴۸۹۰ دلار آمریکا
جمع کمک سه هفته اول ۶۳۶۶۰ دلار آمریکا

یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۲

۱۰ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

زورنال

شماره ۶۷۵

۱۱ مارس ۲۰۲۴ - ۲۱ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

ماجرای زن شجاع قمی و فراری دادن آخوند

شهلا دانشفر

اعتراف به شکست یک گنده لات سپاه

محسن ابراهیمی

وزیر بهداشت یا وزیر ممنوعیت کاشت ناخن؟

سینا پدرام

یک ورق از دفتر زندگی در ایران

کیوان جاوید

رتبه جهانی پاسپورت جمهوری اسلامی

بابک یزدی

ماجرای زن شجاع قمی و فراری دادن آخوند

شهلا دانشفر

شانزدهم اسفند زنی در کلینیک "قرآن و عترت" در قم درحالی که فرزند خردسالش را در آغوش گرفته بود، هدف تصویربرداری یک آخوند قرار گرفت. تصاویری که می‌خواهند به استناد آنها برای این مادر به جرم افتادن روسری‌اش پرونده‌سازی کنند.

در برابر این تعرض مادر قمی با خشم تمام به‌سوی آخوند رفته و فریاد می‌زند که گوشی‌اش را به او بدهد. آخوند مقاومت می‌کند. چند زن و مرد دیگر این زن را همراهی می‌کنند و بالاخره گوشی را گرفته

و عباى آخوند را كشيده و او را فرارى مى دهند.

ويدئوى اين درگيرى روز بعد از روز جهانى زن منتشر و پيام ديگرى از هشت مارس امسال عليه بساط آپارتايد جنسى حاكم، به دنيا مخابره كرده است. به دنبال انتشار اين ويدئو حسن غريب، دادستان قم، ضمن خبردادن از تشكيل پرونده قضايى در اين زمينه، خبر بازداشت چند نفر و پلمب مجوز درمانگاه محل واقعه را تكذيب كرد. اما قبل تر شبکه هاى داخلى از بازداشت مادر قمى و مدير مطب و كاركنان درمانگاه و پلمب شدن اين درمانگاه خبر داده بودند.

رسانه هاى حكومتى در نقل اين خبر، مادر معترض

قمی را ”سلیطه“ خواندند. این موضوع واکنش‌های
اعتراضی بسیاری در پی داشت و با هشتگ‌های
”مادر قمی، ما سلیطه‌ایم“ در مدیای اجتماعی به
بحث داغی تبدیل شد.

ندای زنان ایران می‌نویسد: ”ما سلیطه‌ایم. روزگار
آزار و اذیت زنان در خیابان و فضاهاى عمومى،
تهدید و ترساندن آنها به دلیل نداشتن حجاب
اجبارى به سر آمده است. زن، زندگى، آزادى در
زندگى و زیست روزمره ما زنده است و ما را به
سلیطگانی بدل کرده که در برابر سلطه و سرکوب
می‌ایستیم. فریاد می‌زنیم و آزارگران را از آخوند
گرفته تا آن مأمور حجاب‌تان در مترو، وادار به فرار
می‌کنیم.“

گوهر عشقی مادر دادخواه ستار بهشتی که فرزندش
زیر شکنجه در زندان به دست جانیان اسلامی
جان باخت می‌گوید: "این آخوندهای مفت‌خور
گردن‌کلفت، به‌جای پیچیدن به پر و پای زنان
شجاع مملکت، بروند مغز فاسدشان را اصلاح کنند.
دزدی نکنند. آدم نکشند. اختلاس نکنند و دست
از مردم‌آزاری بردارند... زنان این مملکت سال
گذشته یک تودهنی محکم به شما زدند. فراموش
نکنید. مردم ایران از این رجاله‌بازی‌ها نمی‌ترسند.
بروید بساطتان را جمع کنید!"

ماجرای مادر قمی در شهری مثل قم که در محاصره
آخوندهای مرتجع قرار دارد، داستان جدال هر روزه

زنان شجاع در همه ایران علیه حجاب و کل بساط
آپارتاید جنسی حاکم است. در برابر حکومتی که
می‌خواهد سنگر فتح شده حجاب را پس بگیرد،
جامعه محکم ایستاده و راه خلاصی را می‌جوید.

دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۲

۱۱ مارس ۲۰۲۴

اعتراف به شکست یک گنده لات سپاه

محسن ابراهیمی

سردار جعفری ابراز تأسف کرده است که شخصاً نمی‌تواند به دلیل ”مشکل جسمی“ در سرکوب زنان مخالف حجاب اجباری شخصاً شرکت کند. او خطاب به نیروهای ”امر به معروف و نهی از منکر“ گفته است که ”حسرت می‌خورم که به دلیل مشکل جسمی نمی‌توانم در کف میدان همراه شما باشم“.

یکی از دقیق‌ترین دماسنج‌های اوضاع سیاسی ایران و موقعیت حکومت و مردم در مقابل هم‌اظهاراتی است که مکرراً از زبان مقامات دانه‌درشت حکومت اسلامی بیرون می‌زند. از اظهارات و حرکات و سکنات آنها می‌توان

به روشنی پی برد که روحیه شان چطور است؛ چقدر نگران هستند؛ و کلاً توازن میان مردم و حکومت چطور است؟

اظهارات اخیر عزیز جعفری، فرمانده پیشین سپاه پاسداران و فرمانده کنونی قرارگاه بقیه الله (چه عنوان با مسمایی برای چپاول خلق الله!) روشن تر از ده ها کتاب نشان می دهد که زمین زیر پای فاشیسم اسلامی حاکم در ایران همچنان سست تر می شود.

واقعاً چه فاکتوری و چه اتفاقی بهتر و روشن تر از همین اظهارات به زبان یکی از سرچماق داران اسلامی می تواند معلوم کند که "خاکریزاول" حجاب را مردم و درپیشاپیش آنها دختران جوان و جسورشان آن چنان تسخیر کرده اند که حتی امیدی برای باز پس گرفتنش وجود ندارد؟!

به ادامه سخنان این فرمانده خسته و کوفته و ناامید و درمانده دقت کنید: ”متأسفانه در فتنه سال گذشته بسیاری از مسئولین و بخشی از مردم مردود شدند. برخی از مؤمنین هم دچار تردید شدند.“

آیا واقعاً روشن نیست که آن پنهان شدن ”فرمانده سپاه“ پشت ”مشکل جسمی“ و این اعتراف به ”مردود“ شدن مسئولین و ”تردید مؤمنین“ چیزی نیست جز اعتراف علنی گنده لاتهای اسلامی به شکست روحی و روانی و استراتژیک حکومت در یک طرف و برتری روحی و روانی و سیاسی انقلاب ”زن، زندگی، آزادی“ در طرف مقابل؟

یک لحظه این اظهار درماندگی سردار سپاه را در متن سه اتفاق مهم چند هفته گذشته قرار دهیم: مردم خیمه شب بازی میان باندها را به تعرض همبسته

علیه حکومت تبدیل کردند و عملاً پوزه خامنه‌ای را به خاک مالیدند؛ روز جهانی زن به صف‌آرایی کوبنده علیه حکومت ضد زن تبدیل شد؛ و بالاخره گزارش کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر سازمان ملل با صراحت تمام جنایات حکومت در جریان انقلاب زن زندگی آزادی را مصداق جنایت علیه بشریت اعلام کرد. همه اینها حاکی از یک چشم انداز روشن سیاسی است: همه شرایط دارد برای واردآوردن آخرین و ویرانگرترین ضربات بر پیکر فرتوت و درمانده حکومت اسلامی فراهم می‌شود.

دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۲

۱۱ مارس ۲۰۲۴

وزیر بهداشت یا وزیر ممنوعیت کاشت ناخن؟

سینا پدram

به این دلیل روزنامه "هم‌میهن" در گزارشی با عنوان "وزیر همه باشید نه عده‌ای خاص"، نوشت که باگذشت حدود یک ماه از اولتیماتوم مجلس به وزارت بهداشت برای حل کردن مشکل درمان و داروی مردم، معلوم نیست وزیر مربوطه برای حل این مسائل چه کرده و چه خواهد کرد؟

در این گزارش همچنان آمده است که رعایت حدود شرعی در نگاه و گفتگو با "نامحرم"، رعایت شئون اخلاقی، "جویدن آدامس" و "خندیدن" و ممنوعیت "کاشت ناخن و مژه" از جمله مواردی است که وزارت

بهداشت در این ابلاغیه به آنها پرداخته بود.

موضوع حجاب بیشتر از پیش، می‌رود که به محور تناقضات رژیم و حکومتیان از طیف‌های گوناگون و چالش و جدال سیاسی مردم با رژیم تبدیل شود. از سردار جعفری، فرمانده قرارگاه بقیه الله که ادعا دارد: حضور آمران به معروف در ایستگاه مترو تأثر شهر متوقف نخواهد شد، تا علم‌الهدی که از ”گره‌خوردن لایحه حجاب در برخی حوزه‌های حاکمیتی“ و تعلل شورای نگهبان و مجلس برای نهایی کردن این لایحه به دلیل برخی ”ایرادات“ انتقاد می‌کند و به آتش به اختیارهای خامنه‌ای نهیب میرند ”شما مردم باید خودتان به میدان بیایید و پشتوانه ارزش‌های دینی باشید. مردم باید خودشان مراقب بی‌حجابی

باشند.“ همه‌وهمه سران رژیم می‌دانند که جامعه
آبستن انفجار بزرگ‌تری است.

اما و اما وزیر بهداشت این رژیم مافیای الهی چندان از
هول حلیم به دیگ افتاده است که دل‌ک‌هیچ سیرکی
قادر به تکرار آن نیست. یکی نیست از این بنده
خدا بپرسد که جویدن آدامس چه صیغه‌ای است؟
در هیچ توضیح‌المسائل از جمله علامه مجلسی که
صدها صفحه در باب پایین‌تنه مسلمین نگاشته شده
است، از جویدن آدامس خبری نیست. بی‌انصافی
است اگر این یکی از طرف توضیح‌المسائل نویسان
حوزه‌ای در افزوده وزیر بهداشت به احکام الهی و
اسلامی قلمداد نشود.

این "تابغه" اسلامی می‌داند که در حوزه بهداشت و درمان و بخصوص با حضور برادران مافیای دارو هیچ شانس برای ابراز وجود ندارد و از این رو ابلاغیه‌ای فرستاده تا از غافله آتش به اختیارها عقب نماند. ما بارها گفته‌ایم که اولین شرط و اقدام برای بهبود وضعیت درمانی در ایران سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی است. در مرحله بعدی خارج کردن کل سیستم دارویی و درمانی از حوزه عمل بازار و سودجویی‌های سرمایه‌دارانه ضرورتی است که می‌تواند به یک سیستم درمانی مردمی و رایگان و عمومی بینجامد.

دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۲

۱۱ مارس ۲۰۲۴

یک ورق از دفتر زندگی در ایران

کیوان جاوید

شهردار شهر قدس پس از شکست تیمش، بازیکنان رقیب را "راهی رُفتگری کرد."

سعید شهلای، شهردار شهر قدس (قلعه حسن خان) در استان تهران، پس از شکست تیم شهرداری مرکزی این شهر در فینال مسابقات فوتسال درون‌سازمانی، سه بازیکن تیم رقیب را به‌عنوان پاکبان به حوزه خدمات شهری فرستاد.

این خبر فقط ویژه ایران است؛ مربوط به کشوری که حتی گانگسترها و سران بی‌رحم کارتل‌های مواد مخدر در مقابل این وحشیگری لُنْگ می‌اندازند.

تصورش هم غیرقابل باور است که در یک کشور،
یک مقام حکومتی دست به چنین عمل شنیعی
بزند. انگار در دوران حمله چنگیزخان و تیمور
لنگ، یا دیگر امپراطورها هستیم که به هر کجا پا
می گذاشتند، می کشتند و آتش می زدند و به بردگی
می گرفتند. آنچه این جانیان هنوز خوب نفهمیده
اند این واقعیت است که عمر حکومتشان به شماره
افتاده است.

**سازمان تأمین اجتماعی یک میلیون تومان از
مستمری برخی بازنشستگان کسر کرد.**

در پی اعتراض‌های گسترده بازنشستگان، سازمان
تأمین اجتماعی اعلام کرد مبلغ کسر شده از
مستمری اسفندماه برخی از بازنشستگان بازگردانده

می‌شود. ماجرایی از اینجا شروع می‌شود که سازمان تأمین اجتماعی قرار است مبلغ ۱۵ میلیون تومان طی چند قسط کم کند تا این بازنشستگان در ۵۲ درصد سهام پتروشیمی شریک شوند؟! اقدامی که این بازنشستگان از آن بی‌خبر بودند. حالا که گند این کار درآمده است تأمین اجتماعی این دزدی یک میلیونی تومانی از بازنشستگان را پس داده است.

این هم شبیه ماجرای فرستادن زوری مردم ایران به بهشت است. می‌خواهند به‌زور "پول‌دارت"؟! کنند. در واقعیت اما قرار است این دزدی خرج فلان آخوند مفت‌خور یا فلان نیروی سرکوب شود، یا به‌سادگی این پول به حساب آقازاده‌ها واریز گردد. بازنشستگان اما با تاباندن نورافکن به روی

دزدان حکومتی، آنها را بی آبروتر از همیشه فراری داده‌اند.

جریمه سه میلیون تومانی برای مخالفان حجاب اسلامی

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، اذعان کرد گشت ارشاد پلیس باعث "درگیری‌هایی در عرصه عمومی جامعه" می‌شد و افزود که تصاویر برخورد مأموران پلیس با زنان "مورد سوءاستفاده دشمنان انقلاب و ایران قرار می‌گرفت" که با جریمه‌های نقدی این تصاویر نامطلوب از بین می‌رود.

شکست حجاب جمهوری اسلامی یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های سیاسی این حکومت است. درگیری‌های

مداوم مردم با لشکر اوباش اسلامی این حقیقت را آشکار کرده است که این حکومت از پس این مردم بر نمی‌آید. حالا جریمه را پیش کشیده‌اند تا هم شکست مفتضحانه خود را توجیه کنند هم تا جایی که ممکن است از این راه هم مقداری بر غارتگری خود بیفزایند. مردم در برابر این دزدی نیز حق حکومت را کف دستش خواهند گذاشت. این رژیم با حجاب آمد و بی حجاب سرنگون می‌شود.

دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۲

۱۱ مارس ۲۰۲۴

رتبه جهانی پاسپورت جمهوری اسلامی

بابک یزدی

مؤسسه مشاوره مالی "نومَد کپیتالیست" در رتبه‌بندی جدید، پاسپورت جمهوری اسلامی را در رتبه ۱۹۰ از ۱۹۹ کشور قرار داده است. سوئیس در این رتبه‌بندی دارای "قوی‌ترین" پاسپورت جهان معرفی شده است.

ایران یکی از کشورهای مهم نفت‌خیز و دارنده دومین منابع گاز جهان، یکی از غنی‌ترین کشورهای از نظر منابع طبیعی است. این کشور می‌تواند و می‌توانست در یک سیستم متعادل و متعارف سرآمد خیلی از کشورها باشد. حالا تصور کنید تنها ۹ کشور در دنیا پاسپورتشان اعتبار کمتری از پاسپورت ایرانی‌ها دارد!

طبعاً می‌دانیم که دلیل این بی‌ارزشی پاسپورت سیاسی است.

بر اساس گزارش مؤسسه فوق با پاسپورت ایرانی تنها می‌توان به ۱۱ کشور بدون ویزا سفر کرد و در مجموع می‌توان با اخذ ویزا در فرودگاه یا به صورت الکترونیک به ۴۴ کشور دیگر با سهولت نسبی وارد شد. طبعاً آن کشورهایی که میلیون‌ها ایرانی آرزوی سفر آزادانه و بی‌دردسر به آنها را دارند در لیست این ۴۴ کشور نیست و این هم کاملاً سیاسی است و به ماهیت جمهوری اسلامی مربوط می‌شود.

دست آوردهای حاکمیت ۴۵ ساله جمهوری اسلامی یکی دو تا نیست و در خیلی موارد این رژیم در جهان

مقام اول و دوم را کسب کرده است! در مورد اعدام می‌توان رژیم اسلامی را سرآمد در جهان دانست. از نظر زن آزاری مقام اول را کسب کرده است و حتی الگوی موفق در کشورهای اسلام زده و ضد زن است. از نظر تن‌فروشی، فقر، اعتیاد و... جمهوری اسلامی در جهان در رده چند کشور اول قرار دارد.

یکی از دلایل بی‌اعتباری پاسپورت ایرانی حتماً به تروریسم جمهوری اسلامی مربوط می‌شود. اما این راه را بر ورود تروریست‌های جمهوری اسلامی نمی‌بندد. همین حالا فرزندان مقامات جمهوری اسلامی و همه کارکنان سفارت‌های این حکومت به سادگی در حال سازمان دادن اعمال تروریستی در خارج هستند و به راحتی با پرداخت پول مکفی در کشورهای اروپایی

و آمریکای شمالی از حق اقامت برخوردار می شوند.
مشکلات اقتصادی و فرار سیاسی و ترس از پناهنده
شدن دلیل اصلی تر ممانعت دولتها از ورود بسیاری از
ایرانیان به کشورهای دیگر است.

بی شک با سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان دادن به
کار تروریسم اسلامی و به دست آوردن منزلت و کرامت
و رفاه عمومی همراه با آزادی که به اساس زندگی
مردم تبدیل شده است، نه تنها این معضل اجتماعی
برطرف می شود، همچنین ایران به عنوان یک مرکز
بزرگ جهانگردی مورد توجه جهانیان قرار می گیرد.

یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۲

۱۰ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۷۶

سر دبیر این شماره: محسن ابراهیمی

۱۲ مارس ۲۰۲۴ - ۲۲ اسفند ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

ما سلیطه‌ایم مبارزه برای درهم شکستن رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

لحظه لخت کردن جمهوری اسلامی در زمین خودی

اصغر کریمی

حکومت اسلامی گروگان گیر باید بایکوت شود

بابک یزدی

جان دو ضداسلامی پاکستانی در خطر است

کیوان جاوید

ما سلیطه‌ایم مبارزه برای درهم شکستن رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

”پس از آن که گروهی از حامیان حکومت به صورت هماهنگ از عبارت ”سلیطه“ برای خطاب کردن زن معترض در ویدئوی درمانگاه قم استفاده کردند، فعالان زنان و طیف وسیعی از کاربران رسانه‌های اجتماعی با هشتگ ما سلیطه‌ایم به این اقدام واکنش نشان دادند.“

واژگان همیشه بار منفی و مثبتی را همراه دارند و رژیم زن‌ستیز اسلامی سال‌ها تلاش کرده که با واژگان نیز زنان را هرچه بیشتر سرکوب کند و آنها را از نگاه جامعه و مورد خشم قرارگرفتن از

طرف خدای واهی بترساند.

واژگانی همچون: نجابت، عفاف، غیرت، هرزه و سلیطه. اینها بخشی از گفتمان ضدزن رژیم اسلامی است. رژیمی که همیشه به وسیله این گفتمان برای سلطه بر بدن زن، سلب حق انتخاب از زنان، بی حقوق کردنشان و در یک کلام حذف آنها از جامعه سال‌ها با تمام امکانات تلاش کرده است.

معانی این واژگان در واقع چیز دیگری است، مثلاً زنی که حق انتخاب پوشش ندارد و در سلول انفرادی حجاب اسیر است "عقیف" خوانده می‌شود! زنی که به حقوقش تجاوز می‌شود و حریم خصوصی‌اش کاملاً نادیده گرفته می‌شود و این تجاوز به واسطه قوانین ضدزن اسلامی کاملاً قانونی است، اگر برای دفاع از خود و مطالبه حقوق

انسانی‌اش معترض شود، سلیطه نامیده می‌شود.

از طرفی طیف راست هم با این واژگان ضدزن مثل جمهوری اسلامی مشکلی ندارد و فقط بحثشان در مورد این است که چه کسی هرزه و یا سلیطه است. درحالی‌که جنبش‌های پیشرو و مدرن که برای حقوق زنان مبارزه می‌کنند از لحاظ ماهیت با گفتمان اسلام و رژیم اسلامی مخالف‌اند و اساساً به باور ما هیچ زنی سلیطه نیست و هرگاه زنی به این نام خوانده شد حتماً او برای احقاق حقوق ازدست‌رفته‌اش و ظلمی که به او شده، سکوت نکرده است. مرتجعین باید بدانند که یکی از وظایف فعالین حقوق زن، تاب‌زدایی از واژگان ضدزن است، واژگانی که با برچسب‌زدن به زنان، برای سکوت در مقابل سرکوبشان استفاده می‌شود.

واقعیت این است که عمر سرکوب زنان در ایران اسلام زده بیش از ۴۵ سال عمر رژیم اسلامیست و تاریخ مبارزاتشان نیز بسیار به همین نسبت طولانی است. مبارزاتی که حالا با به وجود آوردن انقلابی مترقی و زنانه و البته همه جانبه، انقلاب "زن، زندگی، آزادی" می خواهد سرکوب را در هر شکل آن نابود کند.

بابی حجابی عملی، با عمامه پرانی، با حجاب سوزان و حالا با ترند کردن هشتک ما همه سلیطه ایم.

سه شنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۲

۱۲ مارس ۲۰۲۴

لحظه لخت کردن جمهوری اسلامی

در زمین خودی

اصغر کریمی

این جمله را میترا حجازی پور در مورد ماجرای کلینیک "قرآن و عترت" در قم نوشته است که تصویر عمیقی از رابطه جامعه و حکومت می‌دهد. آنچه روز ۱۶ اسفند در این کلینیک اتفاق افتاد، زلزله تازه‌ای علیه جمهوری اسلامی به راه انداخت. آخوندی که گفته می‌شود استاد حوزه علمیه! قم است باد کاشت و حالا حکومت دارد طوفان درو می‌کند.

زن شجاعی که بدون حجاب در مقابل این آخوند ایستادگی می‌کند بلافاصله حمایت حاضرین را

جلب می کند. آخوند قصد فرار دارد عبایش به زمین می افتد و آن طرف تر گیر عده دیگری می افتد و عمامه اش هم پرت می شود. حکومت در پایتخت خلافت خود قافیه را می بازد و حالا که حریف این زلزله سیاسی نمی شود و باید نشان دهد که سر پا است و باید بهر حال عکس العملی نشان دهد، دنبال شناسایی و دستگیری منتشرکنندگان فیلم مدار بسته کلینیک قم می گردد تا با فوت جلو طوفان را بگیرد!

موج گسترده ای در حمایت از این زن شجاع شروع شده و هشتگ مادر قمی و ما سلیطه ایم شبکه های اجتماعی را فرا گرفته است. فضا چنان در حمایت از "مادر قم" داغ شده که سکینه سادات، دستیار رئیسی هم این روحانی را مورد انتقاد قرار داده و می گوید: "شرایط آن مادر که نگران فرزندش است

قابل درک است و شاید همین موضوع را قابل توجیه کند. عباس عابدی روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب با آه و ناله از سکوت علما! نوشته است: ”بدتر از رفتار آن روحانی با مادر جوان در درمانگاه قم، سکوت فاجعه‌بار علما و روحانیون درباره این رفتار است که حتی حاضر به دفاع از صنف خود نیز نیستند.“ وضعیت اما فراتر از سکوت است. تعدادی از روحانیون شروع به انتقاد از رفتار این روحانی کرده و هشدار داده‌اند که حوزه باید ”سیاست‌زدگی و تملق و توجیه حاکمان“ را کنار بگذارد. واقعه درمانگاه قم لحظه دیگری از ترس و وحشت روحانیون از لخت کردن جمهوری اسلامی است.

انقلاب زن‌زندگی آزادی همه چیز را دگرگون کرده و جامعه را به وضعیت برگشت‌ناپذیری رسانده است. هر اتفاقی از این دست که هر روز و هر لحظه در

جایی سربلند می کند، چاشنی طوفان های عظیم تر
و خردکننده تری است. اینکه مقابله یک زن شجاع
در مقابل حکومتیان رعشه بر تن حکومت با همه
دبده و کبکبه اش می اندازد، به حد کافی گویای
وضعیت این تن نزار و سر پا بودن جامعه برای
پایان دادن به این موجود خوار و ذلیل است.

سه شنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۲

۱۲ مارس ۲۰۲۴

حکومت اسلامی گروگان گیر

باید بایکوت شود

بابک یزدی

خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضائیه، روز دوشنبه، ۲۱ اسفندماه، اعلام کرد که جمشید شارمهد و دولت آمریکا بر اساس شکایت ۱۱۶ نفر از کسانی که ادعا می‌شود خانواده کشته‌شدگان و آسیب‌دیدگان بمب‌گذاری در حسینیه سیدالشهدا شیراز هستند باید دو و نیم میلیارد دلار خسارت بدهند! بنا بر ادعای قوه قضائیه جمهوری اسلامی، جمشید شارمهد به‌عنوان ”سرکرده“ گروه تندرو و دولت آمریکا به‌عنوان ”حامی“ این گروه به پرداخت این مبالغ محکوم شده‌اند!

جمشید شارمهد شهروند دو تابعیتی به اتهام ریاست
”گروه تندر“ توسط عوامل رژیم اسلامی ربوده و تحت
شکنجه مجبور به اعتراف شده که در انفجار شیراز
دست داشته است. ادعایی که از طرف خانواده او
بی اساس اعلام شده است. مدافعین دفاع از حقوق
زندانیان سیاسی و مخالفین مجازات اعدام و از جمله
غزاله شارمهد دختر جمشید شارمهد تلاش های
فراوانی برای آزادی او کرده اند.

جمهوری اسلامی از زمان به قدرت رسیدنش از
گروگان گیری به عنوان یک اهرم برای اخاذی
در سیاست خارجی خود استفاده کرده است. از
گروگان گیری در سال ۱۳۵۸ در سفارت آمریکادر
تهران گرفته تا زندانی کردن شهروندان کشورهای
مختلف و ایرانیان دو تابعیتی، یک کار دائمی حکومت
اسلامی بوده است.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی برای رفع نیازهای نیروهای تروریستی‌اش در منطقه به پول نیاز دارد و اخاذی سیاسی از قبل گروگان‌های دو تابعیتی یکی از راه‌هایش برای کسب درآمد بوده است. سیاست گروگان‌گیری یک راه‌ورسم جافتاده این حکومت بوده و است.

اگر چه دول غرب به‌جای برخورد قاطع و اخراج سفرای رژیم اسلامی و بستن سفارت‌های این رژیم تروریستی در این سال‌ها به دلیل منافع سیاسی و اقتصادی خود در مقابل این سیاست باج‌گیری، قاطع برخورد نکرده‌اند؛ اما اینک که طنین انقلاب زن‌زندگی آزادی جهان را فراگرفته و همین هفته گذشته کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل جنایت علیه بشریت توسط حکومت اسلامی را مستند کرده است، تمام شرایط آماده است که دول غرب به اخاذی

سیاسی حکومت اسلامی تن ندهند. بعد از انقلاب زن زندگی آزادی همه شرایط فراهم شده است که ما ایرانیان خارج از کشور دول غرب را زیر فشار قرار دهیم که مجبور شوند سفارت‌های حکومت اسلامی را ببندند، دیپلمات - تروریست‌هایش را از این کشورها بیرون کنند و بایکوت تمام‌عیار حکومت اسلامی در جهان عملی شود.

سه‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۲

۱۲ مارس ۲۰۲۴

جان دو ضداسلامی پاکستانی در خطر است

کیوان جاوید

جوان دانشجوی ۲۲ ساله به نام جنید منیر به اتهام به اشتراک گذاشتن مضامین "کفرآمیز" در واتساپ در سال ۲۰۲۲ محاکمه و به تازگی به اعدام محکوم شده است.

منیر حسین، پدر جوان ۱۷ ساله ای که به دلیل نگرانی‌ها امنیتی مخفی شده است در تماس با خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: "پسرم بی گناه است و او را در پرونده ساختگی محکوم کرده‌اند."

محمد، پیامبر دین اسلام که بیش از ۱۴۰۰ سال از مرگش می‌گذرد را پله کرده‌اند تا همین امروز یکی از کثیف‌ترین، احمقانه‌ترین، زشت‌ترین و ضدبشری‌ترین ادیان تاریخ را به جان مردم

بیندازند و از وجود نامبارک آن پول پارو کنند و از لذات بی‌پایان دنیوی بهره‌مند شوند. دین پلید ضد زن که تجاوز جنسی به کودکان شیرخواره را به یک فضیلت مذهبی تبدیل کرده است، نمی‌تواند قابل احترام باشد. باید روزی هزار بار به پدیدآورندگان این دین و پاسداران این مظهر جنایت و عقب‌ماندگی دشنام فرستاد.

در پاکستان علی‌رغم تبلیغات اسلاميون و تروریست‌های رنگارنگ اسلامی یک جنبش قوی آتئیستی و ضداسلامی رواج دارد و این دو جوان تنها نمونه‌های علنی شده از آن جنبش وسیع ضداسلامی در پاکستان هستند. امروز جان و زندگی این دو جوان در معرض خطر قرار دارد و خانواده‌ها برای نجات جان عزیزان خود مجبورند بر این نکته پای بشارند که اساساً چنین توهینی به محمد صورت

نگرفته است. اگر این خانواده‌ها مجبور به انکار “توهین” شده‌اند، ما مردم در سراسر جهان، و همه مردم آزاداندیش پاکستان با همراهی همه آزادی‌خواهان، آتئیست‌ها، ضد مذهبی‌ها و هر انسانی که بویی از شرافت و انسانیت برده باشد باید با صدای بلند اعلام کنیم که توهین به مقدسات، هر مقدسی، از جمله در رأس همه آنها مذاهب و بخصوص اسلام باید آزاد باشد و هیچ مقامی حق فتوادادن علیه بی‌دین‌ها را ندارد.

باید همان بلایی را سر اسلام آورد که بر سر مسیحیت در قرن هیجدهم و در جریان انقلاب کبیر فرانسه آمده است. امروز دیگر کسی در اروپا و تقریباً هیچ جای دنیا ترسی از این ندارد که مسیح را مورد تمسخر یا دشنام قرار دهد. انقلاب کبیر فرانسه قدوسیت مسیحیت را از بین برده است.

کسانی از میان همان‌ها که در غرب به‌راحتی
مسیح و مسیحیت را دست می‌اندازند نسبت به
اسلام دست‌به‌عصا می‌شوند. دلیل آن ساده است.
باید پوزه دولت‌های اسلامی و اسلام سیاسی را به
خاک مالید تا انسان یک‌قدم به انسانیت و زندگی
انسانی نزدیک‌تر شود و ترس از اسلام و احترام
دروغین به اسلام از بین برود. از این جوانان باید
با تمام توان حمایت کرد.

سه‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۲

۱۲ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۷۷

۱۳ مارس ۲۰۲۴ – ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

چهارشنبه سوری آتشین، نماد زندگی

کیوان جاوید

سقوط آزاد ریال، عروج انقلاب

سینا پدرام

سلبریتی‌ها و همراهی با مردم معترض

سیما بهاری

“ما آریایی هستیم”

منظر دریاکناری

چهارشنبه‌سوری آتشین، نماد زندگی

کیوان جاوید

غروب سه‌شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۲ به یادماندنی است. سراسر ایران یک‌پارچه سرخ و آتشین؛ یک‌پارچه شور و هیجان و جشن و شادی؛ یک‌پارچه زندگی. چهارشنبه‌سوری امسال: ”زردی من از تو – سرخی تو از من“.

ویژگی چهارشنبه‌سوری امسال از هر سال دیگری برجسته‌تر بود. به دلیل تداخل ماه رمضان با سال نوروزیم هشدار داده و خط‌ونشان کشیده بود: ”اگر شهرداری‌ها نمی‌توانند جلوی شادی و جشن چهارشنبه‌سوری و سال نو را بگیرند، سپاه آماده مداخله است“. در جواب به

این تهدید و حریف طلبیدن بود که مردم به خیابان‌ها ریختند و جوانان، از دختر و پسر، در سراسر ایران رقصیدند و برای جمهوری اسلامی آرزوی مرگ کردند.

جمهوری اسلامی فقط با خوشی مردم سر ستیز ندارد؛ تأکیدش بر برگزاری "باشکوه" ماه رمضان از سر عشق و علاقه مفرط آنها به خدا و اسلام نیست. خدا و اسلام پله‌ای شده است تا این ویروس‌های زندگی از وجود مردم ارتزاق کنند. ترس حکومت در درجه اول به خاطر حضور مردم در خیابان و شروع مجدد اعتراضات است. وحشت حکومت رقص و شادی جمعی و دست در دست هم دادن زنان و مردان است. بیم حکومت بی‌آبرو تر شدن قوانین پوسیده اسلامی است. نشان دادن این حقیقت عظیم که مردم ایران پشیزی برای اسلام

ارزش قائل نیستند.

حکومت اسلامی با ریخت و پاش‌های تریلیون دلاری طی این چند دهه گذشته تمام توانش را بکار گرفت تا اسلام را به باور و اعتقاد مردم تبدیل کند. تلاش شد از گهواره تا مهد کودک و از دبستان تا دبیرستان و دانشگاه تا ”گورستان“ اسلامی شود. حکومت برای زنان هزاران دستورالعمل و فتوا و حدیث ابداع کرد تا تبدیل به برده جنسی برادران مؤمن اسلامی شوند. در خانه بمانند و به ”آقای خانه“ سرویس بدهند. این نشد و زنان مبشر انقلاب زن زندگی و آزادی شدند. نه تنها مردم تبدیل به امت اسلامی نشدند که معلوم شد آهنگ شاد و مفرح ساسی مانکن به نام ”آقامون جنتلمنه این خانومم عشق منه“ محبوب قلوب کودکان

دبستانی است.

هرچند گزارش‌های تاکنونی متأسفانه خبر از جان باختن ۱۵ نفر در این مراسم‌ها می‌دهد که شادی را به کام مردم تلخ کرده است، اما نهایتاً چهارشنبه‌سوری را با همه زیبایی‌ها و شادی‌هایش پشت سر گذاشتیم. سال نور را با عزم و توانی صدچندان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپا کردن جامعه‌ای خوشبخت و برابر و آزاد شروع کنیم.

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲

۱۳ مارس ۲۰۲۴

سقوط آزاد ریال، عروج انقلاب

سینا پدرام

روزنامه "هم‌میهن" روز چهارشنبه ۲۳ اسفندماه به آمار بانک مرکزی استناد کرده و نوشته است که حساب خالص سرمایه به منفی ۱۵ میلیارد و ۳۷۸ میلیون دلار در نیمه نخست سال جاری رسید که این عدد منفی‌ترین تراز از سال ۱۳۹۷ تاکنون است. در این گزارش تأکید شده که خالص حساب سرمایه در سال‌های گذشته همواره منفی بوده که مفهوم آن خروج سرمایه بیشتر از ورود آن به کشور است.

ما در نوشته‌های پیشین نیز این سقوط آزاد ریال را بررسی و پیش‌بینی کرده بودیم. سرعت این سقوط به

بحران سیاسی امروز در ایران، با ورشکستگی سیاسی رژیم در منطقه، شکست سیاسی تمامی جناح‌ها در انتخابات چند هفته پیش و در گسترش اعتراضات اجتماعی و سیاسی فزاینده اخیر رابطه مستقیم دارد.

دزدسالاران حکومتی و سرمایه‌داران میلیاردی می‌دانند که امیدی به آینده این رژیم نیست و با گسترش اعتراضات، رژیم توان سرکوب خود را هرچه بیشتر از دست خواهد داد. خروج سرمایه از ایران، سرمایه‌گذاری در شاخه‌های کوتاه‌مدت، افزایش چند صد درصدی مایحتاج عمومی، آمارهای سرسام‌آور تورم، شوک‌های اقتصادی که بیشتر از آنکه شوک باشند به یک دزدی سیستماتیک از جیب مردم و بازنشستگان و صندوق‌های

تأمین اجتماعی تبدیل شده است، از خصوصیات بارز دوره آخر حکومت رژیم اسلامی است.

موضوع جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی با سیستم سرمایه‌داری بحران‌زده مزمن، نمی‌تواند خوانایی داشته باشد. در مقابل، ما موضوع بحران سرمایه در ایران را به عدم ادغام سرمایه‌داری ایران در بازار جهانی و بحران سیاسی ایدئولوژیک رژیم اسلامی به‌عنوان ”وصله ناجور“ در سیستم حکومتی سیاسی بعد از انقلاب ۵۷ ارزیابی کردیم.

انقلاب ۵۷ تنها شاهد عروج ضدانقلاب اسلامی در ایران نبود. انقلاب ۵۷ پارادایم سیاسی ضد سرمایه‌دارانه

در ایران را نیز گسترش داد. سرمایه‌داری ایران به‌سادگی نمی‌توانست “گورستان آریامهری” به‌عنوان سیستم دیکتاتوری که نیازمند سرکوب دستمزدها و بالا بردن نرخ استثمار در ایران است را دوباره به مردم انقلاب‌دیده ایران تحمیل کند. عدم وجود “بهشت موعود” برای سرمایه‌گذاری قطعاً یک علت اساسی در بحران فزاینده اقتصاد سرمایه‌داری در ایران بوده است. به‌هر حال هر نوع سرمایه‌گذاری بلندمدتی نیاز به تضمیناتی دارد که رژیم اسلامی نمی‌توانست در این جهت عمل کند.

به عبارت ساده‌تر مردم برای رفاه و برابری اجتماعی و اقتصادی به پا خاستند و در عوض رژیم اسلامی را به آنان تحویل دادند. پارادایم رفاه، عدالت و

برابری همچنان موتور محرک مردم ایران است
و انقلاب زن زندگی آزادی، انقلاب زنانه نمونه
بارز تبلور این گفتمان‌ها در جامعه معاصر ماست.

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲

۱۳ مارس ۲۰۲۴

سلبریتی‌ها و همراهی با مردم معترض

سیما بهاری

در اسنادی که از سوی گروه‌هکری “عدالت‌علی” منتشر شده، نهادهای اطلاعاتی، تأکید کرده‌اند که “تعدادی از چهره‌های خاص ورزشی، هنری و سینمایی” درباره اعتراضات سراسری موضع‌گیری و از آن “حمایت کرده‌اند که” باعث ایجاد تحرک بیشتر در معترضان “شده و” به‌جای کاهش التهابات در جامعه، اقدام به ایجاد التهاب “می‌کند.

این اسناد و تأکیدات نهادهای اطلاعاتی ثابت می‌کند “چهره‌های خاص” نمی‌توانند و نباید تماشاچی اتفاقات سیاسی در ایران باشند. مکرراً ثابت شده است که درد

جامعه مربوط به همه مردم است و نمی‌شود نشست و تماشاچی وقایع بود و فوتبال و فیلم بازی کرد و شعر گفت و گاهی که فرصت دست بدهد از پنجره بسته نگاهی به بیرون انداخت و سری تکان داد و گفت: "من سیاسی نیستم" و به فکر جیب و موقعیت حرفه‌ای و شغلی خود بود. جامعه این بی‌تفاوتی و بی‌عاری اجتماعی را نمی‌پذیرد و این برخورد را طرف‌داری از حکومت بشمار می‌آورد.

یادمان هست که کدام "هنرمند" و هنرپیشه و چهره‌های ورزشی و چه تعداد از فوتبالیست‌های تیم ملی در برابر سرکوبگران جمهوری اسلامی کرنش کردند و دست‌به‌سینه ایستادند. رژیم با به صف کردن این اشخاص هدفی جز "کاهش التهابات در جامعه"

نداشت. همراهی آن تعداد از هنرمندان که در کنار مردم ایستادند اولاً باعث خوشحالی مردم شد و بر یک واقعیت بزرگ‌تری نیز تأکید گذاشت که حتی در این بخش از جامعه که عموماً در برخورد صریح محتاط و دست‌به‌عصا بودند، در انقلاب زن زندگی آزادی که حتی زبانزد بخش وسیعی از مردم جهان شده است، علیه رژیم و در کنار مردم انقلابی قرار گرفته‌اند و در "ایجاد التهاب" اجتماعی شریک شدند.

سلبریتی‌ها، از هر طیفی، مثل نان شب نیازمند جلب توجه مردم‌اند. بدون حمایت توده‌ای چرخ زندگی آنها لنگ می‌زند. هنر و ورزش و فرهنگ و همه آنچه که بشر برای ادامه زندگی بهتر به آن نیاز دارد توسط حکومت اسلامی به گروگان گرفته شده است تا جامعه را

کنترل کند. سلبریتی‌ها در همراهی با مبارزات مردم به کسی لطف نمی‌کنند؛ بلکه با همراهی با یک جامعه به‌پاخاسته راه نجاتی برای خود نیز می‌جویند.

ترس حکومت از این قشر از جامعه نیز قابل‌درک است، در این باد باید بیشتر دمید. در برابر حکومت ضد زندگی باید همه با هم یک تن واحد باشیم تا جمهوری اسلامی را به کمک هم سرنگون کنیم. در این نبرد جایی برای سربه‌زیر انداختن و پنهان‌شدن نیست.

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲

۱۳ مارس ۲۰۲۴

“ما آریایی هستیم”

منظر دریاکناری

در میانه صحبت با آشنایی در ایران گفتم: “ما که آریایی هستیم...” گفتم؛ یعنی واقعاً منظورت این است که آزمایش “دی‌ان‌ای” تو نشان داده که به این نژاد خاص تعلق داری، آیا نتیجه آزمایش “دی‌ان‌ای” تو این است؟

گفتم: عرب‌ها که به ایران حمله کردند با خودشان یک نژاد پست وارد کردند و همه عظمت و بزرگی ایران را از بین بردند. گفتم اینها که می‌گویند هنوز ربطی به نژاد ما ندارد. نژاد را با ایدئولوژی و مخالفت سیاسی یا گرایش سیاسی و تعلق به

طبقه معینی نمی‌شود توضیح داد و یکی گرفت.
مثال آوردم که چند وقت پیش یکی از دوستان من
در انگلیس که مادرش غیرایرانی و پدرش ایرانی
است آزمایش "دی‌ان‌ای" داده و آزمایش نشان
داد که ۴۰ درصد "ایرانی" ۳۰ درصد "نپالی"
۲۱ درصد اسکاتلندی و ۵ درصد "اتیوپیایی"
است. چند درصدی هم از جاهای دیگر که حالا
به یاد ندارم. گفتم از همه جالب‌تر برای من
آن ۵ درصد آخری بود که معلوم نبود به چه
دلیل وارد "دی‌ان‌ای" این دوست من شده است.
ایرانی و نپالی و اسکاتلندی برای من و خودش
قابل‌فهم بود؛ چون پدر بزرگش از اسکاتلند به
نپال مهاجرت کرده و خانواده تشکیل داده بود.

از دوست ساکن در ایران پرسیدم باین‌همه
حمله از کشورهای گوناگون به ایران و تسخیر
این کشور به دست اسکندر مقدونی و تسخیر
اعراب تا استیلای چنگیز و تیمور و... و باین‌همه
درهم‌آمیزی نژادی، هنوز ما آریایی هستیم؟
گفتم با نژادپرستی نمی‌شود به جنگ جمهوری
اسلامی رفت. در این صورت گُردها، آذری‌ها،
شمالی‌ها و شهروندان عربِ ایرانی می‌توانند به
شما بگویند ما از نژاد آریایی نیستیم و همین دلیلی
باشد که در جنبش سرنگونی خلل جدی پدیدار
شود. گفتم برای انسانی زیستن لازم نیست به
نژاد مراجعه کنیم. همان انسانیت کافی است. با
رجوع به انسانیت همه می‌توانند رها و خوشبخت
شوند. اگر روزی به هر دلیلی نیاز به تزریق خون

داشتیم ممکن است اهداکننده هندی، آمریکایی
یا آلمانی باشد. تنها کافی است از یک گروه
خونی باشیم. برای نجات زندگی ما همین مهم
است.

چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲

۱۳ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۷۸

۱۴ مارس ۲۰۲۴ – ۲۴ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

پرستار داد بزن، حق تو فریاد بزن!

شهلا دانشفر

نگار کریمیان قربانی رژیم اسلامی

عطیه نیک نفس

هشدار روزنامه "اصول گرا" و حال زار حجاب

سیاوش آذری

اتل متل "تتلو"

کیوان جاوید

پرستار داد بزن، حقتو فریاد بزن!

شهلا دانشفر

این شعار پرستاران در تجمعات اعتراضی‌شان علیه وضع بد معیشتی، فشارهای سنگین کاری و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان است. اعتراضات پرستاران در یک سال اخیر گسترده‌تر شده و اکنون به‌صورت هر روزه ادامه دارد. در یک ماه اخیر پرستاران در ده شهر رفسنجان، شیراز، بوشهر، کهنوج، مشهد، اهواز، شیراز، یزد، کرمانشاه و قم تجمعات اعتراضی داشته‌اند و هر روز بر شمار شرکت‌کنندگان در تجمعات افزوده می‌شود.

روز ۲۸ بهمن اعتراضات پرستاران در شکلی سراسری در چندین شهر صورت گرفت. پرستاران در شیراز چندین تجمع داشته‌اند. در نوزده اسفند

پرستاران و کادر درمانی تمام بیمارستان‌ها در این شهر به خیابان آمده و با خواست استعفای مسئولین فریاد شعارهایشان بر فضای خیابان طنین انداخت. در ۲۰ اسفند در کهنوج پرستاران در بیمارستان ۱۲ فروردین به نشانه اعتراض دست به استعفای دسته‌جمعی زدند. پرستاران در تجمعاتشان با شعار ”اعتراض، اعتراض تبدیل میشه به اعتصاب“ اولتیماتوم به اعتصاب سراسری داده‌اند.

یک اعتراض پرستاران به فشار سنگین کاری و وضع اسفناک بیمارستان‌هاست. طبق برآوردی دولتی هم اکنون به‌صورت عاجل به حداقل ۱۰۰ هزار پرستار نیاز است. بگذریم که سالانه ۶۰۰۰ پرستار بازنشسته می‌شوند و استخدامی هم در کار نیست. طبق آمار دولتی نسبت پرستار به‌ازای هر هزار نفر ۱,۵ نفر است و گزارشات از مرگ بیماران

به دلیل ”کمبود پرستار“ خبر می‌دهند. این آمار و ارقام از فاجعه‌ای انسانی در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی خبر می‌دهد.

پرستاران قهرمانان جنگ با کرونا و حکومت کرونایی زیر فشار طاقت‌فرسای کاری و اضافه کاری‌های اجباری که بعضاً به دویست ساعت می‌رسد، له می‌شوند. اضافه کاری ای که مزدی هم برایش پرداخت نمی‌شود. بسیاری از پرستاران به خاطر شرایط وحشتناک کاری ناگزیر به ترک کار شده‌اند. مزد ماهانه پرستاران بین ده تا سیزده میلیون تومان یعنی یک سوم نرخ سبد هزینه معیشتی اعلام شده حکومتی است. در برابر چنین شرایطی است که پرستاران به عصیان درآمده‌اند. پرستاران با فریاد ”مسئول ما خوابیده، گناه بیمار چیه؟“ صدای اعتراض کل جامعه هستند.

اعتراضات پرستاران در کنار تجمعات هر روزه
بازنشستگان و اعتراضات در میان بخش‌های
مختلف کارگری و کل جامعه علیه فقر و
بی‌تامینی فضای به‌شدت ملتهب جامعه را به
نمایش می‌گذارد. اعتراضاتی که با فریاد "اتحاد
اتحاد علیه فقر فساد" در تداوم انقلاب زن‌زندگی
آزادی قرار دارند. خواست‌های پرستاران مستقیماً
به استاندارد درمان و بهداشت در سطح جامعه
مربوط است و باید وسیعاً از این خواست‌ها و
اعتراضات آنها حمایت کرد.

پنجشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۲

۱۴ مارس ۲۰۲۴

نگار کریمیان قربانی رژیم اسلامی

عطیه نیک نفس

کشته شدن نگار کریمیان یک زن جوان ۲۱ ساله، چهارشنبه ۲۳ اسفند، در الیگودرز، استان لرستان بر اثر تیراندازی مأموران جمهوری اسلامی. این حادثه بر اثر شلیک مستقیم مأمور لباس شخصی نیروی انتظامی از فاصله نزدیک به خودرو یک خانواده در الیگودرز استان لرستان صورت گرفته است که اشتباهی بجای خودرو حمل مواد مخدر به خودرو این خانواده از فاصله یک متری شلیک کرده است.

این اولین بار نیست که شهروندی بدون هیچ دلیلی

به دست مأموران رژیم اسلامی که لباس شخصی هستند با اشتباهات بسیار غیرقابل جبران و مرگبار کشته شده‌اند. رژیمی فاسد و جنایت کار که جان انسان‌ها هیچ ارزشی برایش ندارد، به‌سادگی به مردم شلیک می‌کند و هرگز پاسخگو نیست!

عامل مستقیم قتل این زن جوان رژیم ضدانسانی اسلامی است که با بی‌کفایتی بدون کمترین اهمیتی برای جان شهروندان در ایران، به‌راحتی آنها را به قتل می‌رساند. جنایت، فساد و ظلم از این رژیم می‌چکد. هر روز به علل و بهانه‌های مختلف صدها انسان در ایران کشته می‌شوند. یک روز به علت نداشتن واکسن و بیماری کرونا، یک روز به بهانه اعتراض انسانی علیه تورم کمرشکن، یک

روز به علت مطالبه حقوق اولیه، یک روز در اثر
”سانحه“ کاری و روزی دیگر از طریق اعدام که
کاره هر روزه رژیم است.

تا این رژیم جنایت کار، دزد و فاسد در ایران بر سر
قدرت باشد، همچنان شاهد کشته شدن انسان‌ها
در ایران خواهیم بود. مردم در ایران تحت حاکمیت
رژیم اسلامی به گروگان گرفته شده‌اند و نه تنها از
حقوق انسانی‌شان برخوردار نیستند؛ بلکه شلیک
مستقیم مزدوران رژیم هر روزه در کمین آنهاست.

سرنگونی جمهوری اسلامی تنها راه نجات و
رسیدن به دنیایی برابر که کرامت انسان‌ها در
آن ارج نهاده شود، است. در فردای سرنگونی رژیم

عاملین و آمرین رژیم به جرم جنایاتشان از جمله
به جرم پایمال کردن حرمت انسان‌ها و تأمین حق
زندگی آنان در دادگاه‌های صالح محاکمه شده و
به سزای اعمال خود خواهند رسید.

پنجشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۲

۱۴ مارس ۲۰۲۴

هشدار روزنامه "اصول گرا" و حال زار حجاب

سیاوش آذری

روزنامه فرهیختگان وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی و از دست راستی ترین رسانه های رژیم اسلامی با انتشار ویدئویی از درگیری "افرادی" که برای اعتراض به "وضعیت بی حجابی" در خیابان پاستور تجمع کرده اند با نیروهای انتظامی و با اشاره به ویدئوی درگیری یک زن با یک آخوند در درمانگاهی در قم در مورد "وضعیت" حجاب در کشور هشدار داده و همچنین اضافه کرده است که در صورت ادامه روند اوضاع به این شکل با "رخدادهای ناخوشایندی" روبرو خواهیم شد.

البته تلاش این به اصطلاح روزنامه در تهدید کردن

زنان و مردم در ایران از طریق نشان دادن چماق از زیر عبا بیش از آنکه جامعه را مرعوب کند در ماندگی رژیم در تقابل با زنان و مردم آزاده و وضعیت زار حکومت خدا و خود جناب الله را نمایان می‌سازد. همین که انتشار ویدئوی یک درگیری میان یک زن و آخوند این چنین خبر ساز شده و تمام جک و جانوران اسلامی را به واکنش واداشته است به اندازه کافی گویاست.

برخورد رژیم به این موضوع و کلاً به مسئله حجاب کاملاً از موضع ضعف و در تأیید این ادعا است که انقلاب زن زندگی آزادی آن چنان توازن قوا در جامعه را به نفع مردم تغییر داده که علی‌رغم فرو خوابیدن اعتراضات توده‌ای و خیابانی بازگشت به شرایط پیش از انقلاب غیر ممکن گشته است. این همچنین نشانه زنده بودن، پویایی و بالندگی انقلاب

جاری است. اگر چنین نبود نه نیروهای انتظامی
رژیم با گله‌های حزب‌الله “معترض” به بی‌حجابی
“درگیر” می‌شدند و نه معاون “امور زنان” دولت
رئییسی مجبور به تکرار و یادآوری ادعای نخ‌نمای
“حجاب در ایران مقوله‌ای فرهنگی و پذیرفته شده
است” می‌شد.

البته خود این “روزنامه” هم چهار سطر پایین‌تر
به گونه‌ای مضحک به تناقض‌گویی افتاده و به شکنده
بودن اوضاع و پریشان‌حالی رژیم اعتراف می‌کند و
می‌نویسد قرار گرفتن مردم در مقابل مردم (یعنی
تقابل مردم با رژیم) “هم به ضرر اقشار مختلف
جامعه و هم به ضرر وضع حجاب خواهد بود”.

نه آقایان! خودتان هم می‌دانید که آب بسیار پیش‌تر
از سرتان گذشته است. می‌دانید که مردم و پیشاپیش

آنان زنان مترصد فرصت برای درهم کوبیدن کلیت
رژیم اسلامی هستند. خوب می دانید که کوچک ترین
تقابل با مردم جرقه ای خواهد بود که باروت انقلاب
را منفجر نموده و دولت الله را برای همیشه نزد خود
الله خواهد فرستاد. بر خود بلرزید! آن روز بسیار
نزدیک است.

پنجشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۲

۱۴ مارس ۲۰۲۴

اقل مثل "تتلو"

کیوان جاوید

"تتلو توبه‌نامه نوشته است، می‌خواهد خانواده تشکیل دهد." ده روز پس از برگزاری نخستین جلسه دادگاه امیرحسین مقصودلو، خواننده معروف به "امیر تتلو"، بازپرس پرونده او ادعا کرد "تتلو توبه‌نامه نوشته" و "دوست دارد بعد از پایان مجازات مثل خیلی از جوان‌ها ازدواج کند و خانواده تشکیل دهد."

کسی نمی‌داند پشت درهای بسته بین دادستان‌ها و بازجوها و برادران گمنام وزارت اطلاعات و تتلو چه می‌گذرد. هر چه هست به احتمال زیاد راز

عجیبی در جریان نیست. تتلو، توماج و یراحی و شروین سامان یاسین نیست که در کنار مردم و انقلاب زیبای زن زندگی آزادی ترانه‌سرایی کرده و محبوب مردم شده‌اند. تتلو خواننده “درباری” و در خدمت مخوف‌ترین و ضد انسانی‌ترین حکومت است.

به ادعای بازپرس، حالا تتلو می‌خواهد خانواده تشکیل بدهد و بچه‌دار بشود و از راه “درست” موسیقی اجرا کند. اینها همه البته یک ادعا است. موضوع واقعی سوخته شدن پروژه تتلوئیسم است. قرار بود این خواننده، نماینده ارتجاع جمهوری اسلامی باشد و با خیال راحت به مهسا، این جهانی‌ترین و محبوب‌ترین چهره انقلاب نوین در ایران هر کثافتی که از دهانش در می‌آید بگوید.

اینها را گفت و در ادامه پروژه حکومت قرار شد
تتلو را به آلمان صادر کنند تا کنسرت ”بی آزار
من سیاسی نیستم، هنرمند و خواننده هستم“ راه
بیندازد و پایان انقلاب زن زندگی آزادی را با
کنسرتش در آلمان جشن بگیرند. طوری که گویا
اصلاً انقلابی در ایران راه نیفتاده و میلیون‌ها نفر
در جهان شیفته این انقلاب نشده‌اند. طوری که
انگار اصلاً صدها جوان و نوجوان در ایران به خون
کشیده نشده، مورد تجاوز قرار نگرفته و چشمشان
را از دست نداده‌اند. انگار نه‌انگار که زندان‌های
حکومت پُر از انقلابیون است.

جمهوری اسلامی در قالب تتلو هم مفتضحانه
شکست خود و پوزه‌اش به خاک مالیده شد. همان
بلایی که در کنسرت ابی بر سر دکتر سمیعی، نوکر

حکومت اسلامی، آمد. اینکه آینده تلو چه می شود
اینجا مورد بحث نیست. مسئله ساده این است که
تپش انقلاب و آگاهی مردم ایران نمی گذارد هیچ
نوع پروژه مشروعیت بخشی به جمهوری اسلامی
در هیچ گوشه ای از جهان جا بیفتد. این باید درس
خوبی برای همه آن حلقه بگوشان نزدیک یا همکار
نظام باشد که با نوک رصفتی نمی توانند به جایی
برسند.

پنجشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۲

۱۴ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۷۹

۱۶ مارس ۲۰۲۴ – ۲۶ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

غمی سنگین و امیدی بزرگ

اصغر کریمی

حداقل دستمزد را باید خودِ کارگران تعیین کنند

محسن ابراهیمی

برای شادی همگانی بدون حکومت اسلامی

یاشار سهندی

کمپین مالی حزب

لیست شماره ۴

غمی سنگین و امیدی بزرگ

اصغر کریمی

داستان خانواده‌های دادخواه، مادران و پدران،
دلدادگان، خواهران و برادران و فرزندان دادخواهان،
چه حماسی است. در حالیکه سنگین‌ترین غم دنیا را
در دل دارند، و علیرغم تهدیدات و فضای امنیتی به
جامعه امید و شجاعت میدهند.

خانواده‌ها و دوستان جانبازان با فرارسیدن آخرین
پنجشنبه سال بر مزار دهها نفر از عزیزان خود جمع
شدند تا یاد قهرمانان آزادی و انسان‌هایی را ارج گذارند
که در قلب تک تک مردم جا گرفته‌اند. از تهران
تا تبریز، از سنندج و سقز تا کرمانشاه و فولادشهر،

از آبدانان تا بابل و کرج و بسیاری شهرهای دیگر، آرامگاه جانباختگان صحنه‌های به یادماندنی از حضور خانواده‌ها و نوید پیروزی بر ستمگران و حکومت قاتل اسلامی می‌دهند. در سقز با حضور امجد امینی پدر مهسا به یاد جانباختگان انقلاب زن زندگی آزادی آتش نوروز روشن کردند. این آتش توپخانه‌ای برای درگذشت یک سردار جنگ‌های طبقات حاکم برای کشورگشایی نیست. برای بزرگداشت دختری است که رمز انقلاب شد و گرامیداشت صدها جانباخته انقلاب. آتشی به نشانه ادامه انقلاب. بزدلان حاکم حتی اجازه حضور خانواده‌های جانباختگان دهه شصت در خاوران را ندادند و خانواده‌ها گل‌های خود را برای زنده نگه‌داشتن یاد عزیزانشان بیرون دروازه خاوران گذاشتند.

کاملیا سجادیان، مادر محمد حسن ترکمان، و با یاد محمد حسینی جانباخته دیگر انقلاب، در صفحه اینستاگرامش نوشت: ”در آخرین پنجشنبه سال و در واپسین روزهای سال ۱۴۰۲، یادی کنیم از عزیزان غریبی که چشم به راه عزیزان و مردم نودوستشان هستند، عزیزانی که امروز در بند هستند و قلبشان نزد فرزندان خفته در خاک است، امروز چشم‌ها و قلب‌های منتظر و غم‌دیده را با شاخه گلی و حضور در کنار مزارشان، منور کنید.“ و نسرین مادر نیکا شاکرمی نوشت: ”هنوز هم می‌توانم لبخند بزنم، وقتی خیالت را در آغوش می‌کشم.“

خانواده‌های دادخواه خار چشم حکومت و الهام‌بخش کل جامعه‌اند و امروز به یک نیروی سیاسی قابل توجه در جامعه تبدیل شده‌اند. این نیرو را قدر بدانیم، تقویت

کنیم و در مراسم‌ها کنارشان باشیم.

از مراسم‌های گرامیداشت جانب‌باختگان انقلاب تا هشت مارس و چهارشنبه سوری و تا پشت کردن مردم به مراسم‌های حکومتی همه جاذبه‌های تداوم مبارزه‌ای بی‌وقفه برای پایین کشیدن حکومت است. هر چند تظاهرات توده‌ای برای مدتی فروکش کرده است اما فضای انقلاب، روحیه انقلاب، امید به پیروزی انقلاب زنده است و هر روز و هر ساعت جرقه‌ها و شعله‌های آتشش را می‌بینیم.

شنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۲

۱۶ مارس ۲۰۲۴

حداقل دستمزد را باید خودِ کارگران تعیین کنند

محسن ابراهیمی

هر سال در آستانه سال نو، بحث حداقل دستمزد کارگران داغ میشود. نهادی به نام ”شورای عالی کار“ که در واقع شورای عالی دولت و کارفرمایان است، بر سر تعیین حداقل دستمزد برای سال آینده جلسه میگیرد تا در باره سرنوشت اقتصادی کارگران تصمیم بگیرد! اخبار رسانه های حکومتی حاکی از این است که امسال، جلسه ”شورای عالی کار“ بر سر سبد معیشت و حداقل دستمزد بی نتیجه به پایان رسیده است. محسن باقری، ”نماینده کارگران در شورای عالی کار“ هم میگوید که در ”شورای عالی کار“ به صراحت به آنها گفته شده

است که ”رقم سبد معیشت را تعیین نخواهند کرد و مستقیم وارد مذاکرات تعیین دستمزد خواهند شد.“

اولاً، در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سرمایه داران و آیت الله های چپاولگر، ”شورای عالی کار“ عنوان غلط اندازی برای شورای عالی حکومت و کارفرمایان برای چپاول محصول کار و دسترنج و خلاقیت میلیونها کارگر و به خاک سیاه نشان دادن کارگران است. ثانیاً، در این نهادی که شغلش سازماندهی یورش به سفره کارگران است، کارگران هرگز نماینده نداشته اند و تا جمهوری اسلامی سر کار است نمیتوانند نماینده داشته باشند. ترکیب این ارگان، نماینده دولت، نماینده کارفرما و مزدوران دولت و کارفرمایان به عنوان نماینده کارگران هستند.

نهایتاً سؤال این است که معیار تعیین حداقل دستمزد کارگران چیست و چه نهاد و ارگانی باید این حداقل را تعیین کند؟ معیار تعیین حداقل دستمزد کارگران باید تامین رفاه و امنیت اقتصادی کارگران باشد. بالاترین دستاوردهای جنبش کارگری در سطح جهان را میتوان مبنا گرفت.

تنها نهاد منتخب کارگران در آزادترین شرایط صلاحیت دارد این حداقل را تعیین کند. روشن است که "شورای عالی کار" که عملاً شورای عالی حکومت اسلامی سرمایه داران برای سازماندهی هر ساله بهره کشی از کارگران به نفع طبقه حاکم است، کوچکترین صلاحیتی برای تعیین حداقل دستمزد کارگران را ندارد. همچنین روشن است که در نظام اسلامی که در آن کارگران نه تنها حق تشکل ندارند بلکه فعالین و

رهبران کارگری صرفاً به خاطر دفاع از حقوق کارگران و تلاش برای متشکل شدن زندانی و شکنجه میشوند، نمیتوانند در چنین ارگان حکومتی نماینده داشته باشند.

مثل همه عرصه های مبارزه با جمهوری اسلامی، در زمینه حداقل دستمزد هم تا زمانی که جمهوری اسلامی سرکار است باید همزمان دو کار را باهم پیش ببریم: به ضرب اعتصابات و اعتراضات گسترده، همبسته و سراسری کارگری بالاترین دستمزد را به این حکومت تحمیل کنیم و در عین حال و نهایتاً این حکومت و کلابردگی مزدی را به گورستان بسپاریم.

شنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۲

۱۶ مارس ۲۰۲۴

برای شادی همگانی بدون حکومت اسلامی

یاشار سهندی

”اورژانس تهران خبر داده که انفجار نارنجک دستی باقی مانده از چهارشنبه سوری باعث قطع سه انگشت دست راست یک پاکبان شد. پاکبان ۲۸ ساله مشغول جارو زدن و نظافت کوچه بوده که نارنجک موجود در یک کیسه زباله در دستانش منفجر شده است.“

چهارشنبه سوری به این دلیل ساده که همگان میتوانند در شامگاه یک روز خاص در سال شاد باشند و پایان زمستان و آمدن بهار را جشن بگیرند، سنتی است که می توانست رسماً یک جشن همگانی

باشد.

این جشن اما در جمهوری اسلامی به یک امر سیاسی تبدیل شده است. تنها به این دلیل که حکومت نکبت اسلامی از شاد بودن مردم هراسان و به سرکوب آن مشغول است. شیوع وسیع استفاده از نارنجک دستی در این جشن نتیجه سرکوب ۴۵ ساله این حکومت است. مردم در این مدت به معنای حقیقی کلمه با چنگ و دندان برای داشتن ساعاتی خوش با این حکومت جنگیده اند و بطور واقعی توانسته اند جشن چهارشنبه سوری را بر حکومت اسلامی تحمیل کنند.

سالهای طولانی عرضه و فروش مواد محترقه و آتش بازی بی خطر ممنوع بوده و اکنون هم که در سطح

وسیعی در دسترس است غیر قانونی محسوب میشود.
در چند سال گذشته هر سال گرانتر از سال پیش
عرضه میشود که تنها برای خرید چند قلم آن در
سال جاری بیش از یک میلیون هزینه روی دست
مردم گذاشت. نارنجک دستی که ساخت آن ساده
است، بسیار ارزانتر تمام میشود و در سطح وسیعی
در دسترس است و هر ساله متاسفانه استفاده از
آن در این شب، کشته و مجروحین زیادی بر جای
میگذارد.

قطع انگشت دست کارگر شهرداری بر اثر انفجار
نارنجک دستی جرمی است که باید به پای حکومت
اسلامی نوشته شود که دشمنی ذاتی اش با جشن و
شادی همگانی، بخصوص وقتی که حضور زنان هم

مطرح باشد سبب بروز حوادث فاجعه بار میگردد.

برای داشتن یک شادی همگانی، برای جلوگیری از فجایعی این چنین بخاطر سرکوب حکومت اسلامی، برای اینکه زن و مرد، پیر و جوان بدون هیچ محدودیتی بتوانند شاد باشند و برقصند و برقصانند و فریاد شادی شان هر کوی و برزنی را پُر کنند، در قدم اول باید حکومت اسلامی را سرنگون کرد. چهارشنبه سوریها فرصتی بوده برای تمرین این شادی بی نظیر در فردای سقوط زمستان ماتم زده اسلامی و آمدن بهار آزادی.

شنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۲

۱۶ مارس ۲۰۲۴

کمپین مالی حزب

لیست شماره ۴

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع آوری حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای تامین بخشی از نیازهای مالی حزب (و از جمله کانال جدید) در طول چهار هفته گذشته معادل ۷۶۹۸۰ دلار آمریکا جمع آوری شد. این کمپین یک ماهه است و هر هفته لیست دوستانی که کمک میکنند منتشر میشود. از تمام عزیزانی که در این سه هفته به کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی میکنیم. از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه‌ای آزاد و برابر و خوشبخت میتپد و از همه فعالین انقلاب زن زندگی

آزادی در داخل و بویژه خارج کشور دعوت می کنیم
به حزب کمک کنید. کمکهای شما، به هر میزان
مایه افتخار و اتکای این حزب است.

لیست شماره ۴

شهلا خباززاده ۵۰ یورو - رامین از آلمان ۲۵ یورو
- مهدی نبوی ۱۰۰ یورو (جمعا ۱۵۰ یورو)
جمیله میرکی ۵۰ یورو - طه حسینی ۵۰ یورو - پریسا
پوینده ۱۰۰ یورو - بهزاد مهرآبادی ۱۰۰ دلار
کانادا - سوهیله فتاح ۱۰۰ دلار کانادا - ریواز فاتح
۵۰ دلار کانادا - نازاد علی ۳۰ دلار کانادا - سهند و
سرمد ۵۰ دلار کانادا - کاوه پیروت ۵۰ دلار کانادا
- سمیر نوری ۵۰۰ دلار کانادا - عبدالله سلیمان ۵۰
دلار کانادا - دوست عراقی ۱۵۰ دلار کانادا - علی

معنوی ۲۰۰ پوند - سعید ویسی ۱۵۰ یورو - محمد
رضایی ۴۰۰ دلار کانادا - مهناز سهولی ۲۰۰ دلار
کانادا - رضا شاد ۵۰ دلار کانادا - هادی سلیمانی
۵۰ یورو - مجید صندوقدار ۱۰۰ یورو - لطیفه ۵۰
دلار آمریکا - اسد مذنبی ۱۰۰ دلار کانادا - آوا
میرسالاری ۳۰ یورو - یدی محمودی ۱۵۰ دلار
کانادا - ابی مکانیک ۵۰ دلار کانادا - فرزاد تورنتو
۵۰ دلار کانادا - صمد زاهدی ۵۰ دلار کانادا - کریم
شاهمحمدی ۵۰۰۰ کرون - فاطمه کلوانی ۲۰۰
کرون - غریبه حسینی ۵۰۰ کرون - سلیمان سبکبار
۱۰۰۰ کرون - مجید فرجیان ۱۰۰۰ کرون - میترا
پوینده ۵۰۰ کرون - سهیلا بهرامیان ۱۰۰۰ کرون
- دوستدار حزب از استکھلم ۵۰۰ کرون - آمنه
کاکه‌باوه ۵۰۰ کرون (کمک به عرصه پناهندگی)

- هیوا احمد ۱۰۰ پوند - بهروز بهاری ۱۵۰ پوند -
مریم افراسیاب پور ۵۰۰ کرون - سپهر داد گرگین
۱۰۰ دلار کانادا - سعید مدانلو ۵۰۰ دلار آمریکا
- منیر شریف پوریان ۵۰ یورو - شیرین شمس
۱۰۰۰ کرون - کیان آذر ۱۰۰۰ کرون - شیرین
باریزه ۱۰۰۰ کرون - عارف بختیار ۳۰۰ کرون -
رضا فتحی ۳۰۰ کرون - حسن میرزایی ۲۰۰ دلار
کانادا - مهین درویش روحانی ۱۵۰ یورو - شہلا
کھوری ۲۰۰۰ کرون - رزگار رضایی ۲۰۰۰ کرون
- حسن توسی ۲۰۰۰ کرون - علی نارکی ۱۰۰۰
کرون - شیرین گوئنبرگ ۱۰۰۰ کرون - سهیل
اسفندیاری ۱۰۰۰ کرون - سپیده عقیلی ۵۰۰ کرون
- مہری مہر آبادی ۵۰۰ کرون - منصور حسن زاده
۵۰۰ کرون - زہرا مرادیانی ۵۰۰ کرون - عباس

گوتنبرگ ۵۰۰ کرون - پریچهر مرادی ۳۰۰ کرون
- رایان ۱۰۰ دلار کانادا - مَنده و گوله باخ از آلمان
۵۰ یورو - سحر ۵۰ پوند - سیامک امجدی ۵۰
پوند - دوست پروین از آلمان ۵۰ یورو - شیرزاد
چوپانی ۵۰ پوند - بابک سالاری ۱۰۰ دلار کانادا -
امیر رادیو پیام ۵۰ دلار کانادا - ناهید نوین ۱۵۰
دلار کانادا - رضا عشقی ۱۰۰ دلار کانادا - عسل از
آلمان ۵۰ یورو - آمینه حمیدزاده ۲۵ یورو - یدالله
حمیدزاده ۲۵ یورو - ایران آزاد ۵۰ یورو - سمیرا
آلمان ۵۰ یورو - سهراب شایان ۳۰ یورو - خالد
ناصری ۵۰ یورو - طه آزادی ۱۰۰ یورو - ایوب
حسینی ۱۵ یورو - نسرین صفری ۱۵ یورو - هاشم
فاضلی ۲۰۰ یورو - رزا ۵ یورو - ساسان زمانی
۱۰۰ یورو - عبه صید مرادی ۵۰ یورو - مریم

ناوه ۵۰ یورو - فوزیه و مصلح ۵۰ یورو - آقای
تسلیم (آلمان) ۲۰ یورو - ناصر رستمی ۱۰۰ یورو
- صدیق کریمی ۵۰ یورو - کیان زمان ۱۰ یورو -
مهران ۱۰ یورو - داریوش معمار ۳۰ یورو - سهیلا
اسکندری ۵۰ یورو - آقای منتظر ۵۰ یورو - آقای
یاری ۵۰ یورو - شهرزاد و ابی ایرانشاهی ۵۰ یورو
- فرزانه درخشان ۵۰ یورو - داوود - اوتاوا ۱۰۰
دلار کانادا - سمیرا ۲۰۰ دلار کانادا - آرمان - اوتاوا
۱۰۰ دلار کانادا - ایرنه ازایتالیا ۱۰۰ دلار کانادا -
صوفی ایرانی ۲۰۰ دلار کانادا - کاوه ایرانی ۵۰
دلار کانادا - جمشید فام ۴۰۰ دلار کانادا - ک.
الف ۱۰۰ دلار کانادا - آقای حمیدی ۳۰۰۰ دلار
آمریکا - سوسن صابری ۲۰۰۰ کرون - سهیلا ۳۰
دلار کانادا - نیما امینی ۳۰۰ دلار کانادا - مصطفی

عزیزی ۱۰۰ دلار کانادا - مینو فتاحی ۱۲۰ پوند

جمع لیست چهار ۱۳۱۲۰ دلار آمریکا

جمع کل معادل ۷۶۹۸۰ دلار آمریکا

شنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۲

۱۶ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۸۰

۱۷ مارس ۲۰۲۴ - ۲۷ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

حداقل دستمزد و حمله به حق حیات کارگران

سیاوش آذری

اعدام کودکان بر مبنای قوانین اسلامی

عطیه نیک نفس

تحریم‌ها، اقتصاد تهاتری و فقر روزافزون

سینا پدرام

تقابل نوروز با دو اژدهای هفت‌سر

کیوان جاوید

حداقل دستمزد و

حمله به حق حیات کارگران

سیاوش آذری

وزیر کار رژیم اعلام کرد که حداقل دستمزد کارگران در سال آینده تنها ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت. این در حالی است که بنا بر منابع خود رژیم نرخ سبد معیشت در تهران برای یک خانواده چهارنفره و با احتساب ۳۰۰۰ کالری، ۳۲ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان و در سطح کشور ۲۶ میلیون و ۵۵۰ هزار تومان گزارش شده است.

بعلاوه انتظار می‌رود که نرخ واقعی تورم در سال آینده به بیش از ۵۰ درصد افزایش یابد. نکته فاجعه‌آمیزتر اقدام وزارت بهداشت به کاهش

کالری موردنیاز کارگران در محاسبات خود در جهت توجیه تلاش‌های رژیم اسلامی در افزایش ۲۰ درصدی حداقل مزد است. این تحمیل مرگ تدریجی به کارگران و خانواده‌هایشان است. این رویکرد همچنین نشانه ناکارآمد بودن اقتصاد جمهوری اسلامی حتی در چهارچوب اقتصاد سرمایه‌دارانه و عقل حاکم بر آن است.

دستمزد کارگر در اقتصاد سرمایه‌داری بر اساس ارزش نیروی کار به عنوان یک کالا تعیین می‌گردد. ارزش نیروی کار مجموع ارزش کالاهای موردنیاز کارگران برای باز تولید خود و خانواده‌هایشان به منظور حضور مجدد در بازار کار، مبادله نیروی کار با سرمایه و مصرف این کالای خودویژه در روند تولید که منجر به تولید ارزش افزوده می‌گردد، است.

به عبارتی دیگر، حداقل مزد مقدار پول موردنیاز کارگر برای زنده ماندن و بازگشتن بر سرکار است. البته بنا بر ساختار تاریخ‌مند نیروی کار به‌مثابه یک کالا، شرایط تاریخی و اجتماعی در تعیین این مقدار دخیل هستند؛ به این معنی ارزش نیروی کار تابعی از توازن قوای طبقاتی و اجتماعی است. مرز “طبیعی” کاهش حداقل دستمزد “زنده ماندن” انسان کارگر است. تلاش برای کاهش ارزش نیروی کار زیر این مرز از منظر خود اقتصاد سرمایه‌دارانه غیرعقلایی و شلیک به پای خود است؛ زیرا تنها منبع تولید ارزش افزوده (سود) نیروی کار زنده است.

اقتصاد جمهوری اسلامی اما بنا بر وجود رژیم که هم نتیجه و هم عامل تشکیل و تشدید بحران سرمایه‌داری در ایران است قادر به پاسخگویی به ضروریات یک اقتصاد متعارف سرمایه‌دارانه

نیست. حمله اخیر رژیم به معیشت، موجودیت و حیات کارگران وجهی ضروری از اقتصاد دزدسالار و فاسد سرمایه‌داری اسلامی است. مهم‌ترین نکته اما ناخوانایی مقتضیات بارآوری سرمایه با رفاه کارگران و کل جامعه در ایران است. انقلاب جاری باید درهم کوبیدن کلیت ماشین سرمایه‌داری، چه از جنس اخروی و چه از جنس دنیوی را در دستور کار خود قرار دهد.

یکشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۲

۱۷ مارس ۲۰۲۴

اعدام کودکان بر مبنای قوانین اسلامی

عطیه نیک نفس

”سازمان حقوق بشر ایران با انتقاد از ادامه اعدام کودکان مجرمان در ایران اعلام کرد که در سال ۲۰۲۳ میلادی دست کم دو کودک مجرم در ایران اعدام شده‌اند. در این گزارش آمده است که دست کم ۷۰ کودک مجرم در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ میلادی در ایران اعدام شده‌اند. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به صراحت ”سن مسئولیت کیفری“ را بر اساس سن بلوغ شرعی، دختران بالای ۹ سال و پسران بالای ۱۵ سال، تعریف کرده است.“

در اسلام و به تبع آن رژیم جمهوری اسلامی، هیچ انسانی دارای حقوق در شأن کرامتش نیست، اما در این میان زنان و کودکان در بی حقوقی کامل به سر می‌برند. در قوانین اسلامی صدها قانون برای مجازات زنان و کودکان وجود دارد؛ اما برای احقاق حقوق آنها هیچ! رژیم اسلامی بی کفایت و البته جنایت‌کار برای حل معضلات اجتماعی که تمامی آنها ناشی از موجودیت این رژیم است، با قوانین وحشیانه فقط انسان‌ها را از زندگی محروم می‌کند.

در ایران که تمامی انسان‌ها به واسطه حضور او‌باش اسلامی با هزاران بحران دست به گریبان‌اند، قطعاً هزاران معضل اجتماعی بروز می‌کند که ارتکاب

جرم توسط کودکان می‌تواند یکی از آنها باشد.
کودکان در ایران تحت حاکمیت رژیم فاسد
اسلامی نه تنها مجرم نیستند؛ بلکه قربانیان این
سیستم بیمار و انسان کشند. عامل اصلی تمامی
جرایمی که در ایران رخ می‌دهد رژیم جمهوری
اسلامیست که وقیحانه برای انسان‌ها جرم‌انگاری
می‌کند و به راحتی آنها را اعدام می‌کند!

در جامعه‌ای که بر اساس قوانین انسانی اداره
شود، کودکان دارای بالاترین حقوق هستند. زیرا
کودکان نسل آینده جامعه‌اند که اگر در شرایط
انسانی پرورش پیدا کنند می‌توانند آینده زیبایی
برای همه مردم آن جامعه بسازند. چیزی که با در
قدرت بودن اسلام و رژیم اسلامی هرگز نمی‌توان

حتی آن را متصور شد.

حکومت و تفکر کودک کش و جنایت کار اسلامی
باید از قدرت برکنار شود تا هرگز شاهد اعدام
کودکان نباشیم و کودکان در جامعه‌ای انسانی،
مترقی و مدرن با داشتن تمامی حقوق انسانی در
بستری بسیار مناسب پرورش یابند.

یکشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۲

۱۷ مارس ۲۰۲۴

تحریم‌ها، اقتصاد تهاتری و فقر روزافزون

سینا پدرام

نشریه "دیلی فایننشال تایمز" چاپ سریلانکا روز جمعه ۲۵ اسفند اعلام کرد بر اساس توافق سال ۲۰۲۱ با جمهوری اسلامی، شرکت نفت سیلان به طور ماهانه موظف بود ۵ میلیون دلار چای به ایران صادر کند تا بتواند بدهی ۲۵۰ میلیون دلاری خود را به تدریج تسویه کند؛ اما دولت سریلانکا اخیراً این اقساط را به ماهانه ۱۰ میلیون دلار افزایش داد تا تسویه بدهی سریع‌تر انجام شود.

قطعاً خوانندگان با اختلاس ۳٫۵ میلیارد دلاری "چای دبش" آشنا هستند. پولی که بابت خرید چای گرفته شده بود و از حساب‌های بانکی شخصی میلیاردی‌های

بارگاه خامنه‌ای و شرکا سر در آورد.

واقعاً معلوم نیست مردم ایران چند میلیارد استکان چای در سال مصرف می‌کنند؛ ولی این حجم از سرمایه برای خرید چای برای کشوری با جمعیت ایران بسیار بیشتر از کشوری مانند بریتانیا است که با سالانه ۱ میلیارد دلار در سال یکی از بزرگ‌ترین کشورهای مصرف‌کننده چای محسوب می‌شود.

اقتصادتهاتری که یکی از تبعات تحریم‌های اقتصادی به شمار می‌آید، به عقیده کارشناسان اقتصادی، در حال حاضر خسارت‌های زیادی را به اقتصاد وارد کرده و نیازهای واقعی مردم را برآورده نمی‌کند. دیروز روزنامه "ایندیپندنت فارسی" به نقل از حسین سلاح ورزی، رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران اعلام کرد

که خسارت تحریم‌ها بر اقتصاد ایران سالانه به بیش از ۱۰۱ میلیارد دلار بالغ می‌شود. وی همچنین افزود در ۱۲ سال گذشته هزینه تحمیل شده به مردم به طور مستقیم ۱۲۱۰ میلیارد دلار بوده است.

به باور بسیاری از تحلیلگران، این رقم بسیار کمتر از رقم واقعی خسارات وارد شده به مردم ایران در طول سال‌ها تحریم است. علیرضا نامور حقیقی، تحلیلگر سیاسی، سال گذشته ادعا کرد مجموع خسارت تحریم‌ها، به‌ویژه در اثر ادامه غنی‌سازی هسته‌ای به بیش از ۲ هزار میلیارد دلار رسیده است. از دیگر عوامل این خسارت‌ها می‌توان به عدم پرداخت و یا بلوکه شدن مطالبات ارزی، ارزان‌فروشی منابع طبیعی به کشورهای مختلف و واردات نیازهای گوناگون به شکلی بسیار گران‌تر از معمول، فرار نیروی کار ماهر

به کشورهای اطراف، مهاجرت نیروهای متخصص
به اروپا و غیره یاد کرد.

رژیم اسلامی قادر به اداره نیازهای مردم نیست.
دزدسالاری سیستماتیک این حاکمیت بلای جان
میلیون‌ها انسانی است که هر روزه با توان کار خود
میلیاردها ثروت تولید می‌کنند تا روز دیگر متوجه
شوند که فقیرتر شده‌اند. راه چاره‌ای جز ادامه
انقلاب زن زندگی آزادی برای مردم وجود ندارد.
انقلابی که منشورهای رفاهی و مطالباتی آن کافی
است که میلیون‌ها انسان نیازمند را به یک زندگی
انسانی برساند.

یکشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۲

۱۷ مارس ۲۰۲۴

تقابل نوروز با دو اژدهای هفت سر

کیوان جاوید

نوروز بزرگ‌ترین و شادی‌بخش‌ترین جشن مردم در ایران است. مهم نیست چند ساله باشی، کودک یا پیر، نوجوان یا جوان، زن یا مرد، در انتهای سال همانطور که طبیعت با نزدیک‌تر شدن به فصل بهار گرم‌تر می‌شود، دل‌ها نیز گرم‌تر و شادتر می‌شوند. نوروز جشن نو شدن، جشن طراوت و زندگی است. با فرارسیدن بهار یک‌بار دیگر با گذشته وداع می‌کنیم و به آینده می‌نگریم. تلاش توأمان طبیعت و انسان برای بهتر و تازه‌تر شدن از ویژگی‌های سال نو است.

در برابر این طبیعی ترین، ساده و انسانی ترین ایامی که قرار است همه شاد و سرزنده و خوشحال باشند، دو اژدهای هفت سر با نعره های آتشین و ویرانگر زندگی را هراسناک و به کام ما تلخ می کنند. فقر در مرکز این هراس ایستاده است. در آستانه سال نو فقر بیش از همیشه در حال شکستن کمر مردم است. گرانی بیداد می کند و تهیه وسایل هفت سین و مواد خوراکی و آجیل و لباس نو، ایام سال نو را به یک کابوس پایان ناپذیر تبدیل کرده است. آخر چگونه ممکن است با این همه فقر به استقبال شادترین فصل سال رفت و با جشن و شادی بدرقه اش کرد؟ فقر آن اژدهای دهن باز کرده ای است که شادی را می بلعد و خوشبختی و تیرگی را حاکم می کند. خورشید زندگی در اسارت فقر، درخشندگی ندارد.

ازدهای خوفناک دیگری که باعث وحشت همه می‌شود و زندگی را با چهره مخوف خود به کابوسی بی‌پایان تبدیل می‌کند، حاکمیت مذهب و دین اسلام در ایران است. مشتی از گور برخاسته متعفن با توسل به احمقانه‌ترین و مخرب‌ترین باورها، زندگی را به آتش می‌کشند و شادی را به پای هیولای دین قربانی می‌کنند. به راستی ترسناک است دیدن این همه تباهی و مشاهده پیام‌آوران مرگ و نیستی و بدبختی. به راستی نوروز شادی‌بخش چگونه توانسته در برابر عفریت فقر و مذهب دوام بیاورد. راز این تداوم را کجا باید جستجو کرد؟

رازی نیست. انسان بی‌مبارزه و بی‌تلاش تسلیم نمی‌شود. نسل بشر در برابر همه ناملايمات طبیعی و اجتماعی ایستاده و دست در دست هم خرابی‌ها

را کنار زده و دشمنان را از سر راه برداشته است.
انسانِ متحد و متشکل که نمی‌خواهد تسلیم شود
آن راز ساده‌ای است که توانسته است در برابر
مرگ، مبشر زندگی باشد. جوانه زندگی از دل
مرداب نیز سر بر می‌آورد.

یکشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۲

۱۷ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۸۱

۱۸ مارس ۲۰۲۴ - ۲۸ اسفند ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

جعل امضا و تصاحب زمین

کیوان جاوید

جنگ روزه‌خواران با زمین‌خواران!

محسن ابراهیمی

محاكمه رژیم بدست ترانه، بهاره و مهدی

میلاد رسایی‌منش

پایان نشر اکاذیب حکومت علیه توماج

منظر دریاکناری

جعل امضا و تصاحب زمین

کیوان جاوید

بر اساس اسناد منتشر شده، کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران، باغی به مساحت چهارهزار و ۲۰۰ مترمربع را با همراهی پسرانش در منطقه ازگل تهران تصاحب کرده است. این زمین در شمال شرق "مدرسه علمیه امام خمینی" قرار دارد و قیمت روز آن باتوجه به بهای متوسط زمین در منطقه، "حدود هزار میلیارد تومان" تخمین زده می شود. کاظم صدیقی می گوید: "فردی که قبلاً مورد اعتماد مجموعه بوده"، با "خیانت در امانت" و "جعل امضا"، این زمین ها را به شرکت پیروان اندیشه های قائم منتقل کرده است.

آخوند جماعت سابقه‌ای ۱۴۰۰ ساله در جعل خبر و دروغ‌گویی و ساختن داستان‌های عجیب و غریب دارد. از معجزات متعدد پیغمبر اسلام تا امام اول شیعیان تا تاریخی از کرامات امامان و امامزاده‌ها و... جعلیات و دروغ‌بافی‌های شاخ‌داری که آگاهانه برای سرکیسه کردن افراد ناآگاه و دین زده بافته می‌شود. اما جعل امضا برای صاحب زمین کردن صدیقی دیگر دست همه دروغ‌بافان ۱۴۰۰ ساله آخوندهای متخصص ماشین تولید جعلیات را بسته است. بی‌شک همکاران کاظم صدیقی باید یک دوره تکمیلی و تخصصی در "مدرسه علمیه امام خمینی" داشته باشند تا کاملاً درک کنند که این امام‌جمعه منتخب خامنه‌ای به چه درجه‌ای از کرامات اسلامی

رسیده است که می‌توانند این‌چنین بی‌پروا چرند
ببافند و شرم هم نکنند.

صدیقی و هم‌کیشان خشک‌مغزش فکر می‌کنند
جامعه در عصر دعانویسی سیر می‌کند. دورانی که
بشرِ درمانده و فاقد آشنایی با علم و دانش و حقیقت
اجتماعی از سرِ استیصال، اسیر خرافه و چشم‌به‌راه
معجزات بود. در این دوره و زمانه، با پیشرفت انواع
علوم و دانش، دورانِ معرکه‌گیریِ اسلامی و فروش
داستان “خر دجال” در میان هیچ بخشی از مردم،
حتی ناآشناترین و دور از اجتماع‌ترین قشرهای
اجتماعی جایی ندارد.

آنچه باعث شده است صدیقی کلاش بتواند این‌چنین

بی‌پروا دست به دروغ‌بافی شاخ‌دار بزند، به یک عامل مهم مربوط می‌شود. اینکه انواع رنگارنگ زمین‌خواران و رباخواران و نفت و گاز خواران و خلاصه همه‌چیزخواران سازندگان این حکومت اسلامی‌اند و هوای همدیگر را دارند. اما صدیقی‌های حکومت یک عامل مهم را خوب است بهتر از این به یاد داشته باشند. مردم با شناختی که از این قشر جلاد دارند بی‌پروا و بی‌وقفه در حال کندن گور این انگل‌های اجتماع هستند تا زمین‌وزمان و زندگی از دست این جماعت نجات پیدا کند.

دوشنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۲

۱۸ مارس ۲۰۲۴

جنگ روزه‌خواران با زمین‌خواران!

محسن ابراهیمی

با آغاز ماه رمضان، ده‌ها مکان عمومی و گردشگری و رستوران در شهرهای مختلف به دلیل "عدم رعایت قوانین ماه رمضان و روزه‌خواری" پلمب شدند.

سران حکومت طبق معمول دست‌به‌کار شده‌اند. با ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی‌شان مردم را تهدید می‌کنند که روزه‌خواران با ۲ ماه زندان و ۷۴ ضربه شلاق مجازات خواهند شد! موضوع آن‌قدر جدی است که محسنی اژه‌ای، قاضی‌القضات اسلامی به ضابطانش دستور داده است با هر نوع "ناهنجاری خلاف قانون و شرع" که موجب "آزردگی مردم مؤمن می‌شود" مقابله کنند! و این دیگر جالب است.

کاظم صدیقی، امام‌جمعه موقت تهران، آیت‌اللهی که پرونده هزاران میلیاردی زمین‌خواری‌اش در شمال تهران همین هفته گذشته افشا شد اعلام کرد ”تظاهر به روزه‌خواری از منکرات است و حاکمیت اسلامی وظیفه دارد با آن برخورد کند!“

روزه‌خواری جرم اعلام می‌شود تا با ”بهشت اجباری“ در آن دنیا به ضرب تهدید و زندان و شلاق و شکنجه برای میلیون‌ها مردم منزجر از بهشت اسلامی، برای خودشان در همین دنیا تا می‌توانند زمین‌خواری کنند، بچاپند و ثروت‌اندوزی کنند.

از بخت بد جمهوری اسلامی، ماه رمضان با نوروز هم‌زمان شده است و این تازه اول کار است. رمضان تازه آغاز شده است. ماهی که یکی از جبهه‌های مهم

نبرد مردم با حکومت را داغ می‌کند: جبهه‌ای که در آن مردم منزجر از اسلام و حکومت اسلامی در مقابل حکومتی منزجر از مردم و نوروزشان در مقابل هم قرار می‌گیرند. روزه‌خواران در مقابل زمین‌خواران! در کشوری مثل ایران با سونامی ضداسلامی و مردم روزه‌خوار از یک طرف و حکومت زمین‌خوار از طرف دیگر چه کابوسی هراسناک‌تر از این؟

آیا حکام اسلامی واقعاً نمی‌دانند که این شاخ‌وشانه کشیدن‌های اسلامی علیه مردم، زیرپایشان را خالی‌تر می‌کند؟ روشن نیست که حکومت شکست‌خورده در سنگر حجاب، قطعاً در سنگری مثل تقابل روزه‌داری حکومتی با روزه‌خواری مردم شکست سنگینی خواهد خورد؟ قطعاً می‌دانند؛ اما ناگزیرند ادای حکومتی را درآورند که گویا ”مردم مؤمن“

منتظر دستورات اسلامی آنها هستند که اجابت کنند؟

حکام اسلامی ادای اتوریته در می آورند. اما مردمی که انقلابی به عظمت "زن، زندگی، آزادی" را تجربه کرده‌اند به قدرت عظیم خود پی برده‌اند. در هم شکستن اتوریته پوشالی جمهوری اسلامی در همه سنگرها، از جمله سنگر روزه‌داری حکومتی در مقابل روزه‌خواری مردمی، حلقه‌هایی هستند که وقتی به هم متصل شوند مسیر پایان دادن به یکی از ضدانسانی‌ترین حکومت‌های تاریخ جهان را هموارتر می‌کند. پیش به سوی شکست جمهوری اسلامی در این سنگر!

دوشنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۲

۱۸ مارس ۲۰۲۴

محاكمه رژیم بدست ترانه، بهاره و مهدی

میلا د رسایی منش

زهرا مینویی درباره موكلش ترانه علی دوستی، گفت كه برای این بازیگر سرشناس "شش ماه قرار نظارتی" صادر شده است. به گفته وکیل ترانه علی دوستی، پرونده جدید موكلش "در دادسرای فرهنگ و رسانه مربوط به پست اینستاگرامی" این بازیگر "درباره آرمیتا گراوند بود" و بنا بر رأی نظارتی صادر شده، او باید "در این شش ماه هیچ پستی با محتوای سیاسی و تشویش اذهان عمومی منتشر نکند."

بنا به گفته همین وکیل دادگستری، بهاره هدایت از زندان "به مرخصی نیامده" بلکه "اجرای حکمش تا

هشتم فروردین “به تعویق افتاده است. بهاره هدایت در حال حاضر “با تعویق اجرای حکم” در بیرون از زندان به سر می‌برد؛ “مرخصی جزو دوره حبس حساب می‌شود” اما در صورتی که این فعال سیاسی به زندان بازگردانده شود، مدتی که بیرون بوده، جزو حبس او به حساب نمی‌آید.

زهرا مینویی درباره پرونده مهدی یراحی نیز توضیح داد که او در حال حاضر با “پابند” با محدودیت تردد هزارمتری بیرون از زندان است و برای دیدار والدینش “منتظر بخشنامه مرخصی نوروز هستیم.”

این احکام در واقع بازتاب یک واقعیت اجتماعی دیگر هم هست. وضعیتی که ثابت می‌کند دوره ترساندن

مردم به سر رسیده است و چنین احکام مسخره‌ای
بیش از هر چیز قدرت مردم را در برابر یک حکومت
پوشالی بر ملا می‌کند. در واقعیت امر این سه مخالف
حکومت اسلامی هستند که این رژیم را در پیشگاه
مردم به محاکمه کشیده‌اند و این حکومت اسلامی
است که در منگنه خشم اجتماعی پرس می‌شود.

حکومت اسلامی پس از آغاز انقلاب زن زندگی آزادی
فشار بر بخش‌های مختلف جامعه، از جمله هنرمندان
و فعالین سیاسی را به‌منظور سرکوب اعتراضات به
شکل محسوسی افزایش داده است. روزی نیست که
در جایی خبری، مبنی بر احضار و تحت فشار گرفتن
فردی سرشناس که علیه حکومت و در کنار مردم
قرار دارد مخابره نشود. واقعیت این است که حکومت

اسلامی آن‌چنان مرزهای انسانیت را زیر پا گذاشته که هیچ انسان شریفی نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. این فشار و سرکوب از جانب حکومت علیه مردم معترض، اما نه تنها باعث فروکش کردن اعتراضات نخواهد شد که مردم را عصبانی‌تر خواهد کرد. هر یک حکم علیه هر انسان مبارز و ضد حکومت و همچنین احکام زندان و محدودیت‌های اجتماعی علیه هنرمندان و افراد سرشناس در واقع هیزمی مضاعف بر خشم مردم خواهد بود تا بنیاد این رژیم را بسوزاند و به خاکستر تبدیل کند.

دوشنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۲

۱۸ مارس ۲۰۲۴

پایان نشر اکاذیب حکومت علیه توماج

منظر دریاکناری

توماج صالحی از اتهام "نشر اکاذیب" و "تشویق به اعمال خشونت آمیز" تبرئه شد. توماج صالحی در جلسه دادگاه روز شنبه ۲۶ اسفند به صورت ویدئو کنفرانس حاضر شد. وکیل توماج می گوید موکلش از اتهامات نشر اکاذیب و تشویق به اعمال خشونت آمیز تبرئه شده است.

حالا روشن تر شده است که نشردهندگان اکاذیب سران حکومت اسلامی اند و آن کسانی که در جامعه اعمال خشونت می کنند باز همین حکومت اسلامی است. اما چه شده است که بیدادگاه جمهوری اسلامی چنین حکمی صادر کرده است. مگر نه اینکه توماج

علیه ارتجاع خون ریز جمهوری اسلامی قد علم کرد
و جوانان و مردم عاصی از فقر و قوانین اسلامی را به
مبارزه دعوت کرد. مگر نه اینکه توماج شکنجه شدن
موقع دستگیری و در زندان را علناً آشکار کرد و با
شجاعت بی نظیری مجدداً بعد از آزادی چندروزه از
زندان در کنار مردم ایستاد و جامعه را برای احقاق
حقوق انسانی فراخواند. چرا بیدادگاه‌های حکومت
اسلامی با استناد به همین افشاگری‌های توماج
نتوانست با حکم سنگین، سال‌ها او را پشت میله‌های
زندان به بند بکشد؟

داستان از این قرار است. هر نفسی که جامعه می‌کشد
اقدامی به سوی نخواستن این حکومت راهی برای
بسیج نیرو و متحد شدن بیشتر برای سرنگونی
جمهوری اسلامی است. تبرئه توماج از این اتهامات

بازتاب فشار جامعه معترض و انقلابی است. بازتاب مبارزاتی که باعث سست شدن اقتدار حکومت اسلامی و تفرقه و انشقاق در میان سازندگان و پاسداران این حکومت شده است. جمهوری اسلامی می‌داند با احکام زندان نمی‌تواند از پس مردم برآید؛ بنابراین همچون آخرین روزهای حکومت شاه که مجبور شد زندانیان سیاسی را آزاد کند، این رژیم هم به‌خاطر کم‌کردن فشار اجتماعی چاره‌ای جز این ندارد که در برابر توماج‌های انقلاب سر تعظیم فرود بیاورد. این است واقعیت اجتماعی. این رژیم در محاصره است. حلقه را باید تنگ‌تر کرد.

شنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۲

۱۶ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۸۲

سر دبیر این شماره: سوسن صابری

۱۹ مارس ۲۰۲۴ - ۲۹ اسفند ۱۴۰۲

در این شماره ژورنال

سال نوي مردم و نوروزِ پیروزی

سیاوش آذری

یک قدم دیگر به پیش

اصغر کریمی

بیکاری و بحران سیاسی رژیم اسلامی

سینا پدرام

مریم اکبری منفرد، ۱۴ سال زندان بدون یک روز مرخصی

سهیلا دالوند

سال نوی مردم و نوروز پیروزی

سیاوش آذری

امروز آخرین روز سال است؛ سالی پر از مجادله و مبارزه، سال پیشروی و تعمیق انقلاب زن زندگی آزادی، سال خیز برداشتن مردم و در پیشاپیش آنان زنان برای سرنگونگی جمهوری اسلامی، یکی از مخوف‌ترین و جنایت‌کارترین رژیم‌ها در تاریخ معاصر، سال دیدن رؤیای آزادی و برابری، رؤیای جامعه‌ای عاری از هر گونه تبعیض، چه جنسیتی، چه قومی، چه ملی، سال رؤیای برپایی جامعه‌ای انسانی که در آن همه مردم، پیر و جوان، زن و مرد و دگرباش، نوجوان و کودک در شادی و رفاه به سر می‌برند، سال پویایی حقیقی‌تر از خود حقیقت!

این سال، سال مبارزه پیگیر خانواده‌های دادخواه بود؛ خانواده‌هایی که با پاسداشت یاد عزیزانشان راه آنان را زنده و مشعل انقلاب را پر توان و برافراشته نگاه داشتند. این سال، سال مبارزه بی‌وقفه کارگران نفت، کارگران پتروشیمی، کارگران فولاد، سال مبارزه بی‌امان پرستاران و معلمان، سال مبارزه و اعتراض بازنشستگان، سال مجادله فعالان مدنی و محیط‌زیست بود. این سال، سال مبارزه زندانیان سیاسی زن و مرد و تبدیل زندان‌ها و سیاه‌چال‌های رژیم به سنگر مبارزه و پیشروی انقلاب علیه حکومت جنایت‌کاران اسلامی بود. این سال همچنین سال در هم تنیده‌تر شدن مبارزه و انقلاب در داخل و خارج کشور، سال داغ کردن زمین زیر پای آمرین و عاملین جنایات رژیم در خارج از کشور و به

محاكمه كشاندن و محكوميت اين جانيان بود.
اين سال الحق سال مردم و انقلابشان بود.

در مقابل، اين سال، سال تشتت بيشتر در صفوف
رژيم، سال ريزش نيروهاي حكومت الله، سال بر
خود لرزيدن سرکردگان جمهوري اسلامي از رهبر
الدنگشان خامنه‌اي و عضو اسبق تيم اعدام و
رئيس جمهور جنايت كارشان رئيسي تا خود جناب
الله، سال انزوای بيشتر سياسي رژيم در سطح جهان،
سال رسوايي هر چه بيشتر جمهوري اسلامي و
دست‌اندرکاران آن در انظار عمومي و بين‌المللي،
سال لرزش ستون‌هاي رژيم و قرارگرفتن آن در
سراشيبی سقوط بود.

و اما اين سال، سال نويد طلوع خورشيد رهايي،

سالِ سال‌های امکان‌پذیر شدنِ شکفتن و بالیدن
تمام ظرفیت‌های انسانی تک‌تک آحاد جامعه
در فردای پیروزی انقلاب و تحقق آرزوی آزادی و
برابری و رؤیای یک‌دنیای بهتر بود.

بهار در آستانه است. فردا از آن ما مردم خواهد
بود. نوروز پیروز و ایام به کام!

سه‌شنبه ۲۹ اسفند ۱۴۰۲

۱۹ مارس ۲۰۲۴

یک قدم دیگر به پیش

اصغر کریمی

گزارش کمیته حقیقت یاب سازمان ملل بازتابی از تأثیر جهانی انقلاب زن زندگی آزادی است. انقلابی که زنده است و به راه خود ادامه می دهد. ۴۵ سال است جمهوری اسلامی جنایات عظیمی علیه مردم ایران انجام داده است، آپارتاید جنسیتی را بر جامعه تحمیل کرده، در زندان ها شکنجه و تجاوز کرده و در بیرون زندان ها اسید پاشیده، تیغ به صورت زنان زده و بی شرمانه ترین و بی رحمانه ترین جنایات را علیه مردم انجام داده است. همه اینها را سازمان ملل و نهادهای بین المللی می دانستند؛ اما احتیاج

به یک نیروی قدرتمند اجتماعی بود که بپذیرند و در گزارش‌هایشان منعکس کنند. این نیرو، انقلاب زن‌زندگی آزادی بود که همچنان گلوی جمهوری اسلامی را می‌فشارد و به نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها فشار می‌آورد.

این گزارش به نوبه خود راه تشدید فشارهای جهانی علیه جمهوری اسلامی، راه محاکمه سران حکومت و تشکیل دادگاهی بین‌المللی علیه آنها و راه بایکوت جمهوری اسلامی را هموارتر کرد. اما تحقق اینها نیز در گرو تداوم و پیشروی انقلاب است. در مورد رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی نیز این گسترش مبارزات مردم بود که دول غربی را نهایتاً به بایکوت آن کشاند.

همراه کردن افکار عمومی جهانی با مبارزات مردم ایران برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی و وادار کردن نهادهای بین‌المللی و دولت‌های مختلف که بجای مداخلات، فشار به جمهوری اسلامی را تشدید کنند، فشار به آنها برای بایکوت جمهوری اسلامی و پیگرد بین‌المللی جنایت کاران حاکم بر ایران، یک رکن مهم استراتژی سرنگونی جمهوری اسلامی است. روندی که جمهوری اسلامی را تضعیف می‌کند و به مردم اعتماد به نفس بیشتری خواهد داد.

گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل ضربه‌ای سیاسی به جمهوری اسلامی و قدمی به پیش برای

مردم ایران و انقلاب زن زندگی آزادی است. این
جزئی از روند پیشروی انقلاب در ایران است و با
تداوم آن روزی خواهد رسید که نهادهای بین‌المللی
و دول غربی بپذیرند که جمهوری اسلامی را بایکوت
کنند و سران حکومت و جنایت‌کاران اسلامی را
مورد پیگرد قرار دهند. آن روز دور نیست.

سه‌شنبه ۲۹ اسفند ۱۴۰۲

۱۹ مارس ۲۰۲۴

بیکاری و بحران سیاسی رژیم اسلامی

سینا پدرام

آمارهای رسمی نشان می‌دهد شمار شاغلان در ایران از پاییز تا زمستان ۱۴۰۲ بیش از نیم میلیون نفر کم شده و نرخ بیکاری نیز با یک واحد - درصد افزایش به ۸/۶ درصد رسیده است. طبق بررسی‌های مرکز آمار ایران، در زمستان امسال از ۶۴ میلیون و ۸۳۷ هزار ایرانی بالای ۱۵ سال، ۲۴ میلیون و ۱۹۳ هزار نفر شاغل بوده‌اند که ۵۸۲ هزار نفر کمتر از شمار شاغلان پاییز است.

قطعاً در اقتصادهای سرمایه‌داری متعارف، ما با الگوهای مختلفی برای بررسی میزان عرضه نیروی

کار سروکار داریم. عرضه نیروی کار در اقتصاد سرمایه‌داری و علم اقتصاد سرمایه‌داری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از جمله موضوعاتی مانند مالیات‌ها، تخصیص کمک‌هزینه‌های دولتی و غیره را مورد تأثیر قرار می‌دهد. ما قطعاً فرصت بررسی الگوهای مختلف عرضه نیروی کار که یک بخش مهم از علم اقتصاد را تشکیل می‌دهد را نداریم. برای اقتصاد سرمایه‌داری “حداکثرسازی مطلوبیت” نیروی کار از عمده بخش‌های حداکثرسازی ارزش اضافی محسوب می‌شود.

آنچه که در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی اتفاق می‌افتد در اصل نشان‌دهنده یک بحران اقتصادی فزاینده است که دوره رکود چند سال

اخیر و تبعاتی مانند بیکارسازی‌های سیستماتیک در عرصه‌های مختلف اقتصادی ویژگی پیدا کرده است. این که تحریم‌های دو دهه گذشته چگونه این اقتصاد بیمار سرمایه‌دارانه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است برای هیچ ناظر بی‌غرضی پوشیده نیست. باز ماندن اقتصاد ایران از جذب تکنولوژی قرن حاضر، سرمایه‌داری ایران را هرچه بیشتر به سرکوب سیاسی مردم و خصوصاً طبقه کارگر سوق داده است تا دستمزدها را در نازل‌ترین سطح آن نگاه دارد.

درعین حال بررسی اختلاف سطح اشتغال زنان و مردان بار دیگر یک تبعیض و آپارتاید جنسیتی در عرصه بازار کار را نیز برملا می‌سازد. به این فاکتورها

قطعاً سطح نازل‌تر نیروی کار زنانه در ازای کار
مشابه را باید افزود.

رژیم اسلامی قادر به حل این موضوعات اساسی
نیست. قادر به ارتقاء رفاه نیست. قادر به ایجاد عدالت
اجتماعی، عدالت کاری و هر عدالت موردنیاز یک
جامعه نیست. سرنگونی انقلابی این رژیم نقطه
آغازی برای شروع سازماندهی اجتماعی مردم بر
اساس رفاه و احتیاجات آنان خواهد بود.

سه‌شنبه ۲۹ اسفند ۱۴۰۲

۱۹ مارس ۲۰۲۴

مریم اکبری منفرد،

۱۴ سال زندان بدون یک روز مرخصی

سهیلا دالوند

در آستانه نوروز ۱۴۰۳، ۶۴ تن از زنان هم‌بند پیشین مریم اکبری منفرد با امضای بیانیه‌ای خواهان آزادی بی‌قید و شرط او شدند. این زنان زندانی سیاسی که برخی از آنان آزاد شده و برخی هنوز در زندان به سر می‌برند، در بخشی از بیانیه خود نوشتند: "ما هم‌بندیان سابق او با هر عقیده و باوری که داریم، بهار زندان را با مریم و شور او به نوروز به یاد می‌آوریم، و اما نوروزی دیگر و او همچنان در زندان. یادی می‌کنیم از درک او از آزادی و حقش به برخورداری از آن، یادی

می‌کنیم از ظلمی که بر زنان این مرزوبوم شده
است و جلوداران مبارزه و مقاومت با آن“.

رژیم زن‌ستیز اسلامی از همان آغاز حاکمیت، اولین
قدمش برای ادامه حیات نکبت‌بار خود و سرکوب
و به غارت بردن انقلابی که باهدف رسیدن به یک
زندگی بدون فقر و فلاکت و دیکتاتوری براه افتاد،
حمله به زنان بود. هزاران هزار زن به خیابان‌ها
آمدند و فریاد زدند ما انقلاب نکردیم که به عقب
برگردیم. مریم اکبری منفرد از همان نسلی است
که به عقب نرفتند؛ بلکه مصمم‌تر به مبارزه ادامه
دادند.

مریم اکبری منفرد که یکی از قدیمی‌ترین زنان

زندانی سیاسی و یادگار و بازمانده خانواده‌ای است که به‌عنوان کوچک‌ترین عضو آن از سنین کودکی شاهد زندان، شکنجه و اعدام اعضای خانواده خود بوده است، می‌گوید: ”در آن نیمه‌شب زمستانی که من را از دخترام جدا کردند و بدون خداحافظی از عزیزانم، اگر چه بایند بند وجودم دلم می‌خواست در کنار فرزندانم می‌بودم، کدام مادری نمی‌خواهد؟ اما پشیمان نیستم؛ بلکه مصمم‌تر برای ادامه مسیرم هستم. این را هر بار در هر جلسه بازجویی و بازپرسی رسمی و غیررسمی گفته و از تکرارش خرسندم.“

این زنان شجاع و مقاوم نه‌تنها به عقب نرفتند؛ بلکه هر روز بیشتر و بیشتر در پیشاپیش اعتراضات

علیه قوانین ارتجاعی حاکم مبارزه کردند و این
رژیم را در زمین حاکمیتش به شکست کشانده و
انقلاب زن، زندگی، آزادی را رقم زدند. در آستانه
سال نو در همبستگی با ۶۴ تن از هم بندان پیشین
مریم اکبری منفرد، خواهان آزادی مریم و تمامی
زندانیان سیاسی باشیم.

سه‌شنبه ۲۹ اسفند ۱۴۰۲

۱۹ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

نورخاں

شماره ۶۸۳

۲۰ مارس ۲۰۲۴ - ۱ فروردین ۱۴۰۳ سردیر این شماره: محسن ابراهیمی

ویژگی نوروز ۱۴۰۳

آرزوهای زیبابری سال نو



تبریک سال نو

از طرف سردییران و دست‌اندرکاران ژورنال



یک سال دیگر از انتشار نشریه ژورنال گذشت.
ما سردییران و دست‌اندرکاران ژورنال، فرارسیدن
سال نو را به همه شما خوانندگان و دوستداران
ژورنال صمیمانه تبریک می‌گوییم. آرزوی ما

پایان دادن قطعی به حیات نکبت‌بار حکومت
اسلامی است که برای رهایی از شرش، انقلاب
زیبای زن زندگی آزادی را برپا کرده‌ایم.

آرزو می‌کنیم که سال ۱۴۰۳ سال پیروزی بر
حکومت اسلامی باشد. حکومتی که اولین و
مهم‌ترین مانع در مقابل یک زندگی شاد و انسانی
است. آرزویی که قطعاً با مبارزه مصمم و عزم
جزم ما مردم تحقق می‌یابد. ما مردمی که با انقلاب
زن زندگی آزادی نشان دادیم برای تحقق چنین
آرزوی عزم جزم کرده‌ایم!

چهارشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۳

۲۰ مارس ۲۰۲۴

بیاد جان باختگان انقلاب زن زندگی آزادی



بهار زیبا و زندگی بخش را با دلی شکسته به یاد
عزیزان جان باختہ مان شروع می کنیم. ما چهره
دوستی داشتنی عزیزانمان را فراموش نمی کنیم.
ما می دانیم چرا این عزیزان ما به خون در غلتیدند
و می دانیم که قاتلین آنها چه کسانی هستند.
می دانیم چرا قلب جوان و سرشار از زندگی شان

را نشانه رفتند و می‌دانیم که عزیزانمان را به
قتل رساندند تا بتوانند به چپاول و غارت هر
چه بیشترِ زندگی‌مان ادامه دهند. بهار را با یاد
عزیزانمان به جشن پیروزی بر ستمگران تبدیل
می‌کنیم.

ما با قلبی آکنده از اندوه، زندگی را فریاد می‌زنیم
و برای رسیدن به خوشبختی و آزادی و رفاه،
خوب می‌دانیم که باید حکومت اسلامی بدبختی
و تیره‌روزی را از میان برداشت. بهار آمده است.
زن زندگی آزادی نیز می‌آید و همیشه ماندگار
می‌ماند. بهاران خجسته باد.

چهارشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۳

۲۰ مارس ۲۰۲۴

سال نو

و

آرزوی خلاصی از دست مذهب



انقلاب زن زندگی آزادی، مصمم است دستان
این طفیلی‌های اسلامی و آیت‌الله‌های دزد و
میلیاردر، این موجودات تبه‌کار، این موجودات
فاسد، این قاتلین بی‌رحم و قسی‌القلب، این
پدوفیل‌های کودک‌آزار، این دشمنان شادی،
این موجودات حقیرِ ضد زن، این چپاولگران
رنج و زحمت میلیون‌ها انسان زحمت‌کش را از
سر مردم ایران، منطقه و جهان کوتاه کند. سال
۱۴۰۳ را به سالِ روانه کردن این تفاله‌های ضد
زندگی به زباله‌دان تبدیل کنیم!

چهارشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۳

۲۰ مارس ۲۰۲۴

فرازهایی کوتاه از آروزهای بزرگ



مژگان افتخاری، مادر ژینا- مهسا امینی:

”... ما از دنیای زندگی چه می خواستیم؟ مگر نه این که ابدیتی به لبخند برای دخترکان؟ بازی شیرین کودکان؟ پدران و مادرانی که غم نان،

تحقیرشان نکند، نابرابری برای همیشه از جهان
رخت بر بیندد، مادری به اندوه فرزند داغدارش
هر روز نمیرد، پدری کرامت و شرافتش، در گرو
نباشد، عید، سهم برابر سفره‌های هفت‌سین،
تمامی مردمانم باشد. ... امیدوارم نوروز امسال
نوید خوشبختی، پیروزی شجاعت برای شرافت
و رهایی از هر بند بندگی باشد.

گوهر عشقی:

”تا رسیدن به دادخواهی خون پاکترین فرزندان
و آزادی ایران از پای ننشینم...“. این فضای
میلونها زن و مرد در ایران را منعکس میکند که
عزم دارند جامعه را از شر حکومت اسلامی رها
کنند!



توماج صالحی از زندان دستگرد اصفهان:

”من اینجا تنها نیستم چرا که تنهایم نگذاشتید، من اینجا در کنار شما به یاد روزهای شادتر از امروزمان و به امید آینده‌های روشن‌تر از همه این سال‌هایمان، سال نور را با لبخند غرور و افتخار جشن می‌گیرم و همچنان همراه با شما مقاومت می‌کنم. نوروزتان فرخنده، زنده باد ۵۵۲ روز مقاومت شکوهمند انقلاب زن زندگی آزادی.“

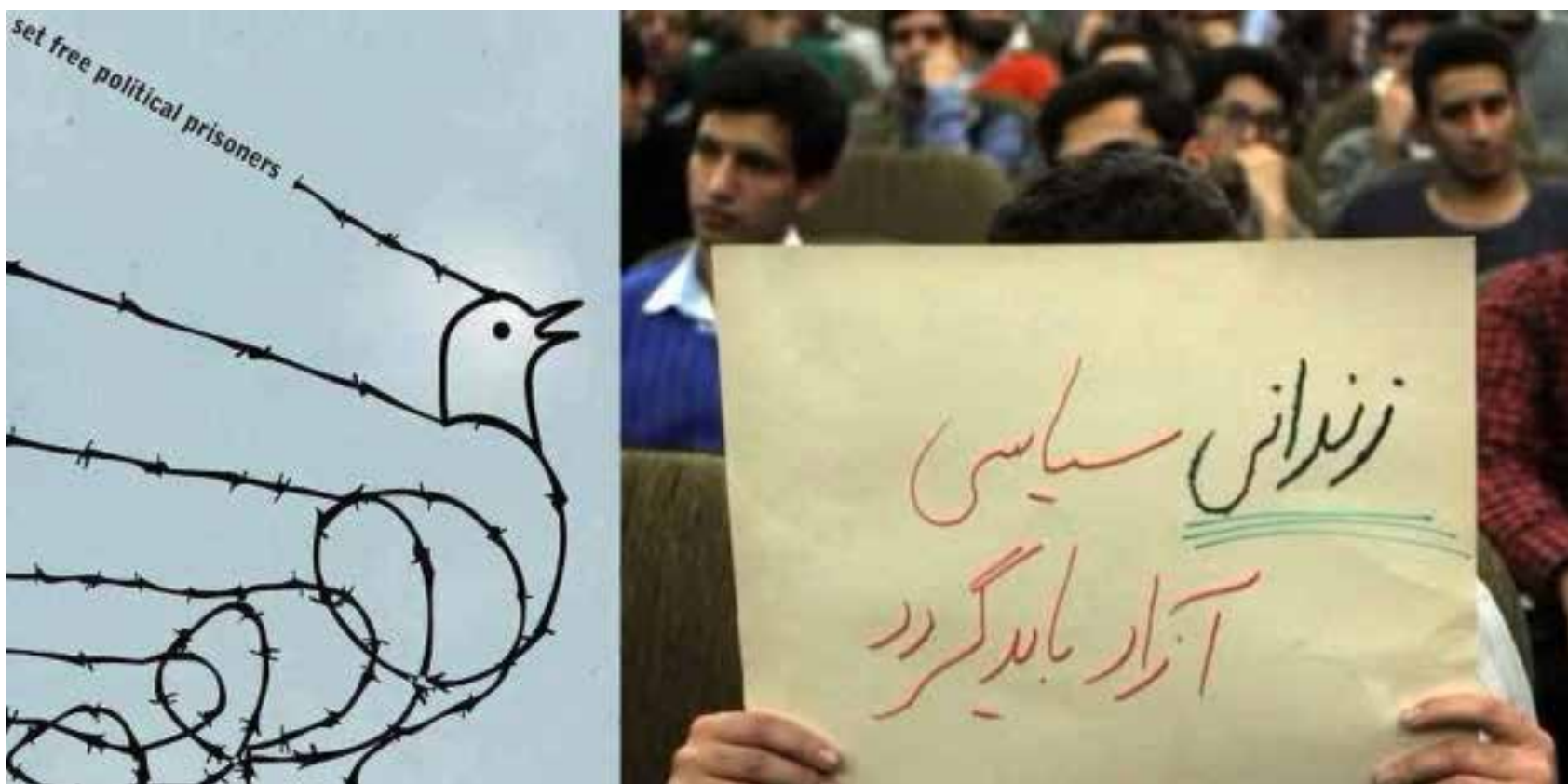
مادران دادخواه بوکان خطاب به خامنه‌ای:

آنها آتش نوروز را به امید آزادی و دادخواهی
برافروختند، سفره هفت‌سین به یاد جان‌باختگان
راه آزادی پهن کردند و بادِ دردست گرفتنِ تصویری
از مهسا ژینا امینی این پیام را به خامنه‌ای دادند
که ما همه مهسا هستیم، بجنگ تا بجنگیم. تا
سرنگونی حکومت: ایستاده‌ایم تا پایان!

چهارشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۳

۲۰ مارس ۲۰۲۴

دنیای بدون زندان!



هیچ حکومتی با هیچ توجیهی و به بهانه هیچ مقدساتی حق ندارد آزادی بی قید و شرط بیان و ابراز وجود ما مردم را سلب کند. هیچ نظامی حق ندارد هیچ انسانی را به خاطر نظرات سیاسی و فعالیت‌های سیاسی اش، به خاطر باورهایش، به خاطر اعتقاد یا عدم اعتقادش به هر مذهبی یا

هیچ مذهبی، به خاطر ضدیتش و مبارزه اش برای
رهایی زندانی کند. به امید آزادی همه زندانیان
سیاسی و عقیدتی سال نو را آغاز میکنیم.



چهارشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۳

۲۰ مارس ۲۰۲۴

سرودن آزادی در بهار زندگی



در رؤیای خود می بینیم آزادی را. آزادی آرزویی
است که نسل اندر نسل در جستجویش بوده ایم.

می‌دانیم چیست، می‌شناسیمش و برای به دست آوردنش رنج‌های بسیاری را به جان خریدهایم و جگر گوشه‌های بسیاری را ازدست‌داده‌ایم. آخر زندگی بی آزادی چه معنایی دارد؟ پرنده اسیر در قفس ترانه رنج خود را می‌خواند اما ما پرواز پرنده را می‌خواهیم.

زندگی یعنی رهایی از زنجیرهای بردگی و بندگی. زندگی یعنی دوست‌داشتن و دوست داشته شدن؛ یعنی خوشبختی نوع بشر، یعنی یک نفر برای همه‌وهمه برای یک نفر. آزادی در مسلخ دیکتاتورها و دیکتاتوری اسلامی به خون نشسته است تا اقلیتی کوچک از فقر و فلاکت عمومی "پادشاهی" و "خدایی" کنند. تصور کردن زیستن

در آزادی سخت نیست، به دست آوردنش اما
تلاش جمعی و همگانی طلب می‌کند. سال نو را
به سال آزادی بدل کنیم.

چهارشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۳
۲۰ مارس ۲۰۲۴



بهار آزادی زن، بهار زندگی



انقلاب زن زندگی آزادی معنایی زیبا به
زندگی داده است. آن چنان زیبا که انگار
بهار با قدم‌های استوارش جهان را سبز و
خرم و شاد می‌کند.

زمستان زندگی زنان در ایران، تحت
حاکمیت مذهب و حکومت اسلامی بسیار
طولانی، سخت و جان‌فرسا است. انگار تا

بوده چنین بوده است. تو گویی هرگز
قرار نبوده زن از تبعیض جنسیتی و از
ستم رها شود. زن از نگاه مشتی از گور
برخاسته فاسد، به دنیا می آید تا بردهای
فرمان بردار باشد. کنیزکانی که هویتشان،
خدمت به مردان و کاسبان دین است.

انقلاب نوین در ایران با نام زن و با
احترام به زن و در خدمت رهایی زنان
شکل گرفته و سراسری شده است.
انقلابی که با پیروزی اش زنان را از قید
مذهب و مردسالاری و تبعیض جنسیتی
خلاص خواهد کرد. انقلابی که رنسانسی
در رهایی زنان در ابعاد جهانی خواهد شد.

انقلاب زن زندگی آزادی، زمستان رنج
زنان را به بهاری سبز و شادی بخش بدل
خواهد کرد.

چهارشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۳
۲۰ مارس ۲۰۲۴



برابری و رهایی انسان



ما می‌جنگیم که آزاد باشیم. ما در نبرد بی‌امان و بی‌وقفه به سر می‌بریم تا حاصل رنج ما گنج مفتخواران اسلامی حاکم نباشد. ما می‌خواهیم آنچه که باور داریم را بر زبان بیاوریم. می‌خواهیم از هیچ مقام یا حکومتی هراس نداشته باشیم.

ما آزادی و رفاه و برابری و عدالت می‌خواهیم.

ما شادی و خوشبختی را جستجو می‌کنیم. ما برای رهاشدن از تبعیضات، رنج زندان را به جان می‌خریم. تاریخ زندگی ما مردم به اسارت در آمدن و اعدام‌شدن و رنج‌کشیدن است. ما همه زندگی را طلب می‌کنیم؛ اما سهممان حتی یک‌خانه محقر هم نمی‌شود. از درمان و بهداشت محرومیم. ما زندگی می‌کنیم که برای دیگران کار کنیم نه اینکه کار می‌کنیم تا واقعاً زندگی کنیم.

برای اینکه زندگی و رفاه و خوشی و خوشبختی سهم همگان باشد، باید دست به ریشه برد. ریشه نظامی است که اساس و بنیادش بر نابرابری انسان‌ها بنا شده است. بدون بر انداختن بردگی

مزدی و برابری اقتصادی، آزادی و عدالت و رفاه
عمومی ممکن نمی‌شود. در سال نو آرزوی خود
را به اراده جمعی تبدیل می‌کنیم تا از نابرابری
رها شویم.

چهارشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۳

۲۰ مارس ۲۰۲۴



سال نو مبارک

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۸۴

سردبیر این شماره: سیاوش آذری

۲۱ مارس ۲۰۲۴ - ۲ فروردین ۱۴۰۳

در این شماره ژورنال

سال جدید، جدال‌های جدید

سینا پدرام

نوروز و سرایندگان امید به آینده روشن

یاشار سهندی

سال ۱۴۰۳ سال چالش بزرگ بر سر مزد و معیشت

شهلا دانشفر

رادان و مقابله با رشد سرقت

سیاوش آذری

سال جدید، جدال‌های جدید

سینا پدram

خامنه‌ای در پیام خود به مناسبت سال نو مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم را جزو خبرهای تلخ دانست. از سوی دیگر ابراهیم رئیسی در پیام نوروزی خود برخلاف اظهارات خامنه‌ای گفت: ”برآیند اتفاقات سال، رشد و شکوفایی بیشتر ایران عزیز در همه بخش‌ها بود“.

سران رژیم استاد ضدونقیض‌گویی هستند. سردرگمی و نبود هیچ برنامه اقتصادی بلندمدت و حتی کوتاه‌مدت ویژگی رژیمی است که مردم در هر بزنگاهی قصد دارند که سرنگونش کنند. رژیم اسلامی اقتصاد بحران‌زده‌ای دارد و با سیاست‌های

بحران‌زای خود هیچ راه‌حلی برای فرونشاندن این بحران‌ها پیدا نکرده و نخواهد کرد.

فساد اقتصادی، دزد سالاری، فساد قضایی و اداری، اقتصاد رانتی، فروش منابع نفتی که عمده درآمد رژیم را تأمین می‌کند به نازل‌ترین بهای ممکن به واسطه وجود تحریم‌های اقتصادی، فروش و تخریب تمامی منابع طبیعی برای تأمین مخارج رژیم و ارگان‌های بالا و پایین و غیره لیست ناچیزی از کارنامه رژیم اسلامی در چند دهه گذشته است.

اما مردم کوچه و بازار، مردمی که برایشان نه آمارهای رژیم و نه پیش‌بینی‌های صندوق جهانی پول ارزش چندانی دارد بنا به تجربه می‌دانند که سال ۱۴۰۳ نیز وضعیت اقتصادی وخیم‌تر از سال

گذشته خواهد بود. در سال ۱۴۰۳، تحت حاکمیت رژیم اسلامی، مردم فقیرتر خواهند شد چرا که سران رژیم تمامی ثروتی را که مردم تولید خواهند کرد به یغما خواهند برد. این ثروت نه برای تأمین رفاه مردم، رشد کودکان، تأمین زندگی کارگران و بازنشستگان و نه برای هیچ یک از خواسته‌های اجتماعی اقتصادی مردم صرف خواهد شد. بلکه برعکس تمامی این ثروت سر از حساب‌های بانکی سران رژیم در داخل و خارج کشور در خواهد آورد. امسال نیز سیاست‌های بحران‌زای رژیم در منطقه، به فلاکت اقتصادی روزافزون مردم خواهد افزود.

از سوی دیگر بر بستر نارضایتی‌های مردم، می‌توان انتظار داشت که مبارزات مردم بیشتر از گذشته تعمیق خواهد شد. جامعه ایران همواره آبستن

تلاطمات سیاسی است. امسال می‌توان گفت که شاید نقطه عطف‌هایی در این تلاطمات خواهیم دید. سیاست محل پیشگویی نیست، اما انقلاب در ایران نیازی به پیشگویی ندارد. امسال صورت مسئله همچنان سرنگونی انقلابی رژیم باقی خواهد ماند. شیوه و چگونگی این سرنگونی بی‌شک شکل تازه‌ای به خود خواهد گرفت. انقلاب زنانه، انقلاب زن زندگی آزادی افق‌های جدیدی را رصد خواهد کرد. انقلاب متحزب خواهد شد و رهبران واقعی خود را بیشتر خواهد شناخت.

پنجشنبه ۲ فروردین ۱۴۰۳

۲۱ مارس ۲۰۲۴

نوروز و سرایندگان امید به آینده روشن

یاشار سهندی

توماج صالحی از زندان در پیامی به مناسبت سال نو این چنین نوشته است: ”گرمای دستانی که به یادم نهال کاشتند و دستانی که یاد من را بر دیوارهای شهر زنده نگه داشتند را بر سینه‌ام حس می‌کنم، صدای کسانی که شب یلدا و زادروزم را تبریک گفتند و یا برای آزادی‌ام فریاد کشیدند هنوز هر روز روحم را جلا می‌دهد. من اینجا تنها نیستم چرا که تنهایم نگذاشتید، من اینجا در کنار شما به یاد روزهای شادتر از امروزمان و به امید آینده‌های روشن‌تر از همه این سال‌هایمان، سال نو را با لبخند غرور و افتخار جشن می‌گیرم و همچنان

همراه با شما مقاومت می‌کنم. نوروزتان فرخنده،
زنده‌باد ۵۵۲ روز مقاومت شکوهمند انقلاب زن
زندگی آزادی.

این چنین است زندانی که اسیر جلادان است با
پیامش فرخندگی نوروز را صدچندان می‌کند،
وقتی شمارش روزهای مقاومت انقلاب شکوهمند
زن زندگی آزادی را به ما یادآور می‌شود.

”صدا با سکوت آشتی نمی‌کند“ این قولی است که
شاعر می‌دهد، توماج خود صدا است، نمی‌تواند
سکوت کند. ”کلمات انتظار می‌کشند“ این را شاعر
به ما یادآور شد و توماج با رپ و مقاومت خود به
این انتظار پایان داد. شاعر می‌سراید: ”طرف ما شب
نیست/ چخماق‌ها کنار فتیله بی‌طاقت‌اند/ خشم

کوچه در مِشت تُست؛ توماج چخماقی است که
فتیله‌ها روشن کرد. در رپ و مقاومت خود خشم
کوچه بود، خشم کسانی که چیزی ندارند و صله
شکمشان کنند و نوروز هر سال یادآور این است
”هیچ کس با هیچ کس تنها نیست“.

پیام توماج را باید به همراه پیام مادران دادخواه
خواند، پیام نوروز را از صدای زنانی باید شنید که
بر روی پلی بر جاده، شعار زن زندگی آزادی را
در زیر باران فریاد می‌کنند. پیام نوروز از زندانی
سیاسی باید شنید که برای خود فریاد نمی‌زند،
بلکه صدای زندانیان دیگر می‌شود. این‌چنین
است که نوروز زیبایی خود را به نمایش می‌گذارد.

ایران وقتی آزاد است که مردمان غم نان نداشته

باشند و بتوانند هر چه دلشان خواست بگویند.
توماج مقاوم‌ترین سرودها را می‌خواند که امید به
آینده روشن دارد و در چنین روزهایی، در نوروز باید
به ایشان اطمینان داد: ”من از یادت نمی‌کاهم“؛
هر چند دستان تنگ است که درهای زندان را
بشکنیم، اما انقلاب زن زندگی آزادی هنوز خاکریز
اول را فتح کرده است. شکستن در زندان‌ها
می‌تواند فتح دومین خاکریز باشد؛ تا سرایندگان
امید، زیباترین سرودهایشان را بخوانند.

پنجشنبه ۲ فروردین ۱۴۰۳

۲۱ مارس ۲۰۲۴

سال ۱۴۰۳ سال چالش بزرگ

بر سر مزد و معیشت

شهلا دانشفر

به دنبال اعلام مصوبه بی‌شرمانه شورای عالی کار و تعیین حداقل دستمزد یازده میلیونی موجی از اعتراض به راه افتاده و تشکلهای مختلف کارگری طی بیانیه‌هایی صدای اعتراضشان را به این تصمیم جنایت‌کارانه بلند کرده‌اند. فراخوان همه آنها بر اتحاد سراسری علیه تعرض معیشتی حکومت است.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با عنوان ”به دستمزدهای تحقیرآمیز دست‌پخت شورای عالی کار تن نخواهیم داد“ می‌نویسد: ”با اتحاد مبارزاتی خود پاسخ محکمی به شورای عالی

کار کذایی و وزیر کار شکم سیر دولت بدهیم.“
سپس مطالبات فوری خود را برشمرده و ادامه
می‌دهد: دستمزد باید متناسب با نرخ سبد هزینه
معیشت افزایش یابد و مزد هیچ حداقل بگیری از ۴۵
میلیون نباید کمتر باشد، با توجه به نرخ ۴۵ درصدی
تورم اعلام شده حکومتیان مزد همه کارگران در
تمام رده‌های شغلی باید ۴۵ درصد افزایش یابد و
متناسب با تغییر دائمی نرخ تورم و نرخ سبد معیشتی
در طول سال افزایش پیدا کند. این شورا همچنین با
تأکید بر حذف پیمانکاران دستمزد مساوی در برابر
کار مساوی را قدمی در این راستا دانسته است و
آخرین تأکیدش بر درمان و تحصیل رایگان برای
همه و ایجاد تسهیلات لازم برای تأمین مسکن است.

شورای بازنشستگان ایران مصوبه شورای عالی کار
را ادامه سیاست سرکوب جامعه در اشکال سیاسی،

اقتصادی، امنیتی - قضایی، اجتماعی و فرهنگی دانسته و می‌نویسد: ”کارگران شاغل و بازنشسته راهی ندارند به‌جز اینکه با همبستگی و تشدید اعتراضات خود در محل کار و خیابان همانطور که تاکنون نشان داده‌اند مزد واقعی خود را بستانند. این قانون واقعی یک کشمکش اجتماعی است در مقابل حکومتی که به‌جز اراده خود قانونی را تحمل نمی‌کند.“ سپس اخطار داده و می‌نویسد که اگر این مصوبه باطل نشود شاهد موجی از اعتراضات علیه این دهن‌کجی به زندگی کارگران شاغل و بازنشسته به‌منظور ابطال آن در روزهای پیش رو خواهیم بود.

سندیکای کارگران شرکت واحد مصوبه شورای عالی کار را غیرقابل قبول و تهاجمی بی‌شرمانه به زندگی و جسم و جان و روان کارگران و خانواده‌های کارگری

دانسته و می‌نویسد: ”تنها راه مقابله با این تهاجم به سطح معیشت و زندگی ما کارگران کشور اتحاد و اعتراض و تشکلات مستقل است.“

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه؛ گروه اتحاد بازنشستگان؛ کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و کارگران بازنشسته خوزستان نیز در بیانیه مشترکی مبارزه متشکل هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده علیه نظام استثمار را یگانه راه دانسته و تأکیدشان بر حداقل دستمزد ۴۵ میلیونی است.

پنجشنبه ۲ فروردین ۱۴۰۳

۲۱ مارس ۲۰۲۴

رادان و مقابله با رشد سرقت

سیاوش آذری

احمد رضا رادان، فرمانده کل نیروی انتظامی رژیم گفت که ”سرقت از جمله سرقت مسلحانه و خشن در کشور پیشه و شغل عده‌ای شده که از این راه کسب درآمد می‌کنند.“ وی از به کار گرفته شدن هزاران گشت پلیس در شرق و غرب تهران برای ”ایجاد امنیت پایتخت“ خبر داد؛ اما افزایش موارد بزه از جمله سرقت را به ”کمبود بودجه“ برای به کار گرفتن دوربین‌های مدار بسته نسبت داد.

رادان این اراجیف ”کارشناسانه“ را در حالی ایراد می‌کند که ما در ایران با نوع جدیدی از سرقت

به نام "کالا قاپی" و یا "غذا قاپی" مواجه هستیم که در آن سارقان بسته‌های غذا و یا اقلام خوراکی در دست مردم را می‌قاپند. به‌علاوه، بنا بر داده‌های سازمان زندان‌های کشور ۶۸ درصد از زندانیان را سارقان و بزه‌کاران مواد مخدر تشکیل می‌دهند. همچنین بررسی گزارش‌های آماری حاکی از افزایش چهار برابری سرقت در پنج سال گذشته در ایران است.

اینکه میان افزایش جرم و بزه و گسترش فقر و تعمیق شکاف طبقاتی رابط‌های مستقیم وجود دارد اکنون جزئی از دانش عمومی است. افزایش جرائم به‌موازات افزایش نرخ تورم، رشد نرخ کالاهای مصرفی و اساسی که اتفاقاً بسیاری از آنان به‌خاطر تشدید فقر از سبد معیشتی مردم حذف شده و

کسادى کسب و کار و گسترش بحران اقتصادى
صورت مى پذیرد.

رادان در حالى از "کمبود بودجه" مى نالد که
جمهورى اسلامى براى حفظ بقاى خود در مقابل
مردم مقادير کلانى پول خرج اوباش پاسدار و
بسیجى و نیروهاى سرکوب خود و مراکز توليد
جهل و خرافه و پرورش آخوند مى نماید و براى
باقى ماندن در محاسبات منطقه اى و رقابت با ديگر
قدرتها ميلياردها دلار صرف بسیج و تسليح
نیروهاى تروريست اسلامى در منطقه خاورميانه و
در سطح جهان مى کند.

مشکل رادان و ترس قابل رويت از پس آن نه
تأمين امنيت مردم در مقابل سارقان و بزه کاران

عادی بلکه تداوم امنیت سارقان متشکل و مافیای حرفه‌ای رژیم اسلامی و اقتصاد دزدسالار مبتنی بر اختلاس‌های نجومی و رشوه‌خواری و بساط چپاول ثروت جامعه است. اتفاقاً مسئله مردم هم نه سارقان و بزه کاران عادی که خود از جمله قربانیان فقر و فلاکت تحمیل شده بر جامعه توسط رژیم اسلامی هستند، بلکه همین مافیای اسلامی است که عامل اصلی بحران‌های متعدد اقتصادی و سیاسی و آسیب‌های اجتماعی متعاقب آن است. اساسی‌ترین قدم در راه مقابله با جرم و بزه به زیر کشیدن سازمان جنایی رژیم اسلامی است.

پنجشنبه ۲ فروردین ۱۴۰۳

۲۱ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۸۵

۲۳ مارس ۲۰۲۴ - ۴ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

ژینا/مهسا رمز انقلاب زن زندگی آزادی

نسان نودینیان

”فساد شویی“ امام جمعه زمین خوار!

محسن ابراهیمی

به یاد فرامرز اصلانی

حسن صالحی

علت‌العلل تصادفات مرگبار در ایران

کیوان جاوید

ژینا/مهسا رمز انقلاب زن زندگی آزادی

نسان نودینیان

”خبرگزاری کردپا گزارش داده در شهر سقز نهادهای امنیتی با تهدید و احضار برگزارکنندگان مراسم نوروزی روستای ”آیچی“، روز پنجشنبه دوم فروردین ۱۴۰۳، مانع از برگزاری مراسم ۳۰ هزار نفری شدند.“

”بااین وجود بسیاری از مردم شهر به سمت روستا رفتند، اما به دلیل لغو مراسم از سوی نیروهای امنیتی ناچار به بازگشت شدند و مردم با سردادن شعار ”زن، زندگی، آزادی“ روستا را ترک کردند. در نهایت مردم شهر سقز مراسم

نوروز را در روستای خیدر برگزار کردند و بر اساس ویدئوهای منتشر شده به رقص و پایکوبی پرداختند.

ژینا امینی در بامداد ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ در آرامستان آیچی سقز به خاک سپرده شد. لحظات اول شروع مراسم مژگان افتخاری و امجد امینی با استفاده از مازیک نوشتند؛ "ژینا جان تو نمی میری، نامت یک رمز می شود." (ژینا گیان تو نامری ناوت نه بیه رمز) و نام ژینا امینی به اسم رمز مدرن ترین انقلاب در یک قرن گذشته تبدیل شد. هراس و خشم حکومت قاتل مردم از این لحظات شروع شد.

مراسم‌های جشن نوروزی در آغاز سال نو ۱۴۰۳ متفاوت است (هنوز ادامه دارد). نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی با نظامی کردن مناطق منتهی به آیچی و تعدادی از محلات در شهر سقر، مانع تجمع ۳۰ هزار نفر که برای تجمع در آرامستان آیچی در حرکت بودند، شدند. حکومت اسلامی با تمام قوا و به میدان آوردن نیروی درنده سرکوبگر نظامی، توانست یکی از بزرگ‌ترین تجمعات نوروز را در شهر متوقف کند. اما، غافل از این که دستاوردهای خیزش انقلابی زن زندگی آزادی در سال ۱۴۰۱ خاموش شدنی نیست! مردم از مسیر آرامستان آیچی بطرف روستای ”خیدر یا خیر“ روانه شدند و با شرکت چندین هزار نفر در این روستا مراسم جشن نوروز را برپا کردند

و با صدایی رسا شعار زن زندگی آزادی را سر دادند.

در مراسم‌های نوروز امسال در ابعاد گسترده، بی‌حجابی همگانی با لباس‌های رنگی، شادی و عشق به دوستی و کنار همدیگر قرار گرفتن، موج می‌زد. سیاهی خفکان و حجاب با بی‌حجابی و شادی جای خود را عوض کرد. حرکت ۳۰ هزار نفره به سمت مزار ژینا/مهسا در نوروز امسال، ادامه انقلاب زن زندگی آزادی و نوید روشن نابودی حکومت اسلامی است.

شکل امروزی مراسم نوروز تغییراتی زیادی نسبت به گذشته دارد و به بخشی از جنبش سرنگونی

و مقابله با اسلام و مذهب تبدیل شده است.
جشن‌های نوروز از ۱۵ روز مانده به سال نو ۱۴۰۳
شروع شد. جشن‌های نوروزی امسال تبدیل به
نمایش‌های چند هزار نفری و کارناوال‌های شادی
مشترک شد.

شنبه ۴ فروردین ۱۴۰۳

۲۳ مارس ۲۰۲۴

”فساد شویی“ امام جمعه زمین خوار!

محسن ابراهیمی

در دو روز گذشته، دو بیانیه از طرف ”حوزه علمیه امام خمینی تهران“ صادر شد که نشان می‌دهند در بیت ”کش ندهید“ خامنه‌ای، بندوبست برای ”فساد شویی“ زمین‌خواری آیت‌الله کاظم صدیقی، رئیس این حوزه به جایی رسیده است.

داستان زمین‌خواری ”آیت‌الله“ کاظم صدیقی را دیگر همه می‌دانیم که چگونه با امضای خودش، شرکتی به نام ”پیروان اندیشه‌های قائم“ تأسیس می‌کند، خودش و فرزندانش را سهام‌دار و عروسش را بازرس کرده و یک زمین ۴۲۰۰ متری در

گران ترین نقطه تهران به ارزش ناقابل "حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان" را به مالکیت خود و خانواده اش در می آورد. یعنی یک تنه هم در نقش فروشنده، هم خریدار، هم بنگاه معاملات ملکی، این زمین خواری بزرگ را با موفقیت سروسامان می دهد و بعد هم با وقاحتی بی نظیر که فقط از عهده هفت خط های عمامه داری مثل خودش بر می آید، در تلویزیون ظاهر شده و می گوید روحش هم خبردار نبوده و دشمنانش امضا جعل کرده اند تا به اعتماد جوانان کشور به خدمتکاران معصوم نظام ضربه بزنند!

در دو بیانیه اخیر این جملات بی سروته را می بینید: آیت الله شخصاً سند انتقال مالکیت این زمین را امضا کرده است؛ اما گویا توسط یک "فرد امین حوزه با جعل امضای تولیت محترم، اساسنامه ای با عنوان

غیرتجاری اما با شرح وظایف تجاری و با سهام
افراد حقیقی، برای این مؤسسه (”پیروان اندیشه
قائم“) تنظیم و ثبت می‌گردد“ و آنگاه ”تولیت
محترم با اعتماد به فرد مذکور“ سند انتقال زمین
به این شرکت را امضا می‌کند. وقتی این بیانیه
حقه‌بازانه را به زبان آدمیزاد ترجمه کنیم متوجه
می‌شویم که ”تولیت محترم“ امضا کرده، بعداً معلوم
شده دروغ گفته، بعداً برای رفع و رجوع دروغش
بیانیه داده‌اند که بله هم امضا کرده و هم امضا
نکرده! مخاطبشان البته مردمی نیست که می‌دانند
یک روده راست توی شکم این موجودات نیست،
بلکه مؤمنین بخت‌برگشته‌ای هستند که هنوز
شاید به ابعاد دغل‌کاری آیت‌الله‌ها پی نبرده‌اند.

همین آیت‌الله دزد که در مسئولیت‌های مهم مثل

ریاست ستاد امر به معروف و نهی از منکر، ریاست دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات خدمتگزار نظام اسلامی بوده است، در آخرین نماز جمعه تهران همچنان به عنوان امام جمعه ظاهر شد و در سخنرانی "ولی فقیه" به مناسبت آغاز سال جدید حضور پیدا کرد. اتفاقی که نشان می‌دهد در جمهوری اسلامی، دزدان هر چقدر درجه اسلامی‌شان بالاتر، مقام و منصبشان مهم‌تر باشد، دزدی‌هایشان کلاتر و مصونیتشان بیشتر است. بی‌دلیل نیست که مردم برای پرتاب کردن این موجودات به قعر لجنزار راهی جز انقلاب نمی‌شناسند!

شنبه ۴ فروردین ۱۴۰۳

۲۳ مارس ۲۰۲۴

به یاد فرامرز اصلانی

حسن صالحی

درگذشت فرامرز اصلانی خواننده و هنرمند محبوب و مردمی، بسیاری از ما را اندوهگین کرد و در شوک فروبرد. همه ما از ترانه‌های زیبایی که او برایمان خوانده خاطره‌ها داریم و بی شک به یاد او، ترانه‌های ماندگارش را زمزمه خواهیم کرد.

فرامرز اصلانی فقط یک هنرمند برجسته نبود. شخصیت هنری ایشان را بهتر است که صاحب نظران در عرصه هنر تجزیه و تحلیل کنند. وی در عین حال هنرمندی بود که همیشه در کنار

مردم ایستاد. نه فقط در آوازه‌هایش و در شعرهایش انسانی‌ترین احساسات را نمایندگی می‌کرد؛ بلکه در رزم نیز برای تحقق این آرزوهای انسانی همراه مردم بود.

او همواره با جنبش‌های اعتراضی مردمی علیه جمهوری اسلامی همراهی می‌کرد و خود را متعهد می‌دانست که با نثار نفرین بر دشمنان مردم، از انسان‌های به ستوه آمده از ظلم و جور جمهوری اسلامی حمایت کند. او خود “ندای” مردمی بود که سعادت و خوشبختی و مهربانی را طلب می‌کنند. او محکم به جمهوری اسلامی نه گفت و با انقلاب زن زندگی آزادی همراهی کرد و در اعتراضات خارج کشور هم مشارکت داشت.

بی‌جهت نیست از تهران تا جزیره کیش و شهرهای مختلف جهان و در دنیای مجازی نام این هنرمند مردمی را صدا می‌زنند، آوازه‌هایش را می‌خوانند و یادش را گرامی می‌دارند. فرامرز اصلانی به دلیل هنرش و خویشاوندی با مردمانش در قلب ما برای همیشه زنده خواهد بود. قدردانی مردم از این هنرمند، چه در زمان حیاتش و چه بعد از مرگ غم‌انگیز وی، نشانه مسلمی است که او با پیام تسلیم‌ناپذیری در مقابل شکست، با اتحاد دست‌هایمان برای برقراری عشق و مهربانی و شادی و برای تحقق زن‌زندگی آزادی قلب‌های بسیاری را تسخیر کرده بود.

افسوس که مرگ لعنتی به فرامرز اصلانی مجال
نداد که پیروزی بر جمهوری اسلامی را ببیند و
دوباره به کوچه‌های دماوند که دلتنگ دیدارش
بود، برگردد. اما ما قول می‌دهیم که آوازهای
قشنگ وی را در تمامی کوچه‌پس‌کوچه‌های ایران
پژواک دهیم.

شنبه ۴ فروردین ۱۴۰۳

۲۳ مارس ۲۰۲۴

علت‌العلل تصادفات مرگبار در ایران

کیوان جاوید

به گفته رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی جمهوری اسلامی، طی یک هفته گذشته ۳۲۱ نفر در تصادفات جاده‌های ایران جان باختند. در این حوادث ۹ هزار و ۲۰۰ نفر هم مجروح شدند. سرعت غیرمجاز و رانندگی باحالت خواب‌آلودگی بیشترین علت تصادفات روزهای گذشته اعلام شده است.

خصوصاً در ایام نوروز که قرار است بهترین و شادترین لحظات زندگی مردم باشد، تعداد کثیری از خانواده‌ها باید با غم از دست دادن عزیزان خود

بسوزند و بسازند. این‌همه تصادف و تصادفات
منجر به مرگ در ایران طبعاً دلایل چندوجهی
دارد و فقط مربوط به سرعت زیاد، بی‌خواب و یا
”مست بودن“ رانندگان مربوط نمی‌شود که البته
همه اینها معلول علت‌العلل بزرگ‌تری است.

جمهوری اسلامی نمی‌خواهد اعتراف کند که
ریشه‌ای‌ترین و اصلی‌ترین علل این‌همه کشتار
در جاده‌ها، وضعیت غیراستاندارد اکثر وسایط
نقلیه موتوری و خرابی جاده‌ها نیز هست. ماشین
دست‌اول ساخت کارخانه‌های ایران در هیچ
کشوری به رسمیت شناخته نمی‌شود و در واقع
وسیله‌ای در خدمت مرگ است. ماشین‌های کهنه
و از رده خارج که عموماً برای امرار معاش از آنها

استفاده می‌شود همچنان زیر پای مردم قرار دارد.
رانندگی با این ماشین‌های از رده خارج تقریباً در
اکثر کشورها ممنوع است.

در کنار همه این دلایل باید به یک عامل “فرهنگی”
نیز اشاره کرد. رعایت نکردن مقررات راهنمایی
رانندگی یکی دیگر از علل مهم در مرگ جاده‌ای
است. سرعت غیرمجاز در جاده‌های غیراستاندارد
و مصرف مشروبات الکلی نشان می‌دهد جان
انسان‌ها تحت حاکمیت یک حکومت ضد انسان
مدام بی‌ارزش‌تر می‌شود. وقتی حکومتی طی
سال هزاران نفر را به مرگ محکوم می‌کند و به
دار می‌کشد؛ وقتی فقر و گرانی و عدم بهداشت
و درمان مناسب در کشور بیداد می‌کند؛ وقتی

افسردگی و خشونت به بخش بزرگی از زندگی روزانه مردم تبدیل می‌شود و همه این وضعیت فلاکت‌بار زیر سر حکومتی است که برای جان انسان‌ها پشیزی ارزش قائل نیست، بله در این شرایط تصادفات رانندگی و مرگ ناشی از این تصادفات به امری عادی در جامعه تبدیل می‌شود.

جامعه باید در این زمینه هم با ”فرهنگ انقلاب زن زندگی آزادی“ و احترام به جان انسان‌ها برخورد کند. شرایطی که جمهوری اسلامی بر زندگی ما تحمیل کرده است را می‌شود قاطعانه تغییر داد. نهایتاً با سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جامعه‌ای مدرن، آزاد، شاد و برابر سریعاً تغییرات بنیادی در ”فرهنگ رانندگی“ نیز

به وجود می آید و استاندارها با مسئولیت مستقیم
دولت به حد کمال می رسد. تا فرار رسیدن آن
روز نیز نگهبان زندگی باشیم نه مسافر مرگ.

شنبه ۴ فروردین ۱۴۰۳

۲۳ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۸۶

۲۴ مارس ۲۰۲۴ - ۵ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

اخراج هر کارگر تعرض به جنبش کارگری است

شهلا دانشفر

حکومت برود همه مان می رویم!

کاظم نیکخواه

تخریب جنگل‌ها

سینا پدرام

رمضان: کابوس رژیم و بحران خدا

سیاوش آذری

اخراج هر کارگر تعرض به جنبش کارگری است

شهلا دانشفر

این گفته کارگران گروه ملی فولاد اهواز است. طبق گزارش‌ها در پی اعتراضات قدرتمند اخیر این کارگران، طی روزهای پایانی اسفند ۱۴۰۲ مدیریت این شرکت شماری از کارگران را به بهانه پایان قرارداد، از کار اخراج کرد و شمار دیگری از آنان با انتقال به ورزشگاه غدیر در نوبت اخراج قرار دارند. طبق گزارش صدای مستقل کارگران گروه ملی این تصمیم با پرونده‌سازی عوامل امنیتی و حراست و با همدستی علی‌محمدی مدیریت فاسد شرکت صورت گرفته است.

در واکنش به این سرکوبگری‌ها کارگران با بیان اینکه این علی‌محمدی و مدیران فاسد که برای تاراج معیشت آنان به کمین نشسته‌اند، باید از شرکت بیرون روند، قاطعانه اعلام کرده‌اند که اجازه نخواهند داد اخراج کارگر بدون هیچ هزینه‌ای به رویه‌ای عادی تبدیل شود. آخر سر هم اولتیماتوم داده‌اند که با پایان تعطیلات همه خانواده بزرگ کارگران گروه ملی متحدانه به پاک‌سازی این شرکت و جاروکردن بساط شرارت‌ها خواهند پرداخت. بدین ترتیب گروه ملی فولاد این کانون داغ اعتراض کارگری به شدت ملتهب است.

در اسفند ۱۴۰۲ بود که کارگران گروه ملی با اعتراضات قدرتمندشان خیابان‌های اهواز را به لرزه درآورده و موفق به بازگرداندن همکاران تعلیقی خود به کار و گرفتن قول بازبینی مجدد طرح طبقه‌بندی

مشاغل و اجرای آن شدند. بعد هم با اعلام موقت خاتمه اعتصاب تصریح کردند که بازگشتشان به کار به معنای پذیرش شرایط موجود نیست، بلکه فرصت مغتنمی است برای تجدید قوا و آماده شدن برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته شان. از جمله اینکه آنها اخراج هیچ کارگری را برنمی تابند و هنوز تعدادی از همکارانشان در شرکت شفق در خطر اخراج اند.

بدین ترتیب مدیریت گروه ملی که در این اعتراضات شکست سختی متحمل شده و ناگزیر به عقب نشینی هایی شده بود، فرصت تعطیلات نوروز را غنیمت شمرده و با اندیشه اینکه با ایجاد فضای امنیتی شاید بتواند از دور بعدی اعتراضات در این مجتمع سه هزارنفره جلوگیری کند، دست به اخراج ها زده است.

در پاسخ به این اخراج‌ها کارگران گروه ملی با اعلام اینکه مثل همیشه متحد و همدل پای کارگر اخراجی ایستاده‌اند، قاطعانه اولتیماتوم داده‌اند که این بار نیز با تمام توان به میدان خواهند آمد و در دفاع از همکارانشان مقابل این تعرضات خواهند ایستاد. گروه ملی فولاد اهواز الگوی درخشانی از مبارزه متحد و سازمان‌یافته در مقابله با سرکوبگری‌ها است. از مبارزات آنان باید وسیعاً حمایت کرد و از درس‌هایش آموخت.

یکشنبه ۵ فروردین ۱۴۰۳

۲۴ مارس ۲۰۲۴

حکومت برود همه‌مان می‌رویم!

کاظم نیکخواه

از دهان دست‌اندرکاران سابق و امروز حکومت الزاماً همیشه لجن بیرون نمی‌آید. بعضاً حقایقی را هم اعتراف می‌کنند. اخیراً بحث سرنگونی حکومت در میان آنها هم بالا گرفته است. حسین مرعشی دبیرکل حزب کارگزاران که از دو خردادی‌های حکومتی است در گفتگوی نوروزی‌اش گفته است “اگر جمهوری اسلامی نباشد، اکثریت مردم ایران نه به موسوی مراجعه می‌کنند، نه به خاتمی، نه به فائزه هاشمی و نه به تاج‌زاده مراجعه می‌کنند. اگر خدای‌نکرده جمهوری اسلامی نباشد، مردم همه کسانی که در حاکمیت بودند از اصول‌گرا گرفته تا اصلاح‌طلب را با یک چوب خواهند بُرد.”

این گفته حقیقتی را بیان می‌کند و آن اینکه مردم علیه سرتاپای حکومت هستند. سخن او واکنشی به وزارت خارجه آمریکاست که در سایت خود در مورد فائزه هاشمی اخیراً نوشته بود "فائزه هاشمی مخالف حجاب اجباری، حامی حقوق زنان و مدافع دیگر هم‌بندان خود است که آن‌ها را بی‌گناه می‌داند" و یک‌مشت توصیفات دیگر که جای بحث جداگانه‌ای دارد که چگونه دولت آمریکا با افتضاح جورج تاون و به افتضاح کشاندن رضا پهلوی و شرکا، به دنبال رهبر تراشی دیگری برای مدیریت اوضاع بعد از جمهوری اسلامی است و چنته‌اش کاملاً خالی است. کارت‌هایشان تماماً سوخته است.

این نکته کاملاً حقیقت دارد که با رفتن حکومت

اسلامی همه وابستگان امروز و سابق آن خواهند رفت. اوضاع این جامعه نشان می‌دهد که هر کسی که تنش به گوشه‌ای از این حکومت جنایت‌کار و مادون بشری خورده باشد، در آینده این کشور مطلقاً جایی نخواهد داشت. حتی آنها که از خامنه‌ای و جناح حاکم سیلی خورده‌اند به همین دلیل تردیدی در مورد دفاع از حکومت اسلامی‌شان ندارند.

این بدان معنا نیست که جنگ و جدال در میان آنها کم است. همین مرعشی در مورد انتخابات اخیر مجلس که ظاهراً یکدست شده می‌گوید: "یکی از مسائلی که در این انتخابات بسیار بروز کرد و آشکار شد این بود اصول‌گرایانی که مدعی اداره کشور، کنترل و مدیریت آن هستند، دچار تشقت فوق‌العاده‌ای هستند."

کل این اوضاع را فقط با کلمه ”بن‌بست“ حکومت اسلامی و بورژوازی بین‌المللی می‌توان توصیف کرد. جمهوری اسلامی در مقابل مردم دچار تشنگی و بن‌بست است و غرب هم از آویزان شدن به سلطنت‌طلبان ناامید شده و از توسل به مرتجعین چادری و اسلامی نظیر فائزه طرفی نخواهد بست و ناچار است به خواست مردم برای سرنگونی کل حکومت و تعیین سرنوشت خود گردن بگذارد. تکلیف این جامعه را مردم تعیین خواهند کرد.

یکشنبه ۵ فروردین ۱۴۰۳

۲۴ مارس ۲۰۲۴

تخریب جنگل‌ها

سینا پدرام

بنا به گزارش‌های بسیاری از خبرگزاری‌های ایران تخریب جنگل‌ها و کاهش سطح جنگلی در ایران همچنان با سرعت ادامه دارد. به گزارش تجارت نیوز در روزهای اخیر طی بیانیه‌ای مرکز مطالعات راهبردی کشاورزی و آب اتاق ایران در بیانیه‌ای نسبت به طرح کاشت یک میلیارد درخت واکنش نشان داد. بنا به این گزارش "در بخشی از این بیانیه آمده که جنگل‌های هیرکانی در ۵۰ سال گذشته تقریباً به نصف کاهش یافته و جنگل‌های مهم و حیاتی زاگرس به طور مستمر در جریان تخریب، تبدیل یا نابودی قرار دارند."

فصل گرما در راه هست و آتش سوزی های "سریالی" که به اعتقاد کارشناسان عمدی است و مانند آتش سوزی در جنگل های کالیفرنیا ربطی به خطای سهوی رهگذران و یا توریست ها ندارد، بار دیگر اتفاق خواهد افتاد. جنگل ها به عنوان یک اکولوژی ویژه از اهمیت خاصی برای کاهش آلودگی هوا و کاهش فرسودگی خاک و به تبع آن جلوگیری از وقوع سیلاب های مداوم که در سال های اخیر شاهد آن بوده ایم برخوردار هستند.

در چند سال گذشته قضیه جنگل های هیرکانی و تخریب محیط زیست "نیلکوه" توسط کارخانه سیمان وابسته به بنیاد مستضعفان در صدر اخبار قرار گرفته است. کارخانه های سیمان در ایران با پخش

ریزگردها و مواد آلاینده باعث گسترش بیماری‌های تنفسی و سرطان در میان سالمندان و کودکان شده‌اند. استانداردهای پایین فیلترینگ این مواد در این کارخانه‌ها باعث اشاعه بیماری‌های مختلف در شهرها و روستاهای هم‌جوار با این کارخانه‌ها شده است. در همین مورد اعتراضات مردم هیچ گوش شنوایی پیدا نکرده است.

تنها زبانی که رژیم اسلامی می‌فهمد زبان اعتراضات مردمی است. هر تغییر در چهارچوب رژیم اسلامی فقط از طریق سازمان دادن اعتراضات گسترده میسر است. مسئله محیط زیست و آلودگی‌های صنعتی در مراکز صنعتی، یک معضل واقعی، روزمره و گسترده

است که به معنای دقیق کلمه به مرگ انسان‌ها
منتهی می‌شود. شاید در هیچ برهه‌ای از تاریخ
این چنین موضوع زیست‌بومی و جامعه انسانی به هم
مرتبط نبوده باشند. آینده ما و کودکان ما در گرو
بیرون بردن محیط زیست از گردونه سودافزایی و
ثروت‌اندوزی و دست‌اندازی بازار افسارگسیخته
سرمایه‌داری است.

یکشنبه ۵ فروردین ۱۴۰۳

۲۴ مارس ۲۰۲۴

رمضان: کابوس رژیم و بحران خدا

سیاوش آذری

بعد از پلمب فروشگاه‌ها و رستوران‌ها به علت "عدم رعایت شئونات اسلامی" و ارائه خدمات و غذا در ماه رمضان نوبت به پلمب کردن لنج‌ها رسید. بنا بر گزارش‌ها "فرمانده مرزبانی استان بوشهر از توقیف یک لنج با تعدادی مسافر نوروزی در دریا خبر داد." این در حالی است که پیش‌تر به‌ویژه به علت تقارن ماه رمضان با نوروز فرماندهان ریزودرشت نیروهای سرکوب رژیم تهدید به برخورد با افراد و اماکن "هنجارشکن" و رفتارهای مغایر با "فرهنگ اسلامی" کرده بودند.

در این رابطه گزارش‌های متعددی از برخورد با شادی مردم در نقاط مختلف از جمله جزیره قشم و پلمب مجموعه‌های بوم‌گردی، پلمب ده‌ها رستوران در شهرهای مختلف مانند تهران، اصفهان، دزفول، ری، ابهر، همدان و قم در رسانه‌ها منتشر شده است. رژیم همچنین در تلاش برای تحمیل مجدد حجاب اجباری به زنان به جریمه و پلمب ده‌ها واحد صنفی به دلیل ارائه خدمات به مشتریان زن بی‌حجاب پرداخته است.

اما همین آمار و ارقام نشانه تغییر توازن قوای اجتماعی به نفع مردم به یمن پیشروی‌های حاصل از انقلاب زن‌زندگی آزادی و شکست سیاست تهدید و ارباب رژیم است. رژیم در چنان وضعیت وخیمی

قرار گرفته است که هر چه می کند به عکس خود
مبدل می گردد: تهدید می کند اما مردم ویدئوهای
گردش و شادی خود را در رسانه های اجتماعی به
نمایش می گذارند؛ پلمب می کند؛ اما فروشگاه ها
و رستوران های بیشتری به صف واحدهای صنفی
”هنجارشکن“ می پیوندند؛ از احترام به ”فرهنگ
متعارف“ اسلامی مردم در ماه رمضان دم می زند؛
اما همین مردم ماه ”مبارک“ رمضان را به کابوسی
برای رژیم تبدیل می کنند؛ و دست آخر با توسل به
توقیف کسب و کار و تهدید دارایی مردم و زورگیری
و زیر پا گذاشتن ”حق مقدس مالکیت خصوصی“
که اساس اقتصاد سرمایه دارانه را تشکیل می دهد
جوهر سیستم دزدسالار سرمایه داری اسلامی و
بحران لاعلاج اقتصاد الله را به نمایش گذاشته و

تشدید می کند.

کابوس رژیم را پایانی نیست. این کابوس حاصل
مغایرت موجودیت حکومت اسلامی و هر آنچه
رنگ و بوی اسلام و عزا دارد با باورها و فرهنگ
انسان دوستانه و آزادی خواهانه مردم و شادی، رفاه
و برابری است. مردم با سپردن رژیم به زباله دان
تاریخ به این کابوس پایان خواهند داد.

یکشنبه ۵ فروردین ۱۴۰۳

۲۴ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۸۷

۲۵ مارس ۲۰۲۴ - ۶ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

”مثل یک جسد متحرک در افغانستان هستیم“*

پتی دبونیتاس

اخراج مقام ارشد جمهوری اسلامی از کانادا

کیوان جاوید

پاچه‌خاری علنی سران سپاه و ارتش

میلاد رابعی

تروریسم اسلامی در خدمت مافیای حاکم در روسیه!

محسن ابراهیمی

”مثل یک جسد متحرک در افغانستان هستیم“*

پتی دبونیتاس

سال تحصیلی جدید در افغانستان شروع شده است و دختران بالای ۱۲ سال هنوز از حق تحصیل در دبیرستان محروم‌اند، ظاهراً به این دلیل که برنامه تحصیلی دختران هنوز به‌اندازه کافی ”اسلامی“ نیست. جالب است که برنامه تحصیلی دبیرستان‌ها برای پسران به‌اندازه کافی ”اسلامی“ است، ولی برای دختران نه!

جنون مذهبی ضد زن که اسمش طالبان است کارش با یک میلیون و چهارصد هزار دختر افغانستانی که هدف این سیاست طالبان‌اند تمام

نمی‌شود. هیبت الله آخوندزاده، رهبر طالبان، دیروز اعلام کرد که قوانین شرع اسلام، از جمله سنگسار زنان، به اجرا در خواهند آمد. برای اسلام و طالبان، دختران و زنان بردگانی‌اند در خدمت مردان که باید کنترل و سرکوب شوند و به یمن عملکرد دولت آمریکا و بی‌عملی جامعه جهانی طالبان توانسته است این سیاست خود را به راحتی عملی کند.

آخوندزاده در سخنرانی‌اش گفت: ”حتی اگر گفته شود سنگسار پایمال کردن حقوق زنان است، ما فردا حد زنا را در محضر عام اجرا می‌کنیم، زنان را رجم (سنگسار) می‌کنیم. ما حدود الله را در محضر عام اجرا می‌کنیم... همان‌طور که شما (غربی‌ها)

ادعا می‌کنید که برای آزادی همه بشریت تلاش می‌کنید، ما هم همین ادعا را داریم. من نماینده خدا هستم و شما نماینده شیطان“. البته کسی یادش نمی‌رود که این شرایط جهنمی حاکم بر افغانستان و به قدرت رسیدن مجدد طالبان، به لطف دولت ایالات متحده به طور خاص و به طور گسترده‌تر از طریق انفعال دولت‌های غربی، ممکن شده است.

از سوی دیگر، ”نماینده ویژه دولت آمریکا در مورد زنان، دختران و حقوق بشر در افغانستان“، رینا امیری، سومین سال محرومیت دختران افغانستانی از تحصیل در دبیرستان را ”دلخراش“ توصیف کرده است! چه واکنش کوبنده‌ای به

جنایاتی که طالبان هر روزه در حق دختران
افغانستانی مرتکب می‌شود!

اتفاقی نیست که تلاش برای یک جامعه انسانی و
پایان دادن به جنایاتی مانند سنگسار در دست ما
مردم است، مانند کمپین نجات سکینه آشتیانی
که در سال ۱۳۸۵ به جرم "زنای محصنه" به
سنگسار محکوم شده بود. این مردم و فعالین
بودند که این تلاش را به یک کارزار جهانی در
بیش از صد شهر تبدیل کردند که در نتیجه آن
جمهوری اسلامی مجبور شد سکینه آشتیانی را
آزاد و مجازات سنگسار را عملاً لغو کند. این
تأکیدی دیگر بر این حقیقت است که برخلاف
حاکمان جاری جهان، اکثر مردم ظرفیت ناچیزی

برای ریاکاری و چشم‌پوشی از حقوق انسان‌ها
دارند.

* سخنان یک دختر ۱۶ ساله افغانستانی درباره
احساسش نسبت به زندگی

دوشنبه ۶ فروردین ۱۴۰۳

۲۵ مارس ۲۰۲۴

اخراج مقام ارشد جمهوری اسلامی از کانادا

کیوان جاوید

وزارت مهاجرت کانادا اعلام کرد که سلمان سامانی به این دلیل که از مقامات ارشد جمهوری اسلامی است بر اساس قانون "نقض حقوق بشر و بین‌الملل" از کانادا اخراج گردید.

سلمان سامانی که زیر نظر عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر سابق کشور در دولت روحانی فعالیت می‌کرده با ویزای توریستی که در آنکارا برای او صادر شده به کانادا سفر کرده و تقاضای پناهندگی کرده است.

در رد تقاضای پناهندگی این مقام ارشد حکومت

اسلامی آمده است: فردی که در نقض حقوق بشر یا حقوق بین‌الملل نقش داشته در کانادا قابل‌پذیرش نیست و مقام ارشد دولتی که ”در تروریسم، نقض سیستماتیک یا فاحش حقوق بشر، نسل‌کشی، جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت“ نقش داشته باشد، باید اخراج شود.

یک لکه ننگ دیگر بر دامن دولت‌های مدافع حقوق بشر. اینکه یک فرد را با چنین سابقه جنایت‌کارانه‌ای در بدو ورود دستگیر و به اتهام جنایت علیه بشریت به پای میز محاکمه نمی‌کشند، چشم‌پوشتن بر جنایت آشکاری است که علیه مردم ایران روا داشته شده است. یک عنصر ارشد حکومت اسلامی که جزو ماشین

کشتار و شکنجه و زندان یک سیستم ضدانسانی است دیگر باید علیه مردم چه جنایتی کرده باشد تا به حکم قوانین بین‌المللی دستگیر شود.

اخراج این فرد معلوم‌الحال، نه دستگیری‌اش، با این سابقه خدمتگزاری به جمهوری اسلامی که سرآمد حکومت‌های ضدبشری است، یک بی‌مسئولیتی و چشم‌پوشی بین‌المللی علیه نازیست‌های حاکم بر ایران است. کسی یادش نمی‌رود که بعد از گذشت نزدیک به هشتادسال از پایان جنگ جهانی دوم هنوز سران حزب نازی در آلمان مورد تعقیب جهانی قرار دارند تا دستگیر و به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

سلمان سامانی در جلسه ۱۹ بهمن ماه کمیسیون مهاجرت و پناهندگی کانادا تأکید کرد که: "نمی‌دانسته رئیسش (عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور) به پلیس و نیروهای امنیتی دستور داده در جریان اعتراضات آبان ۹۸، معترضان را بکشد." چه کسی در جهان یافت می‌شود که چنین اراجیفی را از چنین مقام ارشد جمهوری اسلامی بپذیرد؟ چرا دولت کانادا در برابر چنین فردی که دستش به خون بیش از ۱۵۰۰ نفر از جان‌باختگان آبان ۹۸ آلوده است باید فقط رد پناهندگی شود؟

جا دارد همه ایرانیان مقیم کانادا و همه انسان‌های شریف، علیه این سیاست منفعل دولت کانادا اعتراض کنند. جای سران و مقامات ارشد

جمهوری اسلامی پشت میز محاکمه است
نه رد تقاضای پناهندگی آنها. این سیاست
انسانی را به همه دولت‌های تحمیل کنیم.

دوشنبه ۶ فروردین ۱۴۰۳

۲۵ مارس ۲۰۲۴

پاچه‌خاری علنی سران سپاه و ارتش

میلاد رابعی

در روزهای اخیر شاهد انتشار نامه مشترک فرمانده سپاه و فرمانده ارتش خطاب به خامنه‌ای بودیم. اولین موردی که با خواندن این نامه جلب توجه می‌کند این است چرا سران سپاه و ارتش در یک نامه علنی پُر از چاپلوسی از خامنه‌ای تعریف و تمجید کنند؟ نامه‌ای عجیب و غریب که خامنه‌ای را به عرش اعلی و مقام “خدایی” می‌رساند و از قضا شأن نزول این نامه همین است.

ببینید آیا آدمیزاد از این نامه سر در می‌آورد؟ ...: “با عرض تبریک گشایش باب باغ روحانی رمضان و

گره زدن دخیل دعا به آمین مجیبتان، فروتنانه از عنایت بهجت آفرین و امانت سنگین آن فرماندهی بصیر و دوراندیش به سربازان خویش در دو نیروی در هم تنیده‌ی ارتش و سپاه که عقد اخوتشان از بدو انقلاب تاکنون به امضای سرخ سروهای رشید شهید تضمین و تیغ بی‌نیام خشم مقدسشان در برابر دشمن در کوره‌ی کوران انقلاب و دفاع مقدس و سال‌های اخیر در مقابل انبوه توطئه‌ها و دشمنی‌ها، آبدیده شده است، تشکر می‌نماییم.

تملق و چاپلوسی در نظام اسلامی امر تازه‌ای نیست؛ اما در قالب این نامه حاوی پیام‌هایی، نه به خامنه‌ای بلکه به توده مردم است. نویسندگان به‌عنوان سران اصلی ارتش و سپاه قرار است به این وسیله به جامعه پیام بدهند که برخلاف آنچه ادعا می‌شود هیچ

جدایی و اختلافی میان ارتش و سپاه به عنوان دو ارگان موازی وجود ندارد. قرار است به جامعه القا شود که ارتش و سپاه متحدانه و در کنار یکدیگر فدایی نظام و شخص خامنه‌ای هستند.

مردم معترض در سال‌های اخیر و مشخصاً در انقلاب جاری نشان داده‌اند که کلیت نظام و شخص خامنه‌ای آماج اصلی حملات آنها است. در انقلاب زن، زندگی، آزادی مردم کمتر به نقد دولت رئیسی و سیاست‌هایش پرداختند و تمام مشکلات را به درستی از چشم کلیت رژیم به سرکردگی خامنه‌ای دیدند. خامنه‌ای در مقام نماینده حکومت تبدیل به سیل اصلی اعتراضات مردم شده است. بر متن چنین شرایطی سران ارتش و سپاه نیاز به تجدید بیعتی علنی با ”رهبری“ را احساس می‌کنند تا ”وفاداری“

خود به نظام را اعلام کنند و مردم معترض را ناامید کنند.

اما برخلاف تقلای این قاتلان، جامعه از عمق اختلافات و تشتت نیروهای رژیم آگاه است و با این نمایش‌های سخیف مرعوب نمی‌شود. خیزش مجدد مردم اختلافات درونی سران حکومت را صدچندان خواهد کرد و پوچی این اعلام وفاداری‌ها به سرعت نمایان خواهد شد.

شنبه ۴ فروردین ۱۴۰۳

۲۳ مارس ۲۰۲۴

تروریسم اسلامی

در خدمت مافیای حاکم در روسیه!

محسن براهیمی

روز جمعه ۲۲ مارس - سوم فروردین، به یک سالن کنسرت در حومه مسکو حمله شد. تا کنون تعداد کشته‌شدگان بیش از ۱۳۷ نفر است و تعداد ۱۸۰ نفر نیز زخمی شده‌اند!

حتی قبل از به‌عهده‌گرفتن مسئولیت این جنایت توسط داعش، هر کسی که کمترین شناختی از بزرگ‌ترین نیروی تروریستی جهان معاصر اطلاعی داشته باشد، فوراً می‌توانست حدس بزند این باید کار تروریسم اسلامی باشد. چون کشتار

مردم عادی تخصص این جنبش ضد زندگی است.

داعش مسئولیت این جنایت را به عهده گرفته است. اما ولادیمیر پوتین و مافیای - امنیتی‌اش توسط خبرگزاری دولتی تاس امروز اعلام کردند که دست دولت اوکراین در کار است و عاملین این ترور "قصد داشتند از مرز روسیه و اوکراین عبور کنند و تماس‌هایی را با طرف اوکراینی برقرار کرده بودند!"

برای ما مردم ایران که با سردسته تروریسم اسلامی در قرن بیست و یک، یعنی جمهوری اسلامی مورد حمایت ولادیمیر پوتین سروکار داریم و برای نابود کردنش انقلاب "زن، زندگی،

آزادی“ راه انداخته‌ایم، دو حقیقت روشن هستند:

اولاً آدمکشی تروریسم اسلامی در همه نقاط دنیا شباهت زیادی دارند. قتل عام در کنسرت موسیقی در مسکو توسط داعش، تماماً شبیه قتل عام در کنسرت موسیقی در اسرائیل توسط حماس در ۷ اکتبر با حمایت جمهوری اسلامی و ترورهای طالبان حاکم در افغانستان دارد. طالبان و جمهوری اسلامی شغل همه‌روزه‌شان ترور سازمان‌یافته هر روزه در افغانستان و ایران است که البته در هر دو کشور با مقاومت و مبارزه شجاعانه مردم و زنان در پیشاپیش مردم مواجه هستند.

ثانیاً ولادیمیر پوتین، مثل ولی فقیه عمامه دارش در

ایران برای نجات از باتلاق سیاسی نیاز داشت به
ریسمان "دشمن خارجی" آویزان شود. پوتین که
تجاوز نظامی‌اش به اوکراین با اسم رمز "عملیات
ویژه" شکست خورده است، به جنایت داعش در
کنسرت مسکو به شدت نیاز داشت. نیاز داشت
تا با توسل به ناامنی تروریستی و ربط دادنش به
دشمن خارجی، برای جنگ صلیبی ارتجاعی‌اش
علیه اوکراین سربازگیری کند. همچنین نیاز
داشت از تروریسم اسلامی مثل یک کارت بازی
و امتیازگیری در معادلات نظامی و سیاسی با
جهان غرب استفاده کند.

تروریسم اسلامی در کنسرت مسکو، و استفاده
سیاسی پدرخوانده اولیگارش‌های مافیایی -

تروریستی حاکم در روسیه از آن، یک نمونه دیگر از چرخه جنایت و تروریسم در سطح جهان است. این تروریسم اسلامی را همراه با پدرخوانده حکومتی‌اش در ایران، فقط با انقلابی به عظمت انقلاب "زن، زندگی، آزادی" می‌توان تماماً درهم شکست و نابود کرد.

شنبه ۴ فروردین ۱۴۰۳

۲۳ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۸۸

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

۲۶ مارس ۲۰۲۴ - ۷ فروردین ۱۴۰۳

در این شماره ژورنال

تراژدی خودکشی در میان کادر درمان

میلاد رسایی منش

آتش سوزی کارگاه اتمی شادآباد

سینا پدرام

خدا جایی زیر عبای صدیقی پنهان است

کیوان جاوید

جنایت علیه کودک کولبران

محسن ابراهیمی

تراژدی خودکشی در میان کادر درمان

میلا رسایی منش

در خبرها آمده که پرستو بخشی، پزشک متخصص قلب و عروق که در بیمارستان ابن سینا دلفان استان لرستان مشغول به کار بود، در پی اقدام به خودکشی جان باخت. یوسف رضا جهانی، مدیر شبکه بهداشت و درمان شهرستان دلفان از "مرگ ناگهانی" این پزشک خبر داد و گفت هنوز علت آن مشخص نیست. به گفته وی، پس از تماس بی پاسخ سوپروایزر بیمارستان با پرستو بخشی در شب شنبه چهارم فروردین و متعاقباً مراجعه همکاران او به منزل مسکونی این پزشک در محوطه بیمارستان، آن‌ها با جسد بی جان او در

بالکن مواجه می‌شوند

نخستین باری نیست که خبر خودکشی در بین رزیدنت‌ها و پزشکان مخابره می‌شود. وب‌سایت تجارت نیوز سال گذشته نوشته بود که تنها در یک هفته سه مورد خودکشی در میان رزیدنت‌ها و پزشکان گزارش شده است. به نظر می‌رسد با وجود نظام اسلامی در ایران، بخشی مهم از جامعه درگیر افسردگی‌های حاد و مزمن شده‌اند. کارشناسان در مورد عدم داشتن امید به تغییر و بهبود اوضاع در بین آحاد جامعه ایران مدت‌هاست که هشدار داده‌اند. در این میان پرستاران، پزشکان و رزیدنت‌ها که در مشاغل سخت هستند به نسبت بقیه از سطح آسیب‌پذیری بیشتری برخوردار هستند. در مورد اخیر فردی که زن است و اخیراً پدر و

مادر خود را ازدست داده است، و حقوق کامل از جانب کارفرما دریافت نکرده، در کنار کار سخت و طاقت فرسای پزشکی، در سن ۳۵ سالگی دست به خودکشی می زند. عامل بروز چنین حوادث ناگواری، در یک کلام، نظام اسلامی است.

جامعه پزشکی و پرستاری در ایران اما نقش مهمی در مبارزات مردم علیه حکومت اسلامی را ایفا کرده اند. این بخش از جامعه، با درمان زخمی شدگان اعتراضات سال ۹۸ و انقلاب زن زندگی آزادی، و با کار و تلاش فراوان برای نجات انسان ها از اپیدمی کرونا در مقابل حکومتی که ورود واکسن های معتبر جهانی را ممنوع کرده بود ایستادند. جامعه پزشکی ایران به طور واقع یکی از مهم ترین جلوه های انسان دوستی و مبارزه علیه

نظام اسلامی است، نظامی که برایش زندگی مردم کوچک‌ترین ارزشی ندارد و با اعمال سرکوب و جنایت علیه هر گونه اعتراض تلاش می‌کند جامعه را نسبت به تغییر بدبین و ناامید کند. سرنگونی رژیم اسلامی ضمن اینکه مردم و بخصوص زنان را از این وضعیت غیرانسانی نجات خواهد داد، بلکه بدون تردید امید به آینده و علاقه طبیعی انسان‌ها به زندگی در جامعه را افزایش می‌دهد.

سه‌شنبه ۷ فروردین ۱۴۰۳

۲۶ مارس ۲۰۲۴

آتش سوزی کارگاه اتمی شادآباد

سینا پدرام

اهمیت این کارگاه برای رژیم اسلامی چندان بالا بوده است که بنا به اطلاعات هک شده، شخص خامنه‌ای در این مورد ورود کرده و عکس‌العمل نشان داده است. با توجه به این اطلاعات کسانی که عامل این “خرابکاری” بوده‌اند از فعالیت‌های این کارگاه آگاه نبوده‌اند و توسط فردی به نام “رجب” که گفته می‌شود از اهالی جمهوری آذربایجان و احتمالاً جاسوس موساد بوده برای انجام این کار استخدام و به کار گرفته شده‌اند. شایان توجه است که علی‌رغم تمامی تدابیر امنیتی، سازمان‌های

اطلاعاتی کشورهای به اصطلاح ”معاند“ بی هیچ دردسری به این محل حساس و نوع فعالیت های آن پی برده و با عملیاتی بسیار کم خرج به هدف خود یعنی تخریب تجهیزات دست پیدا کرده اند.

این خبر بار دیگر آسیب پذیری دستگاه های امنیتی و ضعف رژیم اسلامی در تأمین ”امنیت“ کافی برای حساس ترین پروژه هایش را نشان می دهد. سؤال این جاست که چرا رژیم دیکتاتوری که ادعای قدر قدرتی بر شهروندان خود را دارد و از کشتارشان ابایی ندارد، این چنین در حفظ حتی امنیتی ترین نقاط خودش عاجز است؟

عدم وجود شفافیت در عرصه‌های سیاسی و اجرایی،
وجود دیپلماسی سرّی و مخفی، عدم جوابگویی و
مسئولیت‌پذیری ارگان‌ها و افراد حکومتی در قبال
نیازها و مسائل مردم، و بالاخره رابطه خصمانه مردم
با حاکمیت و فقدان کوچک‌ترین پایه اجتماعی،
دلیل واقعی استیصال رژیم اسلامی در تأمین حتی
”امنیت“ حساس‌ترین پروژه‌های خود حاکمیت
است. بعلاوه فساد مالی چنان بلایی به جان رژیم
شده است که هیچ جناح و دسته و گروه رقیبی
در داخل حکومت خود را از صدمات احتمالی آن
نمی‌تواند مصون بداند.

میلیاردها دلار صرف به وجود آوردن و تأمین نیروهای

سرکوبگر، صرف تأمین سازمان‌های به اصطلاح
”امنیت کشور“ علیه مردم و به دست آوردن
”سلاح اتمی و هسته‌ای“ و غیره شده است. ثروتی
بربادرفته که با آن می‌شد و هنوز می‌توان بالاترین
استانداردهای رفاهی جهان را برای مردم تأمین کرد.
شرط اول تحقق چنین شرایطی از میان برداشتن
مانع اصلی یعنی رژیم اسلامی است.

سه‌شنبه ۷ فروردین ۱۴۰۳

۲۶ مارس ۲۰۲۴

خدا جایی زیر عبای صدیقی پنهان است

کیوان جاوید

در افشاگری‌های جدید آمده است: ”باغ چهارهزار و ۲۰۰ متری از گُل به قیمت حدود شش میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان به تصاحب کاظم صدیقی در آمد. در واقع هر مترمربع از این باغ تنها یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان فروخته شده است؛ ۱۵۰ برابر زیر قیمت!“

افشاگری از کاظم صدیقی زمین‌خوار در حقیقت افشای ماهیت اسلام و مذهب است. قرار نیست تازه معلوم شود اسلام عین جنایت و آخوند سمبل و عصاره فساد است. کسی در ایران دنبال این نیست که بداند کدام‌یک از سران رژیم از آن

یکی چپاولگرتر است. فساد و غارتگری در "ذات"
این نظام لانه کرده است. این افشاگری‌ها فقط میخ
جدید دیگری است بر تابوت این حکومت.

سران و همه محافظان وضع موجود که می‌خواهند
این حکومت برجا بماند، روی اسلامیت این رژیم پا
می‌فشارند و برای حفظ این اسلامیت باید نشان بدهند
همه شخصیت‌های حکومتی، خصوصاً "روحانیون"
عمیقاً به خدا و اسلام و قوانین اسلامی باور دارند و
به آن عمل می‌کنند. اگر بر طبل خداپرستی نکوبند
معلوم نیست چرا و چگونه در رأس قدرت خواهند
ماند و امکان غارتگری خود را حفظ خواهند کرد.
باید ثابت کنند که خدا زیر عبای آنها پنهان شده
است و از زبان آنها با مردم سخن می‌گوید. اتصال
کوتاه "روحانیت" با خدا و "ائمہ اطہار" درست باید
به این خدمت کند که ساختار حکومت در دست

این جماعت باقی بماند. این حفظ ظاهر اسلامی منبع عظیم‌ترین و بادآورده‌ترین امکانات مالی برای حافظان نظام است.

آنچه اما مردم در این جدال بین مرگ و زندگی در ایران به‌روشنی درک کرده‌ایم، ماهیت مذهب و خیل آخوندهای انگل است که با چپاول جان و زندگی مردم به بهترین وجه ممکن از آن ارتزاق می‌کنند. به گوش رسیدن هر اذان و تلاوت هر چه بیشتر قرآن زنجیر سختی است بر تداوم فقر و فلاکت همگانی.

روند نابودی و بی‌اعتباری هر چه بیشترِ باورهای مذهبی و اسلامی طی بیش از ۴ دهه بی‌وقفه در حال افزایش است و مردم به حق مذهب را با جنایت و غارتگری و فساد یکی می‌گیرند. با سرنگونی

جمهوری اسلامی فقط دست مشت‌ی دزد و جلاّد در
حاکمیت و ساختار نظام اسلامی از زندگی مردم
کوتاه نمی‌شود، بلکه پایان کار جمهوری اسلامی در
واقع نابودی معنوی، سیاسی و اجتماعی اسلام نیز
خواهد بود. به این معنا پیروزی انقلاب زن زندگی
آزادی نه تنها یک انقلاب در عرصه اقتصادی و
آزادی‌های سیاسی و اجتماعی است، بلکه مبشر
بزرگ‌ترین رنسانس ضد مذهبی در تاریخ بشر
خواهد بود. حرکتی عظیم به سوی دین‌زدایی.

سه‌شنبه ۷ فروردین ۱۴۰۳

۲۶ مارس ۲۰۲۴

جنایت علیه کودک کولبران

محسن ابراهیمی

اخبار رسانه‌ها حاکی از این است که فقط در روز یکشنبه همین هفته، سه کولبر در مرزهای دواستان کردستان و کرمانشاه با کشور عراق در اثر برف و سرما در معابر سخت و کوهستانی جان باختند و سه کولبر دیگر زخمی شدند. یکی از قربانیان، نوجوانی ۱۵ ساله است که در مرز "میشاو" شهرستان سقز بر اثر سرمازدگی جان خود را از دست داد. اخبار هه‌نگاو حاکی از این است که در فاصله یک‌ماهه دهم بهمن تا دهم اسفند، دست‌کم ۶۷ کولبر در مرزهای غربی ایران کشته یا زخمی شده‌اند. به گزارش کولبرنیوز فقط در فاصله ۱۱ تا ۲۴ اسفند ۱۴۰۲ یعنی ۱۳ روز دست‌کم ۴۸ کولبر

در مرزهای میان کردستان ایران و عراق در اثر تیراندازی مستقیم، ضرب و شتم، سقوط از ارتفاع، حادثه رانندگی ناشی از تعقیب و گریز و انفجار مین کشته یا زخمی شدند. بر اساس همین خبر کولبر نیوز، در سال گذشته میلادی، در مجموع ۲۹۹ کولبر در مناطق مرزی و مسیرهای جاده‌ای استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، و کرمانشاه بر اثر عواملی همچون تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی، ریزش بهمن، سرمازدگی، رفتن روی مین، و پرت شدن از ارتفاعات کشته و یا زخمی شدند.

وقتی در آذرماه ۹۸ درست یک ماه بعد از آبان خونین، مردم کردستان پیکرهای یخ‌زده دو برادر کولبر به نام‌های آزاد خسروی ۱۹ ساله و فرهاد خسروی ۱۴ ساله را از میان برف و کولاک بیرون کشیدند، پدر این عزیزان جان‌باخته فریاد زد:

”بی‌پولی این بلا را سر ما آورد. پسرانم را از دست دادم. فقر و بیکاری ما بختمان را سیاه کرد.“

حتماً فقر و بیکاری نسلی از انسان‌ها را مجبور کرده است در گرما و سرما و توفان و کولاک جانشان را کف دستشان بگذارند تا زنده بمانند. اما این فقر و بیکاری محصول مستقیم نظام اسلامی، نظام اقلیت میلیاردر حاکم است. جان‌باختگان کولبر متعلق به زحمت‌کش‌ترین و شریف‌ترین انسان‌های این جامعه هستند که جرمشان فقط یک چیز است: آنها در کشوری دنبال لقمه نانی برای سفره‌شان هستند که در آن زمین‌خواری مثل کاظم صدیقی امام‌جمعه تهران، لمپن‌های عمامه داری مثل علم‌الهدی، قاتلی مثل ابراهیم رئیسی، قاضی‌القضات خونریزی مثل محسنی اژه‌ای، مجسمه فساد مثل قالیباف و در رأسشان جنایت‌کاری مثل خامنه‌ای

حکومت می کنند.

شورای حقوق بشر سازمان ملل اخیراً رفتار حکام اسلامی با معترضین را مصداق جنایت علیه بشریت اعلام کرد. قتل سازمان یافته کولبران یکی دیگر از مصداق‌های جنایت علیه بشریت است که در اعلام جرم علیه جنایت کاران اسلامی در دادگاه‌های بین‌المللی پرونده‌شان را سنگین تر خواهد کرد.

سه‌شنبه ۷ فروردین ۱۴۰۳

۲۶ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۸۹

سر دبیر این شماره: سوسن صابری

۲۷ مارس ۲۰۲۴ - ۸ فروردین ۱۴۰۳

در این شماره ژورنال

سونامی روزه‌خواری علنی و عجز رژیم

سیاوش آذری

جدال بر سر سبک زندگی

اصغر کریمی

پیشروی مردم و عجز و ناتوانی حکومت اسلامی!

نسان نودینیان

نابودی نیروهای سپاه در سوریه توسط اسرائیل

کاظم نیکخواه

سونامی روزه خواری علنی و عجز رژیم

سیاوش آذری

محمدصادق کوشکی که از جمله فاشیست‌ترین ایدئولوگ‌های رژیم محسوب می‌شود اعتراف کرده که "شاهد وسیع‌ترین "روزه‌خواری" در تاریخ جمهوری اسلامی هستیم." وی همچنین اظهار کرده که علت این وضعیت بی‌اهمیتی ماه رمضان نزد دولت و قوه قضاییه است و خواستار برخورد با و مجازات روزه‌خواران شده است.

روزه‌خواری پدیده جدیدی نیست و قدمت آن به اندازه عمر جمهوری اسلامی است. اما آنچه جدید و از پس این افاضات کاملاً قابل‌مشاهده

است عجز رژیم در تحمیل روزه و رمضان و فرهنگ
عزا حتی به‌زور جریمه‌های نقدی، پلمب کافه‌ها
و رستوران‌ها و اغذیه‌فروشی‌ها، شلاق و سرنیزه و
تفنگ است. اتفاقاً رمضان و نماز و روزه از ارکان
رژیم اسلامی هستند. چنانچه بنا بر اظهارات همین
کوشکی معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور
اخیراً یادآوری کرده که روزه‌خواری و تظاهر به
آن حرام است و طبق قانون جرم‌انگاری شده و
مجازات‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است.
اما مسئله این است که بعد از گذشتن دو هفته
از ماه رمضان و علی‌رغم تهدیدهای وزارت کشور
و سپاه و نیروهای سرکوب رژیم، دست‌اندرکاران
حکومت مجبور به یادآوری حرام و حلال شده‌اند.
این اتفاقاً همانطور که جناب کوشکی مجبور به
اعتراف به آن شده است؛ یعنی تره خردنکردن

روزه‌خواران برای این‌چنین تهدیدها و آگاهی از عدم وجود ضمانت اجرایی آنان.

سونامی روزه‌خواری و تصرف این خاکریز توسط مردم یکی دیگر از دست‌آوردهای انقلاب زن زندگی آزادی و نشانه‌ای دیگر از زنده‌بودن و پویایی انقلاب و تغییر موازنه قدرت به نفع مردم است. تظاهر گسترده به روزه‌خواری علی‌رغم جرم‌انگاری قانونی و تهدید به مجازات و ناتوانی حکومت در کنترل آن جلوه‌ای از اعمال قدرت دوگانه مردم و دود شدن و به هوا رفتن مقدسات و منکرات رژیم اسلامی است و اتفاقاً نهیب‌زدن امثال کوشکی به نیروهای سرکوب و خرده‌گرفتن و انتقاد از دولت و وزارت‌خانه در “کم‌اهمیت دادن” به اعمال قوانین جزایی و بگیروببند روزه‌خواران علنی نشانه

تشتت در صفوف رژیم در مواجهه با انقلاب جاری
و دست‌آوردهای آن است.

آب از سر رژیم و دست‌اندرکاران ریزودرشت و
ایدئولوگ‌های آن گذشته است. این تهدیدها و
ژست قدر قدرتی گرفتن‌ها بیشتر مایه خنده مردم
و نشانه زمین‌گیر شدن حکومت الله است. سقوط
خدا و نمایندگان‌ش در زمین نزدیک است!

چهارشنبه ۸ فروردین ۱۴۰۳

۲۷ مارس ۲۰۲۴

جدال بر سر سبک زندگی

اصغر کریمی

نماینده خامنه‌ای در خوزستان: "مهم‌ترین دغدغه ما تضعیف سبک زندگی اسلامی و حجاب است".
راه‌حل این بابا: "مطالبه جدی مردم و خامنه‌ای، پرداختن بیشتر به بحث حجاب است". خامنه‌ای و بخشی از حکومت از بخشی دیگر با زبانی الکن تقاضای پرداختن! بیشتر به بحث حجاب می‌کند. موضوع به حد کافی گویا است.

بانکی‌پور نماینده مجلس هم گفته است: "تمام ارکان نظام برای جریمه بی‌حجابی به جمع‌بندی رسیدند!" به این جمع‌بندی که گشت ارشاد را نمی‌توان دوباره به خیابان آورد، میلیون‌ها بی‌حجاب را هم نمی‌توان دادگاهی کرد، بنابراین

بی‌حجابی را مجبوریم تحمل کنیم حداکثر کاری که می‌توانیم بکنیم بی‌حجابان را جریمه کنیم. به این نمی‌گویند جمع‌بندی! به این می‌گویند شکست "تمام ارکان نظام" در برابر یک دشمن بزرگ خانگی! حالا که سنگر حجاب فتح شده است، خامنه‌ای و نمایندگانش فقط می‌توانند خوابیده پارس کنند.

اما برگردیم به بحث "سبک زندگی اسلامی". سبک زندگی اسلامی تضعیف نشده، بلکه درهم شکسته است. نه ایران جامعه‌ای اسلامی است نه سبک زندگی مردم. بی‌حجابی گوشه‌ای از سبک زندگی است. هنر، رقص، موسیقی، تفریحات، سرگرمی‌ها، رابطه دختر و پسر و کلاً مرد و زن، روابط جنسی، موقعیت زن در خانواده و اجتماع، مراسم‌های غم و شادی، طرز لباس پوشیدن زن و مرد، ادبیات،

مشغله‌های سیاسی و غیرسیاسی، افکار و اعتقادات، تلقی مردم از جوامع غربی، توقعات و انتظارات مردم و غیره اجزاء سبک زندگی است که از بنیاد غیراسلامی شده است. یعنی یک خلاصی فرهنگی عمیق به نفع اندیشه‌ها و فرهنگ پیشرو و مدرن در مقابل فرهنگ متحجر اسلامی و فرهنگ کهنه و سنتی، صورت گرفته است. فشار این تحول را در رسانه‌های حکومتی و نیمه حکومتی هم همه شاهد هستیم.

انقلاب زن زندگی آزادی مانند کاتالیزوری ده‌ها بار این تحول را سرعت داد. زنان و نسل جوان پیش‌قراولان انقلاب فرهنگی بوده‌اند، شکافی نسلی که یکی از مهم‌ترین زمینه‌های بحران حکومت اسلامی است. اما انقلاب فرهنگی نسل‌های قبلی را هم دربرگرفته است. عقب‌گردی ممکن نیست.

این، حکومت و آیت‌الله‌ها و سنت‌گراها هستند که مرتب عقب‌نشینی می‌کنند. این مسئله در کنار بحران اقتصادی و شکاف عظیم فقر و ثروت و خشم اکثریت مردم، فساد درباریان و بی‌حقوقی سیاسی نمی‌تواند به خیزش‌ها و انقلاب سیاسی علیه کل نظام و اقتصاد و سیاست و فرهنگ حاکم منجر نشود. خیزش‌های یک و نیم دهه اخیر دانه‌های زنجیر یک انقلاب است که نهایتاً کار را یکسره خواهد کرد. جامعه همچنان روی پنجه پا برای یک انقلاب همه‌جانبه سیاسی و اقتصادی ایستاده است.

چهارشنبه ۸ فروردین ۱۴۰۳

۲۷ مارس ۲۰۲۴

پیشروی مردم و عجز و ناتوانی حکومت اسلامی!

نسان نودینیان

طبق خبرها نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در مراسم نوروزی در یکی از پارک‌های کرمانشاه به دو جوان بنام‌های محمد احمدیانی و آرمان بصیری که در حال رقص و پایکوبی بودند تیراندازی کرده و آنها را مجروح کرده‌اند. این حادثه روز دوم فروردین اتفاق افتاده؛ ولی به دلیل تهدید و فشار وزارت اطلاعات به خانواده‌ها تا به حال رسانه‌ای نشده بود.

سیلی و تودهنی محکم مردم در ایام نوروز با برپایی مراسم و جشن‌های سال نو به حکومت اسلامی،

رویداد مهمی بود. ده‌ها هزار نفر در بیش از صد شهر و روستا در مناطق مختلف از دو هفته مانده به سال نو، با برپایی جشن و شادی به استقبال نوروز و سال نو رفتند. مراسم‌های امسال متفاوت بودند، بیش از دو هفته رقص و شادی، با بی‌حجابی همگانی زنان، و رقص مشترک آنها، هلهله شادی و ترانه‌خوانی مشترک زنان و مردان، حکومت جهل و خفقان را غافلگیر کرد. برای مدتی آگاهانه عقب‌نشینی کرد، سکوت کرد و در لاک خود خزید و توان کنترل حضور ده‌ها هزار مردم در خیابان و میدان‌های شهرها و روستاها را عملاً از دست داد.

تیراندازی مأمورین سرکوبگر حکومت اسلامی به مراسم و جشن سال نو در کرمانشاه از روی عجز و ناتوانی است. الان که فضای مراسم و جشن‌ها به نسبت دو هفته گذشته کمتر شده و حکومت اسلامی

با حضور ده‌ها هزار مردم طرف‌دار شادی و رقص روبرو نیست، از روی اجبار اعلام کرده که ”هرگونه تجمع بزرگ و جشن عمومی مربوط به نوروز منوط به کسب مجوز است“ و عاجزانه اعلام کرده‌اند؛ برپایی تجمع عمومی به مناسبت نوروز در نقاط مختلف کار گروه‌های ”وابسته و خارج‌نشین“ است که ”با تشویق به برگزاری مراسم رقص مختلط“ به دنبال ”تشدید شکاف و اختلاف بین مردم، اقوام و مذاهب مختلف“ هستند.

حکومت اسلامی به‌خوبی می‌داند، آنچه در سه هفته گذشته اتفاق افتاد، پس‌زدن چادر خفقان بود، لگدمال کردن مذهب و دست رد به تبعیض جنسی و آپارتاید جنسیتی بود. پیشروی بی‌حجابی همگانی و نشانی از عشق و علاقه مردم به همدیگر بود و مردم فراموش نمی‌کنند، در ششمین روز اول

سال نو، چند کولبر من جمله دو کودک کولبر در
مرز مریوان کشته شدند. سال نوی سوخت بران هم
با کشته شدن ۱۴ سوخت بر و مجروح شدن ۱۰
سوخت بر با رنگ خون قرمز شد.

سه هفته پیش روی علیه حکومت جنایت کار اسلامی،
پیام خوب و محکم مردم تا تحقق سرنگونی است.

چهارشنبه ۸ فروردین ۱۴۰۳

۲۷ مارس ۲۰۲۴

نابودی نیروهای سپاه در سوریه

توسط اسرائیل

کاظم نیکخواه

حمله به چندین سایت نظامی مرتبط با سپاه پاسداران در سوریه در روز هفتم فروردین دستکم ۳۰ کشته و ده‌ها زخمی بر جای گذاشت. یکی از افراد کشته شده، سرلشکر بهروز واحدی از فرماندهان شناخته شده سپاه پاسداران است. او به دلیل فرماندهی قتل عام بی‌رحمانه ساکنین شهر حلب در جریان سرکوب خونین اعتراضات مردم سوریه در سال ۲۰۱۴، به "قصاب حلب" شهرت داشت. یک مقام امنیتی اسرائیل گفته است این حمله پاسخی به تلاش سپاه پاسداران برای ارسال سلاح به کرانه

باختری بود. بنا به گزارش‌ها درست بعد از به زمین نشستن هواپیمای حامل سلاح‌های پیشرفته در این منطقه، هواپیماهای اسرائیلی به بمباران و حملات شدیدی دست زدند که این هواپیما و کل پایگاه را نابود کردند. گفته می‌شود که این حمله از نظر شدت و ابعاد و دقت، از عملیات بی‌سابقه اسرائیل در سوریه است. خبرگزاری مهر و دانشجو روز سه‌شنبه، کشته‌شدن یکی از مستشاران سپاه پاسداران در این حملات با نام بهروز واحدی را تأیید کردند؛ اما به قتل دیگر نیروهای سپاه اشاره نکردند.

حکومت اسلامی از طریق نیروهای نیابتی چنگال‌هایش را در کشورهای مختلف منطقه نظیر سوریه و لبنان و عراق و یمن گسترده است و از این

طریق در منطقه اعمال نفوذ می کند. این حکومت به یک ستون ارتجاع در منطقه تبدیل شده است. اما همین گستردگی نیروهایش آن را به شدت ضربه پذیر کرده است. نه فقط هر روز چند تن از فرماندهان و نیروهایش توسط اسرائیل به قتل می رسند، بلکه اعتراضات اجتماعی علیه حکومت اسلامی در بیشتر این کشورها گسترش یافته و گاهگاه اوج می گیرد و این اعتراضات به ویژه در عراق و لبنان با اعتراضات و انقلاب در ایران برای سرنوشتی حکومت اسلامی پیوند یافته است. جمهوری اسلامی اکنون در بیشتر کشورهای منطقه یک نیروی مخرب و منفور تلقی می شود و خواست بیرون راندن آن از این کشورها بسیار وسیع است. اوج گیری اعتراضات در هر کدام از این کشورها علیه حکومت اسلامی بر فضای اعتراضی علیه

حکومت در دیگر کشورها تأثیر فوری و مستقیم دارد. به عبارت دیگر سرنگونی حکومت اسلامی یا نیروهای وابسته به آن در هر کدام از این کشورها به جارو کردن آن در همه کشورها گسترش خواهد یافت. این واقعیت را در بازتاب انقلاب زن زندگی آزادی در کشورهای منطقه شاهد بودیم و باتوجه به فضای نفرت و انزجار از حکومت و بحران‌های سیاسی در منطقه، بدون تردید در سال جدید شاهد گسترش این اعتراضات و خیزش‌ها خواهیم بود.

چهارشنبه ۸ فروردین ۱۴۰۳

۲۷ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۹۰

۲۸ مارس ۲۰۲۴ - ۹ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

زندانیانی که تنور انقلاب را گرم نگه داشته اند

سیما بهاری

۶۰ سال زندان برای فعالان حقوق زن در گیلان

سینا پدرام

نه به قصاص قاتل مهران سماک عزیز

یاشار سهندی

قاتل مهران سماک به قصاص محکوم شد

مصاحبه با حسن صالحی

کمپین مالی حزب

لیست شماره ۵

زندانیانی که تنور انقلاب را گرم نگه داشته اند

سیما بهاری

جمعی از زندانیان سیاسی که در روزهای سه شنبه چند هفته گذشته در اعتراض به احکام اعدام در اعتصاب غذا به سر میبرند، طی بیانیه ای تأکید کردند که: ”در سایه همبستگی، تحقق حاکمیت مردم بر ایران، دور نیست.“

معمولا زندان نماد قدرت حاکمیت در همه جاست. دولتها در زندانها قدرت نمایی میکنند. حکم میدهند و حکمشان در آنجا لازم الاجراست. در ایران قدرت و جایگاه زندانها بارها چهره کثیف و خبیث حاکمیت را به نمایش گذاشته است. احکامی که اجرا شده

و در خیلی موارد هنوز "مجرم" نمیدانسته "جرمش" چیست. هر زمان که لازم دارند، "گردنی برای طناب دارشان" پیدا میکنند و "جرمی" هم میتراشند.

انقلاب زن زندگی آزادی اما معادلات زیادی را به هم زده است. دیگر حکومت نمیتواند به راحتی آدم بکشد. برایش هزینه بردار است. با مردمی طرف است که ترسشان ریخته و عقب نمی نشینند. یادمان نرفته که سال گذشته رستورانها و مراکز تفریحی زیادی را به خاطر حجاب و عفاف پلمب کردند. حتی پل عابر پیاده را بستند زیرا زنان بی حجاب از روی آن عبور میکردند!! مگر مردم کوتاه آمدند؟ نه! حالا پلمب بعد از پلمپ به خاطر روزه خواری انجام میشود. باز هم کوتاه آمدنی در کار نیست. خودیهایشان میگویند امسال بیشترین روزه خواری

در ملأ عام را شاهد بوده اند.

این تغییر توازن قوا را به روشنی در زندانها هم شاهدیم. از زندانها (همان کانونهای قدرت حکومت) و "زنان سلیطه"، همانها که حکومت را در خیابانها عاصی کرده اند، تا همه بخش های جامعه دست به اعتراض می زنند. حالا این زندانیان سیاسی که بیانیه ای سرشار از امید به فردای روشن منتشر کرده اند و از "تحقق حاکمیت مردم" در "سایه همبستگی" میگویند.

اینها تصورات عده ای محدود نیست. اینها رؤیاهای واقعی بخش گسترده ای از مردم است که انقلاب زن زندگی آزادی را زنده نگه داشته اند. این رؤیاها از دیوارهای زندان پرواز کرده اند، از شهرها و خیابانها

در ایران گذر کرده اند و با صداهای مثل خودشان
در خارج از مرزهای ایران آمیخته اند و با هم برای
سرنگونی حکومت اعدام یک صدا شده اند.

امروز دیگر کانونهای اعتراض فقط کارخانه ها
و دانشگاهها و مدارس نیستند. امروز زندانها هم
مراکزی برای مبارزه با دیکتاتور و جمهوری اعدامی
هستند. صداهای داخل زندان به ما دلگرمی میدهد
و صداهای خارج زندان به زندانیان امید میبخشد.
تمامی این فعالیتها، انقلاب زن زندگی آزادی را
زنده نگه میدارد و به پیش میبرد. زنده باد قدرت
همبستگی ما!

پنجشنبه ۹ فروردین ۱۴۰۳

۲۸ مارس ۲۰۲۴

۶۰ سال زندان برای فعالان حقوق زن در گیلان

سینا پدram

”این حکومت مرتجع دشمن شماره یک زنان آزادیخواه است.“ واکنش گوهر عشقی در مقابل صدور احکام.

خبرگزاریهای مختلف به نقل از وکلای ۱۱ فعال حقوق زنان در استان گیلان که مرداد ماه سال گذشته بازداشت شده بودند، خبر داده‌اند که این فعالان حقوق زنان در مجموع به بیش از ۶۰ سال زندان محکوم شده‌اند.

جبن و زبونی غیر قابل وصفی در صدور این احکام

هست که باید واقعا به شکل مجزایی بررسی شود. حقارتی در صدور چنین احکام وجود دارد که جایی هیچ تردیدی به جا نمی گذارد که تمامی دم و دستگاه قضایی رژیم سراسیمه تمام توان خود را به کار گرفته است تا مانع ادامه انقلاب زنانه ایران شوند. پنداری واهی که حتی ایدیولوگها و سرکرده های رژیم هم نمیتوانند پشت هیچ نقاب یأس و ناامیدی خود را از سیاست سرکوب خود پنهان کنند.

دستگاه قضایی رژیم یعنی دستگاه حمایت از اختلاسگران، زمین خواران، جنگل خواران و دزدان حرفه ای بیت رهبری و شرکا. همین دستگاه جزئی از ارگانهای سرکوب مردمی است

که چیزی جز عدالت، آزادی و برابری خواسته و مطالبه ای ندارند. این احکام نمونه بارز نقض حقوق زنان و همه شهروندان در ایران است.

به گزارش سازمان حقوق بشری ههنگاو، در سال گذشته حداقل ۲۲ زن در زندان‌های جمهوری اسلامی اعدام، ۳۲۵ فعال زن بازداشت و ۱۴۷ کنشگر زن نیز به حبس، شلاق و اعدام محکوم شده‌اند. همچنین در این گزارش آمده که ۱۳۹ تن از فعالان زن در مجموع به بیش از ۵۵۳ سال حبس و ۱۰ نفر از آنها هم جمعاً به ۵۵۷ ضربه شلاق محکوم شده‌اند.

این احکام تنها نشانه فساد قضایی و استانداردهای

دوگانه آن نیست. بلکه بیشتر از هر موردی ترس و هراس رژیم از انقلابی است که تمامی منافذ حیات اجتماعی سیاسی مردم ایران را تسخیر کرده است. این گستاخی بی شرمانه با اعتراضات بیشتر مردم ایران جواب خواهد گرفت. این کنشگران دلیر باید بدانند که تک تک ما صدای آنان خواهیم بود. این را قول می‌دهیم.

پنج‌شنبه ۹ فروردین ۱۴۰۳

۲۸ مارس ۲۰۲۴

نه به قصاص قاتل مهران سماک عزیز

یاشار سهندی

”جعفر جوانمردی“، فرمانده منطقه انتظامی بندر انزلی، در رابطه با پرونده قتل مهران سماک، جوانی که در شب باخت تیم ملی فوتبال به امریکا، برای ابراز شادی از باخت این تیم به خیابان آمده بود و هدف شلیک این فرمانده از ناحیه سر قرار گرفته بود، برای سومین بار در بیدادگاه‌های حکومت اسلامی این بار از نوع نظامی آن محکوم به ”قصاص“ شده است. برادر مهران سماک خبر داده است که بزودی حکم اجرا می‌گردد.

طی یک سال گذشته جمهوری اسلامی عاجز از این بود که زندانیان سیاسی را به مانند دهه شصت بی پروا

به قتل برساند؛ تحت پوشش اجرای قصاص عزیزی
مانند مهدی کرمی، محمد حسینی، مجید رضارهنورد
را به قتل رساند.

قصاص یکی دیگر از شنیع‌ترین قوانین اسلامی
است. اکنون جمهوری اسلامی حاضر شده است
یکی از مهره‌های سرکوب خود را از بین ببرد، تا
شاید اینگونه مبارزه علیه اعدام را مخدوش سازد و
درعین حال خانواده جان باختہ‌ای را به بازی خبیثانه
خود بکشانند. از سوی دیگر مثلاً می‌خواهد نشان دهد
که خود به جنایت خود رسیدگی می‌کند! جمهوری
اسلامی در تدارک یک جنایت دیگر است، اینبار
اما این جنایت را می‌خواهد به اسم خانواده دادخواه
انجام دهد.

جمهوری اسلامی بر اصرار خود بر اجرای "قصاص" مهره سوخته خود، در صدد توجیه همه اعدام‌های تا کنونی است. مبارزه علیه نفس اعدام اکنون بسیار مهم‌تر از هر زمان دیگر است. زندانیان در روزهای سه‌شنبه هر هفته با اعتصاب غذا در زندان‌ها علیه اعدام دست به اعتراض زده‌اند. این حرکت اعتراضی در حال گسترش است، در اولین سه‌شنبه سال جدید، ۷ فروردین ۱۴۰۳، علاوه بر زندانیان در زندان‌های قزل‌حصار، اوین، مشهد و خرم‌آباد، تعدادی از زندانیان محبوس در زندان‌های خوی و نقده نیز به این اعتصاب‌غذای هفتگی پیوسته‌اند.

تلاش جمهوری اسلامی برای قتل مأمور خود، در واقع سعی حکومت اسلامی برای سرکوب مبارزه علیه اعدام است. در همین راستا، خطر وقوع اجرای

حکم قاتل مهران سماک اهمیت مبارزه علیه قانون
قصاص را بار دیگر به ما یادآور می‌شود. جمهوری
اسلامی تحت این عنوان جنازه‌های بیشماری روی
دست مردم ما گذاشته است. این قانون ضدانسانی،
این ابزار سرکوب، باید از دست او گرفته شود.

یکی از جلوه‌های باشکوه انقلاب زن زندگی آزادی
مبارزه علیه اعدام با شعار ”نه به اعدام“ است.
این انقلاب به دنبال زندگی است، قصاص علیه
نفس زندگی است نه اجرای عدالت؛ و عدالت با
انتقام‌جویی بهیچوجه سر سازگاری ندارد.

پنج‌شنبه ۹ فروردین ۱۴۰۳

۲۸ مارس ۲۰۲۴

قاتل مهران سماک به قصاص محکوم شد

مصاحبه با حسن صالحی

سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام

دادگاه نظامی حکم قصاص فرد متهم به قتل مهران سماک را تأیید کرد. حکم قصاص در این پرونده در دی‌ماه گذشته توسط دیوان عالی کشور نقض و به شعبه هم‌عرض ارسال شده بود.

مهران سماک هشتم آذر ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات پس از باخت تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی در برابر آمریکا جان باخت. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، او در حال بوق‌زدن به نشانه اعتراض بود که در خودروی خود در بندر

انزلی از ناحیه سر هدف شلیک گلوله مأموران
نیروی انتظامی قرار گرفت.

کیوان جاوید: از نتیجه این حکم راضی هستید؟

حسن صالحی: راضی؟! من وقتی راضی می‌شوم
که فرمانده پلیسی که با شلیک گلوله، مهران
عزیز ما را به قتل رساند و همه فرماندهان بالاتر
او که مجوز تیراندازی به معترضین را داده بودند،
و قاضیان مرگی که برای جوانان آزادیخواه ما
حکم اعدام صادر کرده‌اند و همینطور رئیس قوه
قضائیه رژیم که دستگاه آدمکشی است و رئیس
و نمایندگان مجلس اسلامی که قوانین ضدبشری

علیه شهروندان تصویب می‌کند و رئیس‌جمهوری که عضو هیئت مرگ کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ بوده است و خامنه‌ای که رئیس دزدان و جنایتکاران است و همه سرکردگان و عوامل حکومتی که در جنایت ۴۵ ساله علیه مردم ایران نقش داشته‌اند در دادگاه‌های ذیصلاح با موازین انسانی و عادلانه دادرسی، به‌دور از مجازات ضدانسانی اعدام و قوانین قرون وسطایی قصاص، محاکمه شوند و حساب پس بدهند. جمهوری اسلامی زیر فشار جنبش دادخواهی و اعتراضات بین‌المللی می‌خواهد یکی از فرماندهان خود را احتمالاً قربانی کند تا فشار را از روی خود دفع کند. این عدالت نیست این فرار از عدالتی است که ما برای همه آنها می‌خواهیم.

کیوان جاوید: شما سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام هستید. یعنی مخالف هر اعدام به هر دلیلی. آیا با مخالفت با این اعدام همسو با قاتل نمی‌شوید؟

حسن صالحی: نه به هیچ وجه. چرا که ما نمی‌خواهیم خون را با خون و قتل را با قتل جواب دهیم. این جمهوری اسلامی است که با قوانین متحجرانه قصاص خود مجازات انتقام‌جویانه را هر چه بیشتر باب کرده است. ما می‌خواهیم که همه کسانی که دستشان به خون مردم ایران آغشته است بطور عادلانه محاکمه شوند و مجازات شوند. شما وقتی که با اعدام مخالف هستید دیگر نمی‌توانید استثنایی قائل شوید. دوراهی "قصاص نفس" و بخشش یک

دوراهی است که جمهوری اسلامی برای ما آفریده است. راه سوم این است که قاتل به دلیل قتل به حبس محکوم شود و تا زمانی که برای جامعه تولید خطر می کند از آن دور نگه داشته شود.

کیوان جاوید: خانواده جان باخته مهران سماک که درد سنگینی را متحمل می شوند چرا باید با شما که مخالف اعدام این جنایتکار هستید موافق باشند؟

حسن صالحی: از قضا بسیاری از خانواده های دادخواه از مخالفان پروپاقرص اعدام و قتل حکومتی هستند. چرا که عزیزان آنها خود قربانیان این جنایت حکومتی بوده اند. دادخواهان بر خواست

خود یعنی دادخواهی و اجرای عدالت اصرار دارند ولی نمی‌خواهند که این عدالت با اعدام اجرا شود. خواست بسیاری از آنها پایان‌دادن به جنایت و قتل حکومتی در فردای ایران است تا از تکرار جنایاتی که در دهه‌های گذشت توسط دولت‌های مستبد در ایران انجام گرفته جلوگیری کنند. امیدوارم خانواده‌های مه‌ران سماک هم در زمره چنین دادخواهانی باشند.

کیوان جاوید: مخالفت ساختاری و اصولی شما علیه مجازات اعدام را چگونه توضیح می‌دهید؟
حسن صالحی: ما می‌گوییم اعدام برای هر که باشد و به هر دلیلی که باشد باید ممنوع گردد. اعدام یعنی سلب حق حیات و این حق جزء پایه‌ای‌ترین

حقوق انسانی است. جسم و روان انسان باید از هر گونه تعرض جسمی و روحی در امان باشد. حکومتی که دست به اعدام می‌زند دشمن انسان و زندگی است. این دلیل اصلی مخالفت ما با اعدام است. در عین حال اعدام قبل از اینکه مجازاتی باشد، ابزار دولت‌ها برای کنترل شهروندان و وسیله‌ای برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه است. اعدام ابزار سرکوب شهروندان است که مطیع و فرمانبردار باشند و حق خود را نخواهند. به این دلایل و البته دلایل بیشتری ما خواهان ممنوعیت اعدام هستیم.

پنج‌شنبه ۹ فروردین ۱۴۰۳

۲۸ مارس ۲۰۲۴

کمپین مالی حزب

لیست شماره ۵

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع آوری حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای تأمین بخشی از نیازهای مالی حزب (و از جمله کانال جدید) در طول یک ماه گذشته معادل ۱۰۲۱۳۰ دلار آمریکا جمع آوری شد. لیست دوستانی که کمک کرده‌اند نیز هر هفته اعلام شده است. از تمام عزیزانی که تاکنون به کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی می‌کنیم. از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه‌ای آزاد و برابر و خوشبخت می‌تپد و از همه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در داخل و بویژه خارج کشور

دعوت می‌کنیم به حزب کمک کنید. کمک‌های شما، به هر میزان مایه افتخار و اتکای این حزب است.

لیست شماره ۵

خبات مجید ۵۰۰ دلار کانادا - حسن زرهی ونسیرین
الماسی ۱۰۰ دلار کانادا - علی و ۲۵۰ دلار کانادا
شاهو علیپور ۲۰۰ دلار کانادا - فریدون صارمی
۳۰۰ کرون - یک دوست از مالمو ۵۰۰ کرون -
لادن بازرگان ۱۵۰ دلار آمریکا (کمک به کانال
جدید) - اسماعیل آبادانی ۱۰۰ دلار کانادا - گلوریا
یزدانی ۱۰۰ دلار کانادا - مسعود یوسفی ۵۰ دلار
کانادا - فرح ناظمی ۱۰۰ دلار کانادا - ناهید پرشون
۱۰۰۰ کرون - غلام زیلالی ۵۰۰ کرون - جمعی
از دوستداران حزب در ونکوور ۱۰۰۰ دلار کانادا -

لیلا بابایان ۵۰۰ کرون - آریف باختری ۳۰۰ کرون
- حمید مکوندی ۱۰۰ دلار آمریکا - لیلا شعبانی
۵۰ یورو - واله زمانی ۱۰۰ یورو - رضام ۱۰۰ دلار
کانادا - پروین صدري ۱۰۰ یورو - مصطفی بیستون
۱۰۰ دلار کانادا - ابی خطایی ۱۰۰۰ کرون - عباس
سعیداوی ۲۰۰۰ دلار استرالیا - سیامک فارس ۵۰
یورو - جمال زمانی ۳۰ یورو - حمید ابراهیم پور ۲۰
یورو - عبدالرضا حسینی ۵۰۰ کرون - سینا پدرام
۱۵۰۰۰ پوند - بیژن محسنی ۵۰ دلار کانادا -
ارژنگ ۵۰ دلار کانادا - پری از ونکوور ۱۰۰ دلار
کانادا - صادق ۳۰۰ کرون - شیرین ۵۰۰ کرون
- معصومه ۱۰۰۰ کرون - ابوذر صلح جو ۲۰۰۰
کرون - پورنگ ۱۰۰۰ دلار آمریکا - غلام زیلایی
۵۰۰ کرون - نازنین صدیقی ۵۰۰ کرون - عثمان
حسین زاده - ۵۰۰ اکبر مرادیانی - عبدالله اسدی

۵۰۰ کرون - محسن شاهرخي ۳۰۰ کرون - غلام
نارکي ۳۰۰ کرون - فهيمه اسماعيلي ۳۰۰ کرون

کمک از ايران

مصطفی کارگر ۲۰ دلار آمريکا - جمع سه نفره رزا
۳۰ دلار آمريکا - زهرا از طريق کانال جديد ۱۰
دلار آمريکا

جمع لیست پنج ۲۵۱۵۰ دلار آمريکا
جمع کمک تاکنوني ۱۰۲۱۳۰ دلار آمريکا

پنجشنبه ۹ فروردین ۱۴۰۳

۲۸ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۹۱

۳۰ مارس ۲۰۲۴ - ۱۱ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

خون شویی حسن روحانی

محسن ابراهیمی

ساخت توالت عمومی بجای مسجد

کیوان جاوید

جاده‌های مرگ

سینا پدرام

دفاع از حقوق زنان به سبک حکومت عربستان

پتی دبونیتاس

پاپ و نمایش شستن و بوسیدن پای زنان

شهاب بهرامی

خون شویی حسن روحانی

محسن ابراهیمی

حسن روحانی در دیدار با اعضای تحریریه روزنامهٔ اعتماد به آنها گفته است که تعیین وزیران بدون استئنا با ”رهبر“ چک و هماهنگ می‌کرد. وزیرای کشور، امور خارجه، اطلاعات، آموزش و پرورش، علوم، ارشاد، دفاع و رئیس سازمان انرژی اتمی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، همگی ”پس از“ هماهنگی با نظر ”رهبر“ معرفی یا انتخاب می‌شدند و در هر دو دولت، رهبر جمهوری اسلامی موافقت خود را با انتصاب محمدجواد ظریف به وزارت امور خارجه اعلام کرد!

آیا گوشه‌ای از زندگی مردم را می‌توان پیدا کرد که یکی از این وزرا در تباه کردنش نقشی بلاواسطه نداشته باشد؟ می‌دانیم که اینها مسئول مستقیم تباهی زندگی مردم، مسئول مستقیم فساد و دزدی و قتل و کشتار مردم بوده‌اند. به این اعتبار اظهارات حسن روحانی به سادگی یعنی اینکه جناب رهبر خودش هم در همه این وضعیت نقش اصلی را داشته است.

این اظهارات حسن روحانی دقیقاً شبیه اظهارات همه رؤسای جمهور قبلی حکومت است و اهداف مشابهی دارد منتهی در شرایطی کاملاً متفاوت با دوره‌های گذشته. هدف، خون شویی از دستان خود و جناح و دارودسته خود در شرایطی است که در داخل ایران، شبخ انقلاب زن زندگی آزادی بالای

سرشان چرخ می‌زند و در جهان، طنین "جنایت علیه بشریت" توسط حکومت اسلامی "از شورای حقوق بشر سازمان ملل به گوش می‌رسد.

این از ویژگی‌های حکومت اسلامی است که سرانش باهم می‌چاپند؛ باهم دزدی می‌کنند؛ باهم جنایت می‌کنند؛ به‌خاطر سهم بیشتر از چپاول به جان همدیگر می‌افتند؛ هر وقت هم لازم شد دزدی همدیگر را رو می‌کنند و البته همه رؤسای جمهورش بدون استثنا، رؤسای جمهور پیش از خود را مسئول فقر و بیکاری و تورم و اوضاع فلاکت‌بار مردم معرفی می‌کنند و خامنه‌ای هم که رئیسشان است هر وقت دهانش را باز می‌کند انگشت اتهام را به‌سوی مقامات و رؤسای جمهور قبلی نشانه می‌رود!

از نظر خالقان انقلاب زن زندگی آزادی، این اظهارات
حسن روحانی نشانه دیگری از رعشه‌های مرگ
نظامشان است که بر تن و جان سران حکومت افتاده
است و در سرایشی سقوط به سروصورت همدیگر
چنگ می‌زنند. مردم با انقلابشان علیه کل نظام اعلام
کرده‌اند که برایشان مهم نیست باندهای درون
حکومت چه عنوان و چه لقبی روی خود می‌گذارند
و چطور به هم می‌پرند، مهم این است که مردم
انتخاب کرده‌اند همه آنها و در رأس آنها خامنه‌ای
را ساقط و کل عمارت اسلامی را ویران کنند.

شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۳

۳۰ مارس ۲۰۲۴

ساخت توالت عمومی بجای مسجد

کیوان جاوید

ساخت مسجد در پارک قیطریه، از قدیمی‌ترین پارک‌های تهران، توسط شهرداری تهران موجب نگرانی و اعتراض بسیاری شده است.

پس از آنکه کارزاری توسط برخی فعالان محیط زیست، معماران شهری و اعضای شورای شهر نیز برای حفظ این بوستان و جلوگیری از ساخت مسجد در این مکان شده است، عبدالمطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری تهران می‌گوید که این مسجد به دلیل "مطالبات مردمی از سال‌ها پیش"، ساخته می‌شود.

در کنار اعتراض به تخریب محیط زیست، مسائل
عدیده دیگری نیز وجود دارد که باید با ساخت
مساجد مخالفت کرد. طبق گفته فعالین محیط زیست
حداقل ۱۵ درخت قدیمی و تنومند باید قطع شوند
تا این مسجد در این پارک ساخته شود.

در محیطی که قرار است جای تمدد اعصاب و محل
آرامش و تفریح مردم باشد، مسجد می سازند تا
با صدای گوشخراش قرآن و نعره های تنفربرانگیز
اذان حال مردم را بهم بزنند و یک بار دیگر به مردم
یادآوری کنند که دین و حکومت اسلامی دشمن
همه است و پیامشان این است که تحت هیچ شرایطی
نمی خواهند مردم نفسی به راحتی بکشند. پیام این
فسیل های عصر تاریک اندیشی به جامعه ای که

زیر بمباران ارتجاع اسلامی قرار دارد این است که بی‌وقفه تلاش می‌کنیم تا آرامشی هر چند موقتی و نسبتی را از شما بگیریم.

ساختن مسجد برای جمهوری اسلامی یک حرکت اعتقادی اسلامی نیست. در اصل یک نبرد سیاسی با مردم است. مردم ایران در یک حرکت خودجوش سراسری تنفرشان را از مساجد و حکومت مذهبی عیان کرده‌اند. خالی‌شدن بیش‌ازپیش و بی‌وقفه مساجد یک نمونه مبارزه سیاسی و فکری-فرهنگی مردم با ارتجاع اسلامی حاکم است و این نبرد سیاسی می‌رود که جامعه ایران را به یکی از ضد مذهبی‌ترین جوامع در دنیا تبدیل کند.

حکومت اسلامی به‌عبث فکر می‌کند با ساختن

مسجد می‌تواند سدی در برابر این هجوم مردم به مذهب، خصوصاً اسلام ایجاد کند. اما هر تعرض به زندگی مردم با مبارزه همه‌جانبه‌تری با کل موجودیت جمهوری اسلامی روبرو می‌شود. در اعتراض به ساخت مساجد که هزینه‌اش از جیب مردم دزدیده می‌شود تا کاظم صدیقی‌های بیشتری به ثروت‌های نجومی دست پیدا کنند، باید به تمام وجود مقابله کرد. بجای مسجد باید توالت عمومی ساخت تا واقعاً بدرد شهروندان بخورد.

شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۳

۳۰ مارس ۲۰۲۴

جاده‌های مرگ

سینا پدرام

بنا به گفته یک مقام انتظامی در عرض یک هفته ۶۱۷ نفر در تصادف‌های نوروزی کشته شده‌اند. به گفته این مقام بیشترین تصادف‌ها در استان سیستان و بلوچستان رخ داده است.

به نظر می‌رسد، در ایام نوروز این به یک سنت تراژیک و تلخ تبدیل شده است که به جای شادی و تفریح، ایام عید تبدیل به یک عزاداری بزرگ شود. مرگ بیش از ۳۵ هزار نفر در سال در سوانح رانندگی یک فاجعه آشکار است. فاجعه‌ای که هر سال تکرار می‌شود.

دلایل واقعی این سوانح سال‌هاست که دانسته خاص و عام است؛ ولی هیچ بخشی از حکومت حاضر نیست برای حل این معضل بزرگ، کوچک‌ترین تدبیری بیندیشد. غیره از این هم انتظاری نباید داشت.

تولید اتومبیل‌های غیراستاندارد به عنوان خودروهای ملی یکی اصلی‌ترین دلایل میزان مرگ‌ومیر در جاده‌های ایران است. جاده‌های خطرناک که با هیچ یک از استانداردهای جاده‌سازی علمی طراحی نشده‌اند، دلیل شاید پایه‌ای‌تری باشد. جاده‌هایی با علامت‌گذاری‌ها و خط‌کش‌ها ناکافی که نه تنها کمکی به رانندگان نمی‌کنند؛ بلکه باعث سردرگمی آنان نیز می‌شود.

رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی بخشی از فرهنگ

عمومی هر کشوری محسوب می شود. در کشورهایی که به لطف مبارزات مردمی در طول تاریخ احترام به انسان و انسانیت به حاکمین تحمیل شده است، قوانین رانندگی مدرن و منطبق بر شرایط اقلیمی این کشورها به یک نرم اجتماعی تبدیل شده است.

رژیم اسلامی خودمانعی در مقابل مردم برای برقراری قوانین راهنمایی و رانندگی متناسب با جغرافیای ایران است. عدم دسترسی مردم به خودروهای مناسب و استاندارد و نبود زیر ساخت مناسب با وجود این رژیم همچنان قربانی خواهند گرفت.

شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۳

۳۰ مارس ۲۰۲۴

دفاع از حقوق زنان به سبک حکومت عربستان

پتی دبونیتاس

روز چهارشنبه ۸ فروردین - ۲۷ مارس، کمیسیون وضعیت زنان سازمان ملل متحد به اتفاق آراء، عربستان سعودی را به ریاست شصت و نهمین نشست خود که از سال ۲۰۲۵ شروع می‌شود منصوب کرد. عبدالعزیز الوصل، سفیر عربستان در سازمان ملل، پس از پیشنهاد رئیس فعلی فیلیپینی از ۴۵ عضو کشورهای آسیا - اقیانوسیه که در حال حاضر عضو این کمیسیون هستند بدون هیچ مخالفتی تأیید شد. بلکه هیچ اعتراضی نشد. فقط یک جمع مضحک از مخروبه‌ها و ارتفاعات رفیع سازمان ملل وانمود می‌کند که می‌خواهد مدافع برابری جنسیتی باشد. در مقابل تصمیم و "عقل جمعی" این بازیگران تئاتر

بلاهت باید گفت شرم دیگر متاع قابل خریدی در بازار شما نیست.

واقعاً آیا کسی فکر می‌کند که عربستان سعودی واجد شرایط برای رهبری چنین مجمعی است؟ به‌یقین این میلیاردها دلار پول نفت آنها است که سخاوتمندانه در میان کسانی که نفس خود را در این رأی‌گیری حبس کردند پخش می‌شود. قطعاً این سابقه دفاع از حقوق زنان؟! عربستان نیست.

“قانون احوال شخصیه” عربستان سعودی که در سال ۲۰۲۲ بر اساس شریعت تدوین شد؛ مانند کتاب راهنمای برده‌داران عمل می‌کند. به این معنا که این قانون مرد را در هر جنبه و مرحله از زندگی به‌عنوان قیم زنان تعیین می‌کند. تهوع‌آور است. اما

مسلمانان این انتخاب فقط برای کسانی که به حقوق زنان اهمیت می‌دهند، مایه افسوس و عصبانیت و اعتراض است و نه برای اعضای سازمان ملل. یک‌بار دیگر کشورهای عضو سازمان ملل وظیفه زنجیر کردن پای زنان را به جا آورده و با افتخار دست محبت بر شانه یکدیگر کشیدند. کف بزنیم.

یادمان باشد در دسامبر ۲۰۲۲، رژیم اسلامی ایران تنها چند ماه پس از پیوستن به این کمیسیون به دلیل قتل مهسا امینی و قیام مردم، از کمیسیون اخراج شد. متأسفانه، عربستان سعودی هنوز با مبارزات داخلی عقب رانده نشده است؛ بنابراین هنوز دلارهای فراوانی برای خرج کردن دارد. سیاستمداران، فیفا، شرکت‌ها، بوکسورها و فوتبالیست‌ها همگی برای بوسیدن دست‌ها و سایر اعضای بدن سعودی‌ها به

دنبال صندلی‌های جلو هستند.

این کمیسیون کذایی سازمان ملل که بانام ”پیشرفت و دفاع از زنان“ تأسیس شده است در بد منجلاپی گرفتار آمده است؛ بنابراین چاره کار مثل همیشه باید در خیابان جستجو شود. جایی که زنان با کمک همه مردان آزادیخواه و مدافع حقوق زنان در انقلابی چون ”زن زندگی آزادی“ عمل کرده‌اند. جایی که زنان در صف مقدم همه کسانی قرار گرفته‌اند که برای آنچه همیشه حقشان بوده است مبارزه می‌کنند و آن را بدست می‌آورند: برابری و آزادی کامل.

شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۳

۳۰ مارس ۲۰۲۴

پاپ و نمایش شُستن و بوسیدن پای زنان

شهاب بهرامی

پاپ فرانسیس، رهبر کلیسای کاتولیک در مراسم پنج‌شنبه مقدس قبل از عید پاک، پای ۱۲ زن زندانی را در رُم شست و بوسید.

اینکه تأثیر و پژواک انقلاب عظیم زن، زندگی، آزادی، به گوش پاپ خورده است تا این نمایش مذهبی را اجرا کند، معلوم نیست، اما آنچه که احساس می‌شود تلاش کلیسای کاتولیک برای "به‌روزشدنش" با شرایط دنیای امروز، به‌ویژه در دوره اقتدار پاپ فرانسیس بوده است. در همین دوره ده‌ساله پاپ شدن آقای فرانسیس، دربار

واتیکان، وجود مهبانگ یا بیگ بنگ را پذیرفت، نظریه تکامل داروین را مغایر با تعالیم مسیح ندانست، اعلام کرد که داستان بهشت و جهنم از نظر کلیسای کاتولیک واقعی نیست. مجبور شد از مواضع ارتجاعی و ضدانسانی خود در رابطه با دگرباشان جنسیتی کوتاه بیاید و ازدواج آنان را با اکراه بپذیرد.

پاشنه آشیل واتیکان اما و کماکان تجاوز به دهها هزار کودک، توسط اولیای کلیسا طی سالیان متمادی است. کلیسای کاتولیک متهم به پاکسازی قومی سرخپوستان کانادا از طریق ربودن کودکان سرخپوست، همچنین تهدید خانوادهها برای جداسازی کودکان از والدینشان

و فرستادن به پانسیون‌های مذهبی جهت "اصلاح و تربیت"، اما در واقعیت امر، سربه‌نیست کردن آنها بودند و این جنایات فجیع تا اواسط قرن بیستم ادامه داشته است.

امروز جناب پاپ متهم است که سالیان دراز، مانع علنی شدن نام مقامات بالای کلیسای کاتولیک در این پرونده شده و تلاش کرده بر این جنایات سرپوش بگذارد. علاوه بر این پرونده همکاری‌های نزدیک مقامات کلیسا با فاشیست‌های ایتالیا و آلمان نازی در ده‌های سی و چهل میلادی همچنان باز بوده و تلاش می‌شود تا واتیکان اسناد محرمانه همکاری با رژیم‌های فاشیستی هیتلر و موسلینی را علنی کند.

جناب فرانسیس همچنین متهم است که در دوران جوانی از طرفداران فاشیست‌های آرژانتین بوده و در زمان کشیش بودنش با حکومت نظامیان آن کشور بین سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ همکاری داشته و از دوستان نزدیک دیکتاتور نظامی، "خورخه رافائل ویدلا" بوده است. در آن سالهای وحشت، بین بیست تا سی هزار نفر از فعالین اتحادیه‌های کارگری، فعالین چپ و سوسیالیست توسط نظامیان ربوده شده و به قتل رسیدند.

ماجرای شستن پای زندانیان زن، جدای از عوام‌فریبی آشکار مذهبی، شستن خاطره جنایات بیشمار کلیسا در طول حیات منحوسش بوده

است. شستن پای زنان نگون‌بخت در صحن علنی،
فرانسیس شاید به قدرت اعتراضات جهانی زنان
در بدست آوردن برابری جنسیتی و جنبش **”Me Too”**
هم برگردد که سیلی محکومی بر گوش
همه ضد زنان در این قرن حاضر زده است.

شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۳

۳۰ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای

ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۹۲

۳۱ مارس ۲۰۲۴ - ۱۲ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

دزدانی که فروشنده و خریدار خودشان هستند

نسان نودینیان

محمد صدر و نیمه عقل حکومت الله

سیاوش آذری

جدال سیزده بدر با ماه رمضان و مزخرفات دیگر

کیوان جاوید

اوپنهاایمر، هیروشیما و هژمونی آمریکا

سینا پدرام

حمله رژیم به اپوزیسیون در خارج کشور محکوم است!

ژورنال

دزدانی که فروشنده و خریدار

خودشان هستند

نسان نودینیان

کاظم صدیقی امروز بالاخره بجای پرده برداری از ماجرای ۱۰۰۰ میلیارد دزدی به افشای سناریویی از شیوه فساد و دزدی سیستماتیک در حکومت اسلامی پرداخت. بر خلاف کسانی که می گویند؛ صدیقی دروغ پراکنی کرده، اما او از شیوه و رمز و رموز دزدی به شکل کارتل و خانوادگی پرده برداشت! می گوید: ”در تأسیس این مؤسسه از نظر نوشتن اساسنامه و افراد غفلتی واقع شد و این غفلت و اشتباه از ناحیه من بود.“

کیس دزدی خانوادگی کاظم صدیقی عیان است،

او و فرزندانش فروشنده و خریدار هستند. مسئله برای ما سطح افشا و ردیف کردن اقلام نجومی دزدی و فساد نیست. این اقلام هر روز به منظور عادی سازی فساد و دزدی در ده ها سایت و صفحه دزدهای حاکم سازماندهی می شوند، مردم نیازی به افشای فروش ۴۲۰۰ متر از زمین باغی حوزه علمیه خمینی که صدیقی متولی آن است، ندارند. مردم شرکت "پیروان اندیشه های قائم" که زمین های دزدیده شده به آنجا منتقل شده و در آذرماه سال گذشته توسط کاظم صدیقی، دو پسر و عروسش تأسیس شده است، را می شناسند.

کارگران، بازنشستگان، معلمان و پرستاران با مقایسه سفره روزانه شان با زندگی و سفرهای مافوق لوکس اعضای بیت رهبری، سپاه پاسداران، مجلس و حوزه های علمیه و امام جمعه ها و غیره

دزدی و فساد را به‌خوبی و هر روز تجربه می‌کنند. تقسیم ثروت میلیاردي توسط اينها انجام می‌شود. ده‌ها نفر امثال صديقي امام‌جمعه تهران توسط رهبري در سيستم‌های دزدی و فساد هدايت و پرورده می‌شوند، و با ضرب پول‌های میلیاردي تومانی ارگان‌ها و موقعیت شغلی را می‌خرند. مردم این اقلیت ناچیز دزد و فاسد و جنایت‌کار را خوب می‌شناسند. لیست و اسامی مسببین فلاکت عمومی را در دست دارند. مسئله مردم زیرورو کردن نظامی است که زندگی مردم را با غارت و دزدی به فقر و فلاکت رانده است.

بی‌دلیل نیست اخیراً همه‌جای گویند بازنشستگان به سیم آخر زده‌اند، بی‌دلیل نیست که کارگران، بازنشستگان، معلمان و پرستاران هر روز در تجمعات اعتراضی فریاد می‌زنند؛ مرگ بر مجلس

انقلابی! مرگ بر رئیسی! دولت جنایت می کند،
مجلس حمایت می کند!

انقلاب زن زندگی آزادی با دردست داشتن راه حل
نهایی، آزادی از دست حکومت اسلامی، توسط
توده های میلیونی برای پایان دادن به فلاکت
عمومی و در کنترل قراردادن ثروت های جامعه
در دست شوراها و اعمال اراده مردم، به سرانجام
خواهد رسید.

یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۳

۳۱ مارس ۲۰۲۴

محمد صدر و نیمه عقل حکومت الله

سیاوش آذری

محمد صدر از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در رابطه با لایحه حجاب و عفاف سخنانی ایراد کرده که در شکلی فشرده وضعیت وخیم رژیم اسلامی را به روشنی بیان می کند. وی در رابطه با پیشنهاد کسر از حساب زنان بی حجاب گفته این عمل نه تنها موجب "ضرر فرهنگی" بلکه همچنین موجب بی اعتمادی مردم به سیستم بانکی و ضرر اقتصادی و ورشکستگی بانک ها می شود. او پیشنهاد دهندگان لایحه عفاف و حجاب را "تفوذی"، "دشمن اسلام و ایران" و "فاقد عقل کامل" خوانده. او اضافه کرده که حتی رئیسی که قبلاً می گفت

که اصلاً نباید اقتصاد مملکت یا معیشت را به سیاست خارجی یا برجام گره بزنیم با گذشت زمان متوجه شده که رشد اقتصاد، سرمایه گذاری و جذب سرمایه خارجی با سیاست داخلی و خارجی مستقیماً در ارتباط است و مشکلات اقتصادی بدون خروج حکومت اسلامی از انزوای جهانی امکان پذیر نیست.

این اعتراف به شکست رژیم در تحمیل فرهنگ و حجاب اسلامی و جنگ با مردم است. این اعتراف به ابعاد بسیار گسترده بی حجابی است که انقلاب زن زندگی آزادی قادر به تحمیل آن به رژیم شده. پتک فولادین انقلاب آن چنان بر سر حکومت الله فرود آمده که همان نیمه عقل را نیز از سر دست اندرکاران رژیم، از رهبر الدنگ گرفته

تا رئیسی جلاد پرانده. پیشنهاد لایحه‌ای برای تحمیل حجاب اسلامی در کشوری که حجاب اجباری جزئی از قانون اساسی آن است اعتراف به دود شدن قوانین اسلامی است. هر تلاش رژیم برای تسخیر مجدد خاکریز حجاب نه تنها محکوم به شکست است؛ بلکه واکنش مردم را شدیدتر و حکومت را به لبه پرتگاه سقوط نزدیک‌تر می‌کند.

این سخنان همچنین اعتراف به ورشکستگی کامل اقتصادی و تعمیق انزوای بین‌المللی به دلیل سیاست‌های بحران‌زای رژیم اسلامی از یک سو و به یمن پیشروی انقلاب از سویی دیگر است. رژیم اسلامی برای بقای خود ناچار به ترویج و حمایت از تروریسم اسلامی در منطقه و جهان است و همین امر ادغام سیاسی و اقتصادی آن در سرمایه جهانی

را غیرممکن می‌سازد.

بحران رژیم اسلامی، همانطور که بارها ذکر کرده‌ایم در جوهر خود بحرانی سیاسی است. راه حل این بحران نیز لزوماً راه حلی سیاسی است. رفع بحران و ساخت جامعه‌ای انسانی، آزاد، برابر و مرفه تنها با سرنگونی رژیم اسلامی امکان‌پذیر می‌گردد. عقل انقلاب جاری بر این امر واقف است و نیمه عقل الله را به زیر خواهد کشید.

یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۳

۳۱ مارس ۲۰۲۴

جدال سیزده بدر با ماه رمضان و

مزخرفات دیگر

کیوان جاوید

”پایگاه اطلاع رسانی دولت“ (پاد) خبر داد که معاون امنیتی وزارت کشور تعطیلی بوستان‌ها و پارک‌ها را در سیزده فروردین تکذیب کرده است و گفته است ”این وزارتخانه اطلاعیه‌ای مبنی بر تعطیلی بوستان‌ها و پارک‌ها در روز طبیعت نداشته است.“ پیش‌تر رسانه‌های ایران گزارش کرده بودند که به دلیل دستور وزارت کشور، پارک‌ها و تفرجگاه‌ها در روز سیزده فروردین تا یک ساعت پیش از اذان مغرب تعطیل خواهد بود. دلیل این اقدام وزارت کشور، هم‌زمانی روز سیزده بدر، با شهادت امام اول

شیعیان عنوان شده بود.

زندگی گاهی اوقات مثل چکیدن قطره آب روی سنگ خارا است. ظاهرًا قرار نیست اتفاق خاصی بیفتد؛ اما تکرار بی وقفه چکیدن آب، سنگ سخت جان را سوراخ می کند. گاهی نیز زندگی همچون دریای توفانی عمل می کند. موج های بلندی که هم باشکوه جلوه می کنند و هم ترسناک. بسته به اینکه در ساحلی امن ایستاده باشی یا در دریایی خروشان.

زندگی در ایران، هم این است و هم آن. هر عمل و هر حرکت روزمره ما جدالی است برای زنده ماندن و ادامه حیات، پاس داشتن هویت و کرامت انسانی، تلاش بی وقفه فردی برای شاد بودن و مرفه زیستن. در تقابل با این هدف انسانی هیولای مرگ و نیستی

ایستاده است. با ابزارهای گوناگون برای به بند کشیدن ما. ابزار مذهب یکی از آنها است.

امسال سال نو در تقابل با فلسفه مرگ و نیستی و خرافه قرار گرفته است. سالی که حکومت پیام داده است به خاطر تقارن ماه رمضان با سال نو کسی حق آشامیدن و خوردن و شادی کردن ندارد. همچنین سیزده بدر امسال مصادف شده است با مرگ علی، امام اول شیعیان. به این دلیل پیام داده‌اند پارک‌ها را می‌بندیم و شادی را به بند می‌کشیدم و اسلام را پاس می‌داریم.

جواب این جنون اسلامی را مردم فوراً داده‌اند. پارک‌ها و اماکن عمومی به محل ادامه زندگی، شادی و رقص و سرزندگی تبدیل می‌شوند و در

برابر این حرکت عظیم اجتماعی رژیم مفتضحانه
عقب می‌نشیند و انکار می‌کند که چنین فرمانی داده
است. جنگ سیزده‌بدر با ماه رمضان و روز مرگ
علی بی شک جامعه را یک‌قدم دیگر در تضعیف
حکومت و بی‌خاصیت‌تر کردن اسلام به پیش می‌راند.
زنان و مردان، جوانان و سالمندان با بانگ بلند اعلام
می‌کنند زنده‌باد زندگی!

یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۳

۳۱ مارس ۲۰۲۴

اوپنهایمر، هیروشیما و هژمونی آمریکا

سینا پدرام

به گزارش روزنامه گاردین، فیلم اوپنهایمر، برنده هفت جایزه اسکار، هشت ماه پس از اکران بین‌المللی، در سینماهای ژاپن به نمایش گذاشته شد. این فیلم که هم‌زمان با فیلم "باربی" به نمایش در نتیجه پدیده‌ای که به‌عنوان پدیده "باربنهایمر" شناخته می‌شود در گیشه‌های بلیت‌فروشی به موفقیت بزرگی دست یافت.

اما فیلم "اوپنهایمر" در ژاپن واکنش‌های مختلف، از تمجید برای به‌تصویر کشیدن نقش جی رابرت اوپنهایمر - "پدر بمب اتمی" - تا انتقاد از حذف شوربختی‌های انسانی که در هیروشیما و ناگازاکی

در روزهای پایانی جنگ جهانی دوم ایجاد کرد،
بر انگیزخت.

بنا به عقیده برخی از منتقدان، فیلم به گونه‌ای به این
موضوع پرداخته است که بمباران اتمی هیروشیما
و ناکازاکی در اوت ۱۹۴۵ را که در آن صدها
هزار نفر کشته شدند، بی‌اهمیت جلوه داده است.
تاریخ هیروشیما و ناکازاکی تاریخ عروج دهشت‌بار
یک قدر قدرت جهانی است که برای اعلام وجود
خود برای رقبای جنگ جهانی دوم نیاز به نمایشی
"باشکوه" داشت. "عظمت و شکوهی" که با مرگ
و رنج صدها هزار تن از مردم بی‌گناه ژاپن رقم
خورد. برای تثبیت قدر قدرتی در منطقه اقیانوس
آرام و آسیا جنوب شرقی، تسلیم بی‌سروصدای
ژاپن کافی نبود. باید دو بمب اتم بر سر مردم
ریخته می‌شد تا این هژمونی سیاسی و اقتصادی

برای دهه‌ها تثبیت و برقرار شود.

استفاده از بمب اتم علی‌رغم ادعای هیئت حاکمه آمریکا نه برای به تسلیم کشاندن امپراطوری ژاپن و پایان سریع جنگ، امری که بدون بمب اتم نیز در حال انجام بود، بلکه برای ورود به صحنه سیاست و اقتصاد در منطقه با ”صدای بلند“ و ”انفجار مهیب“ بود. تلاش برای خلع سلاح هسته‌ای همچنان امری است که نیاز به اعتراضات اجتماعی جهانی دارد و بدون آن وحشت ”زمستان اتمی“ همچنان بر سر مردم جهان در حال پرواز خواهد بود.

یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۳

۳۱ مارس ۲۰۲۴

حمله رژیم به اپوزیسیون در خارج کشور محکوم است!

ژورنال

بنا به گزارش تلویزیون ایران اینترنشنال، پوریا زراعتی، مجری برنامه "حرف آخر" این تلویزیون که در حمله افراد "ناشناس" به ضرب چاقو مجروح شده بود از بیمارستان مرخص شد.

ما این حمله را به شدت محکوم می کنیم و بار دیگر مداخلات دولت های اروپایی با رژیم اسلامی ایران را دلیل این تهاجمات گستاخانه رژیم به اپوزیسیون رژیم در خارج کشور می دانیم.

پلیس متروپولیتن لندن، همانطور که انتظار می رفت، اظهار داشت که هنوز معلوم نیست انگیزه اصلی

عواملی که به پوریا زراعتی حمله کرده‌اند چه بوده است. از سوی دیگر سفارت رژیم اسلامی هرگونه ارتباط حکومت با این حمله را “تکذیب” کرد. امری که باز هم دور از انتظار نبود و بیشتر نشان می‌دهد که مخالفین رژیم به درست انگشت اتهام را به سوی این رژیم نشانه گرفته‌اند.

ما همکاران “ژورنال روزانه” بار دیگر خواستار قطع ارتباط دولت بریتانیا و دیگر دول با رژیم اسلامی ایران، تعطیل سفارت‌ها و بایکوت رژیم در تمامی عرصه‌های بین‌المللی هستیم. پاسخ تروریسم رژیم اسلامی چه در داخل و چه در خارج ایران، ادامه انقلاب زن زندگی آزادی است.

یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۳

۳۱ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

زورنال

شماره ۶۹۳

۱ آوریل ۲۰۲۴ – ۱۳ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

شادی تاریخ را رقم می‌زند

یاشار سهندی

راحله راحمی‌پور قهرمانی از جنس مردم

میلاذ رابعی

تنبيه اوباش "آمران به معروف"

اصغر کریمی

خون با پول پاک نمی‌شود

شهلا دانشفر

شکست سنگین اردوغان در انتخابات شهرداری‌ها

سیاوش آذری

شادی تاریخ را رقم می‌زند

یاشار سهندی

امام‌جمعه شیراز برای جلوگیری از جشن و پایکوبی در روز ۱۳ فروردین (سیزده‌بدر) از سر ناامیدی خطاب به ما مردم گفت: ”فکر کنید پدرتان را از دست داده‌اید و به تفرج نروید(!)“

ما مردم فکر نمی‌کنیم که پدرمان مرده است، اما سخت باور داریم جمهوری اسلامی نعشی است که باید زودتر به گور سپرده شود. جشن و شادمانی غیر قابل توصیفی خواهد بود آنروزی که جمهوری نکبت سرنگون شود. ما مردم برای جلوگیری از انداختن آن روز یکی از راه‌های مبارزه با جمهوری نکبت

اسلامی را رقص و پایکوبی و شادی می‌دانیم.

حال و روز جمعیت یک محل، یک شهر، یک استان،
یک کشور در یک روز معین بهاری وسط دشت
و دَمَن و یا وسط شهر میان یک پارک، که سعی
می‌کنند برای ساعاتی همه مصیبت و بدبختی که بر
سرشان آوار شده است به فراموشی بسپارند بسیار
دیدن دارد. شاید هم مردم برای باور به اینکه عمر
دشمنان شادی و موسیقی و شراب و رقص خیلی وقت
است به پایان محتوم خود رسیده است دست‌افشانی
و پایکوبی می‌کنند. این جاست که امامان جمعه و
کل آخوندها باید بر روزگارشان که به سر آمده
گریه کنند.

جمهوری به ذلت افتاده اسلامی همه توان سرکوبش

را بسیج کرده و همه راه‌ها به مکان‌های استراحت و تفریح مردم را مسدود کرده است، غافل از این است که در حقیقت با خشمگین کردن مردم همه راه‌های فرار خود را بیشتر از قبل می‌بندد.

در تاریخ ثبت شده است که در اینجا، در ایران مردم برای رقصیدن، برای شادی باید حکومتی را سرنگون کنند. در اینجا برای همراه شدن با طبیعت، برای گرفتن دست همراه خود، برای بوسیدن یار خود، برای اظهار عشق، برای نوشیدن جرعه‌ای از محبت انسانی، باید حکومتی را سرنگون کرد.

”روزگاری غریبی است نازنین“، این را وقتی شاملوی شاعر گفت که حکومت ”تبسم را بر دهان جراحی می‌کرد“؛ اما آن روزگار به دست نامردمان افتاده

بود، اکنون چرخ روزگار به اراده مردم می‌چرخد.
اکنون "قصابان" که روزگاری سر چهارراه‌ها با
"کُنده و ساطور خون‌آلود" ایستاده بودند، خود را
در محاصره مردمی یافته‌اند که دیگر از هیچ‌چیز
نمی‌ترسند. اینک این مردم نیستند که شب را با
اضطراب سرکوب به صبح می‌رسانند، بلکه این
سرکوبگران هستند که از ترس فردای خود، خواب
شبشان کابوس گشته است. در اینجا، در ایران،
رقص و خنده و شادمانی است که تاریخ را رقم
می‌زند.

دوشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۳

۱ آوریل ۲۰۲۴

راحله راحمی پور قهرمانی از جنس مردم

میلاذ رابعی

یک منبع نزدیک به خانواده راحله راحمی پور به هرانا، گفت: "خانم راحمی پور از بیماری‌های متعدد جسمی از جمله تومور مغزی رنج می‌برد و نیازمند درمان تخصصی است، اما مسئولین زندان به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری توسط این فعال مدنی، از اعزام وی به مراکز درمانی خارج از زندان جلوگیری می‌کنند."

سرطان نامی است ترسناک که برخی حتی از بر زبان راندن آن وحشت دارند. بیماری که خویشاوند نزدیک مرگ است. اما راحله راحمی پور ۷۲ ساله در سیاهچال‌های حکومت اسلامی آن را به هیچ

می‌گیرد و حاضر نیست حتی برای درمان پا روی اعتقاد خود بگذارد و زیر بار حجاب اجباری برود. او مخالف حکومت اسلامی و دادخواه برادر اعدام‌شده خود در دهه ۶۰ است. او شجاعانه درد و رنج و خطر مرگ را به جان می‌خرد تا بار دیگر ثابت کند حجاب تنها یک پوشش نیست، سمبل بی‌حقوقی زن است. این شجاعت‌ها انسان را به حیرت و تحسین وامی‌دارد.

در سوی دیگر ماجرا غده سرطانی بدخیمی به نام جمهوری اسلامی قرار دارد. حکومتی که بیشتر از هر سرطانی در ایران قربانی گرفته و می‌گیرد. سیستم قضاییش برای رسیدگی به وضعیت وخیم جسمی یک زندانی شرط و شروط تعیین می‌کند. یا تمکین کن و حجاب سرت کن یا رنج بکش و

بمیر! این پیام صریح قوه قضاییه اسلامی است. مثل همیشه زندانیان سیاسی را از حقوق اولیه خود محروم می کنند و ذره ای از کرده خود شرم نمی کنند. این درجه رذالت و قساوت، انسان را به حیرت و تنفر وامی دارد.

ایستادگی و شجاعت کم نظیر راحله را حمی پور و سایر زندانیان سیاسی که تا پای جان بر سر آرمان های والا و انسانی شان ایستاده اند در جامعه امروز ایران استثنایست. این نمونه ها در واقع خصلت نما و بازتاب روحیه عمومی جامعه و رشادت ها و قهرمانی های توده های مردم است. این خصائل انسانی سن و جنسیت نمی شناسند. از سپیده قلیان ها و نیکاه ها و ساریناها و توماج های جوان تا امثال راحله ها همگی این روحیه را نمایندگی می کنند. حکومت اسلامی با

تمام سرکوب‌ها و اعدام‌ها اکنون با چنین روحیه‌ای
در سراسر ایران روبرو است و این همان پاشنه آشیل
رژیم و نقطه امیدواری مردم است.

این روزها اتفاقات مهم و تعیین‌کننده‌ای در بطن
جامعه در حال وقوع است. آتش‌فشانی عظیم در
حال غلیان است، جرقه‌ها و شراره‌های آن را هر
روز در اعتصابات و اعتراضات مختلف می‌توان دید.
به‌زودی شاهد فوران آن نیز خواهیم بود. فورانی که
ریشه غده سرطانی اسلام سیاسی را برای همیشه
خواهد سوزاند.

دوشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۳

۱ آوریل ۲۰۲۴

تنبيه اوباش ”آمران به معروف“

اصغر کریمی

در پی ضرب و شتم دو ”آمر به معروف“ در شهرهای همدان و اصفهان، دادستان‌های انقلاب در این دو استان دستور تشکیل پرونده قضایی دادند.

دادستان همدان اعلام کرد که یک ”مأمور امر به معروف“ شامگاه جمعه دهم فروردین در منطقه گردشگری جاده حیدره مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. روز ۱۱ فروردین نیز رئیس کل دادگستری اصفهان اعلام کرد که یک ”آمر به معروف“ در میدان نقش جهان اصفهان توسط چهار نفر ضرب و شتم شده و ضاربان و برخی متصدیان واحدهای

صنفي که در محل حضور داشتند دستگیر شده‌اند.

ضرب و شتم آمرین به معروف و مقابله با حجاب بانها و سایر اوباش حکومت که هر روز و هر لحظه در سراسر کشور به وفور جریان دارد گوشه‌ای از جدال عظیم مردم با حکومت است که سیستم قضایی حکومت را نیز فلج کرده است. مجلس و لایحه‌اش را فلج کرده، مقامات حکومت را به جان هم انداخته، نیمی از حکومت را به نارضایتی از سیاست‌های جناح حاکم کشانده، گشت ارشادشان را توی سوراخ کرده و آیت‌الله‌ها را به گریه و زاری کشانده است. امروز امام جمعه شیراز به مردم گفته است روز قتل امیرالمومنین است فکر کنید پدرتان مرده، به تفریح نروید و نسبت به وجود امیرالمومنین در هیچ

فضایی هتک و حرمت نکنید!

حکومت میخواست امروز پارک‌ها و فضاها را تعطیل کند اما حریف مردم نشد و عقب‌نشینی کرد و نقاط مختلف کشور صحنه در هم شکستن دیوار آپارتمان‌های جنسیتی شد. میخواست جلو چهارشنبه‌سوری و نوروز را بگیرد اما مردم با رقص‌های جمعی و مختلط مقابله‌اش ایستادند. حکومت خیلی کارهای دیگر هم میخواست بکند و میخواست بکند اما با سد محکم مردم مواجه می‌شود.

اکنون حکومتی و امانده با واعظانی بی‌روحیه، مقاماتی منفور و آبرو باخت، آیت‌الله‌هایی رسوا شده، اقتصادی در هم شکسته، در مقابل جامعه‌ای سرزنده و مصمم،

فاتح خاکریز حجاب و بی‌مذهب و یا دقیق‌تر ضد
مذهب، رودرروی هم قرار گرفته‌اند. حکومتی که
هر روز و ا میرود و مردمی که اتحادشان را تحکیم
میکنند. حکومتی که گام به گام عقب رانده میشود و
جامعه‌ای که استوار و گام به گام سنگرهای مختلف
را فتح میکند. جامعه‌ای که همزمان اپوزیسیون
بی‌خاصیت راست را عقب زده و خواست‌های انسانی
و عدالت طلبانه خود را روشن تر از همیشه بیان میکند.
پیشروی این جامعه را هیچ نیرویی نمیتواند سد کند.

دوشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۳

۱ آوریل ۲۰۲۴

خون با پول پاک نمی‌شود

شهلا دانشفر

ابوالفضل امیر عطایی از جان‌باختگان انقلاب زن
رندگی آزادی است. نوجوانی ۱۶ ساله که در ۳۰
شهریور ۱۴۰۱ در "میدان نماز" شهرری از نزدیک
هدف شلیک گلوله جنایتکاران حکومت قرار گرفت
و بعد از مدت‌ها کما جان باخت.

مریم مادر دادخواه ابوالفضل امیر عطایی، با انتشار
ویدئویی از پیشنهاد دیه توسط جانیان اسلامی خبر
داده و با بلند کردن فریاد دادخواهی اش می‌نویسد:
"پسر من جاوید نام ابوالفضل امیر عطایی برای
هدفش جون داد. دردی که پسرم کشید با هیچ
پولی جبران نمیشه. من دادخواه خون پسرم هستم

و خواهان معرفی قاتل ابوالفضل امیرعطایی فرزند
مریم.“

مادر ابوالفضل با گفتن اینکه فرزندش توسط
نیروهای حکومتی به قتل رسیده و قاضی پرونده به
دلایلی که ”صددرصد ناشی از فساد و بی‌عدالتی“
است پاسخگوی قتل وی نیست، خواستار معرفی و
محاكمه قاتل فرزندش است.

نیروی انتظامی در ابتدا برای گم کردن رد جنایتش
مدعی بود که مرگ ابوالفضل در اثر اصابت جسم
سختی از پشت سر بوده؛ اما اکنون زیر فشار از
سر پرداخت دیه وارد شده تا به خیال خود غائله
بخوابد. این سیاست جانیان اسلامی در برخورد به
خانواده‌های دادخواه است. از یکسو تلاش می‌کنند

با تهدید به دستگیری و تحت فشار قرار دادن خانواده‌های دادخواه آنها را وادار به سکوت کنند. مجبورشان کنند که بگویند عزیز جانباخته شان بیماری زمینه ای داشته. از سوی دیگر با پیشنهاد دیه به برخی دیگر تلاش می کنند، صدای اعتراض خانواده‌ها را کاهش دهند. سیاستی که با شکست کامل روبرو شده است.

گزارش کمیته حقیقت یاب سازمان ملل در باره موارد نقض حقوق بشر در ایران در جریان انقلاب زن زندگی آزادی که هجدهم اسفندماه به نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل داده شد، نماد بارزی از این شکست است. نشستی که جمهوری اسلامی را به نقض حقوق بشر تا سطح "جنایت علیه بشریت" متهم و خواستار آزادی همه بازداشت شدگان انقلاب

و توقف اعدام‌ها و پاسخگو شدن عاملان جنایت در
قبال اعمالشان شد. نشستی که در آن عظمت انقلاب
”زن، زندگی، آزادی“ را دیدیم که مهم‌ترین نهاد
سازمان ملل را وادار به متهم کردن جمهوری اسلامی
به جنایت علیه بشریت کرد. گزارشی که قدرت
جنبش دادخواهی و مادرانی چون مادر ابوالفضل
امیر عطایی را می‌بینیم که با فریاد ”نه می‌بخشیم،
نه فراموش می‌کنیم“ ستون محکم تداوم انقلاب
زن زندگی آزادی و دادخواه عزیزان جانباخته خود
هستند. خانواده‌هایی که خواست اولشان محاکمه
همه آمرین و عاملین جنایت‌های کشتار حکومتی
است.

دوشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۳

۱ آوریل ۲۰۲۴

شکست سنگین اردوغان در

انتخابات شهرداری‌ها

سیاوش آذری

در انتخابات محلی ترکیه که دیروز ۳۱ مارچ ۲۰۲۴ برگزار شد حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه اردوغان با سنگین‌ترین شکست انتخاباتی حیات سیاسی خود مواجه شد. علیرغم استفاده مافیایی از تمام امکانات دولتی برای تبلیغات انتخاباتی، استفاده انحصاری از رادیو و تلویزیون و خبرگزاری‌های دولتی، تهدید رای دهندگان به قطع بودجه شهرداری‌ها در صورت پیروزی نامزدهای احزاب اپوزیسیون، فشار سیاسی و دستگیری فعالین احزاب مخالف اردوغان بویژه در مناطق کردنشین و تلاش برای

تقلب در انتخابات و دستکاری نتایج حزب عدالت و توسعه شکست خورد. در کلانشهر استانبول که قلب اقتصادی و اجتماعی ترکیه است نامزد حزب جمهوریخواه خلق و شهردار فعلی اکرم امام اوغلی حدود ۵۲ درصد آرا را به خود اختصاص داد. در آنکارا منصور یواش با کسب بیش از ۶۰ درصد آرا به پیروزی قاطع رسید. در بسیاری از مراکز مهم از جمله ازمیر، آنتالیا، دیاربکر و وان اپوزیسیون پیروز شد. حزب جمهوریخواه خلق با کسب ۳۷,۷ درصد آرا در سطح کشور بالاتر از حزب عدالت و توسعه قرار گرفت و اول شد.

از جمله دلائل شکست اردوغان می‌توان از بحران عمیق اقتصادی، گسترش فقر و تعمیق شکاف طبقاتی، بیکاری وسیع بویژه در میان جوانان، افشای فساد

مالی، رشوه‌خواری‌های کلان، پولشویی و رانت‌خواری خانواده و حلقه نزدیکان اردوغان، فشار سیاسی و سرکوب نیروها و احزاب مخالف، تشدید تبعیض و نابرابری علیه اقلیت‌های قومی بویژه مردم کرد زبان و همچنین زنان و دگرباشان، مداخله در شکل زندگی مردم و تلاش در اسلامیزه کردن جامعه، مدارس و سیستم آموزشی نام برد.

اما بی شک مهم‌ترین عامل در پیروزی برنامه چپ اپوزیسیون در سطح محلی است. پیروزی بویژه در مراکزی مانند استانبول، آنکارا و ازمیر حاصل اجرای سیاست‌های مردمی همچون حمل و نقل رایگان برای مادران دارای فرزند زیر ۴ سال، مهدکودک‌های رایگان، عرضه غذا با قیمت نازل در رستوران‌های شهرداری‌ها، سرمایه‌گذاری در بخش عمران و

با در نظر گرفتن احتیاجات و الویت های مردم،
جلوگیری از رانت خواری و پیشکش پول و ثروت
شهرها به بنیادها و مؤسسات اسلامی و شرکت های
حلقه نزدیکان اردوغان است. مردم بار دیگر نشان
دادند که جامعه ترکیه جامعه ای با فرهنگ سکولار،
آزادیخواه و برابری طلب و خواهان آسایش، رفاه و
شادی است. انتخابات دیروز راه پیروزی علیه راست
و اسلام سیاسی را به روشنی نشان داد: تنها سیاست
و برنامه ای چپ قادر به بسیج مردم علیه ارتجاع
اسلامی و فقر و فلاکت حاصل از حکومت آن است.

شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۳

۳۰ مارس ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۹۴

۲ آپریل ۲۰۲۴ - ۱۴ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

نجات جنایت کاران توسط حکومت جنایت کار

سینا پدرام

مسئول مرگ سارا تبریزی حکومت اسلامی است!

سهیلا دالوند

شهریار بیات را باید و می توانیم نجات دهیم!

محسن ابراهیمی

فاز جدید در حذف فرماندهان سپاه در سوریه

کیوان جاوید

نجات جنایت کاران توسط حکومت جنایت کار

سینا پدرام

خبرگزاری وابسته به سپاه پاسداران، حکم قصاص صادر شده در پرونده مهران سماک را موجب "تضعیف پلیس" دانست. مهران سماک هشتم آذر ۱۴۰۱ در جریان خوشحالی اعتراضی به خاطر باخت تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی در برابر آمریکا، در خودروی خود در حال بوق زدن در بندر انزلی از ناحیه سر هدف شلیک گلوله مأموران نیروی انتظامی قرار گرفت و جان باخت.

خبرگزاری فارس روز دوشنبه نوشت: "باتوجه به اینکه

این حادثه در حین مأموریت پلیس و در هنگام
“اغتشاشات” اتفاق افتاده، حکمی سخت‌گیرانه
توسط قاضی صادر شده و عملاً این موضوع منجر
به تضعیف پلیس خواهد شد.

اعتراض سپاه به این حکم مسخره است. یک ارگان
سرکوب و کشتار از هیچ اعتباری در این مورد
برخوردار نیست. یک دسته جنایت‌کار حکومتی،
یکی از همکاران خود را که مرتکب جنایت شده
است قربانی می‌کنند و یک‌مشت جنایت‌کار دیگر
همان حکومت به این حکم اعتراض می‌کنند.
واقعاً اگر این یک آچمز سیاسی در مقابل جامعه
خشمگین و معترض نیست، چه اسم دیگری
می‌توان به آن داد؟

پایه‌ای‌ترین ایرادی که این حکم دارد این است که رژیم می‌که خود در عرض این چند مدت ۹ نفر از معترضان انقلاب را به اعدام محکوم کرده است و حکمشان را به اجرا درآورده است از هیچ نوع اعتبار جزایی و قضایی برای صدور هیچ نوع "حکم مجازاتی" برخوردار نیست. دسته‌دسته جوانان مردم را به گلوله بستند و به جوخه‌های اعدام سپرده‌اند و اکنون وقتی پای یکی از اراذل‌واوباش خودشان در میان است، از حکم "سخت‌گیرانه" یاد می‌کنند.

این که دادگاه نظامی این رژیم از ترس اعتراضات مردمی در اوضاع سیاسی متأثر از انقلاب زن‌زندگی آزادی به فکر "قربانی" کردن یکی از مهره‌های خود افتاده است، هیچ ربطی به "عدالت" قضایی

ندارد. این که یک عده اوباش مافیایی حاکم چه بلایی بر سر هم می‌آورند، تا آنجایی که به جامعه لطمه‌ای نزنند، قطعاً دغدغه خاطر مردم و جامعه نیست. اما هم محکومیت این مزدور آدمکش و هم مخالفت با آن در نهادهای حکومتی، در درجه اول به خاطر هراس از مردم است و یک پیروزی برای مردم باید محسوب شود.

سه‌شنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۳

۲ آپریل ۲۰۲۴

مسئول مرگ سارا تبریزی

حکومت اسلامی است!

سهیلا دالوند

سارا تبریزی، زندانی سیاسی سابق، روز چهارم فروردین ۱۴۰۳ به وزارت اطلاعات احضار شد و یک روز بعد، ۵ فروردین، پیکر بی‌جانش در خانه پیدا شد. وی ۲۵ آبان ۱۴۰۲ درحالی‌که قصد سفر به انگلیس داشت در فرودگاه "امام خمینی" بازداشت و به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل و دی‌ماه از زندان اوین با قید وثیقه آزاد شده بود. او بار دیگر در تاریخ ۱۸ دی ۱۴۰۲ احضار و این بار پس از چند ساعت بازجویی، به بند زنان زندان اوین منتقل و ۲۵ دی‌ماه، با قرار وثیقه تعیین شده، به‌صورت موقت و تا زمان صدور حکم از زندان آزاد شد.

سارا بعداً با اتهاماتی از جمله توهین به علی خامنه‌ای، استفاده از اوراق مجعول و گذرنامه متعلق به دیگری محاکمه و به حبس تعلیقی محکوم شد. او بارها توسط نیروهای امنیتی تهدید شده بود که اگر با وزارت اطلاعات همکاری نکند، مدارک و گفتگوهای شخصی‌اش به صورت علنی و در فضای مجازی افشا خواهند شد! رژیم جنایت کار اسلامی در طول حاکمیتش تلاش کرده که با تهدید و ارباب، معترضین را وادار به سکوت و یا همکاری کند، ولی نه تنها موفق نشده جنبش سرنگونی طلب را به عقب براند؛ بلکه با شکست مفتضحانه‌ای مواجه شده است.

به دنبال مرگ مشکوک سارا تبریزی، نرگس محمدی، ناهید تقوی، آنیسا اسداللهی، سپیده قلیان، ریحانه انصاری نژاد، محبوبه رضایی، مریم حاج حسینی و گلرخ ایرایی ازهم بندیان سارا در

زندان اوین، در نامه ای اعلام کردند: ”این مرگ به هر شکل و تحت هر شرایطی که رقم خورده باشد، مسئولیت آن با حکومت است. همچون مرگ هزاران نفری که تحت سیطره‌ی حکومت‌ها، طی دهه‌ها دیکتاتوری فاشیستی سر به دار، سربه نیست و مفقود شده‌اند. همچون بسیاری که چشم‌های‌شان را ازدست داده‌اند یا به طریقی دچار نقص عضو شده‌اند. همچون بسیاری از فرزندانمان که برای امنیت بیشتر یا رسیدن به رویاهای‌شان وادار به ترک وطن شده‌اند. و بسیاری که سال‌ها در اسارت مانده‌اند و چراغ خانه‌های‌شان خاموش شده است.“

زنان زندانی سیاسی معترض، از داخل زندان‌های قرون‌وسطایی با صدای بلند اعلام می‌کنند که مسئولیت این جنایت، حکومت اسلامی است. در خارج از کشور هم شاهدان مستقیم جنایت‌های

حکومت اسلامی، در نشست کمیته حقیقت‌یاب
شورای حقوق بشر سازمان ملل، جمهوری اسلامی
را به جرم جنایت علیه بشریت محکوم می‌کنند.

همه اینها نشان می‌دهند که از پشت دیوارهای
زندان‌ها گرفته تا در مجامع بین‌المللی ناقوس
مرگ جمهوری اسلامی به صدا درآمده است.

سه‌شنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۳

۲ آپریل ۲۰۲۴

شهریار بیات را باید و می‌توانیم نجات دهیم!

محسن ابراهیمی

شهریار بیات، زندانی سیاسی - عقیدتی ۶۴ ساله و یکی از بازداشت‌شدگان انقلاب زن زندگی آزادی، توسط دستگاه قضایی حکومت اسلامی به اتهام "سب‌النبی" (ادبیات قضایی این حکومت برای به دار کشیدن انسان‌ها) به اعدام محکوم شد.

اتهامات او ابتدا مثل خیلی از معترضین انقلاب زن زندگی آزادی، حضور در اعتراض‌های سراسری، تبلیغ علیه نظام، توهین به علی خامنه‌ای، توهین به خمینی، تشکیل گروه به قصد برهم زدن امنیت ملی، توهین به امامان شیعه در فضای مجازی بود. اما بعد از تحویل او به مأموران وزارت اطلاعات، با

نسبت دادن تعدادی تصویر و پست منتشر شده در فضای مجازی، اتهام سب‌النبی را هم اضافه کردند تا سناریو برای پیدا کردن طعمه‌ای دیگر برای ماشین جنایتشان را تکمیل کنند. حکم اعدام او در دادگاه کیفری در حالی صادر شده که پرونده‌اش پیش‌تر به دلیل عدم وجود دلایل کافی بابت اتهام سب‌النبی مختومه شده بود. همین معلوم می‌کند که ”برای طناب دارشان دنبال گردن“ می‌گشتند که این بار قصد جان شهریار بیات را کرده‌اند!

احکام اعدام معترضین زن زندگی آزادی، به‌خاطر این نیست که گویا به پیامبر این دزدان سر گردنه توهین شده و آنها دارند از مقدساتشان حفاظت می‌کنند! شاید هنوز مؤمنین بخت برگشته احمقی واقعاً تصور می‌کنند این فاسدین حاکم در ایران که خودشان مصادیق واقعی ”مفسدین فی الارض“

هستند، واقعاً مقدساتی دارند و از آنها پاسداری می‌کنند. اما مردم می‌دانند که مقدسات این دزدان سرگردنه فاسد همه چیز خوار، هیچ چیز جز قدرت و پول و ثروت نیست. انقلاب زن زندگی آزادی، همین مقدسات، یعنی قدرت و ثروت و دزدی و چپاول اینها را همراه با اسلامشان به طور جدی به خطر انداخته است. حکم اعدام می‌دهند تا بازگشت خطر انقلاب را - که این بار می‌تواند لجنزار اسلامی حاکم در ایران را برای همیشه ویران کند - تا می‌توانند به تأخیر بیندازند.

مهم نیست که چقدر اتهامات علیه شهریار بیات واقعی است. مهم این است که این اوباش عمامه دار و هم جرم‌های بی‌عمامه‌شان حق ندارند هیچ انسانی را به خاطر نفرتشان از چپاولگران اسلامی و اسلام و "مقدساتشان" بازداشت کنند و جان‌شان را

بگیرند.

شهریار بیات را باید و می توانیم از چنگال خونین این هیولاها نجات دهیم. همانطور که قبلاً حسن خلخال زرد، کارگر رنج دیده، آگاه، مدرن، انسان دوست و معترض به آیت الله های میلیارد در محکوم به اعدام به اتهام مسخره "سب النبی" و معترض به میلیاردهای حاکم و قوانین اسلامی شان را نجات دادیم.

سه شنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۳

۲ آپریل ۲۰۲۴

فاز جدید در حذف فرماندهان سپاه در سوریه

کیوان جاوید

روز دوشنبه ۱۳ فروردین، ۱ آوریل، کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق هدف قرار گرفته و تعدادی از فرماندهان ارشد سپاه کشته شده‌اند. محمدرضا زاهدی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در سوریه و لبنان، حسین امین‌الله، رئیس ستاد کل نیروی قدس سپاه پاسداران در سوریه و لبنان، و "سرلشکر" حاج رحیمی، در میان این کشته‌شدگان‌اند.

اسرائیل وارد فاز جدیدی در ترور اعضا و فرماندهان سپاه پاسداران در سوریه شده است. فرماندهان و

مقامات عالی رتبه سپاه پاسداران در سوریه منظمًا شناسایی و در حملات هوایی دقیق به قتل می‌رسند. دقت در شناسایی و اطلاع از حضور فرماندهان سپاه رژیم اسلامی در یک مکان مشخص نشان‌دهنده درجه بالایی از رخنه اطلاعاتی است.

هیچ زمان تا پیش از حمله هوایی، مراکز به اصطلاح سیاسی جمهوری اسلامی از جمله کنسولگری این رژیم در سوریه مورد تهاجم نظامی اسرائیل قرار نگرفته بود. ضربه نظامی جدید که منجر به مرگ حداقل ۷ نفر از فرمانده عالی رتبه سپاه پاسداران شده است، نشان می‌دهد که دیگر هیچ مکانی برای سپاه پاسداران و وابستگان "سیاسی" جمهوری اسلامی در سوریه امن نیست. جمهوری اسلامی دیگر "مصونیت دیپلماتیک" در سوریه ندارد. آیا این سیاست اسرائیل به لبنان نیز گسترش می‌یابد؟

باید منتظر بود و تحولات جاری در غزه و عملکرد حزب‌الله لبنان را دنبال کرد.

اصلی‌ترین دلیل برای حملات پی‌درپی نظامی اسرائیل به حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی وضعیت جنگی در غزه است. دولت دست راستی اسرائیل به‌خاطر کشتار گسترده مردم بی‌دفاع و غیرنظامی و تعداد وسیع کشتار کودکان و گرسنگی دادن همه مردم در غزه شدیداً تحت فشار است و این فشار می‌تواند منجر به تحمیل آتش بس به دولت اسرائیل شود. فشار آن‌چنان زیاد است که شورای امنیت سازمان ملل هم خواهان آتش بس در غزه شده است. در تقابل با این فشار سنگین، ارتش اسرائیل دست به حملات ویرانگر نظامی علیه جمهوری اسلامی زده است. حملاتی که با مخالفت مهمی در جهان روبرو نمی‌شود و تقریباً

به دیده تأیید یا اغماض به آن نگریسته می‌شود.

هیچ مکانی و تحت هر پوششی، در سوریه برای جمهوری اسلامی امن نیست. روسیه هم که ظاهراً متحد جمهوری اسلامی در سوریه است با یک محکومیت نیم‌بند عملاً تماشاگر این ماجرا است. طبعاً کشتن فرماندهان سپاه توسط هر کسی انجام بگیرد باعث خوشحالی مردم ایران است. نهایتاً اما این پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی است که شادی مردم را در خلاصی از شر این حکومت تکمیل می‌کند.

سه‌شنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۳

۲ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۹۵

سردبیر این شماره: سوسن صابری

۳ آوریل ۲۰۲۴ – ۱۵ فروردین ۱۴۰۳

در این شماره ژورنال

این بار از چه کسی "انتقام سخت" می‌گیرید؟

اصغر کریمی

مردم قیطریه: گور پدر مسجد

کیوان جاوید

جمهوری اسلامی عامل بحران فرار نیروی کار

سیاوش آذری

سیزده بدر و گوشمالی حکومت توسط مردم

سیما بهاری

در همبستگی با مبارزه کارگران سوئد علیه شرکت ماشین‌سازی

تسلا

ابراهیم دانش

این بار از چه کسی "انتقام سخت" می گیرید؟

اصغر کریمی

باز هم از خامنه‌ای تا رئیسی و فرماندهان سپاه و مجلسیان رجزخوانی برای انتقام سخت علیه اسرائیل را شروع کرده‌اید. اما آنچه مردم می‌بینند عجز و درماندگی شما است. فعلاً و از چند سال قبل اسرائیل دارد از شما "انتقام سخت" می‌گیرد. گیریم که بمبی هم در جایی منفجر کنید، گیریم که مانند پایگاه عین الاسد جایی را موشک‌باران کنید؛ اما خوشبختانه توان هیچ جنگی را ندارید. چون سراسر کشور علیه جنگتان بلند می‌شود و سرنگونی‌تان را تسریع می‌کند.

مردم در سوگ سرکوبگرانی که کاری و وظیفه‌ای
جز سرکوب مردم در ایران یا سوریه ندارند، اشکی
نمی‌ریزند؛ اما تا بخواهید شادی می‌کنند و با
شنیدن مرگ تخم و ترکه‌های سلیمانی پائیکوبی
می‌کنند. در انتقام از قتل سردار مرگتان از ۱۷۶
سرنشین هواپیما و کودکی که در شکم یک مادر
بود انتقام گرفتید و در مراسم در کرمان بیش
از ۷۰ نفر را به کشتن دادید. این بار نقشه‌تان
چیست؟ این بار که درمانده‌تر و ذلیل‌تر از همیشه
هستید، زورتان به چه کسی می‌رسد؟

قتل فرماندهان ارشدتان در سوریه بار دیگر این

سؤال را در اذهان مردم زنده کرد که آنها در سوریه چه می کردند؟ به سرکوب مردم سوریه که علیه اسد بلند شده بودند کمک کردید. همه از جنایت کاری تان علیه مردم به جان آمده این کشور و هزینه های سنگین مالی که صرف نگهداری این همتای مرتجعان کردید، خبر دارند؛ اما چه نصیب شما شد؟ چه پیروزی های سیاسی و دیپلماتیکی کسب کردید؟ یا در عراق یا در لبنان یا یمن و فلسطین؟ شکست و شکست و شکست!

و شکست های پی در پی شما افق پیروزی را روشن تر مقابل مردم می گذارد. سرنوشت شوم شما در همین کشور توسط مردم به جان آمده از همه

سیاست‌های احمقانه، سیاست‌های شکست‌خورده
و به‌گل‌نشسته، سیاست‌های جنایت‌کارانه داخلی
و منطقه‌ای‌تان، دزدی‌های آیت‌الله‌ها و مقامات‌تان،
فساد هر روزه‌تان و فقر و بدبختی که به مردم
تحمیل کرده‌اید تعیین می‌شود. توسط همان
مردمی که علی‌رغم لشکرکشی‌تان در روز سیزده به
در، همه‌جا را به صحنه رودررویی با همه مقدسات‌تان
و دهن کجی به فتواهایتان تبدیل کردند.

چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۳

۳ آپریل ۲۰۲۴

مردم قیطریه: گور پدر مسجد

کیوان جاوید

شبکه شرق: "صبح روز یکشنبه، ۱۳ فروردین ماه، در پارک قیطریه، مردم محل جمع شدند؛ جمعیت به مرور، در حال افزایش است. مردم به ساخت مسجد اعتراض دارند." زاکانی، شهردار تهران در واکنش به اعتراض‌ها گفته است: "نه تنها در پارک قیطریه بلکه در تمام پارک‌ها مسجد خواهند ساخت."

عجیب نیست؟ اگر کسی عمیقاً جامعه ایران را شناسد فکر می‌کند این دیگر از آن دروغ‌های شاخ‌داری است که باورش غیرممکن است. مگر ممکن است در ایران تحت حاکمیت یکی از بی‌رحم‌ترین، خون‌ریزترین و تروریست‌ترین

حکومت‌های موجود در جهان که اسلام را به‌زور شلاق و اعدام و اسید می‌خواهد به خورد مردم بدهد، مردمی پیدا شوند که جرئت کنند علناً در خیابان جمع شوند و به ساخت مسجد اعتراض کنند؟ این خبر حقیقت دارد. اما چطور چنین پدیده‌ای ممکن شده است؟

عجیب نیست! زیرا این مردم با همه وجود خود حس می‌کنند که حکومت متکی به مسجد و محرم و رمضان یعنی حکومت فساد و فقر و فلاکت؛ یعنی حکومت زمین‌خواران قهار؛ یعنی حکومتی متکی به حجاب اجباری و قتل بی‌حجاب‌هایی نظیر مهسا و اسارت میلیون‌ها زن دیگر و این مشاهدات پیش‌زمینه تحول فکری و فرهنگی عظیم ضد مذهبی در ایران است.

مردم عادی در ایران در ابعاد ده‌ها میلیونی با

مذهب از طریق کتاب و علم و فلسفه تسویه حساب
نکرده‌اند. این مردم امثال صدیقی‌ها را در قالب
”مردان خدا“ مشاهده کرده‌اند و به تجربه دیده‌اند
که مسجد سنگری برای حفظ سلطه این اوباش
اختلاس‌گر است.

حکومتی که تلاش می‌کند مردم را به‌زور شلاق
به‌ظاهر به بهشت ببرد، در همین کشور که بر روی
اقیانوسی از منابع طبیعی ارزشمند شناور است،
”جهنم خدا“ را ساخته است. خدا همیشه وسیله‌ای
برای به بند کشیدن مردمی بوده است که راه
نجات جمعی و سرنگون کردن حاکمان مستبد را
خواب و خیالی دوردست می‌بینند. جامعه‌ای زیر
سلطه اعتقادات مذهبی یعنی جامعه فقرزده، ضد
زن و مردسالار و همین جامعه اسیر مذهب تبلور
بهره‌مند بودن از همه امکانات و رفاهیات زندگی
برای حاکمان متکی به دین است.

اعتراض به ساخت مسجد در قیطریه در واقع
اعتراض به کل ارتجاع مذهبی و اسلامی در ایران
است. این حرکتی در حمایت از زندگی و خوشبختی
عمومی است. حرکتی برای ساختن دنیایی بهتر،
بدون مذهب و بدون مقدسات.

انقلابی که در ایران شعله‌های فروزان آن را می‌بینیم
پایانی خواهد بود بر همه نابرابری‌های اجتماعی و
احترام به علم و کرامت انسانی. مردم قیطریه در
این راه عملاً به میدان آمده‌اند. حمایتشان کنیم.

چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۳

۳ آپریل ۲۰۲۴

جمهوری اسلامی عامل

بحران فرار نیروی کار

سیاوش آذری

فاطمه موسوی ویایه، جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی در گفتگو با خبر آنلاین گفت که موج مهاجرت جوانان در ایران در یک سال گذشته رشدی ۱۴۰ درصدی داشته و نیمی از این مهاجرین را زنان تشکیل می‌دهند.

انسان‌ها به دلائل مختلف از جمله زندگی در شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بهتر و برخورداری از حقوق انسانی و مزایای بیشتر و یا حتی از سر کنجکاوی اقدام به ترک کشور محل تولد خود و

ادامه زندگی در جغرافیایی دیگر می کنند. مسلماً پدیده مهاجرت به قدمت طول ظهور گونه انسان بر روی زمین است. اما نکته حائز اهمیت وابستگی شکل تحقق این پدیده انسانی به شیوه تاریخی حاکم تولید و شکل روابط اجتماعی میان انسان ها است. در دوران مدرن پدیده مهاجرت، به ویژه مهاجرت نیروی کار تابعی از روابط تولید سرمایه دارانه حاکم بر جهان و اشکال مشخص بروز آن در جوامع مختلف است و مهر روابط حاکم اجتماعی را بر خود دارد و قائم به منطق تولید و بازتولید مداوم سرمایه است.

بازتولید نیروی کار (سرمایه متغیر) در حوزه های مختلف تولید و با توانایی ها و سطوح متفاوت بازدهی یکی از شرایط لازم بازتولید روابط تولید سرمایه دارانه است. گردش نیروی کار در بازار

جهانی به این معنی امری عادی تلقی می‌گردد؛ اما خروج دائم نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر (و در ایران خروج حتی نیروی غیرماهر) در مقیاسی فزاینده از یک کشور معین و عدم قابلیت جایگزینی آن (عدم توانایی جذب نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر از بازارهای خارجی) نشانه‌ای از اوضاع بحرانی روابط اقتصادی حاکم بر آن کشور است. فرار نیروی کار و عدم توانایی جذب نیروی کار از دیگر کشورها روی دیگر فرار سرمایه و ناتوانی در جذب سرمایه خارجی است. این وضعیت خود وجهی دیگر از ناتوانی در ادغام در سرمایه جهانی و بحران مزمن اقتصادی جمهوری اسلامی است.

بحران جاری اقتصاد جمهوری اسلامی که در پدیده دزدسالاری، رانت‌خواری و اقتصاد مافیایی نیز متجلی

می‌گردد حاصل موجودیت بحران‌زای رژیم اسلامی است. اما در سطحی پایه‌ای‌تر جمهوری اسلامی خود پاسخ در وضعیت اضطراری سرمایه جهانی به بحران سرمایه در ایران بوده است. بحران موجود اما چه در سطح اقتصادی و بازتولید روابط اجتماعی و چه در سطح انسانی که در شکل فرار نیروی کار تحقق می‌پذیرد پاسخ سرمایه‌دارانه ندارد. سرنگونی جمهوری اسلامی اولین اما مهم‌ترین قدم در راستای حل این بحران و ساخت جامعه‌ای انسانی و مرفه است.

چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۳

۳ آپریل ۲۰۲۴

سیزده بدر و گوشمالی حکومت توسط مردم

سیما بهاری

”روز شنبه، صداوسیما در خبری از تعطیلی همه پارک‌ها و بوستان‌ها و تفرجگاه‌ها در روز ۱۳ فروردین خبر داد و اعلام کرد این محدودیت تا یک ساعت قبل از اذان مغرب، برقرار است، اما کمی پس از این خبر، معاون امنیتی وزارت کشور، با صدور اطلاعیه‌ای، تعطیلی پارک‌ها و بوستان‌ها در سیزده فروردین را تکذیب کرد.“

نوروز امسال خیابان‌های شهرهای مختلف ایران صحنه قدرت‌نمایی شاد و موزیکال مردم و

دندان قروچه‌های حکومت بود. نوروز امسال ما شاهد صحنه‌های با شکوهی از قدرت و بی‌اعتنایی جسورانه مردم مقابل حاکمیت مستأصل و درمانده جمهوری اسلامی بودیم. حاکمیتی که مدت‌هاست بخشنامه‌های امر به معروفش یا در دالان‌های این وزارتخانه و آن نهاد سرگردان می‌شود، و یا با مشتهایی که دیگر در پشت گره نشده و خیلی مستقیم دهان حکومت را نشانه می‌رود، روبروست. رشد انقلاب زن زندگی آزادی را در همین رفتارهای هنجارشکنانه و حق‌به‌جانب زنان و مردانی می‌بینیم که دیوارهای آپارتاید جنسیتی را جلو چشمان مأموران حکومت می‌شکنند و با موزیک و رقص به روزه و عزاداری اعلام شده حکومت دهن کجی

می‌کنند.

حکومت این بار حتی نتوانست خط‌ونشان بکشد. جرئت‌ش را نداشتند. اعلام صداوسیما در مورد تعطیلی پارک‌ها و باغ‌ها حتی نتوانست شیرینی خودنمایی را به کام آنها ببخشد، می‌دانند که جامعه چه آتش‌فشانی هست. فوری معاون امنیتی وزارت کشور، ارگان دیگری از همین مرتجعین، خبر را تکذیب می‌کند. می‌دانند مردم دارند کار خودشان را می‌کنند. چیزی جلودار مردم نیست. تیر از کمان رها شده و دارد به سرعت جلو می‌رود. بخشنامه و لایحه و وضع قوانین جلو این موقعیت رو به پیش اعتراضات مردمی را نمی‌تواند بگیرد.

دم مردم آزاده گرم! چهره‌های شادشان، لباس‌های
رنگینشان، موزیک‌های سرشار از زندگی‌شان و
رقص آزادانه آنها همراه با فضای اعتراضی کل
جامعه، امید را در دل‌هایمان زنده نگه می‌دارد و
نوید زنده‌بودن انقلابمان را می‌دهد. این مردم را
نه می‌توانند بترسانند و نه می‌توانند ساکت کنند.

چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۳

۳ آپریل ۲۰۲۴

در همبستگی با مبارزه کارگران سوئد

علیه شرکت ماشین سازی تسلا

ابراهیم دانش

از تاریخ ۲۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ میلادی اتحادیه کارگری فلز سوئد (IF Metall) با بیش از ۳۰۰ هزار عضو در اعتصاب علیه شرکت تسلا به سر می برد. موضوع اختلاف قرارداد استخدام جمعی کارگران در این شرکت قدرتمند تولید خودرو است. در کشور سوئد برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر کارگران موفق به تحمیل قرارداد استخدام جمعی به کارفرمایان شده اند و این سنت استخدام جمعی مدت ها است که کارگران را در شرایط بهتری در بازار کار قرار داده. اتحادیه های کارگری در سوئد می توانند با کارفرمایان برای حق افزایش دستمزد سالانه، حق بازنشستگی، افزایش دستمزد در مواقع اضافه کاری و بسیاری امتیازات دیگر

مذاکره کنند و توافقات به دست آمده شامل تمام کارگران در استخدام می‌شود. بدون این توافق هر کارگر باید به طور انفرادی با صاحب‌کار به توافق برسد و این امر کارگران را که معمولاً در موقعیت ضعیف‌تری هستند به کار در شرایط نامناسب‌تری وادار می‌کند.

شرکت خودروسازی تسلا حاضر به امضای چنین قراردادی نشد و زمانی که مذاکرات اتحادیه کارگری فلز با تسلا بی نتیجه ماند، این اتحادیه اعلام اعتصاب کرد و تا به امروز این اعتصاب همچنان در جریان است.

با وجود این اعتصاب طولانی‌مدت و همبستگی وسیع از جانب بسیاری از کارگران و اتحادیه‌های کارگری در سراسر جهان، تسلا حاضر به امضای این قرارداد نشده. مدتی است که اخبار این مبارزه

از تیترا خبرهای رسانه‌های سوئد برداشته شده و خطر شکست این اعتصاب را بیشتر از قبل تهدید می‌کند. تسلا و سرمایه‌دار مشهور ایلان ماسک از سرمایه و توان مالی بسیار بالایی برخوردارند که به این شرکت قدرت بالاتری در مبارزه با اتحادیه کارگری فلز می‌دهد.

اهمیت این اعتصاب در تعرض سرمایه به حقوق کارگران است و اگر تسلا از این مبارزه موفق بیرون بیاید اتحادیه‌های کارگری در سوئد ضربه سنگینی خواهند خورد و بسیاری از شرکت‌های قدرتمند دیگر نیز از قرارداد جمعی صرف‌نظر کرده و یا دست خواهند کشید. تعرض به دستاوردهای موجود کارگران در این کشورها گامی دیگر در افزایش استثمار نیروی کار است و تسلا اکنون پرچمدار مبارزه با حق قرارداد جمعی در سوئد شده است. برای دفاع از کارگران فلز سوئد می‌شود

بیانیه‌های همبستگی صادر کرد، در شبکه‌های اجتماعی از آنان حمایت کرد و اخبار این اعتصاب و مبارزه را پخش کرد. شرایط کاری کارگران در سوئد بر شرایط کاری کارگران سایر کشورها تأثیر می‌گذارد. پیروزی کارگران متال بر شرکت بزرگ تسلا پیروزی همه کارگران است. از آنها حمایت کنیم.

چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۳

۳ آوریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۹۶

۴ آوریل ۲۰۲۴ – ۱۶ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

زنان بی‌حجاب و رهبر مشنگ

اصغر کریمی

”منبر مقاومت“ به جای ”محور مقاومت“!

محسن ابراهیمی

ویژگی‌های انقلاب زن زندگی آزادی در ایران

حمید تقوایی

کاخ سفید و افطاری؟!

میلاد رسایی منش

سپاه پاسداران و ”مصونیت دیپلماتیک“

کیوان جاوید

زنان بی‌حجاب و رهبر مشنگ

اصغر کریمی

خامنه‌ای روز ۱۵ فروردین در دیدار با سران نظام گفت: ”حجاب حکم مسلم شرعی و یک حکم مسلم قانونی است و رعایت قانون بر همه واجب است. مسئولان بخش‌های مختلف باید به مسئولیت خود عمل کنند. بیگانگان طبق آنچه در گزارش‌های قابل اعتماد به ما رسیده عده‌ای را استخدام کردند که هنجارشکنی کنند و حرمت حجاب را بشکنند.“

اولاً، فرض کنیم که بیگانگان هستند که میلیون‌ها زن را به بی‌حجابی کشانده‌اند. ولی این پامبری‌های تو سوال نمی‌کنند شما ۴۵ سال است بر این مملکت

حکومت می‌کنید، همه رسانه‌های مخالف را تعطیل کردید و همه امکانات از منبر و مسجد و مدرسه و دانشگاه و روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون تحت کنترل مطلق شما است. چطور حریف این بیگانگان نشدید که حتی آقا زاده‌هایتان را هم بی‌حجاب کرده‌اند؟!

ثانیاً، می‌گویی ”بخش‌های مختلف حکومت در این زمینه به مسئولیت خود عمل کنند“. همه آنها اگر جرات کنند به تو می‌گویند آقا به خدا ما همه ارگان‌های حکومت به وظیفه‌مان ۴۵ سال است عمل کرده‌ایم، اسید پاشیدیم، زندانی کردیم، اخراج کردیم، جریمه کردیم، شلاق زدیم، تجاوز کردیم، کشتیم و سالانه به میلیون‌ها زن تذکر دادیم، ولی حریف نشدیم و الان همه بی‌حجاب شده‌اند؟! حالا چه کنیم که نکرده‌ایم؟ مگر خبر نداری که لایحه

حجاب و عفاف یک سال است در دالان‌های حکومت می‌چرخد و مجلس هم جرات نکرد در صحن علنی آنرا به بحث بگذارد چون بخشی از مجلسیان مخالف آن بودند، بخشی هم از ترس مردم جرات دفاع از آنرا نداشتند؟! و مگر در جلسه فرماندهان سپاه به تو نگفتیم که نیروهای ما از نظام عبور کرده‌اند و آمادگی ندارند؟

ثالثاً، ۱۵ فروردین سال قبل هم گفتی که ”کشف حجاب، حرام شرعی و سیاسی است“. امسال که حکومت بی‌آبروتر، زبون‌تر و مستأصل‌تر از سال قبل است. همه مقامات منتصب تو هم دزد از آب درآمده‌اند. گشت ارشاد را هم مجبور شدیم جمع کنیم. با کدام نیرو، با کدام روحیه، با کدام انسجام می‌خواهی به جنگ زنان و جامعه از جمله

دختران خودمان برویم؟ مگر خبر نداری که خیلی
از آیت‌الله‌ها و "مدرسین مدرسه علمیه" و نیمی
از رسانه‌های حاشیه حکومت هم مخالف حجاب
اجباری شده‌اند؟

جناب رهبر، بساطتان را جمع کنید یا خودمان جمع
می‌کنیم! اکثریت بالایی از زنان و کل جامعه نه
حرام شرعی می‌شناسند نه حرام سیاسی. نه حجاب
می‌خواهند نه شرع اسلام و نه حکومت شرع اسلام.
انقلاب زن زندگی آزادی اوضاع را برای همیشه
دگرگون کرده و راه بازگشتی باقی نگذاشته است.

پنجشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۳

۴ آوریل ۲۰۲۴

”منبر مقاومت“ به جای ”محور مقاومت“!

محسن ابراهیمی

دو روز بعد از به هوا رفتن کنسولگری جمهوری اسلامی در سوریه که در جریان آن هفت عضو ارشد سپاه قدس تلف شدند، حکومت اسلامی یک گردهمایی حضوری و مجازی تحت عنوان ”منبر مقاومت“ برای سران ”محور مقاومت“ یعنی شناخته‌شده‌ترین تروریست‌های اسلامی در جهان ترتیب داد که در آن آیت‌الله قاتل، رهبران حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی، حشدالشعبی عراق و انصارالله یمن سخنرانی کردند.

اینها که در آرزوی مالیخولیایی به دریا ریختن مردم اسرائیل مرتکب جنایات زیادی شده‌اند، در ”منبر

مقاومت“ کلی در باب آرزوهای توخالی منبر رفتند:
”هفت اکتبر نماد و الگوی همبستگی اسلامی شد؛
هفت اکتبر به آرزویی برای آزادی قدس انجامید
و...“

این سخنان توخالی در کنار واکنش حکومت اسلامی
به قتل فرماندهان ارشد سپاه قدس یعنی اینکه
وضع جنبش کثیف اسلامی اصلاً خوب نیست. هفت
تروریست اسلامی از جمله فرمانده شاخه سوریه
و لبنان سپاه قدس، که امروز معلوم شد در کشتار
هفت اکتبر ”نقش بارزی“ داشته است، را کشته‌اند
و حکام اسلامی لاف می‌زنند که: ”انتقام سخت در
راه است!“ مردم می‌دانند منظورشان انتقام از مردم
است. درحالی‌که تهران را با بیلبردهای عکس وزیر
دفاع و رئیس ستاد ارتش دولت اسرائیل پُر کرده‌اند

که مثلاً حسابشان را خواهند رسید، سر کرده‌شان
علی خامنه‌ای در اولین سخنانش بعد از این ضربه،
از او باش امر به معروف و نهی از منکرش می‌خواهد
به ”وظایف شرعی و قانونی“ برای تحمیل حجاب
تمرکز کنند!

بی‌دلیل نیست که برای ”ترم‌ش‌های قهرمانانه“ علی
خامنه‌ای، عنوان تازه‌ای جور کرده‌اند: ”صبر
استراتژیک“! امام جمعه شیراز این ”صبر استراتژیک“
را معنا کرد وقتی گفت باید گوش به فرمان خامنه‌ای
باشیم و او نیز گوشش به فرمان امام زمان است!
امام زمان هم که قرار بود با فراگیری فساد ظهور
کند حتی با وجود جمهوری اسلامی هم ظهور نکرده
است. یعنی اینکه ”صبر استراتژیک“ عنوانی آخوندی
برای حقه‌بازی سیاسی از سر ضعف است!

حکومت اسلامی هفته سختی از سر گذراند. نتوانست به جای شادی و رقص و آواز در طبیعت، گریه و ماتم و سینه زنی در مساجد را بر مردم تحمیل کند. شادی مردم با سیلی محکم بر صورت ماتم حکومتی، سیزده را بدر کرد! این وسط، حکومت مشغول جمع کردن تلفاتش در دمشق بود که اردوغان اسلامی هم در انتخابات شهرداری‌ها شکست سنگینی خورد. شکستی که از طرف مردم در ترکیه با طنین بلند "ژن، ژیان، ئازادی" جشن گرفته شد. در متن این اتفاقات، "منبر مقاومت" بجای "محور مقاومت" با موعظه‌های تو خالی، برای مردم مصمم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، خبر خوبی است!

پنجشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۳

۴ آوریل ۲۰۲۴

ویژگی‌های انقلاب

زن زندگی آزادی در ایران

حمید تقوایی

کیوان جاوید: انقلاب زن زندگی آزادی چه ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی با خیزش‌های انقلابی گذشته در ایران دارد؟

حمید تقوایی: انقلاب زندگی آزادی نقطه عطفی در تحولات سیاسی ایران است. این البته اولین خیزش انقلابی جامعه علیه جمهوری اسلامی نیست؛ ولی اولین خیزشی است که برخلاف خیزش‌های قبلی (در تیر ۱۳۷۸، خرداد ۸۸، دی ۹۶ و آبان ۹۸) نه با تاریخ وقوع بلکه با مضمون رادیکال و مدرن

انسانی، و ازین رو جهانی، خود مشخص می‌شود. اولین خیزشی است که خود را انقلاب می‌نامد، پرچم رادیکال و انسانی و چپ “زن زندگی آزادی” را برافراشته است و به‌عنوان اولین انقلاب زنانه تاریخ احترام و توجه جهانیان را به خود جلب کرده است. اولین تحولی است که از همان آغاز اعلام می‌کنند “بهش نگید اعتراض اسمش شده انقلاب”، از همان ابتدا ترانه “برای” به سرودش تبدیل می‌شود و محبوبیت جهانی پیدا می‌کند و کلاً به فرهنگ و هنر انقلابی‌ای شکل می‌دهد که در صدها سرود و ترانه و کلیپ و پوستر و نماد در خیابان‌ها و در رسانه‌ها و در مدیای اجتماعی در ایران و در جهان گسترش پیدا می‌کند. “زن زندگی آزادی” فقط یک شعار نیست بلکه نماد و آیکون و مضمون و هویت انقلاب

علیه جمهوری اسلامی است. نماد انقلاب زنانه ای که فریاد می‌زند ”هر چه تبر زدی مرا زخم نشد جوانه شد، تو اغتشاش خواندی اش انقلاب زنانه شد.“

روند تحولات آتی هر چه باشد این دستاوردها پس گرفتنی نیست و برای همیشه، شرایط سیاسی، فضای اعتراضی، و توازن قوا در ایران را به نفع انقلاب و توده مردم متنفر از رژیم و به ضرر حکومت تغییر داده است.

کیوان جاوید: حرکات و تظاهرات خیابانی نسبت به سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است. آیا از نظر شما انقلاب ادامه دارد؟

حمید تقوائی: بین انقلاب به معنی مشخص با شرایط انقلابی و انفجاری در جامعه باید تفکیک قائل شد. معنی مشخص و عینی انقلاب که درک و تصویر و تعریف نیروهای سیاسی و عامه مردم از انقلاب بر آن مبتنی است، اعمال قدرت جمعیت در خیابان‌ها است (تظاهرات و اعتصابات و تجمعات توده‌ای با مضمون سرنگونی طلبانه و درگیری با نیروهای سرکوب و حمله به مراکز و مقرهای دولتی و قیام و غیره). روشن است که از این نقطه نظر انقلاب فروکش کرده و ماسطحی از تظاهرات و اعتراضات توده‌ای خیابانی در داخل و خارج کشور که در سال ۱۴۰۱ وسیعاً جریان داشت را شاهد نیستیم. علت این امر هم قدرت سرکوب و ارباب حکومت نیست. آنکه مرعوب شده خود حکومت است. علت

اساساً این است که هنوز حزب یا نیروی سیاسی‌ای
بعنوان رهبر انقلاب از جانب جامعه پذیرفته نشده
است. حزب ما تلاش می‌کند این خلأ را پر کند.

اما از جنبه دیگر، یعنی انقلاب به معنی شرایط و
وضعیت پرتحول، ناپایدار و انفجاری جامعه و عزم
راسخ مردم برای به زیر کشیدن حکومت، انقلاب
زن زندگی آزادی نه تنها فرو نخوایده؛ بلکه در
حال پیشروی و گسترش و تعمیق است. این انقلاب
فضای سیاسی، فرهنگ اعتراضی، گفتمان عمومی،
رابطه بین حکومت و جامعه، و توازن قوا را به نفع
توده مردم انقلابی و به ضرر حکومت تغییر داده
است و این روند تا تعیین تکلیف نهائی جامعه با
جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت و عمیق‌تر و

گسترده‌تر خواهد شد. سیر تحولات هر چه باشد
و برآمد بعدی خیابان هر زمان رخ دهد، این روند
تنها با سرنگون جمهوری اسلامی می‌تواند به فرجام
برسد.

پنجشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۳

۴ آوریل ۲۰۲۴

کاخ سفید و افطاری؟!!

میلاذ رسایی منش

در خبرها آمده است مهمانی افطار پنجشنبه‌شب بایدن در کاخ سفید تحت تأثیر جنگ اسرائیل در غزه برگزار نشد. به گزارش خبرگزاری رویترز، در عوض جو بایدن ابتدا قرار است: "ملاقاتی با چند تن از سرکردگان اسلامی در آمریکا داشته باشد و سپس شام مختصری را با چند "مقام ارشد مسلمان دولت خود" صرف کند."

بیایید هم‌زمان با این تلاش برای افطاری دادن در کاخ سفید نگاهی به تقابل مردم با جمهوری اسلامی در ایران بیندازیم. همه مقامات قضایی و سیاسی رژیم در کنار امام‌جمعه‌ها و خیل آخوندهای مرتجع

مردم را به خاطر تقارن ماه رمضان کذایی با سال نو از جشن گرفتن منع کردند و مغازه‌های فروش مواد غذایی و رستوران‌های خاکی را پلمب کردند تا مردم در خیابان‌ها نه بخورند، نه بیاشامند و نه شادی کنند. در برابر این ارتجاع محض اسلامی، مردم ایران بزرگ‌ترین حرکت ضداسلامی خود را به نمایش گذاشتند به هر چه ماه رمضان و مزخرفات اسلامی است "نه" گفتند.

ماجرای اینجا ختم نمی‌شود. در حالی که سیزده بدر امسال مقارن با مرگ علی، امام اول شیعیان، بود باز سران حکومت با تهدید به برخورد سخت مردم را از برگزاری جشن ۱۳ بدر بر حذر داشتند و حتی اعلام کردند: "فکر کنید پدرتان مرده است" آیا باز هم جشن می‌گیرید. جواب یکپارچه مردم به این

اراجیف حکومتی، برگزاری جشن و شادی و خوردن و آشامیدن علنی در روز مرگ امام اول شیعیان بود.

در ایران یک انقلاب عظیم ضداسلامی جهان را شیفته خود کرده است. انقلابی که برچیدن مذهب از زندگی اجتماعی و برقراری یک جامعه آزاد و سکولار و غیر مذهبی را در دستور خود گذاشته است. در چنین شرایطی که مذهب و در رأس آن اسلام و اسلام سیاسی، خصوصاً در منطقه و کشورهای اسلام زده جنایت می‌آفریند، دولت آمریکا بنا به سنت ارتجاعی دیرینه‌اش در کاخ سفید سفره افطاری پهن می‌کند تا ثابت کند مماشات با حکومت اسلامی در عربستان، طالبان در افغانستان و حکومت اسلامی در ایران و هر جای دیگر، سیاست رسمی همه دولت‌های حاکم در آمریکا است.

این اتفاق نشان می‌دهد دولت آمریکا نه در کنار انقلاب زن زندگی آزادی است و نه می‌تواند این رنسانس ضد مذهبی در ایران را هضم کند. پیروزی این انقلاب بساط مماشات با اسلام، از نوع سمی و خوش‌خیمش را برای همیشه جمع می‌کند و اوضاع منطقه و هر جایی که گرفتار ارتجاع اسلامی است را برای همیشه دگرگون می‌کند.

پنجشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۳

۴ آوریل ۲۰۲۴

سپاه پاسداران و "مصونیت دیپلماتیک"

کیوان جاوید

ارکستری جمعی از سازمان ملل تا دولت روسیه و چند کشور عربی تا اتحادیه اروپا به راه افتاده است که به موشک بستن "کنسولگری جمهوری اسلامی در سوریه" نقض مقررات دیپلماتیک است. جمعاً دم گرفته‌اند که سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها خاک کشور مربوطه است و نباید مورد تعرض قرار بگیرد.

این داستان از اساس بی‌بنیاد است. اولاً برای این بیان می‌شود تا آبی بر آتش جمهوری اسلامی ریخته شود و در واقع هیچ دولتی قرار نیست برخورد سختی با اسرائیل داشته باشد. حتی دولت روسیه که متحد

استراتژیک جمهوری اسلامی در سوریه است،
ضمن محکوم کردن آن خواستار این شده است که
اسرائیل دیگر از این کارها نکند.

اما در واقعیت امر، کنسولگری و سفارت جمهوری
اسلامی خصوصاً در سوریه ربطی به مکان دیپلماتیک
ندارد. این مکان مرکز فرماندهی سپاه قدس
سپاه پاسداران است و همین کشته شدن ۷ تن از
فرماندهان و نیروهای ارشد سپاه پاسداران نشان
می‌دهد که در "مکان دیپلماتیک" چه خبر بود.

جمهوری اسلامی در سوریه زرادخانه بزرگی به راه
انداخته است. این رژیم تروریست اساساً برای به
خون کشیدن انقلاب مردم سوریه وارد میدان شد

و با تحمیل بزرگ‌ترین کشتار، انقلاب مردم سوریه را با کمک دولت روسیه و رژیم جنایتکار بشار اسد به خون کشیدند. اما این بمباران‌های وسیع و بی‌وقفه توسط اسرائیل بخاطر نیرو دادن و تقویت نظامی و لجستیکی حماس و حزب‌الله لبنان توسط جمهوری اسلامی است و به این دلیل تقابل نظامی محسوب می‌شود و مراکز "دیپلماتیک" جمهوری اسلامی در سوریه و لبنان و عراق و یمن مراکز جنگی‌اند. هر چند باید گفته شود همه سفارتخانه‌ای جمهوری اسلامی مکان‌های تروریستی این رژیم‌اند و باید فوراً تعطیل شوند.

پنجشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۳

۴ آوریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۹۷

۶ آوریل ۲۰۲۴ - ۱۸ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

حمله جیش‌العدل و درماندگی رژیم

حمید تقوایی

اقتصادِ رژیم فاسد

فاتح بهرامی

عفو بین‌الملل: زندان‌های ایران محل کشتار جمعی است!

حسن صالحی

هنر، مبارزه، زندگی

سینا پدرام

کبوترهای زندان

یاشار سهندی

حمله جیش العدل و درماندگی رژیم

حمید تقوایی

حمله مسلحانه گروه جیش العدل به پایگاه‌های نظامی جمهوری اسلامی در خاک ایران به یک موضوع داغ رسانه‌ها و مدیای اجتماعی تبدیل شده است. بنا به گزارش‌ها این حمله‌ای گسترده و از پیش سازماندهی شده به مقرهای نظامی و انتظامی در شهرهای راسک و چابهار و سرباز بوده است و بیش از ۱۲ ساعت ادامه داشته است. در این حمله به ادعای رژیم ۱۰ نفر، و به ادعای جیش العدل ۲۰۰ نفر از نیروهای حکومتی کشته شده‌اند.

جیش‌العدل یک نیروی اسلامی با ادعای دفاع از حقوق مردم سیستان و بلوچستان است و جمهوری اسلامی (به همراه دولت‌های آمریکا و ژاپن و نیوزیلند) آنرا یک نیروی تروریستی می‌دانند؛ اما اهمیت و جایگاه این رویداد در ادعاهای طرفین و نفس حمله مسلحانه یک نیروی اسلامی به یک حکومت اسلامی نیست؛ بلکه در تأثیرات و نتایج آن بر شرایط سیاسی در ایران و رابطه مردم سیستان و بلوچستان و کل مردم ایران با جمهوری اسلامی است.

جامعه ایران بیش از یک سال و نیم است که برای بزیر کشیدن حکومت بپاخاسته است و با زندان و شکنجه و کشتار و اعدام و شلیک به چشم‌ها و

حمله شیمیائی به مدارس و جمعه سیاه زاهدان و
کشتار معترضین در خیابان‌ها و اعدام‌های بیسابقه
و بازداشت و شکنجه آزادیخواهان و هنرمندان و
شریف‌ترین مردم ایران پاسخ گرفته است. هر
ضربه‌ای به نیروهای سرکوبگر نظامی و انتظامی
این حکومت عملاً صفوف مردم بپاخاسته را تقویت
می‌کند.

از نقطه نظر موقعیت منطقه‌ای رژیم نیز این
رویداد ضربه‌ای به جمهوری اسلامی است.
جمهوری اسلامی مدعی قدر قدرتی در منطقه
است و هر چه موقعیت داخلی‌اش ضعیف‌تر
می‌شود بیشتر بر طبل ادعاهای منطقه‌ایش در
مقابله با آمریکا و اسرائیل می‌کوبد. حمله اخیر،

بدنبال حملات دولت اسرائیل و کشته شدن چند تن از بالاترین سرداران و فرماندهان نظامی سپاه در سوریه در ماههای اخیر، پوچی و توخالی بودن این رجزخوانی‌های منطقه‌ای را بیش‌ازپیش برملا می‌کند. مردم جان‌به‌لب رسیده سیستان و بلوچستان و مردم سراسر ایران در این مقابله نظامی ضعف و درماندگی حکومتی را می‌بینند که حتی قادر به محافظت از پایگاه‌های نظامی‌اش در خودِ ایران هم نیست. این امر فضای سیاسی و اعتراضی در جامعه را به نفع صفوف مردم و به ضرر جانیان حاکم یک گام دیگر بجلو سوق می‌دهد.

نباید اجازه داد این نوع عملیات هیچ نوع توهمی

به نیروی اسلامی نظیر جیش‌العدل، که متعلق به شاخه سنی جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی است، ایجاد کند. درعین‌حال باید با هر نوع تلاش حکومت برای نظامی و امنیتی کردن بیشتر شهرهای سیستان و بلوچستان به این بهانه مقابله کرد. باید تلاش کرد تا این نوع رویدادها به رادیکالیزه شدن و تقویت و تعرض هر چه بیشتر صفوف انقلاب علیه جمهوری اسلامی منجر شود.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

۶ آوریل ۲۰۲۴

اقتصادِ رژیمِ فاسد

فاتح بهرامی

گزارشی درباره "اقتصاد ایران" در سال گذشته توسط بی بی سی منتشر شده که درباره تورم و گرانی و سقوط ارزش ریال و غیره آمار و ارقام و نکاتی را از جانب نهادها و عوامل حکومت نقل میکند و اشاره دارد که "دولت تلاش کرد تا اوضاع را بهتر کند، ولی تا یک مشکل را حل نکرده، دردسر تازه ای پیدا شد.

"بله، از جمله تلاشهای دولت برای "بهبود اوضاع" باید به ابعاد و اشکال مختلف سرکوب کارگران و مزدبگیرانی که خواهان حقوق صنفی خود بوده اند

اشاره کرد: مثلاً نپرداختن بموقع دستمزدها، تشدید استثمار و حمله به دستمزد و خدمات اجتماعی، زندانی کردن کارگر و معلم و پرستارانی که برای دریافت حقوق خود اعتراض و تظاهرات کرده اند، ضرب و شتم بازنشستگانی که صندوقهای آنها تاراج شده و در اعتراض مجبور به خیابان آمدن شده اند، کشتار انسانی‌هایی که برای زنده ماندن به کولبری و سوختبری روی آورده اند، و لیست این نوع "تلاش" دولت و حکومت اسلامی طولانی است. اما اینها "دردسر"های دولت را حل نکرده چون در طول کل سال ۱۴۰۲ نیز مبارزه و اعتراض کارگران و مردم زحمتکش بطور مداوم ادامه داشته و این مبارزه تشدید هم خواهد شد.

ایران یک جامعه ثروتمند است که تحت حاکمیت

یک نظام سرمایه داری بشدت فاسد و جنایتکار
ضد انسان گرفتار است. حل مشکلات اقتصادی
و رفاهی مردم مطلقا معضل و مشغله حکومت
نیست. حتی بخش مهمی از تورم و گرانی موجود
محصول سیاستهای آگاهانه حکومت است که بدلیل
منفعتشان زندگی مردم را قربانی میکنند. هزینه
های گزافی که وجود اوباشانی از قبیل زندانبان و
حجاببان و شکنجه گر و پاسدار و بسیجی تا هزینه
نجومی دم و دستگاه گسترده مذهب و تبلیغات
اسلامی و سیستم جاسوسی و امنیتی صرف میشود،
را با هزینه جنگ نیابتی و تولید موشک و صنعت
اتمی و حجم گسترده و غیر قابل تصور اختلاسها و
دزدیهای سران حکومت و آیت الله ها و سرداران
سپاه را جمع کنید تا معلوم شود که پول نفت و کل
ثروت تولید شده توسط بخش کارکن جامعه در

اقتصاد این رژیم فاسد صرف چه میشود.

معضلات بحران اقتصادی در ایران نه فقط در جمهوری اسلامی بلکه در هیچ حکومتی مبتنی بر اقتصاد سرمایه داری قابل حل نیست. وضع گرانی و تورم و فشار اقتصادی ای که بر مزدبگیران جامعه تحمیل شده بدون شک در جمهوری اسلامی حتی قابل تخفیف نیست. رهایی از وضع موجود فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی یک جمهوری سوسیالیستی ممکن است که برقراری آزادی و برابری و رفاه هدف آن است.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

۶ آوریل ۲۰۲۴

عفو بین الملل: زندان‌های ایران

محل کشتار جمعی است!

حسن صالحی

گزارش اخیر عفو بین الملل که به تاریخ ۱۶ فروردین ۱۴۰۳ انتشار یافت یکبار دیگر حقایق هولناک اعدام‌ها در ایران را در مقابل چشم جهانیان گذاشت. در سال گذشته میلادی، ۸۵۳ نفر در زندان‌های جمهوری اسلامی اعدام شدند که حداقل ۴۸۱ مورد از آنها با جرائم مواد مخدر مرتبط بودند. بر اساس این گزارش که "اجازه ندهید ما را بکشند" نام گرفته است، تعداد اعدام‌ها در سال ۲۰۲۳ بالاترین رقم ثبت شده از سال ۲۰۱۵ است.

البته باید دقت داشت که آمار سازمان‌های حقوق بشری از میزان اعدام‌ها در ایران حداقل آمار است. میزان اعدام‌ها در جمهوری اسلامی به مراتب بیشتر از آن است. حقیقتاً زندان‌ها در ایران به قتلگاه دسته‌جمعی شهروندان تبدیل شده‌اند. در این میان متهمین به جرائم مواد مخدر بیشتر از همه، قربانی قتل‌های جمعی جمهوری اسلامی هستند. جمهوری اسلامی با اعدام این بخش فقیر و آسیب‌دیده جامعه در ابعادی هولناک در پی سرکوب کل جامعه، خصوصاً به دنبال انقلاب زن زندگی آزادی است.

سؤال این است که در مقابل این اعدام‌های جنایت‌کارانه و هولناک چه می‌توان کرد؟ قبل از هر چیز سازمان ملل باید به همکاری خود با جمهوری

اسلامی در به اصطلاح مبارزه با مواد مخدر پایان دهد. این همکاری بدون آنکه ذره‌ای به اعدام افراد متهم به جرایم مواد مخدر اعتراض شود یک همدستی شرم‌آور با جمهوری اسلامی است. مضافاً اینکه همه می‌دانند که جمهوری اسلامی خود در تولید، توزیع و قاچاق مواد مخدر نقش دارد. در عین حال آمار بالای اعدام‌ها در ایران به عنوان جلوه‌ای از جنایات گسترده رژیم اسلامی علیه مردم، باید به انزوا و طرد بین‌المللی جمهوری اسلامی بینجامد. سیاستی که باید به دستگیری و دادگاهی کردن مقامات جمهوری اسلامی از سوی نهادهای بین‌المللی به دلیل ارتکاب به این جنایات گسترده منجر شود.

در ایران خوشبختانه خود زندانیانی که زیر تیغ

اعدام قرار دارند با اعتصاب در روزهای سه‌شنبه
پرچمدار این مبارزه شده‌اند. لازم است که این
اعتصاب زندانیان مورد حمایت همه ما قرار بگیرد.
اعدام‌های گسترده جمهوری اسلامی تک‌تک ما
را به مبارزهای وسیع و گسترده علیه این اعدام‌ها
فرامی‌خواند. این مبارزهای است برای خنثی کردن
سلاح سرکوب جامعه؛ این مبارزهای است برای
احقاق حق اعتراض و نقد؛ این مبارزهای است برای
صیانت از حرمت شهروندان؛ این مبارزهای است
برای نجات قربانیان نظام ضدانسانی کنونی؛ این
مبارزهای است برای زندگی. به این مبارزه بپیوندید.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

۶ آوریل ۲۰۲۴

هنر، مبارزه، زندگی

سینا پدram

”کار ما نوعی مبارزه است؛ مبارزه برای به رسمیت شناختن خود و هنرتان در وهله اول و در وهله دوم، رسیدن به کرامت انسانی و یک زندگی معمولی که حقِ اولیه هر شهروند است.“

این حرف ”ابی“ گیتاریستی که در خیابان‌ها و کافه‌های تهران بیشتر از ده سالی است که گیتار می‌زند. مدرک مهندسی تکنولوژی جوشکاری دارد؛ ولی مدت‌ها با آموختن گیتار در سبک جیپسی و فلامینکو موزیک به حرفه وی تبدیل شده است.

”ابی“ از مشکلات هنرمند بودن در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی حرف‌های زیادی دارد. از محدودیت‌ها و مشکلاتی که لباس شخصی‌ها و مأموران رژیم و نهادهای حکومتی برای نوازندگان و هنرمندان ”خیابان“ ایجاد می‌کنند. او حتی از پرونده‌سازی بر علیه او و بندشان می‌گوید.

به گفته او ”یک‌بار برای ما پرونده درست کردند در خیابان وزرا؛ همان جایی که مهسا امینی کشته شد. جرم ما این بود که عده‌ای از مردم به دور ما جمع شده بودند تا از موسیقی لذت ببرند، جرم ما این بود که مردم را در یک لذت مشترک سهیم کرده بودیم و به آنها اندکی شادی هدیه داده بودیم. بابت این فعل به قول آنها حرام، برای ما

پرونده‌سازی کردند.

این شرح فقط گوشه‌ای از زندگی و تلاش مردم در ایران برای داشتن آن چیزی که به آن علاقه دارند و به آن عشق می‌ورزند، شرح و بیان پشتکار، تلاش، مقاومت و مبارزه مردمی است که با حکومت و حکومتیان قرن‌ها فاصله دارند. دره‌ای عمیق مابین دنیای اسلامی و دنیای مردم ایران هست. مردمی “عادی” که “خارق‌العاده” هستند، چرا که زندگی روزمره‌شان در تناقض و ضدیت با تمامی قوانین حکومتی و بنیادهای مذهبی - اسلامی این حضرات است؛ مردمی که عدالت اقتصادی و اجتماعی و برابری و آزادی خواست دیرینه همه آنها، و منزلت، معیشت و کرامت انسانی شعار انقلابشان است.

موسیقی، فیلم، نقاشی و دیگر پدیده‌های هنری بخشی از زندگی است و از این رو تعطیل‌پذیر نیست. با حکم حکومتی و سانسور نابود نمی‌شوند و از میدان به در نمی‌رود. هنر در ایران بخشی از مبارزه مردم نیز هست. از شعارنویسی و گرافیتی تا آوازه‌خوانی و نمایش‌ها خیابانی. در کمتر جایی هنر زندگی و زندگی هنری این‌چنین درهم آمیخته شده‌اند. چرا که رژیم حاکم در تضاد و تقابل با هر دو، یعنی زندگی و هنر است.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

۶ آوریل ۲۰۲۴

کبوترهای زندان

یاشار سهندی

امیر نصر آزادنی، فوتبالیستی که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی در اصفهان بازداشت و تا پای اعدام رفت، به خاطر فشار اعتراضات نتوانستند جانش را بگیرند، محکوم به ۲۶ سال زندان شده است. او چند روزی است به خاطر فرستادن پیامی نوروزی به افرادی منتقل شده و در اعتراض دست به اعتصاب غذا زده است. توماج صالحی از زندان متنی در حمایت از امیر نصر آزادنی منتشر کرده است. توماج می‌توانست سکوت کند وقتی خود اسیر کسانی است که از شکنجه کردن لذت می‌برند. هیچ کس هم به او ایراد نمی‌گرفت. توماج در بخشی

از پیام حمایتی نوشته است: ”وقتی بعد از سه روز
انفرادی و یک ماه حبس توی بند قرنطینه به بند
شاغلین که تحت بیشترین تسلط حفاظت اطلاعاته
منتقل شدم، امیر دونه دونه رفت پیش قدیمی‌های
بند و بهشون گفت: ”کاری که با من کردید رو
با توماج نکنید، نذارید زندانی بودنتون باعث بشه
که فراموش کنید شما هم انسانید.“ کاری که سال
گذشته با امیر کرده بودن، منزوی کردنش بود، به
دستور حفاظت اطلاعات زندان. امروز دومین روز
اعتصاب‌غذا و انتقال امیر نصر به انفرادیه، ما با هر
درود و بدرودمون یادش می‌کنیم و نمی‌ذاریم بیش
از این صدای اون رو خفه کند.“ توماج لازم دید
اینها را بنویسد تا از شرافت و انسانیت امیر نصر
گفته باشد.

بارها و بارها در تمام یک قرن گذشته تاریخ ایران از مقاومت و مبارزه و حماسه‌سازی زندانیان سیاسی خواندیم و شنیدیم. اما همه شنیدنی‌ها و گفتنی‌ها معمولاً خاطره‌ای است که نقل می‌شود. اما اکنون در بطن انقلاب زن زندگی آزادی به مدد وسایل ارتباطی مدرن زندانی سیاسی دیگر تنها مسئله خانواده و یارانش نیست، بلکه مسئله همه است.

سپیده قلیان نیز در اعتراض به تبعید سعید مدنی و نیز در اعتراض به حکم "تفی بلد" خودش که در زندان اوین محبوس است، خواستار این است که به زندان اهواز منتقل شود تا خانواده‌اش مجبور نباشند هر بار مسیر طولانی را برای ملاقات با او طی کنند،

دست به اعتصاب غذا زده است؛ و نیز زندانیان سیاسی دیگر که هر بار، هر کدامشان مورد آزار و اذیت تازه‌ای قرار می‌گیرند به حمایت از همدیگر، یا بیانیه می‌دهند یا دست به اعتصاب غذا می‌زنند، از زندانی سیاسی و فعالیت سیاسی تصویری دیگر می‌دهند و اعلام می‌کنند زندان جای برای درهم شکستن معترضان نیست.

کبوتر همیشه نماد و مبشر رهایی و آزادی بوده و توماج پیامش را با امضای ”کبوترهای زندان دستگرد“ منتشر کرده است.

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

۶ آوریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۹۸

سردبیر این شماره: سوسن صابری

۷ آپریل ۲۰۲۴ - ۱۹ فروردین ۱۴۰۳

در این شماره ژورنال

حمله به کارگران اخراجی گروه ملی فولاد و اولتیماتوم کارگران

شهلا دانشفر

رکوردشکنی دلار، شکستن کمر مردم

کیوان جاوید

کمپین مالی حزب

لیست شماره ۷

حمله به کارگران اخراجی گروه ملی فولاد و اولتیماتوم کارگران

شهلا دانشفر

روز هجده فروردین شماری از کارگران گروه ملی فولاد اهواز که در اعتراض به اخراجشان قصد برپایی چادر و تحصن مقابل شرکت را داشتند، به دستور بنی نغمه رئیس حراست و مزدورانش مورد حمله وحشیانه قرار گرفتند. حمله‌ای با همدستی علی محمدی مدیرعامل شرکت، موسوی لاری پشتیبان او، بانک ملی، امام جمعه و استاندار خوزستان.

این کارگران به خاطر اعتراضات اخیر قدرتمند در

این مجتمع سه هزارنفره که خیابان‌های اهواز را به لرزه در آورد، از ابتدای امسال اخراج شده‌اند. کارگران گروه ملی در پیامی اخطاری با اعلام اینکه در این شرکت جایی برای محمدی، خدا رحمی، نصیر نیا، بنی نغمه و پاژنگی نیست، بر اخراج مدیران و حراستی‌های فاسد تأکید دارند.

کانال صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد در اطلاعیه‌ای تحت عنوان ”حمله گستاخانه به کارگران اخراجی گروه ملی فولاد بی‌پاسخ نخواهد ماند“ ضمن گزارش خبر بر حمایت قاطع خود از کارگران اخراجی تأکید کرده و می‌نویسند: ”ما به کرات از همدستی حراست و مدیر فاسدش

با غارتگران در گروه ملی فولاد سخن گفتیم.
می‌دانستیم و می‌دانیم فلسفه و ماهیت وجودی
واحد حراست، تنها نگهبانی از منافع قبیله‌ای
چپاولگران و سرکوب کارگران معترض است.
مزدوران و لات و اوباش‌های حراستی که در
لباس کارگر مقابل کارگر قرار گرفته‌اند بدانند،
گستاخی و بی‌شرمی امروز بی‌پاسخ نمی‌ماند. از
جمله کارگران به برگزاری تجمعات اعتراضی در
حمایت از همکاران اخراجی خود تأکید کرده‌اند.
کارگران فولاد قبلاً نیز در سوم فروردین در اطلاعیه‌ای
از اخراج شماری از همکارانشان در روزهایی پایانی
۱۴۰۲ خبر داده و با تأکید اینکه اخراج هر کارگر
تعرض به جنبش کارگری است، اعلام کرده بودند

که با اخراج‌ها با تمام توان مقابله خواهند کرد و کسانی که باید از این شرکت بیرون روند دزدان و فاسدانی هستند که در کمین تاراج معیشت و زندگی کارگران نشسته‌اند.

بدین‌گونه فضای فولاد اهواز این کانون داغ اعتراضات کارگری به‌شدت ملتهب و به‌طور واقعی استارت دور جدیدی از اعتراض در این شرکت زده شده است. خواست‌های فوری این کارگران عبارت‌اند از: بازگشت به کار کارگران اخراجی، پرداخت معوقه اسفند، اجرای کامل همسان‌سازی که ده میلیون بر حقوق‌ها می‌افزاید، لغو و توقف احکام اخراج.

کارگران فولاد همچنین به تبعید تعدادی
از همکارانشان به محلی در استادیوم کوثر
معرض‌اند. یک نقطه قدرت کارگران فولاد اتکا
به مجمع عمومی و عمل متحد است. از مبارزات
این کارگران وسیعاً حمایت کنیم.

یکشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۳

۷ آپریل ۲۰۲۴

رکوردشکنی دلار، شکستن کمر مردم

کیوان جاوید

رکوردشکنی قیمت ارز در بازار ایران؛ دلار از ۶۵ هزار و ۳۰۰ تومان گذشت، یورو به مرز ۷۱ هزار تومان رسید.

هم‌زمان با حمله اسرائیل به کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق و کشته‌شدن چندین فرمانده ارشد رژیم، رکوردشکنی دلار در بازار مالی جمهوری اسلامی سیر بسیار شتابان‌تری پیدا کرده است. بااین‌حال پیش‌ازاین بحران سیاسی نیز، ریال در طول سال‌های اخیر ارزش خود را بیش‌ازپیش از دست داده است.

در فرهنگ عامه وقتی شرایط بغرنج یا وضعیت

نابسامانی مشاهده شود گفته می‌شود: ”خدا به دادمان برسد“. البته هیچ‌وقت هم خدا به داد کسی نرسید. درعین حال در شرایط فعلی، مردم یک دلیل اصلی وضعیت فلاکت‌بار فعلی را چمبره زدن حکومت الهی بر زندگی‌شان می‌دانند.

رکورد زدن دلار درحالی که حقوق‌ها ریالی است و قیمت‌ها دلاری، به یک کابوس تمام‌عیار تبدیل می‌شود. در این شرایط، قیمت‌ها به سرعت نور اوج می‌گیرد و زندگی‌های بیشتری را فنا می‌کند. در وضعیتی که فقر عمومی دهان باز کرده است و جان و هستی مردم را همچون هیولای افسانه‌ها می‌گیرد؛ در شرایطی که در کنار فقر کمرشکن و غیرقابل‌مهار، هر جلوه‌ای از زندگی زیر شلاق حکومت اسلامی قرار دارد و در وضعیتی که

تمامی راه‌های نفس کشیدن مردم مسدود شده است، سردمداران حکومت اسلامی در مسابقه‌ای نفس گیر در حال غارت زندگی مردم و در حال اختلاس‌های نجومی‌اند. در همین شرایط که عمیق‌ترین دره بین فقر و ثروت دهان گشوده است و در ایران بر تعداد میلیاردرها به دلار هر روز افزوده می‌شود و از آن طرف بخش وسیع‌تری از مردم از خط بقا نیز عبور می‌کنند، آری در این اوضاع، ماشین کشتارها و اعدام‌ها در ایران با سرعت سرسام‌آوری به پیش می‌راند.

در این شرایط فلاکت‌بار اگر یک انقلاب‌زیروروکننده در چشم‌انداز نبود و فضای جامعه برای سرنگونی بیش از همیشه مهیا‌تر نبود، به‌راستی زندگی دهشتناک می‌نمود. در این شرایط که جمهوری

اسلامی در اوج ذلت سیاسی و اقتصادی دست‌وپا
می‌زند و بحران‌های همه‌جانبه داخلی و بین‌المللی
نفس این رژیم را به شماره انداخته است، یک
امید مردم را به آینده خوش‌بین می‌کند. امید به
اعتراضات متحدانه و سراسری و امید به اینکه
می‌توان و باید همه دست‌به‌دست هم بدهند و
ریشه این فساد را برکنند تا به آزادی و رفاه برسند.
آن روز می‌رسد و ما مردم بی‌وقفه برای ساختن
این روز تلاش می‌کنیم.

یکشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۳

۷ آپریل ۲۰۲۴

کمپین مالی حزب

لیست شماره ۷

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع آوری حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی برای تأمین بخشی از نیازهای مالی حزب (و از جمله کانال جدید) معادل ۱۰۶۳۶۰ دلار آمریکا جمع آوری شد. لیست دوستانی که کمک کرده اند نیز هر هفته اعلام شده است. از تمام عزیزانی که به کمپین کمک کرده اند صمیمانه قدردانی می کنیم. از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه ای آزاد و برابر و خوشبخت می تپد و از همه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در

داخل و به‌ویژه خارج کشور دعوت می‌کنیم کمک
به حزب را ادامه دهید. کمک‌های شما، به هر میزان
مایه افتخار و اتکای این حزب است.

لیست شماره ۷

فریبا برهان زهی ۵۰۰ کرون - هوادار از آلمان ۲۰
یورو- رضا اکبری ۵۰۰ کرون دانمارک - کامران
برلین ۵۰ یورو- مهسا از آلمان ۵۰ یورو - بیژن
جلالی ۵۰ دلار کانادا- جمعی از فعالین حزب در
سوئد ۲۷۰۰۰ کرون - اولین ۵۰۰ کرون - دو
دوست از افسالا ۵۰۰ کرون - ژینا از آلمان ۱۰
یورو- می هو ۱۰۰ دلار کانادا - مری اوتاوا ۱۰۰
دلار کانادا - صوفی اتاوا ۱۰۰ دلار کانادا - شادی
شوشتری ۶۰۰ کرون - روزبه زندی فر ۵۰۰ کرون

- حمید صباحی ۲۰۰ کرون

جمع لیست ۷ معادل ۳۳۶۰ دلار آمریکا

جمع کل کمک‌ها ۱۰۶۳۶۰ دلار آمریکا

یکشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۳

۷ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۶۹۹

۸ آوریل ۲۰۲۴ – ۲۰ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

”عفو“ یا آزادی ۴ فعال محیط زیست

بابک یزدی

ادعای مسخره دستگیری سران داعش در ایران

میلا رابعی

جشن فارغ التحصیلی دخترانی بوشهری و دردسر حکومت

اصغر کریمی

فاطمه سپهری و کشف همکار اسرائیل

کیوان جاوید

دو گروگان فرانسوی حکومت اسلامی

سهیلا دالوند

”عفو“ یا آزادی ۴ فعال محیط زیست

بابک یزدی

حجت کرمانی، وکیل ۴ متهم محیط زیستی، نیلوفر بیانی، سپیده کاشانی، هومن جوکار و طاهر قدیریان، خبر ”عفو“ و آزادی تدریجی این چهار موکلش را اعلام کرد. این زندانیان سیاسی که حدود ۸ سال بخاطر فعالیت محیط زیستی در اسارت جمهوری اسلامی قرار دارند شایسته بیشترین احترام و قدردانی هستند و حکومت اسلامی به خاطر اسارت و شکنجه کردن این عزیزان دست به جنایت علیه بشریت زده است.

انسان‌های شریفی که غم مخروبه شدن محیط

زیست در ایران آنها را به فعالیت واداشته و دست به اقدامات انسانی زده‌اند را رژیم اسلامی زندانی می‌کند و بعد از ۸ سال زندانی و شکنجه کردن، “لطف” کرده آنها را مورد “عفو” قرار می‌دهد. یکی از هم‌بندان و هم‌زمان این زندانیان سیاسی، کاووس سید امامی شهروند ایرانی - کانادایی را نیز زیر شکنجه کشته و حالا وقتی اعتراض به دستگیری این فعالین شریف جهانی شده مجبور به آزادی آنها گشته و به اصطلاح “عفو” می‌کند! این بخشش نیست؛ بلکه نشانه‌ای از فشار اجتماعی و خشم عمومی مردم هست که رژیم را مجبور به آزادی این اسیران کرده است.

رژیم‌های دیکتاتوری و به‌ویژه فاشیستی چون

پینوشه، شاه، خامنه‌ای عموماً زمانی مجبور به “عفو” و یا آزادی مخالفین سیاسی خود می‌شوند که آغاز پایان حکومتشان شروع شده باشد. آزادی چند هزار زندانی سیاسی در آخرین ماه‌های عمر حکومت پهلوی نیز از همین قرار است. با نزدیک شدن به بهمن ۵۷ ما شاهد عفو و یا آزادی تدریجی زندانیان سیاسی ای بودیم که سال‌ها در رژیم سابق در زندان بودند و محمدرضا شاه آنها را تروریست می‌نامید! ولی در نهایت صدای انقلاب مردم را شنید و فشار و اعتراضات اجتماعی باعث آزادی همه زندانیان سیاسی در ۳۰ دی‌ماه ۵۷ شد.

جمهوری اسلامی نیز همان رژیمی هست که پس از سی خرداد ۶۰ روزانه ده‌ها و مواردی صدها نفر از

مبارزین و مخالفین سیاسی خود را بدون محاکمه و در دادگاه‌های صحرایی با اتهام‌های واهی زندان، شکنجه و اعدام می‌کرد. اما توازن قوا و فشار انقلاب زن زندگی آزادی روزبه‌روز به نفع مردم برگشته است که زندانیان سیاسی، زندان را به یکی از مراکز نبرد علیه حکومت تبدیل کرده‌اند. قدرت ما مردم رژیم‌های دیکتاتوری را به‌زانو در می‌آورد و رژیم خونخواری چون رژیم اسلامی را وادار می‌کند تا در برابر مردم زانو بزند. آزادی این فعالین محیط‌زیست از اقتدار ما است نه بذل و بخش حکومت. این پیروزی مبارکمان باشد.

دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۳

۸ آوریل ۲۰۲۴

ادعای مسخره دستگیری سران داعش در ایران

میلاد رابعی

سخنگوی پلیس حکومت اسلامی از دستگیری یک "عضو ارشد داعش" و ده نفر دیگر در کرج خبر داد، منابع نزدیک به "جبهه مقاومت ملی افغانستان" اعلام کردند که پلیس ایران "به اشتباه" بستگان یک فرمانده کشته شده این گروه را دستگیر کرده است.

توضیحی کوتاه از ماجرای کمیکی که بار دیگر حکومت توسری خور اسلامی را مفتضح ساخت خالی از لطف نیست. پلیس جمهوری اسلامی فردی به نام محمد ذاکر از شهروندان افغانستانی را در کرج دستگیر می کند و مدعی می شود این فرد "عضو ارشد

و سر تیم عملیات داعش “است و همراه خبر، عکسی در ارتباط با دستگیری این فرد چاپ می کنند که فوراً مشخص می شود این عکس قدیمی است و در افغانستان گرفته شده است. با روشن شدن اصل ماجرا و خبررسانی روزنامه های افغانستان، کاشف به عمل می آید که این فرد نه تنها هیچ ارتباطی با داعش ندارد؛ بلکه از بستگان یکی از سران پیشین “جبهه مقاومت ملی افغانستان” یعنی همان جریان احمد مسعود است که بعد از سر کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان مدتی با طالبان وارد نبرد نظامی شده بود و فرد مذکور به همین دلیل و از ترس طالبان به ایران آمده است.

این ماجرای رقت انگیز و درعین حال مضحک ناشی از یک اشتباه پلیسی و یا سوء تفاهم نیست. جمهوری

اسلامی که این روزها از داخل و خارج کشور زیر انواع و اقسام فشارها در حال له شدن است و چپ و راست از همه طرف سیلی می خورد، برای این که مانوری بدهد و خود را از گوشه رینگ برهاند دست به هر اقدامی می زند تا شاید اقتدار بر بادرفته اش را بازیابد.

وقتی حکومت دنبال کسی می گردد تا با دستگیری او قهرمان قصه شود به سراغ بی دفاع ترین و محروم ترین انسان ها یعنی شهروندان افغانستانی ساکن ایران می رود. کسانی که نه آشنا و خویشاوندی در ایران دارند و نه کوچک ترین فریادرسی. اما این بار تیرشان بدجوری به سنگ خورد و آبروی نداشته خود را بیشتر باختند و رجزخوانی های سعید منتظرالمهدی، سخنگوی نیروی انتظامی چند ساعت

بیشتر دوام نیاورد.

رژیم مفلوک حاکم بر ایران از هر سو تحت فشار است. همه جهان دستش را خوانده‌اند و این روزها تبدیل به موجودی توسری خور شده است. در چنین شرایطی اتخاذ هر تصمیمی از سوی سران رژیم منجر به افتضاحی جدید می‌شود. اما ماجرا به همین جا ختم نخواهد شد و حال نزار حکومت روزبه‌روز وخیم‌تر خواهد شد. برآمد اعتراضی بعدی از سوی مردم می‌تواند ضربه نهایی را بر پیکر متلاشی جانیان اسلامی وارد آورد.

دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۳

۸ آوریل ۲۰۲۴

جشن فارغ التحصیلی دخترانی بوشهری و

دردسر حکومت

اصغر کریمی

وبسایت حکومتی رویداد ۲۴ کلیپ جشن فارغ التحصیلی دانشجویان دختر دانشکده الزهرای بوشهر را تحت عنوان ”ویدئوی جذاب و جنجالی از جشن فارغ التحصیلی دختران بوشهری“ منتشر کرده و رئیس دانشکده الزهرای بوشهر گفته است: ”پیگیری قضایی می کنیم!“ یعنی در حالی که یک بخش حکومت قرار است پیگیری قضایی کند، یکی از رسانه های حکومتی این کلیپ را تحت عنوان یک کلیپ جذاب تبلیغ کرده تا همه ببینند!

حاجیانی رئیس دانشگاه الزهراء بوشهر گفته است: "این موضوع توسط حراست دانشگاه در دست بررسی است و دانشجویی که این فیلم را تهیه کرده، شناسایی شده و فردا قرار است به همراه پدرش جوابگوی این کارش باشد." وی با غیرقانونی خواندن این جشن گفت که دانشگاه این رخداد را پیگیری قضایی میکند.

یک مراسم ساده فارغ التحصیلی به دردسر بزرگی برای حکومتیان تبدیل شده است. زورشان را زده‌اند و یکی را به اتهام تهیه کلیپ شناسایی! کرده‌اند تا همراه با پدرش جوابگو باشد! اقتدار! و آنطرف‌تر چهارمیلیون کودک بدلیل فقر و

هزینه‌های تحصیلی از تحصیل بازمانده‌اند. حکومت، هم از تهیه ساده‌ترین امکانات برای ادامه تحصیل دانش‌آموزان درمانده است هم در مقابل دانشجویانی که برای مقررات اسلامی تره خرد نمیکنند و هم در کنترل رسانه‌های حکومتی.

اشاره به دو سخنرانی خامنه‌ای در روزهای گذشته بخوبی ضعف و استیصال همه‌جانبه حکومت را نشان میدهد. روز ۱۵ فروردین دو روز پس از حمله اسرائیل به کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق و قتل فرماندهان رده بالای سپاه، خامنه‌ای در سخنرانی‌اش خطاب به ارگان‌های حکومتی از آنها خواست وظایفشان را در مقابل زنان بی‌حجاب انجام دهند. اژه‌ای رئیس قوه قضاییه

روز ۱۹ فروردین در دیدار با مدیران رسانه‌های حکومتی، جواب خامنه‌ای را با آه و ناله بسیار داد که ”لایحه عفاف و حجاب از فروردین سال قبل تا کنون به جایی نرسیده، در مورد عفاف و حجاب وضع خوبی نداریم و اگرچه یک سلسله اقداماتی انجام شده، اما هنوز به نتیجه نهایی نرسیده‌ایم و با عمل به همین قوانین موجود، می‌توان وضعیت عفاف و حجاب را بهبود بخشید.“ عجز کامل سیستم قضایی! در سخنرانی روز ۱۹ فروردین نیز خامنه‌ای خطاب به تشکلهای دست‌ساز حکومت در دانشگاه‌ها گفت که نقش این تشکلهای در کنترل دانشگاه‌ها بی‌تاثیر بوده است.

همین دو مورد سخنرانی خامنه‌ای و پاسخ اژه‌ای

استیصال همه جانبه حکومت را نشان میدهد.
گشت ارشاد از اصلی‌ترین ابزارهای تحمیل
حجاب بود که مردم آنرا توی سوراخ کردند و
بی‌حجابی را سراسری کردند. در چنین وضعیتی
جز خون دل خوردن و آه و ناله توسط خامنه‌ای
و سایر مقامات کاری از دستشان برنمیاید.

دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۳

۸ آوریل ۲۰۲۴

فاطمه سپهری و کشف همکار اسرائیل

کیوان جاوید

”خانواده فاطمه سپهری، زندانی سیاسی، می‌گویند برای او پرونده جدیدی به اتهام ”حمایت از اسرائیل“ تشکیل شده است. فاطمه سپهری مهرماه سال گذشته پس از انتقالش از زندان وکیل‌آباد مشهد به بیمارستان، حملات حماس به اسرائیل در روز ۷ اکتبر را محکوم کرده بود. مادر فاطمه سپهری می‌گوید: ”این‌ها می‌خواهند انتقام حمله اسرائیل را از زندانیان بی‌گناه بگیرند.“

وصف حال حکومتی در حال متلاشی‌شدن،

ضربه خورده توسط انقلاب زن زندگی آزادی،
در محاصره همه‌جانبه مردمی که از هر سو به
سمتش یورش می‌برند، حکومتی اسیر بحران‌های
فزاینده اقتصادی، منزوی و مورد تنفر وسیع
افکار عمومی در جهان. چنین حکومتی که هر
روز گروهی از ”سردارانش“ به دست اسرائیل
کشته می‌شوند، حکومتی که رخنه اطلاعاتی-
امنیتی جای امنی برایش باقی نگذاشته است.

این رژیم در محاصره زنان بی‌حجاب با فرهنگ
مدرن جهانی قرار گرفته است؛ در محاصره
جنبش ضد مذهبی که به قول یک بلاگر
مصری که به‌تازگی در ماه رمضان به ایران
سفر کرده بود، می‌گوید هیچ جا آثاری از ماه

رمضان مشاهده نمی‌شود و تا چشم کار می‌کند
روزه‌خواری علنی در همه امکان عمومی است.

این رژیم در منگنه اعتراضات و اعتصابات
بخش‌های مختلف مزدبگیران دارد کمرش خرد
می‌شود. این رژیم در تضاد با زندگی است و
مردمی که برای زندگی شایسته انسانی و دنیای
بهتر می‌جنگند لحظه‌ای رهايش نمی‌کنند.
چنین حکومتی در آخرین مراحل عمر ننگین
خود هر دروغ شاخ‌داری بهم می‌بافد تا شاید
بتوانند مرگش را چند وقتی دیگر به عقب
بیندازد. حالا هم نوبت فاطمه سپهری، یک
زندانی سیاسی دیگر است تا همکار اسرائیل
جا زده شود. دیکتاتور واقعاً در بد مخمصه‌ای

گیر کرده است. این موجود بدبختِ مفلوک و
مالیخولیایی را باید از سوراخش بیرون کشید
و بدست عدالت سپرد.

دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۳

۸ آوریل ۲۰۲۴

دو گروگان فرانسوی حکومت اسلامی

سهیلا دالوند

هفتصد روز پس از اسارت دو فرانسوی به دست جمهوری اسلامی، سسیل کولر و شریک زندگی‌اش ژاک پاری، بستگان و دوستداران آنان شنبه ۶ آوریل، ۱۸ فروردین، با انتشار طوماری خواستار آزادی آن دو شدند. این دو شهروند فرانسوی در جریان سفر تفریحی به ایران بازداشت و تحت فشار مجبور به اعتراف اجباری و متهم به جاسوسی برای فرانسه شدند. این دوزندانی تا به حال بدون محاکمه همچنان در بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس هستند.

خواهر سسیل کوهلر می‌گوید: ”با مجموعه اطلاعات

اندکی که از شرایط زندانی بودن سسپیل و شریک
زندگی‌اش دریافت می‌کنیم و همچنین باتوجه به
گواهی سایر زندانیان، می‌توان دریافت که بند ۲۰۹
زندان اوین، مانند جهنم است.“ او همچنین وضعیت
جسمانی و سلامت روحی آن دو را نگران‌کننده
خوانده است.

حکومت زندان و شکنجه اسلامی در چهار دهه
گذشته شمار زیادی از ایرانیان دو تابعیتی و
شهروندان کشورهای دیگر را در ایران بازداشت
و در برخی موارد حتی از خارج از ایران ربوده و به
داخل کشور منتقل کرده است. جمهوری اسلامی با
گروگان‌گیری و باج‌خواهی قصد پیشبرد سیاست‌های
شوم و غیرانسانی خود را دارد. اما می‌توان و باید
با قاطعیت در دو سطح متفاوت ولی به هم پیوسته

علیه این گروگان گیری ها ایستاد و دست به تعرض سیاسی علیه حکومت اسلامی زد.

رژیم اسلامی به عنوان یک رژیم قاتل و جنایتکار باید تحت فشار و تحریم سیاسی، فرهنگی، ورزشی، قرار بگیرد و از تمام سازمان های جهانی اخراج شود. روابط دیپلماتیک دولت ها با این جانیان تروریست باید فوراً قطع شود. این یک سیاست در سطح کلان است که بی وقفه باید به پیش برده شود.

اعتراض ایرانیان ضد حکومت اسلامی و مدافعان انقلاب زن زندگی آزادی در کنار مردم جهان علیه این گروگان گیری ها باید به یک واقعه منظم و مداوم تبدیل شود. این فشار سیاسی بر دولت ها باعث می شود تا دول غربی سیاست تهاجمی سیاسی علیه

رژیم اسلامی در پیش بگیرند. به طور مشخص آنچه در رابطه با این دو اسیر فرانسوی گرفتار آمده در دست حکومت اسلامی فوری و حیاتی است، برخورد قاطع دولت فرانسه است. دولت فرانسه اگر بخواهد می تواند بیشترین فشارهای سیاسی و دیپلماتیک را بر جمهوری اسلامی وارد کند تا سسیل کولر و ژاک پاری آزاد شوند. باید دولت فرانسه را واداشت تا سیاست مماشات و اتخاذ تصمیم های پشت پرده را کنار بگذارد و منظمّاً در باره اقداماتش به مردم و خانواده ها علناً پاسخ بدهد. تنها قدرت است که رژیم اسلامی را عقب می راند و ما مردم کارآمدی این قدرت را بارها تجربه کرده ایم.

دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۳

۸ آوریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۷۰۰

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

۹ آپریل ۲۰۲۴ - ۲۱ فروردین ۱۴۰۳

در این شماره ژورنال

سقوط آزاد ریال و سقوط آزاد رژیم

حمید تقوایی

ساخت مسجد در تفریحگاه‌ها: رودرویی مردم و خدا

سیاوش آذری

وضع بد حجاب، وضع خوب بی حجابی

کیوان جاوید

پیامبر گوشت تلخ، امام علی خشن

محسن ابراهیمی

حکومت در حال زوال و شرایط استخدام

اصغر کریمی

سقوط آزاد ریال و سقوط آزاد رژیم

حمید تقوایی

قیمت دلار به ۶۵ هزار تومان رسید و این رکورد تازه ای در سیر صعودی نرخ دلار است. سیری که از همان آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی آغاز شده و همچنان با شتاب فزاینده ای ادامه دارد. این روند همه جا در رسانه‌ها و در میان مردم و متخصصین افزایش قیمت دلار نامیده می‌شود. ولی همه می‌دانند آنچه واقعاً اتفاق می‌افتد افزایش قیمت دلار نیست بلکه کاهش قیمت ریال است. این دلار نیست که مدام گران می‌شود، این ریال است که مدام بی ارزش تر می‌شود. نه تنها دلار بلکه پوند و یورو و همه ارزهای دیگر هم در ایران - و نه در جهان - مدام در حال "گران شدن" هستند.

قیمت دلار تنها در دوره دولت رئیسی ۲/۶ برابر شده (ارزهای دیگر هم به همین نسبت گران شده اند) و این یعنی ارزش ریال در این دوره حدود یک سوم شده است.

بی‌ارزش شدن ریال خود شاخص مهمی در نشان دادن وخامت رو به تشدید وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی و فساد و چپاولی است که مافیای اقتصادی حاکم در ایران برقرار کرده است. ارز دونرخی از همان بدو روی کار آمدن رژیم محمل و مکانیسمی بوده است برای کسب درآمد و رانت‌خواری آیت‌الله‌های میلیاردر و سلاطین ارز. “کسبه ارز” هم، مانند “کسبه تحریم”، از ارز دونرخی ثروت‌های نجومی به جیب می‌زنند. این رشد مدام نرخ ارزهای خارجی، یا در واقع سقوط

مداوم قیمت ریال، یک مکانیسم نهادینه شده در سرمایه‌داری دزدسالار جمهوری اسلامی است. گرانی پرشتاب و بی‌سابقه قیمت دلار و دیگر ارزها نه تنها نشانه سقوط آزاد ارزش ریال، بلکه آینه تمام‌نمای اقتصادی است که دزدی و قاچاق و فساد و خرید ارز با قیمت دولتی و فروش آن با نرخ بازار آزاد جزء نهادینه شده آن است. اقتصاد مافیائی جمهوری اسلامی بدون ارز دونرخی، بدون بازار قاچاق و حتی بدون تحریم‌ها امرش نمی‌گذرد.

قربانیان این وضعیت توده مردمی هستند که با گرانی و تورم نجومی و بی‌تامینی اقتصادی و زندگی زیر خط فقر دست به گریبان‌اند. برون‌رفت از این وضعیت نیز در دست توده مردم است. راه خلاصی از دزدسالاری حاکم و بحران اقتصادی مزمن و

نهادینه شده به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و درهم کوبیدن کل نظام چپاؤلگر سرمایه‌داری است. این چشم‌اندازی است که انقلاب زن زندگی آزادی و جنبش نود و نه درصدی‌ها علیه فقر و فساد که امروز کارگران شاغل و بازنشسته با شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" پرچم آن را برافراشته‌اند، پیش‌روی ما قرار می‌دهد. چاره سقوط ارزش ریال، سقوط جمهوری اسلامی است.

سه‌شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۳

۹ آپریل ۲۰۲۴

ساخت مسجدها در تفریحگاهها:

رودرویی مردم و خدا

سیاوش آذری

بنا بر گزارش‌ها رژیم اسلامی مدتی است به پروژه ساخت مساجد در تفریحگاه‌ها پارک‌ها، پردیس‌ها و دیگر اماکن مورد استفاده مردم روی آورده است. البته جمهوری اسلامی در طول حاکمیتش همیشه بودجه‌های کلانی را به ساخت مساجد و امامزاده‌ها، حوزه‌های علمیه و دیگر مراکز تولید جفنگیات و مزخرفات دینی و اسلامی اختصاص داده است. این در حالی است که در ایران به دلیل عدم وجود بودجه کافی میلیون‌ها کودک از تحصیل بازمانده‌اند، هزاران کلاس درس و مدرسه

در شرایط خطرناک قرار دارند و فقر و فلاکت گریبان گیر عموم مردم در ایران گشته است.

مسلماناً مغزشویی، تحمیق توده‌ها، تولید و توزیع کلان خرافات و باورهای غیرعقلایی از جمله اهداف ساخت مسجد و اماکن دینی است. اما تلاش در ساخت‌وساز گسترده مساجد و اماکن دینی و پافشاری در ایجاد شبکه ۷۰۰۰۰ مسجد اهدافی کاملاً سیاسی و مادی را در نظر دارد. جمهوری اسلامی در همان ابتدا از زبان خمینی این هدف را با جمله ”مسجد سنگر است“ بیان کرده بود. اینجا نیز اهداف بلافاصله مادی و سیاسی پایه و اساس اهداف و نیات ایدئولوژیک را تشکیل می‌دهند، اینجا نیز ایدئولوژی حاصل و بیان و در خدمتِ

سیاست است و نه بر عکس.

هدف اصلی حکومت از ساخت و ساز مساجد در پارک‌ها و تفرجگاه‌ها کنترل این نقاط با استفاده از مساجد به عنوان پایگاه‌های امنیتی است. اما این هدف نیز، مانند اهداف اسلامیزه کردن جامعه و تحمیل انسان‌ها در سطح کلان و به تمکین کشاندن توده‌های مردم توسط رژیم اسلامی غیرقابل دسترسی است. اصرار در ساخت مسجد در پردیس‌ها و پارک‌ها و اقدام به اشغال این اماکن خود حاصل دهن کجی توده‌های مردم به فرهنگ و آداب اسلامی که نمونه‌ای از آن را همین سیزده بدر پیش شاهد بودیم، و تحمیل موازنه جدید قدرت سیاسی و اجتماعی به نفع مردم و علیه حکومت به

یمن پیشروی‌های انقلاب زن زندگی آزادی است.

ورود مستقیم خدا در کنار حکومت الله به صحنه
نبرد میان مردم و رژیم نه نشانه قدرت بلکه نماد
زدوده شدن هاله توهّم‌آمیز مقدسات اسلامی و
پایان اخرویت و زمین‌گیر شدن الله در مقابل
انقلاب مردم است. مارش انقلابی مردم دفتر این
شبکه امنیتی تولید مزخرفات را خواهد بست و
به مارش خدا بر روی زمین پایان خواهد داد.

سه‌شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۳

۹ آپریل ۲۰۲۴

وضع بدِ حجاب، وضع خوب بی حجابی

کیوان جاوید

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه: ”در قضیه عفاف و حجاب وضع خوبی نداریم. اگرچه در این رابطه یک سلسله اقداماتی انجام شده، اما هنوز به نتیجه نهایی نرسیده‌ایم.“

اینکه وضع خوبی ندارید خبر کهنه‌ای است. وضع بد شما نتیجه بی حجابی بسیاری از زنان در سراسر ایران است و این وضع وخیم حکومت اسلامی با هیچ لایحه و قانون و ماده و تبصره‌ای بهبود پیدا نمی‌کند. حجاب فقط یک تکه پارچه بی‌آزار نیست که بود و نبودش فرقی به حال حکومت نکند. این

پارچه آغشته به خون زنان، سمبل جنبش ضدبشری و ضد زن اسلامی است و صدالبته همانطور که همه می‌دانند حجاب نشانه کنترل و اقتدار حکومت بر کل جامعه و در اسارت نگه داشتن همه زنان است. در تقابل با این ”تکه پارچه“ آلوده به لجن اسلامی، بی‌حجابی نیز یک جنبش است. جنبش خلاصی فرهنگی و رهایی زن از اسلام و همه تاریخ خونبار مذهبی و اسلامی.

بی‌حجابی پرچم یک جامعه آزاد است که اجازه نمی‌دهد مذهب بتواند در زندگی خصوصی مردم دخالت کند. بی‌حجابی در ایران از یک حرکت برای رهاشدن از روسری و مانتو و چادر به مراتب فراتر رفته است و به قدرت یک جنبش نقد مذهب و نقد تابوها و زدن زیر همه مقدساتی تبدیل شده

است که جلوی پیشرفت و تعالی و تکامل انسان را می‌گیرد.

وضع حکومت خراب است؛ اما نه فقط در رابطه با حجاب. حکومت در برابر خواست مردم برای بهره‌مند شدن از همه دستاوردهای خوب زندگی ایستاده است؛ در برابر زیبایی و خوشی و در برابر رقص و کنسرت و موسیقی ایستاده است. این رژیم جنگ را به نوجوانان دبیرستانی، به دختران و پسران جوان و به فرهنگ مدرن و پیشروی انسانی باخته است. این رژیم نماینده ماتم و عزا در برابر زنان و مردان مدرن، زانو زده است و به این ترتیب وضع خراب حکومت فراگیر و سراسری و ریشه‌ای است.

اعتراف خامنه‌ای در چند هفته قبل که دستگاه‌های

چند گانه حکومتی را به ایستادگی در برابری حجابی
فراخوانده بود دیگر "بادهوایی" بیش نیست. این طور
می گویند تا شکست را در پیشگاه مردم لاپوشانی
کنند. رژیم اسلامی در فرهنگ و اقتصاد و سیاست
جنگ را به مردم باخته است. انقلاب "زن زندگی
آزادی" به این معنادار دریشه حکومت را می خشکاند
تا در آینده ای نزدیک با کشیدن کبریت انقلاب
آتش به انبار حکومت بزند. اعتراف اژدهای کاممان
را حقیقتاً خوش کرد.

سه شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۳

۹ آپریل ۲۰۲۴

پیامبر گوشت تلخ، امام علی خشن

محسن ابراهیمی

علیرضا پناهیان، یکی از عمامه درشت‌های بیت‌الفساد خامنه‌ای و از سخنرانان دفتر او، در برنامه صداوسیما از پیامبر اسلامشان با صفت “گوشت تلخ” و از امام اولشان با صفت “خشن” یاد کرد. او گفت: “رسول خدا نه یک رفیق برای خودش و نه برای علی نگه داشت. فکر نکنیم که رسول خدا مهربان بود، امیرالمؤمنین گوشت تلخ بود. همه می‌دانستند که ایشان وقتی خشن بود، همه می‌آمدند شکایت می‌کردند که آقا امیرالمؤمنین خشن رفتار می‌کند. بعد می‌فرمود شکایت نکنید از علی ابن ابی طالب. او در راه خدا این خشونت را دارد. من مانده‌ام رسول خدا چرا یک بانندی برای

خودش درست نکرد... خیلی‌ها را می‌تاراند. سیزده سال طول کشید به‌خاطر همین گوشت‌تلخی بود.

بر منکرش لعنت. همه این صفات بارز رسول خدا را ما مردم ایران از بر هستیم. می‌دانیم که پیامبرتان مثل خودتان یک باندباز هفت‌خط بود و به ضرب شمشیر و خونریزی و باندبازی و خدعه و حقه‌بازی نکبت اسلام را بر مردم تحمیل کرد. با قساوت و خونریزی امام اولتان هم آشنا هستیم. خمینی هنگام یورش به کردستان، ما را با درندگی امیرالمؤمنین خوب آشنا کرد: ”مولای ما امیرالمؤمنین سلام‌الله‌علیه شمشیر را کشید هفتصد نفر را در یک روز از دم شمشیر گذراند!“ دقیقاً همان قتل عامی که خود امام قاتل علیه زندانیان دهه شصت براه انداخت!

می‌دانیم که جمهوری اسلامی به‌خاطر یک هزارم
اظهاراتی شبیه سخنان این آخوند، انسان‌های
آزادی‌خواه و شریف را به جرم ”سب‌النبی“ بالای
دار برده است. سر مبارک سخنران بیت اما
همچنان زیر عمامه‌اش می‌جنبد و او در یک برنامه
تلویزیونی بعد از یک ”استغفار“ آخوندی به‌خاطر
این ”جسارت“ از هم‌کیشانش طلبکار هم شد که
سخنانش ”از جانب حسودانی بود که نسبت به
امیرالمؤمنین حسادت داشته‌اند... این که ایشان
گوشت‌تلخ بود، نظر من نیست؛ بلکه از زبان
حسودان گفتم“!

این نشان می‌دهد که مقدس بودن پیامبر و امامان
برای این حقه‌بازان سیاسی کشک است. مقدسات
اینها پول و ثروت و قدرت و چپاول و دزدی است.
از پیامبر و امامان تابو درست کرده‌اند تا زیر سایه

شوم مجازات اعدام به نام "سب‌النبی" بدزدند و
بچاپند. بی‌دلیل نیست که مردم در انقلاب زن
زندگی آزادی نشان دادند که از پیامبر و امامان و
مسجد و منبر و عبا و عمامه و حجاب و هر چیزی
که بویی از اسلام دارد منزع‌ج‌رند و می‌خواهند این
بساط چرکین و خونین را برای همیشه از صحنه
زندگی‌شان جارو کنند.

سه‌شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۳

۹ آپریل ۲۰۲۴

حکومت در حال زوال و شرایط استخدام

اصغر کریمی

امام جمعه اصفهان گفته است: "کارمند دولت زمانی که استخدام می شود باید معتقد به حکومت اسلامی و مسائل اسلامی باشد و آن را رعایت کند و این شرایط را تا آخر خدمت خود داشته باشد، لذا اگر به عنوان مثال خانمی که استخدام شده حجاب را کنار گذارد شرط استخدام را از دست می دهد."

وقتی حکومتی روبه زوال می رود و در سراسری قرار می گیرد، آن وقت مقاماتش در هر اظهارنظری فاصله مردم از خود را بروز می دهند و مجبور به تهدید می شوند. جامعه چنان از ارزش های اسلامی و حکومتی فاصله گرفته و چنان هر روز و هر لحظه

و در همه جا آنها را به چالش می کشد که مقامات حکومت را مثل خوره می خورد و مجبورشان می کند که مدام از شکست و ناکامی خود حرف بزنند. در همین سه روز گذشته اژه‌ای گفت در زمینه حجاب و عفاف وضع خوبی نداریم. خامنه‌ای در جمع تشکل‌های دست‌ساز حکومتی گفت تأثیری در محیط دانشگاه نداشته‌اند و دانشجویان دست‌چین شده و سرسپرده حاضر نیز لیستی از بحران‌ها و ناکارآمدی‌های حکومت در زمینه عدالت و غیره و غیره را در مقابل خامنه‌ای ردیف کردند. چند روز قبل از آن نیز خامنه‌ای به‌خاطر نارضایتی از گسترش بی‌حجابی در سخنرانی‌اش ارگان‌های حکومت را مورد خطاب قرار داد و تأکید کرد که باید به وظایفشان عمل کنند.

امام‌جمعه اصفهان که می‌داند کارمندان دولت

برای حکومت و مسائل اسلامی تره خورد نمی کنند دست به تهدید می زند، البته تهدیدها هم دیگر باروتی ندارند و بیشتر به آه و ناله و التماس شباهت دارند تا تهدید، می گوید موقع استخدام باید به حکومت و مسائل اسلامی معتقد باشند و این شرایط را باید تا آخر خدمت داشته باشند. در حالی این تهدید مطرح می شود که همین چند هفته قبل یکی از شرکت کنندگان در یک برنامه تلویزیونی شان گفت از یکی سؤال می کنند آقا شما از اقلیت مذهبی هستید می گوید نه از اکثریت بی دین هستم. تأثیر خطابه امام جمعه اصفهان خطاب به اکثریت بی دین را می توان حدس زد.

اوضاع در زمینه اقتصاد از این هم وخیم تر است. کافی است به سقوط آزاد ارزش ریال نگاه کنید تا به عمق موقعیت اقتصادی حکومت پی ببرید.

در یک کلام، ارزش‌های اسلامی در میان اکثریت مردم سقوط کرده، بی‌دینی فراگیر شده، بی‌حجابی سراسری شده، بی‌اعتقادی و بی‌اعتمادی در میان نیروهای سرکوب، چه برسد در میان مردم، عمومی شده، فقط در یک چیز رژیم کارنامه بسیار مثبتی دارد و نه تنها سقوط نکرده؛ بلکه تصاعدی افزایش داشته و آن هم دزدی و فساد مقامات و آیت‌الله‌ها است.

سه‌شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۳

۹ آپریل ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال